

کتابخانه

سیاح تاج الدین احمد وزیر

(۱۳۰۶ هـ. ق.)

تصحیح و تصانیف از استاد محترم آیت الله العظمیٰ خراسانی

مکتب مطبوعاتی

مشهد



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

نسخه پنجم برزده

بیاض تاج الدین احمد وزیر

(۷۸۲.۰ ق)



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

نسخہ منخبہ فرود

سیاض تاج الدین احمد وزیر

(۷۸۲ھ ق)



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
جلد دوم

تصحیح، بازخوانی، رفع اعتشاش، تعریب، تعلیقات و تہذیب فارسی

دکتر علی زمانی علوی

جمعہ داری اموال

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۵۹۸۳۶

تاج الدین وزیر ، احمد بن محمد ، قرن ۸ ق ، گردآورنده .

بیاض تاج الدین احمد وزیر / [گردآورنده تاج الدین احمد وزیر] ، تصحیح علی
زمانی علویجه ، - قم : مجمع ذخائر اسلامی ، ۱۴۲۳ ق . = ۱۳۸۱ .
ج ۲ . : نمونه ، عکس .

دوره ۷۲۰۰۰ ریال (دوره) ۸-۶۴-۶۷۶۷-۹۶۴ ISBN

(ج ۱) ۹-۶۹-۶۷۶۷-۹۶۴ ISBN

(ج ۲) ۲-۷۰-۶۷۶۷-۹۶۴ ISBN

نسخه عکسی این کتاب در سال ۱۳۵۳ زیر نظر ایرج افشار و مرتضی تیموری
توسط انتشارات دانشگاه اصفهان منتشر شده است .

کتابنامه : ج ۱ . ص ۵۶۴-۵۶۸ ؛ ج ۲ . ص ۴۲۱-۵۳۲

۱ . اسلام - مجموعه ها . الف . زمانی علویجه ، علی ، مصحح . ب . عنوان

۲۹۷

ب ۲ ت / ۴۱۶ BP



بیاض تاج الدین احمد وزیر

جلد دوم

تحقیق و تصحیح : دکتر علی زمانی علویجه

چاپ : شریعت (چاپ اول - مصحح -) ۱۵۰۰ دوره

نشر : مجمع ذخائر اسلامی - قم

تاریخ چاپ : ۱۳۸۱ هـ ش ، ۱۴۲۳ هـ ق

لینوگرافی : شریعت

شابک : (ج ۲) ۹۶۴-۶۷۶۷-۷۰-۲ ISBN : 964-6767-70-2

شابک دوره : ۹۶۴-۶۷۶۷-۶۴-۸ ISBN : 964-6767-64-8

تمامی حقوق محفوظ است

www:zakhair.com *// *Email: pub@zakhair.com

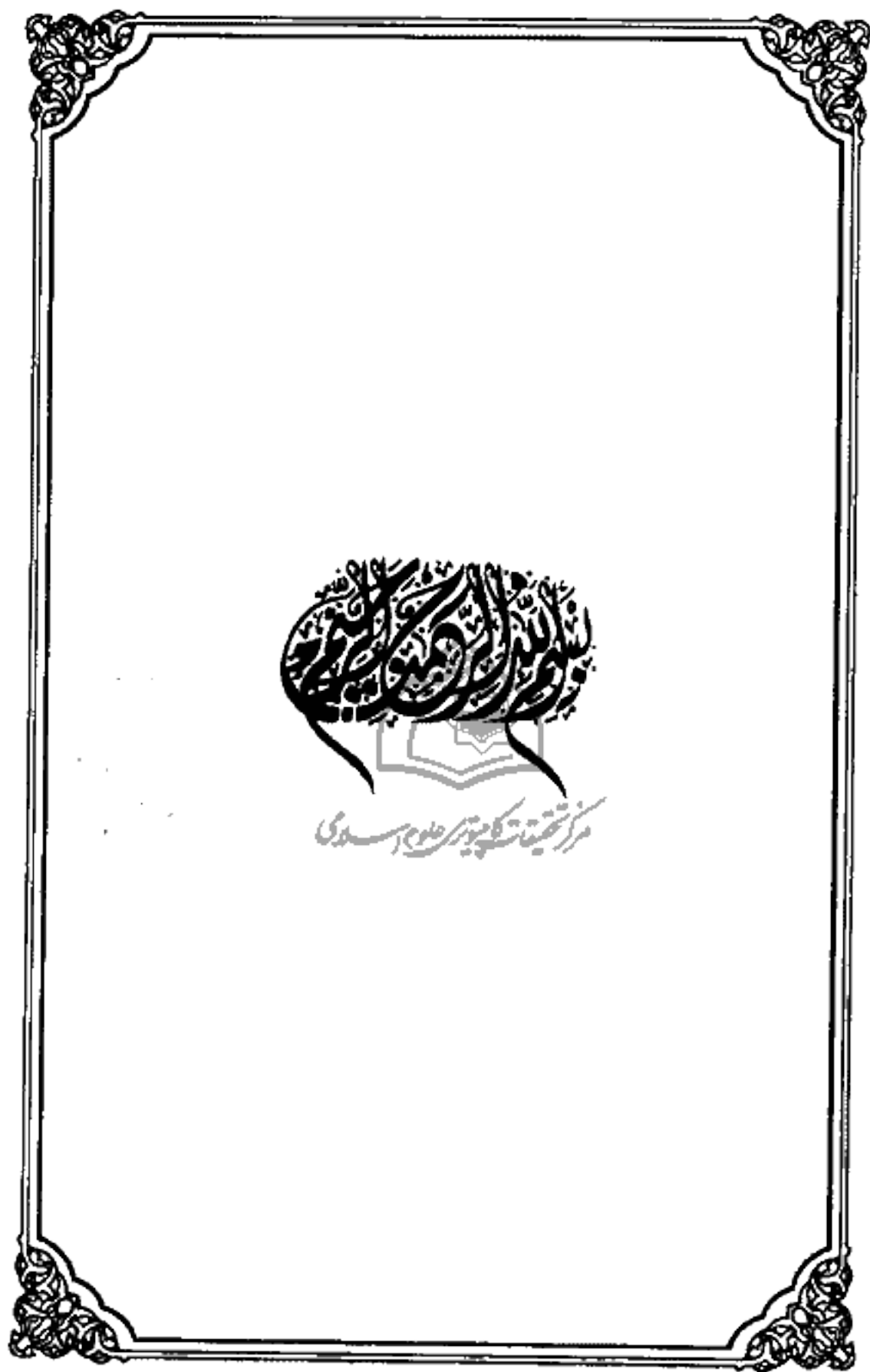
تلفن : ۷۷۲۰۶۶۲ (۰۲۵۱)

کتابخانه

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

شماره ثبت : ۲۴۰۴۴

تاریخ ثبت :



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

* ٥١٢ * [مِمَّا زَيْنَ صَفْحَاتِهِ]
 [الْمَوْلَى الصَّاحِبِ الْأَعْظَمِ مَنْشَى الْمَمَالِكِ]
 [وَالْأَجُوبَةَ عَنْهَا]

مِثَانِيرُ صَفْحَانِي بِطَائِفِ الْأَنْشَاءِ
 وَالْأَمَلِ الْأَعْظَمِ الصَّاحِبِ الْأَعْظَمِ
 مَنْشَى الْمَمَالِكِ مَجْلَى خِرَائِنِ
 التَّغَالِبِ عَلَى سِرِّهِ الْفَرِيقِ
 وَالرَّايِ بِحَالِ الْمَلِكِ الْفَرِيقِ
 جَابِي أَعْدَاءِ السَّيِّئِ

قال أمير المؤمنين عليه السلام بعد من فضله الصلوات تسلموا وتسلموا أو صيغكم
 بتعريفه لسهو العداية وقد نسى وقد التقم وقد الكلام و
 كثرة ذكر المذكر العلام بجران المعاصي من نام وذكر الشهوات على الأمان
 والمواظبة على الصيام والقيام وتجمال النجار من جميع الأقسام وذكر
 بحال السفهارة والعوام وحسن الصالحين والكرام وغير الناس من شيخ
 أمير المؤمنين عليه السلام

مِمَّا زَيْنَ صَفْحَاتِهِ بِلَطَائِفِ^(١) الْإِنْشَاءِ وَالْإِمْلَاءِ [ع]
 الْمَوْلَى الصَّاحِبِ الْأَعْظَمِ مُنْشَى الْمَمَالِكِ، مُحَلَّى عَرَائِسِ^(٢)
 النَّفَائِسِ^(٣) عَلَى سُرُرٍ مِنَ الطَّرَائِفِ^(٤) وَالْأَرَائِكِ^(٥)
 جَمَالَ الْمِلَّةِ وَالدِّينِ حَاجِي أَعْلَى اللَّهِ شَانَهُ

«قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ^(٦) وَالسَّلَامِ: أَوْصِيكُمْ
 بِتَقْوَى اللَّهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَقِلَّةِ النَّمَامِ، وَقِلَّةِ الطَّعَامِ، وَقِلَّةِ الْكَلَامِ، وَكَثْرَةِ ذِكْرِ الْمَلِكِ
 الْعَلَامِ، وَهَجْرَانِ الْمَعَاصِي وَالْآثَامِ، وَتَرْكِ الشَّهَوَاتِ عَلَى الدَّوَامِ، وَالْمُوَاطَّأَةِ عَلَى الصِّيَامِ
 وَالْقِيَامِ، وَاحْتِمَالِ الْجَفَاءِ مِنْ جَمِيعِ الْآثَامِ، وَتَرْكِ مُجَالَسَةِ الشُّفَهَاءِ وَالْعَوَامِ، وَمُصَاحَبَةِ
 الصَّالِحِينَ وَالْكَرَامِ، وَخَيْرِ النَّاسِ مَنْ يَنْفَعُ النَّاسَ^(٧)
 وَ: خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَدَلَّ^(٨)» (٩).

(١) بلطائف .

(٢) هرايس .

(٣) النفائس .

(٤) الطرائف .

(٥) ارايك .

(٦) الصلوات .

(٧) شرح نهج البلاغة ٦/٦٦ ولاية محمد بن أبي بكر علی مصر وأخيه .

(٨) غرر الحكم ص ٢١١ باب ١ قلة الكلام .

(٩) گفتار حضرت امام علی (ع) در این صفحه به خط کاتب دیگری است و بعد آن نوشته شده است زیرا اولاً خط بامتن بعدی متفاوت است ثانیاً موضوع متن بعدی تاریخ است ثالثاً در صفحه معرفی شخص کاتب آمده است که معمولاً کلیه این صفحات معرفی را فردی غیر از نویسنده اصلی می نوشته است و این صفحات فقط ناظر به معرفی و مدح نویسنده آن مجموعه است و به خط قرمز در اصل بیاض نوشته شده اند .

فتح نامہ اصفہان

۵۱۳*

چون بعون عنایت (۱) ازلی و یمن سعادت (۲) لم یزلی أبواب فتح و نصرت (۳) بر چہرہ روزگار ہمایون ماگشادہ و اسباب ظفر و پیروزی ایام میمون را آمادہ است لاجرم روی بہ ہر مہم کہ می نہیم وفود توفیق مواکب کواکب عدد را یدو حامی می شود و عزم ہر قضیہ کہ مصمم می گردانیم جنود تائید عساکر منصور را قاید و ہادی می گردد ﴿وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ﴾ (۴) ہنوز صورت مصلحتی بر صحیفہ ضمیر مرتسم نشدہ کہ ہاتف غیب اتمام آنرا ندا [ی] انجام می دہد و بیرنگ استخلاص مملکتی بر لوح خاطر منتقش نگشتہ کہ ملہم صواب حصول آنرا بقبول حسن تلقی می نماید و أفواج دولت إدراک آن امنیت (۵) را بر وفق بغیت (۶) دواسبہ استقبال می کند و ﴿ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ (۷) ، و مصداق این مقال و برہان این حال آنکہ چون در کنف حیاطہ ربّانی و کھف کلاتہ یزدانی - جَلَّ جَلَالُهُ وَ عَمَّ نَوَالُهُ - عزیمت توجہ بر صوب عراق مقرر فرمودیم و بہ مبارکی و طالع سعد بظاہر اصفہان رسیدیم و حوبہ آنجا مرکز رایات نصرت (۸) پیکر گشت * ۵۱۴* و برادر اعزّ اکرم أمجد ارشد أشجع أنجد صفدر کامگار، پیروزبخت دولتیار عضدالیمین محمود - أَبْقَاهُ اللَّهُ تَعَالَى (۹) - کیفیت نزول مبارک معلوم کرد همانا ملقن عنایت و ہدایت الہی کہ مفید الطاف و مفیض عواطف نامتناہیست معنی آیہ ﴿أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنْ

(۱) عنایة .

(۲) سعادت .

(۳) نصرة .

(۴) قرآن کریم سورہ المدثر (۷۵) آیہ ۳۱ .

(۵) امنیة .

(۶) بغیة .

(۷) قرآن کریم سورہ العہد (۵۷) آیہ ۲۱ .

(۸) نصرة .

(۹) تعال .

الْحَقِّ»^(۱) بفهم او رسانید و بصدق فراست و وفور کیاست دقایق این موعظه حسنه دریافت و از راه تدبیر و تفکر فواید آن بر او مکشوف شد و به حقیقت دانست که «الرَّجُوعُ إِلَى الْحَقِّ خَيْرٌ مِنَ التَّهَادِي فِي الْبَاطِلِ»^(۲)، اصلی معتبر و بایی معظمست و وقتی به کرامات دو جهانی و سعادات جاودانی فایز خواهد بود که تحرّی رضا [ی]^(۳) ما را تالی فرایض داند و متابعت آراء عالم آرای را از روی یکدلی نصب العین سازد و امر و اشارت ما را در سرّ و ضرّ و شدّت^(۴) و رخا امام و مقتدی و دلیل و راهنما گرداند بنا بر وثوقی که^(۵) به کمال تعطف و مهربانی و اعتمادی که^(۶) بر شمول اشفاق و حفاوت^(۷) جبلی ما حاصل دارد از راه اعتذار در آمد و از سر بصیرت^(۸) تمام پای در دایره استطفاف نهاد و به تجدید* ۵۱۵* دست در دامن محبّت اصلی که حبل متین آن به هیچ تأویل قطع نمی‌توان کرد، زد و به اذیال رأفت فطری که مِنْ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ^(۹) آن عزیز برادر را مبذول و مبسوط داشته‌ایم تشبّث نمود و به حکم «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^(۱۰)، در باطن خود تغییری کرد که آثار آن در اندرون مبارک ما ظاهر شد و سلسله اخوت را به سر انگشت لطایف معذرت چنان تحریک داد که آنرا به مسامع استرضا اصفاء کرده مرضی و مشکور و مسموع و مقبول فرمودیم و هر غبار وحشتی که در این مدت بر حواشی خاطر کیمیا خاصیت نشسته بود به کلی برخاست و سوء ظن به حسن یقین مبدّل گشت و طمأنینه در مقام ریبت قرار گرفت چنانچه از

(۱) قرآن کریم، سوره حدید، (۵۷) آیه ۱۶.

(۲) شرح نهج البلاغه ۱۷/۵۹ رساله الاسکندرالی ارسطو.

(۳) رضا.

(۴) شدة.

(۵) کی.

(۶) کی.

(۷) حفاوة.

(۸) بصيرة.

(۹) العهد.

(۱۰) قرآن کریم، سوره رعد (۱۱) آیه ۱۳.

طرفین هیچ کدورت نماند و موارد و مشارب برادری و مناهل و مشارع کهنتر، مهتری از مجموع شویب صافی شد و به صفاء اول باز رفت به نوعی که (۱) امید واثق و رجاء صادق که (بعدالیوم) (۲) اساس آن چون جهات ستّ پایدار و مانند «سبع شداد» (۳) استوار باشد.

وَلَمْ أَرَ أَبْقَى مِنْ وَصَالٍ (۴) مُرَاجِعٍ إِلَى الْوُدِّ (۵) مِنْ بَعْدِ الْقَلْبِ وَالتَّقَاطُعِ

* ۵۱۶ * در این اقسام صفت وضوح و سمت ظهور یابد، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ، إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ، چون ما را با وجود دیگر برادران و فرزندان صلیبی هیچ آفریده عزیزتر و ارجمندتر از او نیست و او را ذخیره احقاب و مایه استظهار می دانیم و بعد فضل الله تعالی (۶) محل اعتماد می شناسیم ملتمس آن عزیز برادر را بأسعاف مقرون داشتیم و روز جمعه سادس عشر ذوالحجّة الحرام - عَمَّتْ بَرَكَاتُهُ - خطبه و سگّه تمام مملکت (۷) عراق و خوزستان بنام و لقب همایون ما مشرف گردانید و گوش و گردن عروس ملک بدان زیور زیب و زینت پذیرفت و جمیع اوامر و نواهی را ملتزم گشت و از حفظ مراسم ادب و رعایت دقایق خدمت هیچ باقی نگذاشت و بتازگی عهد ملاقات و مصاحبت که (۸) امداد آن به امتداد روزگار متصل باد تازه گردانیدیم و نوایر نزاع را به زلال شفقت تسکین دادیم و از جانبین ماضی ما ماضی گفتیم و صلح و صفایی که (۹) بنیادی محکم و قاعده ثابت دارد در میان آمد و از اندرون * ۵۱۷ * دلها استماع می افتد که :

دَعِ الْوُشَاةَ بِمَا قَالُوا وَ مَا فَعَلُوا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ مَا لَيْسَ يَنْفَصِلُ

(۱) کی .

(۲) بعدالیوم بالای سطر نوشته شده است .

(۳) قرآن کریم سوره النبا (۷۸) قسمتی از آیه ۱۲ .

(۴) بالای وصال و داد نوشته شده است .

(۵) بالای الودّ الحبّ نوشته شده است .

(۶) تعالی .

(۷) مملکت .

(۸) کی .

(۹) کی .

بیا که نوبت صلحست و دوستی و عنایت

بشرط آنکه نگوئیم از آنچه رفت حکایت

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ إِحْسَانِهِ قَدْ رَجَعَ الْحَقُّ إِلَىٰ مَكَانِهِ

شکر این نعمت که روی نمود و این اتفاق حسنه که (۱) دست داد همگی همت و کلیت
نیّت بدان مقصور و مصروف فرموده‌ایم که (۲) خاص و عام را در سایه عدلت و پناه
مرحمت جای دهیم و جناح اشتبال بر احوال همگنان گستریم و عموم زیردستانرا که
ودایع حضرت (۳) آفریدگار عزّ شأنه و عظم برهانه‌اند در حجر رأفت و عاطفت نگاه داریم
چنانچه در ریاض آسایش و آرامش و ظلال امن و استقامت (۴) روزگار گذرانند (۵) و اجر
و ثواب و درجات آن دنیا و دیناً و عاجلاً و آجلاً بحصول پیوند و روزگار دولت
روزافزون و آیام همایون را مدّخر ماند
در این هفته عنان عزیمت مواکب فرخنده بمراجعت صوب دارالملک معطوف خواهد
بود این منشور - نَقْدَهُ اللهُ تَعَالَىٰ فِي الْأَقْطَارِ - در قلم آمد * ۵۱۸ * و [نزد] (۶) مرتضی و ملک
معظم ملک السّادة نظام الدّین ملک محمود فرستاده شد تا نواب ما و عصبه سادات (۷) و
قضات (۸) و علما و موالی و ائمه و مشایخ و صدور و صواحب و اعیان و اکابر و اصول و
پیشوایان و جمهور متوطنان دارالملک و ولایات فارس بر [ا]ین معنی واقف شوند و این
خبر به اقصای و ادانی ممالک دور و نزدیک مواضع رسانند و یقین دانند که (۹) در تدبیر

(۱) کی .

(۲) کی .

(۳) حضرة .

(۴) استقامة .

(۵) گذرانند .

(۶) در این موضع حرف واو زاید است .

(۷) همینگونه در متن .

(۸) قضاة .

(۹) کی .

اسباب فراغ بال و تیسیر ابواب دفاع حال ایشان به همه غایتی خواهیم رسید و انواع
مراحم و عواطف درباره عموم خلائق ارزانی خواهیم داشت، وَاللَّهُ وَلِيُّ الْعِصْمَةِ وَالتَّوْفِيقِ وَ
هُوَ بِتَحْقِيقِ رَجَا [ء] الرَّاجِينَ حَقِيقٌ.



كَتَبَ بِالْأَمْرِ الْعَالِي - أَعْلَاهُ اللَّهُ تَعَالَى (۱) وَ أَجَلَهُ - فِي السَّابِعِ عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ لِسَنَةِ
ثَمَانِيٍّ وَ سِتِّينَ وَ سَبْعِمِائَةَ الْهَجْرِيَّةِ بِأَصْفَهَانَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ صَحْبِهِ أَجْمَعِينَ، رَبِّ اخْتِمِ بِالْخَيْرِ وَالْحُسْنَى (۲).

در جواب شیخ الاسلام صدرالدین محمد #۵۱۹#

پسر شیخ قطب الدین جام إصدار افتاد (۳)

مقاطر اقلام گوهر بار و مساطر کلام در بار جناب تقوی شعار، مولانا شیخ الاسلام
اعظم، مرشد قاطبه (۴) طبقات الأمم موئل أصحاب الطریقہ، کاشف أسرار الحقیقة أفضل
و أكمل صنادید دوران، افتخار و مقتدی ایران (۵) [و] بلاد اهل ایمان مکمل الأولیاء
والعرفاء المحققین، المُرْتَقَى إِلَى مَدَارِجِ الْحَقِّ وَ مَعَارِجِ الْيَقِينِ صَدْرُ الْمِلَّةِ وَالْحَقُّ وَالذِّينِ
أَعْلَى اللَّهِ شَأْنُهُ وَ آرد شد، مورد بزگوارش را شرایط اِجْلَالِ وَ تکریم به تقدیم رسید و به
ورود آن سرّ معنی آیه «إِنِّي أَلْقِي إِلَيْكَ كِتَابًا كَرِيمًا» (۶) به ظهور پیوست و منطوق و مقول
این (۷) مقال:

لَقَدْ جَلَى كِتَابُكَ كُلُّ بَثٍّ
جَوٍّ وَأَصَابَ شَاكِلَةَ الرَّمِيِّ

(۱) تعال.

(۲) متن فتح نامه اصفهان در کتاب بحث در آثار و انکار و احوال حافظ چاپ تهران ۱۳۲۱ تالیف دکتر قاسم غنی ص ۲۴۸
به بعد آمده است

(۳) این نامه به خط و انشای حاجی منشی است و از طرف تاج الدین احمد در جواب صدرالدین محمد پسر شیخ قطب
الدین جام فرستاده شده است

(۴) قاطبه.

(۵) این کلمه بظواهر ایران خوانده می شود.

(۶) قرآن کریم، سوره نمل (۲۷) آیه ۲۹.

(۷) عبارت مقول این در حاشیه آمده است و مربوط به اینجای متن می باشد.

فَضُضْتُ خِتَامَهُ فَتَبَلَّجَتْ لِي عَلَى كَيْدِي مِنَ الْوَزْدِ (۱) الْجَنِيِّ
 وَضَمَّنَ صَدْرُهُ مَا لَمْ يُضَمَّنْ صُدُورُ الْغَائِيَاتِ مِنَ الْحَلِيِّ
 فَكَأَيُّنَ فِيهِ مِنْ مَعْنَى بَدِيعِ وَكَأَيُّنَ فِيهِ مِنْ لَفْظِ بَهِيٍّ
 لَيْتُنْ غَرَّبْتُهَا فِي الْأَرْضِ بِكُرًّا لَقَدْ زُقْتُ إِلَى سَنَعِ كَفِيِّ
 وَإِنْ تَكُ مِنْ هَدَايَاكَ الصَّفَايَا فَرُبَّ هَدِيَّةٍ لَكَ كَالْهَدِيِّ

* ۵۲۰ * صفت حال آن دو چون از مدارج و معاطف آن معلوم گشت که (۲) ذات ملک صفات در کنف صحّت (۳) و سلامت (۴) و مجاری احوال و أعمال بر نهج انتظام و سنن استقامت (۵) است انواع ابتهاج و ارتیاح روی نمود وَلِلَّهِ الْحَمْدُ وَالْمِنَّةُ عَلَيَّ ذَلِكَ به اضعاف الطاف که در مضامین آن مدرج و در مطاوی آن مضمّر بود، دعوات صالحات و مدحاث فایحات خالی از شائبه ریا و حال به زیور صدق و صفا و حاکی از محض و داد و ولا اهدا می بود و ایام و اوقات به ذکر محامد و مفاخر و نشر و مناقب و مآثر مزین و منور و مطیب و معطر می بود و به جوامع صورت (۶) و معنی و مجامع ظاهر و باطن مرید و معتقد و به مکانت (۷) جناب معالی مآب و امداد هتم کیمیا خاصیت مستظهر و معتضد بوده و هست يك طرفه العين از یاد صحبت شریف که (۸) هنوز لذت (۹) و حلاوت (۱۰) آن در کام جان مانده ذاهل و غافل نبوده و نیست

نه هر وقتم به یاد خاطر آیی که خود هرگز نمی گردی فراموش

(۱) در متن شعر الزهر نوشته و سپس آنرا خط زده است و الورد نوشته است .

(۲) کی .

(۳) صحه .

(۴) سلامة .

(۵) استقامة .

(۶) صورة .

(۷) مکانة .

(۸) کی .

(۹) لذة .

(۱۰) حلاوة .

امید به لطف بیدریغ حضرت آفریدگار - جَلَّ جَلَالُهُ و عَمَّ نَوَالُهُ - واثق و رجابه کرم عمیم و رأفت جسیم صادق که به مقتضی آیت ﴿عَسَى اللَّهُ * ۵۲۱ * [أَنْ] يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا﴾^(۱) کَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى إدراک شرف محاوره روح بحور^(۲) و محاضره روح گستر کرامت گردد، إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و بِالْإِجَابَةِ جَدِيدٌ، عَشْرًا أَوْ آخِرِ سُؤَالِ خُتْمِ النَّجْحِ وَالْإِقْبَالِ از دارالملک^(۳) شیراز سمت إصدار می یابد از حال شمول الطاف و عواطف الهی و حصول مواهب و عوارف نامتناهی وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ مَنِّهِ الزَّاهِرَةُ الزَّاهِرَةُ وَنِعْمَتِهِ الْبَاطِنَةُ وَالظَّاهِرَةُ لطف تفقدی که فرموده از آن مجمع مکارم اخلاق و منبع محاسن إعراق بعید ندانست و بدیع نمود و در محبت و مودت افزود و سلسله اشواق و آرزومندی در حرکت آمد و مجدد عهد مواصلت^(۴) و مؤکد عقود مصاحبت^(۵) گشت

إِنَّ الْوُقُوفَ عَلَى الْأَطْلَالِ ذَكَرْنِي وَ مَا نَسِيتُ عُهُودَ الْأَغْصِرِ الْأَوَّلِ

و اگر چه از راه صورت بعد مسافتی حایل است،

فَوَحَقُّ أَيَّامِ الْوِصَالِ وَ طَيْبُهَا قَسَمًا بِهَا وَ بِنِعْمَةِ الْخَلْقِ

که^(۶) من با تو [ا]م به عالم معنی تو یا منی همی توقع که بردوام به إعلام حال سلامت و رجوع سوانح مهمات و مقترحات منت نهاد تا بهجت و مسرت افزایش و در اتمام آن لوازم صداقت^(۷) به اقامت^(۸) رسد باقی^(۹) * ۵۲۲ * أحياناً و آزمان به خیرات و طاعات موصول و مقرون و مواد محکم و أمداد معالی متضاعف و روزافزون باد به شیخ رازده^(۱۰)

(۱) قرآن کریم سوره یوسف (۱۲) آیه ۸۳.

(۲) این کلمه در حاشیه آمده و ظاهر امکانش اینجاست.

(۳) دارالملک.

(۴) هکذا در متن.

(۵) مصاحبه.

(۶) کی و هکذا در موارد بعدی.

(۷) صداقة.

(۸) اقامة.

(۹) این کلمه خط خوردگی دارد.

(۱۰) این کلمه ظاهر اینگونه خوانده می شود می توان آن رازاده نیز خواند.

ساغرچی^(۱) واعظ اصدار افتادیه جناب تقوی مآب مولانا اعظم شیخ الاسلام، أعلم أكرم أقدم، قُدوةً أفاضل العلماء في الأمم، الفایز بِالْمَدْحِ الْمُعَلَّى مِنَ الْعُلَمَاءِ وَالْفَضْلِ وَالْعِلْمِ وَالْحُكْمِ، مالك ممالك دين پروری، سالک مسالك فضایل گستری، سلطان المشایخ المتقین، برهان الأولیاء المحققین، المرتقی إلى مدارج الحق و معارج الیقین مرشد ارباب الطریقه، هادی اصحاب الحقیقه،^(۲) طوطی شکرخای شرح و بیان معانی آیات بیّنات کلام قدیم و کتاب کریم هزارستان بستان اصحاب نطق و حسن نورد مجالس و عظم تذکیر، عندلیب شیرین گفتار گلزار اسرار و رموز معالم تنزیل، بلبل خوش نوای بدایع و لطایف تفسیر و تأویل

بلبل بستان دین کز وجد مجلسهای او

صبح را چون گل، طبیعت گشت پیراهن دری

ساقیان لهجه او چون شراب اندر دهند

هوش گوید گوش راهین ساغری کن ساغری

توبه کردند اگر دریافتندی مجلسش

هم مه از نغمی و هم زهره از خنیاگری^(۳)

برهان الملة والحق والدين أدام^(۴) الله تعالى قدر [ه] و فضائله و بركاته وأبقى محاسن ذاته و میامن آیامه و أوقاته، تحیت^(۵) و دعایی که فوایح روایح آن بر کلبه عطار خندد و حلّی حلل بر نوعروسان و آبکار انوار و أزهار فصل بهار بندد و مدحت و ثنایی^(۶) که در

(۱) این نامه در فهرست آقای تیموری به اشتباه به نام مرشد برهان الدین نوشته شده است و ظاهر آنست که از القاب به کار رفته در نامه نام شخص را توهم نموده اند این نامه به خط و انشای حاجی منشی و از طرف تاج‌الدین احمد به شیخ رازده ساغرچی نوشته شده است

(۲) ۶ سطر شامل ثرو نظم، ۴ طرف صفحه در حاشیه نوشته شده است و به ظاهر در اینجای متن باید جایگیر شود

(۳) بعد از این مطالب که در حاشیه ۴ طرف آمده ادامه مطلب از ۷ سطر به پایان صفحه آمده است.

(۴) بین دو سطر اصلی نوشته شده است و ظاهر آنست که رازده ساغرچی توسط کاتب دیگری نوشته است.

(۵) تحیه.

(۶) ثنی.

لطافت با نسیم سحری ہمسری و در نضارت^(۱) با شمیم گلبرگ طری برابری نماید مهدی و متحف روزگار^(۲) و اوقات و ساعات و مجالس و محافل به ذکر فضایل و مفاخر و مشر مناقب و مآثر کہ در بسیط زمین و بساط زمان * ۵۲۳ * با نفحات صبا و شمال ہم عنانست مزین و منور و مطیب و معطر گردد هُوَ الْمِسْكُ مَا كَرَّرْتَهُ يَتَضَوُّعُ حَقَّاهُ از آن روز باز کہ نیل به شرف محاوره روح بحور^(۳) و محاضرة روح گستر کرامت^(۴) سر، إلی الیوم مواد اعتقاد یَوْمًا فَيَوْمًا سمت تضاعف و امداد اشتیاق صفت ترادف می یابد و در شرح آن کہ بحر بی ساحل و طول بی طایل عبارت از آن تواند بود شروع نمی نماید و به تخاطب سرایر و تناجی ضمائر رجوع می کند والقلوب تتشاهد، مصدق مقال و محقق حال می داند و بازیافت آن امنیت^(۵) را سببی کہ متضمن حصول آن آرزو باشد از حضرت^(۶) مسبب الأسباب جَلَّ جَلَّالُهُ و عَمَّ نَوَالُهُ می خواهد إِنَّهُ خَيْرٌ مَّا مَوْلٍ و هُوَ أَكْرَمُ مَسْئُولٍ^(۷)، عشر اواسط ربیع الثانی از معسکر میمون مرغزار کذوان رقم تحریر می پذیرد از حالتی کہ جوامع احوال و أعمال به صلاح مقرون و موصول و مجامع امانی و آمال به نجاج مشحون و مأمول و حریم دولت به وفود توفیق ربانی و تأیید آسمانی، مکنوف، محفوظ و محفوف و دست عین الکمال از ساحت^(۸) مملکت مصروف و مکفوفست وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى رَوَائِعِ^(۹) الْطَّافِيهِ و عَوَاطِفِهِ السَّابِغَةِ السَّالِفَةِ وَالشُّكْرُ لَهُ * ۵۲۴ * بِمَا أَوْلَانَا مِنْ بَدَائِعِ^(۱۰) مَوَاهِبِهِ وَ عَوَارِفِهِ الْعَظِيمَةِ الْكَرِيمَةِ الْجَسِيمَةِ در [۱]ین وقت کہ مفخر الحجاج والمعستمين حاجی

(۱) نضارة .

(۲) این کلمه بظاہر روزگار خوانده می شود .

(۳) این کلمه به ظاہر بحور خوانده می شود و در صفحه قبل ہم آمده است .

(۴) کرامت .

(۵) امینة .

(۶) حضرة .

(۷) مسؤل .

(۸) ساحة .

(۹) روايع .

(۱۰) بدایع .

صدرالدین دام توفیقه متوجه صوب ماورالنهر بود داعیه شوق اندرون باعث بر تجدید معاهد محبت و اعتقاد و متقاضی تاکید قواعد و لاووداد شد و سلسله سوابق حقوق معرفت در حرکت^(۱) آورد و إِنَّ الْمَعَارِفَ فِي أَهْلِ النَّهْيِ ذَمٌّ و هر چند بعد مسافت^(۲) و ترویح دیار از طریق صورت از اجتماع جسمانی حایل شود از راه حقیقت^(۳) و مکاشفه در عالم معنی اتصال روحانی حاصل است

تَبَاعَدُ مَا بَيْنَ الدِّيَارِ تَقَارُبُ إِذَا لَمْ يَكُنْ بَيْنَ الْقُلُوبِ تَبَاعَدُ

معرفت قدیم را بعد حجاب کی شود

گرچه به شخص غایبی در نظری مقابلم^(۴)

این صحیفه دعا به اقوم حسن عهد مرقوم داشت تا به یمن همت کیمیا خاصیت امداد دریغ ندارد و در اوقات خلوات که^(۵) مظان نزول رحمت و اجابت دعوات باشد «وَلِي مَعَ اللَّهِ وَقْتُ»^(۶)، الحدیث اشارت بدان مقام است به دعاء خیر یادداشت نماید عسی آن یجیب إنه قریب مجیب و در صحبت واردان و زایران حال سلامت^(۷) و صحت^(۸) ذات ملک صفات اعلام داده به سوانح مهمات و ملتسمات و مقترحات اندر این^(۹) فرماید * ۵۲۵ * تا بهجت^(۱۰) و طمأنینه به حصول پیوندد و در اتمام آن مراسم صدق و ارادت و صفا [ی]

(۱) حركة .

(۲) مسافة .

(۳) حقیقة .

(۴) شعر از سعدی است .

(۵) کی .

(۶) حدیث از پیامبر اسلام [ص] است . ر. ک: بحار الانوار ۱۸ / ۳۶۰ باب ۱۳ اثبات المعراج ، همچنین بحار الانوار ۷۹ / ۲۴۳ باب ۲ .

(۷) سلامة .

(۸) صحة .

(۹) اندر این - به ظاهر اینگونه خوانده می شود .

(۱۰) بهجة .

عقیده به اقامت رسد باللہ^(۱) تعالی ابواب مکرم گشاده و أسباب معالی آماده باد والحمد لله رب العالمین والصلاة والسلام على خير خلقه و خاتم انبيائه محمد وآله وصحبه و عترته و خلفائه^(۲) أجمعين .

در جواب شیخ الاسلام معین الدین خراسانی اصدار افتاد^(۳)

وَرَدَ الْكِتَابُ مُبَشِّرًا نَفْسِي بِأَنْوَاعِ السُّرُورِ وَ فَضَضْتُهُ فَوَجَدْتُهُ لَيْلًا عَلَى صَفْحَاتِ نُورٍ
مِثْلَ السَّوَالِفِ وَالْخُدُودِ الْبَيْضِ زُيِّنَتْ بِالشُّعُورِ أَنْزَلْتُهُ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ الْقُلُوبِ مِنَ الصُّدُورِ
نسیم آنسی که از جناب تقوی مآب مولانا شیخ الاسلام، أعظم أكرم أقدم والی
ولایت^(۴) محبت و عرفان، مشکات^(۵) مصباح أنوار ایمان و ایقان، مرشد السالکین و
مقصد الطالبین منادی طریق طریقت^(۶) و حامی سبیل حقیقت^(۷) بلاد اسلامیان مکتل
العرفاء الواصلین، معین الملة والحق والدين، أعلى الله شأنه فایض شده بود وارد گشت
مورد بزرگوارش را به إجلال و تعظیم تلقی کرد و چون منبئ^(۸) از حال سلامت و صحت
ذات ملايك ملكات و مشعر بر انتظام عقود جمعیت خاطر مقدس و صفاء وقت و شریف
بود فنون إستبشار و اهتزاز و ضروب ابتهاج و إرتیاح * ۵۲۶ * به حصول پیوست ولله
الحمْدُ عَلَى ذَلِكَ به أصعاف الطاف که در مدارج آن مودع و در معاطف آن مدرج یافت
صنوف أدعیه صالحه و انواع أثنیه فاتحه که در لطافت^(۹) از شمیم گلبرگ طری و نفحات

(۱) باللہ تعالی بین دو سطر نوشته شده است .

(۲) خلفایه .

(۳) این نامه نیز به خط و کتابت حاجی منشی است و جواب نامه ای است از طرف تاج الدین احمد به شیخ الاسلام معین

الدین خراسانی

(۴) ولایت .

(۵) مشکوة .

(۶) طریقه .

(۷) حقیقه .

(۸) منبئ .

(۹) لطافة .

نسیم سحری حکایت کند اَتَحَاف می‌شود و هر چند از راه صورت به محاوره روح بخشی مشرف نشده اما به حکم تعارف ارواح که بالا [ی] تقارب اشباحست وَالْأَزْوَاحُ جُنُودٌ مُّجَنَّدَةٌ^(۱). الحدیث، و به مقتضی، وَالْأَذُنُ تَغْشِقُ قَبْلَ الْعَيْنِ، أحياناً آرزومند و مشتاق حضور مبارک می‌باشد و به یمن همت عالی استظهار یابد و یقین که آثار آن دنیا و دنیا شامل حال و مآل و مثمر نَجَحِ أمانی و درک آمال باشد ﴿إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ﴾^(۲) و از حضرت^(۳) واهب المواهب عزّ شأنه و عظم سلطانه حصول سعادت^(۴) التقاء می‌خواهد امیدوار که به ایجاب و قبول مقرون و موصول گردد ﴿إِنَّهُ قَرِيبٌ مُّجِيبٌ﴾^(۵) چون کلمات شریف که در طیّ عبارت لطیف آورده بودند و الفاظ رصین و معانی بدیع و اشارات شوق انگیز و استعارات ذوق آمیز که با همدیگر تلفیق داده مطالعه رفت از ملهم عقل به گوش هوش رسید که

خرد چومعنی باریک و لفظ خویش دید

چه گفت؟ گفت: زهی ازدواج غث و سمین

۵۲۷ و نصایح خوب که از منشأ صدق و صفات انبعاث یا در اندرون به نوعی اثر کرد

که معنی،

سخن کز جان برون آید نشیند لاجرم در دل

ظاهر مأمول^(۶) همین است که عَلَى مَرِّ الْأَيَّامِ طریق مکاتبات و مراسلات گشاده

داشته پیوسته احوال سلامت إعلام دهند تا موجب طمأنینه گردد و سوانح مهمات و

ملتسمات رجوع فرمایند تا در اتمام آن مراسم إخلاص و صداقت^(۷) و اعتقاد و ارادت

(۱) بحار الانوار ۲/۲۶۵ باب ۳۲.

(۲) قرآن کریم سوره سبأ (۳۴) قسمتی از آیه ۵۰.

(۳) حضرة.

(۴) سعادة.

(۵) قرآن کریم سوره هود (۱۱) قسمتی از آیه ۶۱.

(۶) در این موضع يك كلمه محوشده است و مأمول سیاقاً انتخاب گردیده است.

(۷) صداقة.

تقدیم یابد بِاللَّهِ تَعَالَى در باب قَضِيَّةٔ اتِّحَادٍ و هو اخواهی نسبت باجناب مملکت (۱) پناه،
 فرزندى ملك اسلامى الْمُسْتَغْنَى عَنِ الْإِطْنَابِ فِي الْأَلْقَابِ - خَلَّدَ اللَّهُ مُلْكَهُ وَ طَوَّلَ عُمُرَهُ - که
 کلّی همت بر تمهید ارکان و تأسیس بنیان آن موقوفست، چون صاحب أعظم، خواجه
 مجدالدین قاقم زید قدره را که شرف قربت یابد بدین مهم فرستاده‌ایم و با او بحثها رفته که
 به اشارت آن جناب بارز آید و جلیه حال تقریر کند به تکرار آن اِمْلَالِ نَمِیْ دَهْدُ « وَ عِنْدُ
 جُهَيْنَةَ الْخَبْرِ الْيَقِينُ » (۲) برکات آیام بزرگوار و میامن أنفاس سعادت (۳) آثار باقی و مستدام
 باد!

وَلَهُ

وَمَا لِي ذَنْبٌ غَيْرَ أَنْ فَضَائِلِي (۴)
 ۵۲۸ وَ ذَاكَ لِأَنَّ الدَّهْرَ سَلَّمَ لِأَهْلِهِ
 لَسَدَى النَّاسِ عَنِيبٌ وَالزَّمَانُ مُعَانِدٌ
 وَهُمْ جَاهِلٌ أَوْ نَاقِصٌ ثُمَّ حَاسِدٌ
 صَدِيقٌ حَمِيمٌ أَوْ حَسِيبٌ مُسَاعِدٌ

وَلَهُ

أَمَا لِلطَّرْفِ قَدْ مَلَ الرِّقَادَا
 سَأَلْتُهُمَا عَنِ الْأَمْرَيْنِ قَالَا
 وَمَا لِلْقَلْبِ قَدْ أَلَفَ السُّهَادَا
 أَرِقْنَا مُنْذُ فَارَقْنَا سَعَادَا

وَلَهُ

هر چند چرخ تیر جفا می زند مرا
 و رچند گرم کرد تف و تاب او جگر
 و رچند تیره کرد رخ بخت روشنم
 با من چرا به جنگ و نبردست روزگار
 حقا که بر دل من از آن هیچ درد نیست
 حقا که بر لب من از آن آه سرد نیست
 بر خاطر چو آینه زان هیچ گرد نیست
 در موقف هنر چو مرا هم نبرد نیست

□□□

(۱) مملکت.

(۲) یک ضرب المثل عربی است و جهینه نام قبیله‌ای است رجوع کنید لسان العرب ج ۱۳ ص ۱۰۱ دارالفکر بیروت

(۳) سعادت.

(۴) فضایلی.

حَرَّهَا مُنْشِئُهَا^(١) تَذْكَرَةُ لِلْوَلَدِ الْمَوْلَى الصَّاحِبِ الْأَعْظَمِ جَلَالِ الْوُزَرَا أَنْسَبِ الْوَرَى قُدْوَةَ
 أَكَابِرِ الزَّمَانِ، مَجْمَعِ أَنْوَاعِ الْفَضَائِلِ^(٢) النَّفْسَانِيَّةِ، حَاوِي لِبَابِ الْكَمَالَاتِ الْإِنْسَانِيَّةِ تَاجِ
 الدَّوْلَةِ وَالِدِينَ أَحْمَدَ - أَعْلَى اللَّهِ قَدْرَهُ وَطَوَّلَ عُمرَهُ وَمَتَّعَهُ بِهَا وَبِأَمْنَالِهَا - أَضْعَفُ عِبَادِ اللَّهِ
 تَعَالَى وَأَخَوَجُهُمْ إِلَى غُفْرَانِهِ حَاجِي الْمُنْشِئِ - خَتَمَ اللَّهُ لَهُ بِالْحُسْنَى - فِي رَمَضَانَ الْمُبَارَكِ
 لِسَنَةِ اثْنَتَيْنِ فَثَمَانِينَ وَسَبْعِمِائَةٍ.



مركز تحقيقات کتب و ترویج علوم اسلامی

(١) منشئها .

(٢) الفضائل .

* ٥٢٩ * [مِمَّا كَتَبَ مِنْ أَشْعَارِ الْقَاضِي الإِصْفَهَانِي]
 [وَالْبَكْرِ بْنِ الْبَطَّاحِ وَنَفْطَوَيْهِ وَالطُّوسِيِّ وَغَيْرِهِمْ]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 مَا أَسْلَحَ مَادُوكَ لِيَوْمَ الْعَابِدِينَ بِرَحْمَةِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ
 مَلِكٌ عَزِيزٌ مَارِدٌ قَصَاةٌ عَالِمٌ بِمَا فِي الْأَمْرِ قَاهِدٌ
 عَاكِفٌ عَلَى عِلْمٍ عَمِيمٍ وَجَاهِدٌ فِي حَرْبٍ لَيْسَ بِهَا عَاغِدٌ
 لَقَدْ حَشَمْتُ وَأَسْتَلْتُ وَأَسْتَلْتُ لِيَوْمِ الْعَدَمِ لِلْمَوْلَى الْجَبَابِدِ
 الْقَاضِي نَظَامُ الْعَالَمِينَ مِنْ صَفَاءِ وَجْهِهِ وَالْوَعْدِ

لَا تُخَدِّعُنَّ لِمَن تَدَارُ الْعُرُ وَاعْتَمِدْ فِرْصًا قَبْلَ نَهَادِ الْعُمَرِ
 هَاتِيكَ أَهْلُ الشُّهُورِ أَنْعَقْتُ كَالْمَنْعَةِ شَكْلًا لِهَضَادِ الْعُمَرِ
 وَلَمْ فِي التَّحْرِي

مِنْ خِدْرَةِ الشُّمُوعِ وَالضُّهْمَاءِ يَفْزِدُ عِيَالِي عَزْوَاءِ
 عَرْمُونِي شَبَابًا تَوْرِي جَانِ مَوَائِي صَبْحَ الْوَبْرَانِي
 وَلَعَنَ بِهِ اللَّهُ ذُرِّي

لَنَا تَسَاقَطَ عَمَّا الْمُرْطَمِ مِنْ دَهْرٍ وَلِفِعْلِ الضَّمِيرِ الْعَقِيدِ فِي الظُّلَمِ
 تَسْمَعُ قَاضِيًا اللَّيْلُ وَاللَّيْلُ حَيَاتِهِ مِنْ تَنْبَرِ فِيهِ مَسْتَعْمِلِ
 اللَّهُ ذُرِّي مَسْقَلِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَعَلَيْهِ تَتَوَكَّلُ وَبِهِ نَسْتَعِينُ

مَا أَمْلَحَ مَا رَوَى لِرِزِينِ الْعَابِدِينَ (رض) مُمَجِّدًا بِهِ رَبَّ الْعَالَمِينَ!
 مَلِيكَ عَزِيزٍ مَا يَرُدُّ قَضَاءَهُ عَلِيمٍ حَكِيمٍ نَسَافِدُ الْأَمْرِ قَاسِرُ
 عَنَاكُلَ ذِي عِزٍّ لِعِزَّةٍ وَجْهِهِ وَكُلُّ عَزِيزٍ لِمُهَيِّمِينَ صَاغِرُ
 لَقَدْ خَشَعَتْ وَاسْتَسَلَمَتْ وَتَضَاءَلَتْ لِعِزَّةِ ذِي الْعَرْشِ الْمُلُوكِ الْجَبَابِرُ

لِلْقَاضِي نِظَامِ الدِّينِ الْأَصْفَهَانِيِّ فِي الْمَوْعِظَةِ

لَا تَنُخَدِعَنَّ بِإِمْتِدَادِ الْعُمْرِ وَانْغَنِمْ فُرْصًا قَبْلَ نَفَادِ الْعُمْرِ
 هَاتِيكَ أَهْلَةَ الشُّهُورِ انْعَظَمَتْ كَالْمِنْجَلِ شَكْلًا لِحِصَادِ الْعُمْرِ

وَلَهُ فِي التَّغْزُلِ

مِنْ خَدِّكَ وَالشُّمُوعَ وَالصَّهْبَاءِ يَفْتَرُّ دُجَى لَيْلِي عَنْ أَضْوَاءِ
 عَمْرٍ مَنِي أَي شَبِّ أَرَبَاخِرِ نَرَسِي جَانِ مَنِي أَي صَبِيحِ الْاِغْرِبَانِي

وَلِغَيْرِهِ لِلَّهِ دَرَّةٌ

لَمَّا تَسَاقَطَتْ عَنْهَا الْمِرْطُ مِنْ دَهْشٍ وَأَنْحَلَّ بِالضَّمِّ سَبْلُكَ الْعِقْدِ فِي الظُّلْمِ
 تَبَسَّمَتْ فَأَضَاءَ اللَّيْلُ فَالْتَقَطَتْ حَبَّاتٍ مُسْتَثِيرٍ فِي ضَوْءِ مُنْتَظِمِ

لله دَرَمَنْ قَالَ

* ٥٣٠ * وَسَائِلُهُ (١) تَسَائِلَ عَنْهُ قُلْنَا
رَنَا ظُلُمًا وَغَنَا عِنْدَلِنَا
لَنَا فِي وَصْفِهِ الْعَجَبُ الْعَجِيْبَا
وَلَا حَ شَقَائِقًا وَمَشَى قَضِيْبَا

وَلِلْبَكْرِ بْنِ الْبَطَّاحِ

بِيَضَاءٍ تَسْحَبُ عَنْ قِيَامِ فَرَعَهَا
فَكَأَنَّهَا فِيهِ نَهَارٌ سَاطِعٌ
وَيَغِيْبُ فِيهِ وَهُوَ وَخْفٌ أَشْحَمٌ
وَكَأَنَّهُ لَيْلٌ عَلَيْهَا مُظْلِمٌ

لِنَفْطَوْنِهِ

إِذَا مَا مِتُّ فَاطْلُبُوا بِثَأْرِي
فَمِنْ وَزْدِ الْخُدُودِ لَهَيْبٌ وَجَدِي
ذَوَاتِ الدَّلِّ أَشْبَاهُ الظُّبَاءِ
وَمِنْ مَرَضِ الْجَفُونِ دَوَاءٌ دَائِي

وَتَهُ

أَنْظُرْ إِلَى السَّحْرِ تَجْرِي فِي لَوَاحِظِهِ
وَأَنْظُرْ إِلَى شَعْرَاتٍ فَوْقَ عَارِضِهِ
وَأَنْظُرْ إِلَى دَعَجٍ فِي طَرْفِهِ السَّاجِي
كَأَنَّهِنَّ نِسْمَالٌ دُبٌّ فِي عَاجِ

لِلْبَدِيْعِ الطُّوسِيِّ فِي الْخَطِّ

قُلْتُ يَا بَدْرُ قَدْ أَحَاطَ ظِلَامٌ
قَالَ دَعْنِي وَلَا تُطِيلَنَّ لَوْمِي
بِفَمِّ مِنْكَ مِثْلَ عَيْنِ الْحَيَاةِ
إِنَّ عَيْنَ الْحَيَاةِ فِي الظُّلُمَاتِ

لِخَالِدِ (٢) الْكَاتِبِ

* ٥٣١ * مَحَاسِنُهُ رَقَتْ فَجَلَّتْ عَنِ الوَصْفِ
مُقْبِلُهُ شَهْدٌ وَكَالْمِسْكِ رِيْقُهُ
وَالْحَاظُهُ أَحْيَا بِهَا وَبِهَا حَسْفِي
وَيَزْهُو بِخَدِّيهِ عَلَى الْخُمْرَةِ الصَّرْفِ
وَكَوَسَا هِلَالٍ حَاجِبَاهُ عَلَى الْعَطْفِ
بَرَى الْجِسْمَ مِنِّي بِالمَلَاخَةِ وَالظَّرْفِ
كَأَنَّ شُعَاعَ الشَّمْسِ فَوْقَ جَبِينِهِ
إِلَى اللَّهِ أَشْكُو حُبَّ رِيْمٍ مُهْفَهَفِ

(١) وسائلة .

(٢) لخالد .

لِلصَّاحِبِ السَّعِيدِ الشَّهِيدِ عَمِيدِ الدِّينِ (۱)

تَعَمَّدَهُ اللهُ بِغُفْرَانِهِ وَأَسْكَنَهُ فِرَادِيسَ جَنَّاتِهِ

مَنْ لِلْمُحِبِّ بِرَاجِلٍ أَوْ فَارِسٍ
 يُبَيِّنُهُ عَنْ غِزْلَانِهَا رَأْدَ الضُّحَى
 مَفْتُونٌ نَيْرُنَجَاتِ أَسْوَدِ سَاحِرٍ
 وَمَبَاسِمُ لَوْ (۳) السَّهْوَى
 وَدِهَاقِ كَأْسٍ قُلْتُ لَوْ أَبْصَرْتُهُ
 يُبَيِّنُهُ حَالاً عَنْ أَحِبَّةِ فَارِسِ
 يَصْرَعُنَ لَحْظاً كُلَّ لَيْثِ فَارِسِ
 وَقَتِيلُ نَارُنَجَاتِ غُضَنِ مَائِسِ (۲)
 حَسَدُ الزَّمَانِ عَلَى نَعِيمِ الْبَائِسِ
 يَا رَطْبَ نَارِ بَيْنِ مَاءِ يَابِسِ

وَلَهُ

أَطُوفُ بِأَطْرَافِ الْحِسَانِ لَعَلِّي
 شَمَمْتُ رِيَاحِينَ الرِّيَاضِ لَعَلِّي
 فِيمَا جَادَنِي ظَبْيِي كَسَحِيدِكَ مَرَّةً
 * ۵۳۲ * مَرَزْتُ عَلَى نَجْلِ الْجَنَادِرِ بُرْهَةً
 وَيَكْتَسِحِلُ الْغَادَاتُ دَهْرًا تَشْبِهُهَا
 يَقُولُ لَهَا الْأَثْرَابُ وَاللَّيْلُ دَائِمُ
 وَإِنْ بَدَتِ الْأَزْهَارُ فِي كُلِّ جَانِبٍ
 وَقُلْنَ غَلَا (۵) الطَّايِمِ فَأَنْشِرِي
 بِوَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ أَسْلُو فَلَ أَسْلُو
 كَسْرِيَاكِ نَارٍ مَا أَنْالُ وَلَا نِيلُ
 وَلَا سَمِحَتْ لِي مِثْلَ مَعْسُولِكَ النَّحْلُ
 فَمَا لَمَحْتَنِي مِثْلَ نَحْلَائِكَ النَّحْلُ
 بِرِيَا قَمَا أَعْنَى وَمَا بَقِيَ الْكُحْلُ
 (۴)

وَلَهُ

سَمِعْتُ بِأَنَّ الْخَطَّ قَدْ يُنْبِتُ الْقَنَا
 وَقَدْ قِيلَ إِنَّ الْبَدْرَ فِي الْقَوْسِ نَازِلُ
 وَهَذَا قَنَاةٌ يُنْبِتُ الْخَطَّ بَيْنَنَا
 وَهَلَالُ قَوْسٍ تَجْعَلُ الْبَدْرَ مَوْطِنًا

(۱) نامبرده ابونصر عمیدالدین وزیر اتابک سعد زنگی است. رک لغتنامه دهخدا ج ۱ ص ۷۶۷.

(۲) مائیس .

(۳) در این موضع دو کلمه مفهوم نیست .

(۴) در این موضع یک مصراع مفهوم نیست .

(۵) در این موضع یک کلمه خوانده نمی‌شود .

فَطُوراً يُرِينِي النُّجْمَ عِنْدَ ابْتِسَامِهَا
 كَفَى مُنِيباً عَن حَالَتِي وَبَلِيَّتِي
 بِأَنَّ فُلَاناً قَدْ يَرَى الشَّمْسَ مُوهِناً
 غَداً وَلَهُ السَّقُوسَانِ قَوْسٌ مُوتِرٌ
 قَطُوراً بِقَوْسٍ صَارَ لِلصَّيْدِ مُزْمِناً
 نَشَاهِدُ قَوْسَ الْمُشْتَرَى مِنْهُ بُرْهَةً
 نَهَاراً وَآخَرَ الصُّبْحِ وَاللَّيْلِ أَدْجِنَا
 قَدِيمٌ حَدِيثٌ شَاعَ بَيْنَ بَنِي الدُّنَا
 وَإِنَّ فُلَاناً قَدْ يَرَى البَدْرَ مُوهِنَا
 وَقَوْسٌ لَهُ مِنْ دُونِ تَوْتِيرِهِ انْحَنَى
 وَطُوراً بِقَوْسٍ صَارَ لِلصَّيْدِ مُشْجِنَا
 وَنَشْهَدُ مِنْهُ مُشْتَرَى القَوْسِ أَرْمَنَا

قَرْدٌ لِغَيْرِهِ

إِنَّ الْمُحِبِّينَ قَوْمٌ بَيْنَ أَغْيُنِهِمْ
 وَسَمٌ مِنَ الحُبِّ لَا يَخْفَى عَلَى أَحَدٍ
 ٥٣٣

لِلَّهِ دَرٌّ مَنْ قَالَ

وَمَا فِي الأَرْضِ أَشْقَى مِنْ مُحِبٍّ
 تَرَاهُ بَاكِياً فِي كُلِّ حِينٍ
 وَإِنْ وَجَدَ الهَوَى حُلُوَ العَذَاقِ
 فَخَافَهُ فُرْقَةً أَوْ لِاشْتِيَاقِ
 فَيُنْكِي أَنْ يَأْوِي شَوْقاً إِلَيْهِمْ
 وَيُنْكِي إِنْ دَسُوا حَذَرَ الفِرَاقِ

مَرْثِيَةٌ لِلشَّرِيفِ الرَّسُولِيِّ

أَمْسَى وَأَصْبَحَ مِنْ تَذْكَارِكُمْ قَلِيقاً
 قَدْ جَدَّدَ الدَّمْعُ جَدِّي مِنْ تَذْكَارِكُمْ
 وَغَابَ عَن مَقَلَّتِي نَوْمِي وَفَارَقَهَا
 لَا عَزْوٌ لِلدَّمْعِ أَنْ يَجْرِيَ بِوَادِرِهِ
 كَأَنَّمَا مُنْهَجَّتِي نَضْوُ بِبُلْقَعَةٍ
 إِنِّي لِأَحْسَدُ فِي العُشَاقِ مُضْطَرِياً
 لَمْ يَبْقَ إِلَّا يَخْفَى الرُّوحُ مِنْ جَسَدِي
 يَزِيئِي بِي المُشْفِقَانِ: الأَهْلُ وَالوَالِدُ
 وَاعْتَادَنِي المُضْنِيَانِ: الشُّوقُ وَالكَدُّ
 وَجَانِبِي المُسْعِدَانِ: الصَّبْرُ وَالجَلْدُ
 يَحْتُهُ الخَافِقَانِ: القَلْبُ وَالكَسْبُ
 يَغْتَالُهَا الضَّارِيَانِ: الذُّبُّ وَالأسدُ
 وَحَسْبُكَ القَاتِلَانِ: العِشْقُ وَالْحَسَدُ
 فِدَاؤُكَ البَاقِيَانِ: الرُّوحُ وَالسَّجْدُ



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

[مِنْ رَشَحَاتِ أَقْلَامِ]
[سَلِيمَانَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ]

مِنْ أَحَادِيثِ تَرْغِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي نُوَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي بَرَكَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِمْرَانَ
عَنْ أَبِيهِ الْمُنْزِيِّ الْقُرْآنِيِّ مِنْ مَسْنَدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ فَاطِمَةَ
رَوَى عَنْهُ أَنَّهَا قَالَتْ رَوَى عَنْهُ لَهَا أَذُنٌ فَلَمَّا
رَوَى عَنْهَا عَطَبُهَا رَجُلٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ سَأَلَهَا رَجُلٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ
أَن تَهْلِي بِهَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَسَارِعَتْ فَتَوَلَّى الرَّجُلُ يَلْفُ أَنْ يَكُونَ قَدْ تَوَلَّى
فَلَمَّا نَصَبَهُمْ نَفْسًا وَتَوَلَّى فَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَتَوَلَّى بِهَا رَجُلٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ
عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَانَ رَجُلٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَرَوَى عَنْهُ فَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
فَقَالَ ذَلِكَ الرَّجُلُ لَنَا الْقُرْآنِيُّ ذَكَرَ لَنَا وَأَنْطَقَ الرَّجُلُ عَلَى عَهْدِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ الرَّجُلُ عَلَى مَا قَبِلَ مِنْ حِصَالِ الْخَيْرِ حَسْبُ الْإِنْسَانِ
وَأَجْرُهُ مَا أَذَرَ مَا سَعَلَ مِنْهَا فَأَجَابَ رَوَى عَنْهُ فَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ جَاءَ فَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
حَسْبِي عَلَى إِمْرِكُمْ لَوْ عَطَا فَقَالَ الرَّجُلُ فَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
فَمَا أَحَدٌ لَعَلَّهُ تَعَلَّمَ بِهَا يَدُهُ لَمْ يَرَ فَالْأَجْلُ أَنْطَقَ وَأَنْطَقَ رَوَى

عَنْ أَبِيهِ الْمُنْزِيِّ الْقُرْآنِيِّ مِنْ مَسْنَدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ فَاطِمَةَ رَوَى عَنْهُ أَنَّهَا قَالَتْ رَوَى عَنْهُ لَهَا أَذُنٌ فَلَمَّا رَوَى عَنْهَا عَطَبُهَا رَجُلٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ سَأَلَهَا رَجُلٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنْ تَهْلِي بِهَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَسَارِعَتْ فَتَوَلَّى الرَّجُلُ يَلْفُ أَنْ يَكُونَ قَدْ تَوَلَّى فَلَمَّا نَصَبَهُمْ نَفْسًا وَتَوَلَّى فَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَتَوَلَّى بِهَا رَجُلٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ سَأَلَهَا رَجُلٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنْ تَهْلِي بِهَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَسَارِعَتْ فَتَوَلَّى الرَّجُلُ يَلْفُ أَنْ يَكُونَ قَدْ تَوَلَّى فَلَمَّا نَصَبَهُمْ نَفْسًا وَتَوَلَّى فَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَتَوَلَّى بِهَا رَجُلٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ سَأَلَهَا رَجُلٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنْ تَهْلِي بِهَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَسَارِعَتْ فَتَوَلَّى الرَّجُلُ يَلْفُ أَنْ يَكُونَ قَدْ تَوَلَّى

رَوَى الْحَافِظُ أَبُو مُوسَى مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ بْنُ أَبِي عَيْسَى الْمَدِينِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ الْمُسَمَّى بِالطَّوَالِاتِ مِنْ مُسْنَدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ عَلِيُّ وَ سَلْمَانُ وَ أُمُّ سَلَمَةَ ^(۱) رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ: لَمَّا أَدْرَكَتْ فَاطِمَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا خَطْبَهَا رَجُلًا مِنْ قُرَيْشٍ كُلَّمَا خَطَبَهَا رَجُلٌ أُغْرَضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ بِوَجْهِهِ عَنْهُ فَيَبْكِي الرَّجُلُ وَيَخَافُ أَنْ يَكُونَ قَدْ أَنْزَلَ فِيهِ، فَلَقِي بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَ شَكَى بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ مَا صَنَعَ بِهِمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ.

وَ كَانَ رَجُلٌ مِمَّنْ خَطَبَهَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ خَاصِيَّةً، فَقَالَ ذَلِكَ الرَّجُلُ: أَنَا أَلْفَيْكُمْ ذَلِكَ الْأَمْرَ، فَأَنْطَلَقَ ^(۲) إِلَى عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ عَلِيٌّ يَنْضَحُ عَلِيٌّ نَخْلًا لَهُ، فَقَالَ الرَّجُلُ: يَا عَلِيُّ! وَاللَّهِ مَا مِنْ خِصَالٍ خَيْرٍ خِصْلَةٍ إِلَّا وَقَدْ نَلْتَهَا إِلَّا خِصْلَةً وَاحِدَةً مَا أَدْرِي مَا يَمْنَعُكَ مِنْهَا، فَقَالَ عَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: وَ مَا هِيَ؟ قَالَ: فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ بِنْتُ عَمِّكَ تَزَوَّجَهَا. فَقَالَ عَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: لَقَدْ حَسَّنْتَنِي عَلِيٌّ أَمْرٍ كُنْتُ وَ عَنْهُ لَفِي غِطَاءٍ. فَقَامَ إِلَى رِبْعِ الْبَيْتِ فَتَوَضَّأَ مِنْهُ ثُمَّ أَخَذَ نَعْلَيْهِ فَعَلَقَهُمَا بِيَدَيْهِ ثُمَّ قَالَ لِلرَّجُلِ: انْطَلِقْ.

فَأَنْطَلَقَا وَ رَسُولٌ * ۵۳۵ * اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ فِي بَيْتِ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، فَدَخَلَ عَلِيُّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ ثُمَّ قَالَ [ع]: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَنَا مَنْ قَدْ عَرَفْتَ قَرَابَتِي وَ صُحْبَتِي وَ بِلَاتِي ^(۳) مَعَكَ. قَالَ [ص]: صَدَقْتَ، فَمَا حَاجَتُكَ يَا عَلِيُّ؟ قَالَ عَلِيُّ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ زَوَّجْنِيهَا.

(۱) ابن مه اسم بالای سطر بصورت وارونه نوشته شده اند با علامت صح .

(۲) در حاشیه سمت راست با علامت صح این عبارت آمده است و مربوط به این قسمت از متن می باشد . انطلق الى علی فأحتج به علی أن یخطبها فان هوردمثل ما ردنا قال الامر فيه واحد ينتظر فيها امر الله تعالى وان زوجه فعلیه كان بحبسها

(۳) بلائی .

فَتَبَسَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَالَ: مَا عِنْدَكَ يَا عَلِيُّ إِذَا زَوَّجْتُكَ؟ قَالَ عَلِيُّ [ع]: يَا رَسُولَ اللَّهِ! عِنْدِي فَرَسِي وَدِرْعِي وَنَاصِحِي. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَمَا فَرَسُكَ فَلَا بَدَّ لَكَ مِنْهُ تَجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَأَمَا نَاصِحُكَ فَلَا بَدَّ لَكَ مِنْهُ عَلَى نَخْلِكَ، وَأَمَا دِرْعُكَ فَقَدْ قَبَلْنَاهَا وَزَوَّجْنَاكَ، فَانْطَلِقْ وَبِعْهَا وَآتِنَا ^(۱) بِشَمْنِهَا. فَأَخَذَهَا عَلِيُّ [ع] فَطَرَحَهَا عَلَى عَاتِقِهِ يُرِيدُ السُّوقَ، فَمَرَّ بِالرَّجُلِ وَهُوَ يَنْتَظِرُهُ، فَقَالَ: يَا عَلِيُّ! مَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ فَقَالَ [ع]: زَوَّجَنِي فَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا عَلَى دِرْعِي هَذَا وَأَمَرَ بِي بِبَيْعِهَا وَأَنْ آتِيَهُ بِشَمْنِهَا، فَانْطَلَقَ الرَّجُلُ فَقَالَ: قَدْ زَوَّجَهُ - وَزَادَ فِي رِوَايَةٍ: - وَمَا عَلَيْنَا بِأَس.

فَانْطَلَقَ عَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَبَاعَ دِرْعَهُ بِثَمَانِينَ وَأَرْبَعِمِائَةِ دِرْهَمٍ، وَفِي رِوَايَةٍ سُودٍ هَجَرَ بِهِ فَجَاءَ بِهَا فِي طَرْفِ ثَوْبِهِ فَوَضَعَهَا بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: * ۵۳۶ * صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: كَمْ هِيَ؟ وَلَمْ يُخْبِرْهُ عَلِيُّ كَمْ هِيَ؟ وَفِي رِوَايَةٍ: وَ لَمْ يَسْأَلْ: كَمْ هِيَ؟ وَ لَمْ يُخْبِرْهُ عَلِيُّ، فَقَبَضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ^(۲) قَبْضَةً فَقَالَ [ص]: اِتْبَعْ بِهَا طَيْبًا، وَفِي رِوَايَةٍ: فَقَالَ: يَا بِلَالُ! اِتْبَعْ بِهَا طَيْبًا لِفَاطِمَةَ [س]. ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَأُمِّ سَلَمَةَ: جَهِّزُوا بِهَا فَاطِمَةَ [س]. فَأَخَذَتْ أُمُّ سَلَمَةَ الْبَقِيَّةَ، وَفِي رِوَايَةٍ: فَوَجَدَتْهَا مِائَتِينَ، فَمَكَثَتْ سَبْعًا وَعِشْرِينَ لَيْلَةً ثُمَّ إِنَّ عَلِيًّا دَخَلَ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَالَ لَهُ جَعْفَرٌ: يَا عَلِيُّ! سَلُهُ أَنْ يُدْخَلَ عَلَيْكَ أَهْلُكَ. فَدَخَلَ عَلِيُّ [ع] رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ خَرَجَ ثُمَّ يَعُودُ حَتَّى إِذَا فَعَلَ الثَّلَاثَةَ أَنْكَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَعْنِي فِعْلَهُ، فَقَالَ [ص] لَهُ: يَا عَلِيُّ! مَا لَكَ؟ أَلَعَلَّكَ تُرِيدُ أَنْ تَدْخَلَ عَلَيْكَ أَهْلُكَ؟ فَقَالَ عَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: نَعَمْ، فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُمَّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، فَفَرَّغَتْ مِنْ جِهَازِهَا فِرَاشَيْنِ مِنْ خِيُوشٍ أَحَدُهُمَا مَحْشُوءٌ بِلَيْفٍ وَالْآخَرُ

(۱) آتينا.

(۲) در این موضع جمله قبض رسول الله صلى الله عليه وسلم تکرار شده و زاید است.

بِحَذْوَةِ الْخَدَائِنِ، وَأَرْبَعٍ وَسَائِدٍ^(۱) وَسَادَتَيْنِ لَيْفٍ وَائْتْنَيْنِ صُوفٍ، حَتَّى إِذَا صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ * ۵۳۷ * عِشَاءَ الْآخِرَةِ [و] انْصَرَفَ إِلَى مَبِيتِ فَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا فَدَعَاها فَأَجْلَسَهَا خَلْفَ ظَهْرِهِ ثُمَّ دَعَا عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، فَأَخَذَ بِيَدِ فَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا فَوَضَعَهَا فِي يَدِ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَقَالَ [ص] لَهُمَا: انْطَلِقَا إِلَى مَبِيتِكُمَا وَلَا تُحَدَّثَا شَيْئًا^(۲) حَتَّى آتِيَكُمَا.

فَقَامَتْ فَاطِمَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا مَعَهُ غَيْرَ عَاصِيَةٍ وَلَا مُتَلَكِّنَةٍ حَتَّى دَخَلَا بَيْتَهُمَا، فَجَلَسَا عَلَى فِرَاشٍ ثُمَّ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى دَخَلَ عَلَيْهِمَا فَجَلَسَ بَيْنَهُمَا ثُمَّ قَالَ لِعَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: قُمْ فَأَتِنِي بِمَاءٍ، فَأَخَذَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَعْبًا فَاضْطَبَّ مِنْ مَاءِ شَكْوَةٍ فَأَتَاهُ بِهِ فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْقَعْبَ بِيَدِهِ ثُمَّ أَخَذَ مِلْءًا فِيهِ فَتَمَضَّضَ ثُمَّ أَعَادَهُ فِيهِ، فَأَخَذَ قَبْضَةً مِنَ الْمَاءِ فَضَضَّ بِرَأْسِ عَلِيٍّ وَوَجْهَهُ وَصَدْرَهُ ثُمَّ قَالَ [ص]: اشْرِبْهُ، فَشَرِبَهُ.

ثُمَّ قَالَ لِفَاطِمَةَ: قُومِي فَأَتِنِي بِمَاءٍ، فَجَاءَتْ بِهِ أَيْضًا فِي الْقَدَحِ فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِلْءًا فِيهِ فَتَمَضَّضَ بِهِ فَأَعَادَهُ فِي الْقَدَحِ ثُمَّ أَخَذَ قَبْضَةً فَضَضَّ بِرَأْسِ فَاطِمَةَ وَوَجْهَهَا * ۵۳۸ * وَنَحَرَهَا ثُمَّ قَالَ لَهَا: اجْلِسِي فَاشْرِبِيهِ، ثُمَّ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَخَلَاهُمَا.

وَلَبِثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَرْبَعًا لَا يَدْخُلُ عَلَيْهِمَا حَتَّى إِذَا كَانَ الْيَوْمُ^(۳) الرَّابِعُ انْصَرَفَ مِنْ صَلَاةِ الْفَجْرِ فِي غَدَاةِ سَبْرَةٍ - وَفِي رِوَايَةٍ: فِي غَدَاةِ شَبْمَةٍ - فَدَخَلَ عَلَيْهِمَا وَهُمَا فِي لِحَافٍ وَاحِدٍ عَلَى الْفِرَاشِ، فَلَمَّا سَمِعَا خَشْخَشَةَ نَعْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَهَبَا يَتَفَرَّقَانِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: كَمَا أَنْتُمَا، فَجَاءَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَجَلَسَ عِنْدَ رَأْسِهِمَا فَخَلَعَ نَعْلَيْهِ ثُمَّ أَدْخَلَ قَدَمَيْهِ وَسَاقِيَهُ بَيْنَهُمَا فَأَخَذَ عَلِيٌّ

(۱) وساید.

(۲) شیا.

(۳) درمزن: یوم.

إحداهما فَوَضَعَهَا عَلَى صَدْرِهِ وَبَطْنِهِ لِيُدْفِنَهَا^(۱) وَأَخَذَتْ فَاطِمَةُ الْأُخْرَى فَوَضَعَتْهَا عَلَى صَدْرِهَا وَبَطْنِهَا لِيُدْفِنَهَا^(۲)، فَقَالَ عَلِيُّ [ع] لِفَاطِمَةَ [س]: رُوِيْدًا اسْتَخْدِمِيْنِي. قَالَتْ فَاطِمَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ^(۳)! إِنِّي كُنْتُ فِي عِيَالِكَ وَكُنْتُ مَكْفِيَّةً، وَإِنِّي قَدْ أَفْرَدْتُ بِنَفْسِي وَشَقَّ عَلَيَّ الْعَمَلُ فَأَخْدِمِيْنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ!

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَوْ لَا أَدُلُّكَ عَلَيَّ خَيْرٍ مِنَ الْخَادِمِ؟

* ۵۳۹ * فَقَالَ عَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: رُوِيْدًا لَهَا قَوْلِي: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ! صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْرٌ مِنَ الْخَادِمِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَا فَاطِمَةُ! إِذَا أَخَذْتَ مَضْجَعَكَ مِنَ اللَّيْلِ فَأَخْمِدِي^(۴) اللَّهُ تَعَالَى ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَسَبِّحِيهِ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَكَبِّرِيهِ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ، فَذَلِكَ مِائَةٌ، وَهِيَ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنْ جَبَلٍ أَحْمَرٍ ذَهَبًا^(۵). نَعَمْ يَا فَاطِمَةُ! انْفِرُوا فَنُصِيبُ فَنَخْدِمُكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

فَلَبِثَ رَسُولُ اللَّهِ سِتَّةَ أَشْهُرٍ فَغَزَا سَاحِلَ الْبَحْرِ فَأَصَابَ سَبِيًّا فَفَقَسَمَهُ وَأَمْسَكَ امْرَأَتَيْنِ إِحْدَاهُمَا شَابَّةً وَالْأُخْرَى^(۶) امْرَأَةً قَدْ دَخَلَتْ فِي السَّنِ لَيْسَتْ بِشَابَّةٍ، فَبَعَثَ إِلَى فَاطِمَةَ فَأَخَذَ بِيَدِ الْمَرْأَةِ فَوَضَعَهَا فِي يَدِ فَاطِمَةَ فَقَالَ: يَا فَاطِمَةُ! هَذِهِ لَكَ وَلَا تَضْرِبِيهَا، فَإِنِّي قَدْ رَأَيْتُهَا تُصَلِّي وَإِنَّ جَبْرَائِيلَ نَهَانِي عَنْ ضَرْبِ الْمُصَلِّينَ، وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُؤْصِيهَا بِهَا. فَلَمَّا رَأَتْ فَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا مَا يُؤْصِيهَا بِهَا تَلَقَّيْتُ^(۷) إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! عَلَيَّ يَوْمٌ وَعَلَيْهَا يَوْمٌ، فَقَاضَتْ عَيْنَا رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْبُكَاءِ * ۵۴۰ * ثُمَّ قَالَ: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ»^(۸) «ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ

(۱) ليدفنها.

(۲) لتدفنها.

(۳) عبارت یا رسول الله بین دو سطر با علامت صح نوشته شده است.

(۴) منظور الحمد لله است در تسمیحات حضرت فاطمه (س).

(۵) الکافی ۲/۵۳۶ باب الدعاء عند النوم.

(۶) در متن: الآخر.

(۷) کذا.

(۸) قرآن کریم، سوره انعام (۴) آیه ۱۲۴. در متن: رسالاته.

سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١﴾ (۲)

و فی روایہ: إِنَّ أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرُ (رض) كَانَا مِنَ الَّذِينَ خَطَبُوا فَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، فَقَالَ لَهُمُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَنْتَظِرُ أَمْرَ اللَّهِ.

وَأَنَّ الَّذِي اشْتَرَى الدَّرْعَ هُوَ عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانٍ (۳) (رض)، فَلَمَّا وَجَبَ الْبَيْعُ قَالَ لِعَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَلَسْتَ أَوْلَى بِالْأَرَاهِمِ مِنِّي وَأَنَا أَوْلَى بِالدَّرْعِ مِنْكَ؟ قَالَ [ع]: نَعَمْ. قَالَ: قَدْ وَهَبْتُ مِنْكَ هَذِهِ الدَّرْعَ. فَرَجَعَ عَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِالْأَرَاهِمِ وَالدَّرْعِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَخْبَرَهُ بِمَا جَرَى، فَذَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِعُثْمَانَ (رض) بِدُعَاءٍ كَثِيرٍ.

خُطْبَةُ نِكَاحِهَا وَكَيْفِيَّةُ خُطْبَتِهَا

رَوَى الْحَافِظُ أَبُو مُوسَى الْمَدِينِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَقَالَ: لَمَّا أَرَادَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يُزَوِّجَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ [ع] فَاطِمَةَ [س] قَالَ لَهُ: أُخْطِبُ - يَا عَلِيُّ! - لِنَفْسِكَ. فَقَالَ عَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا لِأَنْعَمِهِ وَأَيَادِيهِ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۖ اللَّهُ شَهَادَةٌ يَبْلُغُهُ وَيُؤْصِيهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَاةً يُزَلِّفُهُ وَيُرْضِيهِ، وَالنِّكَاحُ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَضِيَهُ وَاجْتَمَاعُنَا مِمَّا قَدَّرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَأَذِنَ فِيهِ وَقَدْ زَوَّجَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاطِمَةَ ابْنَتِهِ عَلِيَّ [ا] ثُنْتَى عَشْرَةَ أَوْقِيَةً فَسَلُّوهُ وَأَشْهَدُوا.

وَرُوِيَ أَيْضًا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَحْمُودِ بِنِعْمَتِهِ، الْمَعْبُودِ بِقُدْرَتِهِ، الْمَطَاعِ بِسُلْطَانِهِ، الْمَرْهُوبِ مِنْ عَذَابِهِ، الْمَرْغُوبِ إِلَيْهِ فِيمَا عِنْدَهُ، الْنَافِذِ أَمْرَهُ فِي سَمَائِهِ (۴) وَأَرْضِهِ، الَّذِي خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ، وَمَيَّرَهُمْ بِأَحْكَامِهِ، وَأَحْكَمَهُمْ بِعِزَّتِهِ، وَأَعَزَّهُمْ بِدِينِهِ، وَأَكْرَمَهُمْ بِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ الْمُصَاهِرَةَ نَسَبًا لَاحِقًا وَأُمْرًا مُفْتَرَضًا نَسَخَ بِهَا الْآثَامَ وَالزَّمَمَهَا الْآثَامَ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ

(۱) قرآن کریم، سورۃ آل عمران (۳)، آیۃ ۳۴.

(۲) الکافی ۳/۵۰۰ با اختلاف، بحار الانوار ۷۴/۴۱۴ باب ۱۵ با اختلاف.

(۳) ظاہر این اتفاق پس از ازدواج آن حضرت بوده و این مطلب ارتباطی به ازدواج آن حضرت ندارد.

(۴) سمانہ.

بَشْرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا^(۱) فَأَمْرُ اللَّهِ تَعَالَى يَجْرِي إِلَى قَضَائِهِ^(۲)، وَ قَضَاؤُهُ^(۳) يَجْرِي إِلَى قَدَرِهِ، وَ قَدَرُهُ يَجْرِي إِلَى أَجَلِهِ، وَ لِكُلِّ قَضَاءٍ قَدَرٌ وَ لِكُلِّ قَدَرٍ أَجَلٌ وَ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ ﴿يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يُثَبِّتُ﴾^(۴).

ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمَرَنِي أَنْ أُزَوِّجَ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ وَ قَدَزَوَّجْتُهُ * ۵۴۲ * عَلَى أَرْبَعَةِ مَنَاقِبٍ مِنْ فِضَّةٍ أَرْضَيْتَ يَا عَلِيُّ؟ فَقَالَ عَلِيُّ [ع]: رَضِيتُ عَنِ اللَّهِ وَ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ. فَقَالَ [ص]: جَمَعَ اللَّهُ شَمْلَكَ وَ أَسْعَدَ جَدَّكَمَا وَ بَارَكَ عَلَيْكُمَا وَ أَخْرَجَ مِنْكُمَا كَثِيرًا طَيِّبًا ثُمَّ دَعَا بِطَبَقٍ مِنْ بُشْرِ فَوَضَعَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ قَالَ [ص]: ائْتَهُبُوا.

وَ رُوِيَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ قَالَ يَوْمَ تَبُوكٍ - وَ نَحْنُ نَسِيرٌ مَعَهُ - : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا أَمَرَنِي أَنْ أُزَوِّجَ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ [ع] فَقَعَلْتُ قَالَ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بَنَى جَنَّةً مِنْ لَوْلُؤٍ قَصَبٍ بَيْنَ كُلِّ^(۵) قَصَبَةٍ إِلَى قَصَبَةٍ لَوْلُؤَةٌ مِنْ يَأْقُوتٍ مُشَدَّرَةٌ بِالذَّهَبِ وَ جَعَلَ سُقُوفَهَا زَبْرَجْدًا أَخْضَرَ وَ جَعَلَ فِيهَا طَاقَاتٍ مِنْ لَوْلُؤٍ مُكَلَّلَةٍ بِالنِّيَاقِصِثِ ثُمَّ عَلِيَّهَا غُرْفًا لِبِنْتِهِ مِنْ فِضَّةٍ وَ لِبِنْتِهِ مِنْ ذَهَبٍ وَ لِبِنْتِهِ مِنْ دُرٍّ وَ لِبِنْتِهِ مِنْ يَأْقُوتٍ وَ لِبِنْتِهِ مِنْ زَبْرَجْدٍ، ثُمَّ جَعَلَ فِيهَا عُيُونًا تَتَّبَعُ مِنْ نَوَاحِيهَا وَ حُفَّتْ بِالنَّهَارِ وَ جَعَلَ^(۶) عَلَى النَّهَارِ قُبَابًا مِنْ دُرٍّ قَدْ شُعِبَتْ بِسَلْسِلِ الذَّهَبِ وَ حُفَّتْ بِأَنْوَاعِ الشَّجَرِ وَ بَنَى فِي كُلِّ غُضْنٍ قُبَّةً وَ جَعَلَ فِي كُلِّ قُبَّةٍ أَرِيكَةً مِنْ دُرَّةٍ بَيْضَاءَ غِشَاؤُهَا السُّنْدُسُ وَ الْإِسْتَبْرَقُ وَ فَرَشَ أَرْضَهَا بِالزُّعْفَرَانِ وَ فَتَقَّتْ بِالْمِسْكِ وَ الْعَبِيرِ وَ جَعَلَ فِي كُلِّ قُبَّةٍ حَوْرَاءَ وَ الْقُبَّةُ لَهَا مِائَةٌ^(۷) بَابٍ عَلَى كُلِّ بَابٍ جَارِيَتَانِ وَ شَجَرَتَانِ * ۵۴۳ * فِي كُلِّ قُبَّةٍ مَفْرَشٌ وَ كِتَابٌ مَكْتُوبٌ^(۸)، حَوْلَ^(۹) الْقِبَابِ آيَةُ الْكُرْسِيِّ،

(۱) قرآن کریم سورہ الفرقان (۲۵) آیہ ۵۴.

(۲) قضاہ.

(۳) قضاہ.

(۴) قرآن کریم سورہ رعد (۱۳) آیہ ۳۹.

(۵) کل بین دو سطر نوشته شدہ است.

(۶) جعل.

(۷) مائتہ.

(۸) مکتوب.

(۹) کلمہ حول یکبار ناخوانا نوشته شدہ و بار دیگر صحیح آن بالایش نوشته شدہ است.

فقلت: يا جبرئيل لمن بنى الله هذه الجنة^(١)؟ قال: هذه جنة بنى الله تعالى لعلى و فاطمة ابنتك سوى جنانهما تحفة أنحفها الله تعالى ليقر عينك يا رسول الله (ص)^(٢)

وروى أيضاً أنه لما كانت الليلة التي رقت فاطمة إلى على رضى الله عنه كان النبي صلى الله عليه وسلم قد أمها و جبرئيل عن يمينها و ميكائيل عن يسارها و سبعون ألف ملك من ورانها يسبحون الله عز وجل و يقدسونه حتى طلع الفجر.

وروى أيضاً أن رسول الله صلى الله عليه وسلم حين زوج فاطمة من على دعا بماء فمجه ثم صبّه فيه ثم رشه في جنبه و بين كتفيه و عودته بقل هو الله أحد و المعوذتين^(٣) ثم قال [ص]: إني لم أك أن زوجتكم خير أهل بيتي.

وروى أيضاً أن رسول الله صلى الله عليه وسلم خطب في يوم قايظ^(٤) الحرة، فقال [ص]: أيها الناس! أنا و أهل بيتي سادات أهل الجنة في الجنة. ألا و إن الله قد أوحى إلى من فوق سبع سموات على لسان جبرئيل أن أزوج فاطمة من على، فإن الله قد زوجها من فوق سبع سموات شهد ملائكتهما جبرئيل و ميكائيل و إسرافيل في سبعين^(٥) ألفاً من الملائكة الكروبيين و سبعين ألفاً من الملائكة عليهم السلام يسجدوا أحدهم سجدة و لا يرفع رأسه حتى يقوم الساعة، فأوحى * ٥٤٤ * الله إليهم: أن ارفعوا رؤوسكم و اشهدوا ملاك على بفاطمة، و كان الخطيب جبرئيل و الشاهدان ميكائيل و اسرافيل، ثم أوحى الله تعالى إلى شجرة طوبى و أمر الحور العين أن يحضرنه فحضرنه فقال لها: أنثرى ما فيك، فنثرت شجرة طوبى ما فيها من جوز و لوز و سكر، جوز من در و لوز من ياقوت و سكر من سكر الجنة، فالتقطته الحور العين فهو عندهن في الأطباق يتهادينه و يقلن: هذه من نثار تزويج

(١) الجنة.

(٢) بحار الانوار ٢٣/٣٠ باب ٣، المناقب ٣/٣٢٣.

(٣) منظور و سورة قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق هاست.

(٤) قايظ.

(٥) سبعون.

فاطمة بعلی رضی اللہ عنہما^(۱).

و روى أيضاً أن فاطمة أصابت صبيحة العرس رعدة فقال لها النبي صلى الله عليه و سلم: يا فاطمة ازوجتك سيداً في الدنيا وإنه في الآخرة لعن الصالحين، يا فاطمة^(۲)! إنى لَمَا أَرَدْتُ أَنْ أَمْلِكَكَ بِعَلِيٍّ أَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جِبْرِيْلَ فَقَامَ مِنَ السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ فَصَفَّ الْمَلَائِكَةَ صُفُوفاً ثُمَّ خَطَبَ عَلَيْهِمْ فَزَوَّجَكَ مِنْ عَلِيٍّ ثُمَّ أَمَرَ شَجَرَ الْجِنَانِ فَحَمَلَتْ الْحُلِيَّ وَالْحُلْلَ، ثُمَّ أَمَرَهَا فَتَنَرَتْ عَلَيَّ الْمَلَائِكَةَ، فَمَنْ أَخَذَ مِنْهُ شَيْئاً يَوْمَئِذٍ أَكْثَرَ مِمَّا أَخَذَ صَاحِبُهُ^(۳) أَوْ أَحْسَنُ، افْتَخَرَ عَلِيٌّ صَاحِبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ كَانَتْ فَاطِمَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا تَفْتَخِرُ عَلَيَّ النِّسَاءِ وَ تَقُولُ: إِنِّي أَوَّلُ مَنْ خَطَبَ عَلَيْهَا جِبْرِيْلٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ.



هذه^(۴) أحاديث رويت في تزويج فاطمة لعلی رضی اللہ عنہما، حرّره العبدُ الأقلُّ الأحررُ سليمانُ بن محمد بن سليمان - أصلح الله أحواله - حسب الأمر الصادر عن صاحبه أحمد^(۵) جاعل مفارق المسلمين أحمد^(۶) مخمود العواقب متعه الله بهذه وبأمثاله ورزقه خير الدارين وسعادة المنزلة بحق محمد وآله أجمعين.

(۱) بحار الانوار ۳۶۹/۳۶ باب ۴۱ باختلاف، همچنين در كشف الغمة ۲/۴۷۷ باب ۳.

(۲) در این موضع يك لما أردت زايد نوشته شده است.

(۳) در این موضع مركب پخش شده است.

(۴) هذا.

(۵) این کلمه محو شده است و به ظاهر احمد خوانده می شود.

(۶) کذا.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

❖ ٥٤٥ ❖

[مَا كُتِبَ فِي سَنَةِ
[أَرْبَعِ عَشْرَةَ وَتِسْعِمِائَةٍ]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ
وَقَدْ كُنْتُ لِلْبِئْسَاتِ وَمِنْ الْبِئْسَاتِ وَقَدْ كُنْتُ لِلْبِئْسَاتِ
وَدَعَا بِرُوحِ الْبِئْسَاتِ فِي عَشْرِ عَشْرٍ مِنْ سَنَةِ أَرْبَعِ عَشْرَةَ وَتِسْعِمِائَةٍ
مَرْحُومَاتِ كَاتِبِ طَبْعِ رَسْمِي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنَ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ
وَقَفَّنِي لِلثُّبَاتِ، وَقَفَّنِي لِلثُّبَاتِ، وَقَفَّنِي لِلثُّبَاتِ.

وَذَلِكَ فِي يَوْمِ السَّبْتِ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ شَهْرِ مُحَرَّمِ سَنَةِ أَرْبَعِ عَشْرَةَ وَتِسْعِمِائَةٍ (۲).



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علوم اسلامی

(۱) در این صفحه بیاض مطلبی وجود نداشته است و در سال ۹۱۴ هجری قمری دعایی که می‌آید توسط کاتبی نامعلوم نوشته شده است، و این صفحه الحاقی است.
(۲) تسعمايه .

[مِمَّا كَتَبَهُ صَاحِبُ الْفَضِيلَةِ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ]
[ابن عبد الله بن أبي بكر بن محمد السروستاني]

من كلام مولانا عليه السلام
 طوي لمن تواضع في غير مقصده ودل في نفسه من غير مكنة
 وقال صلوات الله على من رأس التواضع ان سلك بالسك م
 على من لم يتب وترى على من سلم بملك وان ترضى بالذن
 من المجلس وان لا يحب المدح والذم والركبة وقال صلوات
 مواضع المحسن وان كان يحد حضا وان تصف من
 اما اليل وان كان حرا فريسا وقال صلوات ان العنف
 لا يزيد العبد الا رفة فتدأ ضحك مرفعا لله وان الصدق
 كما تزين المال الالهة فتصدقوا بحكم الله وقال
 لمد المؤمن على رموه عنه زارة الصغافر
 العواضع وسحق المرء في التواضع ومن كمل على الناس
 ذلك وقال رجل الحسن لم علي رضي الله عنهما العظيمة
 في مثل قتال است به ظيم والله عزير وقال الله تعالى
 والله الغفور الرحيم واللعن من وقال رسول
 لك من عايات التواضع تصغير النفس سرور الغيب

مِنْ كَلَامِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

(١)

طُوبَى لِمَنْ تَوَاضَعَ فِي غَيْرِ مَنْقَصَةٍ وَ ذَلَّ فِي نَفْسِهِ مِنْ غَيْرِ مَسْكَنَةٍ .

و قال [النبي] صلعم: إِنَّ رَأْسَ التَّوَاضُعِ أَنْ تَبْدَأَ بِالسَّلَامِ عَلَيَّ مَنْ لَقَيْتَ وَ تَرُدَّ عَلَيَّ مَنْ

سَلَّمَ عَلَيْكَ وَ أَنْ تَرْضَى بِالذُّونِ مِنَ الْمَجْلِسِ وَ أَنْ لَا تُحِبَّ الْمَرَحَةَ وَ التَّرَكِيهَ (٢) .

و قال [النبي] صلعم: تَوَاضَعَ لِلْمُحْسِنِ وَ إِنْ كَانَ عَبْدًا حَسْبِيًّا وَ انْتَصَفَ مِنْ أَسَاءِ إِلَيْكَ وَ

إِنْ كَانَ حُرًّا قُرَشِيًّا (٣) .

و قال [النبي] صلعم: إِنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا رَفْعَةً (٤) فَتَوَاضَعُوا يَرْفَعَكُمْ اللَّهُ، وَ إِنْ

الصَّدَقَةَ لَا تَزِيدُ الْمَالَ إِلَّا نِعَاءً فَتَصَدَّقُوا يَرْزُقْكُمْ اللَّهُ (٥) .

و قال امير المؤمنين علي رضي الله عنه: زِيَارَةُ الضَّعْفَاءِ [ء] مِنَ التَّوَاضُعِ (٦) وَ سُمُو الْمَرْءِ

فِي التَّوَاضُعِ (٧) وَ مَنْ يَكْبُرْ عَلَيَّ النَّاسِ ذَلَّ (٨) .

و قال رجلٌ لِلْحُسَيْنِ بْنِ (٩) عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: مَا أَعْظَمَكَ فِي نَفْسِكَ؟ فَقَالَ [ع]:

لَسْتُ بِعَظِيمٍ وَ لَكِنِّي عَزِيزٌ، وَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (١٠) .

وَ قَالَ ذُو النَّوْنِ: ثَلَاثَةٌ مِنْ عِلَامَاتِ التَّوَاضُعِ: تَضْغِيرُ النَّفْسِ مَعْرِفَةً بِالْغَيْبِ * ٥٤٧ *، وَ

(١) ابن محمد، در عنوان صفحه پيشين، در فهرستهای مرتضى يمورى وجود ندارد .

(٢) روضة الواعظين ٢/٣٨٢ مجلس في ذكر حسن التواضع .

(٣) بحار الانوار ٢١/٣٧٠ باب ٣٥ .

(٤) رفعتہ .

(٥) بحار الانوار ٩٦/١٢٢ ح ٢٧، نهج الفصاحة ١/٦١٥ .

(٦) در جامع الصغير ١/٥٦٠ حديث ٣٦٢٢: الجلوس مع الفقراء من التواضع .

(٧) اين قسمت را در مجاميع حدیثی نيافتيم .

(٨) در فروع کافی ٨/١٩٠ و بحار الانوار ١/١٦٠ ح ٥٠ بدین عبارت: من تكبر على الناس ذل .

(٩) ابن .

(١٠) قرآن كريم سوره المناهون (٦٣) قسمتی از آیه ٨ .

تَعْظِيمُ النَّاسِ حُزْمَةٌ لِلتَّوْحِيدِ، وَقَبُولُ الْحَقِّ وَالنَّصِيحَةِ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ.

مِنْ كَلَامِ الْحُكَمَاءِ

قِيلَ لِبُرْزَجِيمِهر: هَلْ تَعْرِفُ نِعْمَةً لَا يُحْسَدُ عَلَيْهَا صَاحِبُهَا وَبَلَاءٌ^(۱) يُرْحَمُ عَلَيْهِ صَاحِبُهُ؟
قال: نَعَمْ، أَمَّا النِّعْمَةُ فَالْتَّوَاضِعُ، أَمَّا الْبَلَاءُ فَالْكَبِيرُ.

وَقَالَ حَكِيمٌ: ثَمَرَةُ التَّوَاضِعِ إِكْتِسَابُ الْمَجْدِ وَاجْتِلَابُ الْوُدِّ.

مِنْ أَشْعَارِ^(۲) الْعَرَبِيَّةِ

تَوَاضِعٌ إِذَا مَا نِلْتَ فِي النَّاسِ رَفْعَةً فَإِنَّ رَفِيعَ الْقَدْرِ مَنْ يَتَوَضَّعُ
وَلَا تَمْسُ فَوْقَ الْأَرْضِ إِلَّا تَوَاضِعاً فَكَمْ تَحْتَهَا قَوْمٌ هُمْ مِنْكَ أَرْفَعُ

إِذَا كَرُمَ الْإِنْسَانُ زَادَ تَوَاضِعاً وَإِنْ لَوُمَ الْإِنْسَانُ زَادَ تَرْفَعاً
كَذَا الْغُصْنُ فِي حَمْلِ الثَّمَارِ تَنَالَهُ وَإِنْ تَغَرَّ مِنْ حَمْلِ الثَّمَارِ تَمْنَعَا



جَمَعْتَ أَمْرَيْنِ ضَاعَ الْحَزْمُ بَيْنَهُمَا تَبِينَةُ الْمُلُوكِ وَأَفْعَالُ الْمَمَالِكِ

مِنْ أَشْعَارِ^(۳) الْفَارِسِيَّةِ

۵۴۸

اگر خود بردرد پیشانی شیر نه مردست آنکه^(۴) دروی مردمی نیست
بنی آدم سبششت از خاک دارد اگر خاکی نباشد آدمی نیست^(۵)

به چشم عجب و تکبر، نگه به خلق مکن

که دوستان خدا میکنند در آویاش

(۱) بلاء.

(۲) کذا، صحیح: (الأشعار).

(۳) کذا، صحیح: (الأشعار).

(۴) آنک.

(۵) ر.ک: کلیات سعدی، تصحیح فروغی، مواعظ ص ۱۰۴۴، ضمناً این ابیات در گلستان نیز آمده است.

به چشم کوتاه اغیار در نمی‌آید

چنانکه چشمه خورشید در دیده خفاش^(۱)

از کبر مدار هیچ در سر هوسی کز کبر به جایی نرسد هیچ کسی
چون زلف بتان شکستگی عادت کن تسا صید کنی هزار دل در نفسی^(۲)

نه هر که زاد جامش پرنوش کند خود را ز شراب کبر مدهوش کند
بدعهد بود که یار درویشی را در روز توانگری فراموش کند^(۳)

فِي الْعَقْلِ وَالتَّحَدُّبِ وَالحُمْقِ

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: [أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللهُ تَعَالَى الْعَقْلَ^(۴)، فَقَالَ
[تَعَالَى]: أَقْبِلْ، فَأَقْبَلَ، ثُمَّ قَالَ [تَعَالَى] لَهُ: أَذْبِرْ، فَأَذْبَرَ، ثُمَّ قَالَ [تَعَالَى]: بِعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا
خَلَقْتُ خَلْقًا أَكْرَمَ عَلَيَّ مِنْكَ، بِكَ أَوْ أَخِذْ بِكَ أُعْطِيَ وَ * ۵۴۹ * بِكَ أَثِيبُ وَبِكَ أَعَاقِبُ^(۵).
وَ أَوْصَى [النَّبِيُّ] صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ [ص]: يَا عَلِيُّ! إِذَا تَقَرَّبَ النَّاسُ
عَلَيَّ بِأَنْوَاعِ الْبِرِّ وَالتَّقْوَى فَتَقَرَّبْتُ أَنْتَ بِأَنْوَاعِ الْعَقْلِ تَسْبِقُهُمْ^(۶).
فَقَالَ^(۷) [النَّبِيُّ] صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لَمَوْتُ أَلْفِ عَابِدٍ أَيْسَرُ عِنْدَ اللهِ تَعَالَى مِنْ مَوْتِ رَجُلٍ عَاقِلٍ عَاقِلٍ
عَنِ اللهِ تَعَالَى حَلَالَهُ وَحَرَامَهُ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ يَزِيدُ عَلَيَّ الْفَرِيضَةَ.

سُئِلَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَا غَايَةُ الْعَقْلِ يَا رَسُولَ اللهِ؟ قَالَ [ص]: إِنَّ الْعَقْلَ لَا غَايَةَ

(۱) ر.ك: کلیات سعدی، تصحیح فروغی، مواظص ۱۱۰۱ بااختلاف.

(۲) بابررسی اجمالی دویت فوق در کلیات سعدی، تصحیح فروغی، وجود نداشت.

(۳) ر.ك: کلیات سعدی، تصحیح فروغی، رباعیات ص ۱۰۸۰.

(۴) بحار الانوار ۱/۹۷ ح ۸.

(۵) بحار الانوار ۱/۹۶ ح ۱۰۳، ۱/۹۲ ح ۱۳.

(۶) مشکاة الانوار ص ۲۵۱ فصل ۲.

(۷) کذا، بهتره و قال می‌باشد.

له (١) (٢)

قال علي عليه السلام: لسان العاقل في قلبه (٣).

وقال [ع]: أفقر الفقر الحنق وأغنى الغنى العقل (٤).

وقال لقمان: إذا أصبحت (٥) إنساناً فانظر إلى عقله أكثر مما تنظر إلى ذنبه، فإن ذنبه لك وعقله له و لك. العاقل من يستدل بأسرار الوجوه على أسرار القلوب. العاقل ما يرى بأول رأيه آخر الأمور ويهتك عن مبهماتها ظلم الشور. العقل يستنبط دقائق (٦) القلوب ويستخرج ودائع (٧) الغيوب.

قال عبد الملك (٨) بن مروان: ثلاثة أشياء تدل على مقدار أربابها: الكتب تدل على مقدار عقل كاتبه، والرسل يدل على مقدار عقل مرسله، والهدية على مقدار عقل مهديها.



خير المواهب العقل و شر المصائب الجهل

لولا العقول لكان أذنى ضيفم
 حسب الفتى عقله (١٠) يُعاشرة
 إذا تبحر حاشاه إخوان و خلان
 من كان لعقل سلطان عليه غدا
 وما على نفسه لجزص سلطان
 و يا أخي الجهل إن أصبحت في لجج
 فإن ما بينها لاشك ظمان

(١) لها.

(٢) الكامل ١٠٠/٣، بغية الباحث ص ٢٥٩.

(٣) غرر الحكم فصل ٦١ ح ٦٢، نهج البلاغه قصار شماره ٤١.

(٤) بحار الانوار ١/٩٥ ح ٣١.

(٥) أصبحت.

(٦) دقائق.

(٧) ودائع.

(٨) عبد الملك.

(٩) باكاربرد الى الانسان به جاي الى الاحسان اين بيت در ديوان متني شرح تاصيف اليازجي دار صادر بيروت ج ٢ ص ٢٥٢ آمده است.

(١٠) در اين موضع يك كلمه خوانده نمي شود.

هَذَبِ النَّفْسَ بِالْعُلُومِ لِتَرْقَى وَ تَرَى الْكُلَّ فِي الْكُلِّ بَيْتُ
هَذَبِ النَّفْسِ كَالزُّجَاجَةِ وَالْعَقَّةِ لُ سِرَاجٌ وَ حِكْمَةُ اللَّهِ زَيْتُ
فَإِذَا أَشْرَقَتْ فَإِنَّكَ حَيٌّ فَإِذَا أَظْلَمَتْ فَإِنَّكَ مَيِّتُ

من اشعار^(۱) الفارسیه * ۵۵۱ *

خرد دست گیرد به هر دو سرای	خرد دلهنمای و خرد دلگشای
همان زیور نامداران بود	خرد افسر شهریاران بود
خرد بی‌گمان پاسبان وی است	اگر شاه باداد و فرخ پی است
مکن تا توانی گذر بر درش	هر آن کس ندارد دانش ^(۲) و رای برش
خرد بر همه نیکویها سرست	تو چیزی مدان کز خرد برترست
که از بد همه ساله ترسان بود	نخستین نشان خرد آن بود
به رنگ و به هیئت جهان ننگرد	فزونى نجست آنکه بودش خرد
سزاوار خلعت پدیدست کیست ^(۳)	* ۵۵۲ * خرد مرد را خلعت ایزدیت

مركزية المحبة والعشق

الْمَحَبَّةُ مِثْلُ النَّفْسِ^(۴) لِلاتِّحَادِ بِوَاحِدٍ مِنَ الْإِنْسَانِ أَوْ بِشَيْءٍ مِنَ الْأَشْيَاءِ. وَقِيلَ: الْعِشْقُ
مَحَبَّةٌ مُفْرَطَةٌ مِنْ نَزَاعِ الْقَلْبِ. وَقَالَ بَعْضُ الْعَارِفِينَ: كُلُّ الْمَقَامَاتِ عَنِ أَنْوَارِ الْأَفْعَالِ
وَالصِّفَاتِ إِلَّا الْمَحَبَّةَ فَإِنَّهَا مِنْ نُورِ الذَّاتِ. وَقِيلَ: إِنَّ الْقَلْبَ حَبَّةٌ وَ هِيَ بَاطِنَةٌ، عَلَيْهَا تَتَعَلَّقُ
الْمَحَبَّةُ، وَلِذَا سُمِّيَتْ مَحَبَّةً.

و قَالَ حَكِيمٌ: عَلَيْكُمْ بِالْعِشْقِ وَإِيَّاكُمْ وَالْحَرَامَ، فَالْعِشْقُ يَفْصَحُ الْعَيْ وَ يُزَكِّي^(۵) الْبَلِيدَ^(۶)

(۱) کذا.

(۲) در این موضع محوشدگی وجود دارد.

(۳) در یک بررسی اجمالی آیات فوق بجزیت ۴ در شاهنامه وجود دارد.

(۴) در این موضع لازایداست لالاتحاد.

(۵) یزک.

(۶) همان پلید فارسی است.

و يُسْحَى الْبَخِيلَ وَ يُشْجَعُ الْجَبَانَ وَ يَبْعَثُ عَلَى التَّنْظِفِ وَ تَحْسِينِ الْمَلْبَسِ .
 وَ قَالَ الْفَرَّاءُ : الْمَحَبَّةُ قَرَابَةٌ مُسْتَفَادَةٌ .

وَ صَفَّ أُعْرَابِيٌّ امْرَأَةً (۱) فَقَالَ : أَرَقُّ مِنَ الْهَوَاءِ وَ أَطْيَبُ مِنَ الْمَاءِ وَ أَحْسَنُ مِنَ النَّعْمَاءِ (۲) وَ
 أَبْعَدُ مِنَ السَّمَاءِ تَكَادُ الْعُيُونُ تَأْكُلُهَا وَ الْقُلُوبُ تَشْرِبُهَا ، صُورَةٌ تَجْلُو الْأَبْصَارَ وَ تَجْمَلُ الْأَقْمَارَ
 غَمْرَاتٌ طَرْفِهَا ، وَ كَانَ قَدَّهَا سَكْرَانٌ مِنْ طَرْفِ خَمْرِهَا (۳) الْقُلُوبُ وَ أَطْهَرُ
 حُجَّةٌ (۴) * ۵۵۳ * الذَّنُوبُ كَانَتْهَا خَاصَمَتِ الْوِلْدَانَ (۵) فِي الْبَيْتَانِ وَ هَرَبَتْ مِنَ الرِّضْوَانِ .

فَدَعِ الْعَلَامَةَ يَا عَذُولُ عَلَى الْهَوَى فَسَالِحُبُ نَارٍ وَ الْمَحِبُّ زَنَادٌ
 مَرَّ الْأَضْمَعِيُّ يَوْمًا فِي الْبَادِيَةِ رَأَى مَكْتُوبًا عَلَى الْعَجْرِ هَذَا الْبَيْتَ :
 أَيَا مَعْشَرَ الْحُبَّاجِ (۶) بِاللَّهِ خَسِرُوا إِذَا حَلَّ عِشْقُ بِالْفَتَى كَيْفَ يَصْنَعُ
 فَكَتَبَ تَحْتَهُ :

يُدَارِي (۷) هَوَاهُ ثُمَّ يَكْتُمُ سِرَّهُ وَ يَضْبِرُ فِي كُلِّ الْأُمُورِ وَ يَخْضَعُ
 ثُمَّ جَاءَ يَوْمًا آخَرَ فَكَتَبَ هَذَا الْبَيْتَ :
 وَ كَيْفَ يُدَارِي وَ الْهَوَى قَاتِلُ الْبَيْتِ وَ يَضْرِبُ فِي نَفْسِ كَسَلٍ بِسُومِ رُوحَهُ يَتَقَطَّعُ
 فَكَتَبَ تَحْتَهُ :

إِذَا لَمْ يُطِقْ صَبْرًا بِكَيْثَمَانِ سِرِّهِ فَلَيْسَ لَهُ شَيْءٌ مِنَ الْمَوْتِ أَنْفَعُ
 ثُمَّ جَاءَ يَوْمًا آخَرَ فَرَأَى شَابًا مَيَّنًا .

(۱) امرأه .

(۲) این کلمه خط خوردگی دارد .

(۳) در این موضع دو کلمه خوانده نمی شود .

(۴) این کلمه به ظاهر اینگونه خوانده می شود .

(۵) کلمه ولدان بالای سطر نوشته شده است .

(۶) در بعضی از نقلها العشاق آمده است .

(۷) در بعضی نقلها : یداری آمده است .

مَا اخْتَرْتُ^(۱) وَحَدِي عِشْقَهُ وَغَرَامَهُ لَا بَلْ جَمِيعُ ذَوِي النُّهَى عُشَّاقُهُ
خَسَلَاقُهُ مِنْ لُطْفِهِ قَدْ صَاغَهُ قَدْ صَاغَهُ مِنْ لُطْفِهِ خَسَلَاقُهُ

□□□

حَرَّرَهُ الْعَبْدُ مُحَمَّدُ بْنُ اِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ بْنِ مُحَمَّدٍ^(۲) السَّرُوشْتَانِي فِي
غُرَّةِ^(۳) رَمَضَانَ سَنَةِ اثْنَيْنِ وَثَمَانِينَ وَسَبْعِمِائَةٍ.



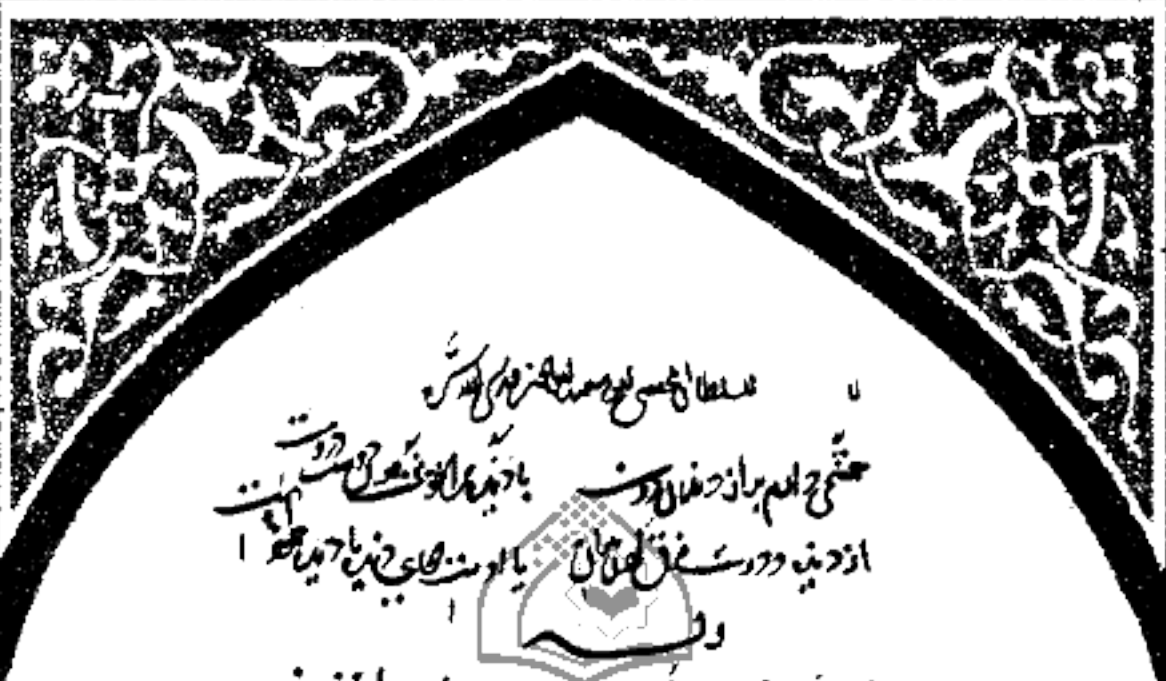
مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علوم اسلامی

(۱) ماخترت .

(۲) ابن محمد در فهرست‌های مرتضی تیموری وجود ندارد .

(۳) غرّت .

[مِنْ إِفَادَاتِ أَقْلَامِ]
[خَلِيفَةِ الْإِسْلَامِ خَلِيفَةَ بْنِ عَلِيٍّ]



سلطان خمس لوط و صند لکنہ فی کسرت
مختی و لیم براز در فلان در
از دین و در سرفق لہمان
یا لوست جہی نیز یادید جہا

آن دم مصیبت عاشری فرزندم جان و دل در بر مرا فرمودم
می بخاشتم عاشری مشغول روانہ جہنم بود و کل است
لعل

یارب دل عاشقان عالم بخت
کاش می میان بخت
لکشت دل کهم ما دل بخت
اینک سر لکشت و نشان بخت
مذبح

در صفای ساغر و صل شرا
کله جو و کلمہ جان لکشت خراب
کو مکتوبت صف از دامن تو باشد کجوی بقدرت اید

(۱)

لِسُلْطَانِ الْمَحَقِّقِينَ أَبُو سَعِيدٍ أَبُو الْخَيْرِ

قَدَسَ اللَّهُ سِرَّهُ

چشمی دارم پسر از دیدن دوست

با دیده مرا خوشست چون دوست دروست

از دیده و دوست فرق کردن نتوان

یا اوست به جای دیده یا دیده خود اوست^(۲)

وَلَهُ

آن دم که حدیث عاشقی بشنودم

جان و دل [و] دیده را به غم فرسودم

می پنداشتم عاشق و معشوق دوآند *سوی*

چون هر دو یکی است من خود آحول بودم^(۳)

لِغَيْرِهِ

یارب دل عاشقان عالم چونست کان من بیچاره میان خونست

انگشت به دل کردم تا دل چونست اینک سرانگشت نشان خونست

لِلَّهِ دَرُّهُ

در ده صنما ز ساغر وصل شراب کز هجر توأم عالم جان گشت خراب

(۱) در فهرست جناب آقای تیموری (شماره ۵۰) برای این مورد آمده است: مرشدالدین خلیفه الاسلام زین الدین علی

بن خلیفه خفزی که از نسخه عکسی بیاض چنین اسمی بدست نمی آید. همچنین در شماره ۴۴ از فهرست مرحوم محمد

علی معلم زین الدین علی خفزی آمده است که در نسخه عکسی بیاض چنین اسمی وجود ندارد.

(۲) ر.ک: سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر با مقدمه و حواشی سعید نفیسی ص ۱۵ ریاضی ۱۰۲.

(۳) ر.ک: سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر با مقدمه و حواشی سعید نفیسی ص ۶۱ ریاضی ۴۱۵.

کوته نکنم دست خود از دامن تو باشد که^(۱) به جوی رفته باز آید آب

لِوَاحِدٍ مِنَ الْعُرَفَاءِ *۵۵۵*

ای عارض خوب تو دل آرای همه زنجیر سر زلف تو در پای همه

گر با همه کس به زمینی وای به من ور با همه کس همچو منی وای همه^(۲)

وَلِوَاحِدٍ مِنْهُمْ

بلبل نشود ز ناله خویش خجل من چون شوم ای سنگدل مهر گسل

کار من [و] بلبلست هر دو مشکل کو در غم گل بماند و من در غم دل

چون بخت سنجری رخ بخت سیاه باد با فقر اگر کند هوس ملک سنجرم

تا جان من خبر یافت از ملک نیم شب صد ملک نیمروز به یک جو نمی خرم

□□□

حَرَّرَهُ أَحَقَرُ الْفُقَرَاءِ وَ مَرَّكَبُ أَقْدَامِ الْعُلَمَاءِ خَلِيفَةُ بِنِ عَلِيٍّ خَلِيفَتِي تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَوَّخِرُ

رَمَضَانَ الْمُبَارَكِ لِسَنَةِ اثْنِينَ^(۳) وَ ثَمَانِينَ وَ سَبْعِمِائَةٍ.

مرکز تحقیقات و پژوهش علوم اسلامی

(۱) کمی .

(۲) ر.ک: سخنان منظوم ابو سعید ابوالخیر یا مقدمه و حواشی سعید نفیسی ص ۸۸ ریاضی ۶۰۱ .

(۳) اثنی .



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

لِمَجْنُونِ الْعَامِرِيِّ

أَلْبَانُ فِي خَجَلٍ مِنْ قَدِّكَ الزَّاكِي
 مَا إِنْ نَظَرْتُ إِلَى سَهْلٍ وَلَا جَبَلٍ
 فَأَيْنَ لِلشَّمْسِ حُسْنٌ مِثْلَ حُسْنِكَ ذَا
 جَعَلْتَنِي مَثَلًا فِي الْحُبِّ مُشْتَهَرًا
 لَا تَقْتُلِي مُسْلِمًا إِنْ كُنْتِ مُسْلِمَةً
 وَالْبَدْرُ حَمِيرَانُ يَخْفَى مِنْ مُحَيَّاكِ
 إِلَّا رَأَيْتُ (۲) أَسِيرًا مِنْ أَسَارِكِ
 وَأَيْنَ لِلْمِسْكِ طِيبٌ مِثْلَ رِيَاكِ
 وَكُنْتُ فِي مِعْزَلٍ مِنْ ذَاكَ لَوْلَاكِ
 إِيَّاكِ مِنْ قَتْلِهِ إِيَّاكِ إِيَّاكِ



الْحُبُّ حَرَمٌ نَوْمِي وَاسْتَحَلُّ دَمِي كَذَلِكَ لِلْحُبِّ تَحْرِيمٌ وَتَحْلِيلٌ

فَقُلْتُ لِحَفْنِهَا لَمَّا جَفَفْتَنِي
 وَأَزَادْتَنِي الْغَرَامَ عَلَى الْغَرَامِ
 أَلَا يَا جَفْنَهَا رِفْقًا بِنَفْسِي
 فَبَيْنَكُمَا مُنَاسَبَةُ السَّقَامِ

* * *

أَطْلَعْتَ يَا قَمْرِي عَلَى بَصْرِي
 وَنَزَلْتَ فِي قَلْبِي وَلَا عَجَبُ
 وَجْهًا شَقَلْتَ بِحُسْنِيهِ نَظْرِي
 فَالْقَلْبُ (۳) بَعْضُ مَنَازِلِ الْقَمَرِ (۴)

* * *

(۱) از ص ۵۵۶ تا ۵۶۱ و صفحات ۸۱۲ و ۸۱۳ نسخه عکسی بیاض مجموعه اشعار به عربی و فارسی است که بصورت

عمودی، افقی، مورب و لوزی نوشته شده اند و بدون نام کاتب است.

(۲) رأیت خارج از متن مصرع نوشته شده است.

(۳) اشاره به قلب القمر دارد.

(۴) ابیات این صفحه با کاتبی شبیه عدد ۸ نوشته شده اند.

وَالْفُضْنُ مِنْ مَنِيهِ يَحْكِي تَشْنِيهِ
وَالْحُسْنُ جُزْءٌ مِنَ الْمَعْنَى الَّذِي فِيهِ
وَلَيْسَ فِي الْخَلْقِ مَعْنَى مِنْ مَعَانِيهِ
وَاعْطِفْ عَلَى جَسَدِي إِنْ رُمْتَ تُحْيِيهِ
اللَّهُ يَحْفَظُ قَلْبِي وَالَّذِي فِيهِ

۵۵۷* (۱) *اللَّيْنُ مِنْ عَطْفِهِ جَلَّتْ مَعَانِيهِ
وَالْوَزْدُ فِي خَدِّهِ وَالشَّهْدُ فِي فِيهِ
فِيهِ مِنَ الْحُسْنِ مَا فِي النَّاسِ كُلِّهِمْ
مَوْلَايَ خُذْ بِيَدِي مَا دَامَ بِي رَمَقُ
مَنْ مِثْلُ قَلْبِي؟ أَنَا، مَنْ مِثْلُ سَاكِنِيهِ؟

سَنَا الْبَرْقِ فِي دَاجٍ مِنَ اللَّيْلِ يَلْمَعُ
هِلَالٌ لَهُ خَمْسٌ وَخَمْسٌ وَأَرْبَعٌ
فَطُوبَى لِمَنْ أَمْسَى وَأَنْتَ حَسْبِيئُهُ
نَصِيبٌ مِنَ الدُّنْيَا وَأَنْتَ نَصِيبُهُ

فَلَمَّا التَّقَيْنَا بِالزُّجَاجِ كَانَهُ
وَسَاقٍ لَهُ سَبْعٌ وَسَبْعٌ كَانَهُ
أَحِبُّكَ لَا أَخْتَارُ غَيْرَكَ مُسْنِيئَةً
وَمَا ضَرَّ صَبَابًا أَنْ يُبَيِّتَ وَمَا لَهُ

يَا جَمِيعَ الْحُسْنِ بَعْضُ صِفَاتِهِ
لَا تُقْتَلُنْ جِسْمِي فَإِنَّكَ رُوحُهُ
وَحَلَاوَةُ الدُّنْيَا تُذَاقُ بِفِيهِ
لَا تُحْرِقَنَّ قَلْبِي فَإِنَّكَ فِيهِ

سَلَا صُدْغَةُ الْمِسْكِيِّ كَيْفَ قَرَارُهُ
وَيَشْرَبُ مِنْ فِيهِ الْمُدَامَ مُعْلَقًا
عَلَى نَارِ خَدْيِهِ وَكَيْفَ يَكُونُ
عَلَى لَهَبٍ إِنْ الْجُنُونُ قُنُونُ

الْعَجَمِيَّات

۵۵۸

لِلشَّيْخِ الْمُحَقِّقِ عَطَّارِ طَابَ مَرْقَدُهُ

ما ز خرابات عشق مست آمدیم

نام بلی چون بریم چون همه مست آمدیم

(۱) ابیات این صفحه به صورت دو ستون مورب است که در مصراع بیت زیر همدیگر نوشته شده و پس از خواندن ستون مورب سمت راست دو بیت همودی میان دو ستون مورب خوانده می شود و سپس ابیات مورب سمت چپ خوانده می شود.

پیش زما جان ما خورده شراب ألت

ماه‌ها از آن يك شراب دوست پرست آمدیم^(۱)

ساقی جام ألت چون وسقا هم بگفت

ما ز پس نیستی عاشق و مست آمدیم

دوست چهل بامداد بر گل ما داشت دست

ما چو گل از دست دوست دست بس دست آمدیم

دوست چو جبار بود هیچ شکستی نداشت

گفت شکست آورید ما به شکست آمدیم^(۲)

جوهر عطار یافت قدر و بلندی از آن

گر چه ز تاثیر جسم جوهر پست آمدیم^(۳)

لمولانا همام‌الدین قدس سره

بر گذرگاه تو می‌خواهم که در خاکم نهند تا مگر بر خاکم افتاد سایه بالای تو

سرو را روزی به بالای تو نسبت کرده‌ام شرمساری می‌برم عمریست از بالای تو^(۴)

۵۵۹ هـ آن نوا در لطفی که واقعست زده‌ام قرین گوهر پاک بزرگوار تو باد

هر آن نوازل قهری که واقعست^(۵) ز چرخ نصیب خصم بداندیش خاکسار تو باد^(۶)

ایمن مرو که مرکب مردان مرد را در سنگلاخ بادیه پی‌ها بریده‌اند

نومید هم مباش که رندان باده نوش ناگه به يك خروش به منزل رسیده‌اند

(۱) دو بیت بالا به شکل عدد ۸ نوشته شده است.

(۲) این دو بیت نیز به شکل عدد ۸ نوشته شده است.

(۳) دیوان عطار نیشابوری با حواشی نادریش غزل ۶۱۸ ص ۵۰۹.

(۴) این دو بیت نیز به شکل عدد ۸ نوشته شده است.

(۵) بالای این کلمه نوشته شده است نازلست.

(۶) این دو بیت به شکل عدد ۷ نوشته شده است.

می‌کوش که تا زعشق دردی بکشی یا غاشیة دامن مردی بکشی
 اندر طلب وصال تعجیل مکن تا بر در دوست سرد و گرمی بکشی^(۱)
 فلک مشام کسی خوش کند به بوی مراد که خاک معرکه باشد عبیر و عنبر او
 عزم آن دارم که سر در پای آن دلبر کشم دامن او گیرم و دامن زعالم در کشم
 بی‌قدش در جویبار جتّم دعوت مکن تا نسوزد طوبی از آهی که بی او بر کشم^(۲)

۸۱۲ (۳) (۴) * لِنَجِيبِ الْجُرْفَادِ قَانِي

زهی به وقت سحر زلفت از پریشانی بدست باد صبا کرده عنبرافشانی
 ز سر گرفته جهانی فسانه من [و] تو حدیث یوسف مصری و پیر کنعانی
 دماغ عقل به دیوانگی شود مایل اگر تو سلسله زلف را بجنابانی
 هزار یوسف گم گشته را توانی یافت سر آستین جمال خود آر برافشانی
 هزار دل شده را بر امید طلعت خویش چو بر نشینی در هر مقام بنشانی^(۵)

لِلْحَكِيمِ الْمَتَأَلِّهِ سِنَائِي رُوحَ اللَّهِ رُوحَهُ

جهان تیزست و ره مشکل جنیبت را عیان درکش

زمانی رخت هستی را به خلوت گاه جانان کش
 عقابان شقاوت^(۶) را زباغ انس بیرون کن
 همایون سعادت را به دام امتحان درکش

(۱) دو بیت بالانیز به شکل عدد ۷ نوشته شده است .

(۲) دو بیت بالانیز به شکل عدد ۷ نوشته شده است .

(۳) این ص در نسخه عکسی بیاض ص ۸۱۲ است و جایش در این مکان می باشد .

(۴) صفحات ۱۲، نو ۸۱۳ مربوط به صفحات ۵۵۶ تا ۵۶۱ نسخه عکسی بیاض است و در این موضع جای . می گرد این

مجموعه بدون نام کاتب است و در هنگام صحافی بیاض جای این دو صفحه تغییر کرده است

(۵) غزل فوق با اختلاف در دیوان نجیب جرفادقانی به کوشش احمد کرمی آمده است .

(۶) این کلمه پاک شده است .

چو خاص الخاص جان‌گشتی ز صورت پای بیرون نه

هزاران شربت معنی بیکدم رایگان درکش (۱)

۸۱۳^(۲) طریقهش بی‌قدم می‌رو حدیثش بی‌زبان می‌گو

جمالش بی‌بصر می‌بین شرابش بی‌دهان درکش

چو مست حضرتش گشتی فلک را خیمه بر هم زن

ستون عرش درجنبان طناب آسمان برکش (۳)

گران جانی مکن یارا تو در بزم سبک روحان

چو ساقی گرم رو گردد سبک رطل گران درکش

شناسی این چه اسرارست کز خاطر برون کردی

کسی رمزش نمی‌داند زبان درکش زبان درکش (۴)



عشق تو بتا با دل مسکین حزین با شیر فرو شد دست با جان برود

پیش از آب و گل من در دل من مهر تو بود با خود آوردم از آن خانه نه خود بر بستم

لَا عُضْوٌ لِي إِلَّا فِيهِ صَبَابَةٌ فَكَأَنَّ أَعْضَائِي خُلِقْنَ قُلُوبًا

در فراقت جز غم غم خواره نیست وای آن کش غم کند غمخوارگی (۵)

(۱) ابیات این صفحه به صورت مثلث و لوزی نوشته شده است .

(۲) این ص در نسخه عکسی بیاض ص ۸۱۳ است و جایش در این مکان می‌باشد .

(۳) این کلمه پاک شده است .

(۴) ابیات فوق در دیوان سنایی چاپ مدرس رضوی وجود ندارد .

(۵) ابیات این صفحه به صورت لوزی نوشته شده است .

فی الْمُعْتَمَاتِ * ۵۶۰ (۱) *

مقلوب مرادف خضم گو تا بشکنم این خر مصحف

از غایت لطف نام یارم آبیست میان گل چکیده (۲)

نام آن شه کآسمان سلطان حسنش نام کرد

در میان ناز و ذوق و عیش و حسن آرام کرد (۳)

چیز یست بزرگ و مرد دانش بفهم در یابد اگر بد نکند اندیشه



..... ساله بتی بر سر مه زاده

وز فلك به چرخ

افستاده (۴)

..... و و ببازم با تو

از بهر ده مرغ و يك صراحی باده (۵)

(۱) در قسمت بالای این صفحه يك رباعی به شکل مربع و مثلثایی در چهار گوشه آن نوشته شده است و هنوز دینف کردن آن برایم ممکن نشده است کلمات تشکیل دهنده این رباعی عبارتند از رباعیة: گفتم خمی روم رخس - جبین - سمنش - لبش طندق او ستون ، به گازدویوس - سیمین - پروین - نسربین - سقف - عناب - ده - بگرفت .
 (۲) آب به عربی ماء می شود و ماء وقتی بین گ و ل واقع شود با توجه به یکسان نوشتن حرف ك و گ در گذشته ، کمال خوانده می شود لذا نام ممدوح شاعر کمال بوده است واللّٰه اعلم
 (۳) از حروف وسط کلمات ناز و ذوق - عیش و حسن ، کلمة اویس استخراج می شود و اویس جواب معمای این شعر است .

(۴) جاهای خالی در مصراع دوم بنظر می رسد اوج و قمر باشد .

(۵) رباعی فوق به همین شکل در بیاض آمده است .

فیه

دشمن آتش مزاج باد پیما را بگو

خاک بر سر کن که آب رفته باز آمد به جوی^(۱)

* ۵۶۱ * از شب وصل دمی می‌دهیم هر نفسی

لیکن از وصل تو راضی به دمی نتوان شد

در سالی اگر ماه مبارک بینم

هم روی تو بینم که مبارک ماهست

فی تَرْكِ الْوَدَاعِ

چاکر چو نیارست وداع جان کرد^(۲) در وقت وداع رفت و رو پنهان کرد

تو جان منی وزین سبب معذورم کآسان آسان وداع جان نتوان کرد

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های ادبی

گر تَرْكِ وداع کرده‌ام معذورم کآسان آسان وداع جان نتوان کرد

مصور ازل از روح صورتی می‌خواست مثال قامت تو بر کشید و آمد راست

به هر چه خوبتر اندر جهان نظر کردم که گویمش به تو ماند تو خوبتر زانی

وجود هر که نگه می‌کنم ز جان و جسد مرکبست و تو از فرق تا قدم جانی^(۳)

(۱) در این بیت منظور شاعر کاربرد چهار عنصر است.

(۲) در پایان مصرع علامت‌ه نشانه پایان جمله است و حرف نیست.

(۳) این دوبیت شعر از غزلیات سعدی است ص ۴۴۷ چاپ حسین استادولی از روی چاپ فروغی.

هَسَوَى لَه فَرَضُ تَعَطِفُ أَوْجَفَا وَمَنْهَلُهُ عَذْبُ كَدِرٍ أَوْ صَفَا
وَكَلْتُ إِلَى الْمَخْبُوبِ أَمْرِي كُلُّهُ فَإِنْ شَاءَ أَخْيَانِي وَإِنْ شَاءَ أَتْلَفَا

أَنْشَدَ الْإِمَامُ أَبُو حَنِيفَةَ (۳) رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ

أُخْرِبُ دِينِي كُلَّ يَوْمٍ وَأَزْتَجِي عِمَارَةَ دُنْيَانِي وَدِينِي أُخْرِبُ
فَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ الْحِمَارَيْنِ رَاجِلٌ فَلَا الدِّينُ مَعْمُورٌ وَلَا الْعَيْشُ طَيِّبٌ

قال بعض الحكماء: كمال العقل في عشرة: المداراة والعمو والإحتمال والكرم والصدق
والعدل والحياء والخلق والرضا والتواضع. ونقصان العقل في عشرة: الغضب والحسد
والحرص والعجب والظلم والنميمة والمزاح والكذب والخيانة والإطتاب. فمن لا يستعمل
تلك ولا تجتنب هذه فآلموت أرفع له *تیموری علوم رسوی*

صُحْبَةُ (۴) الصَّغَارِ مَعَ الْكِبَارِ مِنَ التَّوْفِيقِ وَالْفِطْنَةِ، وَرَغْبَةُ الْكِبَارِ فِي صُحْبَةِ الصَّغَارِ
خِذْلَانٌ وَحُمُقٌ.

قال امير المؤمنين [عليه السلام] (۵): أَرْبَعَةٌ [تضحك من أربعة]: [القدر من] (۶)

(۱) این مورد در فهرست مرحوم علی معلم حبیب آبادی و جناب آقای تیموری نیامده است و در فهرست دوم صفحه ۵۶۲
راجزی از مورد قبل می داند.

(۲) مطالب این صفحه بدون ارتباط به متن قبلی و یا خطی دیگر است و حاشیه چهار طرف اشعار فارسی و عربی و نثر عربی
دارد و کاتب آن مشخص نیست قسمتی از مطالب حاشیه پالین صفحه در نسخه خطی بیاض وجود ندارد و در صحافی
که قبلاً از این کتاب صورت گرفته چیده شده است.

(۳) این واژه خط خورده است و ابوحنیفه به نظر می رسد.

(۴) صحبت.

(۵) دنباله مطلب افتادگی دارد، ادامه ده سطر ذیل در اصل نسخه بیاض وجود ندارد و در صحافی کتاب از حاشیه عرضی
چیده شده است.

(۶) در بیاض: والقضاء من...، آنرا مطابق نقل جواهر المطالب آوردم.

الْحَذَرِ وَالْأَجَلِ مِنَ (۱) الْأَمَلِ وَ [الرِّزْقِ مِنَ الْأَمَلِ وَالْوَلَايَةِ مِنَ الْعَزْلِ] (۲).

قِيلَ: إِشْتَرَى رَجُلٌ مِنْ رَجُلٍ دَاراً [فَقَالَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ] أَنْ يَكْتُبَ لَهُ الْقَبَالََةَ، فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ [هَذَا مَيْتٌ مِنْ مَيْتٍ فِي دَارِ الْفَنَاءِ، إِشْتَرَى رَجُلٌ] مِنْ رَجُلٍ دَاراً فِي سِكَّةِ الْغَافِلِينَ لَا أَضْلَ لَهُ [اتَّخَذَ الْأَوَّلُ مِنْهَا يَنْتَهَى] إِلَى الْمَوْتِ وَالثَّانِي إِلَى الْقَبْرِ وَالثَّلَاثُ [إِلَى الْخَرَابِ وَالرَّابِعُ إِلَى الْجَنَّةِ أَمْ] إِلَى النَّارِ، فَقَرَأَ عَلَيْهِمَا، فَرَدَّ الدَّارَ [فَصَاحَ الرَّجُلُ وَمَاتَ] (۳).

أَخْبَارُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ (رض):

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ (۴).

وَمِنَ التَّوْرَةِ: مَنْ صَمَتَ نَجَا، وَمِنَ الزَّبُورِ: مَنْ تَرَكَ اللَّذَاتِ

یارم ره و رسم عشق نیکو داند هر نکته که شرطست درو او داند

بگذاشتهام مصلحت خویش بدو گر بکشد وار زنده کند او داند



(۵) جز نکویی به جای دشمن و دوستی کویز و کویز چون که دست دهد نکن زنیهار

هر که برداشت قصه خود ضایع و مهملش فرو مگذار

از کبر مدار هیچ در سر هوسی کز کبر به جایی نرسیدست کسی

چون زلف بتان شکستگی عادت کن تا صید کنی هزار دل در نفسی

دهان پیش لبش بردم ابرو گفت با چشمم

رقیبان گوش دارند و قانع شو به دیداری

(۱) در بیاض: علی. متن را موافق مصدر (جواهر المطالب) آوردیم.

(۲) مابین قلاب را از جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی طالب علیه السلام ۲/۱۴۵ اح ۳۹ نقل کردیم.

(۳) عبارتهای داخل قلاب از ص ۶۷۲ نسخه عکسی بیاض تکمیل گردیده است. چنین نقلی را در مجامع حدیثی نیافتیم.

(۴) قرآن کریم سوره طلاق (۶۵) آیه ۳.

(۵) این اشعار در حاشیه سمت چپ و بالای صفحه به صورت وارونه و در حاشیه سمت راست آمده است.

زمانه از سر غیرت جهانی را بِلِکَاند

اگر یاری برآساید دمی در صحبت یاری

ای که امروز دسترس داری	زر و أملاك و قدرت و أنساب
فرصت وقت را زدست مده	پای مردی خلق کن دریاب
مدد خلق آن چه بتوانی	در ره حق شناس اصل الباب

لَيْسَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَأَوَانٍ	تَهَيَّأْ صَنَائِعَ الْإِحْسَانِ
فَإِذَا أَمْكَنْتَ فَبَادِرْ إِلَيْهَا	وَلَا تَخَفْ مِنْ تَعَدُّرِ الْإِمْكَانِ

با بَط می‌گفت ماهی اندر تَك و تَاب

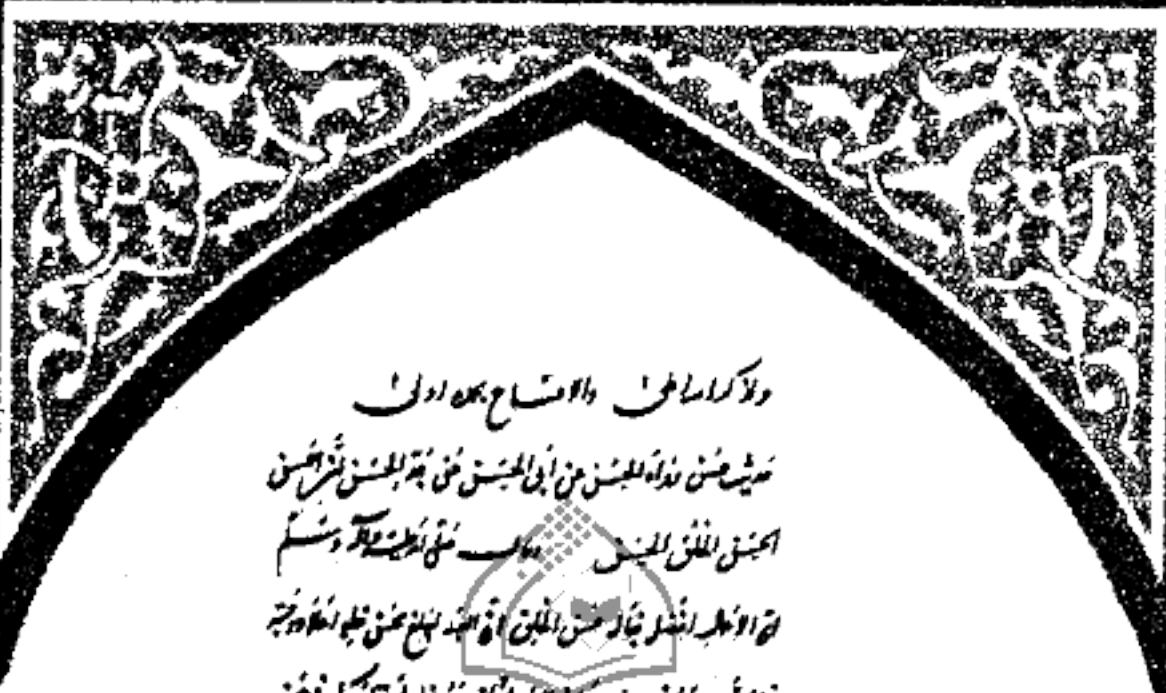
باشد که به جوی رفته باز آید آب

بط گفت چون من مشوش گشتم (۱) تو کباب

دنیا پس مرگ ما چه دریا چه سراب

(۱) مکذادر متن نسخه خطی بیاض، ظاهراً: چون من مشوی گشتم، درست باشد.

[مِنْ إِفَاضَاتٍ وَرَشَحَاتِ أَقْلَامٍ]
[الْمَوْلَى أَحْمَدَ دَامَ فَضْلُهُ]



ولا كراماتٍ والامتناع بعه اول
 حديث من نداء الحسن من ابي الحسن من ابي الحسن من الحسن
 الحسين الملقب بالحسين **عاشق علي بن ابي طالب** وسلم
 له الاصل انشده في دار من الملوك انه شهد نهج عن نبي الله صلى الله عليه وآله
 في البيت وهو غير طاهر وانه البديع بنو نبي الله صلى الله عليه وآله وسلم
 وهو ما به **الحسين الملقب بالحسين** في الدنيا وكان في الوجود
 وهو الملقب **عبد الله** بحسبته **علي بن ابي طالب** في الدنيا
 فخرج نبي الله صلى الله عليه وآله وسلم **عاشق علي بن ابي طالب** في الدنيا
 اجترأ مع الخلق في ارضه **الحسين الملقب بالحسين** في الدنيا
 ولكن احبوا الي من اتاه **علي بن ابي طالب** في الدنيا
 او كثر من هذا فاض است **علي بن ابي طالب** في الدنيا
 من عند الله است **علي بن ابي طالب** في الدنيا
 باش **علي بن ابي طالب** في الدنيا
 من عند الله است **علي بن ابي طالب** في الدنيا
 فخرج نبي الله صلى الله عليه وآله وسلم **علي بن ابي طالب** في الدنيا
 فخرج نبي الله صلى الله عليه وآله وسلم **علي بن ابي طالب** في الدنيا

وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَغْلَى ، وَالْإِفْتِيَاخُ بِخَمِيدِهِ أَوْلَى * ۵۶۳ (۱)

حَدِيثٌ حَسَنٌ رَوَاهُ الْحَسَنُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَنْ جَدِّ الْحَسَنِ : إِنَّ أَحْسَنَ الْحُسْنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ (۲) .

وَسُئِلَ (۳) [النَّبِيُّ] صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ ؟ فَقَالَ [ص] : حُسْنُ الْخُلُقِ (۴) .

إِنَّ الْعَبْدَ لَيَبْلُغُ بِحُسْنِ خُلُقِهِ أَغْلَى (۵) دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ وَهُوَ غَيْرُ عَابِدٍ ، وَإِنَّ الْعَبْدَ لَيَبْلُغُ بِسُوءِ خُلُقِهِ أَسْفَلَ دَرَكٍ فِي جَهَنَّمَ وَهُوَ عَابِدٌ (۶) .

حُسْنُ الْخُلُقِ كَمَالٌ فِي الدُّنْيَا وَكَمَالٌ فِي الْآخِرَةِ وَ سُوءُ الْخُلُقِ يُفْسِدُ الْعَمَلَ (۷) .

قَالَ اللَّهُ (۸) : «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (۹) فَمَدَحَ نَبِيِّهٖ وَآتَى عَلَيْهِ بِحُسْنِ خُلُقِهِ .

قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَحْسِنُوا مَعَ جَمِيعِ النَّاسِ فَلَيْسَ الْإِحْسَانُ أَنْ تُحْسِنَ (۱۰) إِلَى مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْكَ وَلَكِنْ أَحْسِنُوا إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكُمْ لِيَكُونُوا مِنَ الْمُحْسِنِينَ .

آرایش همه چیزها تواضع است و نیکوترین چیزها خوی خوش است و قیمت هر کس

(۱) از صفحه ۵۶۳ تا ص ۵۸۱ نسخه عکسی بیاض دستخط کاتبی نامعلوم است که در فهرست آقای مرتضی تیموری و احمد بن عبدالحسین آمده است اما این از متن مستفاد نمی شود . ضمناً قبل از این صفحه افتادگی دارد زیرا متن فاقد صفحه مخصوص معرفی راقم است و از جهتی فاقد ذکر حمد خداوند و درود بر نبی گرامی اسلام [ص] است .

(۲) بحار الانوار ۷۱/۳۸۶ ح ۳۰ .

(۳) در متن قال آمده است .

(۴) بحار الانوار ۷۱/۳۹۴ ح ۶۳ .

(۵) اعلا .

(۶) بحار الانوار ۱۰/۹۹ ح ۱ .

(۷) بحار الانوار ۷۱/۳۹۳ ح ۶۱ .

(۸) این قسمت بخش شدگی جوهر دارد و ناخوانا است .

(۹) قرآن کریم سوره القلم (۶۸) آیه ۴ .

(۱۰) یحسن .

به قدر دانش اوست هر که (۱) خواهد قدر او بر جای باشد گو خویشتن شناس باش و حکما گفته‌اند: اندر تواضع سود بی‌زیانست و منفعت بی‌خسران، دامی است که بدان مرغ دلها را صید توان کرد و پیغامبر علیه السلام فرمود که: در بهشت نرود آن کس که در دل او مقدار خردلی کبر باشد از بهر آنکه (۲) * ۵۶۴ * بهشت از برای بندگان خاص آفریده‌اند و مرغ بندگی فکندگی است

چند پرسى که بندگى چه بود بندگى جز فکندگى چه بود

هر که خواهد دولت یار باشد و بر دلها عزیز ده خصلت پیوسته نگاه دارد، راست گوید، نان از کس دریغ ندارد، وعده خلاف نکند، صحبت با نیکان دارد، مشورت (۳) با عالمان و پیران کند راز خویش از همه کس پوشیده دارد، قرآن خواندن هر روز عادت کند، چندانکه (۴) تواند با همه کس تواضع کند و گشاده روی باشد، هیچکس را بد نگوید، صدقه در سرّ دهد.

پیغامبر علیه السلام فرمود که: خدای تبارک تعالی و [را] در سرّ پرستش کنید که به آشکارا همه کس کنند، عطا از مال اندک بدهید که از مال بسیار همه کس دهند، تقرب به درویشان جوید که با توانگران همه کس جویند، توبه پیش از مرگ کنید که در حال مرگ هر کس کند فرمان خدای تعالی در این جهان به جای آرید که در آن جهان همه کس آرند، تواضع در حال مهتری کنند که در حال کهتری همه کس کنند، گویند در روزگار اردشیر بابکان به ولایت اَصطخر فارس امساک باران اتفاق افتاد قحطی عظیم پیدا شد، رعایا (۵) قصه و شکایت به بارگاه اردشیر رفع کردند تویق فرمود که چون آسمان احسان باران بار گرفت گماشتگان ما در عرصه زمین * ۵۶۵ * از آسمان همت خویش باران احسان روان

(۱) کی .

(۲) آنک .

(۳) مشوره .

(۴) چندانک .

(۵) دعایا .

دارند و حکما گویند به زیادتی کوشش در روزی نیفزاید و به تقاعد نمودن در طلب، آنچه^(۱) مقدرست کم نشود.

ای طالب روزی بنشین که^(۲) بخوری، و ای مطلوب آجل مگریز که جان نبری.
 جهد رزق ار کنی و گر کنی برساند خدای عزوجل
 ور روی در دهان شیر و پلنگ نخوردت مگر به روز آجل
 بنانهاده دست کشد و نهاده به هر جا که هست کشد^(۳).

شعر

خواجه آفتاب جست و نیافت تیره شب بود بروی تافت
 هر که در زندگی نانش نخورند چون بمیرد نامش نبرند، لذت انگور بیوه داند نه خداوند میوه.

آنکه در راحت و تنعم زیست او چه داند که حال گرسنه چیست؟
 حال درماندگان کسی داند که به احوال خویش درماند^(۴)
 مأمون خلیفه گفت: دنیا برای آن یارید که تا در تصرف آید و چون مسلم شد جز بخشش چه کار شاید، حکیم گفت^(۵): دو کس رنج بیهوده بردند و سعی بی فایده کردند یکی آنکه^(۶) مال اندوخت و نخورد و دیگر آنکه علم آموخت و نکرد^(۷).
 چون در امضا [ی] کاری متردد باشی آن طرف اختیار^(۸) کن که^(۹) بی‌آزارتر باشد.

(۱) آنج.

(۲) که هکذا در متن.

(۳) ر. ک: کلیات سعدی تصحیح فروغی، گلستان باب هشتم ص ۱۸۲ با اختلاف.

(۴) ر. ک: کلیات سعدی تصحیح فروغی، گلستان باب هشتم ص ۱۸۳.

(۵) گفته.

(۶) آنک و هکذا در موارد بعد.

(۷) ر. ک: کلیات سعدی تصحیح فروغی، گلستان باب هشتم ص ۱۷۰.

(۸) اختیار.

(۹) کی.

با مردم سهل گوی [و] دشوار مگوی با آنکه در صلح زند جنگ مجوی^(۱)
 ۵۶۶ مشهور است که خورشید فلک نبوت محمد مصطفی علیه الصلاة والسلام،
 پادشاه را سایه رحمت إله خواندست در زمین یعنی چنان که سایه وسیلت آسایش
 جهانیان است، پادشاه ذریعت آرامش عالم و عالمیان است و هرگز دعا [ی] پادشاه عادل
 رد نکند.

قال علی بن ابی طالب کرم الله وجهه و رضی عنه: الْقُوَّةُ تَوَاضَعُ عِنْدَ الدَّوْلَةِ وَالْعَفْوُ عِنْدَ
 الْقُدْرَةِ وَالْعَطَاءُ بِلا اِمْتِنَانٍ^(۲).

و قال عبدالله بن المبارك: الْقُوَّةُ تَرْكُ التَّكْلِيفِ وَ اِخْتِصَارُ مَا حَضَرَ.
 وَقِيلَ: الْقُوَّةُ تَرْكُ كُلِّ شَيْءٍ فِيهِ لِلنَّفْسِ حِظٌّ. و قال: الْمَرْوَةُ هُوَ الْاِحْسَانُ اِلَى الْوَلِيِّ
 وَالْعَدْوُ.

سئِلَ^(۳) عَنِ الْمَرْوَةِ فَقَالَ: الْمَرْوَةُ اَوَّلُهُ طَلَاقُ الْوَجْهِ وَثَانِيهِ^(۴) الْمَوَدَّةُ وَ ثَالِثُهُ^(۵)
 قَضَاءُ [ء] الْحَاجَةِ. و قال: مَنْ قَطَعَ عَلَيْكَ حَدِيثَكَ فَلَا تُحَدِّثْهُ فَإِنَّهُ لَا اَدَبَ لَهُ.
 و قال: مُجَالَسَةُ الْعَالِمِ غَنِيْمَةٌ وَ مُجَالَسَةُ الْجَاهِلِ^(۶) خَسْرَةٌ.

و قال: الدُّنْيَا جِيْفَةٌ فَمَنْ ارَادَ مِنْهَا شَيْئًا^(۷) فَلْيَضْبِرْ عَلَيَّ مُعَاشِرَةَ الْكَلْبِ.
 قال الشافعي (رض): اَظْلَمُ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ مَنْ تَوَاضَعَ لِمَنْ لَا يُكْرِمُهُ وَ رَغِبَ فِي مَوَدَّةٍ مِنْ
 لَا يَنْفَعُهُ وَ قَبِلَ مَدْحَ مَنْ لَا يَعْرِفُهُ. *۵۶۷* يَا عَجَباً لِمَنْ يَرَى السَّفَرَ وَلَا يَشْفِلُ نَفْسَهُ بِالزَّادِ، وَ
 يَا عَجَباً لِمَنْ يُوقِنُ بِالْحِسَابِ وَلَا يَدْفَعُ فُضُولَ الْكَلَامِ، وَيَا عَجَباً لِمَنْ يُوقِنُ أَنَّهُ لَيْسَ لَهُ مَقَامٌ

(۱) ر.ك: کلیات سعدی تصحیح فروغی، گلستان باب هشتم ص ۱۷۲.

(۲) ارشاد القلوب ۱/۱۹۲ باب ۵۲.

(۳) سئِلَ.

(۴) الثانی.

(۵) الثالث.

(۶) در این قسمت جوهر بخش شده است.

(۷) شیاً.

فِي الدُّنْيَا وَ يَعْمَلُ لَهُ ، وَ يَا عَجَباً لِمَنْ يَسْأَلُ (١) الْغُفْرَانَ وَ لَا يَتْرُكُ الْعِضْيَانَ ، وَ يَا عَجَباً لِمَنْ لَا يَزْهَدُ فِي دَارِ الْفَنَاءِ (٢) وَ يَرْجُو (٣) فِي دَارِ الْبَقَا [ء] ، وَ يَا عَجَباً لِمَنْ (٤) لَا يَغْفُو (٥) عَنْ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ وَ يَطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْ اللَّهِ تَعَالَى ، وَ يَا عَجَباً لِمَنْ يَجِدُ الْعِلْمَ ثُمَّ يَكْسِلُ عَنْ طَلْبِهِ ، وَ يَا عَجَباً لِمَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَ يَعْمَلُ بِعَمَلِ الشَّيْطَانِ ، وَ يَا عَجَباً لِمَنْ يَطْلُبُ النَّجَاةَ مِنَ النَّارِ وَ لَا يَتْرُكُ الذُّنُوبَ ، وَ يَا عَجَباً لِمَنْ يَطْلُبُ الْفِرْدَوْسَ (٦) ثُمَّ يَنَامُ عَلَى فِرَاشِهِ ، وَ يَا عَجَباً لِمَنْ يَسْتَحْيِي (٧) مِنَ الْخَلَائِقِ وَ لَا يَسْتَحْيِي مِنْ خَالِقِهِمْ ، وَ يَا عَجَباً لِمَنْ يُوقِنُ بِالْحِسَابِ وَ لَا يَتْرُكُ الْمُشَبَّهَاتِ ، وَ يَا عَجَباً لِمَنْ يُوقِنُ بِعَيْبِ نَفْسِهِ وَ هُوَ يَعْيبُ غَيْرَهُ .

قِيلَ : قَدِمَ لَقْمَانَ مِنْ سَفَرٍ فَلَقِيَهُ رَجُلٌ فَقَالَ : مَاتَ أَبُوكَ ، قَالَ : مَلَكَتْ أَمْرِي ، قَالَ : وَ مَاتَتْ أُمُّكَ ، قَالَ : ذَهَبَ هَمِّي ، قَالَ : وَ مَاتَتْ أُخْتُكَ ، قَالَ : سَتِرْتِ عَوْرَتِي ، قَالَ : وَ مَاتَتْ إِمْرَأَتُكَ ، قَالَ : جُدَّدَ فِرَاشِي ، قَالَ : وَ مَاتَ (٨) أَخُوكَ ، قَالَ : انْقَطَعَ ظَهْرِي .

❦ ٥٦٨ ❦ قَالَ امير المؤمنين علي كرم الله وجهه : سألت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عن سننائه ؟ فقال [ص] : المَعْرِفَةُ رَأْسُ مَالِي وَ الْعَقْلُ أَصْلُ دِينِي وَ الْحُبُّ أَسَاسِي وَ الشُّوقُ مَرْكَبِي وَ ذِكْرُ اللَّهِ أَنْيْسِي وَ الثِّقَّةُ كَنْزِي وَ الْحُزْنُ وَفِيهِ الْعِلْمُ سَلَامِي وَ الصَّبْرُ رَدَائِي وَ الرِّضَا [ء] (٩) غَنِيمَتِي وَ الْعَجْزُ فَخْرِي وَ الزُّهْدُ حِرْفَتِي وَ الْيَقِينُ قُوَّتِي وَ الصَّدَقُ شَفِيعِي وَ الطَّاعَةُ جَنبِي وَ الْجِهَادُ ضَلْعِي وَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ (١٠) .

(١) يسلم .

(٢) اين قسمت جوهر ريختگی دارد و ناخوانا است .

(٣) يرجوا .

(٤) در اين قسمت لا يزهدي دار نوشته شده و زايده است .

(٥) لا يغفوا .

(٦) کاربرد و اژه فارسی در عربی .

(٧) يستحي و هكذا مورد بعد .

(٨) ماتت .

(٩) الرضى .

(١٠) مستدرک ١٧٣/١١ باب ٤٠ استحباب ملازمة الصفات الحميدة .

و قَالَ أَيْضاً [عَلِيٌّ] عَلَيْهِ السَّلَامُ: اِسْتَعِنَ عَن مَن شِئْتَ (۱) فَإِنَّكَ نَظِيرُهُ وَ سَلَّ عَن مَن شِئْتَ فَإِنَّكَ أَسِيرُهُ وَأَعْطِ مَن شِئْتَ فَإِنَّكَ أَمِيرُهُ (۲).

[مِن] قَاضِي الْقِضَاةِ يَحْيَىٰ بَنِي صَاعِدٍ

أَرَىٰ حَاجَةَ الْإِنْسَانِ نَوْمًا وَمَلَبَسًا وَ كَبَائِرَ حَاجَاتِ النَّفُوسِ فُضُولَهَا
فَمَا الْعُمُرُ إِلَّا سَاعَتَانِ فَسَاعَةٌ تَوَلَّتْ وَأُخْرَىٰ أَنْتَ تَرْجُو حُصُولَهَا
فَكَمْ كُلُّ هَذَا الْكَيْدِ مِنْ أَجْلِ سَاعَةٍ وَلَيْسَ يَسْقِينَا أَنْ تَنَالَ وَصُولَهَا

وَقَالَ أَيْضاً

وَمَا أَحَدٌ عَنِ السُّنَنِ النَّاسِ سَالِمًا وَلَوْ أَنَّكَ ذَاكَ النَّبِيِّ الْمُطَهَّرُ
فَإِنْ كَانَ سِكِّيتًا يَقُولُونَ أَبُكُمْ وَإِنْ كَانَ مِنْطِيقًا يَقُولُونَ مُهَذِرُ
وَإِنْ كَانَ مِقْدَامًا يَقُولُونَ أَهْوَجُ وَإِنْ كَانَ مِفْضَالًا يُقَالُ مُنْذِرُ (۳)
وَإِنْ كَانَ صَوَامًا وَبِاللَّيْلِ قَائِمًا (۴) يَقُولُونَ زَرَّاقُ يُرَائِي وَ يَسْفِكُرُ
فَلَا تَخْتَلِفْ فِي النَّاسِ بِالْحَمْدِ وَالشَّلَاءِ وَلَا تَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَاللَّهُ أَكْبَرُ

لقمان حکیم پسر خود را گفت کہ: سہ کس را بہ سہ جایگاہ بتوان شناخت: حلیم را بہ وقت خشم، و شجاع را بہ وقت جنگ، و دوست را بہ وقت حاجت.

تا دست وصال تو نگیرم در دست یا از لب میگوینت نگر دم سرمست
نه لب روزی بہ خندہ خواہم بگشاد نہ دیدہ شبی ز گریہ برخوردارم بست

گر معترفی بزبست قوی نیکی (۵) ورید زپس کسی بسخوی، نیکی
می کوش در آن کہ بد نگویی کس را گر بد باشی و بد نگویی، نیکی

(۱) شئت و هكذا موارد بعد.

(۲) بحار الانوار ۷۳/۶۹۱ ج ۶، اعلام الدین ص ۶۵۹ فصل فی ذکر الفنی والفقیر.

(۳) روی این کلمہ جوہر ریختگی وجود دارد.

(۴) قایما.

(۵) این مصرع بہ ظاہر اینگونہ خواندہ می شود.

ای ساقی از آن باده که ما را باید درده که ز زهد و توبه کاری نآید
 در عشق تو من قبله خود گم کردم در کعبه اگر قبله نباشد شاید
 سِتُّ خِصَالٍ تُعْرَفُ فِي الْجَاهِلِ: الْغَضَبُ مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ، وَالْكَلَامُ فِي غَيْرِ نَفْعٍ، وَالْعَطِيَّةُ فِي
 غَيْرِ مَوْضِعٍ، وَإِفْشَاءُ السَّرِّ، وَالثِّقَّةُ بِكُلِّ أَحَدٍ، وَقِلَّةُ الْمَعْرِفَةِ بِالصَّدِيقِ مِنَ الْعَدُوِّ.

لِيَحْيَى بْنِ مَعَاذٍ رَحِمَهُمَا اللَّهُ تَعَالَى

طَلَبْتُ الْفَخْرَ فَوَجَدْتُهُ فِي الْعِفَّةِ، وَ طَلَبْتُ الرَّفْعَةَ فَوَجَدْتُهَا فِي التَّوَاضُّعِ، * ۵۷۰ * وَ
 طَلَبْتُ الرِّيَاسَةَ فَوَجَدْتُهَا فِي النَّصِيحَةِ، وَ طَلَبْتُ الرَّاحَةَ فَوَجَدْتُهَا فِي الْوَقَارِ، وَ طَلَبْتُ الْغِنَى
 فَوَجَدْتُهُ فِي السَّخَا [ءِ]، وَ طَلَبْتُ مُقْبِلًا مِنَ النَّيِّرَانِ فَوَجَدْتُهُ فِي قَوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ
 اللَّهِ عَلَيَّ وَوَلِيُّ اللَّهِ، وَ طَلَبْتُ الْأُنْسَ فَوَجَدْتُهُ فِي الْقُرْآنِ، وَ طَلَبْتُ الصُّحَّةَ فَوَجَدْتُهَا فِي الصِّيَامِ،
 وَ طَلَبْتُ الشُّكْرَ فَوَجَدْتُهُ فِي الْقَنَاعَةِ.

فی القواعظ والأذعية

نصیحت کردن پیوسته لازم بوده است و در این عنصر لازم تر است که (۱) مدهانان
 بسیارند و مستمعان اندک، نصیحت تلخ است و مدهانت شیرین مردم هوا [ی] شیرین
 بیشتر دارند: «مَنْ أَحَبَّكَ أَنْهَكَ وَمَنْ أَبْغَضَكَ أَغْرَاكَ» (۲).

فاروق، مرتضی را بر نصیحت کردن خویش محرض بودی و در مشکلات علوم با وی
 بحث کردی و از او استفسار فرمودی و «لَوْ لَا عَلَيَّ لَهْلَكَ عُمَرُ» گفتمی، ای برادر دینی و
 یارجانی چون سیر شوی از گرسنگان یادآور و چون جامه پوشی از برهنگان اندیشه کن،
 ابراهیم (۳) خلیل صلوات الرحمن علیه چون از عمارت کعبه فارغ شد بر خاطر وی
 بگذشت که چون من کیست؟ که چنین خانه بر دست من تمام شده است، از حضرت عزت
 عز اسمه تعالی و تقدس خطاب آمد که: هَلْ كَسَوْتَ عَارِيًا، هَلْ أَشْبَعْتَ جَائِعًا؟ (۴) بعد از

(۱) کمی.

(۲) بحار الانوار ۸۷/ ۹۰ ح ۹۵.

(۳) ابراهیم به تقلید از رسم الخط عربی.

(۴) جایما.

آن روی به اطعام و ضیافت آورد آنچه در خیرات * ۵۷۱ * صرف کنی در آخرت یابی ﴿وَمَا تَقْدُمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ (۱).

آورده اند که: مرتضی علی کرم الله وجهه روزی در گورستان طوف می فرمود، ندا کرد: **يا أهل القبور نساؤکم نکححت و ديارکم سکنت و أموالکم قسمت، هذا حال ما عندنا فما حال ما عندکم؟** (۲)

از هاتمی شنید که: **ما قدمنا وجدنا و ما اکلنا ربحتنا، و ما ترکنا خسرتنا.**

آب صفت باید بود که خشک و تر و بر و بحر تازه و خوشدل گردند.

قال النبي عليه الصلاة والسلام: **إزحموا من في الأرض يزحمتكم من في السماء** (۳).

به موسی علیه السلام وحی آمد که: **إذا رضى المساكين رضىت وإذا سخطوا سخطت.** علام الغیوب بر ظاهر و باطن عالمست به فراتر از همه.

سلطان محمود مدتی شهری را محاصره کرده بود و أهل آن شهر به جان آمده، زاهدی

این دو بیت بر کاغذی نوشت و در میان لشکر سلطان انداخت:

دلسوختگان همی سگالند مکن تا نسیم شبی از تو نمانند مکن

إقبال ترا گوش به هنگام سحر ترسم که به آب دیده مالند [مکن]

سلطان در حال کوچ کرد و گفت: تا جنگ با أصحاب سلاح بود که کوشیدیم اکنون از

آب دیده و آه سینه أهل صلاح می ترسیم.

* ۵۷۲ * آورده اند که پیری در راهی عنان گیری سلطان ملک شاه کرد و این رباعی بر

وی خواند:

چشم فلك از ظلم تو بگریست، مکن پیداست که عمر آدمی چیست مکن

خالق شودت خصم چو خلق آزاری چون میدانی که خصم تو کیست مکن

(۱) قرآن کریم سوره بقره (۲) قسمتی از آیه ۱۱۰.

(۲) نهج البلاغه حکمت ۱۳۰.

(۳) نهج الفصاحة ۱/ ۵۱ ح ۲۶۱.

به سمع رضا إصفا فرمود و رقتی پیدا شد فی الحال فرود آمد و بوسی چند بر دست پیر داد و به تدارك مافات مشغول گشت، شمشیر بر آن نه از بهر آن به پادشاه داده‌اند و عالمی مسخر حکم کرده تا مراد نفس رانند و متابعت هوا کنند، از بهر آن داده‌اند تا مصالح بندگان خدای تعالی نگاه دارند و طریق عدل سپرند تا خلافت حق تعالی به جای آورده باشند:

اول دل مردمانت خوش باید داشت گر زانک به خوش دلی امیدی داری

اسکندر وصیت کرد که: چون مرا وفات دهید حکما و خزاین را در پیش جنازه دارید^(۱) و دست من از تابوت بیرون آرید چنان کردند، بعد از آن در [ا] این معنی از خضر علیه السلام پرسیدند فرمود: که آن حال اشاره است که حکما به حکمت دافع مرگ نتوانستند شد و با این همه خزاین، تهی دست از [ا] این عالم می‌روم

محمد سَمَّاكَ، رسول عليه الصلاة والسلام به خواب دید که عمر خطاب (رض) بر جانب راست بودی و عمر عبدالعزیز بر جانب چپ و سید علیه الصلاة والسلام التفات به عمر عبدالعزیز زیادت می‌فرمود گفت که: یا رسول الله! ای العَمْرَيْنِ أَفْضَلُ؟ [رسول الله] فرمود: عمر بن الخطاب.

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

* ۵۷۳ * [محمد سَمَّاكَ گفت]: پس زیادتی التفات به عمر عبدالعزیز چیست؟ [رسول الله ص] فرمود که: عمر خطاب وقتی عدل کرد که عالم پر از عدل بود و عمر عبدالعزیز در زمانی عدل کرد که جهان پر جور بود.

سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ: إِمَامٌ عَادِلٌ. (۲) الحديث.

^(۳) بر دوام به تضرع و ابتهاج، حاجات از قاضی الحاجات می‌باید خواست و در حالت سجده به اجابت نزدیکتر بود و آنکه جمعی گفته‌اند که حاجات نمی‌باید خواست که حق تعالی علام الغیوب است و به حاجات بنده دانا و عالمست و اگر مصلحت بنده در آن بود

(۱) دادید.

(۲) بحار الانوار ۲۶/۲۶۱ ح ۴۱، نهج الفصاحة ۲/۳۶۷ ح ۱۷۳۲.

(۳) قبل از این سطر ظاهر آنچه سطر نوشته نشده است.

دریغ نورزد.

از بزرگی روایت است که: امیرالمؤمنین حسن علی رضی الله عنهما در خواب تلقین کرده است و هذا: اَللّٰهُمَّ طَوَّلْ عُمْرِيْ فِيْ رِضَاكَ و طَاعَتِكَ و رَاحَةِ خَلْقِكَ.

دُعَاءُ لِحِفْظِ النَّفْسِ وَالْمَالِ

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّيْ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيْمِ، عَلَيْنِكَ تَوَكَّلْتُ و اَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيْمِ، مَا شَاءَ اللهُ كَانَ و مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، و لَا حَوْلَ و لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ، و اَعْلَمُ اَنَّ اللهَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ و اَنَّ اللهَ قَدْ اَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِيْ و مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ، اَنْتَ اَخِذْ بِنَاصِيَتِيْهَا اِنْ رَبِّيْ عَلَيَّ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٌ.

الآبيات

شَكَوْتُ اِلَيْكَ الْفَقْرَ فَارْحَمْ شِكَايَتِيْ	اَلَا يَا اَيُّهَا الْمَأْمُوْلُ فِيْ كُلِّ حَاجَتِيْ
فَهَبْ لِيْ ذَنْبًا كُفَلْتُهَا وَاَقْضِ حَاجَتِيْ	اَلَا يَا رَجَائِيْ اَنْتَ كَاشِفُ كُرْبَتِيْ
وَاَنْتَ غِيَاثُ الطَّالِبِيْنَ وَاغَايَتِيْ	وَ اِنِّيْ اِلَيْكَ الْقَضْدُ فِيْ كُلِّ مَطْلَبٍ
وَمَا فِي الْوَرَى خَلَقَ جَنِيْ كَجِنَايَتِيْ	اَتَيْتُ بِاَعْمَالٍ قَبِيْحٍ رَدِيْتِيْ
اَللِّزَادِ اَبْكِيْ اَمْ لِطَوْلِ مَسَافَتِيْ	وَزَادُ قَلِيْلٍ لَا يَبْلُغُنِيْ اَلْمَدَى
فَاَيْنَ طَوَافِيْ ثُمَّ اَيْنَ زِيَارَتِيْ	اَتَجْمَعُنِيْ وَاَلظَّالِمِيْنَ مَوَاقِفَ
فَاَيْنَ رَجَائِيْ ثُمَّ اَيْنَ مَخَافَتِيْ	اَتُحْرِقُنِيْ بِالنَّارِ مَا غَايَةَ (۱) اَلْمَنَى
فَاِنَّكَ رَبُّ عَالَمٍ بِمَقَالَتِيْ (۲)	فَاَيَا سَيِّدِيْ فَاثْمُنْ عَلَيَّ بِتَوْبَةٍ

آنچه در قلم آمد به مصداق انظر إلى ما قال ولا تنظر إلى من قال کاربند باید شد و حمل بر جرات این ضعیف نحیف نگرود.

لِلْاِمَامِ الشَّافِعِيِّ (رَض)

يَقُوْلُوْنَ اَسْبَابُ الْفِرَاقِ ثَلَاثَةٌ و رَابِعُهَا خَلْوَةٌ وَ هُوَ خِيَارُهَا

(۱) کذا، ظاهراً: يا غايه.

(۲) این ابیات در نسخه عکسی بیاض، ص ۳۹۶ به نام امام علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام آمده است.

وَقَدْ ذَكَرُوا مَالًا وَأَمْنًا وَصِحَّةً وَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ الشَّبَابَ مَدَارُهَا

لطایف کلام اکابر ملوک

جمشید: آنکه^(۱) خورشید حکمت از آسمان هدایت به فیض عنایت در محیط عقل
۵۷۵ و معدن فضل او یاقوت رمان علم و لعل بدخشان دانش می‌پرورد گفته است:
الْحِكْمَةُ مِفْتَاحُ السَّعَادَاتِ وَالسَّعَادَةُ إِذْرَاكُ الْأُمْنِيَّاتِ.

افریدون: آنکه قواعد عدل و اساس فضل به ایام همایون او احکام یافت و سرو
جویبار ریاست که به ذبول جور اینجا پذیرفته بود به روزگار او سرافراشت گفته است:
الْأَيَّامُ صَحَائِفُ أَعْمَارِكُمْ فَأَوْدِعُوهَا أَحْسَنَ أَعْمَالِكُمْ.

کرم به که ماند زما یادگار که او پایدارست و ما برگذار
فریدون فرسخ فرشته نبود زمشک و زعنبر سرشته نبود
زداد و دهش یافت او نیکویی تو داد و دهش کن فریدون تویی



إِنَّ فَرِيدُونَ لَمْ يَكُنْ مَلِكًا وَلَمْ يَكُنْ بِالْعَبِيرِ مَعْجُونًا
فَعَالَ بِالْجُودِ كُلَّ مَكْرَمَةٍ فَجُدْ وَأَحْسِنْ تَكُنْ فَرِيدُونًا

منوچهرین ایرج آنکه^(۲) غمام فیض حکمت بر ریاض همت او باریده بود و شعاع
خورشید سعادت بر گلزار سعادت او تابنده گفته است: الدُّنْيَا أَشْبَهُ شَيْءٍ بِظِلِّ الْغَمَامِ وَحُلْمِ
النَّيَامِ.

إِنَّمَا الدُّنْيَا كَظِلِّ زَائِلٍ أَوْ كَضَيْفِ بَاتٍ لَيْلًا وَازْتَحَلِّ
أَوْ كَنَوْمٍ قَدْ رَأَاهُ نَائِمٌ^(۳) فَإِذَا مَا ذَهَبَ النَّوْمُ بَطَلْ

۵۷۶ و گفته که: الْجُنْدُ لِلْمَلِكِ بِمَنْزِلَةِ الْأَجْنِحَةِ لِلطَّيْرِ، وَالْمَلِكُ لِلرَّعِيَّةِ كَالرَّأْسِ لِلْبَدَنِ

(۱) آنک

(۲) آنک

(۳) نایم

وَالرُّوحِ لِلْجَسَدِ.

و گفته که (۱): عَفْوُ الْمَلِكِ أَبْقَى لِمُلْكِهِ، وَالْحِلْمُ حِجَابُ الْآفَاتِ.

آورده اند که: روزی امیرالمومنین حسین بن علی علیهما السلام ضیافتی ساخته بود و اشراف عرب حاضر کرده و یکی از غلامان خوردنی درآورد، خواست که از دست برخوان (۲) نهد بر سر امیرالمؤمنین ریخت، غلام چون آن حرکت بدید زبان تضرع بگشاد و گفت: ﴿وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ﴾ امیر خشم فرو خورد غلام گفت: ﴿وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ﴾ (۳) فرمود: که ترا آزاد کردم غلام گفت: که ﴿اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (۴) فرمود که تو را هزار دینار بخشیدم و به دوستی گرفتم، پشنگ (۵) ترك پادشاهی که شجاعت و سخاوت با کفا و فطنت او را جمع بود و حلم و حیا و وفا او را فراهم گفته است: إِنَّ يُنْبِغَ الْأَمَالَ فِي رُكُوبِ الْأَهْوَالِ وَالْفَرَضِ تَمْرًا مَرَّ السَّحَابِ، وَالْقُعُودُ مِنْ أَخْلَاقِ الْعَجَائِزِ، وَالْقَنَاعَةُ مِنْ طِبَاعِ الْبَهَائِمِ.

چوبینی خصم را افتاده در آب بگیرش دست و برنه پای بر فرق

در مرض موت پسران را گفت: بر شما باد که دلها [ی] پادشاهان به خدمتها [ی] پسندیده و تحفها (۶) [ی] گزیده بدست آرید و دلها [ی] دوستان به کرامت بی سامت و عطیت بی منت و دلهای دشمنان به استمالت بی زوال و استقامت بی انقطاع و احسان بی امتنان و دلها [ی] زنان و فرزندان به مراعات زبان و مفاوضات بی کران * ۵۷۷ * تا زندگانی شما را، مهیا و معاشرت مهنا و مصفی بود افراسیاب پادشاهی که مرکب کامکاری عنان انقیاد او را داده بود و ابلق شمس آیام، رکاب او را رام گشته گفته است:

مَسَلُ التُّرْكِ كَمِثْلِ الدَّرَّةِ لَا يَشْرِفُ مَالٌ يُفَارِقُ وَطَنَهُ

(۱) کی.

(۲) خان.

(۳) قرآن کریم سوره آل عمران (۳) قسمتی از آیه ۱۳۴.

(۴) قرآن کریم، سوره آل عمران (۳) قسمتی از آیه ۱۳۴.

(۵) بشک.

(۶) جمع بستن جمع مكثر.

تا به سنگ اندرون بود گوهر کس نداند که قیمتش چند است
 و گفته که: **يَنْبَغِي أَنْ يَجْتَمَعَ فِي قَائِدٍ^(۱) الْجَيْشِ صَوْلَةُ الْأَسَدِ وَاسْتِلابُ الْحِذَاةِ وَوُثُوبُ
 الْفَهْدِ وَرَوْعَانُ الثُّغْلَبِ وَصَبْرُ الْجِمَارِ وَبُكُورُ الثُّرَابِ وَصَيْدُ الْعُقَابِ وَجُرْأَةُ النَّمْرِ.**
 با هیبت شیر باش و با کبر پلنگ زیبا به گه شکار و پیروز به جنگ
 کم کن بر عندلیب و طاووس^(۲) درنگ کآنجا همه نعره است و اینجا همه رنگ
 باید که صاحب دولت این خصال و عادات در ضبط خویش آرد و از هر يك عَلَى
 التَّحْقِيقِ استحبار و اختیار نموده و بداند که اکتساب هر معنی را آلتی مخصوص هست و با
 هر يك از اجناس الناس معاملت متساوی و مقالت متوادی ممکن نگردد با نيك، نيك و با
 بد، بد

هر کجا داغ بایدت فرمود چون تو مرهم نهی ندارد سود
 کیقباد آنکه مقدم کیان و مقتدای خسروان عجم بوده است و یکران فرید او را عرصه
 گیتی میدان و لگام حکم او را اَبَلِقِ شَمُوسِ رُوزْگَارِ به فرمان بیشتر مردم را به عمارت
 فرمودی و گفتی: **الْعِمَارَةُ كَالْحَيَاةِ وَالْخُرَابُ كَالْمَمَاتِ.** و گفتی: **ثَنَا [ء] كُلُّ مَلِكٍ عَلَى قَدْرِ
 خَطَرِهِ وَهَمَّتِهِ.**

***۵۷۸* إِنَّ آتَارَنَا تَدُلُّ عَلَيْنَا فَسَانظُرُوا بَعْدَنَا إِلَى الْآثَارِ**

کیکاووس^(۳)، پادشاهی که دست علم او جلاباب جیادر قلال جبال راسخ کشیده بود و
 توتیا [ی] حکمت و تکحیل هدایت دیده نفس ناطقه را گشاده، گفته است: **أَحْسَنُ الْأَشْيَاءِ
 وَأَطْيَبُهَا^(۴).** و گفته که: **الْأَعْمَالُ ثَمَارُ النَّيَاتِ.**

دستان سام آنکه^(۵) داستان نام او بر صحایف آیام مسطور [ا]ست و بر اوراق اوقات

(۱) قاید.

(۲) طاووس.

(۳) کیکاووس.

(۴) مطلب ناقص است و کتاب ادامه مطلب را نوشته است.

(۵) آنک.

مذکور و در افواه و أَسْمَاعِ مشهور گفته است: لَا ظَفَرَ مَعَ الْبَغْيِ وَلَا مَالَ مَعَ الْإِشْرَافِ .
 و گفته: إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْمَصَائِبِ (۱) مُحَارَبَةُ مَنْ يَطْلُبُ الصُّلْحَ، یعنی بزرگتر خطاها و
 مشقتها جنگ کردن است با کسی که از تو آشتی جوید به سبب آنکه چون کار بر دشمن
 دشوار کنی و راه گریز بر وی مسدود گردانی جان را بکوشد و بر اندازه زور (۲) و مکیدت و
 بر حسب قوت و قدرت در مقابلت و مقاتلت مقاومت نماید

جانش مرنجان به یکبارگی که جان را بکوشد زیبچارگی
 قال حکیم: الدُّنْيَا حَانُوتُ الْمُؤْمِنِينَ وَاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ رُؤُوسُ (۳) أَعْمَالِهِمْ وَصَالِحُ الْأَعْمَالِ
 بَضَاعَتُهُمْ وَجَنَّةُ الْخُلْدِ أَرْبَابُهُمْ وَنَارُ الْأَبَدِ خُسْرَانُهُمْ .

نُقِلَ أَنَّ مَنْ قَرَأَ أَوَّلَ مِنْ شَهْرِ الْمُحَرَّمِ آيَةَ الْكُرْسِيِّ ثَلَاثِمِائَةٍ وَسِتِّينَ مَرَّةً بَعْدَ أَيَّامِ السَّنَةِ (۴)
 وَقَالَ: اللَّهُمَّ يَا مُحَوَّلَ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ حَوَّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ، * ۵۷۹ * اللَّهُمَّ أَنْتَ
 الْمَلِكُ الْقَدِيمُ، وَهَذِهِ سَنَةٌ جَدِيدَةٌ أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ مَا فِيهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا
 فِيهَا وَشَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَأَسْتَكْفِيكَ مُؤَنَّا وَبَلَاءَهَا وَفِتْنَهَا وَشُغْلَهَا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،
 رَوَى مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ يَطْلُبُ دِينَ أَوْ (۵) دُنْيَا نَالَ مَأْمُولَهُ الْبَيْتَةَ الْبَيْتَةَ . وَهُوَ مِنَ الْمُجَرَّبَاتِ .

حکایت

درویشی در عهد سلطان محمود نذر کرده بود که اگر مرا درمی فتوح شود نخورم و به
 مستحقى رسانم تا عاقبت روزى او را درمى فتوح شد آن درم برگرفت و پیش سلطان
 محمود برد و نهاد، سلطان گفت: این چیست؟ درویش گفت: نذرى رفته بود که هر گاه که
 درمى فتوح شود به مستحقى دهم اکنون به نذر وفا مى کنم و آن درم آورده ام که هیچ کس از

(۱) المصایب .

(۲) روز .

(۳) روس .

(۴) کاتب ادامه مطلب را نوشته است و مطلب ناقص است .

(۵) او دوبار نوشته شده است .

تو مستحق‌تر نیست سلطان گفت: چون؟ درویش گفت: چندانکه^(۱) می‌نگرم در بازارها و محلاتها و ولایتها همه روز سیم و زر از برای تو جمع می‌کنند، دانستم که اگر تو مستحق نبودی این معنی درر و زر به کار تو نبودی سلطان گریان شد و فرمود تا جمله عوراض و قسمت از خلق برداشتنند.

حکایت

وقتی روستایی به حج رفته بود چون تمام کرد و بازگشت و يك منزل پیامد او را گفتند به طریق طنز و استهزاء که حج کردی برات^(۲) آورده [ای]؟ گفت: من ندانستم که برات می‌بایدستند گفتند: ای سلیم دل، آنجا که خراج می‌دهی برات می‌ستانی اینجا که چندین خرج کردی برات نداری به خانه [کعبه] * ۵۸۰ * بازگشت و دست در حلقه کعبه محکم کرد و گرفت: الهی حاجیان را برات دادی برات من کو؟ به عزتت که باز نگردم تا برات نستانم کاغذی پُران پیامد بر آنجا نبشته که^(۳): بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، هَذِهِ بَرَاءَةٌ لِفُلَانٍ مِنْ فُلَانٍ قَدْ قَبِلْنَا بِحَبِّهِ وَغَفَرْنَا ذَنْبَهُ.

مرکز توجیه من القضاة

گر تو از دوستان شکیبایی	دوستان را دل شکیبیا نیست
چه گنه کرده‌ام نمی‌دانم	که ترا ترك صحبت ما نیست
پرسشی کن ز روی دلداری	که مرا بیش ازین تمنا نیست

قيل: دَخَلَ رَجُلٌ عَلَى الْخَلِيلِ وَمَعَهُ إِئْتُهُ، فَقَالَ: أَيُّهَا الشَّيْخُ جِئْتُكَ^(۴) مِنْ سَفَرٍ بَعِيدٍ فَأَدْبَنَّا شَيْئاً^(۵) مِنْ عِلْمِ النُّجُومِ وَالنَّخْوِ وَالطَّبِّ وَفَرَائِضِ^(۶) الْفِقْهِ، وَالْحِمَارُ عَلَى الْبَابِ.

(۱) چندانک .

(۲) براه و هکذا مورد بعد .

(۳) کی .

(۴) جیتک .

(۵) شیئا .

(۶) فرایض .

فَقَالَ لَهُ الْخَلِيلُ: إِعْلَمْ أَنَّ الثَّرِيًّا فِي وَسْطِ السَّمَاءِ وَأَنَّ الْفَاعِلَ مَرْفُوعٌ وَأَنَّ الْهَلِيلَجَ الْكَابِلِيُّ دَافِعٌ لِلصَّفْرَاءِ وَإِنْ مَاتَ أَحَدٌ وَتَرَكَ ابْنَيْنِ فَالْمَالُ بَيْنَهُمَا سَوَاءٌ. فَقَالَ: قُمْ يَا بَنِي.

قِيلَ: رَأَى رَجُلٌ ظَرِيفٌ قَوْمًا خَرَجُوا لِلِاسْتِسْقَاءِ وَمَعَهُمُ الصَّبِيَّانُ، فَقَالَ: مَا هَؤُلَاءِ؟ قَالُوا: نَزَجُوا بِهِمُ الْإِجَابَةَ، فَقَالَ: لَوْ كَانَ دُعَاؤُهُمْ مُسْتَجَابًا لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ مُعَلِّمٌ.

قَالَ: نَظَرَ رَجُلٌ إِلَى رَجُلٍ ظَرِيفٍ مُعِمْ فَقَالَ: مَا عَمَّكَ؟ فَقَالَ: عِيَالِي كَثِيرٌ، فَقَالَ: هُمْ عِيَالُ اللَّهِ، قَالَ: صَدَقْتَ لَكِنْ أَحِبُّ أَنْ يَكُونَ الْوَكِيلُ عَلَيْهِمْ غَيْرِي.

دَخَلَ اللُّصُوصُ فِي بَيْتِ رَجُلٍ فَقِيرٍ لَيْسَ لَهُ شَيْءٌ فَطَفَّقُوا يُفْتَشُونَ، فَسَأَلَتْهُ (۱) الرَّجُلُ فَرَأَهُمْ فَقَالَ: يَا فِتْيَانُ! الَّذِي * ۵۸۱ * تَطْلُبُونَهُ بِاللَّيْلِ قَدْ طَلَبْنَاهُ بِالنَّهَارِ فَمَا وَجَدْنَاهُ.

لِلْمَلِكِ (۲) الْكَلَامُ كَمَا لِدِينِ اسْمَاعِيلِ الْأَصْفَهَانِيِّ

درین سفینه نگه کن به چشم معنی بین

که رشک لعبت مانی و صورت چین است

سفینه چيست غلط می کنم نه دریا است

زیبای تا سر او یک به یک تأمل کن

ببین چگونه همه نغز و خوب آیین است

زبس که عنبر و مشک است توده بر توده

دماغ دانش از اندیشه عنبر آگین است

مفرّحیست زبهر روان غمزدگان

که جدّ و هزلش معجون تلخ و شیرین است

مگیر خرده که مدح و هجای او بهم است

که در کتاب خدا آفرین و نفرین است

(۱) در متن: قانیه .

(۲) کذا، ظاهر اول ملک، صحیح است .

دقیقه‌های^(۱) معانیش در لباس حروف

چسو در سیاهی شب روشنی پروین است

عروس معنی در کله‌های الفاظش

چو حور عین شده اندر لباس مسکین است

ز گونه گونه سخنها تر و تازه این

به دست فضل و هنر دسته ریاحین است

محدث عقلا و انیس عشاق است

ندیم خلوت و زینت گه سلاطین است

سفینه‌ها^(۲) را در بحر دیده‌اند بسی

سفینه‌ای که درو بحرها بود این است

شناسد آنکه^(۳) شناسد که هر یکی لفظش

زیهر ذوق سزای هزار تحسین است^(۴)

مزارتوبیادری

وای خاک درت مایه ده آب زلال

ای آتش طبیعت حسد باد شمال

زانست که دارم اشتیاقی به کمال

در خط و عبارت‌م اگر نقصان است

آیستی در وفا و در بخشش

بر تو خوانم ز دفتر اخلاق

همچو کان کریم زر بخشش

هر که بخراشدت جگر به جفا

هر که سنگت زند ثمر بخشش

کم مباش از درخت سایه فکن

هر که برد سرت گهر بخشش

از صدف یادگیر نکته حلم

(۱) دقیقا.

(۲) سفینها.

(۳) آنک.

(۴) ر.ک: دیوان کمال‌الدین اسماعیل باهت‌ام حسین بحر العلوم ص ۵۵۳.



تَمَّ الْأَوْزَاقُ وَرَبُّنَا مَحْمُودٌ وَالسَّمَكَارِمُ وَالْعُلَى وَالْجُودُ
وَعَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُهُ مَا فَاحَ قُمْرِيٌّ وَأَوْزَقِيٌّ (۱) عُوْدُ
فِي الثَّامِنَ عَشَرَ مِنْ رَمَضَانَ لِسَنَةِ ۷۸۲ تَيَّمَّنَا لِمُصَاحِبِ هَذِهِ السَّفِينَةِ (۲) بِالسَّعَادَةِ
وَالسَّلَامَةِ (۳)



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

(۱) در متن: اوراق .

(۲) در این موضع يك کلمه خوانده نمی شود .

(۳) در این موضع يك نصف سطر خوانده نمی شود فقط نام خاصی شبیه «خلیل» یا «احمد بن النهر» جوری از آن خوانده می شود . در فهرست بیاض آقای مرتضی تیموری صفحات ۵۶۳ الی ۵۸۱ نسخه عکسی بیاض به خط احمد بن عبدالحسین آمده است که از متن همچنانکه قبلاً اشاره کردیم چنین اسمی بر نمی آید . بهر حال کلمات فوق را ظاهر آوی چنین خوانده اند .



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

[مِنْ رَشَحَاتِ أَقْلَامٍ]
[أَبُو اسْحَاقَ فَخْرٌ وَفَادَارُ دَامَ مَجْدُهُ]

م

ما ستم که در این همه ایام / قسم اینجور در بر لب و کبر جام
 حاضر و کثیر بر ضایع خای / ظاهر از منته و مطهر غلام
 شریف تراز و زینت منشی و کاتب / تالعه منتهی و کوشش تمام
 مرا آن کس پیش از این / لا اله الا الله و کرس و صفا با جام
 مطهر از منشی / کون و کون و کون و کون خانه کرام
 در زنده بر سر دل را خانه چشم / نورش آن اندا که الماس نیام
 که آفرینان در عهدی برتر / بی مانده و در شسته و نخل لا تام
 اری سینه بر این ششم صدام / در ویم برکت ز و عاقلی نام

محاسن زمان بدلی هست / بوکندان و رسم مست
 عهد زمان شسیم بهار / بوصلی و رسم نی
 رای نادیه زلف هست / تا فدا سالار بدلی خلق
 طریقتان زلف لیلی / حلال همان سهری یوسف
 مای سنای این خاسته ای / کس هر آینه رضای لهر

لِمُخَرَّرِهِ (۱)

ناید آن شام که فرداش بود ماه صیام

چشم ما و رخ یار و لب ما و لب جام

قامت دلکش محبوب مفاتیح نجات

طلعت مهوش مقصود مصابیح ظلام

شب و شیراز و شباب و شغف [و] شمع و شراب

شادی شاهد و شوق و شکر و شرب مدام

سرگران گشته بنفشه، گل خیری مخمور

لاله بر کف قدح و نرگس رعنا با جام

مطرب از سرعت می فرق نمی داند کرد روی

که ره پرده کدامست وره خانه کدام

می زند بر سر دل ز کمان خانه چشم

تیر مژگان و نداند که الناس نیام

آخر ای مجلسیان خرقه کلافی ببرید

می بیارید و بنوشید و تلك الأيام

از می سرخ سیه روی شدم چند برم

در حریم سر کویت ز وفاداری نام

مجلس مستان و هوای چمن بوی گلستان و نسیم سمن

(۱) این کلمه بظاهر اینگونه خوانده می شود .

خِطَّةٌ شِيرَازٍ وَ شَمِيمٍ بِبَهَارِ بادہ وصلی و بت سیم تن
 رَایِحِ فِیاحِ زلفِ سَیِّهتِ قافلہ سالارِ هوایِ ختن
 طَرفِ شِبستانِ شَدَہِ اَز عَکسِ مِی مَطلَعِ اَنْوارِ سَہیلِ یَمَنِ
 ساقیِ مِستانِ کَہِ غایِبِ شَدِی کی^(۱) بَدَرِ اَیْدِ زچَنِینِ اَنجَمَنِ
 * ۵۸۲ * بادہ و ساغر بہ ہم آمیختہ
 اَن بِہِ طَراوتِ صَفتِ نَرمِ بَحَرِ وین بہ لطافتِ سَمَتِ طَبیعِ مَنِ
 تَوَبَہِ شَکسَتِیمِ بِہِ یادِ تَوِ بازِ نَحَمَدُکَ اُذْهَبَ عَنَّا اَلْحَزَنُ
 خَطَّ تَوِ اَز چِشمَہِ حِیوانِ دَمیدِ اَنْسِبَہَا اللّٰہُ نَسَبَاتًا حَسَنُ

چشم مخمور تو مست بہ خواب آلودہ

لب جانبخش تو لعلی بہ شراب آلودہ

تازد اندر دل من دست غمت در رہ عشق

شد بہ خون جگر موی و طناب آلودہ

خوی ریزان عارض زیبا بہ چہ تشبیہ کنم^(۲)

ژالہ بر لالہ دوان گل بہ گلاب [آلودہ]

تا سر زلف تو شد حلقہ (۳) گشت

سنبل از سلسلہ موی تو، تاب آلودہ

ریخت خون دلم آن ساعد سیمین بی تیغ

کرد انگشت نگارش بہ خضاب [آلودہ]

(۱) کس .

(۲) ہکذا در متن .

(۳) در این موضع دو کلمہ خوانندہ نمی شود .

دم به دم سیل زند موج سرشك از چشمم
 باورت نیست بین مردم آب [آلوده]
 دیشب از ساقی مهوش طلبیدم آبی
 قدحی داد به من از می ناب [آلوده]
 گفتم ای ماه شرابست هر آب از سر لطف
 خیز و آبی بده ای بخت به خواب [آلوده]
 گفت کز عکس لبم شمعشعه بر جام افتاد
 فخر بستان و بنوش آتش آب [آلوده]^(۱)

* ۵۸۴ * شبی به دلبر فتان خویش می‌گفتم
 معلّم همه شوخی و دلبری آموخت
 جواب داد که شوخی و دلبری چه بود
 صفا و ناز و عتاب و ستمگری آموخت

سروی شبانه آمد آن مایه روح ز آمد شدن نفس لبانش مجروح
 خوی کرده عذار نازکش ز آتش می چون ژاله که بر لاله نشیند به صبوح

خاقانی آنکه مذهب نظمش درست نیست در شرع شعر هر که به او اقتدا نکرد
 برش گوی این دو بیت مرا نثار آن که ترك علی، عمر آن بی وفا نکرد^(۲)
 حقا طراز نگار بالای هیچکس^(۳) که آن را قبا نکرد

(۱) کلمه آلوده داخل قلابها هیچکدام در آخر ابیات نیامده است.

(۲) این مصراع بظاهر اینگونه خوانده می‌شود.

(۳) در این موضع دو کلمه خوانده نمی‌شود.

سرشك اشك خون پالای چشم قیامت می کند روز جدایی
مرا چون حاصل از محبوب این بود چه بودی گر نبودی آشنایی

بسی سرگشته گشتم در ممالک بسی بردم سلوک اندر مسالک
نگشتم بر مراد خویش مالک «لَعَلَّ اللهُ يُخَدِّثُ بَعْدَ ذَلِكَ»^(۱)

* ۵۸۵ * در شهر سنه سبع و سبعین و سبعمائه که اتفاق توجه به مملکت
آذربایجان^(۲) افتاد به صحبت یکی از علما [ی] عیسوی که در حکمت علمی و عملی
مشارالیه بود رسید [م] و این پنج مسأله از او قلمی گرد [ید]^(۳) آن حکیم مقرر کرد که این
مسایل در تمام دوران فرض است که رعایت کنند: اولاً: رعایت نفس، ثانیاً: رعایت
شرع^(۴)، ثالثاً: رعایت عقل، رابعاً: رعایت دین، خامساً: رعایت مال. وَ مِنَ اللهِ التَّوْفِيقُ
وَ الْإِعَانَةُ.

مرکز تحقیقات علوم اسلامی

حَرَّرَهُ أَقْلُ عِبَادِ اللهِ الْغَفَّارِ أَبُو^(۵) اسحاق فخر وفادار تاب الله عليه في ثالث و عشرين
من شعبان المعظم لِسَنَةِ إِثْنَيْنِ وَ ثَمَانِينَ وَ سَبْعِمِائَةٍ، فَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ عَلَى
نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ صَحْبِهِ الطَّاهِرِينَ.

(۱) قرآن کریم سوره التغابن (۶۵) قسمی از آیه ۱.

(۲) آذربایجان.

(۳) کرد با توجه به اینکه حرف ك و گ به يك شکل نوشته شده اند.

(۴) کلمه شرع و رع هم خوانده می شود با توجه به مورد چهارم.

(۵) ابی.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

٥٨٦ مِمَّا قَامَ بِتَرْتِيبِ سَطُورِهِ
شَيْخُ الْإِسْلَامِ الْأَعْظَمِ حَائِزُ أَسَالِيبِ الْفَضْلِ وَالكَرَمِ
قُطْبُ الْمِلَّةِ وَالِدَيْنِ بَاغِ نَوَى، زَادَ اللَّهُ بَرَكَاتِ أَنْفَاسِهِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لِلْحَمْدِ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْحَدِيثَ مِنْ شَيْخِ فِرْعَانَ

وَأَخْرَجَ دَعْوَى أَهْلِ حَنَابِلِهِ وَسَيِّدِ الْمُرِيدِ

بِرِّهِ وَإِحْسَانِهِ وَوَسَّطَهُ لِلْمَلِكِ الْغُيُوثِ وَعِزِّهِ

وَالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَأَعْوَانِهِ

وَاللَّهُ سَائِرُكَ وَتَعَالَى

تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى

وَقَالَ سِدِّيقُ الْمُرِيدِ وَخَاتَمُ الْمُرِيدِ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْبِرُّ حَسْبُ الْخَلْقِ وَهَلْ

بِأَخْرَجَ مَا أَعْطَى النَّاسَ قَالَ حَسْبُ الْخَلْقِ

قَالَ السُّهَيْبِيُّ شَانِئٌ مِمَّا شَرَعَتِ الْإِيمَانُ

الْخَلْقُ مَعَ الْخَلْقِ وَالصَّدَقُ مَعَ الْعَقْرِ

وَقَالَ الْعَلَاءُ رَحِمَهُمُ اللَّهُ حُسْنُ الْخَلْقِ صَدَقُ

اللِّسَانِ وَكَلِمَتُنَا عَنِ الْإِخْوَانِ وَبَدَلُ الْغُرُوبِ وَالْمَالِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْحَمْدَ مُفْتَتِحَ فُرْقَانِهِ وَ آخِرَ دَعْوَى أَهْلِ جَنَانِهِ، وَ سَبَباً لِمَزِيدِ بَرِّهِ وَ إِحْسَانِهِ، وَ وَسِيلَةً إِلَى تَيْلِ عَفْوِهِ وَ غُفْرَانِهِ، وَ الصَّلَاةَ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ صَحْبِهِ وَ أَغْوَانِهِ. قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى﴾ (۲)، وَ قَالَ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ وَ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ: الْبِرُّ حُسْنُ الْخُلُقِ (۳).

وَ قَالَ (۴): مَا خَيْرٌ مَا أُعْطِيَ النَّاسُ؟ قَالَ [ص]: حُسْنُ الْخُلُقِ (۵).

قَالَ الْبَيْهَقِيُّ: شَيْتَانِ هُمَا مِنْ شُعْبِ الْإِيمَانِ: الْخُلُقُ مَعَ الْخَلْقِ وَ الصَّدْقُ مَعَ الْحَقِّ. وَ قَالَ الْعُلَمَاءُ رَحِمَهُمُ اللَّهُ: حُسْنُ الْخُلُقِ صِدْقُ اللِّسَانِ وَ الْإِحْتِمَالُ عَنِ الْإِخْوَانِ وَ بَذْلُ الْمَعْرُوفِ لِأَهْلِ الزَّمَانِ.

رَوَى عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ: خَصَلْتَانِ لِأَشْيَاءٍ أَفْضَلُ [مِنْهُمَا]: الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَ النَّفْعُ لِلْمُسْلِمِينَ (۷).

وَ قَالَ [النَّبِيُّ] عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَيْكُمْ بِمَجَالِسَةِ الْعُلَمَاءِ وَ اسْتِمَاعِ كَلَامِ الْحُكَمَاءِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُخَيِّبُ الْقَلْبَ الْمَيِّتَ بِنُورِ الْحِكْمَةِ كَمَا يُخَيِّبُ الْأَرْضَ الْمَيِّتَ بِمَاءِ الْمَطَرِ (۸).

(۱) شیخ الاسلام، در عنوان صفحه قبل و الشیخ الاسلام، آمده که صحیح آنرا درج کردیم.

(۲) قرآن کریم، سوره مائده (۵) آیه ۲.

(۳) بحار الانوار ۶۹/۳۷۸ ح ۳۳.

(۴) کذا، ظاهر: قبل، صحیح باشد.

(۵) مستدرک ۸/۴۴۷ باب ۱۸۷ استحباب حسن الخلق.

(۶) از ص ۵۸۸ تا صفحه ۶۰۳ نسخه عکسی بیاض به خط ابراهیم بن عبدالله قاضی است.

(۷) بحار الانوار ۷۷/۱۳۹ ح ۱.

(۸) بحار الانوار ۱/۲۰۴ باب ۴ باختلاف.

و عن أبي بكر (۱) الصديق (رض): مَنْ دَخَلَ الْقَبْرَ بِلا زَادِ كَمَنْ رَكِبَ الْبَحْرَ بِلا سَفِينَةٍ .
 و عن عُمَرَ (۲) (رض) أَنَّهُ قَالَ: عِزُّ الدُّنْيَا بِالْمَالِ وَ عِزُّ الآخِرَةِ بِالْأَعْمَالِ .
 و عن عثمان (۳) (رض): هُمُ الدُّنْيَا ظَلَمَةٌ فِي الْقَلْبِ وَ هُمُ الآخِرَةُ نُورٌ فِي الْقَلْبِ .
 و عن عليّ رضی الله عنه (۴): مَنْ كَانَ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ كَانَتْ الْجَنَّةُ فِي طَلَبِهِ وَ مَنْ كَانَ فِي طَلَبِ الْمَعْصِيَةِ كَانَتْ النَّارُ فِي طَلَبِهِ (۵) .
 و عن سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ رَحِمَهُ اللهُ أَنَّهُ قَالَ: كُلُّ مَعْصِيَةٍ فِي الشَّهْوَةِ فَإِنَّهَا يُزَجَى غُفْرَانُهَا وَ كُلُّ (۶) * ۵۸۹ * مَعْصِيَةٍ فِي الْكِبْرِ فَإِنَّهَا لَا يُزَجَى غُفْرَانُهَا؛ لِأَنَّ مَعْصِيَةَ إِبْلِيسَ كَانَ أَضْلَاهَا مِنَ الْكِبْرِ وَ زَلَّةُ آدَمَ كَانَ أَضْلَاهَا مِنَ الشَّهْوَةِ .
 و قَالَ بَعْضُ الزُّهَّادِ: مَنْ أَذْنَبَ وَ هُوَ يَضْحَكُ فَوَاللهِ يَدْخُلُ النَّارَ وَ هُوَ يَبْكِي، وَ مَنْ أَطَاعَ وَ هُوَ يَبْكِي فَوَاللهِ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَ هُوَ يَضْحَكُ .
 و قَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: لَا تُحَقِّرِ الذُّنُوبَ الصَّغِيرَةَ، فَإِنَّ مِنْهَا يَنْشَعِبُ الذُّنُوبُ الْكِبَارُ .
 و قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ: لَا صَغِيرَةَ مَعَ الْإِضْرَارِ وَ لَا كَبِيرَةَ مَعَ الْإِسْتِغْفَارِ (۷) .
 و عن أبي بكر الصديق (رض) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ﴾ (۸) قَالَ: الْبَرُّ هُوَ اللِّسَانُ وَ الْبَحْرُ هُوَ الْقَلْبُ، وَ إِذَا فَسَدَ اللِّسَانُ بَكَتْ عَلَيْهِ النُّفُوسُ، وَ إِذَا فَسَدَ الْقَلْبُ بَكَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ (۹) .

(۱) روى این اسم خط کشیده شده است .

(۲) روى این اسم خط کشیده شده است .

(۳) این کلمه خط خوردگی دارد .

(۴) ذیل رضی الله عنه نوشته شده است صلوات الله علیه .

(۵) بحار الانوار ۱۰۲/۲۹۶ ح ۱۰ .

(۶) پایین این صفحه بصورت مورب نوشته شده است: قال عليه السلام: تفكر ساعة خير من عبادة سنة .

(۷) بحار الانوار ۸/۳۵۱ ح ۱ .

(۸) قرآن کریم سوره روم (۳۰) آیه ۴۱ .

(۹) الملائكة .

و قال أيضاً (رض): الشَّهْوَةُ تُصَيِّرُ الْمُلُوكَ عِبِيداً، وَالصَّبْرُ يُصَيِّرُ (۱) الْعَبِيدَ مُلُوكاً.

* ۵۹۰ * أَلَا تَرَى إِلَى يُونُسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ: لَا غَرْبَةَ لِلْفَاضِلِ وَلَا وَطْنَ لِلْجَاهِلِ؟ وَ قَالَ: حَرَكََةُ الطَّاعَةِ دَلِيلُ الْمَعْرِفَةِ كَمَا أَنَّ حَرَكََةَ الْجِسْمِ دَلِيلُ الْحَيَاةِ.

و قال النَّبِيُّ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: أَضْلُ جَمِيعِ الْخَطَايَا حُبُّ الدُّنْيَا وَأَضْلُ جَمِيعِ الْفِتَنِ مَنَعُ الْعُشْرِ وَالزَّكَاةِ (۲).

و قال: الْمَقْرَبُ بِالتَّقْصِيرِ أَيْدَاءٌ مَحْمُودَةٌ وَ الْإِفْرَارُ بِالتَّقْصِيرِ عَلَامَةٌ الْقَبُولِ (۳).

و قال: كُفْرَانُ النُّعْمَةِ لُؤْمٌ وَ صُحْبَةُ الْأَحْمَقِ سُومٌ (۴).

و قال صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ أَصْبَحَ وَهُوَ يَشْكُو عَنْ ضَيْقِ (۵) الْمَعَاشِ وَكَانَ مَا يَشْكُو رَبِّهٗ (۶).

و[قال صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ]: مَنْ أَصْبَحَ وَهُوَ لِأُمُورِ الدُّنْيَا حَزِينًا فَقَدْ أَصْبَحَ عَلَى اللَّهِ سَاخِطًا (۷). (۸)

و[قال صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ]: مَنْ تَوَاضَعَ غَنِيًّا لِيُغْنَاهُ ذَهَبَ اللَّهِ بِثُلُثِ (۹) دِينِهِ (۱۰).

و عن عمرَ (رض): حُسْنُ التَّوَدُّدِ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ وَ حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ وَ حُسْنُ التَّدْبِيرِ نِصْفُ الْمَعِيشَةِ.

و عن عثمان (۱۱): مَنْ تَرَكَ الدُّنْيَا أَحَبَّهُ اللَّهُ (۱۲)، * ۵۹۱ * وَ مَنْ تَرَكَ الذُّنُوبَ أَحَبَّهُ

(۱) تصير.

(۲) بحار الانوار ۱۴/۳۲۷ ح ۴۹.

(۳) بحار الانوار ۲۹/۱۸۵ باب ۲۵.

(۴) بحار الانوار ۷۴/۲۱۰ باب ۸.

(۵) کلمه ضیق در حاشیه آمده است و مربوط به این مکان می باشد.

(۶) بحار الانوار ۷۴/۴۳ باب ۲.

(۷) ساخطاً تنوین زیر خط ماقبل گذاشته می شود.

(۸) بحار الانوار ۷۷/۱۱۸ ح ۱۱.

(۹) ثلثاً.

(۱۰) بحار الانوار ۷۲/۳۷۴ باب ۸۲.

(۱۱) در متن رضی الله عنه نوشته شده و روی آن خط کشیده شده است.

(۱۲) در پاورقی تلیف دو حدیث بصورت ناقص نوشته شده و قال [النَّبِيُّ] عَلَيْهِ السَّلَامُ: طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَلَوْ

الملائكة (١).

وعن رسول الله صلى الله عليه وعلى آله وسلم: أحبُّ (٢) من دُنْيَاكُمْ الطَّيِّبَ وَالنِّسَاءَ (٣) وَجُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ (٤).

وكان معه أصحابه جالساً وقال أبو بكر الصديق: صدقت يا رسول الله! وحُببت إلي من الدُّنْيَا ثَلَاثٌ: النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ، وَإِنْفَاقُ مَالِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، وَأَنْ تَكُونَ (٥) ابْنَتِي تَحْتَ يَدِ رَسُولِ اللَّهِ. فقال عمر: صدقت يا أبا بكر! وحُببت إلي من الدُّنْيَا ثَلَاثٌ: أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالثُّوبُ الْخَالِقُ. وقال عثمان: صدقت يا عمر! وحُببت إلي من الدُّنْيَا ثَلَاثٌ: إِشْبَاعُ الْغُرْمَانِ وَكِسْوَةُ الْعُرْيَانِ وَتِلَاوَةُ الْقُرْآنِ، فَقَالَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ (٦): صَدَقْتَ يَا عُثْمَانُ، وَحُبِّبْتَ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا ثَلَاثٌ: الْخِدَامَةُ لِلضَّيْفِ وَالصَّوْمُ فِي الصَّيْفِ وَالضَّرْبُ بِالسَّيْفِ (٧).

* ٥٩٢ * فجاء جبرئيل وقال: صدقت يا علي! صلوات الله على وصي الله، ثم قال: وَحُبِّبْتَ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا ثَلَاثٌ: إِرْشَادُ الْمُسْلِمِينَ وَإِغَاثَةُ الْمَسْئُولِينَ (٨) وَذِكْرُ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: صَدَقْتُمْ أَنْتُمْ وَأَنَا أَحِبُّ مِنْكُمْ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ: قَلْبًا خَاشِعًا وَعَيْنًا دَامِعًا وَبَدَنًا صَابِرًا فِي طَاعَتِي.

وَعَنْ بَعْضِ الْحُكَمَاءِ: مَنْ اعْتَصَمَ بِعَقْلِهِ ضَلَّ وَمَنْ أَعْجَبَ بِرَأْيِهِ ذَلَّ وَمَنْ اسْتَفْنَى بِمَالِهِ قَلَّ وَمَنْ أَغْنَى بِمَخْلُوقٍ ذَلَّ.

وَعَنْ بَعْضِ الْحُكَمَاءِ: ثَمَرَةُ الْمَعْرِفَةِ فِي ثَلَاثَةِ خِصَالٍ: الْحَيَاءُ مِنَ اللَّهِ وَالْحُبُّ فِي اللَّهِ

بالصين .

(١) الملائكة .

(٢) در حاشیه حیات آمده است .

(٣) النساء . بنابر آنچه در حاشیه آمده و حُببت ، اعراب الطيب والنساء به ضم صحیح می شود .

(٤) الكافي ٥/ ٣٢١ باب حب النساء ، وسائل الشيعة ٢/ ١٢٣ باب ٨٩ .

(٥) يكون .

(٦) رضى الله عنه خط خورده و بر بالای آن نوشته شده صلوات الله وسلامه عليه .

(٧) مستدرک ١٦/ ٢٥٩ باب ٣٣ .

(٨) المسبولين .

وَالْأُنْسُ بِاللَّهِ.

وَعَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الْمَحَبَّةُ أَسَاسُ الْمَعْرِفَةِ وَالْعِفَافَةُ عَلَامَةُ الْيَقِينِ وَرَأْسُ التَّقْوَى الرُّضَا بِتَقْدِيرِ اللَّهِ (۱).

وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَبَارَكٍ: أَنَّ رَجُلًا حَكِيمًا جَمَعَ أَحَادِيثَ (۲) فَاخْتَارَ مِنْهَا أَرْبَعَةَ آلَافٍ ثُمَّ اخْتَارَ مِنْهَا أَرْبَعَ مِائَةٍ ثُمَّ اخْتَارَ مِنْهَا أَرْبَعَ كَلِمَاتٍ: إِحْدَاهُنَّ: لَا تَتَّقَنَّ بِامْرَأَةٍ عَلَى كُلِّ حَالٍ. وَالثَّانِي: * ۵۹۳ * لَا تَغْتَرَّنَّ بِالْمَالِ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَلَا تَعْمَلَنَّ عَمَلًا لَيْسَ فِيهِ مَنَفَعَةٌ. وَالثَّلَاثُ: لَا تَحْمِلَنَّ عَلَى مِعْدَتِكَ مَا لَا يُطِيقُهُ. وَالرَّابِعُ: لَا تَدْعَنَّ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَا يَنْفَعُكَ.

وَعَنْ بَعْضِ الْحُكَمَاءِ: نَهَبَاتُ ابْنِ آدَمَ أَرْبَعُ نَهَبَاتٍ: إِحْدَاهُنَّ يَنْهَبُ مَلَكُ الْمَوْتِ رُوحَهُ وَ يَنْهَبُ الْوَرَثَةُ مَالَهُ وَ يَنْهَبُ الدُّوْدُ جَسَدَهُ وَ يَنْهَبُ الْخُصَمَاءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَلَهُ.

كَتَبَ يَعْقُوبُ إِلَى يُوسُفَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ حِينَ أَخَذَ ابْنُ يَامِينَ عَبِيدَهُ: مِنْ يَعْقُوبَ إِسْرَائِيلَ اللَّهُ بْنُ إِسْحَاقَ ذَبِيحِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ إِلَى عَزِيزِ أَهْلِ مِصْرَ، أَمَّا فَإِنَّا أَهْلُ بَيْتِ مُوَكَّلٍ عَلَيْنَا الْبَلَايَا، أَمَّا جَدِّي فَابْتَلَى بِالنَّارِ وَأَمَّا أَبِي فَابْتَلَى بِالذَّبْحِ وَأَمَّا أَنَا فَكَانَ لِي ابْنٌ سَلِبَ عَنِّي فَكَانَ لَهُ أَخٌ كُلَّمَا ذَكَرْتُ ابْنِي ضَمَمْتُهُ إِلَى صَدْرِي وَنَفْسِي وَهُوَ مَحْبُوسٌ عِنْدَكَ، فَإِنْ تَصَدَّقْتَ بِهِ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي * ۵۹۴ * الْمُتَصَدِّقِينَ.

فَلَمَّا بَلَغَ الْكِتَابُ إِلَى يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَكَى بُكَاءً طَوِيلًا ثُمَّ كَتَبَ إِلَيْهِ: أَمَّا جَدُّكَ ابْتَلَى بِالنَّارِ فَصَبَرَ فَظَفَّرَ، وَ أَمَّا أَبُوكَ ابْتَلَى بِالذَّبْحِ فَصَبَرَ فَظَفَّرَ، وَ أَمَّا أَنْتَ فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرُوا تَظْفَرُوا كَمَا ظَفَرُوا.

فِي مَدْحِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ:

لَوْ سَمِعُوا فِي مِصْرَ أَوْ صَافَ خَدَّهُ لَمَا بَدَّلُوا [۱] فِي سُؤْمِ يُوسُفَ مِنْ تَقْدِيرِ (۳)
نَوَاهِي زُلَيْخَا لَوْ رَأَيْنَ جَمَالَهُ (۴) لِأَنْزَنَ بِالْقَطْعِ الْقُلُوبَ عَنِ الْأَيْدِ

(۱) روایت را در مجامع حدیثی نیافتیم.

(۲) منظور از احادیث سخنان بطور عام است نه معنای اصطلاحی حدیث.

(۳) به جای کسره آخر الف گذاشته است.

(۴) این کلمه جوهر ریختگی دارد و بنظر جماله می آید.

تَرْجِمَتَهُ

در مصر اگر جمال او دیدندی یوسف به بهای هیچ نخریدندی
ایشان که ملامت زلیخا کردند دل را عوض دو دست ببردندی

لشیخ نجم الدین رازی قدس اللہ سرہ

هر که را این عشق بازی در ازل آموختند
تا ابد در جان او شمع ز عشق افروختند
وان دلی را کز برای وصل او پرداختند
همچو بازش از دو عالم دیدگان بردوختند

لشیخ (۱) المرشد (۲) قدس اللہ سرہ

إِذَا ذُكِرَ الْأَخْيَارُ يَوْمًا بِمَجْلِسٍ فَأُفِّ عَلَىٰ أَسْمِي أَنْ يَكُونَ لَهُ (۳)
* ۵۹۵ * از هجرت ای (۴) الدَّمْعُ مِنْ عَيْنِي مُعَبَّرٌ

در عشق تو این دل رهین تیرگی و درد تو جانم خراب... (۵)
[لشیخ (۶) نجم الدین رازی قدس اللہ سرہ]

بس در این منزل چگونه باب هجر آرند باز
بی دلانی کاندر آن منزل به وصل آموختند
لاجرم چون شمع گاه از هجر او بگداختند
گاه چون پروانه بر شمع وفا بس سوختند

(۱) صحیح: للشیخ .

(۲) ظاهر اچنین خوانده می شود .

(۳) این بیت و سرفصل آن در حاشیه پایین صفحه و مورب نوشته شده است ، و کلمه ای از آخریت افتاده است .

(۴) دو سه کلمه خوانده نمی شود .

(۵) این دو بیت در حاشیه بالای صفحه بصورت مورب نوشته شده است و دو کلمه از مصراع اول آن ناخواناست .

(۶) صحیح: للشیخ .

در خرابات فنا ساقی چو جام اندر فکند

هر چه بود اندر دو عالمشان به می بفروختند

نجم رازی را مگر رازی ازین معلوم شد

هر چه غم بد در دو عالم بهر او اندوختند

لسلطان^(۱) العارفين والعاشقين

أبو محمد زودباری^(۲) قدس الله سره

ماییم قلندر و قلندر ماییم أبدالان را قلندری فرماییم
گر چرخ نه آن کند که ما [می‌خواهیم]^(۳) ما چنبر چرخ را زهم بگشاییم

لسلطان الأقطاب علی الیقین

الزاهد الكبير قدس الله سره

ما رخت نه از حوا و آدم داریم ما خیمه برون ز هر دو عالم داریم
هر دل که نه کم زید ازو بیزاریم زیرا که زکم زیادتیا داریم

مرثیة قدس سره

جز سلسله نیاز در گوش مکن جز شربت نیستی دلانوش مکن
روزی که به همت از فلک درگذری بیچارگی خویش فراموش مکن

لَمَوْلَانَا مَلِكِ الشُّعْرَاءِ إِمَامِي الْهَرَوِيِّ طَاب ثَرَاهُ^(۴)

دهان ترك من گویی وجودست و عدم با هم

که هست و نیست در وصفش کجا و کو و کیف و کم

(۱) در اصل: للسلطان . که صحیح نیست .

(۲) شاید این کلمه «روزبهان» باشد .

(۳) روی این کلمه جوهر ریخته شده است و تصرف از ماست .

(۴) در این متن اغلب کلمات به همدیگر متصل هستند .

گرش گویم که موجود است در تقریر ایجادش
 گرم گویند برهان کو؟ نیارم زد زبرهان دم
 و گرمی گویمش خود نیست، عقلم باز می گوید
 که هرگز کی زند معدوم کار عالمی بر هم
 سواد زلف شب رنگش زخط مشکبو معرب
 حروف خط دلخواهش ز خال عنبرین معجم
 اسیر آن سر زلفم که هم درد است و هم درمان
 غلام^(۱) آن خط سبزم که هم ریش است و هم مرهم
 جهان داد و جان جود و مجد دولت و ملت
 که اساس دین و دولت را قواعد گشت ازو محکم
 خداوند خداوندان، پناه مشرق و مغرب
 فریدون قدر قدرت، سلیمان قضا خاتم
 زمین فیضش مهتد کرد والحق خود چنین زبید
 حریم حرمت کعبه است جای چشمه زمزم
 زهی دست وزارت را زمین حصن تو مامن
 زهی راز کواکب را مسیر خانهدات محرم
 لِقُطْبِ الْأَقْطَابِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ
 محمد بن الخفیف قَدَسَ اللَّهُ أَرْوَاحَهُ^(۲)
 «الْوُصُولُ مِنْ غَيْرِ طَرِيقِ الْعُبُودِيَّةِ مُحَالٌ»^(۳). «بعد از عرض اخلاص و مراسم
 دعاگویی معروض رای جهان آرای نواب ثقات»^(۴):

(۱) این قسمت جوهر ریخته شده از روی قرائن نوشته شده است.

(۲) ارواحه در متن اصلی بیاض.

(۳) عبارت داخل پرانتز در حاشیه پایین صفحه نوشته شده است.

(۴) عبارت داخل پرانتز در حاشیه سمت چپ بصورت عمودی نوشته شده است و ناقص است.

۵۹۷ جهانداری و دینداری ترا زبید خداوندا

که دستت ملک را عهدست و کلکت رزق را مقسم
 درت چرخ است و یزمت خلد و رایت مهر و جاهت مه
 کفت کان است و لفظت جان و کلکت ابرو طبعت یم
 اگر با طوق توقیعت بپرد در هوا تیهو
 زحلق باز و چشم باشه سازد مشرب و مطعم
 وگر با داغ فرمانت، نهد رو در عرین آهو
 ز تباب انتقام او شود خون زهره ضیفم
 مزاج بدسگالت را شدست این خاصیت حاصل
 که گر خود آب حیوان است، گردد در مذاقش سم
 مگر روزی ضمیرت را نظیر جام جم کردم
 خرد تا می شنیدی گفت: خامش آخر ای ابکم
 ضمیرش لوح محفوظست و ختقا گیر روا دارم
 که با مسمار درگاهش کنی تشبیه جام جم
 همایون حضرتش را باد هر صبحی و هر شامی
 ز تو حکمی و فرمانی هم این مطلق هم آن معظم
 ورا بر ذروه تسعظیم سال و ماه و روز و شب
 سعادت رام و دولت یار و جاه افزون و دشمن کم
 قضا در موکبش رهبر، قدر در خامه‌اش مضمهر
 أجل در خنجرش گوهر اجل بر راهش سرخم
 جنابش حکم شش جانب، پناهش حصن چار ارکان
 عنانش سیر هفت اختر، رکابش فرق نه طارم *

يَكْمَالُ الدِّينِ اسْمَاعِيلُ طَابَ ثَرَاهُ

۵۹۸

<p>اصحاب فهم در صفت بی‌سرنده و پا سلطان در سراق و درویش در عبا^(۱) آن چشم بر اشارت وین گوش بر ندا شب در لباس معرفت و روز در قبا یارب به خون پاک شهیدان کریلا إِزْفَقَ لِمَا تَجَاسَّرَ وَ اغْفِرَ لِمَنْ عَصَى^(۲) ورپای بسته [ای] به دعا دست برگشا^(۳)</p>	<p>ارباب شوق در طلبت بیدل‌اند و هوش خوانندگان درگه بخشایش توایم آن دست بر تضرع وین روی بر زمین مردان راحت از نظر خلق در حجاب یارب به نسل طاهر اولاد فاطمه کافتادگان شهوت نفسیم و دست گیر ای یار جهد کن که چو مردان قدم زنی</p>
---	--

لِوَأَحَدٍ مِنَ الْعَرَفَاءِ

<p>به قصر شاه ترکستان زمین شد قفص^(۴) کرده زسختی آهنینش زبان بگشاد طوطی همچو شکر اگر روزی به هندوستان رسی باز جوایی بازم آری گر توانی زچشم هم نشینان دور مانده نه همدردی و نه غمگساری چه تدبیرست گفتم با شما راز به نزد طوطیان دلستان شد</p>	<p>حکیم هند سوی شهر چین شد شهی را دید طوطی هم نشینش چو طوطی دید هندو را برابر که از بهر خدای ای کارپرداز سلام من به یارانم رسانی *۵۹۹* بدیشان گوی کان مهجور مانده به زندان قفص چون سوگواری چه سازد تا رسد نزد شمایان حکیم آخر چو با هندوستان شد</p>
--	---

(۱) مصراع اول از بیت اول مؤخره مصراع اول از بیت دوم مقدم نوشته شده است و در کتاب بیاض و باد و علامت این مورد را مشخص کرده است... بناکشیدن خطی بین دو مصراع و بسوط کشیدن س در سلطان ۲۰ و وجود حرف خ روی مصراع اول به... می مؤخر است و وجود حرف م روی مصراع سوم به معنای مقدم است، لذا آن را به ترتیب اصلی برگرداندم.
۱۰۰ این کلمه به هر دو شکل عسا و عسی نوشته شده است.

(۲) ابیات فوق در دیوان کمال اسماعیل چاپ بحر العلوم و همچنین نسخه خطی کتابخانه آیه الله فاضل خوانساری وجود ندارد.

(۳) مکذادر متن.

هزاران طوطی دل زنده می‌دید
گرفته هر یکی شکر به منقار
فلک سرسبز عکس پرّ ایشان
مرا تعلیم دادند آن عزیزان
طلب کار خلاصی همچو ماکن
بمیر از خویش تا یابی رهایی
چو تو مردی به هم جنسان رسیدی
چو مردی زنده جاوید گشتی
به گرد شاخه‌ها پرّنده (۱) می‌دید
همه در کار و قارغ از همه کار
مگس گشته همای از فرّ ایشان
که همچون برگ شو در خاک ریزان
رهایی بایدت خود را رهاکن
که با مرده نگیرد آشنایی
به خلوت گاه عنوی آرمیدی
خدا را بسنده جاوید گشتی

سَأَلْتُ النَّدَابِلَ أَنْتَ حُرٌّ فَقَالَ: لَا
فَقُلْتُ شَرَاهَا قَالَ لَا بَلْ وَارِثَةٌ
الْعَقْلُ صَدِيقٌ مَقْطُوعٌ، وَالْهَوَىٰ عَدُوٌّ مَطْبُوعٌ (۳)

لِلسُّلْطَانِ الْأَعْظَمِ الْعَادِلِ الْمَغْفُورِ * ۶۰۰ *

أبوسعید بهادرخان طاب ثراه

نشست عشق تو بر تخت دل به سلطانی
سپاه محنت و غم را مثال رخصت داد
عمارتی که لبث کرد در ممالک دل
هنوز بر سر آن نیستی که بنشینی
نشانند بر در جان فتنه را به دربانی
که در ممالک دلها کنند (۴) ویرانی
خراب می‌کند ابروی تو به پیشانی
هنوز وقت نیامد که فتنه بنشانی

(۱) در متن به جهت رعایت وزن مشدد آمده و ایضاً در دو بیت بعد.

(۲) این دو بیت در حاشیه پایین صفحه نوشته شده است.

(۳) این عبارت در حاشیه بالای صفحه وارونه نوشته شده است.

(۴) کنیده می‌توان خواند زیرا فاقد نقطه است.

لسلطان^(۱) العارفين أبو سعيد أبوالخير قدس الله سره

برون ز گوشه بهشت برین سقر باشد فزون ز توشه شکر بهره بار خر باشد
 هر آنکه توشه روزی و گوشه [ای] دارد بر استی ملک ملک بحر و بر باشد
 زیادت از سرت اُر یک کله بدست آری به خاک پای قناعت که در دسر باشد^(۲)

وَلَهْ قَدَسِ سَرَهْ

حال عالم سر بر سر پرسیدم از فرزانه [ای]

گفت یا خاکست یا بادست یا افسانه [ای]

گفتمش آن کس که او اندر طلب پویان بود

گفت یا کوریست یا کَرِیست یا دینوانه [ای]

گفتمش احوال عمر ما چه باشد عمر چیست

گفت یا برقیست یا شمعیست یا پروانه [ای]

* ۶۰۱ * بر مثال قطره برف است در فصل تموز

هیچ عاقل در چنین جاگاه سازد خانه [ای]

یا مثال سیل خانست که در فصل بهار

هیچ زیرک در چنین منزل فشاند دانه [ای]

فیلسوفی گفت: اندر جانب هندوستان

حکمتی دیدم نوشته بر^(۳) در بتخانه [ای]

گفتم آن حکمت چه حکمت بود گفت این حکمتست

آدمی را سنگ و شیشه چرخ چون دیوانه [ای]

(۱) در مخطوطه دلسلطان آمده که صحیح نیست.

(۲) ر. ک: سخنان منظوم أبو سعید أبوالخير با مقدمه و حواشی سعید نفیسی قطعه ۴۳ ص ۱۱۲.

(۳) بود.

نعمت دنیا و دنیا نزد حق بیگانه است

هیچ عاقل مهر ورزد با چنین بیگانه [ای] (۱)

نقل عن امیرالمؤمنین حسن بن علی رضی الله عنه علی قانون الحکمة

بَيْتُ الْعَشْرَةِ	بَيْتُ الْعَشْرِينَ	بَيْتُ الثَّلَاثِينَ	بَيْتُ الْأَرْبَعِينَ
نُورُهُ الْمُفَسَّرَةُ	لَذَّةُ قُدْوَةِ اللَّهِ	أَمُّ الثَّبَاتِ فِي اللَّهِ	نُورُ اللَّطَاعَةِ
بَيْتُ الْخَمِيسِ	بُغْيَةُ أُمُورِ الْمَلَائِكَةِ عَلَيْهَا رَحْمَةٌ	بَيْتُ السُّتَيْنِ	إِعْمَلْ بِالسُّكِينِ (۲)

لِلسُّلْطَانِ الْأَعْظَمِ الْأَعْدَلِ الْأَعْلَمِ خَلِيفَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ

خَلَّدَ اللَّهُ تَعَالَى سُبْحَانَهُ مُلْكَهُ وَ سُلْطَانَهُ جَلَالاً

اگر ز قاف قناعت بگسترانم پر که جز نشیمن سیمرغ نیستم درخور
 همای همت خود را زبهر مرداری به کرکسان زمانه چرا کنم هم سر
 درون خلوت عزلت که تخت‌گاه منست کلاه دولت باقی سزد مرا افسر
 دیار مشرق و مغرب بدست آمده گیتی پیر هیمان پریم زدنی که برد اسکندر
 ۶۰۲ به یک توجه مردانه می‌رسم جایی که مرغ و هم در آنجا نیفکند شهر

لِلَّهِ دَرُّ قَاتِلِهِ

الآن اخلاص لنا ستر (۳) صباح	قُمْ فَأَشْرِفَا وَأَشْفِ بِتَا رِيحِ نَوَاهَا
از زمزمه بلبل و از قهقهه (۴) گل	آفاق دگر گشت پر از برگ و نواها

از نسیم صبا و فصل بهار	بود بر طرف باغ عنبربار
بوی گیسوی دلبران چمن	برده رونق ز نفاقه تمار

(۱) ابیات فوق در کتاب سخنان منظوم ابو سعید ابوالخیر یا مقدمه و حواشی سعید نفیسی وجود دارد .

(۲) اینگونه خوانده می‌شود و الله اعلم .

(۳) کلمات اول ظاهر آچنین خوانده می‌شوند .

(۴) قهقه .

همچو خط نگار گرد عذار
 بلبلان در نوای موسیقار
 بِدْمُوعِ الْحَيَاءِ عَلَى الْأَزْهَارِ
 بر لب جو سبزه دلکش
 گلستان در لباس غنچه و لال
 قَهْقَهَةُ الْوَرْدُ وَالسَّحَابُ بَكِي

لطيفة

مگر به بارگش رفت از قضاگه بار
 اگر مرا بدهد پادشاه صد دینار
 برای دولت و جاهش دعا کنم بسیار
 که آنچه (۲) خواست عرابی بردوچندان آر
 بلطف گفت شهنشه که سیدی بردار
 صد از برای تو و زاد راه و پای افزار
 صد دگر به خموشانه می دهم رشوت
 که چون به کعبه رسی هیچ ذکر من نکنی



میرما داد خواجه دستاری
 بردم آن را بر رفوگر و گفت (۳)
 گفت: رورو بر خدای فرست
 به تکلف نه از تملق و بیم
 درز او باز دوز و بستان سیم
 کوست محی العظام و هی رمیم



اگر خود بردرد پیشانی شیر
 نه مردست آنکه در وی مردمی نیست

(۱) در این موضع کلمه خوانده نمی شود.

(۲) آنج.

(۳) در این موضع کتاب بظاھر انتخاب گردیده است.

(۴) گفت در معنی، گفتم بکار رفته است.

بسنی آدم سرشت از خاک دارد

نه مردست آنکه دروی مردمی نیست (۱)(۲)

فریاد که گر جور فراق تو نویسم فریاد برآید زدل هر که (۳) بخواند
شرح غم هجران تو هم با تو توان گفت پیدا است که قاصد چه به سمع تو رساند

□□□

حَرَزَهُ الْعَبْدُ الضَّعِيفُ ، أَحَقَرُ خَلْقِ اللَّهِ إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْقَاضِي بِسَرُوشْتَانَ فِي مُنْتَصَفِ
مِنْ شَعْبَانَ الْمُعْظَمِ سَنَةِ اثْنَتَيْنِ (۴) وَ ثَمَانِينَ وَسَبْعِمِائَةَ حَامِدًا [لَهُ].



مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

(۱) این دو بیت در ص ۵۴۸ نسخه عکسی بیاض نیز آمده است .

(۲) مصراع اشتباه است و تکرار شده و باید « اگر خاکی نباشد آدمی نیست » باشد . ر. ک: کلیات سعدی تصحیح فروغی ،
مواظص ۱۰۴۴ ، و ایضا گلستان : باب دوم ص ۸۷ .

(۳) کی .

(۴) اثنی .

[مما سطره الصاحب الأعظم]
[مولانا حسن شاه الأيجي عظم قدره]

ما قيل في مراد افندي
قال اذ اعملوا ازل الى الرسول
و الى الاصل والقرين
او قلم ربنا او قلم نسطه
معلم الاو القار من
قد عرفته قال يحيى
الى الجنة قيل ما حال عرفه
ساقوا الى الجنة
القصور من موقد
سبل من ابع ما قيل في مراد افندي
هو الذي شاء الاشياء

من شجاعة
اعتمادهم
في عتيدنا
من الطرية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مَا قِيلَ فِي مَعْرِفَةِ اللَّهِ تَعَالَى

مِنْ كَلَامِ اللَّهِ تَعَالَى، قَالَ: ﴿وَمَا قَدَرُوا [أ] اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ﴾^(١) [و] قَالَ [تَعَالَى]: ﴿وَإِذَا سَمِعُوا
مَا أَنْزَلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ﴾^(٢) [و] قَالَ [تَعَالَى]:
﴿وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾^(٣).

مِنْ كَلَامِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَعْرَفَكُمْ بِرَبِّهِ أَعْرَفَكُمْ بِنَفْسِهِ^(٤).
وَقَالَ [ص]: أَيْضاً: تَفَكَّرُوا فِي آلَاءِ اللَّهِ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي اللَّهِ^(٥).

مِنْ كَلَامِ الْأَوْلِيَاءِ وَالْعَارِفِينَ

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ^(٦).
قَالَ يَحْيَى بْنُ مَعَاذِ الرَّازِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ: فِي الدُّنْيَا جَنَّةٌ مَنْ دَخَلَهَا لَمْ يَشْتَقِ إِلَى الْجَنَّةِ. قِيلَ:
وَمَا هِيَ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ اللَّهِ تَعَالَى.

قَالَ أَبُو يَزِيدَ الْبَسْطَامِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ: سَافِرُوا مِنْ أَنْفُسِكُمْ تَجِدُونَا مِنْ أَوَّلِ قَدَمٍ.

قَالَ بَعْضُهُمْ: يَا مَنْ غَايَةُ مَعْرِفَتِهِ الْقُصُورُ عَنْ مَعْرِفَتِهِ.

تَسْبِيحُ بَعْضِ الْمَلَائِكَةِ: سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ لِلْخَلْقِ عَلَى مَعْرِفَتِهِ سَبِيلٌ.

مِنْ أَبْلَغِ مَا قِيلَ فِي مَعْرِفَةِ اللَّهِ تَعَالَى قَوْلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

(١) قرآن كريم سورة انعام (٦) آية ٩١.

(٢) قرآن كريم سورة مائدة (٥) آية ٨٣.

(٣) قرآن كريم سورة ذاريات (٥١) آية ٢٠ و ٢١.

(٤) بحار الانوار ٣٢/٢ ح ٢٢.

(٥) بحار الانوار ٣٢١/٧١ ح ٣.

(٦) بحار الانوار ٣٢/٣ باب ٩، مجمعين ٩٩/٥٨.

هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ الْأَشْيَاءَ مُبْتَدِعاً فَكَيْفَ يُدْرِكُهُ مُسْتَعِدِّثُ النَّسَمِ

من الاشعار^(۱) العَرَبِيَّةُ لِأَبِي عَلِيٍّ سِينَا

إِغْتِصَامُ الْوَزِيِّ بِمَعْرِفَتِكَ عَجَزَ الْوَاصِفُونَ عَنْ صِفَتِكَ

تُبَّ عَلَيْنَا فَأَنْشَأْنَا بَشَرٌ مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ

من الفارسيَّة

کس را به کمال و کنه ذات ره نیست بر فعل تو می کنند ذات تو قیاس^(۲)

للشیخ الرئيس *۶۰۵*

در معرفتت چو نیک فکری کردم معلوم شد که هیچ معلوم نشد

لَه

معشوق جمال می نماید شب و روز کو دیده تا برخوردارش

ما قیل فی التوحید

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾^(۳) قَالَ [تَعَالَى]: ﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى

وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾^(۴)، قَالَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى: ﴿وَالْهَكْمُ إِلَهُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾^(۵).

مِنْ كَلَامِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَام

مَنْ رَأَى فَقَدْ رَأَى الْحَقَّ^(۶).

وَقَالَ صَلَّعِم [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ]: مَا أَوَّلُ كُلِّ شَيْءٍ^(۷) وَآخِرُ كُلِّ شَيْءٍ^(۸).

(۱) دراصل: اشعار.

(۲) این بیت در حاشیه سمت چپ بصورت عمودی نوشته شده است.

(۳) قرآن کریم سوره قصص (۲۸) آیه ۸۸.

(۴) قرآن کریم سوره الرحمن (۵۵) آیه ۲۶ و ۲۷.

(۵) قرآن کریم سوره بقره (۲) آیه ۱۶۳.

(۶) بحار الانوار ۶۱/۲۱۱ ح ۷۵.

(۷) شی و هکذا در مورد بعد.

(۸) عبارت ظاهر اسؤالی و ناقص بنظر می رسد. در اقبال الاحمال ۲/۲۰۲ نقل کرده: والله أكبر اول کل شیء و آخر کل

من کلام الإمام جعفر الصادق رضى الله عنه

إِنَّ لِلَّهِ شَرَابًا لِأَوْلِيَائِهِ إِذَا شَرِبُوا سَكَرُوا وَأَطْرَبُوا وَإِذَا طَرِبُوا طَلَبُوا وَإِذَا طَلَبُوا وَجَدُوا وَإِذَا وَجَدُوا تَابُوا وَإِذَا تَابُوا آبُوا وَإِذَا آبُوا ذَابُوا وَإِذَا ذَابُوا أَخْلَصُوا وَإِذَا أَخْلَصُوا وَصَلُوا وَإِذَا وَصَلُوا اتَّصَلُوا وَإِذَا اتَّصَلُوا لافترق بينهم وبين حبيبتهم.

من اشعار الفارسية^(۱)

اول قدم آنست که او را طلبی و آخر قدم آنست که خود او باشی

آخر

می صرف و حدث کسی نوش کرد

که دنیا و عقبی فراموش کرد

حجاب روی تو هم روی تست در همه حال

نسهانی از همه عالم زبس که پیدایی

ما قبل فی مکارم الأخلاق و مساوئها *۶۰۶*

مِنْ كَلَامِ اللَّهِ تَعَالَى: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَالْكَافِرِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۲) وَقَالَ [تَعَالَى]: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِثْنَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾^(۳).

من کلام الأنبياء عليهم السلام

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: حُسْنُ الْخُلُقِ يُذِيبُ الذُّنُوبَ كَمَا يُذِيبُ النَّارُ النَّلْجَ^(۴).
أَوْصَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَعَاذًا تَوْصِيَةً جَامِعَةً لِمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ فَقَالَ: يَا مَعَاذًا أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَالْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَتَرْكِ الْخِيَانَةِ وَحِفْظِ الْجَوَارِ وَرَحْمَةِ الْيَتِيمِ وَلِينِ الْكَلَامِ وَبَذْلِ السَّلَامِ وَحُسْنِ الْعَمَلِ وَقَصْرِ الْأَمَلِ وَلُزُومِ الْإِيمَانِ وَالنَّفَقَةِ

(۱) عبارت چنان است، ولی (من اشعار بالفارسية) یا (من الأشعار الفارسية) صحیح است.

(۲) قرآن کریم سوره آل عمران (۳) آیه ۱۳۴.

(۳) قرآن کریم سوره نحل (۱۶) آیه ۹۰.

(۴) بحار الانوار ۷۱/۳۷۵ ح ۷.

فِي الْقِرَانِ وَ حُبِّ الْآخِرَةِ وَالْجَزَعِ مِنَ الْحِسَابِ وَ خَفْضِ الْجَنَاحِ ، وَ إِيَّاكَ أَنْ تُسَبَّ حَكِيمًا أَوْ تُكذَّبَ صَادِقًا أَوْ تُطِيعَ آثِمًا وَ تَعْصِيَ إِمَامًا عَادِلًا أَوْ تُفْسِدَ أَرْضًا . أَوْ صِيكَ بِإِثْقَاءِ اللَّهِ عِنْدَ كُلِّ حَجَرٍ وَ شَجَرٍ وَ مَدْرٍ وَ أَنْ تُحَدِّثَ لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةً - السَّرُّ بِالسَّرِّ وَ الْعَلَانِيَّةُ بِالْعَلَانِيَّةِ - بِذَلِكَ أَدَبُ اللَّهِ عِبَادَهُ وَ دَعَاَهُمْ إِلَى مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَ مَحَاسِنِ الْأَدَابِ (١) .

من كلام الأولياء والعلماء والعارفين

قال وليُّ الله عليُّ عليه السلام : سوءُ الخلقِ يُفسدُ العملَ كما يُفسدُ الصَّبْرُ العَسَلَ (٢) .
وقال [ع] : مَنْ حَسُنَ خُلُقُهُ اسْتَرَاحَ وَ رَاحَ .

سُئِلَ (٣) بَعْضُ الْعَارِفِينَ عَنْ تَعَرُّفِ الْأَوْلِيَاءِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ ، فَقَالَ : يُلَطِّفُ لِسَانِهِمْ وَ حُسْنَ أَخْلَاقِهِمْ وَ بَشَاشَةَ وَجْهِهِمْ وَ سَمَاحَةَ نَفْسِهِمْ وَ قِلَّةَ إِغْرَاضِهِمْ وَ قَبُولَ عُذْرٍ مِنْ اعْتَذَرَ إِلَيْهِمْ وَ تَمَامَ الشُّعْفَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلَائِقِ (٤) صَالِحِهِمْ وَ طَالِحِهِمْ .

من كلام الفصحاء

خُلِقَ لَوْ مَزَجَ الْبَحْرَ لَنَقَى مُلُوحَتَهُ * ٦٠٧ * وَ صَفَى كُدُورَتَهُ ، خُلِقَ كَنَسِيمِ الْأَشْحَارِ عَلَى صَفَحَاتِ الْأَنْوَارِ ، خُلِقَ كَالْمَاءِ صَفَاءً وَ كَالْمِسْكِ ذِكَاةً ، أَخْلَاقٌ قَدْ تَجَمَّعَتِ الْمُرُوءَةُ أَطْرَافَهَا وَ حَرَسَتِ الْحُرِّيَّةُ أَكْنَافَهَا ، أَخْلَاقٌ أَعَذَبُ مِنْ مَاءِ الْغَمَامِ وَ أَحْلَى مِنْ رَيْقِ النَّحْلِ وَ أَطْيَبُ مِنْ زَمَنِ الْوَزْدِ ، أَخْلَاقٌ أَحْسَنُ مِنَ الدُّرِّ وَ الْعُقْبَانِ فِي بُحُورِ الْحِسَانِ وَ أذْكَى مِنْ حَرَكَاتِ الرِّيحِ بَيْنَ الرِّيحَانِ .

من الأشعار (٥) العربية ، قال عليُّ عليه السلام

إِنَّ الْمَكَارِمَ أَخْلَاقٌ مُطَهَّرَةٌ فَالْعَقْلُ أَوْلَاهَا وَ الدِّينُ ثَانِيهَا

(١) بحار الانوار ٧٧/١٢٩ ح ٣٣ .

(٢) بحار الانوار ٧١/٣٩٣ ح ٦١ ، مستدرک ١٢/٧٣ .

(٣) سئل .

(٤) الخلاق .

(٥) دراصل : اشعار .

وَالْعِلْمُ ثَالِثُهَا وَالْحِلْمُ رَابِعُهَا وَالْجُودُ خَامِسُهَا وَالْعَزْفُ سَادِسُهَا (۱)
وَالْبِرُّ سَابِعُهَا وَالصَّبْرُ ثَامِنُهَا وَالشُّكْرُ تَاسِعُهَا وَالْبَيْنُ بَاقِيهَا

قال الشاعر

سَلَامٌ عَلَى تِلْكَ الْخَلَائِقِ كُلِّهَا مُسَلِّمٌ عَنِ كُلِّ عَارٍ وَمَأْتَمٍ

قال آخر

الدَّهْرُ يَضْحَكُ عَنِ بَشَاشَةِ وَجْهِهِ وَالْعَيْشُ يَطْرُبُ عَنِ نَضَارَةِ عُودِهِ

من الفارسية

با خلق به لطف و خلق و دلداری به چون زور نمی‌خرند هم زاری به
چون می‌دانی که هر چه کاری دروی باری به همه حال نکوکاری به

آخر

خوش است عالم آزادی و خوش خوبی درین مقام درآگر بهشت می‌جویی



گل صد برگ چگونه دمد از خالک سیاه گر به خلق تو کند باد صبا را تعلیم

لآخر

نسیم گل چو به خلق ما نسبتی دارد

به صد زبان بستاید هزار دستانش

بسندة حلقه به گوش ار نوازی برود

لطف کن لطف که بیگانه شود حلقه به گوش (۲)

حکایة

كَانَ بَيْنَ الْحُسَيْنِ وَأَخِيهِ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا كَلَامٌ فَقَالَ لَهُ: أَدْخُلْ عَلَى أَخِيكَ فَإِنَّهُ

(۱) سادیهها .

(۲) شعر از سعدی است .

أَكْبَرُ سِنًا مِنْكَ. فَقَالَ: إِنِّي سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ (۱) اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّمَا ابْنَيْنِ جَرَى بَيْنَهُمَا كَلَامٌ وَطَلَبَ أَحَدُهُمَا رِضَى الْآخَرِ كَانَ سَابِقَةً إِلَى الْجَنَّةِ وَأَنَا أَكْرَهُ أَنْ أَكُونَ سَابِقَ أَخِي إِلَى الْجَنَّةِ، فَبَلَغَ الْحَسَنَ رَضَى اللَّهُ عَنْهُ قَوْلَهُ فَأَتَاهُ عَاجِلًا (۲). (۳)

• ۶۰۸ • ما قيل في القناعة والطمع (۴) و ترك الدنيا

من كلام الله تعالى: ﴿فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً﴾ (۵).

[و] قال [تعالى]: ﴿قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ﴾ (۶).

من كلام الأنبياء [عليهم السلام] قال صلعم: ما ذُئبان (۷) جَائِعَانِ (۸) أُرْسِلَا فِي غَنَمٍ فَأَفْسَدُوهَا أَشَدُّ مِنْ حِرْصِ الْمَرْءِ عَلَى الْمَالِ (۹).

[و] قال [ص]: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ (۱۰). (۱۱)

قال المسيح عليه السلام: الدنيا قَنْطَرَةٌ فَأَعْبُرُوهَا وَلَا تَعْمُرُوهَا.

في مثل ذلك من كلام الأولياء وغيرهم

قال أمير المؤمنين أسد الله رضي الله عنه: عِشْ قَبِيحًا تَكُنْ مَلِكًا (۱۲).

و قال [ع]: الْقِنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَعُ (۱۳)

(۱) رسول.

(۲) ابن حكايت در کنار آیات سمت چپ بصورت عمودی نوشته شده است.

(۳) بحار الانوار ۷۴/۱۶۰ ح ۱۶.

(۴) بالای سطر نوشته شده است.

(۵) قرآن کریم سوره النحل (۱۶) آیه ۹۷.

(۶) قرآن کریم سوره النساء (۴) آیه ۷۷.

(۷) ذبیان.

(۸) جائعان.

(۹) بحار الانوار ۷۳/۲۴ ح ۱۴.

(۱۰) عطية.

(۱۱) بحار الانوار ۵۱/۲۵۸ ح ۵.

(۱۲) حرر المحکم ص ۳۹۲ باب الفنى باختلاف.

(۱۳) ر. ک: نهج البلاغه کلمات قصار ۲۷۵ و ۳۲۹.

و قال [ع]: الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ لَا دَارٌ مَقَرٌّ (۱).

قال ابن مسعود رضي الله عنه: عرض الدنيا عاريةً ونحن فيها ضيفٌ والعاريةُ مزدودةٌ والضيفُ مُرتَجِلٌ.

قال بعضٌ: الحِرْصُ يَنْقُصُ قَدْرَ الْإِنْسَانِ وَلَا يَزِيدُ فِي رِزْقِهِ.

قال: الرِّزْقُ يَسْبِقُ جُهْدَ الْحَرِيصِ.

قيل: الحِرْصُ ذُلٌّ عَاجِلٌ وَالطَّمَعُ فَقْرٌ حَاضِرٌ.

من أشعار (۲) العربية

مَا الْمَالُ وَالْأَهْلُونَ إِلَّا وَدَائِعٌ (۳) وَلَا بَدَّ يَوْمًا أَنْ تُرَدَّ الْوَدَائِعُ

لَاخِرٌ

سَقَامُ الْحَرِصِ لَيْسَ لَهُ شِفَاءٌ وَدَاءُ الْبُخْلِ لَيْسَ لَهُ دَوَاءٌ

لَاخِرٌ

يَا أَيُّهَا الْمَغْرُورُ بِالدُّنْيَا، اِغْتَبِرْ بِدِيَارِ كَسْرَى فَهِيَ مُعْتَبَرُ الْوَرَى
كَانَتْ مَنَازِلَ لِلْمَلُوكِ فَأَضْحَيْتِ مِنْ بَعْدِ حَادِثَةِ الزَّمَانِ كَمَا تَرَى

لَاخِرٌ

أَيْنَ الْأَكَاسِرَةُ الْجَبَابِرَةُ الْأُولَى كَنَزُوا الْكُنُوزَ فَمَا بَقِيْنَ وَمَا بَقُوا

مسکین حریص در همه عالم همی دود او در قفا [ی] رزق و أجل در قفای او (۴)

* ۶۰۹ * ما قبل في العقل والجهل والخنق والکیاسة

قال الله تعالى: ﴿وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾ (۵).

(۱) ر.ك: نهج البلاغه كلمات قصار ۱۳۳.

(۲) كذا، صحيح: الأشعار.

(۳) ودائع وهكذا مورد بعد.

(۴) این بیت سمت چپ ابیات عربی نوشته شده است.

(۵) قرآن کریم سوره الأعراف (۷) قسمتی از آیه ۱۹۹.

و قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى الْعَقْلُ (۱) فَقَالَ لَهُ: أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ
ثُمَّ قَالَ: أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ ثُمَّ قَالَ: بِعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَكْرَمَ عَلَيَّ مِنْكَ، بِكَ أَوْ أَخِذْ وَبِكَ
أُعْطِي وَبِكَ أُثِيبُ وَبِكَ أَعَابِبُ (۲).

وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الْعَقْلُ نُورٌ يَفْرُقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ.
مِنْ كَلَامِ الْوَلِيِّ (۳) كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ: لَا مَرَضَ أَضْنَى مِنْ قِلَّةِ الْعَقْلِ (۴).
وَقَالَ [عَلِيٌّ (ع)]: رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَفْقَرُ الْفَقْرِ الْحَقُّ (۵).
وَقَالَ [أَيْضًا (ع)]: أَغْنَى الْغِنَى الْعَقْلُ (۶).

مِنْ كَلَامِ الْحُكَمَاءِ

قَالَ الْحَكِيمُ: ظَنُّ الْعَاقِلِ أَصْحٌ مِنْ يَقِينِ الْأَخْمَقِ. وَقَالَ: الْحَيُّ الْجَاهِلُ مَوْجُودٌ مَفْقُودٌ
وَالْعَالِمُ الْمَيِّتُ مَفْقُودٌ مَوْجُودٌ. وَقَالَ: حَيْثُ كَمَلَ الْعُقُولُ نَقَصَ الْفُضُولُ.

مِنْ كَلَامِ السَّلَفِ

قَالَ عَبْدُ الْمَلِكِ بْنُ مَرْوَانَ: ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءٌ تَدُلُّ عَلَى مِقْدَارِ عَقْلِ أَرْبَابِهَا: الْكِتَابُ يَدُلُّ عَلَى
مِقْدَارِ عَقْلِ كَاتِبِهِ، وَالرَّسُولُ عَلَى مِقْدَارِ عَقْلِ مُرْسِلِهِ، وَالْهَدْيَةُ عَلَى مِقْدَارِ عَقْلِ مُهْدِيهَا (۷).
وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ [ء]: الْجَاهِلُ صَغِيرٌ وَإِنْ كَانَ شَيْخًا وَالْعَاقِلُ كَبِيرٌ وَإِنْ كَانَ صَغِيرًا.
قِيلَ: لَوْلَا الْجَاهِلُ مَا عُرِفَ فَضْلُ الْفَاضِلِ.

مِنْ الْأَشْعَارِ (۸) الْعَرَبِيَّةِ * ۶۱۰ *

لَا خَيْرَ فِي حُسْنِ الْجُسُومِ وَطَوْلِهَا إِذَا لَمْ يَزِنْ حُسْنَ الْجُسُومِ عُقُولُ

(۱) بحار الانوار ۱/ ۹۷ ح ۸.

(۲) بحار الانوار ۱/ ۹۶ ح ۳.

(۳) منظور امام علی (ع) است.

(۴) فروع الحكم ۲/ ۸۲۶ فصل ۸۶ ح ۳۲۷، دعوات راوندی ص ۷۷.

(۵) فروع الحكم ۱/ ۱۷۵ فصل ۸ ح ۲۰.

(۶) فروع الحكم ۱/ ۱۷۲ فصل ۸ ح ۱۴ ونهج الفصاحة قصار الحكم ۳۸.

(۷) قسمتی از مطالب این صفحه در ص ۵۴۹ و ۵۴۸ از نسخه عکسی بیاض آمده است و نویسنده این متن به مطالب ذکر

شده نظر داشته است

(۸) دراصل: اشعار.

بَلِّغْ دَرُّ قَائِلِهِ (۱)

بِالرَّفْقِ تَبْلُغْ مَا تَهْوَاهُ مِنْ أَرْبٍ وَ صَاحِبُ الْحَزَقِ مَحْمُولٌ عَلَى خَطَرٍ

مِنَ الْأَشْعَارِ (۲) الْفَارِسِيَّةِ

خرد دست گیرد به هر دو سرای	خرد رهنمای و خرد دلگشای
همان زیور نامداران بود (۳)	خرد افسر شهریاران بود
مکن تا توانی گذر بر درش (۴)	هر آن کس که دانش نیایی برش
سزاوار خلعت نگه کن که کیست (۵)	خرد مرد را خلعت ایزد است

مینه

خرد غمگسار و کس او بس است	خردمند اگر با غم و بی‌کس است
که بی‌دانشی مردن جان بود (۶)	بود مرده، هر کس که نادان بود
هژبر ژیان را به دام آورد (۷)	شکیبایی و هوش و رای و خرد



خرد در پیش دولت رفت و گفتن که می‌خواهم که با من یار باشی
جوابش داد دولت گفت هر جا که من باشم تو خود ناچار باشی

مینه

فریاد از این جهان که خردمند را از او بهره به جز نوایب و حرمان نمی‌رسد
دانا بمانده در غم تدبیر نیک و بد یک ذره غم به خاطر نادان نمی‌رسد

(۱) قایله .

(۲) در اصل : اشعار .

(۳) دو بیت فوق در صفحه ۲، ج ۱ شاهنامه فردوسی به تصحیح دکتر محمد دبیر سیاقی آمده است .

(۴) این بیت در صفحه ۲۴، ج ۱ شاهنامه فردوسی به تصحیح دکتر محمد دبیر سیاقی وجود دارد .

(۵) این بیت در صفحه ۴۱، ج ۴ شاهنامه فردوسی به تصحیح دکتر محمد دبیر سیاقی وجود دارد .

(۶) دو بیت فوق در شاهنامه فردوسی تصحیح دکتر دبیر سیاقی وجود ندارد .

(۷) این بیت در شاهنامه فردوسی به تصحیح دکتر محمد دبیر سیاقی ج ۱، ص ۶ آمده است .

في المقامات

* ٦١١ *

مِنْهَا التَّوْبَةُ: قَالَ اللهُ تَعَالَى: ﴿وَتُوبُوا إِلَى اللهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (١) و قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا تَابَ الْمُؤْمِنُ كَتَبَ اللهُ تَعَالَى لَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً عَلَيْهِ فِي فِسْقِهِ عِبَادَةَ سَنَةٍ وَأَعْطَاهُ ثَوَابَ أَلْفِ شَهِيدٍ وَيَتَوَجَّحُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَلْفِ تَاجٍ وَفُتِحَ لَهُ أَلْفُ بَابٍ مِنَ الْجَنَّةِ وَيَقُومُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَلَكٌ عَنْ يَمِينِهِ وَمَلَكٌ عَنْ شِمَالِهِ وَمَلَكٌ عَنْ أَمَامِهِ وَمَلَكٌ عَنْ خَلْفِهِ يُبَشِّرُونَهُ بِالْجَنَّةِ.

قَالَ رُوَيْمٌ رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ: مَعْنَى التَّوْبَةِ أَنْ تَتُوبَ مِنَ التَّوْبَةِ. قِيلَ: مَعْنَاهُ قَوْلُ رَابِعَةَ: أَسْتَغْفِرُ اللهُ مِنْ قَلْبِي صِدْقِي فِي قَوْلِي: أَسْتَغْفِرُ اللهُ.

قَالَ أَبُو الْحُسَيْنِ الثَّوْرِيُّ: التَّوْبَةُ أَنْ يَتُوبَ (٢) عَنْ كُلِّ شَيْءٍ سِوَى اللهِ. قَالَ ابْنُ عَطَاءٍ: التَّوْبَةُ تَوْبَتَانِ: تَوْبَةُ الْإِنَابَةِ وَتَوْبَةُ الْإِسْتِجَابَةِ، فَتَوْبَةُ الْإِنَابَةِ أَنْ يَتُوبَ الْعَبْدُ خَوْفاً مِنْ عِقَابِ رَبِّهِ وَتَوْبَةُ الْإِسْتِجَابَةِ أَنْ يَتُوبَ حَيَاءً مِنْ كَرَمِهِ. قَالَ بَعْضُهُمْ: تَوْبَةُ الْكُذَّابِينَ عَلَى أَطْرَافِ اللِّسَانِ - يَعْنِي قَوْلُ أَسْتَغْفِرُ اللهُ - .

وَمِنْهَا الْوَرَعُ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَوْ صَلَّيْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْحَنَائِبِ وَصُغْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْأُوتَارِ فَمَا يَنْفَعُكُمْ إِلَّا الْوَرَعُ (٣).

سُئِلَ (٤) الْخَوَاصُّ عَنِ الْوَرَعِ * ٦١٢ * فَقَالَ: الْوَرَعُ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ الْعَبْدُ إِلَّا بِالْحَقِّ غَضَباً أَوْ رِضاً.

قَالَ سُلَيْمَانُ الدَّارِمِيُّ رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ: الْوَرَعُ أَوَّلُ الزُّهْدِ كَمَا أَنَّ الْقَنَاعَةَ طَرْفٌ مِنَ الرِّضَى. قَالَ مَعْرُوفُ الْكَرْخِيُّ رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ: إِحْفَظْ لِسَانَكَ عَنِ الْمَدْحِ كَمَا تَحْفَظُهُ مِنَ الدَّمِّ. وَمِنْهَا الزُّهْدُ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الزَّاهِدُونَ فِي الدُّنْيَا الرَّاعِبُونَ فِي الْآخِرَةِ

(١) قرآن كريم سورة النور (٢٤) فسمتى از آيه ٣١.

(٢) تتوب أرجع است.

(٣) بحار الانوار ٧٤/٨٨ باب ٤.

(٤) سيل.

هُمُ الْآمِنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (١).

قال بعضهم: الزُّهْدُ فِي الْحَرَامِ وَاجِبٌ وَفِي الْحَلَالِ فَضِيلَةٌ.

قال أحمد بن حنبل: زُهِدُ الْعَوَامِ فِي الْحَرَامِ وَزُهِدُ الْخَوَاصِّ عَنْ تَرْكِ الْفُضُولِ مِنَ الْحَلَالِ وَزُهِدُ الْعَارِفِينَ تَرْكُ مَا يَشْغُلُ الْعَبْدَ عَنِ اللَّهِ.

وَمِنْهَا الصَّبْرُ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَاصْبِرُوا مَا صَبَّرَكُمُ اللَّهُ إِلَّا بِاللَّهِ﴾ (٢)، وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: اِنْتَظِرْ الْفَرَجَ مَعَ الْكَرْبِ عِبَادَةً (٣).

قال سهل: الصَّبْرُ اِنْتَظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ أَفْضَلُ الْخِدْمَةِ وَأَعْلَاهَا. قَالَ بَعْضُهُمْ: الصَّبْرُ أَنْ يَصْبِرَ فِي الصَّبْرِ أَيْ لَا يُطَالِعَ فِيهِ الْفَرَجَ.

وَمِنْهَا الْفَقْرُ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا﴾ (٤) الْآيَةَ، وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: فَضْلُ الْفُقَرَاءِ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ كَفَضْلِي عَلَى جَمِيعِ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى (٥).

* ٦١٣ * قَالَ النَّوْرِيُّ: السُّكُونُ عِنْدَ الْعَدَمِ وَالْبَذَلُ عِنْدَ الْوُجُودِ الْفَقْرِ.

وَمِنْهَا الشُّكْرُ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿لَنْ نَنْسِيَنَّكُمْ لَأُنزِدَنَّكُمْ﴾ (٦)، قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لِلطَّاعِمِ الشَّاكِرِ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ (٨) الصَّابِرِ (٩).

قال بعضهم: الشُّكْرُ هُوَ الْغَيْبَةُ عَنِ الشُّكْرِ بِرُؤْيَا الْمُنْعَمِ.

وَمِنْهَا الْخَوْفُ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا﴾ (١٠)، قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ

(١) المناقب ٤/١٤٨.

(٢) قرآن كريم سورة النحل (١٦) قسمتي از آيه ١٢٧.

(٣) بحار الانوار ٥٢/١٢٢٢ ح ٣.

(٤) قرآن كريم سورة بقره (٢) قسمتي از آيه ٢٧٣.

(٥) حديث راد ركتب حدیثی نیافتیم.

(٦) لیلین.

(٧) قرآن كريم سورة ابراهيم (١٤) قسمتي از آيه ٧.

(٨) للصائم.

(٩) بحار الانوار ٧١/٤١ ح ٣٤.

(١٠) قرآن كريم سورة سجده (٣٢) قسمتي از آيه ١٦.

عليه و سلم: مَنْ خَافَ اللهَ خَوْفَ اللهِ مِنْهُ كُلُّ شَيْءٍ، وَ مَنْ لَمْ يَخَفِ اللهُ خَوْفَهُ اللهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ (۱).

قال أبو عمرو و الدمشقي: الْخَائِفُ (۲) مَنْ يَخَافُ مِنْ نَفْسِهِ أَكْثَرَ مِمَّا يَخَافُ مِنَ الشَّيْطَانِ.
قيل: الْخَائِفُ الَّذِي لَا يَخَافُ غَيْرَ اللهِ.

وَمِنْهَا الرَّجَاءُ: قَالَ اللهُ تَعَالَى: ﴿مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللهِ لَآتٍ﴾ (۳)، قَالَ بَعْضُهُمْ: الرَّجَاءُ عَيْشُ الْقُلُوبِ وَ بَقَاؤُهَا بِلِقَاءِ الْمَحْبُوبِ.

وَمِنْهَا التَّوَكُّلُ: قَالَ اللهُ تَعَالَى: ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ (۴) قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ: لَا يَكْمُلُ لِلْعَبْدِ الْإِيمَانُ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ خَمْسُ خِصَالٍ: التَّوَكُّلُ عَلَى اللهِ وَ التَّقْوِيضُ إِلَى اللهِ وَ التَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللهِ وَ الرِّضَاءُ بِقَضَاءِ اللهِ وَ الصَّبْرُ عَلَى بَلَاءِ اللهِ (۵).

قَالَ سَهْلٌ رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ * ۶۱۴ * : أَوَّلُ مَقَامَاتِ التَّوَكُّلِ أَنْ يَكُونَ الْعَبْدُ بَيْنَ يَدَيْ اللهِ تَعَالَى كَالْمَيِّتِ بَيْنَ يَدَيْ الْغَاسِلِ يُقَلِّبُهُ كَيْفَ أَرَادَ وَ لَا يَكُونُ لَهُ حَرَكََةٌ وَ لَا تَدْبِيرٌ.
وَ قَالَ أَيْضًا: الْعِلْمُ كُلُّهُ بَابٌ مِنَ التَّعَبُّدِ وَ التَّعَبُّدُ كُلُّهُ بَابٌ مِنَ الْوَرَعِ وَ الْوَرَعُ كُلُّهُ بَابٌ مِنَ الزُّهْدِ وَ الزُّهْدُ كُلُّهُ بَابٌ مِنَ التَّوَكُّلِ

وَمِنْهَا الرِّضَاءُ: قَالَ اللهُ تَعَالَى: ﴿رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ﴾ (۶)، وَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ: إِذَا أَرَادَ اللهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَرْضَاهُ بِمَا قَسَمَ لَهُ وَ بَارَكَ لَهُ فِيهِ (۷).

قَالَ الْجَنَيْدُ رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ: الرِّضَا [ء] رَفْعُ الْإِخْتِيَارِ. وَ قَالَ رُوَيْمٌ: الرِّضَاءُ إِسْتِقْبَالُ الْأَحْكَامِ بِالْفَرَجِ. تَمَّتِ الْمَقَامَاتِ.

(۱) بحار الانوار ۶۹/۴۰۶ ح ۱۱۴.

(۲) الخائف و هكذا در مورد بعد.

(۳) قرآن کریم سوره عنکبوت (۲۹) قسمتی از آیه ۵.

(۴) قرآن کریم سوره طلاق (۶۵) قسمتی از آیه ۳.

(۵) بحار الانوار ۷۴/۱۷۹ باب ۷.

(۶) قرآن کریم سوره البینة (۹۸) قسمتی از آیه ۸.

(۷) تفسیر الثعالبی ۵/۱۷۹، کنز العمال ۳/۳۹۵ ح ۷۱۱۷.

فِي الْمَقَالَاتِ

قال الله تعالى: ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ﴾ (١)، وقال النبي صلى الله عليه وسلم: ذَكَرُ اللَّهِ تَعَالَى عِلْمُ الْإِيمَانِ وَبِرَاءَةٌ (٢) مِنَ النِّفَاقِ وَحِرْزٌ مِنَ النَّارِ (٣).

قال [النبي] عليه السلام: أَفْضَلُ الْكَلَامِ أَرْبَعَةٌ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ [و] اللَّهُ أَكْبَرُ.

و قال [النبي] عليه السلام: كَلِمَتَانِ حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ: * ٦١٥ * سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ [و] سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ (٤).

قال سهل بن (٥) عبدا لله التستري رحمه الله عليه: مَا مِنْ يَوْمٍ إِلَّا وَالْجَلِيلُ - جَلَّ جَلَالُهُ - يُنَادِي وَيَقُولُ: يَا عَبْدِي! مَا أَنْصَفَنِي، أَذْكُرْكَ وَتَنْسَانِي وَادْعُوكَ إِلَيَّ وَتَذْهَبُ إِلَيَّ غَيْرِي وَأَدْفَعُ عَنْكَ الْبَلَايَا وَأَنْتَ مُعْتَكِفٌ عَلَى الْخَطَايَا. يَا بَنَ آدَمَ! مَا تَقُولُ غَدًا إِذَا جِئْتَنِي (٦).

قال فضيل بن عياض رحمه الله عليه: إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا أَكْثَرَ هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَإِذَا أَبْغَضَ اللَّهُ عَبْدًا أَوْسَعَ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ.

قال الشيخ أبو علي الدقاق رحمه الله: الذُّكْرُ مَشْهُورُ الْوِلَايَةِ فَمَنْ وَفَّقَ لِلذُّكْرِ فَقَدْ أُعْطِيَ الْمَشْهُورَ وَمَنْ سَلِبَ عَنْهُ الذُّكْرَ فَقَدْ عُرِلَ.

قال فضيل بن عياض: بَلَّغْنِي أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى عَلَيَّ بَعْضَ أَنْبِيَائِهِ (٧): إِذَا عَصَانِي مَنْ عَرَفَنِي سَلَطْتُ عَلَيْهِ مَنْ لَا يَعْرِفُنِي.

قال ذو النون المصري رحمه الله: مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ ذِكْرًا عَلَى الْحَقِيقَةِ نَسِيَ فِي جَنْبِ ذِكْرِهِ ذِكْرَ

(١) قرآن كريم سورة بقره (٢) آيه ١٥٢.

(٢) براءة.

(٣) مستدرک ٥/٢٨٥ باب استحباب ذكر الله.

(٤) بحار الانوار ٩٠/١٧٥ باب ٢.

(٥) ابن.

(٦) جيتي.

(٧) أنبياءه.

كُلُّ شَيْءٍ (۱) وَ حَفِظَ اللهُ عَلَيْهِ كُلَّ شَيْءٍ وَ كَانَ هُوَ لَهُ عِوَضاً عَنْ كُلِّ شَيْءٍ .

قال شقيق بن إبراهيم البلخي رحمه الله عليه : سألت سبعمائة (۲) عالم عن خمسة أشياء فكلهم أجابوا بجواب واحد ، فقلت : من العاقل ؟ قالوا : من لم * ۶۱۶ * يحب الدنيا ، فقلت : من الكيس ؟ قالوا : من لم يغرر بالدنيا ، فقلت : من الغني ؟ قالوا : الذي رضى بما قسم الله تعالى ، فقلت : من الفقير ؟ قالوا [۱] : الذي قلبه مع طلب الزيادة ، فقلت : من البخيل ؟ قالوا : الذي يمنع حق الله في ماله .

قال السري (۳) رحمه الله عليه : من ظن أنه خير من غيره فقد تكبر .

قال يحيى بن معاذ رحمه الله عليه : عيش القلوب اليقين و ظلمتها التدبير .

قال بعضهم : من مات بدنه في الخشية أحس الله قلبه بالحكم و من حيا بدنه في الشهوة أمت الله قلبه بالغلظة .

قال يحيى بن معاذ رحمه الله عليه : إلهي ! إن الكريم يغفو عن ظلمه كراماً فكيف و من لم يظلمك و إنما ظلم نفسه ؟ و أنت أكرم الأكرمين . إلهي ! ألزمتني طاعة لا حاجة لك إليها ولا تمنعني مغفرة لا غناء لي عنها !؟ ثقت المقالات

الآداب الشريفة والأخلاق المباركة المزوية المضطوية (۴)

صلوات الله و سلامه و تحياته على من صدرت عنه دائماً كثيراً أبداً (۵)

* ۶۱۷ * عن أبي الدرداء قال : خرج رسول الله صلى الله عليه و سلم ذات يوم على أصحابه فقام فيهم خطيباً فقال : إن الله تعالى أمرني أن أودبكم و أعلمكم مئماً علمني الله تعالى (۶) فإني لكم مثل الوالد على ولده ، ألا لايزكبن أحدكم البحر عند ارتجاجه (۷) .

(۱) شى وهكذا موارد بعد .

(۲) سبع مائة .

(۳) منظور سري سقطى است .

(۴) المضطوية .

(۵) لزاينجا به بعد چهار صفحه آداب و اخلاق روایت شده از پیامبر گرامی اسلام (ص) را با خطی بسیار ریز و ناخوانا هیراز

خط قبلى آورده است .

(۶) تا اینجا در جامع الصغير ۱/ ۲۵۸ و کنز العمال ۱۵/ ۴۱۵ ح ۴۱۶۳۸ نقل شده است .

ولا يدعن أحدكم النظر في العاء فإن منه ذهاب العقل، ولا يكثرن أحدكم النظر في وجه الميِّت فإن منه تكون الصغرة، ولا يكثرن أحدكم الكلام عند الجماع فإن فعل خرج الولد أحرس فلا يلو من إلا نفسه، ولا ينظرن إلى فرج امرأته إذا جمعتها فإن منه يكون العصى، وإذا أردتم أن تجامعوا فاقرأوا^(٨) قبل ذلك: قل هو الله أحد ثلاث مرات، فإن قدر بينهما ولد كان قبيهاً.

وقولوا: اللهم إني أسألك^(٩) أن ترزقني من هذه الوقعة ولداً أسميه^(١٠) محمداً، يرزقكم الله ذكراً إن شاء الله، ثم خذوا شأنكم وشأنهن.

ولا تبيتوا على سطح ليس بمخوط ولا تبيتوا في بيت ليس عليه باب ولا تبيتوا مندبل الغمر معكم في بيوتكم، فإن الشيطان يمشي عليه، ولا تشربوا من ثلثة الإناء فإنها مجتمع الوسخ ولا تشربوا بحيال عروة الإناء فإنه مقعد الشيطان ولا تأكلوا اللحم إلا هريماً^(١١) و خمر وإيناءكم^(١٢) وأكفئوا^(١٣) سقيتكم وأطفئوا^(١٤) سراجكم فإن الغويسقة تضرم على أهل البيت وأطفئوا الجمر باللئيل فإن على الجمر شيطاناً مؤكلاً يريد الحرق، أجبفوا أبوابكم باللئيل وأزخوا ستوركم.

وإذا دخلتم بيوتكم فسلموا على أهل بيتكم يزد في بركاتكم، وإذا خرجتم فقولوا: «بسم الله، توكلت على الله لا حول ولا قوة إلا بالله» فإن على كل باب من أبواب بيوتكم شيطاناً وملكاً قائماً^(١٥) إذا قال أحدكم: «بسم الله» قال الملك: هدئت، وإذا قال [أحدكم]: «توكلت على الله» قال الملك: كفيت، وإذا قال [أحدكم]: «لا حول ولا قوة إلا بالله» قال

(٧) ر.ك: كشف الغطاء، ٢/٤٠٨.

(٨) فاقرأوا.

(٩) أسئلك.

(١٠) أسميه.

(١١) هريماً.

(١٢) إناكم.

(١٣) اكفئوا.

(١٤) أطفئوا وأيضاً مورد بعد.

(١٥) قائماً.

الْمَلَكُ: وَقِيَتْ.

وَإِذَا سَافَرْتُمْ فَسَافِرُوا فِي يَوْمِ الْإِثْنَيْنِ وَلَا تَغْرِسُوا الْقَلَابَا الَّتِي عَلَى ظَهْرِ الدَّوَابِّ فَإِنَّهَا مَأْوَى (١) الشَّيْطَانِ. وَإِذَا عَطَشْتُمْ فِي السَّفَرِ فَأَقْرُوا وَسُورَةَ «الْمَنْ نَشْرَحُ» يُرْوِكُمْ اللَّهُ تَعَالَى، وَ إِذَا سَمِعْتُمْ نَبَاحَ الْكَلْبِ وَ نَهَيْقَ الْحِمَارِ فَاسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، فَإِنَّهُمَا يُرِيَانِ شَيْطَانًا (٢).

وَإِذَا أُغْبِي أَحَدُكُمْ فَلْيَهْزُلْ؛ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْعِيَا بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (٣).

وَإِذَا غَرَسْتُمْ فَلَا تَغْرِسُوا عَلَى الطَّرِيقِ فَإِنَّهَا مَنَّبَتُ الْجِنِّ وَ مَأْوَى الْحَيَّاتِ، وَ إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ مَعَ الضَّيْفِ فَلْيَلْقَمَهُ بِيَدِهِ، فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَتَبَ لَهُ بِكُلِّ لُقْمَةٍ عَمَلُ سِتِّينَ سَنَةٍ صِيَامٍ نَهَارَهَا وَ قِيَامَ لَيْلِهَا.

وَإِذَا دَخَلْتُمْ بَيْتَ أَخِيكُمْ الْمُسْلِمِ فَلَا تَجْلِسُوا إِلَّا حَيْثُ يَأْمُرُكُمْ وَ حَثُوا عَلَى الْوُضُوءِ قَبْلَ الطَّعَامِ، فَإِنَّ الْوُضُوءَ قَبْلَ الطَّعَامِ يَدْخُلُ الْبَرَكَةَ وَ الْوُضُوءَ بَعْدَ الطَّعَامِ يَذْهَبُ بِالْفَقْرِ، وَ إِذَا تَوَضَّأْتُمْ (٤) وَ قُرَّبَ إِلَيْكُمْ الطَّعَامُ فَلْيَبْدَأُوا بِالطَّعَامِ الْأَكْبَرِ فِي السَّنِّ أَوْ فِي الْعِلْمِ فَإِنَّهُ مِنْ سُنَّتِي، وَ إِذَا بَدَأْتُمْ (٥) بِالْأَكْلِ فَقُولُوا: «بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَ أَوْزُقْنَا خَيْرًا مِنْهُ» إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَبَنًا فَقُولُوا: «اللَّهُمَّ زِدْنَا مِنْهُ وَ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَ إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ».

وَ كُلُّوا بِثَلَاثِ أَصَابِعٍ وَ لَا تَمْسَحُوا أَصَابِعَكُمْ بِالْمُنْدِيلِ حَتَّى تَلْعَقُوهَا كُلَّمَا دَفَعْتُمْ * ٦١٨ *
اللُّقْمَةَ فَإِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ (٦) فِي سَبْعِ سَمَوَاتِهِ وَ حَمَلَةَ عَرْشِهِ يُصَلُّونَ عَلَى الَّذِينَ يَلْعَقُونَ أَصَابِعَهُمْ عِنْدَ كُلِّ لُقْمَةٍ وَ لَا تُضَيِّعُوا مِنَ الطَّعَامِ شَيْئًا (٧) مِمَّا قُرَّبَ إِلَيْكُمْ وَ لَا تَتَاوَلُوا مِنْهُ شَيْئًا (٨)

(١) ماوى .

(٢) وسائل الشيعة ٥/٣١٨ باب ١٠ .

(٣) كنز العمال ٦/٧١٥ ح ١٧٥٤١، مشابه أن در الكامل ٣/٣٤١، ميزان الاعتدال ٢/١٩٢، مكارم الاخلاق ص ٢٦٦ منقول است .

(٤) توضحاتم .

(٥) بداتم .

(٦) ملايكته .

(٧) شيا .

(٨) شيا و هكذا موارد ديگر .

إِلَّا بِإِذْنِ صَاحِبِ الْبَيْتِ، فَإِنْ سَقَطَ مِنْ أَيْدِيكُمْ شَيْءٌ فَأَبْدُوا بِهِ وَكُلُّوهُ وَلَا تَدْعُوهُ يَفْسُدُ، فَإِنَّمَا قُرْبَ إِلَيْكُمْ لِتَأْكُلُوهُ وَلَا تُفْسِدُوهُ، وَلَا تَخْتُوا عَلَى الْأَكْلِ أَحَدًا وَلَا يَطْلُبَنَّ أَحَدُكُمْ شَيْئًا إِلَّا الْمَاءَ الْمَلْحَ، وَلَا تُغَيِّرُوا عَلَى أَحَدٍ شَيْئًا مِمَّا فِي بَيْتِهِ إِلَّا مَا حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَسُولُهُ عَلَيْهِ، وَلَا تَعْقُدُوا عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ بَعْدَهَا الشَّرَابُ الْمُسَكَّرُ، فَإِنَّ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ نَهَانِي عَنْهَا كَمَا نَهَانِي عَنِ الْخَمْرِ فَافْتَحُوا طَعَامَكُمْ بِالْمَلْحِ وَاخْتِمُوهُ بِالْمَلْحِ، فَإِنَّ فِيهِ سَبْعِينَ دَوَاءً، وَهُوَ سُنَّتِي وَسُنَّةُ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

وَكُلُّوا مِمَّا يَسْقُطُ مِنَ الْأَيْدِي فَإِنَّ ذَلِكَ مُهُورُ الْحُورِ الْعِينِ وَمَنْ أَكَلَهُ صُرِفَ عَنْهُ الْجُنُونُ وَالْجَذَامُ وَعَنْ وُلْدِهِ وَوَلَدِ وُلْدِهِ، وَإِذَا فَرَعْتُمْ فَلَاتَقُومُوا وَلَا تَتَنَحَّوْا حَتَّى يُزْفَعَ الْمَائِدَةُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيكُمْ فَإِنَّهُ مِنْ سُنَّتِي، وَاغْسِلُوا الْقِضْعَةَ وَاشْرِبُوهُ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ كَعِثْقِي أَرْبَعِينَ رَقِيبَةً مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ عَلَيْهِ [السَّلَامُ]، وَإِذَا فَرَعْتُمْ وَرَفَعْتِ الْمَائِدَةَ^(١) فَاغْسِلُوا أَيْدِيكُمْ وَادْعُوا بِالْبَرَكَةِ لِرَبِّ الْبَيْتِ وَاسْتَأْذِنُوهُ بِالْخُرُوجِ فَإِنَّهُ مِنْ سُنَّتِي، وَمَنْ رَغِبَ عَنِ سُنَّتِي طَالَ حَزْنُهُ. وَلَا يَوَاقِعَنَّ أَحَدُكُمْ أَهْلَهُ فِي الدَّمِ، فَمَنْ فَعَلَ مِنْكُمْ فَخَرَجَ وَوَلَدُهُ مَحْذُومًا فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ.

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

وَإِذَا دَخَلْتُمْ إِلَى الْخَلَاءِ فَقُولُوا: «بِسْمِ اللَّهِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخَبَائِثِ»^(٢) وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْخُبْثِ الْمُخْبِثِ الرَّجْسِ النَّجِسِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، فَإِنَّهُ مَا وَاهُمْ، وَإِذَا جَلَسْتُمْ عَلَى خَلَائِكُمْ^(٣) فَشَمِّرُوا [إِيَّايَكُمْ]، وَلَا تَسْتَقْبِلُوا الْقِبْلَةَ وَلَا تَسْتَدْبِرُوهَا وَلَكِنْ أَجْلِسُوهَا مُسْتَعْرِضًا وَمِيلُوا عَلَى شِقِّكُمْ الْأَيْسَرِ وَانصِبُوا أَقْدَامَكُمْ الْيُمْنَى وَلَا تَنْظُرُوا إِلَى مَا يَخْرُجُ مِنْكُمْ مِنْ أَدَى وَلَا تَنْظُرُوا إِلَى فُرُوجِكُمْ وَلَا تَقُومُوا بِكُمْ بَعْضُ قَضَاءِ الْحَاجَةِ وَلَا تَمْتَخِطُوا عَلَى الْبَوْلِ فَإِنْ فَعَلْتُمْ وَأَنْهَذَا أَنْوَفُكُمْ الدَّوْدُ فَلَا تَلُومُوا إِلَّا أَنْفُسَكُمْ، وَلَا تَبْرُقُوا عَلَى الْبَوْلِ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْجُنُونَ، وَلَا تَتَكَلَّمُوا عَلَى الْبَوْلِ وَالْفَائِطِ^(٤) فَإِنَّ مِنْهُ الْوَسْوَاسَ، وَلَا تَطِيلُوا الْجُلُوسَ فَإِنَّ مِنْهُ

(١) المائدة .

(٢) الخبايث .

(٣) خلايكم .

(٤) الفايط .

البواسير.

ولا تخللوا بالقصب فإن فعلتُم فأصاب أسنانكم الدود فلا تلوُموا إلا أنفسكم، وإذا قمتُم من الخلاء فقولوا: «الحمد لله أطعمنا طيباً وأخرج منا قدرًا تينا من غير أذي ولا نصيب»، وإذا استنجى أحدكم فليستنج بثلاثة أحجارٍ أو بثلاثِ مدراتٍ، وإياكم أن تستنجوا بنقرةٍ أو روثه أو عظم أو خرفٍ، واعلموا أن أصل الوضوء [ء] التخفيف من البول والغائط.

واعلموا أن إسباغ الوضوء تمام الوضوء، واعلموا أن خيار أمتي الذين يتوضؤون بالماء اليسير، واعلموا أن الوضوء يؤزن وزناً، فما كان منه بتقدير فإنه يُرفع ويختم ويوضع تحت العرش، فلا تكسر إلى يوم القيامة، وما كان منه إسراف لم يرفع، وشرار أمتي الذين يسرفون في الوضوء بالماء. توضؤوا بمكوكٍ من الماء واغتسلوا من الجنابة بأربع مكاكٍ، وإذا أردتم الوضوء فصبوا الماء على أيمنكم وأفيضوا الماء على يساركم واغسلوا أيديكم ثلاث مراتٍ.

* ٦١٩ * وقولوا: «بسم الله العظيم والحمد لله على الإسلام» ثم خذوا في الاستنجاء^(١) فاغسلوا رأس الذكر واغسلوا أذباركم فإذا استنجيتُم فقوموا واشتروا عوراتكم واستحيوا من الذين لا تروئهم وهم يرونكم وقولوا: اللهم اجعلنا من التوابين واجعلنا من المتطهرين»، ثم اغسلوا أيديكم ثلاثاً وتمضمضوا ثلاثاً واستنشقوا ثلاثاً، ثم اغسلوا وجوهكم ثلاثاً واغسلوا ذراعَيْكم ثلاثاً وامسحوا برؤوسكم وامسحوا آذانكم ظاهرها وباطنها واغسلوا أصابع رجليكم.

وإذا فرغتُم من الوضوء فقولوا: «سبحانك اللهم وبحمدك اللهم إني أشهد أن لا إله إلا أنت وحده لا شريك لك، أستغفرك وأسألك^(٢) التوبة، اللهم اجعلني من التوابين واجعلني من المطهرين واجعلني من الفائزين^(٣) واجعلني صبوراً شكوراً واجعلني أذكرك ذكراً كثيراً

(١) نزيديك بدین مضمون در کتبخانه اعمال ٢٦٥/٩ ح ٢٦٩٩٠ منقول است.

(٢) اسبیلک.

(٣) الفایزین.

وَأَسْبِحْكَ بُكْرَةً وَأَصِيلاً.

فَإِذَا أَوَيْتُمْ إِلَى فِرَاشِكُمْ فَأَوْوَا وَأَنْتُمْ طَاهِرُونَ وَانْفَضُّوا فُرُشَكُمْ فَإِنَّكُمْ لَا تَدْرُونَ مَا حَدَّثَ عَلَيْهَا بَعْدَكُمْ وَأَدْخِلُوا مَعَكُمْ خِرْقَةً فِي فُرُشِكُمْ، فَإِذَا جَامَعْتُمْ فَتَمَسَّحُوا بِهَا ثُمَّ قَوْمُوا وَتَوَضَّؤُوا وَلَا تَبِيَّتُوا إِلَّا طَاهِرِينَ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ سُنَّتِي، وَمَنْ بَاتَ طَاهِراً بَاتَ عَابِداً فَإِنَّ أَرْوَاحَ الْمُسْلِمِينَ تَعْرُجُ إِلَى السَّمَاءِ إِذَا نَامُوا [١]، فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ طَاهِراً أُذِنَ لَهُ بِالسُّجُودِ وَمَنْ كَانَ غَيْرَ طَاهِراً لَمْ يُؤْذَنَ لَهُ بِالسُّجُودِ، وَمَنْ بَاتَ طَاهِراً فَمَاتَ مَاتَ شَهِيداً، فَإِذَا نَفْتُمْ فَاضْطَجِعُوا عَلَى الْيَمِينِ وَقُولُوا: «بِسْمِ اللَّهِ بِاسْمِكَ وَضَعْتُ جَنْبِي وَبِاسْمِكَ أَرْفَعُهُ، اللَّهُمَّ إِنْ أَمْسَكَتْ نَفْسِي فَاعْفِرْ لَهَا وَاحْفَظْهَا وَإِنْ أَرْسَلْتَهَا فَاجْعَلْهَا مَعَ أَرْوَاحِ الصَّالِحِينَ.

و إِذَا انْتَبَهْتُمْ مِنَ النَّوْمِ فَقُولُوا: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»، فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ يَقُولُ ذَلِكَ حِينَ يَتَعَارَى مِنَ اللَّيْلِ إِلَّا غُفِرَ لَهُ وَ يَنْسَلِخُ مِنْ ذُنُوبِهِ كَمَا يَنْسَلِخُ الْحَيَّةُ مِنْ جِلْدِهَا، ثُمَّ قُولُوا: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانَا فِي أَجْسَامِنَا وَرَدَّ إِلَيْنَا أَرْوَاحَنَا، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، وَافْتَسِحُوا لِيَلِكُمْ بِقُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ.

و إِذَا انْتَبَهْتُمْ مِنَ النَّوْمِ فَقُولُوا: «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ أَنْ أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ»، وَ قُولُوا: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَشْرِكَ بِكَ وَ أَنَا أَعْلَمُ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لَا أَعْلَمُ.

وَاعْلَمُوا أَنَّ ثَمَنَ الْكَلْبِ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ وَلَا تَمَحُّوا اسْمَ اللَّهِ تَعَالَى بِالْبُصَاقِ وَلَا تُجَامِعُوا أَهْلِيكُمْ بَيْنَ يَدَيْ صَبِيٍّ وَلَا بَيْهِيمٍ فَإِنَّهُ حَرَامٌ.

وَلَا تَحْتَجِمُوا^(١) يَوْمَ السَّبْتِ وَالْأَرْبَعَاءِ فَمَنْ اخْتَجَمَ فَأَصَابَهُ وَضَحٌ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ وَلَا تَقْضُوا حَاجَتَكُمْ فِي ضَيْقَةِ نَهْرٍ جَارٍ وَلَا تُصَلُّوا فِي الْمَقْبَرَةِ وَلَا تَعْتَابُوا أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا تَبُولُوا قِيَاماً وَإِيَّاكُمْ وَالنَّمِيمَةَ وَاطْلُبُوا الْحَاجَةَ إِلَى الرَّحْمَاءِ مِنْ أُمَّتِي وَلَا تَطْلُبُوا الْحَاجَةَ إِلَى الْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَاضْمِنُوا إِلَيَّ سِتّاً أضمنُ لَكُمْ الْجَنَّةَ: إِذَا حَدَّثْتُمْ فَلَا تَكْذِبُوا، وَإِذَا أُؤْتِمِنْتُمْ فَلَا تَخُونُوا، وَإِذَا وَعَدْتُمْ * ٦٢٠ * فَلَا تَخْلِفُوا، غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَاحْفَظُوا فُرُوجَكُمْ وَكَفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَاعْمَلُوا لِلَّهِ.

(١) در متن: تجتموا.

وَاعْلَمُوا أَنَّ الْكُفْرَ كُفْرَانٍ: كُفْرٌ بِاللَّهِ تَعَالَى وَكُفْرٌ بِالنَّبِيِّينَ، وَالنَّفَاقُ نِفَاقَانٍ: نِفَاقٌ بِالتَّكْذِيبِ وَنِفَاقٌ بِالْعَمَلِ، وَالْعِلْمُ عِلْمَانٍ: عِلْمٌ بِاللُّسَانِ وَلَيْسَ لَهُ تَحْقِيقٌ عَلَى الْقَلْبِ فَذَلِكَ الْعِلْمُ الضَّارُّ وَ الْعِلْمُ بِالْقَلْبِ فَذَلِكَ الْعِلْمُ النَّافِعُ، وَالْخُشُوعُ خُشُوعَانٍ: خُشُوعٌ يَخْشَعُ بِهِ الْجَسَدُ وَلَا يَخْشَعُ بِهِ الْقَلْبُ فَذَلِكَ خُشُوعُ النَّفَاقِ وَخُشُوعٌ يَخْشَعُ بِهِ الْقَلْبُ وَ الْجَسَدُ فَذَلِكَ خُشُوعُ الْإِيمَانِ، وَالْجَفَاءُ جَفَاءَانٍ: جَفَاءٌ فِي الدِّينِ وَجَفَاءٌ عَلَى الْإِخْوَانِ فِي اللَّهِ، وَالْمَرَضُ مَرَضَانٍ: مَرَضٌ شَكٌّ وَرَيْبَةٌ وَ مَرَضٌ رِيَاءٌ، وَالسُّنَّةُ سُنَّتَانٍ: سُنَّةٌ فِي فَرِيضَةٍ الْأَخْذُ بِهَا فَضِيلَةٌ وَهُدًى وَ تَرْكُهَا ضَلَالَةٌ وَ هِيَ حُدُودُ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصِّيَامِ وَالْحَجِّ وَالْإِغْتِسَالِ مِنَ الْجَنَابَةِ، وَ سُنَّةٌ لَيْسَتْ بِفَرِيضَةٍ الْأَخْذُ بِهَا فَضِيلَةٌ وَهُدًى وَ تَرْكُهَا إِلَى غَيْرِهَا حَاطِيئَةٌ (۱) (۲)

وَ هِيَ السُّوَاكُ وَقَصُّ الشَّارِبِ وَالْمَضْمَضَةُ وَالِاسْتِنْشَاقُ وَالِاسْتِنْجَاءُ وَفَرْقُ الشَّعْرِ وَتَنْفُ الْإِطْبِ وَ حَلْقُ الْعَانَةِ وَالِاسْتِحْدَادُ، وَالصَّبْرُ صَبْرَانٍ: صَبْرٌ عِنْدَمَا حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى وَ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَالذِّكْرُ ذِكْرَانٍ: ذِكْرٌ بِالتَّسْبِيحِ وَالتَّهْلِيلِ بِاللُّسَانِ وَ ذِكْرٌ عِنْدَمَا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ فَذَلِكَ الْوَرَعُ بِعَيْنِهِ.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

تَمَّتِ الْآدَابُ بِعَوْنِ الْمَلِكِ الْوَهَّابِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى تَوْفِيقِهِ وَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَى قَائِلِهَا (۳).

خُتِمَ الْكَلَامُ بِهَا لِيَكُونَ خِتَامُهُ مِسْكَاً، الْعَبْدُ الضَّعِيفُ النَّحِيفُ الْعَقِيرُ الْحَقِيرُ حَسَنُ شَاهِ الْإِنْجِيِّ غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَ سَتَرَ عُيُوبَهُ فِي شَهْرِ سُؤَالِ خُتِمِ الْخَيْرِ وَالْإِقْبَالِ سَنَةِ إِثْنَتَيْنِ (۴) وَ ثَمَانِينَ وَ سَبْعِمِائَةِ الْهَجْرِيَّةِ الْمُصْطَفَوِيَّةِ حَامِداً مُصْلِياً مُسْلِماً مُسْتَغْفِراً (۵).

(۱) خطیہ.

(۲) بحار الانوار ۲/۲۶۴ باب ۳۲.

(۳) قائلہا.

(۴) اثنی.

(۵) از صفحہ ۶۰۴ تا ۶۲۰ بہ خط حسن شاہ الایجی است در قسمت اول مقالات را آورده و قسمت دوم در مورد آداب شریف و اخلاق مبارک مروی از پیامبر اسلام ص است با خطی ریز تردد نهرست آقای تیموری فقط از ۶۱۷ تا ۶۲۰ بہ امین کاتب نسبت داده شدہ است، و از ۶۰۴ تا ۶۱۶ بدون نام کاتب ذکر گردیدہ است.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

* ٦٢١ * مِمَّا سَطَّرَهُ الصَّاحِبُ الْأَعْظَمُ بَقِيَّةَ أَكْبَرِ الْأُمَمِ
مولانا علاء [ع] الملة والدين جمال الملك ابن الصاحب الأعظم
السعيد خواجه عميد الملك عظيم قدره ورحم أبوه وجده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى نَوَالِهِ
وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِهِ وَخَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ
وَسَلَّمَ وَآلِهِ وَبَعْدُ فَتَذَكَّرْتُ بِمَنْ مَنَى بِأَيْدِيهِ هَذِهِ
الْأَسْطُرَةَ صَاحِبِ الْكُتُبِ الْعَاصِمِ الْأَعْظَمِ الْأَفْضَلِ
الْأَعْلَمِ جَامِعِ الْكَمَالِ بِمَجْمَعِ السَّعَادَاتِ رُضْوَتِ
الْأَفْعَالِ مَجْمُوعِ الْخِصَالِ الْمُسْتَقْبَلِ مِنَ الْأَلْقَابِ جِزْءِ الدُّرَّةِ
وَالرُّبِيِّ لِقَدْرِهِ الْعَدْلِ بِمَوَاقِفِهِ وَأَعْزَلِهِ لِنُضَارِ دَوْلَتِهِ
فَأَبْتُهُ أَنْ ذَكَرَهُ لَهُ وَأَوَّلُ مَا ابْتَدَى بِهِ وَصِيَّةَ جَامِعَةٍ
يَنْسَبُ إِلَيْهَا أَدْرِيادُ مِنْ حِكْمَةِ الْفَرَسِ
كُنْ مَعَ اللَّهِ كَيْفَ يَكُنْ مَعَكَ وَارْضُ بِقَضَائِهِ بِرِضْوَانِكَ
وَحَاسِبِ نَفْسَكَ بِخَفِّ حَسَابِكَ وَاجْعَلْ
نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا نَصَبَ عَيْنِكَ لِلْفَرَارِ كِ
وَاحْفَظِ النَّامُوسَ بِمَحْفَظِكَ وَاعْتَرِ أَمْرًا اللَّهُ
بِعِزَّتِكَ اللَّهُ وَلَا تَضْمِغْ عَمْرَكَ فَنَ تَجِدَ لَهُ عَرَضًا
وَاقْسِمْ عَلَى أَرْبَعِ سَاعَاتٍ سَاعَةٌ لَوْ ظَلَمْتَ

الحمدُ لله على نواله، والصلاة والسلام على رسوله و خير خلقه محمدٍ صلى الله عليه وآله وسلم (٢)، وبعدُ فقد التمس مني بإثبات هذه الأسطر صاحب الكتاب، الصاحب الأعظم الأفضل الأعلَمُ جامع الكمالات، مَجْمَع السعادات، مرضي الأفعال، محبوب الخصال، المستغني عن الألقاب، تاج الدولة والدين، أحمد - أحمد الله عواقبه وأعز الله أنصار دولته -، فأثبتها تذكيراً له.

و أول ما أبتدي (٣) به وصية جامعة يُنسب إلى آذرباد من حُكَماء [ء] الفرس: كُنْ مَعَ اللَّهِ يَكُنْ مَعَكَ، وَ اَرْضْ بِقَضَائِهِ (٤) يَرْضَ عَنْكَ، وَ حَاسِبْ نَفْسَكَ يَخَفْ حِسَابَكَ، وَ اجْعَلْ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا نَصَبَ عَيْنَيْكَ لَا تَفْرُزْكَ، وَ احْفَظْ النَّامُوسَ يَحْفَظْكَ، وَ اعِزْ أَمْرَ اللَّهِ يَعِزْكَ اللَّهُ، وَ لَا تُضَيِّعْ عُفْرَكَ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ عَوْضًا، وَأَقْسِمُ عَلَى أَرْبَعِ سَاعَاتٍ: سَاعَةٍ لِوِظَائِفِ (٥) *٦٢٣* عِلْمِيَّةٍ وَ عَمَلِيَّةٍ وَ اعْلَمْ أَنَّ قَلِيلاً مَدُوماً عَلَيْهِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ مَعْلُولٍ مِنْهُ، وَ سَاعَةٍ لِتَذْيِيرِ مَعَاشِكَ وَ احْفَظْ فِيهِ الْعَدْلَ وَ الْمُرُوَّةَ وَ الْاِقْتِصَادَ، وَ سَاعَةٍ لِلتَّوَدُّدِ وَ اجْتِنِبْ فِيهِ النَّفَاقَ وَ اتَّقِ قُرْنَا [ء] السُّوءِ، وَ تَقِ بِالنَّاسِ رُويداً، وَ سَاعَةٍ لِلذِّتِّ وَ دَعَتِكَ فَالْتَزِمْ فِيهِ السُّنَّةَ (٦)، وَ اِنْ اِبْتَلَيْتَ بِمَعْصِيَةٍ فَاسْتُرْهَا وَ لَا تَتَجَاوَزَنَّ إِلَى ظَلْمِ غَيْرِكَ، ثُمَّ عَاشِرِ الْخَاصَّةِ بِالْاِبْسَاطِ وَ الْخِدْمَةِ وَ التَّوَاضُعِ وَ الْاِثَارِ، وَ الْعَامَّةِ بِالْاِنْقِبَاضِ وَ التَّحَمُّلِ وَ الصُّنْتِ وَ الْعَادَاتِ، وَ الْأَصْحَابِ بِالْحِلْمِ وَ الشَّفَقَةِ وَ التَّوَاسُةِ وَ الْمُسَامَحَةِ، وَ الْعَدُوِّ بِالْيَقَظَةِ وَ الْاِجْتِنَابِ وَ الْاِسْتِقَامَةِ وَ الْفَضْلِ،

(١) كلمة أبوه مسطر آخر از عنوان صفحه پيشين در اصل: آباء.

(٢) صلى الله عليه وسلم وآله در متن.

(٣) ابتدى.

(٤) بقضايه.

(٥) وظايف.

(٦) در متن: الستة.

وَالْكُلُّ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَالْمَدَارَةِ وَالْبَشَاشَةِ، وَمَنْ فَوْقَكَ بِالتَّعْظِيمِ وَالِإِسْتِثَالِ وَالْكِتْمَانِ
وَالشُّكْرِ، وَمَنْ دُونَكَ بِالْخُبْرَةِ وَالزَّفْدِ وَالتَّقْوِيمِ وَالْعَفْوِ * ٦٢٤ *، وَفَوْضِ الْعَمَلَ إِلَى الْكِفَاةِ
لِقَضَاءِ الْحَقُوقِ بِيُوتِ الْأَمْوَالِ وَاجْتَنِبْ فِي كَلَامِكَ الْكِذْبَ وَالتَّمِيمَةَ فِي (١) الْغَيْبَةِ وَالْبَدَا
وَلْيَتَرَجَّحْ يَوْمَكَ عَلَى أَمْسِكَ وَبِاطْنِكَ عَلَى ظَاهِرِكَ وَفِعْلُكَ عَلَى قَوْلِكَ، وَاسْتَشْعِرِ الْجَدَّ
وَالْحَزْمَ وَالصَّبْرَ وَالْكِتْمَانَ، ثُمَّ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ، وَاعْلَمْ أَنَّ الْخَيْرَ كُلَّهُ بِيَدَيْهِ وَكُنْ كَثِيرَ الدُّعَاءِ فِي
أَمْرِ آخِرَتِكَ إِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ.

قال الحسن: الدنيا يُطَلَّبُ لِثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ: لِلغِنَى وَالْعِزِّ وَالرَّاحَةِ، فَمَنْ زَهَدَ فِيهَا عَزَّ، وَمَنْ
فَنَعَ اسْتغْنَى، وَمَنْ قَلَّ سَعِيهِ اسْتَرَاحَ.

وَقَالَ: يَا ابْنَ آدَمَ! كُنْ لِيَوْمِكَ وَلَا تَكُنْ لِعَدِكَ، فَإِنْ يَكُنْ لَكَ غَدٌ اِكْتَسَبْتَ فِي غَدِكَ كَمَا
اِكْتَسَبْتَ فِي يَوْمِكَ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَكَ غَدٌ لَمْ تَتَدَمَّ عَلَى مَا فَرَطْتَ فِي يَوْمِكَ.

وَقَالَ الْحَبَّاجُ: إِنَّ امْرَأً ذَهَبَتْ سَاعَةٌ مِنْ عُمْرِهِ فِي غَيْرِ مَا خُلِقَ لَهُ لَجَدِيدٍ أَنْ تَطُولَ
* ٦٢٥ * حَسْرَتُهُ. فَبَلَغَ الْحُسَيْنَ فَقَالَ: كَلِمَةٌ حِكْمَةٌ خَرَجَتْ مِنْ غَيْرِ مَنْبِعِهَا.

وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: إِيَّاكُمْ وَخِدْمَةَ الْمُلُوكِ فَإِنَّهُمْ يَسْتَعْظِمُونَ فِي الثَّوَابِ رَدَّ الْجَوَابِ وَ
يَسْتَحْقِرُونَ فِي الْعِقَابِ ضَرْبَ الرِّقَابِ.

وَقَالَ ابْنُ الرُّومِيِّ:

يَا مَنْ يَرَى خِدْمَةَ السُّلْطَانِ فَائِدَةً (٢)
لَا تَخْدَعَنَّ فَعَقْبِي أَمْرِكَ التَّدَمُّ
وَالنَّفْسُ خَائِفَةٌ (٣) وَالذِّهْنُ مُنْتَلِمٌ
وَالصَّيْلُ الْأَدَانُ زَلَّتْ بِسِنَا الْقَدَمِ
هَذَا إِذَا أَشْرَقَتْ أَيَّامُ دَوْلَتِنَا

قِيلَ: وَقَفَ بِهَلُولِ الْمَجْتُونِ عَلَى طَرِيقِ يَمْرُ فِيهِ الرَّشِيدُ فَقَالَ: يَا هَارُونَ! يَا هَارُونَ! وَكَانَ
هَارُونَ وَرَاءَ السُّتُورِ، فَقَالَ: مَنْ ذَا الَّذِي يُنَادِينِي؟ قِيلَ: بِهَلُولِ، فَرَفَعَ السُّتْرَ وَقَالَ [هَارُونَ]:

(١) و.

(٢) فائدة.

(٣) خائفة.

أَتَغْرِفُنِي؟ قَالَ: بَلَى، قَالَ: مَنْ أَنَا؟ قَالَ: أَنْتَ الَّذِي لَوْ ظَلَمَ وَاحِدٌ بِالْمَشْرِقِ وَأَنْتَ بِالْمَغْرِبِ لَيَسْأَلُكَ اللَّهُ عَنْ ذَلِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَبَكَى هَارُونُ وَقَالَ: كَيْفَ تَرَى * ٦٢٦ * حَالِي؟ قَالَ: أَغْرَضَ نَفْسَكَ عَلَى آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ: ﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ﴾ (١)، قَالَ: أَيْنَ أَعْمَالُنَا؟ قَالَ: ﴿يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾ (٢) قَالَ: أَيْنَ قَرَأْتُنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ قَالَ: ﴿فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ (٣) وَلَا يَتَسَاءَلُونَ (٤)﴾ (٥)، قَالَ: أَيْنَ شَفَاعَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ قَالَ: ﴿يَوْمَئِذٍ (٦) لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا﴾ (٧)، قَالَ: أَلَاكَ حَاجَةٌ؟ قَالَ: بَلَى أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ. قَالَ: هَذَا لَيْسَ إِلَيَّ لَكِنْ بَلَّغْنِي أَنْ لَكَ دَيْنًا فَنَحْنُ نَقْضِيهِ عَنْكَ، قَالَ: يَا هَارُونُ! رُدُّ أَمْوَالَ النَّاسِ إِلَيْهِمْ فَالَّذِينَ لَا يَقْضِي، قَالَ: أَمْرٌ (٨) لَكَ بِرِزْقٍ يَدْرُّ عَلَيْكَ إِلَى أَنْ تَمُوتَ؟ فَتَبَسَّمَ [بِهَلُولٍ] وَقَالَ: نَحْنُ عِبْدَانُ لِلَّهِ تَعَالَى، أَتَرَى يَذْكُرُكَ وَيَنْسَانِي؟!

وَسُئِلَ (٩) ابْنُ الْجَوْزِيِّ بِحُضُورِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ: أَبُو بَكْرٍ أَفْضَلُ أَمْ عَلِيُّ [ع]؟ قَالَ: * ٦٢٧ * مَنْ كَانَ بِنْتُهُ تَحْتَهُ.

وَكَتَبَ يَعْقُوبُ إِلَى يُوسُفَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ حِينَ حَبَسَ ابْنَهُ وَهُوَ أَخُوهُ مِنْ أُمِّهِ: مِنْ يَعْقُوبَ إِسْرَائِيلَ (١٠) اللَّهُ ابْنِ إِسْحَاقَ ذَبِيحَ اللَّهِ ابْنِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، إِلَى عَزِيزِ أَهْلِ (١١) مِصْرَ: أَمَا بَعْدُ، فَإِنَّا أَهْلُ بَيْتِ مُوَكَّلٍ عَلَيْنَا الْبَلَاءُ يَا قَابِي إِبْتَلَى بِالذَّبْحِ وَجَدِّي إِبْتَلَى بِالنَّارِ، وَأَمَّا أَنَا

(١) قرآن کریم سورہ انفطار (٨٢) آیه ١٣ و ١٤.

(٢) قرآن کریم سورہ مائدہ (٥) قسمتی از آیه ٢٧.

(٣) یومیذ.

(٤) يتسالون.

(٥) قرآن کریم سورہ مومنون (٢٣) قسمتی از آیه ١٠١.

(٦) یومیذ.

(٧) قرآن کریم سورہ طه (٢٠) آیه ١٠٩.

(٨) امر.

(٩) سبیل.

(١٠) اسرائیل.

(١١) این کلمه بین دو سطر نوشته شده است.

فَكَانَ لِي ابْنٌ فَسَلِبَ عَنِّي وَكَانَ لَهُ أَخٌ، كُلَّمَا ذَكَرْتُ حُزْنَهُ ضَمَعْتُهُ إِلَى صَدْرِي وَنَفْسِي وَهُوَ
مَحْبُوسٌ عِنْدَكَ، فَإِنْ تَصَدَّقْتَ بِهِ عَلَيْنَا فَإِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ.

فَلَمَّا بَلَغَ الْكِتَابُ إِلَى [يُوسُفَ] عَلَيْهِ السَّلَامُ بَكَى بُكَاءً طَوِيلًا ثُمَّ كَتَبَ إِلَيْهِ (١): أَمَّا جَدُّكَ
إِبْرَاهِيمُ ابْتَلَى بِالنَّارِ فَصَبَرَ وَظَفَرَ، وَأَمَّا أَبُوكَ إِسْحَاقُ ابْتَلَى بِالذَّبْحِ فَصَبَرَ وَظَفَرَ، وَأَمَّا أَنْتَ
فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ وَاطْفِرْ كَمَا ظَفَرَ وَاطْفِرْ (٢).

وَقِيلَ: كَتَبَ جَالِينُوسُ إِلَى عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ مُعْتَذِرًا عَنْ عَدَمِ الذَّهَابِ إِلَيْهِ لِضَعْفِ
الشَّيْخُوخَةِ: يَا طَبِيبَ النَّفُوسِ وَيَا نَبِيَّ اللَّهِ! * ٦٢٨ * رُبَّمَا عَجَزَ الْمَرِيضُ عَنْ خِدْمَةِ الطَّبِيبِ
لِعَوَارِضِ جِسْمَانِيَّةٍ وَقَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكَ بِبَعْضِ فُولُوسٍ وَهُوَ ابْنُ أَخِي لِيُعَالِجَ نَفْسَهُ بِأَدَابِ التَّيْبُوتِ
وَالسَّلَامِ.

فَلَمَّا بَلَغَ الْكِتَابُ إِلَى عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ اسْتَحْسَنَهُ لِإِقْرَارِهِ بِتَبُوتِهِ وَكَتَبَ إِلَيْهِ بِحُطِّ يَدِهِ:
يَا مَنْ أَنْصَفَ مِنْ عِلْمِهِ الصَّحِيحِ لَا يَخْتَاجُ إِلَى الطَّبِيبِ إِلَّا (٣) مَنْ حَفِظَ الصُّحَّةَ، وَالْمَسَافَةَ
لَا تَحْجِبُ النَّفُوسَ عَنِ النَّفُوسِ.

قِيلَ: إِنَّ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ مِنْ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالتَّحِيَّةُ: الصَّمْتُ
عَنِ الْبَاطِلِ صَوْمٌ وَاليَأْسُ (٤) مِنَ الْمَخْلُوقِينَ صَلَاةٌ وَحِفْظُ الْجَوَارِحِ عِبَادَةٌ وَتَرْكُ الْهَوَى جِهَادٌ
وَالْكَفُّ عَنِ الشَّرِّ صَدَقَةٌ.

مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ: الْعَالِمُ إِذَا لَمْ يَكُنْ وَرِعًا فَهُوَ وَالْجَاهِلُ سِوَاهُ (٥)، وَالسُّلْطَانُ إِذَا لَمْ يَكُنْ
عَادِلًا فَهُوَ وَاللُّصُّ سِوَاهُ، وَالغَنِيُّ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِي رَاحَةٍ فَهُوَ وَالْأَجِيرُ سِوَاهُ، وَالْفَقِيرُ إِذَا خَدِمَ
لِأَجْلِ الْخَيْرِ * ٦٢٩ * فَهُوَ وَالْكَلْبُ سِوَاهُ، وَالْحُرُّ إِذَا لَمْ يَكُنْ مَسْتُورَةً فَهِيَ وَالْأَمَةُ سِوَاهُ..
وَأَيْضًا مَكْتُوبٌ فِيهِ: مَسْكِينُ ابْنِ آدَمَ، الْيَوْمَ يَأْكُلُ وَغَدًا يُؤْكَلُ، وَالْيَوْمَ يَحْمِلُ وَغَدًا

(١) ليه.

(٢) ابن نامه باكمي اختلاف درص ٥٩٣ و٥٩٤ نسخه عكسي بياض آمده است.

(٣) كذا، ظاهره الا زيادي است.

(٤) الياس.

(٥) سواو هكذا موارد بعد.

يُحْمَلُ، الْيَوْمَ يَرِثُ وَ غَدًا يُورَثُ، الْيَوْمَ يَنْسَى وَ غَدًا يُنْسَى، الْيَوْمَ أَمِيرٌ وَ غَدًا أَسِيرٌ، الْيَوْمَ مَالِكٌ وَ غَدًا هَالِكٌ.

و مَكْتُوبٌ فِيهِ أَيْضًا: عَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالنَّارِ كَيْفَ يَضْحَكُ! وَ عَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالمَوْتِ كَيْفَ يَفْرَحُ! وَ عَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالحِسَابِ كَيْفَ يَعْمَلُ بِالسَّيِّئَاتِ! وَ عَجِبْتُ لِمَنْ يَرَى الدُّنْيَا وَ تَقَلُّبَهَا كَيْفَ يَطْمَئِنُّ^(۱) إِلَيْهَا! وَ عَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ الجَنَّةَ كَيْفَ لَا يَعْمَلُ الحَسَنَةَ.

سَأَلَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَبَّهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى أَنْ يُعَلِّمَهُ^(۲) شَيْئًا^(۳) فِيهِ مَجَامِعُ الحَمْدِ وَ التَّسْبِيحِ، فَأَوْحَى اللهُ تَعَالَى إِلَيْهِ: يَا آدَمُ! إِذَا أَصْبَحْتَ فَقُلْ ثَلَاثًا وَ إِذَا أَمْسَيْتَ فَقُلْ ثَلَاثًا: الحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ العَالَمِينَ حَمْدًا يُؤَافِي نِعْمَهُ وَ يُكَافِي مَزِيدَهُ.

* ۶۳۰ * وَ سُئِلَ^(۴) أَمِيرُ المُؤْمِنِينَ وَ يَعْسوبُ المَسْلَمِينَ، أَسَدُ اللهِ العَالِبُ عَلِيُّ بْنُ^(۵) أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ كُرَّمُ وَجْهِهِ: مَا العَجَبُ؟ وَ مَا الأَعْجَبُ؟ وَ مَا القَرِيبُ؟ وَ مَا الأَقْرَبُ؟ وَ مَا الوَاجِبُ؟ وَ مَا الأَوْجِبُ؟ فَأَجَابَ لَهُ: أُمُورُ الدُّنْيَا كُلُّهَا عَجَبٌ وَ عَفْلَةٌ أَهْلِهَا أَعْجَبُ، وَ القِيَامَةُ قَرِيبٌ وَ المَوْتُ أَقْرَبُ، وَ التَّوْبَةُ وَاجِبٌ وَ تَرْكُ الذُّنُوبِ أَوْجِبُ^(۶).^(۷)

وَ قَالَ [عَلِيٌّ] عَلِيُّ رُوحِهِ سَلامًا^(۸): القُلُوبُ ثَلَاثَةٌ أَنْواعٌ: قَلْبٌ مَشغُولٌ بِالدُّنْيَا وَ قَلْبٌ مَشغُولٌ بِالعُقْبَى وَ قَلْبٌ مَشغُولٌ بِالمَوْلَى، فَأَمَّا القَلْبُ المَشغُولُ بِالدُّنْيَا فَلَهُ الشَّدَّةُ وَ العُقُوبَةُ وَ البَلَا، فَأَمَّا القَلْبُ المَشغُولُ بِالعُقْبَى فَلَهُ دَرَجاتُ العُلَى، فَأَمَّا القَلْبُ المَشغُولُ بِالمَوْلَى فَلَهُ الدُّنْيَا وَ العُقْبَى وَ المَوْلَى^(۹).

(۱) يطمئن .

(۲) تعلمه .

(۳) شيا .

(۴) سئل .

(۵) ابن .

(۶) ابن روایت در ص ۵۰۰ نسخه عکسی بیاض نیز آمده است .

(۷) بحار الانوار ۳۱/۷۵ تمه باب ۱۵ .

(۸) در این مکان السلام زیاد است و دو بار نوشته شده است .

(۹) نگاه کنید به: المواظف العددية ص ۱۴۶ عدد ۳ .

و قال [علی] رضی الله عنه: الدُّنْیَا بِالْأَمْوَالِ وَالْآخِرَةُ بِالْأَعْمَالِ (۱).

و قال الإمام المعصوم زین العابدین کرم الله وجهه: لی حاجة فَعَرَضْتُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى
* ۶۳۱ * ثُمَّ عَرَضْتُ عَلَيْكَ فَإِنْ مَنَحْتَ فَاللَّهُ الْمُعْطِي وَأَنْتَ الْمَشْكُورُ وَإِنْ مَنَعْتَ فَاللَّهُ الْمَانِعُ
وَأَنْتَ الْمَعْدُورُ.

و قال النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: مَنْ اِكْتَفَى بِي عَمَّالِي كُنْتُ لَهُ
وَمَالِي (۲).

و قال [النبي] عليه الصلاة والسلام: خُذْ مِنَ الدُّنْيَا مَا صَفَا (۳) وَمِنَ الْعَيْشِ مَا كَفَا (۴) وَمِنَ
الْإِخْوَانِ مَا وَفَى، وَدَعِ الظُّلْمَ وَالْجَفَا، فَإِنَّ الْعُمَرَ قَصِيرٌ وَالنَّاقِدَ بَصِيرٌ وَإِلَيْهِ الْمَرْجِعُ
وَالْمَصِيرُ (۵).

و قال الجُنَيْدُ قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ: الصُّوفِيُّ مُشْتَقٌّ مِنَ الصُّوفِ، وَالصُّوفُ ثَلَاثَةٌ أَحْرَفٍ: صَاد
وَوَاوُ وَفَاءٌ [ء]، وَالصَّادُ: صَبْرٌ وَصِدْقٌ وَصَفَاءٌ، وَالْوَاوُ: وُدٌّ وَوِزْدٌ وَوَفَاءٌ، وَالْفَاءُ [ء] فَرْدٌ وَفَقْدٌ وَ
فَنَاءٌ [ء].

و قال بَعْضُهُمْ: جِدُّ الصُّوفِيِّ: الْأَكُولُ وَالْكُسُولُ، الْكَثِيرُ الْفُضُولِ، فَحِكْمِي ذَلِكَ لِلشَّافِعِيِّ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ: الْأَكُولُ لِلْحَلَالِ، الْكُسُولُ عَنِ الْمَعَاصِي، الْكَثِيرُ الْفُضُولِ فِي الْأَمْرِ
بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ.

حكايت

* ۶۳۲ *

گویند: زین العابدین رضی الله عنه را پسری (۶) طفل بود و او را روزی در کنار گرفت و
می نواخت دخترکی شش ساله داشت گفت: ای پدر او را دوست می داری گفت: آری

(۱) بحار الانوار ۷۵/۳۶۹ باب ۲۸.

(۲) روایت رادر مجامع حدیثی نیاتیم.

(۳) هکذا در متن.

(۴) هکذا در متن.

(۵) روایت رادر کتابهای مورد جستجو نیاتیم.

(۶) پسری.

دختر بگریست زین العابدین، رضی الله عنه تصوّر فرمود که گریه او از حسد [۱] است گفت: ای جان پدر تو را هم دوست می‌دارم. دخترك گفت: از تو شنیدم که خدای را دوست دارم و در دلی که دوستی خدا بود دوستی دختر و پسر کجا گنجد؟ ای پدر از خدای شرم دار که در محبت او شریک می‌گیری زین العابدین رضی الله عنه بسیار بگریست و بعد از این دختر را بر پسر تقدیم کردی والسلام.

حکایت

روزی جمعی پیران نشسته بودند و در پیش ایشان کودکان بازی می‌کردند پیری گفت: شرم ندارید که در پیش پیران بازی می‌کنید کودکی گفت: اگر پیران از خدای تعالی شرم داشتندی ما را از ایشان هیبت بودی.

حکایت

آورده‌اند که: یکی از نو عهدان اسلام به حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمد و گفت: در اسلام مناهی * ۶۳۳ * بسیار [۱] است و مرا اجتناب از همه میسر نمی‌شود يك خصلت از خصال ذمیمه اختیار فرمای تا از آن اجتناب نمایم امیرالمؤمنین رضی الله عنه فرمود: که دروغ مگوی قبول کرد، چون مراجعت نمود در راه گذرش بر شرابخانه افتاد. طبعش به خوردن می‌مایل شد با خود فکر کرد که اگر روزی امیرالمؤمنین علیه السلام از من پرسد که خمر می‌خوری چه جواب دهم؟ اگر گویم می‌خورم حدّ براند و اگر گویم نمی‌خورم دروغ گفته باشم و عهد کرده‌ام که دروغ نگویم بنابراین معنی از سر آن درگذشت و همچنین به زنی رسید و داعیه شهوتش در کار آمد همان فکر حجاب حال او شد و از سر آن نیز درگذشت و از منهیات هر چه بدان می‌رسید و طبعش بدان میل می‌نمود همان اندیشه می‌کرد و از آن می‌گذشت بعد از آن^(۱) به حضرت امیرالمؤمنین کرم الله وجهه آمد و گفت: یا امیر جمله راهها [ی] مناهی بر من بسته گردانیدی و معلوم شد که گناه دروغ است والسلام

(۱) این هم خوانده می‌شود.

حکایت

مسترشد خلیفه بر را [ه] این پند نبشت: **يَا بَنِيَّ! إِنْ أَرَدْتَ الْمَهَابَةَ فَلَا تَكْذِبْ فَإِنَّ الْكَاذِبَ لَا يَهَابُ وَلَوْ حَفَّ بِهِ مِائَةٌ^(۱) أَلْفِ سَيْفٍ.**

۶۳۴ لِسُلْطَانِ الشُّعْرَا انورى عَلَيْهِ الرُّحْمَة

ای خواجه مکن تا بتوانی طلب علم	کاندر طلب را تب هر روزه بمانی
رو مسخرگی پیشه کن و مطربی آموز	تا داد خود از کھتر و مهتر بستانی
نی گوشه کنجی و کتابی بر عاقل	بھتر زبسی گنج و بسی کام روانی
گر بی خبران قیمت این ملک ندانند	ای عقل خجل نیستم از تو که تو دانی
فرعون و عذاب ابد و ریش مرصع	موسی کلیم الله و چوبی و شبانی ^(۲)

لِشَرْفِ الدِّينِ مُقْبِلِ

منم آن مفلسی که همت من بر ترست از رواق أخضر چرخ
 زانکه^(۳) در چشم من حقیر بود درج مینا پر ز گوهر چرخ
 مرغ فکرتم به پای نخورد پیر ز پیری کرد هفت منظر چرخ
 لیکن از کج روی دورانش خاکسارم که خاک بر سر چرخ

لِغَيْرِهِ

داشت لقمان یکی کریچه تنگ	چون گلوگاه نای و سینه چنگ
بوالفضولی سؤال کرد از وی	کاین چه جایست يك درست و دو پی
با دمی سرد و چشم گریان پیر	گفت هذا لِمَنْ تَلَوْتُ كَثِير ^(۴)

۶۳۵ لَخَوَاجِهِ نَصِيرِ الدِّينِ مُحَمَّدِ الطُّوسِيِّ رَحِمَهُ اللهُ

نجد مهتری چو دست رسد روز تا شب شراب نوشیدن

(۱) ما به .

(۲) ر. ک: دیوان انوری به اهتمام مدرس رضوی ۲/۷۵۱ مقطعات ۲۷۷ .

(۳) زانک .

(۴) این اشعار از سنایی است. ر. ک: لغتنامه دهخدا ج ۱۱ ص ۱۶۱۳۹ .

یا غذای لذیذ را خوردن
 من بگویم که مهتری چه بود
 یا لباس لطیف پوشیدن
 گمگنانرا ز غم رهانیدن
 در مراعات خلق کوشیدن^(۱)

لِنِظَامِ الدِّينِ الْمَرْزُوقِي

همه ملک دنیا به نانی نیرزد
 همه نقد گنجینه خاک و افلاک
 ز نان در گذر، کاستخوانی نیرزد
 همه نور خورشید با شرق و غربش
 به بانگ سگ پاسبانی نیرزد
 همه صحن افلاک با طول و عرضش
 به دود چراغ شبانی نیرزد
 همه نعمت باغ و فصل بهارش
 به خاکستر دیگدانی نیرزد
 به باد بروت خزانی نیرزد

لِحَكِيمِ^(۲) الْفَاضِلِ فِرْدَوْسِي غُفْرَانَهُ

اگر به دانش اندر زمانه لقمان وار
 وگر ز کتب فلاطون و ارسطاطالیس
 شرای پرده حکمت بر آسمان برده
 هر آنچه گفته و بشنیده پاک بسته
 وگر به نوک عداوت دو دیده اعتدال
 به نصرتی که بود ایزدی بیازرده^(۳)
 * ۶۳۶ وگر سپهد سیصد هزار شهر شدی
 وگر برهن سیصد هزار بتکده
 به پیش نیش أجل این همه ندارد سود
 همی بسباید رفتن چنانکه آمده^(۴)

لِلَّهِ دَرٌّ مَنْ قَالَ

چون تیر قضا زند سپرها هیچست
 در نیک و بد جهان نظرها کردیم
 وین محتشمی و سیم و زرها هیچست
 نیکست که نیکست و دگرها هیچست

لِغَيْرِهِ

گل ساخت ز شکل غنچه پیکانی چند
 تا حمله برد بر تو به حسن ای دل‌بند

(۱) ر. ک: شعر و شاعری در آثار خواجه نصیرالدین طوسی ص ۱۳۳ (به اهتمام معظمه اقبالی).

(۲) کذا، صحیح: للحکیم.

(۳) بیازده.

(۴) ابیات فوق هیچکدام در شاهنامه موجود نیست و از نظر وزن نیز شاهنامه همخوانی ندارد.

چون روی چو آفتاب تو تیغی زد پیکان سپری کرد و سپر هم بپکند

بِغَیْرَه

ای باد بیا و بسوی گلزار بیار وی بلبل مست ناله زار بیار
ای سبزه گرت ملک چمن می باید پروانه مطلق از خط یار بیار

بِغَیْرَه

آهخت پریر لاله ز آتش خنجر دی نیلوفر فکند بر آب سپر
ای باد زره بر سمن امروز بدر وی خاک زغنچه ساز فردا مغفر

بِغَیْرَه

۶۳۷ آتش چو پریر در دل لاله فتاد دی آب وفا ز چشم نرگش بگشاد
امروز بنفشه روی بر خاک نهاد فردا بینی که گل دهد عمر به باد

بِغَیْرَه

زد لاله پریر در نشابور آذر دی برزد از آب مرو نیلوفر سر
امروز که شد خاک هری جان پرور فردا همه خاک بلخ گردد عبهر

بِغَیْرَه

در مرو پریر لاله آتش انگیخت دی نیلوفر به بلخ در آب بگریخت
بر خاک نشابور گل امروز چه گفت فردا به هری باد سمن خواهد پیخت

بِغَیْرَه

آتش رویی پریر در ما پیوست دی آب رخم ببرد و عهدم بشکست
امروز اگر نه خاک پایش^(۱) باشم فردا برود باد بماند در دست

بِغَیْرَه

در فصل خزان که خشک و تر بفروشدند
از عمر دمی بخر اگر بفروشدند

هرزرت^(۱) که خزان در آستین داشت بساخت

پنداشت مگر عمر به زر بفروشند

یَغْیِرُهُ

۶۳۸ در فصل خزان چو باد برمی‌خیزد

برگ از همه شاخه‌ها^(۲) فرو می‌ریزد

می‌بگریزند^(۳) جمله مرغان ز درخت

از بی‌برگان همه کسی بگریزد

يُؤَاجِدُ فِي الْهَجَا

به نزدیک خواجه شدم چند روز

بِـلَا تَنْفَعِ دُنْيَا وَلَا آخِرَهُ

دگر باره رفتم به نزدیک او

فَقَتِلَكَ إِذَا كَرَّةٌ خَاسِرَهُ

یَغْیِرُهُ

و عده و قول صاحب آفاق هر چه گوید همه دروغ بود

گر بگوید که انگبین خوردم ^{طیور علوم} عَلِمَ اللَّهُ که تره دوغ بود

یَغْیِرُهُ

دی مرا گفت دوستی که مرا

خلوتی بایدم چنانکه درو

گفتم این خلوت^(۴) آر همی طلبی

با فلان خواجه از پی دوسه کار

هیچ مخلوق را نباشد بار

وقت نان خوردنش نگه می‌دار

□□□

كَتَبَهُ أَقْلُ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى وَأَخْوَجَهُمْ إِلَى رَحْمَتِهِ وَغُفْرَانِهِ الْعَبْدُ الْمَذْنِبُ الضَّعِيفُ جَمَال

(۱) این موضع خط خوردگی دارد.

(۲) شاخها.

(۳) می‌بگریزند.

(۴) خلوة.

المُلْك [ابن] عَمِيدِ المُلْك، محمود صاين قاضى غفر الله لهم فى ثمانى^(۱) رَمَضانَ المبارك
لِسَنَةِ اثنتين^(۲) و ثمانين و سَبْعِمِائَةَ بدار المُلْك شيراز.



* ۶۳۹^(۳) * [به پاورقى دقت شود].



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

(۱) در فهرست آقای مرتضی تیموری در بیست و هشت رمضان ۱۷۸۲ آمده است که هشت رمضان صحیح است .

(۲) اثنی .

(۳) صفحه ۶۳۹ نسخه عکسی بیاض در این مکان زاید است و قبل از ۶۴۷ قرار می گیرد فضل الله بن نظام نویسنده صفحات

۶۴۷ تا ۶۶۱ نسخه عکسی بیاض می باشد .



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

* ٩١٥ * مِنْ مُحَرَّرَاتِ الشَّيْخِ الصَّاحِبِ الْأَعْظَمِ
 قُدُوةَ زُورٍ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ
 شَرَفِ الْمِلَّةِ وَالذِّينِ الْبُلْيَانِي رَفَعَ اللَّهُ قَدْرَهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 رَسْمًا مَوْجُودًا فِي الْمَدِينَةِ الْقُدْسِ الْأَعْظَمِ
 وَرَفَعَهُ عَنِ الْمَدِينَةِ الْعِلْمِ وَالْحَقِّ
 نَادِي الْمَدِينَةِ الْقُدْسِ الْأَعْظَمِ
 وَأَنَّ مَقَرَّهُ الْمَدِينَةُ الْعِلْمُ وَالْحَقُّ
 كَمَا كَانَتْ قَدِيمًا فِي الْمَدِينَةِ الْقُدْسِ الْأَعْظَمِ
 سَأَلْتُ مِنْكُمْ تَجَدُّدًا فِي أَوَّلِ قَدِيمِ
 مَوْجُودِ
 كَمَا كَانَتْ قَدِيمًا فِي الْمَدِينَةِ الْقُدْسِ الْأَعْظَمِ
 وَرَفَعَهُ عَنِ الْمَدِينَةِ الْعِلْمِ وَالْحَقِّ
 نَادِي الْمَدِينَةِ الْقُدْسِ الْأَعْظَمِ
 وَأَنَّ مَقَرَّهُ الْمَدِينَةُ الْعِلْمُ وَالْحَقُّ
 كَمَا كَانَتْ قَدِيمًا فِي الْمَدِينَةِ الْقُدْسِ الْأَعْظَمِ
 سَأَلْتُ مِنْكُمْ تَجَدُّدًا فِي أَوَّلِ قَدِيمِ
 مَوْجُودِ

(۱)(۲)

* ۹۱۳ (۳) * قَالَ الْإِمَامُ (۴) جَعْفَرُ الصَّادِقُ (۵) رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: رَفَعْتُ حَاجَتِي وَ قِصَّتِي إِلَى اللَّهِ قَبْلَ أَنْ أُعْرِضَ إِلَيْكَ وَ طَلَبْتُ حَاجَتِي مِنَ اللَّهِ عَلَى يَدَيْكَ، فَإِنْ أُعْطِيتَنِي فَهُوَ الْمُعْطَى وَ أَنْتَ الْمَشْكُورُ وَ إِنْ مَنَعْتَنِي فَهُوَ الْمَانِعُ وَ أَنْتَ الْمَعْذُورُ.
قَالَ أَبُو يَزِيدَ الْبِسْطَامِيُّ (۶) قَدَّسَ اللَّهُ سِرَّهُ: سَافِرُوا (۷) مِنْ أَنْفُسِكُمْ تَجِدُونَا فِي أَوَّلِ قَدَمٍ.
هم او فرماید:

کنه خردم در خور اثبات تو نیست و اندیشه من بجز مناجات تو نیست
من ذات تو را به واجبی چون دانم داننده ذات تو بجز ذات تو نیست
ابوعلی سینا گوید

در پرده سخن نیست که معلوم نشد ~~چون نیک~~ ~~فکری~~ کردم معلوم شد که هیچ معلوم نشد
۹۱۴ (۸) در معرفت چو نیک فکری کردم معلوم شد که هیچ معلوم نشد
هم او فرماید

کو دل که بداند نفسی اُسرارش کو گوش که بشنود دمی گفتارش

(۱) نویسنده این متن سراج [الدین] عبدالله بلیانی است که مجموعه او شامل صفحات ۹۱۵ و ۹۱۳ و ۹۱۴ و ۶۴۰ و ۶۴۱ و ۶۴۲ و ۶۴۳ نسخه عکسی بیاض می باشد. لذا صفحات ۹۱۵ و ۹۱۳ و ۹۱۴ نسخه عکسی بیاض در این مکان جای می گیرد.

(۲) در نسخه عکسی بیاض صفحه ۹۱۵ بعد از صفحات ۹۱۳ و ۹۱۴ واقع شده است که باید قبل از آنها بیاید.

(۳) این صفحه بعد از صفحه ۹۱۵ نسخه عکسی می آید.

(۴) امام.

(۵) صادق.

(۶) البستامی.

(۷) سافرو.

(۸) این صفحه بعد از صفحه ۹۱۳ و قبل از صفحه ۶۴۰ می آید.

معشوق جمال می نماید شب و روز کو دیده که تا برخورد از دیدارش

شیخ عبدالله بلیانی قدس الله سره فرماید

در راه طلب رسیده [ای] می باید دامن زجهان کشیده^(۱) [ای] می باید
بینایی خویش را دوا کن ورنی عالم همه اوست دیده^(۲) [ای] می باید

هم او فرماید قدس الله سره

در راه طلب اگر تو نیکو باشی فرمان ده این طارم نه تو باشی
* ۶۴۰ * اول قدم آنست که او را طلبی و آخر قدم آنست که خود او باشی

هم او فرماید قدس الله سره

يك ذره فقر اگر به صحرا بودی نه کافر و نه گبر و نه ترسا بودی
گر دیده جهل خلق بینا بودی این رشته که سر دو تاست یکتا بودی



از جعفر صادق رضی الله عنه پرسیدند که: دلیل چیست بر هستی صانع؟ گفت:
روشنترین دلیل^(۴) بر هستی صانع هستی من است زیرا که اگر هستی من از من است از دو
حال بیرون نباشد یا من آنگاه خود را هست کرده ام که هست بوده ام و این محالست زیرا که
هست کردن هست محال باشد یا آنگاه هست کرده ام که نیست بوده ام و این هم
محالست^(۵)، * ۶۴۱ * زیرا که از نیست، هست کردن هم محال بود، پس محقق شد که من

(۱) کشیده.

(۲) دیده.

(۳) الحکایت.

(۴) دلیلی.

(۵) از ابتدای این متن ۳ صفحه در مواضع دیگر بیاض جای گرفته است اول صفحه معرفی آن است که در نسخه عکسی بیاض
ص ۹۱۵ قرار گرفته است دوم صفحه شروع متن است که در نسخه عکسی بیاض ص ۹۱۳ قرار گرفته و احتمالاً قبل از این
صفحه يك صفحه افتادگی دارد. برون صفحه شروع فاقد حمد خداوند متعال و تحیات نبی مکرم اسلام (ص) است سوم
صفحه بعد از صفحه شروع که در نسخه عکسی بیاض ص ۹۱۴ است بندی است بعد از ص ۹۱۴ صفحه ۶۴۰ قرار
می گیرد زیرا ادامه ریاضی شیخ عبدالله بلیانی که در انتهای ص ۹۱۴ نسخه عکسی وجود دارد در ص ۶۴۰ نسخه عکسی
آمده است علت این امر صحافی اصل بیاض است که در آن صحافی این اوراق که بظاهر بدون ذکر صفحه بوده اند از جای

هست کرده هستی‌ام^(۱) که نیستی بر وی محالست

هم او فرماید رضی الله عنه^(۲)

إِنَّ لَّهَ شَرَابًا لِأَوْلِيَائِهِ^(۳) إِذَا شَرِبُوا سَكَّرُوا^(۴) وَإِذَا سَكَّرُوا طَرَبُوا وَإِذَا طَرَبُوا طَلَبُوا وَإِذَا
 طَلَبُوا وَجَدُوا وَإِذَا وَجَدُوا تَابُوا وَإِذَا تَابُوا آبُوا وَإِذَا آبُوا ذَابُوا وَإِذَا ذَابُوا أَخْلَصُوا وَإِذَا أَخْلَصُوا
 وَصَلُوا وَإِذَا وَصَلُوا اتَّصَلُوا وَإِذَا اتَّصَلُوا لَافَرَقَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ حَبِيبِهِمْ.

دعاء شیخ مرشد قدس الله روحه العزیز

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنَا بِشَنَا [ء] ^(۵) النَّاسِ مَغْرُورِينَ وَلَا يَنْعَمَتِكَ مُسْتَدْرِجِينَ وَلَا عَن ^(۶) بَابِكَ
 مَطْرُودِينَ وَلَا مِنَ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الدُّنْيَا بِالذِّينِ ^(۷) . * ۶۴۲ * اللَّهُمَّ أَغْنِنَا عَن بَابِ
 الْأَغْنِيَاءِ وَعَن بَابِ الْأَمْرَاءِ [ء] وَعَن بَابِ الْأَطْبَاءِ، يَا مَنْ إِذَا دُعِيَ أَجَابَ وَإِذَا أَسْأَلَكَ ^(۸)
 أُعْطِيَ، هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا.

شعر لمولانا رکن الدین الأبهری

گر بهره مرز دهر نیست گو مباش

معصوم باد دامن تمکینم از تری

از بی‌زری چه نقص بود عصمت مرا

بی‌دانشی است عیب خلاق نه بی‌زری

بر خوان فضل زهر خوری به بود از آن

کز خوان جهل خود همه شهد و شکر خوری

خود جا بجا شده‌اند .

(۱) هستی‌ام .

(۲) این دعا در جای دیگر بیاض نیز آمده است .

(۳) لا ولیایه .

(۴) سکرو .

(۵) در این موضع مرکب ریخته شده است .

(۶) در این موضع يك ولا تکراری و زاید است و خط خوردگی دارد ...

(۷) در متن: بالذین .

(۸) اسئلك .

اینست رسم و قاعده گویمش زهر خند

و نیست جاه و مرتبه گو حرص دون گری

بغیره

عافیت جوی تا ندانندت	آشنایی خلق تقلید است
آنچه روزیست می رسانندت	این همه جد و جهد حاجت نیست
ورنه چون سگ زدر برانندت	گرد هر در مگرد بهر طمع
بر سر چشمها نشانندت	گر شوی گوشه گیر چون ابرو
صدرجویی ^(۱) و قلب خوانندت	جگرت خون شود اگر چون دل

لمولانا کمال الدین شیخ ابوعلی الفالی *۶۴۳*

بگوش او رسید از اوج افلاک	چو مجنون شد به خلوت خانه خاک
بر آمد از دل مجنون یکی آه	که ای مجنون چه آوردی به درگاه
کجا پروای کاری دیگرم بود	که شور عشق لیلی در سرم بود

مرکز تحقیقات و نشر رسدوی

هَذَا خَطُّ الْعَبْدِ الضَّعِيفِ شَرَفِ اَنَامِ سِرَاجِ [الدِّينِ] عَبْدِ اللَّهِ بَلِيَانِي فِي شَعْبَانَ الْمُعَظَّمِ لِسَنَةِ
اِثْنَتَيْنِ (۲) وَ ثَمَانِينَ وَ سَبْعِمِائَةٍ.

(۱) جونی

(۲) اثنی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

مِمَّا كَتَبَهُ السَّيِّدُ الْمُرْتَضَى وَالسَّنَدُ الْمُقْتَدَى
تَاجُ الْمَلَّةِ وَالذِّينُ الْمَشْهُورُ بِالسَّيِّدِ الصَّحِيحِي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ فِي مِثْقَلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
يَا ثَارِدُ بْنُ عَتَّارٍ يَا بَنِي عَتَّارٍ يَا بَنِي
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
عَنْ مِثْقَلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
قَالَ أَجَلُ مَا سَأَلْتُ لَمْ يَمُوتْ فِي الْعَدَةِ
بِغَيْرِ مِثْقَلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
أَنْ سَأَلْتُ لَمْ يَمُوتْ أَوْ بَشَرًا أَوْ نَبِيًّا وَهَذَا
لِلْإِسْمِ أَنْتَ عَبْدِي وَرَحْمَتُكَ تَمْلِكُ الْمَوْتَ
لَيْسَ بِمَقْدَرٍ وَلَا فُلِيَّةٍ وَلَا تَحَابٍ وَلَا لَأْسَانٍ
وَلَا يَدٍ مَعْرِيَّةٍ لَيْسَ الْبَيْتُ وَالْحَيْزُ يَمُوتُ
وَيَقْتُلُ لَنْ يَمُوتَهُ اللَّهُ قَالِي حَتَّى يَمُوتَ
بِهِ الْمَلَّةُ التَّجَاهُ يَا بَنِي عَتَّارٍ يَا بَنِي عَتَّارٍ
اللَّهُ وَبِخَيْرِهِ يَا بَنِي عَتَّارٍ يَا بَنِي عَتَّارٍ

مِنْ صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ فِي صِفَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَطَاءِ بْنِ
يَسَارٍ قَالَ: لَقِيتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَمْرٍو بْنَ الْقَاضِي قُلْتُ: أَخْبِرْنِي عَنْ صِفَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
آلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: أَجَلٌ وَاللَّهِ إِنَّهُ لَمَوْصُوفٌ فِي التَّوْرَةِ بِبَعْضِ صِفَتِهِ فِي الْقُرْآنِ: يَا أَيُّهَا (۲) النَّبِيُّ
إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَحِزْزًا لِلْأُمِّيِّينَ أَنْتَ عَبْدِي وَرَسُولِي سَمَّيْتُكَ الْمُتَوَكَّلَ
لَيْسَ يَفْظُ وَلَا غَلِيظٌ وَلَا سَخَابٌ فِي الْأَسْوَاقِ وَلَا يَدْفَعُ بِالسَّيِّئَةِ السَّيِّئَةَ وَلَكِنْ يَغْفُو وَيَغْفِرُ وَلَنْ
يَقْبِضَهُ اللَّهُ تَعَالَى حَتَّى يُقِيمَ بِهِ الْمِلَّةَ الْعَوْجَاءَ بِأَنْ يَقُولُوا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَيَفْتَحَ بِهِ أَعْيُنًا عُمْيَاءَ وَ
آذَانًا صُمًّا وَقُلُوبًا [..] (۳)



مرکز تحقیقات و پژوهش علوم اسلامی

(۱) سید صحیحی فقط نویسنده ص ۶۴۵ نسخه عکسی بیاض است و ادامه ۶۴۵ از بیاض ماقط است .

(۲) وئها .

(۳) بعد از این متن افتادگی دارد و در بیاض وجود ندارد .

[مَا كَتَبَهُ عَبْدُ الرَّحْمَنِ]
 [ابْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ الْغَفَّارِ عَلَيْهِ مَا يَسْتَحِقُّهُ]



برحمتك من زينة وإمام الحق بعد رسول الله
 كرمك مشيختهم علي ولا فضيلة بهذا الترتيب وسعني لأفضل
 أنه أكثر ثواباً عند الله ما كتب من غير إله أعلم وأشراف
 نبياً وما أشبه ذلك ولا تلموا أحد من أهل القبلة فلا
 فيه من الصالح القادر المشاور العليم لو شرك أو إن كان
 النبي أو إنكار ما علم حتى تم به صفة العلم
 نعمنا كاستحلال الممرات وأما غير ذلك فالقابل به يتبع
 رئيس يكافي ومنه التميم والثوبة واجبة وهي
 متقبولة لظننا من الله بالأمر بالمعروف نبيع لما يؤمر به
 فإن واجبا فواجب وإن سُدَّ بابا فتدويت وشرطه أن
 لا يردني إلى الفتنة وأن يظن قبوله بحسب الله
 علي العقائد الصحيحة وقد قلنا ما يرضى من الأعمال
 كتب هذه للأخرف عبد الرحمن ابن أحمد بن عبد الغفار

الرسالة
 في بيان
 ما كتبه
 ابن أحمد
 بن عبد
 الغفار

في سنة
 ٢٤٦
 في شهر
 ربيع
 الثاني
 سنة
 ٤٤٦
 في شهر
 ربيع
 الثاني
 سنة
 ٤٤٦

٢٤٦
 في سنة
 ٢٤٦
 في شهر
 ربيع
 الثاني
 سنة
 ٤٤٦
 في شهر
 ربيع
 الثاني
 سنة
 ٤٤٦

* ٦٤٦ (١) * .. بِرَحْمَتِهِ مَنْ يُرِيدُ .

والإمام الحقُّ بعدَ رسولِ اللهِ أبو بكرٍ تَبَتَّتْ إمامتُه بالإجماع (٢) ! ولم يَنْصُ رسولُ اللهِ على أحدٍ! ثُمَّ عُمَرُ ثُمَّ عُثْمَانُ (٣) ثُمَّ عَلِيُّ [ع] ، والأفضليَّةُ (٤) بهذا الترتيب !! ومعنى الأفضلُ أَنَّهُ أَكْثَرُ ثَوَاباً عِنْدَ اللهِ بِمَا كَسَبَ مِنْ خَيْرٍ لَا أَنَّهُ أَعْلَمُ وَأَشْرَفُ نَسَباً وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ ، وَلَا نَكْفَرُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْقِبْلَةِ إِلَّا بِمَا فِيهِ نَفَى الصَّانِعِ الْقَادِرِ الْمُخْتَارِ الْعَلِيمِ ، أَوْ شِرْكَ أَوْ إِنكَارِ النَّبُوَّةِ أَوْ إِنكَارِ مَا عَلِمَ مَجِيءُ مُحَمَّدٍ بِهِ ضَرُورَةٌ أَوْ أَمْرٌ مُجْمَعٌ عَلَيْهِ قَطْعاً كَاسْتِحْلَالِ الْمُحَرَّمَاتِ ، وَأَمَّا غَيْرُ ذَلِكَ فَالْقَائِلُ (٥) بِهِ مُبْتَدِعٌ وَ لَيْسَ بِكَافِرٍ ، وَمِنْهُ التَّجْسِيمُ ، وَالتَّوْبَةُ وَاجِبَةٌ وَهِيَ مَقْبُولَةٌ لَطْفًا مِنَ اللهِ .

والأمرُ بالمَعْرُوفِ وَتَبِعَ لَمَّا يُؤْمَرُ بِهِ فَإِنْ وَاجِباً فَوَاجِبٌ وَإِنْ مَنْدُوباً فَمَنْدُوبٌ ، وَشَرْطُهُ أَنْ لَا يُؤَدِّيَ إِلَى الْفِتْنَةِ وَأَنْ يُظَنَّ قَبُولَهُ ، تَبَيَّنَ اللهُ عَلَى الْعَقَائِدِ (٦) الصَّحِيحَةِ وَوَفَّقَكَ لَمَّا يَرْضَى مِنَ الْأَعْمَالِ .



كَتَبَ هَذِهِ الْأَحْرُفَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ ابْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ الْغَفَّارِ فِي الثَّلَاثِ عَشَرَ مِنْ رَمَضَانَ سَنَةِ سِتِّ وَخَمْسِينَ وَسَبْعِمِائَةٍ .

(١) این صفحه در این موضع زیاد است زیرا نه از تباطی به قبل از خود و نه از تباطی به بعد از خود دارد و ابتدای آن نیز ناقص است و در متن بیاض نیز همخوان با این متن وجود ندارد . نویسنده این متن يك صفحه ای يك سنی متعصب به نام عبدالرحمن بن احمد بن عبدالغفار در ۱۳ رمضان سال ۷۵۶ هجری است .

(٢) این اجماعی است که سنیان یا همین عمل ابوبکر اثباتش کردند!!

(٣) روی نام ابوبکر تا پایان نام عثمان خط خورده است .

(٤) لم لا يجوز أن الأفضل بهذا المعنى الأخير وأيضاً لا نسلم أن النبي [عليه السلام] لم ينص على أحد . عبارتشو شسته شده در حاشیه سمت چپ ، و دستخط حسین قائمی خراسانی است .

(٥) فالقائل .

(٦) العقائد .

[مَا كَتَبَهُ الْحُسَيْنُ الْقَائِنِيُّ الْخُرَّاسَانِيُّ]
 [دِفَاعًا عَنِ الْمَذْهَبِ الْحَقِّ]



برحمتك من يزيد والإمام الحق بعد رسول الله
 محمد بن عبد الله بالإنجاء ولم يكن رسول الله على أحد منهم
 كمن عظموا على والأفضلية لهذا القريب ومعنى أفضل
 أنه أقرب وأبعد الله ما كتب من غير أنه أعلم وأشرف
 نبيا وما أشبه ذلك ولا تكلم أحد من أهل القبلة إلا بما
 فيه حق الصانع القادر المتبادر العليم أو شرك أو إن كان
 النبوة أو إن كان ما علم على محبة به ضرورة أولئك جميع على
 قلما كما استعمل المتراب وأما غير ذلك فالحال به يتبع
 وليس يكافئ منه التجميع والتوبة واجبة وهي
 متبوعة لظننا من الله والأمر بالمعروف نبح لما يؤمر به
 فإن واجبا فواجب وإن سندا فاستدوت بشرطه أن
 لا يؤذي إلى المصلحة وأن يظن قبوله بتملك الله
 على العقائد العقيمة وقدك لما يرضى من الأعمال
 تب هذه لأعرف عبد الرحمن بن أحمد بن عبد العقاد

هذا الحديث
 رواه الشيخ
 في كتابه
 في مناقب
 الإمام
 الحسين

في الثالث عشر من رمضان سنة ست وخمسين وسبعمائة
 في دار السلام في بغداد
 عبد الرحمن بن أحمد بن عبد العقاد
 كاتب

۶۴۶* (۱) أَيُّهَا الْمُتَحِيرُّ فِي تَبِّهِ الضَّلَالِ! مَا تَقُولُ فِي قَوْلِ النَّبِيِّ [ص]: ضَرْبَةُ عَلِيِّ يَوْمَ

خُنْدِقِ

أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ (۲). وَمِثْلُ ذَلِكَ أَكْثَرُ مِمَّا لَا يُحْصَى، فَافْتَحْ عَيْنَيْكَ يَا أَعْمَى! فَمَنْ
الْأَفْضَلُ مِنْهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ؟! أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ إِمَامِكَ الشَّافِعِيِّ:

كَفَى فِي فَضْلِ مَوْلَانَا عَلِيٍّ وَقُوعِ الشَّكِّ فِيهِ أَنَّهُ اللَّهُ
وَمَاتَ الشَّافِعِيُّ وَلَيْسَ يَدْرِي عَلِيٌّ رَبُّهُ أَمْ رَبُّهُ اللَّهُ

من حکیم سنایی (ره)

مرمر باور نمی آید ز روی اعتقاد

حق زهرا خوردن و دین پیمبر داشتن (۳)

مرکز تحقیقات کتب و اسناد

كَتَبَهُ زَعْمًا لَأَنْفِ رُوحِ الْبُخَارِيِّ حُسَيْنِ الْقَائِنِيِّ الْخُرَّاسَانِيِّ (۴).

(۱) عبارت درشت نوشته شده در حاشیه سمت راست و پایین این صفحه آمده است، و در کلمات عبدالرحمن بن احمد بن عبدالغفار می باشد.

(۲) ر.ک: الاقبال ابن طاووس ص ۴۶۷ و منابع دیگر.

(۳) ر.ک: دیوان سنایی چاپ مدرس رضوی ص ۴۶۹ با اختلاف.

(۴) خطوط حاشیه سه طرف بوسیله حسین قائنی خراسانی در مخالفت با روح البخاری نوشته شده است.

تحلية المولى صاحب الأعظم
مقصد طوائف الأمم شرف الدولة والدين
فضل الله ، عظم الله قدره

تذكرة تلخ في الله لصاحب الأعظم شرف الملة والدين
حبه الدامغاني عاقاه الله وأله رشداً في أمور
دينه ودنياه **بمكة نيرين**

هذه رسالة ربيعة وقصيدة في مدح المقدس جلاله
سعدنا برؤفاته المولى السيد جلال الدين فرزند رحمة الله
المهذب العلي الأسما محيي نبات الأرض بألسنة طهسان
علي شمس قلبه المشاء محيي وآله الأكرمين نعيم الدنيا والآخرة
ما طلع نجم لهم ادر نجم طلع زاهر تعالى وتقدس سببه الأسيان
لا عقل يؤول ولا كنهين برقى از سبحات انوار جلاله استهدا
معدل ونفوس كرساخ وايشان اصم حلت انبي در اقامه سيمه
سوات قوت وقدوت تدبير وتدوير ولست فرود واختلاف
اوضاع وحيات لظلال وتطايير وتباين مسير انجم تا ينال در اعلا
عناصر لا ماتحت فلك القربس موجبة تغيرات غريب وتبدلات
حبيب كرواندا تا تاملت فضول ارباب وتمامه موليد الملائكة تجر
ان تسليح ابن سدقات كك الاله اخلق ظاهر تبارك الله

* ۶۳۹ (۱) (۲)

* ۶۴۷ (۳) * تَذَكِرَةٌ لِلْأَخِ فِي اللَّهِ الصَّاحِبِ الْأَعْظَمِ شَمْسِ الْمَلَّةِ وَالَّذِينَ مُحَمَّدٍ الدَّامَغَانِيُّ
عَافَاهُ اللَّهُ وَاللَّهُمَّ رُشِدُهُ فِي أُمُورِ دِينِهِ وَدُنْيَاهُ بِبَلَدَةِ نِيرِيزِ (۴)

هذه رساله ربیعیه و قصیده

فی مَدْحِ الْمَلِكِ الشَّهِيدِ جلالِ الدِّينِ مسعود شاه من مَنشآتِ

المولی السعیدِ جلالِ الدِّينِ فِرَیدونِ بنِ عَکاشه رَحِمَهُمَا اللَّهُ تَعَالَى

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْأَسْمَاءِ، مُخْبِي نَبَاتِ الْأَرْضِ بِمَاءِ السَّمَاءِ [ع] وَالصَّلَاةُ عَلَى شَمْسِ فَلَكِ
السَّمَاءِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَكْرَمِينَ، نُجُومِ السَّنَاءِ (۵) وَالسَّنَاءِ (۶) مَا طَلَعَ نَجْمٌ بَاهِرٌ أَوْ نَجْمٌ طَلَعَ
زَاهِرٌ، تَعَالَى وَتَقَدَّسَ، مَسَبَّبُ الْأَسْبَابِي كِه عقل اول را که نخستین پرتوی از سبحات أنوار
جلال اوست مبدأ عقول و نفوس کل ساخت و ایشان را به حکم حکمت ازلای در اقالیم
سبعة سماوات (۷) قوت و قدرت تدبیر و تدویر کرامت فرمود و اختلاف اوضاع و هیات

(۱) متن عنوان صفحه پیشین در نسخه عکسی بیاض صفحه ۶۳۹ است که در محل صحیح آن قرار داده شد.

(۲) این صفحه قبل از صفحه ۶۴۷ نسخه عکسی بیاض قرار می گیرد و از ص ۶۴۷ تا ص ۶۶۱ به خط این کاتب است که نام کامل آن فضل الله بن نظام صاحب لوح است.

(۳) از صفحه ۶۴۷ تا ص ۶۶۱ نسخه عکسی بیاض به خط فضل الله بن نظام صاحب لوح در تاریخ ۴ رجب ۷۸۲ نوشته شده و در فهرست آقای مرتضی تیموری اشتباه است ضمناً ابتدای صفحه ۶۴۷ افتادگی دارد و رساله ای که برای محمد دامغانی دریلده نیریز به خط فضل الله بن نظام صاحب لوح نوشته شده است در بیاض وجود ندارد لازم به ذکر است برگ معرفی نام کاتب این مجموعه در ص ۶۳۹ نسخه عکسی بیاض آمده است که آن را قبل از صفحه ۶۴۷ قرار داده ام.

(۴) این کلمه در فهرست آقای مرتضی تیموری شماره ۶۱ تبری ز نوشته شده است.

(۵) ذیل لغت معنی آن رفعت نوشته شده است.

(۶) ذیل لغت معنی ضوء آمده است اما در فرهنگها به معنی احسان و نیکویی آمده است.

(۷) سموات.

افلاك و تغاير و تباین مسیر أنجم تابناك را در عالم عناصر كه ماتحت فلك القمر است موجب تغیرات غریب و تبدلات عجیب گردانید تا توارد فصول أربعه و توالد موالید ثلاثه نتیجه [ای] از نتایج این مقدمات گشت: ﴿أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ ۖ﴾ ۶۴۸ ﴿الْعَالَمِينَ﴾ (۱).

و حرکت خاصه [ی] تیر اعظم را كه شهنشاہ کشور چرخ دوار و تاج بخش انوار هر ثابت و سیار [ا] است بر مدار معدّل النهار مناط مناظم امور عالم سفلی كرد و حلول او را در برج حمل كه ذروه شرف اوست عمده اعتدال فصل بهار و میزان استواء لیل و نهار و مطلع طلایع انوار و ازهار و مایه فیض منابع و انهار گردانید از مهبت مواهب ﴿وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ﴾ (۲) از باد هوا عیسی دمی برانگیخت كه إحياء موات بنات نبات را یدبیضاء موسوی از آستین هر شاخ شكوفه به اهتزاز نمود.

و از مخزن غرایب رغایب ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ﴾ (۳) از خاك زمین بخار پاره [ای] چند دخان آمیز را به نوعی بر آسمان رسانید كه چند هزار هزار درّ شاهوار و گوهر آبدار از جیب و دامن به نایجه فتح الباب ﴿فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ﴾ [بمآءٍ مُنْهَمِرٍ﴾ (۴) بر اقطار آفاق نثار كردند

سحاب از هوا باز گوهر فشان شد	مگر دست دستور سلطان نشان شد
چو پیرست در عهد طفل شكوفه	عجب سالخورده جهان چون جوان شد
۶۴۹ چمن شد مزین چو تخت سلیمان	سرنرگس تازه تاج کیان شد
مگر طینت از آل عباس دارد	بنفشه كه نیلوفری طیلسان شد
شهنشاہ گل کشور آرای بستان	به آیین دارای کشورستان شد
چو زمع جهانگیر مسعود شاهی	به رزم اندرون لاله لعلی سنان شد

(۱) قرآن کریم سوره اعراف (۷) آیه ۵۴.

(۲) قرآن کریم سوره اعراف (۷) آیه ۵۷.

(۳) قرآن کریم سوره نور (۲۴) قسمتی از آیه ۴۳.

(۴) قرآن کریم سوره القمر (۵۴) آیه ۱۱.

سپهر جلالت که صیت جلالش زمین پی سپر کرد و بر آسمان شد
و به سعی مجاهزان جنوب و شمال از یمن و شمال در باغ و راغ انواع طرف لطایف و
أصناف تحف ظرایف از یاقوت رمانی و بیجاده بهرمانی و عود قماری و مشک تتاری از
کتم عدم به صحرا [ی] وجود آورد.

از خاک برانگیخته شد لعل و زبرجد با باد برآمیخته شد مشک و قرنفل
ذَهَبٌ حَيْثُ مَا ذَهَبْنَا وَ دُرٌّ حَيْثُ دُرْنَا وَ فِضَّةٌ فِي الْفَضَاءِ

نرگس معتل العین نسخه [ای] سقیم از چشم مخمور یار و بنفشه مهموز الفاسوادی
مشوش از طره نگار گل عذار کارگاه چمن بارگاه سلیمان و بلقیس، صرح مررد جویبار،
سرو خرامان:

وَالسَّرْوُ تَحْسِبُهُ الْعُيُونُ غَوَانِيَا قَدْ شَمَرَتْ عَنْ شَوْقِهَا^(۱) أَثْوَابَهَا

مرغان باغ:

كُلُّ مَعَ الْإِلْفِ فِي رَضْرَاضِ سَاقِيَةٍ كُلُّ مَعَ الزَّوْجِ فِي ضَخْضَاحِ غَنَاءِ

* ۶۵۰ * در ابتهاج و ازدواج و چکاوک و سار بر اطراف شاخسار زخمه‌های^(۲)

موسیقار در منقار گرفته و هزار و فاخته نوای نوآیین ساخته.

از دم فاخته و زمزمه بلبل مست

صحن‌بستان همه پر نغمه چنگست و رباب

پاکا، منزها، واجب الوجودی و فیاض الجودی که چنانچه عالم طبیعت را بر حسب
گردش چرخ انکلیون و چون فرش بوقلمون به اشجار و ازهار گوناگون رونقی تازه و
طراوتی بی‌اندازه بخشید عالم ملک و ملکوت و جهان دین و دولت را به فرآفتاب جلال و
سعد اکبر مطالع عز و اقبال مخدوم جهانیان، خدایگان امرا و وزراء زمین و زمان، حامی
بیضه مملکت و حارس مهجه سلطنت، جلال الدنیا والدین، مُرَبِّي أَعَاظِمِ السَّلَاطِينِ، زُبْدَةُ

(۱) سونها.

(۲) زخمها.

مِنْخَصَّةِ الْمَاءِ وَالطَّيْنِ، الَّذِي هُوَ أَطْوَلُ الْمُلُوكِ بَاعاً وَأَرْحَبُهُمْ ذِرَاعاً وَأَعْظَمُهُمْ مَهَابَةً وَجَلَالَةً
وَأَكْمَلُهُمْ قُوَّةً وَبَسَالَةً، دَرَّتْ بِمَيَامِينِهِ بَرَكَاتُ السَّمَاءِ وَدَارَتْ رَحَى الْأَفْلَاقِ بِدِيَمِ الْأَنْدَاءِ وَ
تَحَلَّى عِطْفَ الْبَسِيطَةِ بِوَشَائِعِ (۱) الْأَزْهَارِ وَدَبَّ مَاءُ النَّضَارَةِ فِي عُرُوقِ الْأَشْجَارِ، فَلَوْ رَأَهُ
أَفْرِيدُونُ (۲) عَاقِدُ النَّجَاحِ أَوْ أَنْوَشِيرَوَانُ قَارِعُ سَرِيرِ (۳) الْعَاجِ لَيَتَضَاءُ لَا لِرَفِيعِ قَدْرِهِ وَتَصَاغِرَا
لِعَظِيمِ أَمْرِهِ.

نَفَذَهُ اللَّهُ تَعَالَى أَحْكَامَهُ وَأَمْضَى فِي الْخَافِقِينَ سُبُوفَهُ * ۶۵۱ * وَأَقْلَامَهُ وَزَيْنَ بِصُنُوفِ
صَنَائِعِهِ (۴) لِيَالِيَهُ وَأَيَّامَهُ، بِحَيْثِيَّتِي كِه (۵) لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبٍ بَشَرٍ
أَرَاستِه گر دانید و امداد فیض سحاب رحمت ﴿کَمَاءٍ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ فَأَخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ
الْأَرْضِ وَأَنْبَتْنَا مِنْهُ حَدَائِقَ (۶) ذَاتَ بَهْجَةٍ﴾ ساحت مملکت را چون صحن صحرا [ی] جنت
فردوس به ریاحین امن و امان و شکوفه عدل و ثمرات احسان تزیین داد و به اعتدال
هوا [ی] دولت او که ربیع الأبرار آیام است گلبرگ بهجت و نوبهار سعادت بر شاخسار
أمائل علما [ی] اعلام و فضلا [ی] آیام و ملوک اکناف و اشراف اطراف و اوتاد بلاد و عباد
عباد و کافه انام و سایر خواص و عوام نصرت (۷) و طراوت و خضرت و نداوتی یافت که
دست آسیب خزان و تشبث نکبا [ی] حدثان مَدَى الشُّهُورِ وَالْأَعْوَامِ بِلِإِلَى مُنْقَرَضِ اللَّيَالِي
وَالْأَيَّامِ از تعرض اذیال و اکمام آن قاصرند (۸) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى ذَلِكَ حَمْدًا يَمْتَدِي (۹)
أَخْلَافَ الْمَزِيدِ وَيَسْتَدْعِي الْلَطَافَ الْفَضْلِ الْجَدِيدِ، بِهِ حُكْمَ أَنْكِهِ دَر [ا] یَن رُوز نورو ز و
موسم فرخنده فیروز که طراز دیباچه جشن شاهان عجم و عنوان طرب نامه افریدون و

(۱) وشایع .

(۲) افریدون .

(۳) سریر .

(۴) صنایعه .

(۵) کاربرد حرف که فارسی در متن هری .

(۶) حدائق .

(۷) نصرت .

(۸) قاصراند .

(۹) در متن : یمتدی .

جم است هر فردی از افراد اولیا [ی] دولت قاهر^(۱) و اَحِبَّاءِ [ی] حضرت^(۲) زاهر^(۳) به اقسام تُحَف و هدایا من الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ بَدین درگاه * ۶۵۲ * گردون‌سای و بارگاه فرقدین آسا تقرب می نمودند بر قضیته:

لَا خَيْلَ عِنْدِي أَهْدِيهَا وَلَا مَالَ فَلْيَسْعِدِ النَّطْقُ إِنْ لَمْ يَسْعِدِ الْحَالُ

بنده کمینه و دولتخواه دیرینه شرطیّه لزومیّه، هواخواهی را از رساله مقدم و قصیده تالی ترتیب کرده می گوید:

چیست کان نیست تو را تا بر تو آن آرند

هم سخن زانکه^(۴) سخن نزد سخندان آرند

فَأَقْبِلْ^(۵) هَدِيَّةَ خَادِمٍ لَمْ يَسْتَطِعْ

إِهْدَاءِ^(۶) غَيْرِ نَتَائِجِ^(۷) الْأَفْكَارِ

بده ساقیا بساده ارغوانی فَقَدْ هَزَّ عِطْفِي^(۸) غِنَاءُ الْغَوَانِي
و بادزِ إِلَى الرُّوْضِ نَشْرَبُ وَنَطْرُبُ بِسَجِّعِ الْقُمَارِي وَرَجْعِ الْقِيَانِ^(۹)
أَيَا لَعْلَ تَوْجِهُمُ زَنْدِگَانِي وَيَا وَصْلَ تَوْمَائِي كَامِرَانِي
جهان شد نوآیین شرابی کهن ده كَسْرُوبِيرِ يَابَدِ نَسْوَا [ی]^(۱۰) جَوَانِي
أَنْلِنِي مِنَ الْقَرْقُفِ الْوَزْدِ صِرْفًا مَدَى الْعُمْرِ يُنْسِينِكَ صَرْفَ الزَّمَانِ

(۱) قاهره .

(۲) حضرة .

(۳) زاهره .

(۴) زانك .

(۵) ناقبل .

(۶) اهدأ .

(۷) نتایج .

(۸) ذیل لغت نوشته شده ای منکبی .

(۹) کنار لغت معنی آن نوشته شده است المغنیه .

(۱۰) نوا .

خُذِ الْكَأْسَ وَاصْفَحْ عَنِ الدَّهْرِ صَفْحاً
 میان گل و لاله گلگون میی ده
 چو مغنی زچنگست نای چکاوک
 ۱۵۳ بُسْ مِنْ مِئِمَّةِ الْكَأْسِ مِنْ غَيْرِ بَأْسٍ
 شب و روز مرغان باغند ناطق
 فَصَخْبُ الْمَثَالِثِ صَوْتُ الْهَزَارِ
 يُذَكِّرُنِي الْغَيْدُ عِنْدَ التَّثْنِي
 دَعِ الرُّوحُ تَأْخُذُ مِنَ الرِّيحِ خَطَاً
 همه کار ابرست ترصیع کاری
 سَحَابٌ^(۳) تَسْحَبْنَ أَذْيَالَهُنَّ
 فرو ریخت ابر از هوا در بحری
 همه کوه و دشتست لعل بدخشی
 قیامت مگر شد که کرد آشکارا
 مِنَ السُّنْدُسِ الْخَضِرِ فِي كُلِّ وَادٍ
 هوا کارگاهست از خز آدکن
 سمن شد به دیدار بتها [ی] آذر
 شقایق چو بر شاخ مینا [ی] أخضر
 برافراخت چون رایت فتح خسرو

إِذَا صَافَحَ الْوَزْدُ بِالْأَرْجُوَانِ
 که رخ را دهد گونه ارغوانی
 مَغْنَى هُمُ بَسْ مِئِمَّةِ مَغَانِي
 فَبَاسَ الصَّبَا مِئِمَّةِ الْأَقْحُوَانِ
 به تکرار و تذکار علم آغانی
 وَ صَدْحُ الْحَمَائِمِ^(۱) ضَرْبُ الْمَثَانِي
 إِذَا اهْتَرَى فِي الرُّوضِ قَضْبَانُ بَانَ
 إِذَا^(۲) الرِّيحُ تَأْتِي بِرُوحِ الْجِنَانِ
 همه صنعت باد عنبرفشانی
 فَيَنْثَرْنَ مِنْهَا عُقُودَ الْجَمَانِ^(۴)
 برانگیخت باد از زمین زرکانی
 همه باغ و راغ است جزع یمانی
 زمین گنجهایی که بودش نهانی
 ثِيَابٌ وَمِنْ عِبْقَرِي حِسَانِ
 زمین فرشی از دیبه خسروانی
 چمن شد به کردار آرتنگ مانی
 یکی چتر بیجاده بهر مانی^(۵)
 سحاب از هوا کلهها [ی]^(۶) دخانی

(۱) الحمایم .

(۲) اذدر حاشیه هم این واژه را تصحیح کرده است .

(۳) سحاب .

(۴) ذیل لغت نوشته شده مهره سیمین در فرهنگها به معنی مروارید هم آمده است .

(۵) یکی از انواع باقوت سرخ را گویند .

(۶) کلهها .

به فرّ (۱) و فروغ کلاه کیانی
 به انوار دیهم صاحب قرانی
 سُعُودُ بِهَا أَشْرَقَ الْمَشْرِقَانِ
 بِهَا الْفَرْقَدَانِ مِنَ الْفَرَقِ دَانِ
 به تو تا تو دارای ملک جهانی
 هر آنچه آن بوهم اندر آید تو آئی
 وَمِنْ كَفِّ ضَيْمٍ وَمِنْ فَكِّ عَانِ (۲)
 وَنَادِيكَ لِالْفَضْلِ مُلْقَى الْجِرَانِ (۳)
 وَلِقِيَاكَ مِنْ مِصْبَاحِ نَيْلِ الْأَمَانِ
 وَأَسْتَتِ الْبَلَدَيْنِ أَقْوَى الْمَبَانِي
 به تدبیر دستور سلطان نشانی
 وراز راه انصاف نوشیروانی
 به شوکت فریدون رستم نشانی
 بر اشخاص و افراد انسی و جانی
 وگر جسم ملک است در وی تو جانی
 تو مطلوب تدویر هفت آسمانی
 تو سر جمله [ی] حاصل کن فکانی
 چو روح مقدس فزون از مکانی

* ۶۵۴ * بیاراست برج شرف شاه انجم
 چو خورشید چرخ جلالت جهان را
 بآراء مسعود شاه اشتهلت
 و شهید لیه لالمعالی قُصُورُ
 جهان شهریارا، جهان می بنازد
 تو آنی که در نظم کار خلاق
 فَمِنْ ضَمِّ فَتْحٍ وَمِنْ جَبْرِ كَسْرِ
 آیادیک بالطول غوث البرایا
 و مَرَضَاكَ مِفْتَاحُ بَابِ الْأَمَانِ
 وَشَيْدَتَ لِمُلْكِ أَعْلَى الْبَنَائِيَا
 به شمشیر نوین کشورگشایی
 گر از روی رایست بوزرجمهری
 به رتبت سلیمان آصف صفاتی
 سلیمان عهدی و حکم تو نافذ
 اگر چشم عدلست در وی تو نوری
 ۶۵۵ تو مقصود ترکیب چار آخشیجی (۴)
 تو پیرایه عالم خلق و امری
 چو عقل مجرد برون از زمانی

(۱) یفرّ.

(۲) ذیل لغت معنی آن اسیر نوشته شده است.

(۳) کنار این لغت آمده است: آنجا که شتر زانور امی نهاد مادر فرهنگها این معنی ضبط نشده است به معنی قسمت پیشین گردن شتر آمده است باید دانست که ملقی الجران کنایه از آمادگی است: ألقى فلان علی هذه الأمر جرانه یعنی فلانی خود را برای آن کار آماده کرد.

(۴) ذیل آخشیج معنی آن: عناصر نوشته شده است.

چنان چون مه و مهر در دور گردون
 خداوندگارا مرا با جنابت
 بنه هندوستان سواد مدیحت
 چو رانم سخن در صفات جلالت
 فَتَثْرِي لَهٗ نَثْرَةَ الْجَوْ تَغْنُو (۱)
 مُجَلِّي جِيَادِ الْمَيَادِينِ حَسْرَى (۲)
 فَمَنْ ذَا الَّذِي فِي سِيَاقِ السُّبَاقِ
 وَدَائِعُ (۳) ذِهْنِي خَدَعْنَ الْعُقُولَ
 بَدَائِعُ (۴) طَبِيعِي بَهْرَنَ (۵) الْعُيُونِ
 مرا تربیت کن که در وصف ذات
 تصانیف سازم به فرخنده نامت
 ملوک جهان را کدامین ذخیره
 * ۶۵۶ * ألا تا بگرید هوای بهاری
 گل دولت در بهار سعادت (۶)
 همایون تو را روز نوروز و روزت
 چنان باد حکم قران کواکب
 وَقَدْ أَحْسَنَ مَنْ قَالَ: رَحِمَ اللَّهُ امْرَأَةً أَطْلَقَ مَا بَيْنَ كَفْتَيْهِ وَأَمْسَكَ مَا بَيْنَ فَكْتَيْهِ وَلِلَّهِ دَرُّ أَبِي
 الْفَتْحِ الْبُشْتِيِّ حَيْثُ يَقُولُ فِي مَعْنَى هَذَا الْمَثَلِ:

(۱) ذیل لغت معنی آن: فروتنی کند، نوشته شده است.

(۲) ذیل این واژه معنی آن: کند، نوشته شده است و در فرهنگها به معنی خسته شدن شتر آمده است.

(۳) ودایع.

(۴) بدایع.

(۵) ذیل این کلمه معنی آن: غلبن نوشته شده است.

(۶) سعادت.

تَكَلَّمْ وَ سَدِّدْ مَا اسْتَطَعْتَ فَإِنَّمَا
كَلَامُكَ حَتَّى وَالسُّكُوتُ جَمَادُ
فَإِنْ لَمْ تَجِدْ قَوْلًا سَدِيدًا تَقُولُهُ
فَصُنَّتُكَ عَنِ غَيْرِ السَّدِيدِ سَدَادُ

وَاحْتَذَاهُ الْقَاضِي أَبُو أَحْمَدَ مَنْصُورُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَرَوِيُّ فَقَالَ:

إِذَا كُنْتَ ذَاعِلُكُمْ وَمَارَاكَ جَاهِلُ
فَأَعْرِضْ فِي تَرْكِ الْجَوَابِ جَوَابُ
وَإِنْ لَمْ تُصِبْ فِي الْقَوْلِ فَاسْكُتْ فَإِنَّمَا
سُكُوتُكَ عَنِ غَيْرِ الصَّوَابِ صَوَابُ
وَضَمَّنَ الشَّيْخُ أَبُو سَهْلٍ النَّبَلِيُّ شَرَايِطَ (١) الْكَلَامِ قَوْلُهُ حَيْثُ يَقُولُ:
أَوْصِيكَ فِي نَظْمِ الْكَلَامِ بِخَفْسِيَّةٍ
لَا تَغْفَلَنَّ سَبَبَ الْكَلَامِ وَوَقْتَهُ
إِنْ كُنْتَ لِلْمَوْصِي الشَّقِيقِ مُطِيعًا
وَالكَيْفَ وَالكَمَّ وَالْمَكَانَ جَمِيعًا

وَالْبَحْرُ يَسْقِيهِ السَّحَابُ وَمَالُهُ
فَضْلٌ عَلَيْهِ لِأَنَّهُ مِنْ مَائِهِ (٢)

٦٥٧ وَلَوْ أَنَّ فِي كُلِّ مَنْبَتٍ شَعْرَةٌ
لِسَانًا لَمَا اسْتَوْفَيْتَ وَاجِبَ حَمْدِهِ
بَذَلْتُ لَهُ رَقِي فَمَا أَنَا عَبْدُهُ
وَقَصْرْتُ فِيمَا قُلْتُ بَلْ عَبْدُ عَبْدِهِ

شَيْتَانِ (٣) يَعْجِزُ ذُو الرِّيَاضَةِ عَنْهُمَا
رَأَى النِّسَاءَ وَإِمْرَةَ الصُّبْيَانِ
أُمَّا النِّسَاءَ فَمَيَّلُهُنَّ إِلَى الْهَوَى
وَأَخُو الصُّبْيَى يَجْرِي بِغَيْرِ عَنَانِ

شَيْتَانِ لَوْ بَكَتِ الدَّمَا [ء] عَلَيْهِمَا
عَيْنَايَ حَتَّى تُوَدَّبَا بِذَهَابِ
لَمْ تَقْضِيَا الْمِعْشَارَ مِنْ حَقِّهِمَا
شَرِخُ الشَّبَابِ وَفُرْقَةُ الْأَحْبَابِ

(١) شرايط .

(٢) مائه .

(٣) شيان .

إِذَا أَنْتَ لَا تُرْجَى لِدَفْعِ مَسَلَّةٍ وَلَمْ يَكْ لِلْمَعْرُوفِ عِنْدَكَ مَطْمَعٌ
وَلَا أَنْتَ مِمَّنْ يُسْتَعَانُ بِجَاهِهِ وَلَا أَنْتَ يَوْمَ الْحَشْرِ مِمَّنْ يَشْفَعُ
فَعَيْشُكَ فِي الدُّنْيَا وَمَوْتُكَ وَاحِدٌ وَعُودٌ خِلَالَ مِنْ وَصَالِكَ أَنْفَعُ

إِذَا لَمْ يَكُنْ لِي مِنْكَ عِزٌّ وَلَا غِنَى وَلَا عِنْدَ مَا يَغْتَالِنِي الدَّهْرُ مَوْتَلٌ (۱)
فَكُلُّ التِّفَاتِ لِي إِلَيْكَ تَكْرُمًا وَكُلُّ سَلَامٍ لِي عَلَيْكَ تَفَضُّلٌ

للحكيم أفضل الدين الكاشي

گفتم همه ملک حسن سرمایه تست خورشید فلک چو ذره در سایه تست
گفتا غلطی ز ما نشان نتوان داد از ما تو هر آنچه دیده [ای] پایه تست (۲)

للشأنی

هیچ دل را به کنه او ره نیست عقل و جان از کمالش آگه نیست
* ۶۵۸ * ذات او سوی عارف و عالم برتر از ما و کیف و از هل و لم
عقل کل یک سخن ز دفتر او نفس کل یک پیاده از در او
به خودش کس شناخت نتوانست ذات او هم به او توان دانست
از تو از خود شناختن عاجز کسی شناسی خدای را هرگز
چون تو در علم خود زیون باشی عارف کردگار چون باشی
فعل او خارج از درون و برون ذات او برتر از چگونه و چون
نیست از راه عقل و وهم و حواس جز خدا هیچ کس خدای شناس (۳)

(۱) موبل .

(۲) ر. ک. دیوان افضل الدین کاشی (باها افضل) ص ۱۲۹ .

(۳) ر. ک. حدیقة الحقیقة سنایی به تصحیح مدرس رضوی ص ۲ به بعد .

لَغِيْرَه

کو دل که بداند نفسی اسرارش کو گوش که بشنود دمی اسرارش
معشوق جمال می‌نماید شب و روز کو دیده که او برخورد از دیدارش

عراقی

برتر ز چند و چون جبروت و جلال او بیرون زگفت و گو صفت لایزال او
نگذشت و نگذرد نظر هیچ‌کاملی گرد سرادقات جلال و کمال او^(۱)

لَغِيْرَه

بر بنده در طرب‌گشایی چه شود روی چو مهت به من نمایی چه شود
چون آمدنم به نزد سامان نیست ای دوست اگر بر من آیی چه شود

جمال (۲)

دل گفتم گرش یار سپاه‌یست مترس
ورمیل دلش سوی تباه‌یست مترس

چشمست که در لشکر حسنش حکم‌یست

باقی خط و خال او سیاه‌یست مترس

* ۶۵۹ * امن و شباب و صحت نفس و توانگری

در ضمیر نه فلک به ازین چارگانه نیست

ای کاین چهار ملک شریفست مسلمست

دریاب کام خویش که هیچت بهانه نیست

همه شبها [ی] تو چون روز جوانی خرم همه اوقات تو فرخنده چو ایام وصال

(۱) ر.ک: دیوان عراقی به کوشش سعید نفیسی ص ۱۱۳.

(۲) این کلمه ظاهرأ جمال خوانده می‌شود.

ای تا به ابد شب تمنّات آبتن روزها [ی] مقصود^(۱)

عَلَى النَّاسِ طُرّاً إِنَّهَا تَتَقَلَّبُ	إِذَا جَادَتِ الدُّنْيَا عَلَيْكَ فُجْدُ بِهَا
وَلَا الْبُخْلُ يُسْبِقُهَا إِذَا هِيَ تَذْهَبُ	فَلَا الْجُودُ يُفْنِيهَا إِذَا هِيَ أَقْبَلَتْ
وَمَنْ كَانَ أَسْمَى كَانَ بِالْمَجْدِ أَجْدَرَا	وَلَمْ أَجِدِ الْإِنْسَانَ إِلَّا بِنُ سَعِيهِ
وَأَنْفُوا الْكُرَى بِالْحُمَيَّا عَنْ مَا قِينَا	هَاتُوا الصُّبُوحَ فَوَجْهُ الصُّبْحِ لاقِينَا
فَنَحْنُ رَوْضٌ وَأَيْدِيكُمْ سَوَاقِينَا	وَلَا تَحْرِمُونَا كُوُوسَ الرِّاحِ سَادَتْنَا
كَأَنَّهَا عَصِرَتْ مِنْ خَدِّ سَاقِينَا	هَاتُوا مُشْغَشَعَةَ حَمْرَاءَ صَافِيَتْنَا
فَدَعِ الدِّيَارَ وَاشْرِعِ التَّخْوِيلَا	وَإِذَا الدِّيَارُ تَغَيَّرَتْ عَنْ حَالِهَا
فِي بَلَدَةٍ تَدْعُ الْعَزِيْزُ ذَلِيْلَا	لَيْسَ الْمَقَامُ عَلَيْكَ حَتْمًا وَاجِبًا
أَلَا تُفَارِقُهُمْ فَالرَّاحِلُونَ هُمْ	إِذَا تَرَحَّلْتَ عَنْ قَوْمٍ وَقَدْ قَدَّرُوا
لِدَيْبِجَتِيهِ فَاغْتَرِبَ بِتَجْدُدِ	وَطُولِ مَقَامِ الْمَرْءِ فِي الْحَيِّ مُخْلِئُ
إِلَى النَّاسِ إِنْ لَيْسَتْ عَلَيْهِمْ بِسَرْمَدِ	فَبِأَيِّ رَأَيْتُ الشَّمْسَ زَيْدَتْ مَجْبَتُ

۶۶۰* أَيْنَ الْكِرَامُ ذَوُو الْإِفْضَالِ، أَيْنَ هُمْ بَادُوا فَلَمْ يَبْقَ مِنْهُمْ فِي الْوَرَى أَحَدُ
إِنِّي لِأَبْكِي عَلَى فَقْدِ الْكِرَامِ كَمَا بَكَى عَلَى أُمِّهِ الْمَفْقُودَةَ، الْوَلَدُ

قيل لِمَجْنُونِ بْنِ عَامِرٍ

هَلِ الدَّهْرُ يَوْمًا يَلْتَلِي بِجُودُ	وَأَيَّامَنَا بِاللَّوَى هَلْ تَعُودُ
أَلَا قُلْ لِسُكَّانِ وَاوِي الْحَبِيبِ	هَنِيئًا ^(۲) لَكُمْ فِي الْجِنَانِ الْخُلُودُ
أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ فَيُضَا	فَنَحْنُ عَطَّاشٌ وَأَنْتُمْ وَرُودُ
وَسَادِنُ فِي الْقُصُورِ مَاوَاهُ	وَفِي رِيَاضِ الْقُلُوبِ مَرْعَاهُ

(۱) هیچیک از شش بیت فوق در دیوان جمال الدین عبدالرزاق با تصحیح و حواشی وحید دستگردی وجود ندارد.

(۲) هنیئاً.

قَدْ كَتَبَ الْحُسْنَ فَوْقَ جَبْهَتِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا مَلِيحَ إِلَّا هُوَ
شَبَّهْتُهُ بِالْهَلَالِ حِينَ بَدَأَ قَسَلْتُ رَبِّي وَرَبَّكَ اللَّهُ

لِلشُّبْلِ رَحْمَةَ اللَّهِ عَلَيْهِ

لَهَا فِي طَرْفِهَا لَحْظَاتُ سِحْرِ تُمِيتُ بِهَا وَتُحْيِي مَا تُرِيدُ
وَتَسْبِي الْعَالَمِينَ بِمُقَلَّتِهَا كَأَنَّ الْعَالَمِينَ لَهَا عَبِيدُ
أَلَا حِظُّهَا فَتَعَلَّمْ مَا بِقَلْبِي وَأَلْحِظْهَا فَتَعَلَّمْ مَا أُرِيدُ

خوی خوش تو چشم و چراغ تو بس است

تسلیم و رضا بهار و باغ تو بس است

ور زانکه نعوذبالله این وصف تو نیست

محرورم ازین صفات داغ تو بس است



جانا به سفر مرو مرنجان جانم ~~کز دیده فرو چکد چو مرجان جانم~~
گر تو بروی، جمله بخواهد رفتن از تن، تن و از دل، دل و از جان، جانم

۶۶۱ دی بر سر کو، چو دلستانم می‌رفت هوش از دل و طاقت از روانم می‌رفت
او می‌شد و چشمم زیش می‌نگریست دیدم به دو چشم خود که جانم می‌رفت

مُرَادِي مِنَ الْعُمْرِ مَزَاكُمُ وَ عَيْشِي مِنَ الدَّهْرِ مَعْنَاكُمُ
فَلَوْلَاكُمُ مَا عَرَفْنَا الْهَوَى وَلَوْلَا الْهَوَى مَا عَرَفْنَاكُمُ

لِلشَّيْخِ سَيْفِ الدِّينِ بَاخْرَزِي

دنیا که به هر پایه زدستی دگرست هر روز بلندی ده پستی دگرست
همچون زنکان بی‌حیا هر نفسی آرامگهش کنار مستی دگرست

لمجدالدين همگر

گیرم که به عمر اجل دهد تاخیرم
تقدیر بود موافق تدبیرم
ایام شباب را عوض کی یابم
یاران گذشته را بدل چون^(۱) گیرم

هَبِّ اللَّيَالِي يُنْهِنِي إِلَى أَمَدٍ وَ بِالَّذِي أَرْتَجِيهِ يَسْعِفُ الْقَدْرُ
فَأَيْنَ أَيَّامٌ غَيْرَ مَا لَهَا عَوْضٌ وَ أَيْنَ إِخْوَانٌ صِدْقٍ مَا لَهُمْ أَثَرٌ

ای قدّ خوش تو سرو شاداب حیات^(۲)
وی نوش لبّت داروی نایاب حیات
بسا قدّ تو، باد در کف سرو چمن
بالعلّ تو، خاک بر سر آب حیات

يك دل چه كند هزار جان بازی كرد خون خورد و خموش بود ودمسازي كرد
می خواست که راز خود به کس ننماید خون دل و آب دیده غمّازی كرد

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

مُحَرَّرُ هَذِهِ الْأَوْرَاقِ، أَقْلُ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَحْوَجُهُمْ فَضْلُ اللَّهِ بِنِظَامِ صَاحِبِ لَوْحِ تَابِ
اللَّهِ عَلَيْهِ فِي الرَّابِعِ عَشَرَ مِنْ رَجَبِ الْمُرْجَبِ لِسَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَ تَعَانِينَ وَ سَبْعِمِائَةٍ حَامِدًا وَ مُصَلِّيًا
وَ مُسْتَغْفِرًا [له].

(۱) کلمه چون محو شده است.

(۲) حیوة و هکذا دو مورد بعد.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

[مَا كَتَبَهُ أَحَدٌ مِنَ الْأَعْلَامِ]
[مِنْ أَيْتٍ بِالْفَارِسِيَّةِ]

خدا را انی صبا بر خیز و از دایمی سامی مر
بدان شاه جهان که کی انار غضنفر فر
فهر سماء خرم هم از عمر فراسا و عمر افرا
جاء انان جهان آسای ما حب آر محمد
سبا در روی صاحب را کون اصل نختن
فر فر کون تا که منظر منظر در آرد اگر جبر در
تجا که اصل ز ستم او ز معدن دست و در یاد
عظما باش خطابوش سخن ضد صبی و زور
فقا عزیم مدار مدار ملک ملک ملک
عطار در جرم زهره بزم کبوان زدم در منظر
نبا زنده آدم ماب جمله عالم
همان عزیم و در اول خردوی ملک
که سلطان اس سلطان است سلطان
منود باک شاه در محسنه شاه اسکندر
علم الخلق حامل طوق تامر للورد والشکون
سوم مراد صلا مالی نسل داکن ذآرے الجوم

خدا را ای صبا برخیز و از داعی پیام بر
بر آن شاه جهاندار، کی آثار، غضنفر فر
قمر سیما [ی] خور طغرا [ی] غم فرسا [ی] عمر افزا
جهان آرای جان آسای راحت آر محنت بر
مبارک روی صاحب را [ی] (۲) گیو (۳) اصل تهمتن تن
فریدون فال قیصر قصر دارادار (۴) حیدر در
قباد اقبال رستم زور معدن دست و دریا دل
عطا پاش خطاپوش، خردمند هنر پرور
قضا عزم قدر قدر فلک ملک، ملک مکت
عطار د جرم زهره بزم کیوان رزم مه منظر (۵)
ببقاء زیده (۶) آدم مآب جمله عالم
جهان عزت (۷) و دولت خدیو (۸) ملکت و افسر

(۱) این متن در نسخه عکسی بیاض ص ۱۶۶۳ است.

(۲) را.

(۳) کیور.

(۴) داردار.

(۵) منتظر.

(۶) پناه زنده هم خوانده می شود.

(۷) عزة.

(۸) خدیوی.

کہ سلطان ابن سلطان ابن سلطان است
ستوده پسادشاه دین خجسته شاه اسکندر
حَلِيمُ الْخُلُقِ حَامِلُ خَلْقٍ، مَاجِي الْجَوْرِ وَالشُّكُوءِ
کریم مردمان، عالی نسل ذاکسی ذاتی الجَوهر (۱)



مرکز تحقیقات و پژوهش علوم اسلامی

(۱) مطالب این صفحه به خط کاتبی نامعلوم است که احتمالاً داعی تخلص داشته است، لذا ارتباطی به کتابت و کلام عزالدین مطهر ندارد زیرا سخنان عزالدین مطهر از ص ۶۶۲ تا نام و حمد خداوند درود بر نبی مکرم اسلام (ص) شروع می شود و تا صفحه ۶۸۳ ادامه دارد.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

مِمَّا أَفْصَحَ عَنْ لَطَائِفِ الْمُرْتَضَى الْأَعْظَمِ
صَاحِبِ جَوَامِعِ الْكَلِمِ فِي نَوَائِجِ الْحِكْمِ عِزِّ الْمَلَّةِ وَالدِّينِ
مُطَهَّرِ أَعْلَى اللَّهِ شَأْنَهُ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَعْتَمِرُ
أَهْمَدُ عَسَدًا عَلِبُ الْعِلْمِ وَيَمْرِي مِنْ عَوَانِي ضَيْدِ الدِّينِ
ثُمَّ الصَّلَاةُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى عَشِيرَتِهِ الطَّاهِرِينَ وَالرَّالِطِينَ
مَنْ أَرَادَ الدِّينَ فَلْيَعْتَمِدْ وَمَنْ أَرَادَ الْفِرْقَةَ فَلْيَتَّبِعْ
أَرَادَ كَيْفَهَا فَلْيَتَّقِلْمَ صِدْقِ النَّبِيِّ الْمُجْتَبَى الصَّادِقِ الْمَخَارِجِ
مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِعِبَادَةِ اللَّهِ فَارْبِحْ مِنَ الرَّشَادِ
فَالْحَيَاتَانِ طَالِبِهِ أَنْ يَفْضَلَ مِنَ الْعِبَادِ
عَلَى أَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ عَلَى عِلْمِهِ السَّلَامِ
الْعَاقِبَةُ عَشْرَةٌ أَجْرُ تِسْعَةٍ مِنْهَا فِي الْعَهْدِ الْأَوَّلِ
وَوَاحِدَةٌ فِي تَرْكِ بَحَارِ السَّهَابِ مِنْ ظِلِّ حَسَنِ عَلَيْهِ
عَلَيْهَا السَّلَامُ الْفَكْرُ حَيْثُ قَلْبُ الْعَصِيرِ الْمَعْرُوفِ مَا لَمْ
يَتَقَدَّمْ مِثْلُهُ وَلَمْ يَتَّبِعْهُ مِثْلُ الْجَعْلِ أَنْ يَرَى الْمُرْدَا
أَنْفَعَهُ تِلْكَ وَمَا أَمَسَكَ شَرَفًا مِنْ كَلَامِ حَسَنِ عَلَيْهِ
السَّلَامُ إِنْ حَوِيَ النَّاسُ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعْمٍ لَمْ تَلَوْا النِّعْمَ فَتَحْمَرُّ نَفْسًا

※ ٦٦٣ (١) ※

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ ※ ٦٦٤ ※

الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَجْلِبُ النُّعْمَا وَيُمَيِّرِي مِنْ عَوَاذِي فَصَلِي الدَّيْمَا
ثُمَّ الصَّلَاةُ عَلَى أَعْلَى الْوَرَى شَرَفًا مُحَمَّدٌ بَهَرَتْ أَنْوَارُهُ الظُّلْمَا
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى عِترته الطَّاهِرِينَ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ : مَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا
فَلْيَتَجَرَّزْ وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ فَلْيَتَزَهَّدْ وَ مَنْ أَرَادَ كِلَيْهِمَا فَلْيَتَعَلَّمْ (٢).

صَدَقَ النَّبِيُّ الْمُخْبِرُ الصَّادِقُ الْمُخْتَارُ :

مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِلْمَعَادِ فَازَ بِفَضْلِ (٣) مِنَ الرَّشَادِ
[..] (٤) طَالِبِهِ إِلَى فَضْلِ مِنَ الْعِبَادِ

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامُ الْمُعْصُومِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْعَاقِبَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ ، تِسْعَةٌ مِنْهَا
فِي الصَّمْتِ إِلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَ وَاحِدَةٌ فِي تَرْكِ مُجَالَسَةِ الشُّفَهَاءِ (٥).

مِنْ كَلَامِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ : التَّفَكُّرُ حَيَاةُ قَلْبِ الْبَصِيرِ . الْمَعْرُوفُ مَا لَمْ
يَتَّقَدَّمْهُ مَطَّلٌ وَ لَمْ يَتَّبِعْهُ مَنْ . الْبُخْلُ أَنْ يَرَى الْمَرْءُ مَا أَنْفَقَهُ تَلْفًا وَ مَا أَمْسَكَهُ شَرَفًا .

مِنْ كَلَامِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ : إِنْ حَوَائِجَ (٦) النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ فَلَا تَعْلَمُوا

(١) صفحه عنوان که در صفحه پیشین قرار داده شد در نسخه عکسی بیاض ص ١٦٦٢ است . صفحه عنوان مربوط به نویسنده صفحات ٦٦٤ تا ٦٨٣ از نسخه عکسی بیاض است ، لذا به جای ٦٦٣ قرار می گیرد دو صفحه ٦٦٣ به خط کاتبی نامعلوم است که احتمالاً ادعای تخلص داشته است .

(٢) بحار الانوار ٤٧/١٨٤ باب ٦ .

(٣) بضل .

(٤) در این موضع دو کلمه خوانده نمی شود .

(٥) مستدرک ٨/٣٣٧ باب ١٦ .

(٦) حوایج .

النَّعْمَ فَتَجُورُوا بِقَمَاءِ (١) . * ٦٦٥ * إِنَّ أَجْوَدَ النَّاسِ مَنْ أُعْطِيَ مَنْ لَا يَزْجُوهُ وَإِنَّ أَعْفَى النَّاسِ مَنْ عَفَا عَنْ قُدْرَتِهِ وَإِنَّ أَوْصَلَ النَّاسِ مَنْ وَصَلَ مَنْ قَطَعَهُ .

مِنْ كَلَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ خَبَأَ (٢) ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ : خَبَأَ رِضَاهُ فِي طَاعَتِهِ فَلَا تَحْقِرَنَّ مِنَ الطَّاعَةِ شَيْئاً (٣) فَلَعَلَّ رِضَاهُ فِيهِ ، وَخَبَأَ سَخَطَهُ فِي مَعْصِيَتِهِ فَلَا تَحْقِرَنَّ مِنَ الْمَعْصِيَةِ شَيْئاً فَلَعَلَّ سَخَطَهُ فِيهِ ، وَخَبَأَ (٤) أَوْلِيَاءَهُ (٥) فِي خَلْقِهِ فَلَا تَحْقِرَنَّ أَحَدًا فَلَعَلَّ ذَلِكَ الْوَلِيُّ .

مِنْ كَلَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ (٦) : عَلَى الْعِبَارَةِ وَالْإِشَارَةِ وَاللِّطَائِفِ وَالْحَقَائِقِ ، فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ وَالْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَاللِّطَائِفُ (٧) لِلْأَوْلِيَاءِ (٨) وَالْحَقَائِقُ (٩) لِلْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ .

وَمِنْ كَلَامِهِ [أَيْضًا] : يَهْلِكُ اللَّهُ سِتًّا بِسِتٍّ : الْأَمْرَاءَ بِالْجَوْرِ وَالْعَرَبَ بِالْعَصْبِيَّةِ وَالذَّهَاقِينَ بِالْكِبْرِ وَالتُّجَّارَ بِالْخِيَانَةِ وَأَهْلَ الرِّسَالَتِ بِالْجَهَالَةِ وَالْفُقَهَاءَ (١٠) بِالْحَسَدِ .

مِنْ كَلَامِ الْكَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَجَدْتُ عِلْمَ النَّاسِ فِي أَرْبَعٍ : أَوْلَهُنَّ : أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ ، وَالثَّانِيَةُ : أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ ، وَالثَّلَاثَةُ : أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ ، وَالرَّابِعَةُ : مَا يَخْرُجُكَ مِنْ ذَنْبِكَ .

مِنْ كَلَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ : * ٦٦٦ * أَتَيْتِ الْمَأْمُونُ بِنَصْرَانِي قَدْ فَجَرَ بِهَا شَمِيَّةً فَلَمَّا رَأَاهُ

(١) فيجور .

(٢) خبا وأيضاً مورد بعد .

(٣) شياو هكذا مورد بعد .

(٤) خباء .

(٥) اولياؤه .

(٦) اشيا .

(٧) اللطائف .

(٨) للاوليا .

(٩) الحقايق .

(١٠) الفقهاء .

أَسْلَمَ فَقَالَ الْفُقَهَاءُ: أَهْدَرَ الْإِسْلَامُ مَا قَبِلَ ذَلِكَ، فَسَأَلَ^(١) الْأَمَامُونَ عَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ [ع]: أَقْتُلُهُ فَإِنَّهُ مَا أَسْلَمَ حَتَّى رَأَى^(٢) الْبَأْسَ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ﴾ الْآيَةَ^(٣).

مِنْ كَلَامِ الْجَوَادِ النَّقِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَيْفَ يَضِيعُ مِنَ اللَّهِ كَافِلُهُ، وَكَيْفَ يَنْجُو مِنَ اللَّهِ طَالِبُهُ، وَمَنْ انْقَطَعَ إِلَى غَيْرِ اللَّهِ وَكَلَّهُ اللَّهُ إِلَيْهِ، وَمَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ أَفْسَدَ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ.

مِنْ كَلَامِ الْبُرِّ النَّقِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: النَّاسُ فِي الدُّنْيَا بِالْأَمْوَالِ وَفِي الْآخِرَةِ بِالْأَعْمَالِ. الْغِنَاءُ [ء] ^(٤) قِلَّةُ يَمِينِكَ وَالرِّضَا [ء] ^(٥) مَا يَكْفِيكَ وَالْفَقْرُ شَرُّةُ النَّفْسِ وَشِدَّةُ الْقُنُوطِ.

مِنْ كَلَامِ الثَّقَةِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِلسَّخَاءِ مِقْدَارٌ، فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ سَرَفٌ، وَلِلْحَزْمِ مِقْدَارٌ فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ جُبْنٌ، وَلِلْإِقْتِسَادِ مِقْدَارٌ فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ بُخْلٌ، وَلِلشَّجَاعَةِ مِقْدَارٌ فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ تَهَوُّرٌ. كَفَاكَ أَدَبًا تَجَنُّبُكَ مَا تَكْرَهُ مِنْ غَيْرِكَ.

مِنْ كَلَامِ الْمُتَهِدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - وَقَدْ سَأَلَهُ^(٦) سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمِّيَّ فِي حَالِ صَبَابِهِ بِحَضْرَةِ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: ﴿فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ﴾^(٧) فَإِنَّ الْفَرِيقَيْنِ يَزْعَمُونَ * ٦٦٧ * أَنَّهَا كَانَتْ مِنْ أَهَابِ مِثْنَةٍ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - : مَنْ قَالَ ذَلِكَ فَقَدِ افْتَرَى عَلَى مُوسَى لِأَنَّهُ لَا يَخْلُو إِمَّا أَنْ تَكُونَ صَلَاةُ مُوسَى فِيهَا جَائِزَةٌ^(٨) أَوْ غَيْرَ جَائِزَةٍ، فَإِنْ كَانَتْ جَائِزَةً جَازَ لِمُوسَى أَنْ يَكُونَ لَا بِسَهَا فِي تِلْكَ الْبُقْعَةِ وَإِنْ كَانَتْ مُقَدَّسَةً، وَإِنْ كَانَتْ غَيْرَ جَائِزَةٍ فَقَدْ أَوْجَبَ أَنْ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَعْرِفِ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَلَا مَا جَازَتْ الصَّلَاةُ فِيهِ مِمَّا لَمْ يَجُزْ وَهَذَا كُفْرٌ، لَكِنْ كَانَ مُوسَى شَدِيدَ الْحُبِّ لِأَهْلِهِ فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿إِخْلَعْ نَعْلَيْكَ﴾

(١) فسأل.

(٢) رأى.

(٣) قرآن كريم سورة غافر (٤٠) آية ٨٤.

(٤) الغنا.

(٥) الرضا.

(٦) ساءله.

(٧) قرآن كريم سورة طه (٢٠) آية ١٢.

(٨) جائزة وهكذا موارد بعد.

أى إنزع حُبَّ أَهْلِكَ مِنْ قَلْبِكَ (١) إِنْ كَانَتْ مَحَبَّتُكَ لِي خَالِصَةً وَ قَلْبُكَ مِنْ أَلْمِيلِ إِلَى مَا سِوَايَ مَشْغُولًا .

وَقَالَ بَعْضُ الْعَارِفِينَ رِضْوَانُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ: الْقُلُوبُ عِنْدَ الْعَارِفِينَ عَلَى ثَلَاثَةِ أَقْسَامٍ: قَلْبٌ مِنْهَا إِنْسَانِيٌّ وَقَلْبٌ مِنْهَا رُوحَانِيٌّ وَقَلْبٌ مِنْهَا رَحْمَانِيٌّ، أَمَّا الْقَلْبُ الْإِنْسَانِيُّ فَقَلْبُ الْكَافِرِ الَّذِي حَتَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَغْشَاهُ بِغَشَاوَةِ الْكُفْرِ وَالنَّفَاقِ وَالشَّهَوَاتِ وَالظُّلُمَاتِ تَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْهُ، وَأَمَّا الْقَلْبُ الرَّوْحَانِيُّ فَقَلْبُ الْمُؤْمِنِ الَّذِي نَوَّرَ اللَّهُ بِنُورِ الْإِيمَانِ، وَأَمَّا الْقَلْبُ الرَّحْمَانِيُّ فَقَلْبُ الْعَارِفِ الَّذِي خَصَّهُ اللَّهُ تَعَالَى * ٦٦٨ * بِالْمُكَاشَفَةِ وَالْمُشَاهَدَةِ وَالْيَقِينِ وَالْمَعْرِفَةِ. هَذِهِ صِفَةُ الْقُلُوبِ، وَأَمَّا قُلُوبُ الْعَارِفِينَ فِي الْمُكَاشَفَةِ مُتَّفَاوِتَةٌ، فَبَعْضٌ مِنْهَا يَرَى عَجَائِبَ الْمَلَكُوتِ وَلَا يُطِيقُ أَنْ يَرَى أَنْوَارَ الْقُرْبِ، وَبَعْضٌ مِنْهَا [يَرَى] أَسْرَارَ الْقُرْبَةِ وَلَا يُطِيقُ أَنْ يَرَى بِصِرْفِ الْمُشَاهَدَةِ، وَبَعْضٌ مِنْهَا يَرَى مُشَاهَدَةَ الْحَقِّ جَلَّ جَلَالُهُ بِلَا حِجَابٍ وَلَا نِقَابٍ، رَزَقَنِي اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِنْ مُكَاشَفَاتِ الْأَسْرَارِ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَخْيَارِ وَالْأَبْرَارِ وَعَلَى آلِهِ الْأَطْهَارِ.

رَوَى عَنِ الْإِمَامِ الْمُعْصُومِ الشَّهِيدِ حَسَنِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِمَامِ الْمُتَّقِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: رَأَيْتُ فِي الْمَنَامِ جَدِّي عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ يُعَلِّمُنِي الدُّعَاءَ وَ أَنَا أَمْلِيْتُ، فَإِذَا انْتَبَهْتُ رَأَيْتُ مَكْتُوبًا عَلَى الْجِدَارِ. وَ هَذَا الدُّعَاءُ [ء] مُجْرَبٌ فِي تَسْهِيلِ الْأُمُورِ:

إِلَيْكَ يَا رَبِّ قَدْ وَجَّهْتُ حَاجَاتِي
أَنْتَ الْعَلِيمُ بِمَا تَخْوِي الضُّمِيرُ بِهِ
وَجِئْتُ بِأَبْكَ يَا رَبِّي بِرَغْبَاتِي
إِقْضِ الْحَوَائِجَ (٢) لِي رَبِّي فَلَسْتُ أَرَى
يَا عَالِمَ الْغَيْبِ عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ
سِوَاكَ يَا رَبِّ مِنْ قَاضِي لِحَاجَاتِي
يَا قَاسِمَ الرِّزْقِ مِنْ فَوْقِ السَّمَاوَاتِ
وَسَّعَ بِفَضْلِكَ رِزْقِي كَيْ أَعِيشَ بِهِ

(١) قبلك .

(٢) الحوائج .

لَا تَأْخُذْنِي بِذَنْبٍ أَنْتَ تَعْرِفُهُ فَاغْفِرْ بِجُودِكَ يَا رَبِّي خَطِيئَاتِي (۱)
 * ۶۶۹ * سَهْلٌ أُمُورِي وَاخْتِمَهَا بِمُنْقَلَبِي بَعْدَ الْمَمَاتِ إِلَى رِضْوَاكَ جَنَاتِ
 حَقَّقْ بِجُودِكَ أَمَالِي وَمَطْلَبِي وَبَلِّغْنِي إِلَى أَقْصَى زِيَادَاتِ
 وَاجْمَعْ لِي الشَّمْلَ فِي أَهْلِي وَفِي وُلْدِي وَرُدَّنِي نَحْوَ أَحْبَابِي بِمَرْضَاتِي
 يَا خَالِقَ الْخَلْقِ يَا مَنْ لَا شَبِيهَ لَهُ اِسْمَعْ دُعَائِي (۲) وَيَسِّرْ لِي مُهِمَّاتِي
 يَا مَنْ تَعَالَى فَلَا وَصْفَ يَقُومُ بِهِ لَلْوَاصِفِينَ وَلَا مَدْحَ الْبَرِيَّاتِ

وَجِدْ (۳) هَذِهِ الْأَبْيَاتَ مَكْتُوبًا عَلَى عَلَمِ الْأَمِيرِ، حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

فَإِنْ كَانَتْ الدُّنْيَا تُعَدُّ نَفِيسَةً فَدَارُ ثَوَابِ اللَّهِ أَعْلَى وَأَنْسَبُ
 وَإِنْ كَانَتْ الْأَبْدَانُ لِلْمَوْتِ أَنْشَتْ (۴) فَسَقْتُلُ أَمْرِي بِالسَّيْفِ فِي اللَّهِ أَفْضَلُ
 وَإِنْ كَانَتْ الْأَرْزَاقُ قِسْمًا مُقَدَّرًا فَقَلَّةُ حِرْصِ الْمَرْءِ فِي الْكَسْبِ أَجْمَلُ
 وَإِنْ كَانَتْ الْأَمْوَالُ لِلتَّرْكِ جَمْعُهَا فَمَا بَالُ مَثْرُوكٍ بِهِ الْمَرْءُ يَبْخُلُ
 لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

إِضْرِبْ قَلِيلًا بَعْدَ الْعُسْرِ تَسْيِيرًا وَكُلْ أَمْرًا لَهُ وَقْتُ وَتَذْيِيرًا
 وَلِلْمُهَيَّبِينَ فِي حَالَاتِنَا نَظْرًا وَفَوْقَ تَذْيِيرِنَا لِلَّهِ تَقْدِيرًا (۵)

بِغَيْرِهِ

وَأَفْسِنِهِ [...] (۶) الْمُلُوكُ مُحَجَّبَاتٍ وَبَسَابِ اللَّهِ مَسْنَدُ الْفَنَاءِ
 فَلَا تَأْمَلْ سِوَاهُ لِكَشْفِ ضُرِّ وَلَا تَفْرَعْ (۷) إِلَّا غَيْرَ الدُّعَاءِ
 * ۶۷۰ * طَافَ الْأَضْمَعِيُّ فِي الْبَادِيَةِ يَوْمًا فَرَأَى مَكْتُوبًا عَلَى حَجَرٍ:

(۱) خطیاتی.

(۲) دعایی.

(۳) کذا، بهتر است که «وَجِدَتْ» باشد.

(۴) انشاءت.

(۵) دو بیت فوق درص ۶۶۹ نسخه عکسی بیاض نیز آمده است. ر. ک دیوان امام علی علیه السلام.

(۶) در این موضع یک کلمه خوانده نمی شود احتمالاً آفتیه است.

(۷) کذا، شاید «و لا تفرع» صحیح باشد.

أَيَا مَعْشَرَ الْعُشَاقِ بِاللَّهِ خَبِرُوا إِذَا حَلَّ عِشْقُ بِالْفَتَى كَيْفَ يَصْنَعُ
فَكَتَبَ الْأَضْمَعِيُّ فِي تَحْتِهِ هَذِهِ:

يُدَاوِي هَوَاهُ ثُمَّ يَكْتُمُ سِرَّهُ وَيَخْشَعُ فِي كُلِّ الْأُمُورِ وَ يَخْضَعُ
و جَاءَ الْأَضْمَعِيُّ الْيَوْمَ الثَّانِي فَرَأَى مَكْتُوبًا تَحْتَهُ هَذَا:

إِذَا لَمْ يُطِيقْ صَبْرًا وَ كِثْمَانَ سِرِّهِ فَلَيْسَ لَهُ شَيْءٌ مِنَ الْمَوْتِ أَنْفَعُ
و جَاءَ الْيَوْمَ الثَّلَاثَ فَرَأَى شَابًا رَأْسُهُ عَلَى حَجَرٍ وَ هُوَ مَاتَ (١).

لِلزُّهَيْرِ

رَسُولُ الرِّضَا أَهْلًا وَ سَهْلًا وَ مَرْحَبًا حَدِيثُكَ مَا أَخْلَاهُ عِنْدِي وَأَغْدَبَا
فَيَا مُهْدِيًا فَمَنْ أَجِبَ سَلَامَهُ عَلَيْكَ سَلَامُ اللَّهِ مَا هَبَّتِ الصَّبَا
و يَا مُحْسِنًا قَدْ جَاءَ مِنْ عَبْدٍ مُحْسِنٍ وَ يَا طَيِّبًا أَهْدَى مِنْ الْقَوْلِ طَيِّبًا
لَقَدْ سَرَّنِي مَا قَدْ سَمِعْتُ مِنَ الرِّضَا وَقَدْ هَزَّنِي ذَاكَ الْحَدِيثُ وَأَطْرَبَا
سَأَكْتُبُ مِمَّا قَدْ جَرَى فِي عِتَابِنَا كِتَابًا بِدَمْعِي لِلْمُحِبِّينَ مَذْهَبَا

لِلشَّيْخِ الْعَارِفِ مُخَيَّبِ الدِّينِ الْأَعْرَابِيِّ قَدَسَ سِرَّهُ

* ٦٧١ * رَأَيْتُ وَ لَا يِي (٢) آلَ طَهٍ فَرِيضَةً عَلَى رَغَمِ أَهْلِ الْبُعْدِ يُورِثُنِي الْقُرْبَا
وَمَا سَأَلَ (٣) الْمَبْعُوثُ شَيْئًا (٤) عَلَى الْهُدَى لِسِبْغَتِهِ إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى
جَاءَ رَجُلٌ إِلَى الْحَجَّاجِ فَسَأَلَهُ الْحَجَّاجُ عَنْ نَسَبِهِ وَ كَانَ هَذَا الرَّجُلُ ابْنَ حَجَّامٍ فَأَجَابَ

بِهَذَيْنِ الْبَيْتَيْنِ:

أَنَا ابْنُ مَنْ ذَلَّتِ الرِّقَابُ لَهُ مَا بَيْنَ مَخْرُومِهَا وَ هَاشِمِهَا
يَنْقَادُ طَوْعًا إِلَى حُكُومَتِهِ يَأْخُذُ مِنْ مَالِهَا وَ مِنْ دَمِهَا

فَاسْتَحْسَنَ الْحَجَّاجُ جَوَابَهُ وَ أَجَابَهُ بِهَذَيْنِ الْبَيْتَيْنِ:

(١) ابن متن با کمی تفاوت قبلاً نیز در نسخه عکسی بیاض آمده است .

(٢) ابن کلمه بظاهر اینگونه خوانده می شود .

(٣) ساءل .

(٤) شیا .

كُنْ ابْنٌ مِّنْ شَيْئٍ (۱) وَاکْتَسَبَ أَدْبًا قَدْ كَانَ يُفْنِيكَ ذَاعِرُ النَّسَبِ
 إِنَّ الْفَتَىٰ مَن تَقُولُ هَا أَنَا ذَا لَيْسَ الْفَتَىٰ مَن يَقُولُ كَانَ أَبِي

للحاجری

شَرِّحَ (۲) الشَّبَابِ بِحُبِّكُمْ أَفْنَيْتُهُ وَالْعُمَرَ مِنْ كِلْفِي بِكُمْ قَضَيْتُهُ
 وَأَنَا الَّذِي لَوْ مَرَّرَنِي مِنْ نَحْوِكُمْ دَاعٍ وَكُنْتُ تَحْقِرُنِي لَبَيْتُهُ
 قَالُوا حَبِيبُكَ بِالْمُهْجَتِي مُشْرِفٌ فَلَيْسَ (۳) عَلَيَّ الْعُشَاقُ قَلْبٌ فَدَيْتُهُ

لِوَاحِدٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

عَلَى اللَّهِ فِي كُلِّ الْأُمُورِ تَوَكَّلِي وَبِالْخَمْسِ أَصْحَابِ الْعِبَاءِ تَوَسَّلِي
 مُحَمَّدٌ الْمَبْعُوثُ حَقًّا وَبَشَرُهُ (۴) وَ سِبْطَاهُ ثُمَّ الْمُجْتَبَىٰ مُرْتَضَىٰ عَلَيَّ (۵)

* ۶۷۲ * قِيلَ: إِنَّ رَجُلًا اشْتَرَى دَارًا (۶) فَقَالَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامِ الْمُعْصُومِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَكْتُبْ لِي كِتَابًا، فَكَتَبَ الْأَمِيرُ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، هَذَا مَيْتٌ مِنْ مَيْتٍ فِي دَارِ الْفَنَاءِ وَ مَجْمَعِ الْغَافِلِينَ، إِتَّخَذَ الْأَوَّلُ مِنْهَا يَنْتَهَى إِلَى الْمَوْتِ وَ إِتَّخَذَ الثَّانِي مِنْهَا يَنْتَهَى إِلَى الْجَنَائِزِ وَ إِتَّخَذَ الثَّلَاثُ مِنْهَا يَنْتَهَى إِلَى الْخَرَابِ وَ إِتَّخَذَ الرَّابِعُ يَنْتَهَى إِلَى الْجَنَّةِ أَمْ إِلَى النَّارِ، فَصَاحَ الرَّجُلُ وَمَاتَ (۷).

قال بعض الحكماء (۸): إذا اشتبه عليك أمران فانظر أيهما أقرب إلى الهوى (۹) فخالفه فالصواب في مخالفة الهوى (۱۰). وقال الشاعر:

(۱) شیت.

(۲) در متن: شرح.

(۳) قلیس.

(۴) در متن: ونیه.

(۵) نویسنده این مجموعه (مظهر) شخصی شیعی مذهب بوده است و هیچ جاذ کبری از عمر - عثمان و ابوبکر. نیاروده است

(۶) این متن در ص ۵۶۲ نسخه عکسی بیاض با کمی تفاوت آمده است.

(۷) مشابه این قضیه در دستور معالم الحکم ص ۱۳۶ نقل شده است.

(۸) الحکما.

(۹) الهوا و هكذا مورد بعد.

(۱۰) الهوا.

بر تو چون مشتبہ شوند دو کار که ندانی کدام باید کرد
 به هوا هر کدام نزدیکست بر خودت آن حرام باید کرد
 يُحْكِي أَنَّ الْفَضْلَ بْنَ الرَّبِيعِ مَرَّةً عَلَى جَرَّارِ جُرَّةٍ وَهُوَ يَتَرَنَّمُ بِهَذَا:
 أَكْرَمُ نَفْسِي كَيْ يُكْرِمَهَا الْوَرَى وَمَنْ لَمْ يُكْرَمْ نَفْسَهُ لَا يُكْرَمْ
 فَقَالَ الْفَضْلُ: وَمَنْ كَرَّمْتَهُ وَعَلَى عَاتِقِكَ جُرَّةٌ؟! فَأَجَابَ: إِخْتِرَا زَا عَنْ بَابِ أَمْثَالِكَ.
 خاك سیاہ در دهن آ ز کن کہ به از سفره لثیم دنی لقمه‌ها [ی] مه (۱)

إلهی لا تُؤَاخِذْنِي فَإِنِّي أَتُوبُ وَقَدْ تَكَاثَرَتِ الذُّنُوبُ
 وَا مَّا مِنْ هَوَى لَيْلِي وَتَرْكِي زِيَارَتَهَا فَإِنِّي لَا أَتُوبُ

فی ملح الکلام

۶۷۳

يُحْكِي أَنَّ ظَرِيفًا اشْتَرَى جَارِيَتَيْنِ صَفْقَةً وَاحِدَةً فَاخْتَارَ إِحْدَاهُمَا وَأَعْرَضَ عَنِ الْأُخْرَى
 فَقَالَ (۲) الْمَثْرُوكَةُ: يَا سَيِّدِي! وَاللَّهِ مَا أَنْصَفْتَ إِذَا عَرَضْتَ عَنِّي وَإِنَّا مُتَسَاوِيَتَانِ. فَقَالَ
 [الظَّرِيفُ]: لِأَنَّهَا تُعْطِينِي الْمَثَلْتَ، فَقَالَتْ: إِنِّي أُعْطِيكَ الْمُرْبِعَ، فَإِذَا دَخَلَ عَلَيْهَا أَدْخَلَ ذَلِكَ
 فِي ذَلِكَ وَلِسَانَهُ فِي فَمِهَا وَإِضْبَعُهُ فِي إِسْتِهَا وَقَالَ لَهَا: هَذَا هُوَ الْمَثَلْتُ، فَأَدْخَلَتْ هِيَ أَضْبَعَهَا
 فِي إِسْتِهِ (۳) وَقَالَتْ: هَذَا هُوَ الْمُرْبِعُ.

قَالَ الْجَاحِظُ: دَخَلْتُ الْبَغْدَادَ فَرَأَيْتُ شَيْخًا فَجَلَسْتُ إِلَيْهِ وَقُلْتُ: أَفِذْنِي رَحِمَكَ اللَّهُ مِمَّا
 عَلَّمَكَ اللَّهُ. قَالَ: أَكْتُبُ: إِذَا جَاءَتْكَ (۴) النَّسْوَةُ فَلَا تُخْبِسْهَا وَلَوْ كُنْتَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ. قُلْتُ:
 زِدْنِي. قَالَ: إِسْتَعْمِلِ الدَّهْنَ مَعَ الْبُرَاقِ وَاسْتَعِنْ بِهِمَا عَلَى هَذِهِ الْقِفَاحِ الضَّيِّقَةِ. قُلْتُ: زِدْنِي
 قَالَ: إِذَا كَانَ لَكَ جَارِيَةٌ فَتَكُنْهَا مِنْ خَلْفٍ وَمِنْ قُدَامٍ حَتَّى تَكُونَ كَأَنَّهَا جَارِيَةٌ وَغُلَامٌ. قُلْتُ:
 زِدْنِي، قَالَ: تَمَسِّكْ بِهَذِهِ الثَّلَاثِ فَأَنْتُ لِقَمَانُ الْحَكِيمِ.

(۱) این مصراع بظواهر اینگونه خوانده می‌شود.

(۲) کذا، ظاهر آ: «فقلت» صحیح است.

(۳) در متن: استه.

(۴) جانک.

الآخِرُ: نَظَرَ مَدَنِيٌّ إِلَى جَمَاعَةٍ يَسْتَشْقُونَ وَ مَعَهُمُ الصَّبِيَّانُ فَقَالَ: يَا هَوْلَاءِ! مَنِ الصَّبِيَّانُ مَعَكُمْ؟ قَالَ: فَاقَ بِهِمُ الْإِجَابَةَ^(١)، فَقَالَ: لَوْ كَانَ * ٦٧٤ * دَعَاؤُهُمْ مُسْتَجَابٌ مَا بَقِيَ فِي الْأَرْضِ مُعَلِّمٌ.

الآخِرُ: شَكَى رَجُلٌ مِنْ امْرَأَتِهِ إِلَى أَبِي الْعَيْنَاءِ قَالَ: أَتَشْتَهِي أَنْ تَمُوتَ؟ قَالَ: لَا وَاللَّهِ، قَالَ: وَلِمَ وَيَحْكُ؟! أَنْ أَمُوتَ مِنَ الْفَرَحِ.

الآخِرُ: وَقَفَ خَلِيعٌ إِلَى بَابِ عَمْرٍو الْحَوْزِيِّ وَ دَقَّ بَابَهُ، فَقَالَ امْرَأَتُهُ: مَنْ هَذَا؟ قَالَ: أَنَا فُلَانٌ. قَالَتْ: مَا تُرِيدُ؟ قَالَ: إِفْتَحِ الْبَابَ حَتَّى أَنْظُرَ أَأَنْتِ أَطِيبٌ بِالْجَمَاعِ امْرَأَتِي؟ فَقَالَتْ: مَا أَخَوَجَكَ إِلَى ذَلِكَ سَلْ عَمْرًا^(٢) فَإِنَّهُ نَاكِنِي وَ نَاكَهَا.

الْأُخْرَى: قِيلَ لِمُخَنَّبٍ: مَنْ خَيْرُ النَّاسِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ؟ قَالَ: الزُّبَيْرُ، قِيلَ: لِمَ؟ قَالَ: لِأَنَّ أَوَّلَ اسْمِهِ زُبَّ^(٣) وَ الْآخِرُ أَيْرُ.

الْآخِرُ: سَأَلَ^(٤) الرَّشِيدُ غَدَاةَ يَوْمٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ الرَّبِيعِ عَنْ خَبْرِهِ فِي مَبِيتِهِ^(٥) مَعَ جَوَارِيهِ فَقَالَ: نَعَمْ يَا مَوْلَايَ! كُنْتُ اسْتَلْقَيْتُ عَلَى فِرَاشِي وَ عِنْدِي جَارِيَتَانِ مَكِّيَّةٌ وَ مَدِينِيَّةٌ وَ هُمَا تَغْمِزَانِي^(٦) فَتَنَاوَمْتُ عَلَيْهِمَا فَمَدَّتِ الْمَدِينِيَّةُ يَدَهَا إِلَى ذَلِكَ الشَّيْءِ حَتَّى قَامَ وَقَعَدَتْ عَلَيْهِ فَعَالَبَتْهَا الْمَكِّيَّةُ وَ غَلَبَتْهَا غَلْبَةً فَقَالَتِ الْمَدِينِيَّةُ: أَنَا أَحَقُّ بِذَلِكَ لِأَنَّ مَالِكَ بْنَ أَنَسٍ حَدَّثَنَا عَنْ نَافِعٍ عَنْ ابْنِ عَمْرٍو عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ أَحْيَى^(٧) أَرْضًا مِيتَةً فَهِيَ لَهُ^(٨).

فَقَالَتِ الْمَكِّيَّةُ: حَدَّثَنَا عِكْرَمَةُ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ:

(١) الأجابة.

(٢) عمروا.

(٣) ذكر طفل، در صحاح جوهرى: الزَّبُّ: الذكر.

(٤) ساءل.

(٥) مبيته.

(٦) يغمزاتنى.

(٧) احىي.

(٨) بحار الانوار ٢٥٥/١٠١ باب ٢.

لَيْسَ الصَّيْدُ لِمَنْ أَثَارَهُ، إِنَّمَا الصَّيْدُ لِمَنْ صَادَهُ^(۱). فَضَحِكَ الرَّشِيدُ.
أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِمَّا جَرَى قَلَمِي.

لکاتیبہ احسن اللہ حالہ #۶۷۵#

حذر کن ای دل از آسیب روزگار حذر
که چرخ شعبده بازست و دهر حیلہ گر
به هیچ وجه مبین مهر این سپهر دوروی
به هیچ باب منہ دل درین سرای دو در
طمع مکن گوهر خوشدلی و پروزی
که هست طارم پیروزه نیک بدگوهر
زهیچ خشک [و] تر اندر ترازوی خردست
جهان و هر چه بود در جهان چه خشک و چه تر
به دست دیوشقا خاتم بقا مسپار
به پای بیک هوس تندره هوا مسپار
چو جان ثبات ندارد زبند جان برخیز
جهان چو می گذرد از سر جهان بگذر
متاع عمر گرانمایه رایگان مفروش
برای سود و زیان عشوه سپهر مخر
چو یادگار بشر نیست در جهان جز نام
به خیر کوش که نامت به خیر به که به شر
به یال و بال قوی و قدر غرور مکن
که می شود ز قضا و قدر هبا و هدر

(۱) وسائل الشیعة ۱۳/۸۱ باب ۲۰ باختلاف.

چو غرق بحر غمی زود دست و پایی زن
 مباد بگذرد آب حوادث از سر
 مجوی نام و نشان از فضای کون و مکان
 مخواه امن و آمان از سرای خوف و خطر
 ز سوز سینه برافروز آتشی در دل
 کسه می‌ستاند یساقوت آب از آذر
 درون جان خود از سوز دل منور کن
 که شمع می‌شود از سوختن چنین أنور
 میار پیش نظر زیب و زینت دنیا
 چرا که همت عالیست مرد را زیور
 نشان دولت بساقیست همت عالی
 کمال دولت باقی طلب که اولیتر*۶۷۶*
 چو گشت صورت مقصود جان و دل منظور
 نظر بهر دو جهان کم کند اهل نظر
 درین مفاوضه از شعر پادشاه جهان
 جهان معدلت و داد، جان فضل و هنر
 ستوده داور دوران خدیو دارارای
 خجسته خسرو عادل دل سکندر در
 جهان پناه فلک جاه، خسروی که گرفت
 فلک ز فرّش قدر و جهان ز قدرش فر
 به فعل تابع حکم خدا و دین رسول
 به فضل جامع علم علی و عدل عمر

جلال دنیا و دین زیب مُلک، شاه شجاع
 أبو الفوارس غازی، پناه فتح و ظفر
 به رسم تضمین این پنج بیت آوردم
 که هست نزد خرد پنج گنج پر گوهر
 فرارز قاف قناعت بگسترانم پسر
 که جز نشیمن سیمرغ نیستم در خور
 همای همت خود را زیهر مرداری
 بسه کرکسان زمانه چرا کنم همسر
 بلاد مشرق و مغرب به دست آمده گیر
 همان پریم زد دنیا که برد اسکندر
 همه ممالک عزلت چو تختگاه منست
 کلاه عزت باقی مرا سزد افسر
 به یک توجه مردانه می رسم جلیبی رسدی
 که مرغ و هم خلاق بیفکند شهپر
 دلا حقیقت عرفان همین بود بشنو
 ثنا طریقت مردان چنین بود بسپر
 ۶۷۷ سَمَو رَفَعْتَ اَیْنَ پادشاه عادل بین
 عَلَو هَمَّت اَیْنَ خسرو جهان بنگر
 چو معجزات ملوک الکلام ظاهر شد
 تمام حکم کلام الملوک نسخ^(۱) شمر
 زهی ضمیر تو در پرده قضا رهبر
 دل منیر تو از سر غیب داده خبر

(۱) این کلمه نسخ هم خوانده می شود.

شده عبارت تو از مقاطر أقلام
 فـریب عارض دلداری و طـرّه دلبر
 زيك تحرك شیرین کـلک خوش سخنت
 هزار شـهد و شکر در نهاد نیشکر
 به حسن صورت لفظ تو زینت معنی
 به لطف شیوه خط تو زیور و فر
 بیاض معنی بکر از سواد خط خوش
 چو نور ایمان تابنده از دل کافر
 جوامع الحکم هیأت^(۱) تو روح افزا
 نوابغ الکلم منطق تو جان پرور
 فراز منبر معنی خطیب فضل و کمال
 به فر کنیت تو خطبه می‌کنند از بر
 به دار ضرب کرم صیرفی جاه و جلال
 به نام فرخ تو سکه می‌زند بر زر
 به نزد رای تو مهر منیر گشته سها
 به جنب علم تو بحر محیط گشته شمر
 جلال قدر ترا اوج چرخ دست نشین
 ظلال رای ترا روی مهر پای سپر
 نسیم لطف تو پیرایه نعیم بهشت
 سموم قهر تو سرمایه عذاب سقر
 حکایتیست ز قدرت علو نه گردون
 کنایتیست ز رایت فروغ هفت اختر

۶۷۸ زخاک پای تو در چشم اختران سرمه

زنعل رخس تو بر فرق آسمان افسر

بسیدۀ حسن جمال تو، دیدۀ نرگس

شنیدہ صیت جلال تو گوش سیسبر

أساس جهل زعلم تو شد خراب و بیباب

سرای ظلم زعدل تو گشت زیروزیر

وجود و طبع تو از عقل و علم در عالم

شدست رحمت و فضل خدای را مظهر

شمیم خلق تو گر بشنود نسیم صبا

کنند مشام جهان پر شامه عنبر

روایح دم جان بخش تست راحت روح

چنانکه بر ورق گل وزد نسیم سحر

بدوستکانی بزمتم کسی که باده گرفت روی

مدام باشدش آب حیات^(۱) در ساغر

کمال برّ و نوال تو مکرمت پرداز

ظلال جاه و جلال تو عاطفت گستر

زیبیشی کرم و همّت جهانگیرت

امید یافته بر لشکر نیاز، ظفر

به گلشن دل سایل درخت خشک امید

زشبنم کرمتم بشکفد شکوفه تر

نسیم لطف تو گر بگذرد به روی جحیم

حمیم طعنه زند بر عذوبت کوثر

سموم قهر تو گر بروزد به روی بهشت
 شود ز آتش آن سلسبیل خاکستر
 ز تاب آتش تیغ به روز رزم شود
 سپهر همچو دخان و ستاره همچو شرر
 ز سهم تیر تو شکسته دست چرخ کمان
 ز تساب تیغ تو افکنده آفتاب سپر
 جهان پناها در مدح ذات طاهر تو
 شد دست شعر مطهر^(۱) ز آب خضر اطهر
 ۶۷۹ ولی چو مهر ضمیرت شعاع علم زند
 کجا فروغ دهد نور ذرهٔ أحقر
 قسم به خالق اکبر که پیش بحر دلت
 بود هزار چو من نیم قطرهٔ أصغر
 درین سخن چه سخن کز وفور فضل و کمال
 کنند عقل و خرد از من این سخن باور
 مطهرا چو به عجز اعتراف بنمودی
 رخ نیاز سوی قبلهٔ دعا آور
 همیشه تا که بود مجمع ستاره سپهر
 مدام تا که بود مطلع خور از خاور
 در تو مطلع خورشید سلطنت بادا
 سپهر باد ترا چاکر و ستاره حشر
 هزار سال جلالی به کام و عیش و مزاد
 ز عمر و جاه و جوانی و سلطنت برخوردار

وَلَهُ أَصْلَحَ اللَّهُ أَحْوَالَهُ

طبع دریا مثال من چو به شعر دامن روزگار پر درّ کرد
در عوض روزگار نیز مرا دامن از درّ دیدگان پر کرد

وَلَهُ فِي الْغَزَلِ

تا بر افتاد ز خورشید جمال تو نقاب خانه عقل شد از مستی چشم تو خراب
تا بدیدم گهرافشانی یاقوت لب دم بدم می‌رود از دیده من لعل مذاب
رسته لؤلؤ دندان تو تا در نظرست همچو آشک از نظر افتاد مرا درّ خوشاب
عارض و زلف تو چون در شب تارست قمر خوی بر اندام تو چون برگل سوریست گلاب
۶۸۰ هست در دورخ خوب تو دلها مجموع چون سر زلف تو در عین پریشانی و تاب
در غمت کار دلم با نفسی افتادست آخر ای جان، نفسی کار دل ما دریاب
رحم بر حال مطهر کن از آن روی که هست بنده خاک در خسرو جمشید جناب

بِي جَمْعِ اللَّهِ شَفَلِي

گفتم مگر خیال تو از دل بیرون شود

جان عزیز من چه خیالست، چون شود
بیرون شد از دلم غم جان و جهان و نیست
امکان آنکه مهر تو از دل بیرون شود
از مساجرای دیده و دل دم بدم مرا
تن در میانه غرقه دریای خون شود
ای جان صبور باش که از سرو قامتش
کار دل تو، راست به صبر و سکون شود
چون شمع سرفراز شو از سوختن که او
روشندل از مشقت سوز درون شود

گویم به صبر چاره کنم عشق را ولی

هر لحظه صبر من کم و عشقم فزون شود

بر تربت مطهر اگر بگذری دمی

خاکش زعکس عارض تو لاله‌گون شود

وَلَهُ غَفَرَاللَّهُ لَهُ

ای رخ جان فروز تو داده فروغ دیده را

وی زلب تو زندگی، جان به لب رسیده را

هیچ در آفرینشت مثل نیافریده‌اند

می‌کند آفرین خدا، صنع خود آفریده را

زیبداگر زجان و دل لات و منات هر نفس

سجده کنند بنده‌وار این بت برگزیده را

۶۸۱ باغ بهشت عارضت، جلوه حسن می‌دهد

مرکز تحقیقات و نشر آثار علمی
میوه تاز سبزه را، سبزه تردمیده را

دیده چو طاق ابرویت دید دل از میان جان

راست چو ابروی کژت کرد قد خمیده را

دم بدم از دو دیده‌ام سیل سرشک می‌رود

نیست فراغتی زما آن بت شوخ دیده را

چیست که با مطهرت دل به وفا نمی‌کشد

هم به کرم نوازشی یار جفا کشیده را

وَلَهُ غَفَرَاللَّهُ لَهُ

باید که جان فدای نسیم صبا کند

هر دل که میل آن سر زلف دو تا کند

گریک گره زسنبل زلف تو وا کند

عالم پر از شمامه عنبر کند نسیم

گر گفته‌ایم که آب حیاتست^(۱) لعل تو
 عمر منی و از تو ندارم وفا امید
 گر در چمن به ناز خرامان شوی چو سرو
 زلف تو هندویست که از راه جادوی^(۲)
 دل در پناه سایه زلف تو آمدست
 البته هر که این شنود عیب ما کند
 هرگز که دید عمر که باکس وفا کند
 گل پیرهن به بوی تو در بر قبا کند
 هر دل که دید بسته بند بلا کند
 چشم تو قصد جان مطهر چرا کند

وَلَهُ أَحْسَنَ اللَّهُ عَوَاقِبَهُ

ای دل غمدیده از جان یاد باد
 یاد باد آن دم که از بهر وداع
 ۶۸۲ ای که ما در عهد و پیمان توایم
 در چمن بر یاد شمشاد قدت
 داغ هجران تو بر جان منست
 ای دوی درد هجران یاد باد
 بی سر زلفت پریشان خاطریم
 هر دم آن زلف پریشان یاد باد
 مونس جان مطهر یادتست
 یاد باد ای مونس جان یاد باد

وَلَهُ أَصْلَحَ اللَّهُ أَحْوَالَهُ

اگرم دولت وصل تو میسر می‌شد
 پایمال غم عشقت شدم امروز ولی
 وزتف آتش سوزان و غم بار فراق
 یاد باد آنکه شب و روز به رغم اعدا
 چون در آن گوشه چشم تو نظر می‌کردم
 باد چون در سر زلفت بگذشتی در دم
 باده [ای] کان نه به یاد لب تو خوردم پاک
 کارم از ساعد سیمین تو چون زر می‌شد
 دوش بی روی تو آتش به سرم بر می‌شد
 آبم از دیده همی رفت و زمین تر می‌شد
 چشمم از دیدن روی تو منور می‌شد
 دلم از گوشه نشینان مکدر می‌شد
 عالم از نکهت آن باد معطر می‌شد
 خون دل بود که از چشم مطهر می‌شد

(۱) حیوة.

(۲) جادوسی.

وَلَهُ سَتَرَ اللَّهُ عُيُوبَهُ وَغَفَرَ ذُنُوبَهُ

آن که درد غم او مایه درمان منست
 کـفر زلف سببش حاصل ایـمان منست
 ۶۸۳ چه شود گر نشود شاد ز وصلش جانم
 آخرش گنج غم اندر دل ویران منست
 گر چه کامی زدهانش نتوان یافت ولی
 لب شکر شکنش نیک به دندان منست
 دوش چون شمع مرا در غم خود گریان دید
 گفت کین از اثر پسته خندان منست
 بس که در آرزوی عارض او می‌گیریم
 سبزه خط وی از اشک چو باران منست
 چون بدانست که شیدا است مطهر ز غمش
 گفت سودا زده زلف پریشان منست
 گر کند غمزه او قصد دلم باکی نیست
 نظر مرحمت شاه نگهبان منست

رُبَاعِيَّة

گر چون سر زلف خویش سرکش باشی پیوسته زدست خود مشوش باشی
 همچون سر زلف پایه خود بشکن تا در همه چشمی و دلی خوش باشی

وَلَهُ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ

چشمی که همیشه اشک می‌بارم ازو دانی که به گریه در چه پندارم ازو
 یعنی که زمن بر دل او گردی هست باشد که به آب دیده بردارم ازو



حَرَّرَهُ الْعَبْدُ الْأَصْفَرُ، أَفْقَرُ عِبَادِ اللَّهِ الْغَنِيُّ، مَطْهَرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَسَنِيِّ أَحْسَنَ اللَّهُ

حالہ و حَقَّقَ آمالہ، تَذْکِرَةُ لِصَاحِبِہ، الصَّاحِبِ الْأَعْظَمِ مُسْتَجْمِعِ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَ مَحَاسِنِ الشَّيْمِ إِفْتَخَرَ بِهِ نِظَامُ الْعِرَاقِ خِوَاجَه تَاجُ الْمَلَّةِ وَالْدِّينِ أَحْمَدَ عَظَّمَ اللهُ قَدْرَهُ فِي مُنْتَصَفِ رَجَبِ الْمَرْجَبِ لِسَنَةِ إِثْنَى وَ ثَمَانِينَ وَ سَبْعِمِائَةٍ (١) حَامِدًا لِلَّهِ وَ مُضَلِّيًا لِرَسُولِهِ.



مرکز تحقیقات کومپیوٹر علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

* ٦٨٤ * دَرَرٌ مَنْظُومَةٌ فِي سِلْكِ الْكِتَابَةِ لِلْمَوْلَى الصَّاحِبِ
 الْأَعْظَمِ جَامِعِ فُنُونِ الشَّرَفِ الْأَصِيلِ وَصَنُوفِ الْفَضْلِ وَالكَرَمِ
 [جمال] الدَّوْلَةِ وَالذَّيْنِ مَحْمُودِ بْنِ عَمِيدِ الْمَلِكِ السَّمْنَانِيِّ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 مَسْأَلَتِي فِي سِتْرِ مَشِيئَتِكَ وَأَنْتَ مَرْهُونٌ بِمَسْأَلَتِي فِي سِتْرِ مَحَبَّتِكَ
 أَرْتَمِدُ فِي أَمْرٍ وَتَسْتَرْطِفُنِي فِي الْبُحْرِ فَتُجِدُنِي فِي الْبُحْرِ وَتُجِدُنِي فِي الْبُحْرِ
 وَأَنْتَ مَرْهُونٌ فِي سِتْرِ مَشِيئَتِكَ وَأَنْتَ مَرْهُونٌ فِي سِتْرِ مَحَبَّتِكَ
 يَطْلُبُونَ لِي دَرَرًا لَقَدْ لَمْ يَكُنْ يَدْرِي أَنَّ دَرَرًا لَمْ يَكُنْ يَدْرِي أَنَّ دَرَرًا
 لِكَبِيرٍ مَوْجِدٌ فِي سِتْرِ مَشِيئَتِكَ وَأَنْتَ مَرْهُونٌ فِي سِتْرِ مَحَبَّتِكَ
 مَسْأَلَتِي فِي سِتْرِ مَشِيئَتِكَ وَأَنْتَ مَرْهُونٌ فِي سِتْرِ مَحَبَّتِكَ
 وَأَقَالُ لَمْ يَدْرِي أَنَّ دَرَرًا لَقَدْ لَمْ يَكُنْ يَدْرِي أَنَّ دَرَرًا
 تَطْرُقُ لِي فِي سِتْرِ مَشِيئَتِكَ وَأَنْتَ مَرْهُونٌ فِي سِتْرِ مَحَبَّتِكَ
 خِجْمٌ لِي فِي سِتْرِ مَشِيئَتِكَ وَأَنْتَ مَرْهُونٌ فِي سِتْرِ مَحَبَّتِكَ
 وَفِي سِتْرِ مَشِيئَتِكَ وَأَنْتَ مَرْهُونٌ فِي سِتْرِ مَحَبَّتِكَ
 وَأَنْتَ مَرْهُونٌ فِي سِتْرِ مَشِيئَتِكَ وَأَنْتَ مَرْهُونٌ فِي سِتْرِ مَحَبَّتِكَ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا مُوسَى! إِنِّي وَضَعْتُ سِتَّةَ أَشْيَاءَ [ء] فِي سِتَّةِ أَشْيَاءَ [ء] وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَ فِي سِتَّةِ أُخْرَى فَمَتَى يَجِدُونَهَا؟! إِنِّي وَضَعْتُ الرَّاحَةَ فِي الْجَنَّةِ وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَ فِي الدُّنْيَا فَمَتَى يَجِدُونَهَا؟! إِنِّي وَضَعْتُ الْعِلْمَ وَالْحِكْمَةَ فِي الْجُوعِ وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَ فِي الشَّبَعِ فَمَتَى يَجِدُونَهَا؟! إِنِّي وَضَعْتُ الْغِنَى فِي الْقَنَاعَةِ وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَ فِي كَثْرَةِ الْمَالِ فَمَتَى يَجِدُونَهَا؟! إِنِّي وَضَعْتُ الرَّفْعَةَ فِي التَّوَاضُعِ وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَ فِي التَّكَبُّرِ فَمَتَى يَجِدُونَهَا؟! إِنِّي وَضَعْتُ الْعِزَّ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَ فِي أَبْوَابِ السَّلَاطِينِ فَمَتَى يَجِدُونَهُ؟! إِنِّي وَضَعْتُ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ [ء] فِي لُقْمَةِ الْحَلَالِ وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَ فِي الْقَيْلِ وَالْقَالَ فَمَتَى يَجِدُونَهُ?!

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

وَأَوْحَى إِلَى عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَتُرِيدُ أَنْ أُعْطِيكَ جَنَاحَيْنِ حَتَّى تَطِيرَ مَعَ الْمَلَائِكَةِ (۲) فِي السَّمَاءِ [ء]؟ فَقَالَ: إِلَهِي (۳) وَسَيِّدِي! لِمَ لَا أُرِيدُ؟ فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: كُنْ فِي التَّوَاضُعِ مَعَ خَلْقِي كَالْأَرْضِ تَحْتَ أَقْدَامِهِمْ وَفِي السَّخَاءِ كَالنَّهْرِ الْجَارِي يُرْفَعُ مِنْهُ كُلُّ غَنِيٍّ وَفَقِيرٍ وَفِي الشَّفَقَةِ كَالشَّمْسِ تَطْلُعُ فِي بَيْتِ كُلِّ شَرِيفٍ وَوَضِيعٍ، وَفِي الْجِلْمِ كَالْحَمَامَةِ بَيْنَ الطُّيُورِ.

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِكَايَةً عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: مَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضَائِي

(۱) به جای کلمه (جمال) که در نسخه عکسی بیاض نیامده است و مادر صفحه عنوان پیشین افزودیم می توان از کلمات دیگری مانند کمال، عمید، سدید و غیره نیز استفاده نمود.

(۲) الملائكة .

(۳) اللّٰه .

وَلَمْ يَصْبِرْ عَلَى بَلَائِي وَلَمْ يَشْكُرْ لِنِعْمَائِي فَلْيَخْرُجْ مِنْ تَحْتِ سَمَائِي وَلْيَطْلُبْ رَبًّا سِوَانِي (۱).
 وَقَالَ عَلَيْهِ مِنَ الصَّلَوَاتِ أَفْضَلُهَا وَمِنَ التَّحِيَّاتِ أَرْكَاهَا: كَانَ تَحْتَ الْجِدَارِ الَّذِي أَخْبَرَ اللَّهُ
 تَعَالَى عَنْهُ فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ ﴿وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا﴾: لَوْحٌ لَا يَنْقُصُ وَ
 لَا يَصْدَأُ، مَكْتُوبٌ فِيهِ خَمْسُ كَلِمَاتٍ * ۶۸۶ * أَوَّلُهَا: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَجِبْتُ لِمَنْ
 أَتَقَنَّ بِالْمَوْتِ كَيْفَ يَقْرَحُ! وَ عَجِبْتُ لِمَنْ أَتَقَنَّ بِالْقَدْرِ كَيْفَ يَحْزَنُ! وَ عَجِبْتُ لِمَنْ أَتَقَنَّ
 بِالْحِسَابِ كَيْفَ يَذَنْبُ! وَ عَجِبْتُ لِمَنْ أَتَقَنَّ بِزَوَالِ الدُّنْيَا وَ تَقَلُّبِهَا بِأَهْلِهَا كَيْفَ يَطْمَئِنُّ (۲) إِلَيْهَا!
 وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (۳).

لعلی علیه السلام

أَسْوَأُ [النَّاسِ حَالًا مَنْ لَا يَتَّقُ بِأَحَدٍ لِسُوءِ] [ظَنِّهِ وَ لَا يَتَّقُ بِهِ أَحَدًا لِسُوءِ] [فِعْلِهِ] (۴).
 قَالَ الْمَأْمُونُ لِبَعْضِ جُلَسَائِهِ (۵): مَنْ أَطْيَبُ النَّاسِ عَيْشًا؟ قَالَ: مَنْ لَهُ بَيْتٌ يَأْوِيهِ وَ مَالٌ
 يَفِيهِ. قَالَ الْمَأْمُونُ: وَ لَا يَعْرِفُهُ أَحَدٌ فَيُؤْذِيهِ.

إِنَّ السَّلَامَةَ مِنْ سَلْمِي وَ جَارَتِهَا أَنْ لَا تَمُرَّ عَلَيَّ حَالٍ بِوَادِيهَا



مركز تحقیقات و پژوهش علوم اسلامی

وَ إِنَّ أَوْلَى الْبَرَايَا مَنْ تَوَاسَّيهِ عِنْدَ الشُّرُورِ لِمَنْ وَ اسَاكَ فِي الْحَزَنِ
 إِنَّ الْكِرَامَ إِذَا مَا أَشْهَلُوا ذَكَرُوا مَنْ كَانَ يَأْلِفُهُمْ فِي الْمَنْزِلِ [...] (۶)
 وَقَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً أَنْفَقَ مِنْ مَالِهِ وَ أَمْسَكَ مِنْ مَقَالِهِ (۷).

وَلَقَدْ اتَّخَذَ عَنْهُ مَنْ قَالَ: كُنْ جَوَادًا بِالْمَالِ بَخِيلًا بِالْأَسْرَارِ.

(۱) بحار الانوار ۶۴/۲۳۶ باب ۱۲.

(۲) يطمين.

(۳) كنز الفوائد ۱/۳۸۰.

(۴) بحار الانوار ۹۳/۷۵ باب ۱۶.

(۵) جلسایه.

(۶) در این موضع يك كلمه خوانده نمی شود.

(۷) محاسبة النفس ص ۱۸۱ بتقل از صحف ابراهيم عليه السلام.

و فِيهِ: كُلُّ سِرٍّ جَاوَزَ الْإِثْنَيْنِ شَاعَ. وَالْحَقُّ أَنَّ الْإِثْنَانِ هُمَا الشُّفْتَانِ (١).
و فِيهِ: مِنْ كُنُوزِ الْبِرِّ كِتْمَانُ السَّرِّ.

وَعَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: اسْتَعِينُوا عَلَيَّ قِضَاءً [ء] الْحَوَائِجِ (٢) بِالْكِتْمَانِ فَإِنَّ كُلَّ ذِي نِعْمَةٍ مَحْسُودٌ (٣).

لِوَاحِدٍ وَقَدْ أَجَادَ

نَزَلْنَا عَلَى رَوْضِ الرَّبِيعِ الْمَفُوفِ وَحَاوَلْنَا السَّاقِي بِصَهْبَا [ء] قَرَقَفِ
فَلَمَّا شَرِبْنَاهَا وَدَبَّ دَبِّيْهَا إِلَى مَوْضِعِ النَّجْوَى فَقُلْتُ لَهَا قِفِي
مَخَافَةَ أَنْ يَدْنُوا إِلَيْهِ شَعَاعُهَا فَسَيَنْظُرُ جُلَاسِي إِلَيَّ وَدُكَّ الْخَفِي

قَالَ الشَّاعِرُ

وَعَبِيرٌ كَثِيرٌ أَلْفٌ خِلٌ لِوَاحِدٍ وَإِنَّ عَدُوًّا وَاحِدًا لَكَثِيرُ

وَمَا قَضَرَ مِنْ قَالَ

٦٨٧

فَلَا تَحْتَفِرْ نَفْسًا (٤) وَأَنْتَ حَبِيْبُهَا فَكُلُّ قَرِينٍ بِالْمُقَارِنِ يَقْتَدِي

وَيَقْرُبُ مِنْهُ

عَنِ الْمَرْءِ لَا تَسْأَلُ (٥) وَسَلْ (٦) عَنْ حَبِيْبِهِ

قَالَ الْمَسِيحُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَالَجَتْ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأَعْيَانِي مُعَالَجَةُ الْأَحْمَقِ. وَلِذَا قِيلَ:

وَدَا [ء] الْأَحْمَقُ لَيْسَ لَهُ دَوَا [ء] (٧) وَإِنْ كَانَ الْمَسِيحُ لَهُ طَبِيبٌ

(١) در متن: الشفتان.

(٢) الحوائج.

(٣) بحار الأنوار ١٥٣/٧٤ باب ٧.

(٤) نفس.

(٥) سئل.

(٦) سئل.

(٧) دوا.

قِيلَ: بِقَدْرِ مَا تَتَمَنَّى (۱) مَا تَنَالُ.

وفيه: وَصَعْبُ الْعُلَى فِي الصَّعْبِ وَالسَّهْلُ فِي السَّهْلِ. وَمِنْ هُنَا الْمَعْنَى:

تُرِيدِينَ لِقِيَانَ الْمَعَالِي رَحِيصَةً وَلَا بَدَأَ دُونَ الشَّهْدِ مِنْ إِسْرِ النَّخْلِ

وَيَقْرَبُ مِنْهُ

إِنَّ جَسِيمَاتِ الْأُمُورِ مُودَعَةٌ (۲) يُمَسْتَوِدَعَاتٍ فِي بُطُونِ الْأَسَاوِدِ

لِسُلْطَانِ الْعَارِفِينَ بَايَزِيدِ الْبَسْطَامِيِّ قَدَسَ اللَّهُ سِرَّهُ الْعَزِيزِ

وَقِيلَ: لِلشَّيْلِيِّ (۳)

قَلْبِي يَرَاكُمْ عَلَى بُغْدٍ وَإِقْصَاءٍ وَحُبُّكُمْ كَامِنٌ فِي طَيِّ أَحْشَائِي

وَقَدْ تَمَازَجَتِ (۴) الرُّوحَانِ فِي جَسَدِ كَمَا تَمَازَجَ صِرْفُ الرِّيحِ بِالْمَاءِ [ء]

أَنْتُمْ سُرُورِي وَفِي تَذْكَارِكُمْ أَنْسِي وَأَنْتُمْ أَكْبَرُ مِنْ سُقْمِي وَمِنْ دَائِي

لَا زِلْتُ فِيكُمْ بِكُمْ مِنْكُمْ عَلَى وَضَلٍ إِلَيْكُمْ قَاصِدًا فِي كُلِّ مَغْنَائِي



رَزَعَمَ الْعَوَاذِلُ أَنْبِي فِي عَمْرَةٍ صَدَقُوا وَلَكِنْ غَمَّرْتِي لَا تَنْجَلِي

أَيْضاً

لَقَدْ رَزَعَمَ الْوَأَشُونَ أَنْبِي تَرَكَتْهَا نَعَمَ صَدَقَ الْوَأَشُونَ فِي حُبِّهِ الْقَلْبِ

أَيْضاً

فَلَمَّا أَضَا [ء] (۵) الصُّبْحُ فُرَّقَ بَيْنَنَا وَأَيُّ نَسِيمٍ لَا يَكْدُرُهُ الدَّهْرُ

تَرْجَمَتُهُ

چو صبحدم بدمید از کنار من بر مید کدام عیش که آن را زمانه تیره نکرد

(۱) در حاشیه این کلمه با املاي خوانا نوشته شده است.

(۲) مشوده.

(۳) در متن: لَشَيْلِيِّ.

(۴) تمازجت.

(۵) اضا.

لِوَاحِدٍ

دوشینه شب از هجر من و شمع نخفتیم دو سوخته با یکدگر احوال تو گفتیم

۶۸۸ بس آه جگر سوز که بر چرخ کشیدیم

بس در شب افسروز که از دیده بسفتیم

من نوحه همی کردم و او اشک همی ریخت

فی الجملة زسودای تو تا روز نخفتیم

آن قصه شبها^(۱) [ی] دراز و غم هجران

هم با تو توان گفت اگر پیش تو افتیم

فَزِدْ

دست من و حلقه درت تا دم^(۲) مرگی جان من و سودای لب تال لب گور

ز ضعف طاقت آهم نماند و ترسم خلق گمان بر ندکه سعدی زدوست خرسندست

لَا أُعْرِفُ قَائِلَهُ^(۳)

أَحِبُّكَ لَا أُخْتَارُ غَيْرَكَ مُنِيَّةً فَطُوبَى لِمَنْ أُمْسَى وَأَنْتَ حَبِيْبُهُ

وَمَا ضَرَّ صَبًّا أَنْ يُمِيتَ وَمَالُهُ نَصِيبٌ مِنَ الدُّنْيَا وَأَنْتَ نَصِيبُهُ

بَيْنَتَيْنِ

صورت جان نتوان دید چو عکس اندازد لب جانبخش تو بر جام می انگوری

خوشر از چشم تو بیمار نباشد هرگز خاصه امروز که دارد اثر مخموری

دَعَا

غمی باد آنکه او شادت نخواهد خراب آنکس که آبادت نخواهد

(۱) کلمات مختوم به الف در این متن هنگام اضافه شدن هیچ علامتی ندارند.

(۲) در.

(۳) فایله.

جمالت را جوانی هم نفس باد همیشه بر مرادت دسترس باد

چو معلم آموختی از حرص آنکه ترس کاند در شب

چو دزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا

گرت نزهت همی باید به صحرا [ی] قناعت شو

که آنجا باغ در باغ است و خوان در خوان و وادروا

نخواهم لاجرم نعمت نه در دنیی نه در عقبی

به هر ساعت همی گویم چه در سرا چه در ضرا

خداوندا سنایی را سنایی بخش در حکمت

چنان کز وی به رشک آید روان بوعلی سینا^(۱)



مرا لقمه نان که در خور بود پدید آورم از ره دهسنت

به نزدیک دونان نخواهم نمود زهر دونان بعد از این مسکنت

من و طاعت و گوشه عافیت زهی پادشاهی زهی سلطنت

لأمیر المؤمنین وإمام المتقين

علی بن ابی طالب کرم الله وجهه ورضی عنه

إصبر قليلاً فبعد العسر تيسيرُ وَكُلُّ أَمْرٍ لَهُ وَقْتُ وَتَدْبِيرُ

وَلِلْمُهَيِّبِينَ فِي حَالَاتِنَا نَظْرُ وَفَوْقَ تَدْبِيرِنَا لِلَّهِ^(۲) تَقْدِيرُ^(۳)

بغيره

تَمَتَّعَ بِسَاعَاتِ الْوِصَالِ وَلَا تَكُنْ مَلُومًا فَسَاعَاتُ الْوِصَالِ قَلِيلٌ

(۱) ر.ك: دیوان سنایی چاپ مدرس رضوی ص ۵۵-۵۷.

(۲) در متن: تدبیر بالله.

(۳) ر.ك: دیوان امام علی [ع].

وَحُذِّ مِنْ لَذِيذِ الْعُمْرِ مَهْمَا اسْتَطَعْتَهُ لِأَنَّكَ لَا تَذَرِي مَتَى أَنْتَ رَاجِلٌ

لِلإمام حجة الإسلام محمد الغزالي عليه الرحمة والغفران

يُبْدِي مِنَ الْحَمَامِ كَالْبَدْرِ طَالِعاً وَفِي الصُّدُغِ مِنْهُ أَلْفُ عِقْدٍ عَلَيَّ عِقْدٍ
كَأَنَّ بَقَايَا الْمَاءِ فِي وَجَنَاتِهِ بَقِيَّةُ رَشْحِ الطَّلِّ رَشٌّ عَلَيَّ الْوَزْدِ

تَرْجَمَتَهُ

چو پیدا شد مه از حمام دیدم هزاران تاب در زلفش شکسته
عرق بر صفحه رخساره او چو شبنم بر جبین گل نشسته

لعماد بن شرف الاصفهانی

الهُوَى، الْهُوَى أَرَاكَ دَمِي وَسِعَتْ بِي إِلَى الرَّدَى قَدَمِي
شَادِنٌ كُلَّمَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ فَوْقَ أَظْفَارِهِ يَسِيلُ دَمِي
صِرْتُ مِنْ رَيْبِهِ وَوَجَنَّتِهِ شَارِبَ الْخَمْرِ عَابِدَ الصَّنَمِ
فَلَهُ نُسخَةٌ قَدِ انْتَحَبْتُ مِنْ فُؤَادِي وَلِقَلْبِي وَفَمِي
فُوهُ مَا [ء] الْحَيَاةِ شَارِبُهُ خِضْرٌ لَمْ يَصِلْ إِلَى الظُّلَمِ

لقاضی الاصفهانی علیه الرحمة

إَشْرَبْتُ قَدْحاً مِنَ الْعِقَارِ الصَّافِي يُنْسِيكَ نَوَائِبَ (١) الزَّمَانِ الْجَافِي
لَا تَرْضَ مِنَ الدَّهْرِ بِشَيْءٍ أَبَداً إِلَّا بِرَجِيْقٍ وَرَفِيْقِي وَافِي

وَلَهُ

بِاللهِ عَلَيْكَ يَا نَسِيمَ السَّحْرِ بَلَغَ خَبِراً إِلَى غَزَالٍ خَفِرِ
ای باد تویی هم نفس مهجوران از ماش پرس گر به کویش گذری

وَلَهُ

الْبُلْبُلُ يَسْتَلُو صُحُفَ الْعُشَاقِ وَالنَّرَجِسُ فِي الْعُشُورِ كَالْأُورَاقِ
مهتاب و شراب ناب [و] معشوقه خراب بر گوشه زنده رود باد ای ساقی

می‌گفت غمی که در دلش بود نهفت
شاد آنکه غمی دارد و نتواند گفت

۶۹۰* دی بلبلیکی بر سر شاخی با جفت
بی خود شدم از رشکش و با خود گفتم

وَلَهُ

الْخَطُّ أُنْسِي وَمَا أُنْسِي مِيقَاتُهُ
مِنْ آهَةِ وَجْدِي صُدَيْثٌ [..] (۲)

عَابُوهُ وَقَالُوا نَسِخَتْ آيَاتُهُ
وَمَا اخْتَطَّ وَمَا كَادُوا [..] (۱)

وَلَهُ

راحاً قَضَيْتُ بِشُرْبِهَا الْأَوْطَارِ
مَا اخْتَجَّ نِصَابُهُ إِلَيَّ (۳) الْكَمَالِ (۴)
کین غالیه بر ماه چرا می‌مالی (۵)
خوابی که قیامتش بود بیداری

قُمْ فَأَسْقِ عَلَيَّ تَرْنِمَ الْأَوْتَارِ
فِي الْحُسْنِ بَلَقْتَ مُنْتَهَى الْأَمَالِ
کس نیست که گوید خط مشکین ترا
کم خسب به وقت صبح کاندر پی ماست

عمر نبود آنچه غافل از تو نشستیم

بِأَقْبَى عَمْرِ إِسْتَادَهُمْ بِهْ غِرَامَتِ
لَا أَدْرِي، لَا أَعْرِفُ قَائِلَهُ

باد آمد و سوی آسمان راند
هر ذره از آن ستاره [ای] شد
گر دی که سم سمندت افشاند
سرمایه نور باره [ای] شد

لِوَاحِدٍ فِي وَصْفِ الرِّبْطَةِ، وَلَقَدْ أَجَادَ

قامت سرو را خرامان کرد
ساعتی بود پس به عزم شدن
ماه را شهر بند کتان کرد
سرو را از شکوفه ساخت غلاف
من ندانم چگونه پنهان کرد
آن همه فتنه زیر یک چادر

(۱) در این موضع دو کلمه خوانده نمی‌شود.

(۲) در این موضع يك کلمه خوانده نمی‌شود.

(۳) این موضع محوشدگی دارد و (الی) از روی حدس انتخاب گردیده است.

(۴) حرف م روی این بین دال بر این است که این بیت مقدم است بدین سبب جای آن دو را تغییر داده‌ام.

(۵) حرف خ بر روی این بیت دال بر این است که این بیت مؤخر است.

رَباعیة

انگشت نمای این و آنم کردی	افسانه و شهره جهانم کردی
دل بردی و نیز قصد جانم کردی	فی القصه أسیر جاودانم کردی

به میخانه‌ها یافتم روشنایی	همی باز کردم در آشنایی
به خاک کف پای رندان که آنجا	ندیدم نوایی به از بی نوایی

دل‌م با شکستن چنان انس دارد	که می‌ترسم از صحبت مومیایی
به چشم حقارت مبین هر گدا را	که بس گنجها یافتم در گدایی
تو در استخوان خوردن مرغ منگر	کمال اثر بین و فرّ همایی

مرکز تحقیقات کتب و اسناد

اگر خورده ^(۱) دانی بدان تا چه چیزی	وگر دور بینی بسین ^(۲) کز کجایی
به حکمت سخن گوی و از دل برآور	تو خواه اوحدی باش خواهی سنایی
حیات ^(۳) باقی خواهی به داد و دادن کوش	که زنده‌اند فریدون و حاتم طایی

* ۶۹۱ * عشاق تو نزیبی جوانی گریند	یا از پی مال و سود ^(۴) زیانی گریند
چون چنگ ^(۵) همه ز تندرستی نالند	چون شمع همه ز زندگانی گریند

(۱) خورده.

(۲) به بین بصورت نادر جدا نوشته شده است.

(۳) حیوة.

(۴) سو.

(۵) بظاهر چنگ خوانده‌ام.

أيضاً

مازار^(۱) دلی را که تو جانش باشی معشوقه پیدا و نهانش باشی
 زان می ترسم که از دل آزاری^(۲) تو دل خون شود و تو در میانش باشی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، أَمَا بَعْدَ فَهَذِهِ رِسَالَةٌ مُشْتَمَلَةٌ
 عَلَى كَلَامِ الْمُلُوكِ فِيهَا نَصَائِحُ^(۳) لِجُنُوهِ الْعَوَامِّ وَالْخَوَاصِّ:
 جَمَشِيدِ الْمَلِكِ: الْحِكْمَةُ مِفْتَاحُ السَّعَادَاتِ، السَّعَادَةُ إِذْرَاكُ الْأُمْنِيَّاتِ.
 إِفْرِيدُون: الْأَيَّامُ صَحَائِفُ أَعْمَارِكُمْ فَأَذْعُوهَا أَحْسَنَ أَعْمَالِكُمْ، مَنْ بَرَّ وَالِدَيْهِ بَرَّهُ وَوَلَدُهُ، وَ
 مَنْ عَقَّهَا عَقَّهْ وَوَلَدُهُ.

مَنُوجِهَر^(۴): الدُّنْيَا أَشْبَهُ شَيْءٍ^(۵) بِظِلِّ الْعَمَامِ وَحُلْمِ النَّيَامِ، الْجُنْدُ لِلْمَلِكِ بِمَنْزِلَةِ الْأَجْنِحَةِ
 لِلطَّيْرِ وَالْمَلِكُ لِلرَّعِيَّةِ كَالرَّأْسِ لِلبَدَنِ وَالرُّوحُ لِلجَسَدِ. عَفْوُ الْمَلِكِ أَبْقَى لِمُلْكِهِ. الْحِلْمُ حِجَابُ
 الْآفَاتِ. إِنْ بُلُوغُ الْأَمَالِ رُكُوبُ الْأَهْوَالِ، وَالْفُرْصُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ وَالْقُعُودُ مِنْ أَخْلَاقِ
 الْعَجَائِزِ. وَالْفَنَاعَةُ مِنْ طِبَاعِ الْبَهَائِمِ.

أَفْرَاسِيَاب: مَنْ جَادَ سَادَ، وَمَنْ سَادَ قَادَ، وَمَنْ قَادَ بَلَغَ الْمُرَادَ. يَسْتَبْعِي أَنْ يَجْتَمِعَ فِي
 قَائِدِ^(۶) الْجَيْشِ: صَوْلَةُ الْأَسَدِ وَرَوْغَانُ الثَّغْلِبِ وَوُقُوفُ الْفَهْدِ وَصَبْرُ الْجِمَارِ وَبُكُورُ الْغُرَابِ
 وَصَيْدُ الْعَقَابِ وَجُرْأَةُ النَّمْرِ.

كَيْقَبَاد: الْعِمَارَةُ كَالْحَيَاةِ وَالْخَرَابُ كَالْمَمَاتِ، بَقَا [ء] كُلِّ مَلِكٍ عَلَى قَدْرِ خَطَرِهِ وَهَيْئِهِ.
 كَيْكَأَوْس: أَحْسَنُ الْأَشْيَاءِ [ء] وَأَطْيَبُهَا الْعَافِيَةُ.

(۱) به همین شکل در متن - مخفف میازار.

(۲) دلآزاری.

(۳) نصایح.

(۴) منوچهر مورد نظر است.

(۵) شی.

(۶) قاید..

دستان سام: لا ظفر مع البغي، ولا مال مع الإشراف، يا بُنَيَّ! إن شريك الكرم الوفا [ء] و
شريك الغدر اللؤم.

رستم دستان: كُلُّ شَيْءٍ [ء] النِّفْقَةُ عَلَيْهِ مِنَ الْأَمْوَالِ إِلَّا الْحُرُوبُ فَإِنَّ النِّفْقَةَ عَلَيْهِ مِنَ
النُّفُوسِ، الرَّأْيُ الشَّدِيدُ مِنْ إِخْدَى الْأَيْدِي الشَّدِيدِ. حُسْنُ الصَّبْرِ طَلِيعَةُ النَّصْرِ. إِنَّ الْمَوْلَى إِذَا
كَلَّفَ عَبْدَهُ مَا لَا طَاقَةَ لَهُ فَقَدْ أَقَامَ غَدْرَهُ * ٦٩٢ * فِي مُخَالَفَتِهِ.

تبخسرو: اعلم أن الإلهية ربوبية سماوية والمملك ربوبية أرضية فتيجب على مستحق
هذا الإسم أن يلزم أحكام تدبير الخلائق فيما يجري على يده من أمور الخلق. من طلب عن
الدنيا باطل أو ثمة الله ذلاً بحق.

لهراسف^(١): مَثَلُ الْمَلِكِ فِيمَا يَتَعَاطَاهُ مِنْ مُعَاقِبَةِ الْمُذْنِبِينَ ثُمَّ انْعَطَفَ عَلَيْهِمْ بِالْإِحْسَانِ،
مَثَلُ الطَّبِيبِ الْمُشْفِقِ الَّذِي يَضْطَرُّ إِلَى شَقِّ الْأَغْضَاءِ [ء] وَبَطْئِهَا ثُمَّ أَدْمَنَهُ الْحَاجَّةُ إِلَى أَنْ يَصْلُحَ
مَا أَفْسَدَ وَيَخِيطَ^(٢) مَا شَقَّ وَيُلْحَمَ مَا خَرِقَ.

كشتاسف^(٣): إِنَّ الْمَيِّتَ وَمَنْ لَا دِينَ لَهُ سِوَا [ء] وَلَا أَمَانَةَ لِمَنْ لَا دِينَ لَهُ.
إِسْفَنْدِيَارُ: الشُّكْرُ أَفْضَلُ مِنَ النُّعْمَةِ لِأَنَّهُ تَبْقَى وَتِلْكَ تَفْنَى^(٤). لَا تَفْعَلْ عَمَلًا فِي السَّرِّ
تَسْتَحْيِي^(٥) أَنْ تُذَكَّرَ فِي الْعَلَانِيَةِ.

بهمن بن إسفنديار: بِالْإِفْضَالِ تَعْلُو الْأَقْدَارُ. حُسْنُ الذِّكْرِ ثَمَرَةُ الْعُمْرِ. الرَّفْقُ مِفْتَاحُ
النَّجَاحِ يُجَرِّبُهُ الْمُجَرَّبُ بِتَضْيِيعِ الْعُمْرِ. الْإِنْصَافُ أَحْسَنُ الْأَوْصَافِ.

دازاب الأكبر: مَثَلُ الْعَدُوِّ الضَّاحِكِ كَمَثَلِ الْحَنْظَلَةِ الْخَضِرَةِ أَوْ رَاقِهَا الْقَاتِلَةِ مَذَاقِهَا.
دازاب الأصغر: لَا تَطْمَعْ فِي كُلِّ مَا تَسْمَعُ. مَنْ عَتَبَ عَلَى الدَّهْرِ طَالَ عَتَبُهُ. يَا أَخِي! أَنْظِرْ
إِلَى مُلْكِ الْمُلُوكِ وَصَاحِبِ الْأَقَالِيمِ السَّبْعَةِ جَرِيحاً سَاقِطاً عَلَى التُّرَابِ مُنْفَرِداً عَنِ الْأَصْحَابِ

(١) همان لهراسب است.

(٢) در متن: يخييط.

(٣) منظور گشتاسپ است.

(٤) تنفى.

(٥) تستحى.

وَالْأَحْبَابِ وَالْأَثْرَابِ، قَدْ زَالَ مُلْكُهُ وَحَانَ هُلْكُهُ، فَاعْتَبِرْ بِمَا تَرَى قَبْلَ أَنْ تَصِيرَ عِبْرَةً لِلرَّائِيْنَ.

الإسكندر: إِنَّ الْقَصَابَ لَا تَهْوُلُهُ كَثْرَةُ الْعَنَمِ. مَوَدَّتِي سَبَبُ حَيَاتِي الْبَاقِيَةِ وَوَالِدِي سَبَبُ حَيَاتِي الْفَانِيَةِ. دَوَامُ الذِّكْرِ بِالسَّيْرِ الْحَسَنَةِ وَالسُّنَنِ الصَّالِحَةِ. لَا يَخْسُنُ لِمَنْ غَلَبَ الرِّجَالَ أَنْ يَغْلِبَهُ النِّسَاءُ. لَا تَسْتَحْقِرَنَّ الرَّأْيَ الْجَلِيلَ يَا تَيْكَ بِهِ الرَّجُلُ الْحَقِيرُ * ٦٩٣ * فَإِنَّ الدَّرَّةَ لَا يُسْتَهَانُ بِهَوَانِ غَايِبِهَا.

بَطْلَمَيْوس: مَوْعِ الْحِكْمَةِ مِنْ مَسَامِعِ الْجُهَّالِ كَمَوْعِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ مِنْ ظَهْرِ الْحِمَارِ. خُذِ اللَّوْلُؤَ مِنَ الْبَحْرِ وَالذَّهَبَ مِنَ الْأَرْضِ وَالْحِكْمَةَ مِنْ قَالِهَا. الْعَاقِلُ لَا يَشْرَبُ الشَّمَّ بِمَا عِنْدَهُ مِنَ التَّرْيَاقِ. إِنْ كَمُونَ الْعَدَاوَةَ فِي الْقَوَادِ كَكَمُونَ الْجَمْرِ فِي الرَّمَادِ. مَوْتُ الصَّالِحِ رَاحَةٌ لِنَفْسِهِ وَ مَوْتُ الطَّالِحِ رَاحَةٌ لِلنَّاسِ. لَا تَطْلُبْ سُرْعَةَ الْعَمَلِ وَاطْلُبْ تَجْرِيدَهُ.

أَفْلَاطُونُ الْإِلَهِيِّ: لَا تَقْصِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِزَمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ. حَرَامٌ عَلَى الْمَلِكِ السُّكْرُ لِأَنَّهُ حَارِسُ الْمُلْكِ وَمِنَ الْقَبِيحِ أَنْ يَكُونَ الْحَارِسُ مُحْتَاجًا إِلَى مَنْ يَحْرُسُهُ.

أَرْسَطَاطَالِيسُ: لَا يَضْبُطُ الْكَثِيرُ مَنْ لَا يَضْبُطُ نَفْسَهُ وَهِيَ وَاحِدَةٌ. الْأَخْيَارُ يَتَقَرَّبُونَ إِلَى الْمُلُوكِ بِذِكْرِ مَحَاسِنِ النَّاسِ وَالْأَشْرَارُ يَتَقَرَّبُونَ إِلَيْهِمْ بِذِكْرِ مَسَاوِيهِمْ. قَوَائِنُ الْأَحْوَالِ يَدُلُّ عَلَى حَقَائِقِ (١) الْأَشْرَارِ. حُسْنُ التَّدْبِيرِ نِصْفُ الْمَعِيشَةِ.

فَغْفُورُ حَيْنِ (٢): إِذَا خَدِمْتَ مَلِكًا فَلَا تَلْبَسْ مَا يَلْبَسُهُ وَلَا تَرْكَبْ مَا يَرْكَبُهُ وَلَا تَسْتَخْدِمْ مَا يَصْلَحُ لَهُ. عِزُّ الْمُلُوكِ فِي كَثْرَةِ الْمَمَالِكِ.

خَاقَانُ مَلِكِ الْخَزَرِّ: وَمِنْ طِبَاعِ الْمُلُوكِ إِنْكَارُهُمُ الْقَبِيحَ مِنْ غَيْرِهِمْ وَاحْتِمَالُهُ مِنْ أَنْفُسِهِمْ. إِذَا شَاوَزْتَ الْعَاقِلَ صَارَ عَقْلُهُ لَكَ. مَنْ لَمْ يَتَمَّ مَعْرُوفَةً فَكَأَنَّ لَمْ يَصْنَعُهُ.

شَاوُورُ بْنُ قَغْفُورٍ: مَا أَطِيبَ الْمُلْكَ لَوْ دَامَ! قَالَ وَزِيرُهُ: لَوْ دَامَ لَمَا وَصَلَ إِلَيْكَ.

(١) حقايق.

(٢) حين.

اردوان الأكبر: قُلُوبُ الرَّعِيَّةِ خَزَائِنُ مُلْكِهَا فَمَا أُوْدِعَهُ إِيَّاهَا وَجَدَهُ عِنْدَهَا.

اردوان الأصغر: أَنْعِمَ عَلَيَّ مَنْ شَكَرَكَ وَاشْكُرْ عَلَيَّ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ.

اردشير بن بابک: لَا سُلْطَانَ إِلَّا بِالرَّجَالِ وَلَا رِجَالَ إِلَّا بِالمَالِ وَلَا مَالًا إِلَّا بِالْعِمَارَةِ

* ۶۹۴ * وَلَا عِمَارَةَ إِلَّا بِالْعَدْلِ وَالسِّيَاسَةِ. سُلْطَانٌ عَادِلٌ خَيْرٌ مِنْ مَطَرٍ وَابِلٍ. أَسَدٌ قَطُومٌ خَيْرٌ

مِنْ مَلِكٍ غَشُومٍ وَ مَلِكٌ غَشُومٌ خَيْرٌ مِنْ فِتْنَةٍ تَدُومُ. المَلِكُ يَبْقَى مَعَ الكُفْرِ وَلَا يَبْقَى مَعَ الظُّلْمِ.

بهرام بن (۱) بهرام: إِنْ حِطَّاطٌ أَلْفٌ مِنَ العَلِيَّةِ أَحْمَدُ عَاقِبَتُهُ مِنْ إِزْتِفَاعٍ وَاحِدٍ مِنَ السُّفْلَةِ.

كَلَامُ العَاقِلِ أَكْثَرُ أَمْوَالٍ وَ كَلَامُ الجَاهِلِ أَكْثَرُ وَبَالٌ.

شابور ذوالاكتاف: إِنْ الضَّيْعَةَ إِذَا اشْتَدَّتْ (۲) إِلَى رَجُلٍ وَ لَمْ يَرَى (۳)، أُخْلِقَتْ كَالْأَخْلَاقِ

الثَّوْبِ البَالِي. مَنْ قَالَ فِي النَّاسِ مَا لَمْ يَعْلَمْ قَالُوا فِيهِ مَا لَمْ يَعْلَمُونَ.

أزدشیرین بهرام: لَيْسَ شَيْءٌ أَحْسَنَ مِنَ المَعْرُوفِ وَ الشُّكْرِ أَحْسَنُ مِنْهُ.

يَزْدَجُرد: ثَلَاثَةٌ لَا أَمَانَ لَهَا: البَحْرُ وَ السُّلْطَانُ وَ النَّارُ.

بهرام شوبین (۴): حِفْظُ اللُّسَانِ يَنْفَعُ الطَّيْرَ وَ الْإِنْسَانَ.

انوشیروان العادل: مَنْ سَعَى رَعَى وَ مَنْ تَمَّ يَرَى الأَخْلَامَ. وَ جَدْنَا مِنَ اللَّذَّةِ فِي العُقُوبِ مَا لَمْ

نَجِدْ فِي العُقُوبَةِ. كَثِيرُ الحَطْبِ يَكْفِيهِ قَلِيلُ مِنَ النَّارِ. مَثَلُ المَلِكِ الَّذِي يَعْمرُ خَرَابَتَهُ مِنْ أَمْوَالِ

الرَّعِيَّةِ كَمَثَلِ مَنْ يَطِينُ سَطْحَ بَيْتِهِ بِمَا يَقْلَعُ مِنْ أَسَاسِ بُنْيَانِهِ. يَوْمُ الرِّيحِ لِلنَّوْمِ وَ يَوْمُ الغَيْمِ

لِلصَّيْدِ وَ يَوْمُ المَطَرِ لِلشُّرْبِ وَ يَوْمُ الشَّمْسِ لِلحَوَائِجِ (۵). لَا يَسْتَعْنِي أَفْضَلُ المُلُوكِ عَنِ الوَزِيرِ

وَلَا أَعْقَلُ النِّسَاءِ [ء] عَنِ الزَّوْجِ وَ لَا أَكْرَمُ الخِيُولِ عَنِ السَّوْطِ وَ لَا أَجْوَدُ السَّيْفِ عَنِ الصَّيْقَلِ.

بِسْرَى بَرُويز (۶): أَطْعِ مَنْ فَوْقَكَ يُطْعَمَكَ (۷) مَنْ دُونَكَ. الأَهْرَبُ فِي وَقْتِهِ ظَفَرٌ.

(۱) ابن.

(۲) در متن: أشدت.

(۳) ظاهراً اینگونه خوانده می‌شود که با قواعد سازگار نیست.

(۴) امروز تشوبین هم می‌نویسند.

(۵) للحوائج.

(۶) منظور خسرو پرویز است.

(۷) در متن: يطعمك.

نَعْمَانُ بْنُ الْمُنْدِرِ: أَخْفَى الظُّنُونِ إِظْهَارُ الْمَحَبَّةِ.



وَكَتَبَ ذَلِكَ فِي غُرَّةِ سُؤَالِ لِسْنَةِ إِثْنَيْنِ وَ ثَمَانِينَ وَ سَبْعِمِائَةٍ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ أَوْلَى وَ آخِرًا، وَ صَلَّى اللهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ صَفِيَّهِ وَ نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.



مرکز تحقیقات و پژوهش علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

* ٦٩٥ * تَسْطِيرٌ بِحَطِّ الصَّاحِبِ السَّالِكِ
المَوْلَى الزَّاهِدِ النَّاسِكِ، جَلَالِ المَلَّةِ وَالدِّينِ
الْمَنْشَى رَفَعَ اللهُ قَدْرَهُ

قال الشيخ الامام محمد بن ابي بكر
هدى الله روجه هدايا اودعت فيه هذه المسائل
التي اصحاحها المسالك الكلاسيكية بالتفاسير طائفة
من الافاضل وهي العبد اللامية
والحمد لله رب العالمين والصلى والسلام على
محمد وآله الطيبين الطاهرين
لقد ابدى في هذا المصنف بتوحيد بنظمه
الله المخلوق من لانا قدم وهو صواب واصوات
هو الحق المدبر كل امر هو الحق المقدر ذوالجلال
مريد الخير والشر النصح ولكن ليس يرضى بالحق
صفات الله لتسبب ذات ولا غير اسواه ذوالنصار
يسمى الله شيئا الا كاشيا وذاتا عن جهات است خال
وليس له اسم غير التمس لدى اهل البصيرة خزان
وما ان جوهره في جسمه ولا بصير وكل ذواتها
وما القرآن مخلوق تعالى كلام الرب عز وجل المعاد

٦٩٦ قَالَ الشَّيْخُ الإِمَامُ بَاحِرُ المِلَّةِ وَالدِّينِ أَبُو حَفْصٍ عُمَرُ النَّسْفِيُّ قَدَّسَ اللهُ رُوحَهُ:
هَذَا مَا أُودِعَتْ فِيهِ هَذِهِ المَسَائِلُ (١) الَّتِي أُمِّهَاتُ المَسَائِلِ الكَلَامِيَّةِ بِالتَّمَاسِ طَائِفَةٌ مِنْ
الأَفَاضِلِ وَهِيَ القَصِيدَةُ اللَّامِيَّةُ:

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ العَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ مِنْ بَعْدِهِ:

يَقُولُ العَبْدُ فِي بَدْوِ الأَمَالِي	بِتَوْجِيدٍ يَنْظُمُ دُرَرَ اللَّالِي
إِلَهُ الخَلْقِ مَوْلَانَا قَدِيمٌ	وَمَوْصُوفٌ بِأَوْصَافِ الكَمَالِ
هُوَ الحَقُّ، المُقَدَّرُ ذُو الجَلَالِ	وَلَكِنْ لَيْسَ يَرْضَى بِالمُحَالِ
مُرِيدُ الخَيْرِ وَالشَّرِّ قَبِيحٌ	وَلَا غَيْرًا سِوَاهُ ذَا انْفِصَالِ
صِفَاتُ اللهِ لَيْسَتْ عَيْنَ ذَاتٍ	وَذَاتًا عَنِ جِهَاتِ السَّتِّ خَالِي
يُسَمَّى اللهُ شَيْئًا (٢) لَا كَالأَشْيَاءِ [ع]	لَسَدَى أَهْلِ البَصِيرَةِ خَيْرِ آلِ
وَلَيْسَ الإِسْمُ غَيْرًا لِلْمُسَمَّى	وَلَا بَعْضُ وَكُلُّ ذُو اشْتِمَالِ
وَمَا الإِنِّ جَوْهَرُ رَبِّي وَجِسْمُ	كَلَامُ الرَّبِّ عَنِ جِنْسِ المَقَالِ
٦٩٧ وَرَبُّ العَرْشِ مُسْتَوِلٌ عَلَيْهِ	بِلاَوْضِفِ التَّمَكُّنِ وَاتِّصَالِ
وَمَا التَّشْبِيهُ لِلرَّحْمَنِ وَجْهًا	قَصْبُ عَنِ ذَاكَ أَصْنَافِ الأَهَالِ
وَلَا يَمْنَعِي عَلَى الدِّيَانِ وَقْتُ	وَأخْوَالٍ وَأَزْمَانِ مُحَالِ
وَمُسْتَعْنِ الإِلهِي عَنِ نِسَاءِ	وَأَوْلَادِ إِنْسَانِ أَوْ رِجَالِ
كَذَا عَنِ كُلِّ عَوْنٍ وَنَصْرٍ	تَفَرَّدَ ذُو الجَلَالِ وَذُو التَّعَالِ

(١) المسائل وهكذا مورد بعد.

(٢) شيا.

يُمِيتُ الْخَلْقَ قَهْرًا ثُمَّ يُحْيِي
لأَهْلِ الْخَيْرِ جَنَّاتٍ وَ نَعْمَى
يَرَاهُ الْمُؤْمِنُونَ بِغَيْرِ كَيْفٍ
فَيَنْسَوْنَ النَّعِيمَ إِذَا رَأَوْهُ
وَمَا إِنْ فَعَلُ أَصْلَحَ بِإِفْتِرَاضٍ
وَقَرُضٌ لَازِمٌ تَصْذِيقُ رُشْلِ
وَحَقُّ أَمْرٍ مِغْرَاجٍ وَ صِدْقُ
وَ خَتْمُ الرُّسْلِ بِالصَّدْرِ الْمُعَلَّى
إِمَامُ الْأَنْبِيَاءِ [ء] بِإِخْلَافٍ
وَبَاقٍ شَرْعُهُ فِي كُلِّ وَقْتٍ
۶۹۸ وَ لِدَعَوَاتٍ تَأْتِي بِبَلِيغٍ
وَدُنْيَانَا حَدِيثٌ وَالْهَيْوَلِي
وَلِلْجَنَّاتِ وَالنَّيْرَانِ كَيْتُونَ
وَلَا يَفْنَى الْجَجِيمُ وَلَا جِنَانٌ
وَذُو الْإِيمَانِ لَا يَبْقَى مُقِيمًا
لَقَدْ أَلْبَسْتُ لِلتَّوْحِيدِ نَظْمًا (۱)
وَيُسَلِّي الْقَلْبَ كَالْبُشْرَى بِرَوْحٍ
فَخَوْضُوا فِيهِ خَوْضًا وَاعْتِقَادًا
وَ كُونُوا عَوْنَهُ هَذَا الْعَبْدِ دَهْرًا
لَسَعَلَ اللَّهُ يَغْفُوهُ بِفَضْلِ

فَيُجْزِيهِمْ عَلَى وَفْقِ الْخِصَالِ
وَ لِسَلْكَفَارِ إِذْرَاكِ النَّكَالِ
فَيَا خُسْرَانَ أَهْلَ الْإِغْتِرَالِ
بِإِذْرَاكِ وَ ضَرْبِ مَنْ مِثَالِ
عَلَى الْهَادِي ذِي الْمُقَدَّسِ ذِي التَّعَالِ
وَأَمْسَلَاكِ كِرَامِ بِالنَّوَالِ
فَفِيهِ نَصُّ أَخْبَارِ عَوَالِ
نَسْبِي هَاشِمِي ذِي جَسَالِ
وَ تَاجِ الْأَضْفِيَاءِ بِإِخْتِلَالِ
إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَازْتِحَالِ
وَ قَدْ يَنْفِيهِ أَصْحَابُ الضَّلَالِ
عَلَدِيمِ الْكَوْنِ فَاسْتَعِ بِاخْتِيَالِ
عَمَلْنَهَا مَرًّا أَخْوَالِ خَوَالِ
وَ مَا أَهْلُوهُمَا أَهْلُ انْتِقَالِ
بِشُؤْمِ الذَّنْبِ فِي دَارِ اشْتِعَالِ
بَدِيعِ الشَّكْلِ كَالسَّخْرِ الْحَلَالِ
وَ يُخَيِّ الرُّوحَ كَسَالْمَاءِ الزَّلَالِ
تَنَالُوا حُسْنَ أَصْنَافِ (۲) الْمَنَالِ
بِذِكْرِ الْخَيْرِ فِي حَالِ ابْتِهَالِ
وَ يُغْطِيهِ السَّعَادَةُ فِي الْمَنَالِ (۳)

(۱) نضماً.

(۲) کلمه اصناف بین دو سطر آمده است.

(۳) در حاشیه سمت راست نوشته شده است: مصنف هذه القصيدة كافر.

حُكِيَ أَنَّ أَبَا نَوَاسٍ رَأَى^(١) فِي الْمَنَامِ قَقِيلَ لَهُ: مَا فَعَلَ اللَّهُ بِكَ؟ فَقَالَ: غَفَرَنِي، فَقَقِيلَ لَهُ: بِمَ؟ فَقَالَ: بِأَرْبَعَةِ آيَاتٍ قُلْتُهَا، فَقَقِيلَ لَهُ: وَمَاهِي؟ فَقَالَ:

إِنِّي أَحِبُّ أَبَا حَفْصٍ وَشَيْعَتَهُ كَمَا أَحِبُّ عَتِيقًا صَاحِبَ السَّغَارِ
 * ٦٩٩ * وَقَدْ رَضِيتُ عَلَيَا قُدْوَةَ عِلْمًا وَمَا رَضِيتُ بِقَتْلِ الشَّيْخِ فِي الدَّارِ
 كُلُّ الصَّحَابَةِ عِنْدِي أَنْجَمٌ زَهْرٌ فَهَلْ عَلَيَّ بِهَذَا الْقَوْلِ مِنْ عَارِ
 إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنِّي لَا أَحِبُّهُمْ إِلَّا لِوَجْهِكَ فَاعْتَقِنِي مِنَ النَّارِ

قال [النبي] صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الأخلاق مَخْرُونَةٌ عِنْدَ اللهِ تَعَالَى فَإِذَا أَرَادَ اللهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا مَنَحَهُ مِنْهَا خَلْقًا^(٢).

وقال [النبي] عليه الصلاة والسلام: أَمَا وَاللَّهِ إِنِّي لِأَخْشَاكُمُ لِلَّهِ وَأَنْفَاكُمُ لَهُ، لَكِنِّي أَصُومُ وَأَفْطُرُ وَأُصَلِّي وَأُزْقِدُ وَأَتَزَوَّجُ النِّسَاءَ فَمَنْ رَغِبَ عَنِّي فَمَنْ سُنِّي فَمَنْ سُنِّي فَمَنْ سُنِّي^(٣).

[وقال النبي (ص)]: أَلَا أُنبِئُكُمْ بِخَيْرِ أَعْمَالِكُمْ وَأَزْكَاهَا عِنْدَ مَلِيكِكُمْ وَأَزْجَعَهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ وَخَيْرٍ لَكُمْ مِنْ إِنْفَاقِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ؟ قَالُوا: بَلَى قَالَ [ص]: ذِكْرُ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ^(٤).
 [وقال (ص)]: إِنْ مِنْكُمْ مُنْفِرِينَ فَأَيُّكُمْ صَلَّى بِالنَّاسِ فَلْيَتَجَوَّزْ^(٥) فَإِنَّ فِيهِمُ الضَّعِيفَ وَالْكَبِيرَ وَذَا الْحَاجَةِ^(٦).

[وقال (ص)]: إِنَّكُمْ لَا تَسْعُونَ النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ وَلَكِنْ لِيَسْعَهُمْ مِنْكُمْ بَسْطُ الْوَجْهِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ^(٧).

[وقال (ص)]: إِنَّكُمْ لَتُدْعَوْنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَسْمَائِكُمْ^(٨) وَأَسْمَاءِ آبَائِكُمْ^(٩) فَأَحْسِنُوا

(١) روى.

(٢) بحار الانوار ٢١٧/١ ح ٣٣.

(٣) بحار الانوار ١١٢/٦٥.

(٤) بحار الانوار ٤٩/٨٥ ح ٤٢.

(٥) در حاشيه سمت راست معني آن نوشته شده: أي فليفتنصر.

(٦) بحار الانوار ٣٧٤/٨١ باب ٢٢.

(٧) بحار الانوار ٣٩٥/٧١ ح ٧١.

(٨) باسمائكم.

(٩) آبايكم.

أَسْمَاءَ كُمْ^(۱).

[وَقَالَ النَّبِيُّ^(ص): بَيْنَ الْعَالِمِ وَالْعَابِدِ * ۷۰۰ * مِائَةٌ^(۲) دَرَجَةٌ بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ خُضِرُ الْجَوَادِ الْمُضْمِرِ سَبْعِينَ سَنَةً^(۳).

بَابٌ مِنَ الْعِلْمِ يَتَعَلَّمُهُ الرَّجُلُ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الدُّنْيَا^(۴).

بَرُّوا آبَاءَ [كُم] يَبْرُكُكُمْ أَبْنَاؤُكُمْ وَعَفُوا تَعَفُّ نِسَاؤُكُمْ^(۵).

بَشِّرِ الْمَشَائِئِينَ فِي ظِلْمِ اللَّيْلِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ التَّامِّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَسَابَعْتُ أَنَا^(۶) فَسَبَقْتُهُ فَأَتَّبَعَنِي وَلَوْ سَبَقَنِي لَأَتَّبَعْتُهُ^(۷).

تَجَافُوا عَنِ ذَنْبِ السَّخِيِّ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى آخِذٌ بِبَيْدِهِ كُلَّمَا عَثَرَ^(۸).

تَخَيَّرُوا لِنُطْفِكُمْ فَإِنَّ الْعِرْقَ نَزَاعٌ^(۹).

تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ خُسُوعِ النِّفَاقِ. قِيلَ: وَمَا خُسُوعُ النِّفَاقِ؟ قَالَ: خُسُوعُ السِّدَنِ وَنِفَاقِ الْقَلْبِ^(۱۰).

تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الْحُزْنِ^(۱۱). قَالُوا: وَمَا ذَلِكَ؟ قَالَ: وَادٍ فِي جَهَنَّمَ يَتَعَوَّذُ مِنْهُ جَهَنَّمُ كُلُّ

يَوْمٍ مِائَةً^(۱۲) مَرَّةٍ يَدْخُلُهُ الْقُرَاءُ الْمُرَاوُونَ بِأَعْمَالِهِمْ^(۱۳).

ثَلَاثُ دَعَاوٍ مُسْتَجَابَاتٌ لِاشْتِكِّ فِيهِنَّ: دَعْوَةُ الْوَالِدِ وَدَعْوَةُ الْمُسَافِرِ وَدَعْوَةُ

(۱) بحار الانوار ۱۷/۱۴۴ ح ۳۱.

(۲) ما به.

(۳) بحار الانوار ۲/۲۴ ح ۷۲.

(۴) بحار الانوار ۱/۱۸۴ ح ۹۶.

(۵) بحار الانوار ۷۱/۲۷۰ ح ۱۰.

(۶) در این موضع يك كلمه محو شده است.

(۷) مستدرک ۳/۳۶۴ باب ۴.

(۸) نهج الفصاحة ص ۲۲۵ ح ۱۱۲۱.

(۹) عوالمی اللثالی ۱/۲۵۹، وایضاً: ۳/۳۰۱.

(۱۰) مستدرک ۱/۱۰۰ باب ۱۱.

(۱۱) این كلمه به ظاهر اینگونه خوانده می شود.

(۱۲) ما به.

(۱۳) بحار الانوار ۶/۲۸۸ باب ۹.

المظلوم^(١).

ثلاث مهلكات: شح مطاع وهوى متبع وإعجاب المرء [ب] نفسه^(٢).

ثلاث منجيات: خشية الله في السر والعلانية، والقصد في الفقر والغنى، والعدل في

الغضب والرضى^(٣).

ثلاث من كن فيه آواه الله في كنفه * ٧٠١ * ونشر عليه رحمته وأدخله في محبته: من

إذا أعطى شكرًا وإذا قدر غفرًا وإذا غضب فترًا^(٤).

ثلاث يدخلون الجنة بغير حساب: رجل غسل ثيابه فلم يجد له خلقًا، ورجل لم ينصب

له قدران، ورجل دعا بشراب فلم يقل له أيهما تريد^(٥).

الجنة دار الأسيخياء^(٦).

الجنة أقرب إلى أحدكم من شراك نعليه والنار مثل ذلك^(٧).

الجواد من جاد بحقوق الله في ماله والبخل من منع حقوق الله وبخل على ربه^(٨).

الجماعة رحمة والفرقة عذاب^(٩).

جاءني^(١٠) جبرئيل فقال: إن ربك يقول: أما يرضيك يا محمد أن لا يصلي عليك أحد من

أمتك إلا صليت عليه عشرًا ولا يسلم عليك أحد من أمتك إلا سلمت عليه عشرًا^(١١).

الحياء من الإيمان والإيمان في الجنة والبلاء من الجفأ [ب] والجفأ [ب] في النار^(١٢).

(١) مستدرک ٢٥٦/٥ باب ٤٩.

(٢) وسائل الشيعة ١٠٢/١ باب ٢٣.

(٣) بحار الأنوار ٦/٦٧ باب ٤١.

(٤) اعلام الدين ص ١١٩ باب صفة المؤمن.

(٥) مستدرک ٤٣/١٣ باب ١٣.

(٦) بحار الأنوار ٣٥٦/٧١ ح ١٨، نهج الفصاحة ص ٢٨٠ ح ١٣٣١.

(٧) نهج الفصاحة ص ٢٧٩ ح ١٣٣٦.

(٨) المعهود المحمدية ص ٤٥٣.

(٩) نهج الفصاحة ص ٢٤١ ح ١٢٠٢.

(١٠) حاشي.

(١١) بحار الأنوار ٦٤/٩١ باب ٢٩ باختلاف.

(١٢) بحار الأنوار ١٤٩/١ ح ٢٠.

حُبُّ الْجَاهِ وَالْمَالِ يُنْبِتَانِ النَّفَاقَ فِي الْقَلْبِ كَمَا يُنْبِتُ الْمَاءُ الْبَقْلَ (١).
 حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحْسِنَ اسْمَهُ وَيُحْسِنَ مُرْضِعَهُ وَيُحْسِنَ أَدَبَهُ (٢).
 حُقُفُوا الشَّوَارِبَ وَاعْفُوا اللَّحَى (٣).
 الْحُمَى حَظٌّ (٤) كُلُّ مُؤْمِنٍ * ٧٠٢ * مِنَ النَّارِ (٥).
 حُسْنُ الظَّنِّ مِنْ حُسْنِ الْعِبَادَةِ (٦).
 خَيْرُ الْمَجَالِسِ أَوْسَعُهَا (٧).
 خَيْرُ الطَّعَامِ مَا كَثُرَتْ بِهِ الْأَيْدِي (٨).
 خَيْرُ الصَّدَقَةِ مَا كَانَ عَنْ ظَهْرِ غِنَى (٩).
 خَيْرُ الذَّكْرِ الْخَفِيُّ وَخَيْرُ الرِّزْقِ مَا يَكْفِي (١٠).
 خَيْرُ بِيوتِكُمْ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ مُكْرَمٌ (١١).
 خَيْرُ شَبَابِكُمْ مَنْ تَشَبَهَ بِكُهُولِكُمْ وَشَرُّ كُهُولِكُمْ مَنْ تَشَبَهَ بِشَبَابِكُمْ (١٢).
 دِينَ الْمَرْءِ عَقْلُهُ وَمَنْ لَاعَقَلَ لَهُ لَادِينُ لَهُ (١٣).
 دِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَدِينَارٌ تَصَدَّقْتَهُ بِهِ عَلَى مُشْكِينٍ وَدِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ

(١) بحار الانوار ٢٠٦/٧٥ ح ١٢.

(٢) بحار الانوار ٨٠/٧٤ ح ٨٣، وايضاً ٦٠/٧٧ ح ٣.

(٣) بحار الانوار ١١١/٧٦ ح ١٠.

(٤) هكذا در متن.

(٥) بحار الانوار ١٠٤/٦٢ ح ٣٥، در بعضی از روایات چنین آمده: الْحُمَى مِنْ قُبْحِ جَهَنَّمَ، فأبردوها بالماء. ر. ك: صحيح

مسلم ١٧٣١/٤ رقم ٢٢٠٩.

(٦) نهج الفصاحة ٢٩٠/١ ح ١٣٧٩.

(٧) نهج الفصاحة ٣١٤/١ ح ١٤٩٦.

(٨) بحار الانوار ٢٩٠/٦٢ ح ٧٢.

(٩) نهج الفصاحة ٣١٣/١ ح ١٤٩١.

(١٠) نهج الفصاحة ٣١٢/١ ح ١٤٨٣.

(١١) نهج الفصاحة ٣١٧/١ ح ١٥١١.

(١٢) نهج الفصاحة ٣١٧/١ ح ١٥١٤.

(١٣) نهج الفصاحة ٣٣٠/١ ح ١٥٨١.

أَعْظَمَهَا أَجْرًا الَّذِي أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ (١).

دَعْوَةُ الْعَزِيزِ الْمُسْلِمِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ مُسْتَجَابَةٌ عِنْدَ رَأْسِهِ مَلَكٌ مُوَكَّلٌ كُلَّمَا دَعَا لِأَخِيهِ
بِخَيْرٍ قَالَ الْمَلَكُ آمِينَ وَلَكَ بِمِثْلِهِ (٢).

دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ مُسْتَجَابَةٌ وَإِنْ كَانَ فَاجِرًا فَفُجُورُهُ عَلَى نَفْسِهِ (٣).
دَاوُوا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ (٤).

الدُّعَاءُ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ لَا تُرَدُّ (٥).

ذَاقَ طَعْمَ الْإِيمَانِ مَنْ رَضِيَ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا (٦).

ذَاكِرُ اللَّهِ فِي الْغَافِلِينَ كَالشَّجَرَةِ الْخَضِرَاءِ فِي وَسْطِ الْهَشِيمِ (٧).

زَكَاةُ الْجَنِينِ زَكَاةُ أُمِّهِ (٨).

ذُرُونِي مَا تَرَكْتُمْ فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ * ٧٠٣ * قَبْلَكُمْ بِكَثْرَةِ سُؤَالِهِمْ وَاخْتِلَافِهِمْ عَلَى
أَنْبِيَائِهِمْ.

فَإِذَا أَمَرْتُمْ بِشَيْءٍ (٩) فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَإِذَا نَهَيْتُمْ (١٠) عَنْ شَيْءٍ فَدَعُوهُ (١١).

رَاحَةُ الْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا ثَلَاثٌ: تَرْكُ الدُّنْيَا وَطَلْبُ الْعِلْمِ وَصُحْبَةُ الصَّالِحِينَ (١٢).

رَحِمَ اللَّهُ رَجُلًا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ فَصَلَّى وَأَيَّقَظَ امْرَأَتَهُ فَصَلَّتْ فَإِنْ أَبَتْ نَضَحَ فِي وَجْهِهَا

(١) نهج الفصاحة ١/٣٣٠ ح ١٥٨٠.

(٢) نهج الفصاحة ١/٣٢٧ ح ١٥٦٤.

(٣) بحار الانوار ٧٥/٣١٠ ح ١١، نهج الفصاحة ١/٣٢٩ ح ١٥٧٤.

(٤) بحار الانوار ١٠/٩٩ ح ١، نهج الفصاحة ١/٣٢٥ ح ١٥٥٤.

(٥) بحار الانوار ٩٣/٣٤٨ ح ١٤.

(٦) بحار الانوار ٩٤/١٨٠ ح ٥.

(٧) بحار الانوار ٩٣/١٥٨ ح ٣٢.

(٨) بحار الانوار ٦٦/٣٢ ح ٨.

(٩) نسي و هكذا مورد بعد.

(١٠) در متن: أنهيتكم.

(١١) بحار الانوار ٢٢/٣١ باب ٣٧، باللفظ «فاجتنبوه» بجای «دعوه».

(١٢) روایت را نیافتیم.

الْمَاءُ (١).

رَكَعَتَانِ يَزْكُمُهُمَا الْعَبْدُ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْأَخِيرِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا (٢).
رَأَيْتُ أَكْثَرَ أَهْلِ النَّارِ النِّسَاءِ، فَقَالُوا: بِمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ [ص]: يَكْفِرْنَ الْعَشِيرَ وَيَكْفُونَ
الْإِحْسَانَ، لَوْ أَحْسَنْتَ إِلَى إِحْدَاهُنَّ الدَّهْرَ ثُمَّ رَأَتْ مِنْكَ شَيْئاً (٣) قَالَتْ: مَا رَأَيْتُ مِنْكَ خَيْراً
قَطُّ (٤).

رَضِيَ اللَّهُ فِي رِضَى الْوَالِدَيْنِ وَسَخَطُ اللَّهِ فِي سَخَطِ الْوَالِدَيْنِ (٥).

الزَّكَاةُ قَنْطَرَةُ الْإِسْلَامِ (٦).

الزَّهَادَةُ فِي الدُّنْيَا لَيْسَتْ بِتَحْرِيمِ الْحَلَالِ وَلَا إِضَاعَةِ الْعَمَلِ وَلَكِنَّ الزَّهَادَةَ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَا
تَكُونَ بِمَا فِي يَدَيْكَ أَوْ تَقَى بِمَا فِي يَدَيْ اللَّهِ، وَأَنْ تَكُونَ فِي ثَوَابِ الْمُصِيبَةِ إِذَا أَنْتَ أَصَبْتَ بِهَا
أَزْغَبَ فِيهَا لَوْ أَنَّهَا أَبْقَيْتُ (٧) لَكَ (٨).

الزُّهُدُ وَالْوَرَعُ يَجُولَانِ فِي الْقُلُوبِ كُلُّ لَيْلَةٍ فَإِنْ صَادَقَ قَلْباً فِيهِ الْإِيمَانُ وَالْحَيَاءُ * ٧٠٤ *
أَقَامَا فِيهِ وَإِلَّا ازْتَحَلَا (٩).

الزُّهُدُ فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ الْقَلْبَ وَالْبَدْنَ وَالرَّغْبَةُ (١٠) فِي الدُّنْيَا تَكْثُرُ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ (١١).
الرِّثَا يُورِثُ الْفَقْرَ (١٢).

(١) مستدرک ٦/٤٤٠ باب ١١ باختلاف.

(٢) مجمع البيان ٢/٣٦٨، الجامع الصغير ٢/١٧ ح ٤٤٧٧ وكنز العمال ٧/٧٩٢ ح ٢١٤٣٥ باختلاف اندك.

(٣) شيا.

(٤) مستدرک ١٤/٢٤٣ باب ٦١.

(٥) بحار الانوار ٢٣/٢٧٠ ح ٢٢.

(٦) بحار الانوار ١٥/٩٦ ح ٣١.

(٧) بالاي ابن كلمه نوشته شده: أي أحرزت.

(٨) بحار الانوار ٧٠/٣١٠ ح ٤.

(٩) تذكرة الموضوعات ص ١٩٠.

(١٠) الرغبة در ابن متن بسيارى از اعراب كلمات اشتباه است.

(١١) بحار الانوار ٧٣/٩١ ح ٦١.

(١٢) بحار الانوار ٧٩/٢٣ ح ١٨.

سَيُرُوا سَبَقَ الْمُفْرَدُونَ. قِيلَ: مَنِ الْمُفْرَدُونَ؟ قَالَ: الْمُسْتَهْتَرُونَ^(١) بِذِكْرِ اللَّهِ وَضَعِ الذُّكْرِ عَنْهُمْ أَوْزَارَهُمْ فَوَرَدُوا الْقِيَامَةَ خِيفًا^(٢).

سَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُسَأَلَ^(٣).

سَلُوا اللَّهَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فَإِنَّ أَحَدًا لَمْ يُغْطِ بَعْدَ الْيَقِينِ خَيْرًا مِنَ الْعَافِيَةِ^(٤).

سَلُوا اللَّهَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَى فَإِنَّمَا تَسْأَلُونَ كَرِيمًا.

سَتْرُ مَا بَيْنَ أَعْيُنِ الْجَنِّ وَعَوْرَاتِ بَنِي آدَمَ^(٥).

إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ الْخَلَاءَ [ء] أَنْ يَقُولَ: بِسْمِ اللَّهِ^(٦).

الشَّبَعُ مِنَ الْحَلَالِ يُطْفِئُ نُورَ الْيَقِينِ^(٧).

شِرَارُ الْعُلَمَاءِ [ء] الَّذِينَ يَأْتُونَ الْأَمْرَاءَ [ء] وَخِيَارُ الْأَمْرَاءِ [ء] الَّذِينَ يَأْتُونَ الْعُلَمَاءَ^(٨).

شِرَارُ أُمَّتِي الَّذِينَ غَدَوْا بِالنَّعِيمِ وَنَبَتَ عَلَيْهِمْ أَجْسَامُهُمْ وَإِنَّمَا هَمَّتْهُمْ أَلْوَانُ الطَّعَامِ وَأَنْوَاعُ

اللَّبَاسِ وَيَتَشَدَّقُونَ فِي الْكَلَامِ^(٩).

شِرَارُ عِبَادِ اللَّهِ الْمَشَاوُونَ بِالنَّمِيمَةِ الْمُفْرَقُونَ بَيْنَ الْأَحِبَّةِ^(١٠).

شَرُّ الشَّرَارِ شِرَارُ الْعُلَمَاءِ وَخَيْرُ الْخِيَارِ خِيَارُ الْعُلَمَاءِ^(١١).

شَرُّ الْعَمَى عَمَى الْقَلْبِ^(١٢).

(١) در حاشیه نوشته شده: أى المؤلفون.

(٢) فریب بدین مضمون در: كنز العمال ٢/٢٤٤ ح ٣٩٣٣، سنن الترمذی ٥/٢٣٥ ح ٣٦٦٦، مسند أحمد ٢/٣٢٣، صحیح مسلم ٨/٦٣.

(٣) نهج الفصاحة ١/٣٧٠ ح ١٧٤٠.

(٤) بحار الانوار ٨٦/٥٢ ح ٥٦، نهج الفصاحة ١/٣٧٠ ح ١٧٤٢.

(٥) سنن الترمذی ٢/٥٩ ح ٦٠٣، المعجم الاوسط ٣/٦٨.

(٦) وسائل الشيعة ١/٣٠٨ باب ٥، ومستدرک ١/٢٥٢ باب ٥.

(٧) مجموعة ورام ١/٦٠ باب العتاب..

(٨) بحار الانوار ٢/١١٠ ح ٢٢.

(٩) بحار الانوار ٧٧/٩٩ ح ٢.

(١٠) بحار الانوار ٧٥/٢١٢ ح ١.

(١١) بحار الانوار ٢/١١٠ ح ٢٢.

(١٢) بحار الانوار ٢١/٢١١.

صَلَاةُ الْقَاعِدِ عَلَى النُّصْفِ مِنْ صَلَاةِ الْقَائِمِ (١). (٢)
 صَلَاةٌ عَلَى إِثْرِ * ٧٠٥ * صَلَاةٌ لَا لَعْوَ بَيْنَهُمَا كِتَابٌ فِي الْعَلِيِّينَ (٣).
 صَلَاةُ الْمُنَافِقِينَ أَنْ يَجْلِسَ أَحَدُهُمْ حَتَّى إِذَا أَصْفَرَتِ الشَّمْسُ قَامَ فَتَقَرَّ أَرْبَعًا لَا يَذْكُرُ اللَّهَ
 فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا (٤).

صَدَقَةُ السَّرِّ تَطْفِي غَضَبَ الرَّبِّ (٥).
 صَوْمٌ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ حَرَامٍ أَفْضَلُ مِنْ صَوْمِ ثَلَاثِينَ مِنْ غَيْرِهِ.
 الضِّيَافَةُ عَلَى أَهْلِ الْوَبْرِ وَكَيْسَتْ عَلَى أَهْلِ الْمَدَرِ (٦).
 الضَّبُّ لَسْتُ أَكَلُهُ وَلَا أَحَرَّمُهُ (٧).
 الضَّمَّةُ فِي الْقَبْرِ كَفَّارَةٌ لِلْمُؤْمِنِ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ بَقِيَ عَلَيْهِ وَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ (٨).
 ضَرْسُ الْكَافِرِ مِثْلُ أَحَدٍ وَغِلْظُ جِلْدِهِ مَسِيرَةٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ (٩).
 طَعَامُ الْجَوَادِ دَوَاءٌ وَطَعَامُ الْبَخِيلِ دَاءٌ (١٠).
 طُوبَى لِمَنْ هَدَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَكَانَ عَيْشُهُ كَفَافًا وَقَنَّعَ بِهِ (١١).
 طُوبَى لِمَنْ ذَلَّتْ نَفْسُهُ وَحَسُنَتْ خَلِيقَتُهُ وَصَلَحَتْ سَرِيرَتُهُ وَعَزَلَتْ عَنِ النَّاسِ شَرُّهُ (١٢).
 طُوبَى لِمَنْ أَنْفَقَ مِنْ مَالٍ اِكْتَسَبَهُ مِنْ غَيْرِ مَعْصِيَةٍ وَخَالَطَ أَهْلَ الْفِقْهِ وَالْحِكْمَةِ وَجَانَبَ

(١) القايِم.

(٢) بحار الانوار ١٠١/٨٥.

(٣) مسند الشاميين ٣٣٨/١، المعجم الكبير ١٢٨/٨، سنن أبي داود ٢٩٠/١ ح ١٢٨٨.

(٤) متشابه القرآن ١٦٧/٢.

(٥) بحار الانوار ٨٢/٧٤.

(٦) مسند الشهاب ١٩١/١ ح ٢٨٤، الجامع الصغير ١٢٨/٢ ح ٥٢٤٣.

(٧) صحيح بخارى ٢٣١/٦.

(٨) الجامع الصغير ١٢٧/٢ ح ٥٢٣٥، كنز العمال ٦٣٩/١٥ ح ٤٢٥٢٠.

(٩) بحار الانوار ٤٩/٧.

(١٠) بحار الانوار ٢٩٠/٦٢.

(١١) نهج الفصاحة ٤٠٥/٢ ح ١٩١٥.

(١٢) بحار الانوار ١٧٧/٧٧.

أَهْلَ الشَّكِّ وَالْبِدْعَةِ (١).

طِيبُ الرِّجَالِ مَا ظَهَرَ رِيحُهُ وَخَفِيَ لَوْنُهُ وَطِيبُ النِّسَاءِ [ء] مَا ظَهَرَ لَوْنُهُ وَخَفِيَ رِيحُهُ (٢).

الْعِلْمُ عِلْمَانِ: عِلْمُ اللِّسَانِ (٣) فَذَلِكَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى ابْنِ آدَمَ، وَعِلْمُ فِي الْقَلْبِ * ٧٠٦ *

وَذَلِكَ الْعِلْمُ النَّافِعُ (٤).

عِلْمٌ لَا يَنْفَعُ كَكَثْرٍ لَا يَنْفِقُ مِنْهُ (٥).

عَمَلٌ قَلِيلٌ فِي سُنَّةٍ خَيْرٌ مِنْ عَمَلٍ كَثِيرٍ فِي بِدْعَةٍ (٦).

عَلَامَةُ إِعْرَاضِ اللَّهِ تَعَالَى عَنِ الْعَبْدِ اسْتِغَالُهُ بِمَا لَا يَغْنِيهِ (٧).

عَلَيْكُمْ مِنَ الْأَعْمَالِ مَا تُطِيقُونَ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَمَلُّ حَتَّى تَمَلُّوا (٨).

عَلَيْكُمْ بِالذُّلْجَةِ فَإِنَّ الْأَرْضَ تُطْوَى بِاللَّيْلِ (٩).

عَلَيْكُمْ بِقِيَامِ اللَّيْلِ فَإِنَّهُ دَابُّ الصَّالِحِينَ قَبْلَكُمْ وَهُوَ قُرْبَةٌ لَكُمْ إِلَى رَبِّكُمْ وَكَفْرَةٌ لِلسَّيِّئَاتِ

وَمُنْهَاءٌ عَنِ الْإِثْمِ (١٠).

الغَضَبُ يُفْسِدُ الْإِيمَانَ كَمَا يُفْسِدُ الصَّبْرُ الْعَمَلَ (١١).

الغنى: أَلْيَأْسُ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ (١٢) *بِرَبِّهِمْ*

غَطُّوا الْإِنَاءَ [ء] وَأُكُوا السَّقَاءَ وَأَغْلِقُوا الْبَابَ وَأَطْفِئُوا السَّرَاجَ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَجِلُّ

(١) نهج الفصاحة ٢/٤٠٥ ح ١٩١٦.

(٢) اصول كافى ٥١٢/٦.

(٣) ذيل كلمه نوشته شده است: أراد به الشريعة.

(٤) بحار الانوار ٣٣/٢.

(٥) بحار الانوار ٣٧/٢، نهج الفصاحة ٢/٤١٢ ح ١٩٤٨.

(٦) بحار الانوار ٢٦١/٢.

(٧) ضرر المحكم ص ٤٧٧ فصل ٥.

(٨) نهج الفصاحة ٢/٤١٢ ح ١٩٤٩.

(٩) بحار الانوار ٣١٥/٦٣.

(١٠) بحار الانوار ١٢٣/٨٧ و ١٥٥/٨٧.

(١١) بحار الانوار ٣٦٥/٧٣.

(١٢) نهج الفصاحة ٢/٤٣٢.

سِقَاءِ] و لا يَفْتَحُ بَاباً و لا يَكْشِفُ إِنَاءً فَإِنْ لَمْ يَجِدْ أَحَدَكُمْ إِلَّا أَنْ يَغْرُضَ عَلَى إِنَائِهِ (١) عُوْدًا و يَذْكُرُ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ فَلْيُقْفَلْ (٢).

غُفْرًا لِامْرَأَةٍ مَرَّتْ بِكَلْبٍ عَلَى رَأْسِ رَبِيٍّ يَلْهَثُ كَادَ يَقْتُلُهُ الْعَطَشُ فَنَزَعَتْ خُفَّهَا فَأَوْتَقَتْهُ بِخِمَارِهَا فَنَزَعَتْ لَهُ مِنَ الْمَاءِ (٣).

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ أَسْلَمَ وَ رُزِقَ كِفَافاً وَ قَنَّعَهُ اللَّهُ بِمَا آتَاهُ (٤).

قَلِيلٌ مِنَ التَّوْفِيقِ * ٧٠٧ * خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ مِنَ الْعِلْمِ (٥).

قُولُوا خَيْرًا تَغْنَمُوا وَ اسْكُتُوا عَنِ شَرِّ تَسَلَّمُوا (٦).

قَالَ مُوسَى: يَا رَبِّ! عَلَّمَنِي شَيْئاً (٧) أَذْكُرُكَ بِهِ. قَالَ: قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، لَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ

السَّبْعَ وَ عَاءَ هُنَّ غَيْرِي وَ الْأَرْضِينَ السَّبْعَ وَضَعْنَ فِي كَفِّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فِي كَفِّهِ لَمَالَتْ بِهِنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.



الْقُرْآنُ غِنَى لَا فَقْرَ بَعْدَهُ وَ لَا غِنَى دُونَهُ (٨).

كَلِمَةٌ مِنَ الْخَيْرِ يَسْمَعُهَا الْمُؤْمِنُ فَيَعْمَلُ بِهَا وَ يُعَلِّمُهَا خَيْرٌ لَهُ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةِ (٩).

كَلِمَتَانِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ: سُبْحَانَ اللَّهِ

بِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ (١٠).

كَفَى بِالْمَرْءِ كِذْبًا أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا سَمِعَ (١١).

(١) تبايه.

(٢) بحار الانوار ١٧٧/٧٦ ح ١٥.

(٣) نهج الفصاحة ٤٣١/١ ح ٢٠٣٥.

(٤) نهج الفصاحة ٨٠/١ ح ٤٢٢.

(٥) نهج الفصاحة ٤٤٧/١ ح ٢٠٩٧.

(٦) نهج الفصاحة ٤٤٧/١ ح ٢١٠٢.

(٧) شيا.

(٨) بحار الانوار ٢٥٦/٧٩ ح ٥، وايضاً ١٩/٩٢ ح ١٨.

(٩) بحار الانوار ١٧٤/٧٤ باب ٧.

(١٠) بحار الانوار ١٧٥/٩٣ ح ٢٢.

(١١) نهج الفصاحة ص ٤٥٣ ح ٢١٣٠.

كَفَى بِالْمَرْءِ شَرًّا أَنْ يُحَقِّرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ (۱).

كَفَّارَةٌ مَنْ اغْتَبَتَهُ أَنْ تَسْتَغْفِرَ (۲) لَهُ (۳).

لَأَنْ يَتَّصِدَّقَ الْمَرْءُ فِي حَيَاتِهِ بِدِرْهَمٍ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَتَّصِدَّقَ بِمِائَةِ (۴) عِنْدَ مَوْتِهِ (۵).

لَأَنْ يَجْلِسَ أَحَدُكُمْ عَلَى جَمْرَةٍ فَتُحْرَقَ ثِيَابُهُ فَتُخْلِصَ إِلَى جِلْدِهِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَجْلِسَ عَلَى قَبْرِ (۶).

الَّذِي يَقْرَأُ (۷) الْقُرْآنَ وَيُتَغَنَّعُ (۸) فِيهِ وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌّ لَهُ أَجْرَانِ (۹).

لَوْ لَمْ تَذُنُّبُوا لَخَشِيتُ عَلَيْكُمْ مَا هُوَ أَشَدُّ مِنْ ذَلِكَ: الْعُجْبُ الْعُجْبُ (۱۰).

لَنْ يَلِجَ النَّارَ مَنْ بَكَى * ۷۰۸ * مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ حَتَّى يَعُودَ اللَّبَنُ فِي الضَّرْعِ (۱۱).

الْمُجَاهِدُونَ أَرْبَعَةٌ: طَالِبُ الْعِلْمِ وَالْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ وَالْمُصَلُّونَ فِي الْجَمَاعَةِ وَجَادِبُ السَّيْفِ فِي وَجْهِ الْكُفَّارِ (۱۲).

مَثَلُ أُمَّتِي كَالْمَطَرِ لَا يُدْرِي أَوَّلُهُ خَيْرٌ أَمْ آخِرُهُ (۱۳).

مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَ فِيهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ (۱۴).

مَثَلِي وَمَثَلُ الْأَنْبِيَاءِ كَمَثَلِ قَصْرِ أَحْسَنِ بُنْيَانِهِ وَتُرْكُ مِنْهُ مَوْضِعُ لَبْنَةٍ فَطَافَ بِهِ النَّظَّارُ

(۱) مشابه آن در: صحیح مسلم ۱۱/۸، مسند أحمد ۲/۲۷۷، سنن ابن ماجه ۲/۱۴۰۹ ح ۴۲۱۳.

(۲) در متن: يستغفر.

(۳) نهج الفصاحة ۱/۴۵۵ ح ۲۱۴۳.

(۴) مائة.

(۵) سنن ابی داود ۱/۶۵۵ ح ۲۸۶۶.

(۶) صحیح مسلم ۳/۶۲، سنن ابی داود ۲/۸۵ ح ۳۲۲۸، السنن الکبری ۴/۷۹.

(۷) یقراء.

(۸) در حاشیه نوشته شده: أى ینحبس لسانه.

(۹) مشابه آن روایت شده در: مسند أحمد ۶/۹۸ و ۲۶۶، صحیح مسلم ۲/۱۹۵.

(۱۰) نهج الفصاحة ۱/۴۹۷ ح ۲۳۵۱.

(۱۱) وسائل الشیعة ۷/۷۶ باب ۲۹ استحباب الدعاء.

(۱۲) الکانی ۵/۸۸ باب من کذب علی عیاله، باختلاف.

(۱۳) نهج الفصاحة ص ۵۶۲ ح ۲۷۱۸.

(۱۴) نهج الفصاحة ص ۵۶۰ ح ۲۷۱۱.

يَتَعَجَّبُونَ مِنْ حُسْنِ بِنَائِهِ (١) إِلَّا مَوْضِعَ تِلْكَ اللَّبَنَةِ وَكُنْتُ أَنَا سَدَدْتُ مَوْضِعَ اللَّبَنَةِ فَتَمَّ بِسَى
الْبُنْيَانُ وَخَتِمَ بِسَى الرَّسُلُ (٢).

مَرَزْتُ عَلَى مُوسَى لَيْلَةَ أُسْرِي بِي عِنْدَ الْكَيْبِ الْأَحْمَرِ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي قَبْرِهِ (٣).
نَحْنُ الْآخِرُونَ مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْأَوْلُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْمُقْتَضَى لَهُمْ قَبْلَ الْخَلَائِقِ (٤).
نَفْسُ الْمُؤْمِنِ مُعَلَّقَةٌ بِدَيْنِهِ حَتَّى يُقْضَى عَنْهُ (٥).

نَوْمُ الْعَالِمِ عِبَادَةٌ وَنَفْسُهُ تَسْبِيحٌ (٦).

نُورُ الْحِكْمَةِ الْجُوعُ وَالتَّبَاعُدُ مِنَ اللَّهِ الشَّبَعُ وَالْقُرْبَةُ إِلَى اللَّهِ حُبُّ الْمَسَاكِينِ وَالِدُّنُوٌّ مِنْهُمْ (٧).
نِعْمَ الشَّفِيعُ الْقُرْآنُ لِصَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (٨).

الْوَضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَبَعْدَهُ يَنْفِي اللَّمَمَ * ٧٠٩ * وَيَصِحُّ الْبَصْرُ (٩).
الْوَلَدُ مَجْبُوتٌ مَبْخَلَةٌ (١٠) مَخْرُتَةٌ (١١).

وَاللَّهُ إِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ أَكْثَرَ مِنْ سَبْعِينَ مَرَّةً (١٢).
وَاللَّهُ لَا أَدْرِي وَ أَنَا رَسُولُ اللَّهِ مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ (١٣).

وَعَدَنِي رَبِّي أَنْ يُدْخِلَ الْجَنَّةَ مِنْ أُمَّتِي سَبْعِينَ أَلْفًا لِأَحْسَابِ عَلَيْهِمْ وَلَا عَذَابَ مَعَ كُلِّ أَلْفٍ

(١) بنائه.

(٢) نهج الفصاحة ص ٦٩٢ تمثيلات ٩.

(٣) صحيح مسلم ١٠٢/٧، مسند احمد ١٤٨/٣، سنن النسائي ٢١٥/٣.

(٤) صحيح مسلم ٧/٣، سنن ابن ماجه ٣٤٤/١، فتح الباري ٢٩٣/٢.

(٥) علل الشرائع ٥٢٨/٢ ح ٣١٢.

(٦) بحار الانوار ٢٢/٢ ح ١٦.

(٧) بحار الانوار ٣٣١/٦٦ ح ٧.

(٨) مصنف ابى شيبة ١٧١/٧ ح ٤، مسند الشهاب ٢٥٧/٢ ح ١٣٠٩.

(٩) بحار الانوار ٣٦٢/٦٦ ح ٣٨.

(١٠) در ابن موضع دو كلمه خوانده نمى شود، آنرا از مطلع الصباحتين و مجمع الفصاحتين (نسخه خطى)، اخذ كرديم.

همچنين ر. ك: بحار الانوار ١١٠/٥ ح ٣٤ بدین عبارت: الْوَلَدُ مَجْبُوتٌ مَبْخَلَةٌ مَجْبُوتَةٌ مَخْرُتَةٌ.

(١١) در ابن باره امير مؤمنان عليه السلام مى فرمايد: لَا تَجْعَلُنَّ أَكْثَرَ سُؤْلِكَ بِأَهْلِكَ وَوَلَدِكَ؛ فَإِنْ يَكُنْ أَهْلُكَ وَوَلَدُكَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ

اللَّهُ لَا يُضَيِّعُ أَوْلِيَاءَهُ، وَإِنْ يَكُونُوا أَعْدَاءَ اللَّهِ فَمَا هُنَّكَ وَسُؤْلُكَ بِأَعْدَاءِ اللَّهِ! نهج البلاغه، كلمات فصاح: ٣٥٢.

(١٢) مستدرک ٣٢٠/٥ باب ٢٢ استحباب الاستغفار.

(١٣) صحيح بخارى ٧٧/٨، مسند احمد ٤٣٦/٦.

سَبْعُونَ أَلْفًا وَ ثَلَاثَ حَشِيَّاتٍ^(۱) مِنْ حَشِيَّاتِ رَبِّي^(۲).

اللَّهُمَّ نِصْفُ الْهَرَمِ^(۳).

هَدِيَّةُ اللَّهِ إِلَى الْمُؤْمِنِينَ: السَّائِلُ عَلَى بَابِهِ^(۴).

هَلْ عَلَى صَاحِبِكُمْ دَيْنٌ^(۵)؟ قَالُوا: نَعَمْ. قَالَ: هَلْ تَرَكَ وَفَاءً؟ قَالُوا: لَا. قَالَ: صَلُّوا عَلَى صَاحِبِكُمْ هُمْ الْأَخْسَرُونَ أَعْمَالًا وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ. قِيلَ: مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: هُمُ الْأَكْثَرُونَ أَمْوَالًا إِلَّا مَنْ قَالَ هَكَذَا وَ هَكَذَا وَ هَكَذَا مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ قَلِيلٌ مَا هُمْ^(۶).

لَا رَاحَةَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: لِقَاءِ [أ] الْإِخْوَانِ وَ قِرَاءَةِ^(۷) الْقُرْآنِ وَ مُنَاجَاةِ الرَّحْمَنِ^(۸).

لَا حَقَّ لِابْنِ آدَمَ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: طَعَامٍ يُقِيمُ صُلْبَهُ وَ ثَوْبٍ يُوَارِي عَوْرَتَهُ وَ بَيْتٍ يُكِنُّهُ فَمَا زَادَ فَهُوَ حِسَابٌ^(۹).

لَا يَنْظُرُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَى ثَلَاثٍ: غَنِيِّ يَظْهَرُ الْفَقْرَ وَ عَالِمٍ يَظْهَرُ الْفِسْقَ وَ طَمَّاعٍ يَظْهَرُ الزُّهْدَ^(۱۰).

لَا يَزُولُ قَدَمًا ابْنُ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ خَمْسٍ: [..]^(۱۱)

(۱) حشیات: قال ابن الاثیر: هو مبالغة فی الکثرة و الأفلکف ثم و لاحقی جلّ الله تبارک و تعالی عن ذلك و ثلاث حشیات أي ثلاث غرف بیديه و احدتها حشیه. ر.ک: لسان العرب ج ۱۴ ص ۱۶۴ دارالفکر بیروت.

(۲) مسند احمد ۵/۲۶۸، سنن ابن ماجه ۲/۱۴۳۳ ح ۴۲۸۶.

(۳) بحار الانوار ۷۹/۱۸۰ باب ۲۰.

(۴) جامع الاخبار ص ۸۵ فصل ۴۱.

(۵) ابتدای روایت چنین است: کان رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم إذا شهد جنازة سأل: هل علی .. در مسند احمد ۲/۲۹۰، و در سنن الکبری ۶/۷۳ چنین آمده است: ای رسول الله بجنازة لیصلی علیها فتقدم لیصلی فالتفت إلینا، قال: هل علی صاحبکم.. مشابه این روایت در عوالی اللثالی ۲/۱۱۴ نیز نقل شده است.

(۶) ذیل روایت در عوالی اللثالی ۱/۸۵ ح ۱۲ و صحیح بخاری ۷/۲۱۹ و صحیح مسلم ۳/۷۴ نقل شده است. (۷) قراة.

(۸) الجعفریات ص ۲۳۱ باب البر یا اختلاف، در من لا یحضره الفقیه ۴/۳۶۰ بنقل از نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت کرده: یا علی! ثلاث فرحات للمؤمن فی الدنیا: لقاء الاخوان و تفتیر الصائم و التهجید من آخر اللیل.

(۹) بحار الانوار ۷/۲۵۸ باب ۱۱ یا اختلاف.

(۱۰) روایت را نیافتیم.

(۱۱) ادامه این صفحه افتادگی دارد و در نسخه عکسی بیاض وجود ندارد. ادامه حدیث در روضة الواعظین ۲/۴۹۸ با کاربرد

﴿۷۱۰﴾ * الأرض حتى سال منه الدم فمات ﴿۳﴾ .

قَالَ حُذَيْفَةُ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ عِلْمِ الْبَاطِنِ مَا هُوَ؟ فَقَالَ: سَأَلْتُ جَبْرَائِيلَ عَنْ عِلْمِ الْبَاطِنِ مَا هُوَ؟ فَقَالَ: سَأَلْتُ اللَّهَ عَنْ عِلْمِ الْبَاطِنِ مَا هُوَ؟ فَقَالَ: هُوَ سِرٌّ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِي ﴿۳﴾ وَأَوْلِيَائِي ﴿۴﴾ وَأَضْفِيَائِي أَوْدَعْتُهُ فِي قُلُوبِهِمْ لَا يَطَّلِعُ عَلَيْهِ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ [و] لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ ﴿۵﴾ .

قِيلَ: عَطِيَّةُ الْعَالِمِ شَبِيهَةٌ بِمَوَاهِبِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِأَنَّهَا لَا تَنْفَدُ عِنْدَ الْجُودِ بِهَا وَإِنَّهَا يُؤْخَذُ بِكَمَالِهَا عِنْدَ مُفْنِدِهَا. وَقِيلَ:

تَعَلَّمَ فَإِنَّ الْعِلْمَ أَزِينُ لِقَفْتِي مِنْ الْحِلَّةِ الْحَسَنَاءِ [ء] عِنْدَ التَّكَلُّمِ
وَلَا خَيْرَ فِيمَنْ عَاشَ لَيْسَ بِعَالِمٍ وَلَوْ نَالَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ [ء] بِسَلْمٍ

وَقِيلَ: الْعِلْمُ مِيرَاثُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْعَالُ مِيرَاثُ الْأَغْنِيَاءِ، وَالْعِلْمُ حَارِسُكَ وَأَنْتَ حَارِسُ مَالِكَ، وَالْعِلْمُ لَا يَمُوتُ صَاحِبُهُ مَا دَامَ عِلْمُهُ بَاقِيًا بَيْنَ النَّاسِ وَصَاحِبُ الْمَالِ يَمُوتُ وَيُنْسَى فِي الْحَالِ، وَصَاحِبُ الْعِلْمِ لَهُ بِكُلِّ مَسْأَلَةٍ ﴿۶﴾ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَصَاحِبُ الْمَالِ فِي ضَلَالَةٍ الْحِسَابِ وَفِي خَرَابَةِ عَذَابٍ. *مرکز تحقیقات کتب و ترویج علوم اسلامی*

قَالَ صَاحِبُ الْمَنَازِلِ: الْإِخْلَاصُ تَصْفِيَةُ الْعَمَلِ عَنْ كُلِّ شَوْبٍ.

﴿۷۱۱﴾ * قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الْقُوشَجِيُّ ﴿۷﴾: الْإِخْلَاصُ مَا لَا يَكْتَبُهُ الْمَلَكَانِ وَلَا يَفْسُدُهُ الشَّيْطَانُ وَلَا يَطَّلِعُ عَلَيْهِ إِنْسَانٌ.

وَقَالَ: الْأَعْمَالُ وَاقِفَةٌ بَيْنَ الْإِخْلَاصِ وَالرِّيَاءِ [ء] إِمَّا أَنْ يَرْفَعَهُ الْإِخْلَاصُ أَوْ يَضَعَهُ

داربعمه بجای و خمس، اینگونه آمده است: من صمره فيما أفناه وشبابه فيما أهلاه وعن ماله من أين اكتسبه وفيما أنفقه وعن حبنا أهل البيت.

(۱) قبل از این صفحه افتادگی دارد و در نسخه عکسی بیاض وجود ندارد.

(۲) روضة الواعظین ۴/۴۹۸.

(۳) احبابی.

(۴) اولیائی.

(۵) بحار الانوار ۱/۱۰۷/۳، مشابه آن در کشف الخفاء ۲/۶۸ ح ۱۷۶۵ و تذکرة الموضوعات ص ۱۸ نقل شده است.

(۶) سبلة.

(۷) احتمالاً همان ابوالحسن بوشنجی است.

الرِّیاءِ [ء].

قَالَ مُؤَمَّلُ الْجَصَّاصِ: الْإِخْلَاصُ صِيَانَةُ الْإِخْلَاصِ وَحِفْظُهَا أَشَدُّ مِنَ الْإِخْلَاصِ.
قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: سَأَلْتُ جِبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْإِخْلَاصِ مَا هُوَ؟
فَقَالَ [ع]: سَأَلْتُ رَبَّ الْعِزَّةِ عَنِ الْإِخْلَاصِ مَا هُوَ؟ فَقَالَ: سِرٌّ مِنْ سِرِّي إِسْتَوْدَعْتُهُ قَلْبَ مَنْ
أَحْبَبْتُهُ^(۱).

قَالَ سَهْلٌ: أَهْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَثِيرٌ وَالْمُخْلِصُونَ مِنْهُمْ قَلِيلٌ، وَلَا يَعْرِفُ الرِّیاءِ [ء] إِلَّا
الْمُخْلِصُ.

قَالَ سَهْلٌ: نَظَرُوا الْأَكْيَاسَ فِي تَفْسِيرِ الْإِخْلَاصِ فَلَمْ يَجِدُوا غَيْرَهُ أَنْ يَكُونَ حَرَكَاتُهُ وَ
سُكُونُهُ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَخَدَهُ لَا يَمَازِجُهُ شَيْءٌ^(۲) لَا نَفْسٌ وَلَا هَوَىٰ وَلَا رِيَاءٌ.
وَقَالَ ثَنَاةُ: الْإِخْلَاصُ نِسْيَانُ رُؤْيَا الْخَلْقِ بِدَوْمِ النَّظَرِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

كَتَبَ هَذِهِ الْكِتَابَةَ الْعَبْدُ الضَّعِيفُ الْمُلَقَّبُ بِجَلَالِ الْمَعْرُوفِ^(۳) بِمُنَشِي، تَذَكُّرَةً لِصَاحِبِهِ يُدِيمُ
اللَّهُ أَعْمَارَهُ فِي اكْتِسَابِ دَوْلَةِ الدَّارَيْنِ وَسَعَادَةِ الْمُنْتَوِلَيْنِ. اللَّهُمَّ وَفِّقْ الْعِلْمَ وَالْمَعْرِفَةَ وَ
بَلِّغْهُ مَبْلَغَ الرِّجَالِ وَاحْفَظْهُ مِنْ عَيْنِ الْكَمَالِ يَا ذَا الْعِزِّ وَالْجَلَالِ.

(۱) بحار الانوار ۷۰/۲۹۶ ح ۲۴.

(۲) فسی.

(۳) این کلمه المعرف هم خوانده می‌شود.

مِمَّا كَتَبَهُ الصَّاحِبُ الْأَعْظَمُ
الخواجه جمال الدين السَّوْجِي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله الذي جعلنا من قسمة لبرئهم فذرعناهم
وغيرهم معه وجمعنا بينهم وجعلنا بينهم
مخرجاً ومرماً آمناً وجمعنا بينهم على التام
وجمعنا بينهم منته وحواسنهم من كان
ابن لحن محمد لا يكثر من به احمد الأربعة
ولكن كان في المال قد فاق المال كان في البر
والمرحابك وقد غلبت عليه نفس يسر
وذلك لما من الصدوق من مالى وله جدهما
بنات عظيم وخطبة جليلة للأزوتوه وسلم
وقال من خطبته ثم لم يزل يمدحهم
أما أسماء ورضعها فواثم عشرة اربعة خاضا
واربعة بنية ولجه خارجة أما النساء
فوالعالم والفتنة والفتاوة والفتنة
والمال ليه بيه فمن الجهل والقوة والفتنة

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَزَرَعَ إِسْمَاعِيلَ وَضَرَّ^(۱) مُعَدِّ وِعَظِرِ مُضَرَ، وَجَعَلَ لَنَا بَيْتًا مَحْجُوجًا وَحَرَمًا آمِنًا، وَجَعَلَنَا الْحُكَّامَ عَلَى النَّاسِ، وَجَعَلَنَا سُدْنَةَ بَيْتِهِ وَسُوَّاسَ حَرَمِهِ، ثُمَّ إِنَّ ابْنَ أَخِي مُحَمَّدًا لَا يُوزَنُ بِهِ أَحَدٌ إِلَّا رَجَحَ وَإِنْ كَانَ فِي الْمَالِ قَلٌّ، فَإِنَّ الْمَالَ ظِلُّ زَائِلٌ وَأَمْرٌ حَائِلٌ وَقَدْ خَطَبَ خَدِيجَةَ بِنْتَ خُوَيْلِدٍ وَبَدَّلَ لَهَا مِنَ الصَّدَاقِ مِنْ مَالِي وَلَهُ بَعْدَ هَذَا نَبَأٌ عَظِيمٌ وَخَطَرٌ جَلِيلٌ أَلَا فَزَوْجُوهُ وَسَلَّمٌ.

وَقَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ [ب] : نَعَمَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الْعِبَادِ كَثِيرَةً : أَمَّا رَأْسُهَا وَرَبِيسُهَا فَهُوَ اثْنَا عَشْرَةَ، أَرْبَعَةٌ مِنْهَا نَفْسَانِيَّةٌ وَأَرْبَعَةٌ بَدَنِيَّةٌ وَأَرْبَعَةٌ خَارِجِيَّةٌ. أَمَّا النَّفْسَانِيَّةُ فَهُوَ الْعِلْمُ وَالْفِيقَةُ وَالسَّخَاوَةُ وَالْعَقْلُ، وَأَمَّا الْبَدَنِيَّةُ فَهِيَ الْجَمَالُ وَالقُوَّةُ وَالصَّحَّةُ وَطُولُ الْعُمُرِ * ۷۱۴ *، وَأَمَّا الْخَارِجِيَّةُ فَهِيَ كَثْرَةُ الْمَالِ وَالجَاهُ وَالتَّبَعُ وَخُسْنُ النَّسَبِ.

قَالَ فَيْلَسُوفٌ : الدُّنْيَا لَذَّةٌ مَعْدُودَةٌ : لَذَّةٌ سَاعَةٍ وَلَذَّةٌ يَوْمٍ وَلَذَّةٌ شَهْرٍ وَلَذَّةٌ سَنَةٍ وَلَذَّةٌ دَهْرٍ ؛ فَلَذَّةٌ سَاعَةٍ لَذَّةُ الْجِمَاعِ، وَلَذَّةٌ يَوْمٍ فَلَذَّةُ مَجْلِسِ الشَّرَابِ، وَلَذَّةٌ شَهْرٍ فَلَذَّةُ الْعُرْسِ، وَلَذَّةٌ سَنَةٍ فَالْفَرَحُ [ب] الْمَوْلُودِ الذَّكَرِ.

قِيلَ : أَرْبَعَةٌ يُؤَدِّي إِلَى أَرْبَعَةٍ : الصُّمْتُ إِلَى السَّلَامَةِ وَالْبِرُّ إِلَى الْكِرَامَةِ وَالْجُودُ إِلَى السِّيَادَةِ وَالشُّكْرُ إِلَى الزِّيَادَةِ.

تا شود عرصه مراد فراخ نیک خوبست است نیک باید کرد
شکم ماه و پشت ماهی را (۲) بساید کرد (۳)

(۱) ضر يك مورد اضافی نوشته شده است و به معنی چند زن گرفتن می باشد.

(۲) در این موضع دو کلمه خوانده نمی شود.

(۳) این دو بیت در حاشیه سمت راست به صورت عمودی نوشته شده است.

فی نعتِ رسولِ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

سَلَامٌ عَلَى خَيْرِ الْأَنْامِ وَ سَيِّدٍ
بَشِيرٍ نَذِيرٍ هَاشِمِيٍّ مُكْرَمٍ
نَسِيمِ الصَّبَا إِنْ زُرْتَ أَرْضَ مَدِينَةٍ
۷۱۵ سَلَامٌ عَلَى الْأَرْضِ الَّذِي ضَمَّ جِسْمَهُ
فَقَبْلُ مَقَاماً حَلَّ فِيهِ نَبِيُّنَا
لِكُلِّ نَبِيٍّ فِي الْأَنْامِ فَضِيلَةٌ

حَسْبُ إِلَيْهِ السَّعَالِمِينَ مُحَمَّدٍ
رَوْوْفٍ عَطُوفٍ مَنْ مَسَمَنِي بِأُخْمَدٍ
فَبَلِّغْ تَحِيَّاتِي إِلَى الْأَرْضِ وَاشْجُدْ
فَيَا نِعْمَ مَشْهُودٍ وَيَا نِعْمَ مَشْهَدٍ
وَ سَيِّدُنَا يَا خَيْرَ قَبْرِ وَمَرْقَدٍ
وَجُمَلَتُهَا مَجْمُوعَةٌ لِسُ مُحَمَّدٍ

تَصْدِيرٌ مَرْسُومٌ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عُمَرَ (رَضِيَ اللهُ عَنْهُ) (۱) آلِ بَنِي كَاكَلَةَ: قَدْ جَعَلْتُ لآلِ بَنِي
كَأَكَلَةَ عَلَى كَافَّةِ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ لِكُلِّ عَامٍ مِائَتِينَ (۲) مِثْقَالِ ذَهَباً مِبرِيزاً. كَتَبَ ابْنُ
الْخَطَّابِ: كَفَى بِالْمَوْتِ وَاعْظَافاً يَا عُمَرُ! وَقَدْ كَتَبْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ كَرَّمَ اللهُ
وَجْهَهُ هَذَا الْأَمْرَ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ، أَنَا أَوْلَى مَنْ اتَّبَعَ أَمْرَ مَنْ أَعَزَّ
الْإِسْلَامَ وَنَصَرَ الدِّينَ وَالْأَحْكَامَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ! فَرَسَمْتُ مِثْلَ مَا رَسَمَ لآلِ بَنِي كَاكَلَةَ فِي
كُلِّ عَامٍ مِائَتِينَ (۳) دِينَارٍ (۴) عَيْنٍ (۵) اِبْرِيْزاً (۶) (۷) (۸)

* ۷۱۶ * وَاتَّبَعْتُ إِثْرَهُ إِذْ وَجَبَ عَلَيَّ وَعَلَى جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ اتِّبَاعُ ذَلِكَ!

كَتَبَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ: يَا قَنْبِرُ! بِالْأَمْسِ كُنْتُ لِي وَالْيَوْمَ صِرْتَ مِثْلِي فَوَهَبْتُكَ لِعَنْ وَهَبَكَ

لِي (۸)

(۱) در این موضع يك كلمه خوانده نمی شود.

(۲) مایه.

(۳) مایه.

(۴) دیناراً.

(۵) عیناً.

(۶) ابریزاً.

(۷) این متن قبلاً نیز در بیاض آمده است.

(۸) این مطلب را در مجامع حدیثی نیافتیم.

قال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: كَتَبَ اللهُ مَقَادِيرَ الْخَلَائِقِ (١) قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضَ بِخَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ. قال [ص]: وكان عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ (٢).
و قال [ص]: كُلُّ شَيْءٍ بِقَدْرِ حَتَّى الْعَجْزِ وَالْكَيسِ (٣).
و قال عليه الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: إِنَّ قُلُوبَ بَنِي آدَمَ كُلَّهَا بَيْنَ إصْبَعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِ الرَّحْمَنِ كَقَلْبِ
وَاحِدٍ يُصْرَفُ (٤) فِيهَا كَيْفَ يَشَاءُ [٥].

و قال عليه الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى وَزَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ: إِذَا
حَدَّثَ كَذِبًا وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا اتَّيَمَنَ خَانَ (٦).

عَشِيقَتُكُمْ سَمْعًا وَلَمْ أَرِ شَخْصَكُمْ وَسَمِعُ الْفَتَى لَأَشْكُ يَهُوِي كَطَرْفِهِ
* ٧١٧ * فَحَدَّثَنِي عَنْكُمْ خَيْرٌ مُجْرَبٌ فَلَمَّا التَّفَيْتَنَا كُنْتُمْ فَوْقَ وَصْفِهِ



بِالْفَضْلِ يَغِيبُنِي قَوْمِي وَيَحْسُدُنِي إِنَّ السَّفْضَائِلَ مَسْغُوبَةٌ وَمَحْسُودُ
بِالْفَقْرِ عَسِيرُنِي قَوْمِي فَقُلْتُ لَهُمْ لَمَّا عَارُ فِي فِائِقِي قَدْ جَرَّهَا جُودُ

لِلشَّيْخِ السَّعِيدِ الْمَغْفُورِ سَيْفِ الدِّينِ بَاخْرَزِي رَحْمَةً اللهُ وَالْغَفْرَانُ لَهُ

رَفَعْتُ حَاجَتِي عَلَى اللهِ قَبْلَ أَنْ أَرْفَعَ إِلَيْكَ وَطَلَبْتُ النُّجْحَ مِنْ اللهِ عَلَى يَدَيْكَ، فَإِنْ
أَعْطَيْتَنِي فَهُوَ الْمُعْطَى وَأَنْتَ الْمَشْكُورُ، وَإِنْ مَنَعْتَنِي فَهُوَ الْمَانِعُ وَأَنْتَ الْمَعْدُورُ (٧).

لِوَاحِدٍ مِنَ الشُّعْرَاءِ

ناخوانده نزد کس مرو آر مرد عاقلی تا در بلا و رنج نماند دلت گرو

(١) الخلائق .

(٢) بحار الأنوار ٢٠٧/٥٧ ح ١٦٥، نهج الفصاحة ٤١٥/١ ح ٢١٢١.

(٣) نهج الفصاحة ٤٥٥/١ ح ٢١٤٨.

(٤) بصر.

(٥) بحار الأنوار ٤٠/٧٠ ح ١.

(٦) بحار الأنوار ١٠٨/٧٢ ح ٨، نهج الفصاحة ٢/١ ح ٧.

(٧) این کلمه خارج از کادر صفحه نوشته شده است .

عزیزت اندرین که چرا نامدی [بیا] (۱) ذلیست اندر آن که چرا آمدی برو (۲)

﴿۷۱۸﴾ قِيلَ لِمَنْجَمٍ: مَا الدَّلِيلُ عَلَى أَنَّ الْمُشْتَرِيَّ سَعْدٌ؟ قَالَ فِيهِ:

بر دعوی آنکه چون تویی نیست سیمای تو میدهد گواهی

محمود ابن یمن بیهقی راست

ای دل آگه نیستی کز پیکرت باد فنا ناگه انگیزد غباری چون زمیdan گرد گردد
 زابر خذلان ز مهریر قهر خون باران شود هر که دارد برد طاعت جان زدستبرد بُرد
 و آنک دارد اقتدار خیر و فرصت فوت کرد چون ببرد آن ناشناس بی خرد نامرد مُرد
 در مصایب صابری کن کین جزع ماند بدان بیه رامی برد گرگ و آشتلم می کرد کُرد
 ساقیا درمان ندارد خشک دستی روزگار باده در ده تا فرو ریزم به روی دَرِد دُرِد

جو صافی بود مرد مقصود خواه رهسانده یابد مقصود راه

﴿۷۱۹﴾ قَالَ [النَّبِيُّ] عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: اِغْتَنِمْ خُمْسًا قَبْلَ خَمْسٍ: شِبَابَكَ قَبْلَ

هَرَمِكَ وَصِحَّتَكَ قَبْلَ سُقْمِكَ وَفَرَاغَكَ قَبْلَ شُغْلِكَ وَعِغْنَاكَ قَبْلَ فُقْرِكَ وَحَيَاتَكَ قَبْلَ مَوْتِكَ (۳).

قَالَ اللهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى: أَحَبُّ مِنَ الدُّنْيَا ثَلَاثًا (۴) قَلْبًا ذَاكِرًا (۵) وَلِسَانًا شَاكِرًا (۶) وَبَدَنًا

عَلَى الْبَلَاءِ صَابِرًا (۷).

و قَالَ جَبْرَتِيلٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَحَبُّ مِنَ الدُّنْيَا ثَلَاثًا (۸): إِعَانَةُ الْمَلْهُوفِينَ وَإِعَانَةُ

الْمُسْتَغِيثِينَ وَإِجَابَةُ دَعْوَةِ الْمَظْلُومِينَ.

(۱) این مصرع در حاشیه سمت راست بصورت عمودی نوشته شده است.

(۲) این مصرع در حاشیه سمت چپ بصورت عمودی نوشته شده است.

(۳) بحار الانوار ۱۷۳/۸۱ ح ۱۱.

(۴) ثلاث.

(۵) قلب ذاکر.

(۶) لسان شاکر.

(۷) بدن علی البلاء شاکر.

(۸) ثلاث.

و قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَحَبُّ مِنَ الدُّنْيَا ثَلَاثًا^(۱): الطَّيِّبُ وَالنِّسَاءُ وَقُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ^(۲).

و قال أَبُو بَكْرٍ (رض): أَحَبُّ مِنَ الدُّنْيَا ثَلَاثًا^(۳): النَّظَرُ إِلَيْكَ وَالْإِنْفَاقُ عَلَيْكَ وَالْجِهَادُ بَيْنَ يَدَيْكَ.

و قال عُمَرُ (رض)^(۴): [أَحَبُّ] الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْإِقَامَةُ لِحُدُودِ اللَّهِ. و قال عُثْمَانُ (رض): [أَحَبُّ] الْإِفْشَاءُ بِالسَّلَامِ وَإِطْعَامُ الطَّعَامِ وَالصَّلَاةُ فِي الدَّلِيلِ وَالنَّاسُ نِيَامًا.

* ۷۲۰ * و قال عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ [عَلَيْهِ السَّلَامُ]: [أَحَبُّ] الصَّوْمُ فِي الصَّيْفِ وَالضَّرْبُ بِالسَّيْفِ وَالْكَرَامُ الضَّيْفِ^(۵).

من کتاب خسرو و شیر [بن] مجلس التوحید

خداوندی که خلاق و جودست	و جودش تا ابد پیوند جودست
تصرف با صفاتش لب بدوزد	خرد گردم زند حالی بسوزد
اگر هر زاهدی کاندرا جهانست	به دوزخ درکشد حکمش روانست
وگر هر عاصی کوهست غمناک	فرستد در بهشت از کیستش باک
خداوندیش را علت سبب نیست	ده و گیر از خداوندان عجب نیست
به هر دعوی که بنمایی إله اوست	به هر معنی که خوانی پادشاه اوست ^(۱)

(۱) ثلاث.

(۲) بحار الانوار ۱۴/۷۶ ح ۸.

(۳) ثلاث.

(۴) خارج از کادر صفحه نوشته شده است.

(۵) مستدرک ۲۵۹/۱۶ باب ۳۳.

(۶) این ابیات در ص ۴۳۵ کلیات (خسرو شیرین نظامی) چاپ مرحوم وحید دستگردی آمده است.

(۱) لعنت به عمر (۲) که ظلم و ناحق فن اوست

رحمت به کسی کز دل و جان دشمن اوست

بد کردن شمر هم زبید کردن اوست

خون شهدا تمام در گردن اوست

در لعنت خدا و نفرین حضرت (۳)

سیاه کنند (۴)

خسدايي را خدا آمد سزاوار	*۷۲۱* خدایي ناید از مشتی پرستار
اگر کیخسروی صد جام داری	تو ای عاجز که خسرو نام داری
ز دست مرگ جان چون برد خواهی	چو مخلوقی نه آخر مرد خواهی
وز آن شهر این مد این هست بهری	عراق از ربع مسکون هست شهری
تویی زان آدمی يك شخص در خواب	در آن شهر آدمی باشد زهر باب
چه باشد در حساب این پادشاهی	بین تا پیش تقدیر الهی
نه بر جا و نه حاجتمند جایست	گواهی ده که عالم را خدایست
مرا بر آدمی پیغمبری داد (۵)	خدایي کآدمی را سروری داد
بهشت شرع بین بتها رها کن (۶) (۷)	ز طبع آتش پرستی را رها کن

(۱) ابیات ذیل در حاشیه پایین صفحه به صورت مورب نوشته شده است .

(۲) در این موضع جوهر ریختگی دارد.

(۳) بقیه مطالب در اصل بیاض نیست.

(۴) بقیه مطالب این دو موضع در صحافی که قبلاً از اصل بیاض صورت گرفته است از حاشیه پایین صفحه چیده شده است.

(۵) این بیت در حاشیه سمت راست بصورت عمودی آمده است.

(۶) ابیات فوق در خمسه نظامی (خسرو شیرین) چاپ مرحوم وحید دستگردی ص ۴۳۶ و ۴۳۵ با اختلاف آمده است .

(۷) این بیت در حاشیه سمت چپ بصورت عمودی آمده است .

۷۲۲ بزرگی بایدت دل درسخا بند
هم ادباری عجب در راه دارم
مبادا کس اگر چه شاه باشد
سر کیسه به بند گند نابند
که مقبل تر کسی بدخواه دارم
که او را مقبلی بدخواه باشد^(۱)

نبود از تیغها بر لب شاه
گر افتادی سر يك سوزن از میغ
نفیر چاوشان از دور شو دور
روان شد در هوا باز سبك پر
یکی میدان کسی را پیش و پس راه
نبودی جای سوزن جز سر تیغ
زگیتی چشم بد را کرده مهجور
جهان خالی شد از كبك و كبوتر

مین اسکندرنامه

۷۲۳

نباید که باشد ترا این خیال
سری کردن مردم از مردمیست
همه مردمان سرفرازی کنند
دد و دام را شیر از آنست شاه
جهان خوش بدان نیست کاری بدست
زعیش خوش آنکه نشانش دهی
جوانمرد پیوسته باکس بود
بدانکس که او را خمیرست خام
که دولت به ملکست و نصرت^(۲) به مال^(۳)
و گرنه همه آدمی آدمیست
سر آن شد که مردم نوازی کنند
که مهمان نوازست در صیدگاه^(۴)
به زندان و قفلش کنی پای بست^(۵)
کسزینش ستانی به آتش دهی^(۶)
کس آنرا نباشد که ناکس بود^(۷)^(۸)
همه کس دهد نان پخته به وام^(۹)

(۱) دو بیت فوق در ص ۲۴۴ خسرو شیرین از کلیات خمسه چاپ مرحوم وحید دستگردی آمده است.

(۲) نصرة.

(۳) ر.ك شرفنامه نظامی چاپ وحید دستگردی ص ۱۴۸ با کاربرد بندد با جای باشد.

(۴) برای سه بیت بالا ر.ك ص ۱۴۸ منبع ذکر شده.

(۵) در شرفنامه چاپ وحید به زنجیر به جای به زندان آمده است ص ۱۴۸.

(۶) ر.ك شرفنامه از خمسه نظامی چاپ وحید ص ۱۴۸.

(۷) حرف د در حاشیه نوشته شده.

(۸) ر.ك ص ۱۴۸ منبع ذکر شده.

(۹) ر.ك ص ۱۴۸ منبع ذکر شده.

تو داری درین داوری دست برد^(۱) به فالی کز اختر توان برشمرد
 زشمشیر تو خون شود خاره سنگ^(۲) تو آن شیرگیری که در روز جنگ
 برآرد به هفتم فلک نام تو نوازش گریها [ی] پدرام تو
 کسادی درآرد به بازار او نبینی که روزی هم آزار او
 همه نکته کارسازست این *۷۲۴* چه پنداشتی کار بازیست این
 خصومت خدا آزمایی بود بدین گونه کار خدایی بود
 نه البرز را کرد شاید خراب شاید زدن تیغ با آفتاب
 به دولت گرایان درآرد گزند پذیره شو آر نه سپهر بلند
 نه با مقبلان دشمنی ساختن نه اقبال را شاید انداختن
 که افکندن مقبلان هست سخت میآویز با مقبل نیکبخت
 نشاید طپانچه زدن با درفش چو مقبل کمر بست پیش آر کفش
 به گردن فرازان در آرد گزند چو گردون کند گردنی را بلند
 زبسی دولتیهای دشمن مرنج^(۳) ترا پای دولت فروشد به گنج
 بدو دست جوینده آسان رسد^(۴) چو دوران ملکی به پایان رسد
 طرازش [دو رنگیست بر دوش تو] فلک نیست یکسر در آغوش [تو]
 کلیچه [به گردون دهد بامداد]^(۵) شبانگه به [نایت نارد به یاد]
 گلی رفت [و] گلشن [فروزی رسید]^(۶) ز ما گرشبی رفت روز [ی رسید]

(۱) ر.ک ص ۱۵۰ منبع ذکر شده.

(۲) ر.ک ص ۱۴۹ منبع ذکر شده.

(۳) این دو بیت بصورت عمودی در حاشیه سمت چپ صفحه آمده است.

(۴) این بیت بصورت عمودی در حاشیه سمت راست صفحه آمده است.

(۵) برای دو بیت فوق ر.ک ص ۲۲۲ شرفنامه منبع ذکر شده.

(۶) ر.ک ص ۲۳۶ شرفنامه مرحوم دستگردی سه بیت فوق بصورت ناقص در حاشیه پایین صفحه نوشته شده است و در صحافی که قبلاً از کتاب بیاض صورت گرفته چیده شده است قسمتی از ابیات که داخل قلاب قرار دارد با مراجعه به شرفنامه چاپ وحید دستگردی ص ۲۲۲ و ۲۳۶ تکمیل شده است.

که ناسایم از داوری يك زمان
شب بیوگانرا درخششی کنم
فلاح جهان در وفای منست
که آگاهم از روز فردای خویش
به پرهیزگاری کنم داوری
نیاید زمن بر کسی دست زور
وگر چند دارم بر آن دست رس
گشاینده [ای] ناگه آید پدید

۷۲۵ پذیرفتم از داور آسمان
سستم دیده را دادبخشی کنم
خرد بر وفارهنمای منست
ره راستی گیرم امروز پیش
بپرستم از روز عذرآوری
زپیشانی پیل تا پای مور
ندارم طمع بر زر و سیم کس
بساقفل کانرا ندانی کلید

و تَكُونُ عَلَيْكَ فَإِنَّ الْأُمُورَ
بِكَفِّ الْإِلَهِ يُقَادُ
فَلَيْسَ يَا تُبَّكَ
وَلَا قَاصِرٌ عَنْكَ مَا (۱)

من خسرو [و] شیرین

۷۲۶

گرفتار سگان گشتن به بیخیزد پیر غلام به از افسوس شیران جهانگیر (۲)
سخن تا چند گویی از سردست
همانا هم تو مستی هم سستی مست
سخن کان از دماغ هوشمندست
گر از تحت الثری آید بلندست (۳)
جهان زنده بدین صاحب قرآنست
درین شك نیست کو جان جهانست
جزین يك سر ندارد شخص عالم
مبادا کز سرش مویی شود کم (۴)
مده ناخوب را بر خاطر م راه
بدار از ناپسندم دست کوتاه (۵)

(۱) دو بیت فوق در حاشیه سمت راست صفحه آمده است و در صحافی که قبلاً از بیاض صورت گرفته، چیده شده است و در آن مصراع ۲ و ۳ و ۴ ناقص است.

(۲) ربك، ص ۱۴۱ خسرو شیرین نظامی چاپ مرحوم وحید دستگردی.

(۳) دو بیت فوق در ص ۲۲۲ خسرو شیرین منبع ذکر شده با کاربرد سخن با جای سستی آمده است.

(۴) دو بیت فوق در ص ۱۶ خسرو شیرین نظامی منبع ذکر شده آمده است.

(۵) ص ۱ خسرو شیرین منبع ذکر شده بالا.

به خلعت خاص کن خرسندیم را
 چنان دارم که در نا بود و در بود
 اگر گردی ز مستی خاک [خشنود]
 یکی در جست و در [یا در کمین یافت]
 (۴)
 بس احوال که رفتی در خدایی (۵)
 که خود روزی رسان روزی رساند (۶)
 که روزی گه دوا باشد [گهی درد]
 بسازد گاه با گل گاه با [خار] (۷)(۸)(۹)

بکس مگذار حاجتمندیم را
 چنان باشم کزان باشی [تو خشنود] (۱)
 ترا نبود زیانی [ما را بود سود] (۲)
 یکی سرکه طلب کرد [انگبین یافت] (۳)
 اگر بی مرگ بودی پادشاهی
 غم روزی نسخور تا روز ماند
 چو روزی بخش مان روزی چنین کرد
 خردمند آن بود کو در همه کار

فی التوحید

۷۲۷*

لظہیر الدین فاریابی

چو دست حکمت او طی کند سجده وجود
 نه از دیار نشان ماند و نه از دیار
 چو خطبه لمن الملك بر جهان خوانند
 سرور بود ز دماغ جهانیان پندار (۱۰)

لعماد الدین الشہریاری

سبحان خالقی که بیاراست از دو حرف
 این هفت قبه را که به شش روز برکشید

- (۱) دو بیت فوق در ص ۷ خسرو شیرین آمده است با کاربرد خدمت به خای خلعت.
- (۲) ر.ک خسرو شیرین، ص ۶ منبع بالا.
- (۳) سه بیت فوق در حاشیه پایین صفحه بصورت مورب ذکر شده است.
- (۴) ر.ک ص ۱۴۱ خسرو شیرین.
- (۵) ر.ک ص ۲۹۹ خسرو شیرین با کاربرد سادھوی به جای بسی احوال.
- (۶) ر.ک ص ۱۲۳ خسرو شیرین چاپ وحید دستگردی.
- (۷) دو بیت فوق در ص ۱۷۸ خسرو شیرین منبع ذکر شده بالا آمده است.
- (۸) این چهار بیت در حاشیه سمت چپ بصورت مورب نوشته شده است.
- (۹) موارد ذکر شده داخل قلاب در اصل بیاض وجود ندارد و در صحافی که از بیاض صورت گرفته است چیده شده‌اند و آنها را بر اساس منبع داده شده تکمیل کرده‌ام.
- (۱۰) ر.ک دیوان ظہیر الدین فاریابی به کوشش هاشم رضی، قصاید، ص ۱۷ بیت، ۵۳ و ۵۲.

حکمت فکند بر سر شام اطلس شفق
هر روز تیغهای بلورین زاغ شب
واکسون شب هم او ز سر صبح برکشید
طاووس^(۱) خور به قدرت او زیر پر کشید

للسوزنی

آن صانعی که هست ز تأثیر صنع او
گردنده و رونده به فرمان صنع اوست
چندین هزار شمع شب آرای در اثیر
گردون مستدیر و مه و مهر مستنیر^(۲)

من شاهنامه

※۷۲۸※

خداوند پیروزی و دستگاه
خداوند هست و خداوند نیست
خداوند کیوان و بهرام و ماه
همه چیز حقست و ایزدیکست
خرد بر تسوانایی او گواست
همه بندگانیم او پادشاست

لفریدالدین الأحول

کردگار جان و تن پروردگار مرد و زن
پادشاه لم یزل آمرزگار لایزال
در ارادت بی شبیه و در مشیت بی شریک
در اجابت بی نظیر و در عنایت بی همال

للسعدی^(۳)

آن صانع لطیف که بر فرش کائنات
اجزای [ای] خاک مرده به تأثیر آفتاب
چندین هزار صورت الوان نگار کرد
بستان میوه و چمن لاله‌زار کرد
ما را به حسن عاقبت [امیدوار کرد]^(۴)
بخشنده [ای] که سابقه [فضل و رحمتش]

(۱) طاووس.

(۲) ر. ک دیوان حکیم سوزنی سمرقندی به تصحیح دکتر ناصرالدین شاه حسینی، امیر کبیر، ص ۱۷۱ بیت، ۲۵ و ۳۴.

(۳) ر. ک کلیات سعدی چاپ فروغی قصیده نوحید ص ۷۱۱ و ۷۱۲ ضمناً موارد ناقص از روی این نسخه تکمیل گردیده است.

(۴) دو بیت فوق در حاشیه پایین صفحه بصورت موزب نوشته شده است در صحافی بیاض از حاشیه پایین صفحه چیده شده است.

[^(۱)]

آنک بر شاشه چنان عطسه کرد [کوزه صلصال بهر] [
 دایه امرش برون به حکمت [این دو چنین توأم] [
 بر خط پیشانی [شکل دو طغرافرو کشید]^(۲)

۷۲۹ فی نعت خاتم النبیین علیه السلام للخاقانی

خاتم مهدی غلام، امی صادق کلام خسرو هشتم بهشت شحنه چارم کتاب
 باج ستان ملوک تاج ده انبیا کز در او یافت خلق خط امان از عقاب^(۳)

للأنوری

آنکه^(۴) از ایمای انگشتش دو گیسو بند زد

از چه از يك آینه بر سقف چرخ چنبری

آنکه بر دعویش چون برهان قاطع خواستند

در زبان سوسمار آورد حجت گستری^(۵)

لجمال الدین محمد بن عبدالله العراقی

ای [] از بر سدره شاهرهت وی قبه عرش تکیه گاهت
 ای طاق نهم رواق بالا بشکسته ز گوشه کلاهت^(۶)

للعطّار

خورشید خلد خواجه دنیا و آخرت سلطان شرع صاحب کونین مصطفی

(۱) در این موضع يك کلمه که ظاهراً نام شاعر است خوانده نمی شود بنظر می رسد (انوری سروده) باشد، اما این سه بیت در دیوان انوری با مقدمه نفیسی وجود ندارد.

(۲) سه بیت فوق در حاشیه سمت چپ نوشته شده و در صحافی بیاض که قبلاً صورت گرفته، چیده شده است.

(۳) ر. ک دیوان خاقانی چاپ عبدالرسولی ص ۳۳ با کاربرد هادی به جای خاتم و عقل به جای خلق.

(۴) آنک و أيضاً مورد بعد.

(۵) ر. ک: دیوان انوری، با مقدمه سعید نفیسی، بخش قصاید ص ۳۶۷ با اختلاف.

(۶) ابیات فوق جزء ترکیب بند معروف جمال الدین عبدالرزاق است.

مِن حَدِيقَةِ الْحَقِيقَةِ

صاحب طرف ولایت جسود تاکه شب هست صبح هستی زاد
آفتابی چو او ندارد یاد [آن او باش و هر چه خواهی کن] (۱)

لِوَاحِدٍ مِنَ الشُّعْرَاءِ

ای خدایت مقتدایی خلق از ازل تا ابد پسندیده
آفتاب کمال و اقبالش سایه بر کائنات پوشیده
قبه (۲) از هم بخت بیدارش شب قدرت به خواب نادیده
همه دنیا به چشم همت او التفات نظر نیرزیده
بسر تسبیح مکه بگرفته به سر تازیانه بخشیده (۳)

لِلنِّظَامِيِّ

چراغ افروز چشم اهل بینش [طراز کارگاه آفرینش]
به معنی کیمیای خاک آدم [به صورت توتیای چشم عالم]
محمد کافرینش هست خاکش [هزاران آفرین بر جان پاکش] (۴)
زهی سلطان سواری کافرینش [زخاک او کشد طغرای بینش] (۵)

وَلَهُ مِنْ لَيْلِي وَمَجْنُونِ

ای خاک تو توتیای بینش [روشن به تو چشم آفرینش] (۶) (۷)

(۱) این مصرع در اصل بیاض وجود دارد اما در نسخه عکسی بیاض وجود ندارد.

مصرع اول این بیت در حدیقة الحقیقة چاپ قدس رضوی ص ۲۰۷ آمده است، خاک او باش و پادشاهی کن.

(۲) این کلمه به ظاهر اینگونه خوانده می‌شود.

(۳) پنج بیت بالا در حاشیه سمت چپ ناخوانا نوشته شده است.

(۴) برای سه بیت فوق ر. ک کلیات خمسه نظامی چاپ امیر کبیر خسرو شیرین، ص ۱۲۷.

(۵) ر. ک کلیات خمسه نظامی چاپ امیر کبیر خسرو و شیرین ص ۴۰۸.

(۶) ر. ک کلیات خمسه نظامی چاپ امیر کبیر - لیلی مجنون ص ۴۳۱.

(۷) مصرعهای داخل قلاب در حاشیه سمت چپ صفحه نوشته شده است و در اصل و نسخه عکسی بیاض محو شده است

لذا با مراجعه به کلیات خمسه نظامی تکمیل گردیده‌اند.

فی الموعظ والنصائح والتنبیہات * ۷۳۰ *

تکیہ بر جاہ جهان از تونہ بر جای خودست

زانک چشم خرد از نیک برو بگماری

رتبت جاہ به جام می گلگون ماند

کہ به یکدم شود از کسوت خونی عاری

مین شاهنامه

چنان زی کہ گر پرسدت کردگار نیچی سر از شرم روز شمار^(۱)

ز روز گذر کردن اندیشه کن پرستیدن دادگر پیشه کن^(۲)

لکمال الدین اسماعیل

دست از طلب مدار اگر ت ترک این رهست

کآنرا کہ راه توشه نہ فقرست بی نواست

نہ فقر صوری کہ بود ہم عنان کفر و سوی

بل فقر معنوی کہ بدو فخر انبیاست

ترک بدی مقارنہ فعل نیکی است

کاؤل علاج مردم بیمار [احتماست]

بر باد بیش ازین مدہ [عمرنازنین]

کآنرا کہ فوت شد [نہ تلافی و نہ قضاست] (۳)(۴)

(۱) ر.ک شاهنامه فردوسی چاپ مسکو، ج ۵ - ص ۳۲۰ و ص ۳۶۸ بیت ۱۴۲۳ با اختلاف و ۲۲۵۳.

(۲) ر.ک شاهنامه فردوسی چاپ مسکو ج ۳ ص ۲۰۲ بیت ۳۰۷۸.

(۳) دو بیت بالا در حاشیہ پایین صفحہ لوخته شدہ است و قسمتی از ابیات از پایین صفحہ در صحافی جدا شدہ اند.

(۴) ابیات بالا در دیوان کمال اسماعیل بہ اہتمام حسین بحر العلومی صفحات ۱۵ الی ۲۰ وجود دارد و قسمتهایی از ابیات

کہ در قلاب آمدہ است در اصل بیاض وجود ندارد و با مراجعہ بہ دیوان ذکر شدہ تکمیل گردیدہ است.

للسنایی

بدین زور و زر [دنیای چو بی عقلان مشو غرّه]

که این آن نوبهاری نیست [کش بی مهرگان بینی] (۱)

چه باید نازش و [بالش بر اقبالی و ادباری]

[که تا بر هم زنی دیده نه این بینی نه آن بینی] (۲) (۳)

وَلَهُ

چند ازین (۴) راه‌ما

چند از قول و عبارت کاریابی (۵)

راستکاری پیشه کن کا [ندر مصاف رستخیز]

نیستند از خشم [حق جز راست کاران رستگار] (۶)

تو جهد کن که نهی پای عقل بر نفس که خاک پای تو گردد سپهر برین (۷) (۸)

مرکز تحقیق و پژوهش
مؤسسه تحقیقاتی و فرهنگی

هوا را راه ده لیکن نه آن راهی که دل خواهد

که نزد عاشقان کفرست در راه هوا رفتن

دل اندر بند جان نتوان به وصل دوست پیوستن

بت اندر آستین نتوان بدرگاه خدا رفتن

(۱) ر.ک دیوان سنایی به سعی مرحوم مدرس رضوی ص ۷۰۹.

(۲) ر.ک دیوان سنایی به سعی مرحوم مدرس رضوی ص ۷۱۰.

(۳) دو بیت بالا در حاشیه پایین صفحه آمده است.

(۴) در این موضع دو کلمه خوانده نمی‌شود.

(۵) این بیت در دیوان سنایی به تصحیح مدرس رضوی وجود ندارد.

(۶) ر.ک دیوان سنایی چاپ مدرس رضوی ص ۱۸۸.

(۷) قسمتهایی از ابیات فوق که در قلاب آمده است چون در اصل بیاض موجود نبود با مراجعه به دیوان سنایی چاپ مدرس رضوی تکمیل گردیده است.

(۸) سه بیت فوق در حاشیه سمت راست صفحه آمده است و در صحافی که قبلاً از بیاض صورت گرفته، چیده شده است.

ز دورنگی پشیمان باش خاقانی که زشت آید^(۱)

رفیق بولهب بودن طریق مصطفی رفتن^(۲)

لفریدالدین الأخول *۷۳۱*

ایمان رفیق و توشه یقین کن که این طریق نساایمنست و تو نرسیده به مأمنی
طاعت گزین و در شب تاریک زنده دار کز طاعتت در شب تاریک روشنی

أفضل الدین کرمانی

بر ساحل غرور مزن خیمه هوس کآب و هوا [ی] آن نبود نیک سازگار

للشیخ نجم الدین دایه

بیدار شو دلا که درین روزگار دون خفته دلند و دیده بیدار مانده نیست
اندر سرای فانی دنی عزیز من بسیار دل مبنده که بسیار مانده نیست

وَلَهُ

ای دل تو اگر مست نه هشیاری زان پیش که بگذرد جهان بگذاری
کم خفت به وقت صبح کاندرب پی ماست خوبایی که قیامتش بود اندر پی

مِن مَخَزَنِ الْأَسْرَارِ

ملك سلیمان مطلب کان کجاست ملك همانست سلیمان کجاست
خاک همان خصم قوی گردنست چرخ همان ظالم گردن زنست^(۳)

وَلَهُ

عمر به بازیچه به سر می بری بازی [از اندازه بدر می بری]^(۴)

(۱) در دیوان خاقانی چاپ علی عبدالرسولی مصرع فوق اینگونه آمده است: به ترک نفس گوگر خاصه عشقی که زشت آید.

(۲) سه بیت فوق در حاشیه سمت چپ صفحه ناخوانا نوشته شده است.

(۳) برای دو بیت فوق ر.ک کلیات خمسہ نظامی مخزن الاسرار چاپ امیر کبیر ص ۵۸.

(۴) ر.ک کلیات خمسہ نظامی مخزن الاسرار چاپ امیر کبیر ص ۵۹ قسمت داخل قلاب بعلمت نبودن در بیاض از این نسخه

للسَّعْدِي

به در خدای قریب طلب ای ضعیف همت

که منصبیست قریب که به یاد شاه خریده‌اند

للسَّيِّدِ حَسَنِ الْغَزْنَوِي

در عالم فتنایی دل بر بقا منه در کلبه عنایی رامش طمع مدار (۱)(۲)

وَلَهُ

[(۳)

سرمايه بدست آر کزینجا، آنجا سودی نکنی اگر (۴) شوی

لِلْعِمَادِي

سخت می‌آید مرا بر دل که چون هر سست رأی

در طمع چندان که خواری در قناعت عزتست

از برای نانی زآب روی بی‌راری کنم

میزت پست بر عزت کنی آرد روی در خواری کند (۵)

(۱) این بیت در دیوان سید حسن غزنوی وجود دارد. ك قصاید دیوان سید حسن غزنوی.

(۲) دو بیت فوق در حاشیه بالای صفحه نوشته شده است.

(۳) در این موضع يك مصرع محو شده است.

(۴) در این موضع يك کلمه محو شدگی دارد.

(۵) چهار بیت بالا به صورت ناخوانا در حاشیه سمت راست نوشته شده است.

* ٧٣٢ * مِمَّا أَحْسَنَ بِنَظْمِ هَذِهِ الْفَوَائِدِ كَالْمَنْشُورَاتِ مِنْ
 الْفَرَائِدِ الْمَوْلَى الْأَعْظَمِ الْبَحْرِ الْخِصْمِ مَلْجَأِ صَنَائِدِ الْعَجْمِ
 قِيَامِ الْمِلَّةِ وَالِدَيْنِ عَضُدِ الْإِسْلَامِ مَحْمُودِ أَعْلَى اللَّهِ تَعَالَى شَانَهُ

أهذه وصية ارضى بها الدنيا المؤمنون لعالم السعير وصية رسول
 رب العالمين لو امكن على ربه طالب رضوان الله تعالى عليه ابيه
 وفلذة كبده سمس سما الايام انما كسرت رضى ابيه عن رضى ارضاه
 لانه قد فاق الصبر كرم واكمل شرف والادب زين والحفظ كرم
 والوفاء سيرة البرمجة والقوى معادة والصدق حصن الرزق
 سقراط النهر منقصة والذبح سبيل النعيم صفة الكمال
 وان استل الاخوان من كان حينا على النقي ولها على الطلوك
 حافظا للصدق ولعبا للرفق بولسنا بنفسه ذكر كقول
 ترود واد الصبر عند التوايب تلبس من هبل الصبر حسن العواقب
 وكن صاحب اليقين كل مشقة فاعلم الاخير حدين وما يجب
 ذكر حافظا هذا للصدق ليعا تدق من كالا يحفظ صنو المشارب
 وكن شاكر الله كل نعمته بذكر طر النعم جزيل الواهب
 فالمرزاة الاقدار الاقرب اذا جاد لم يجدم عبد المذاهب
 وما الدهر الا حبيب يهز نكس طاب في الكس طر المرانث
 نكس طالب الدرر في طلب تصاعف عليك الرزق كل جانب

(۱) * ۷۲۳ * هَذِهِ وَصِيَّةُ أَوْصَىٰ بِهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ حَبِيبُ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ رِضْوَانُ اللَّهِ تَعَالَىٰ عَلَيْهِ إِنَّهُ وَ قَلْدَةٌ كَبِيدِهِ، شَمْسُ سَمَاءِ الْإِمَامَةِ أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ أَرْضَاهُ: أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ الصَّبْرَ كَرَمٌ وَ الْجِلْمَ شَرَفٌ وَ الْأَدَبَ زَيْنٌ وَ الْحِفْظَ سُودَدٌ وَ الْوَفَاءَ مَرْوَةٌ وَ الْبِرَّ مَرْحَمَةٌ وَ التَّقْوَىٰ سَعَادَةٌ وَ الصَّدَقَ حِصْنٌ وَ الرَّفْقَ مَغْفَلٌ وَ الْغَدْرَ مَنَقَصَةٌ وَ الْكِذْبَ شَيْنٌ وَ النَّمِيمَةَ ضِغْنٌ وَ الْحِقْدَ تَلْفٌ وَ إِنْ أَفْضَلَ الْإِخْوَانَ مَنْ كَانَ مُعِينًا عَلَى التَّقَىٰ دَلِيلًا عَلَى الْهُدَىٰ حَافِظًا لِلصَّدِيقِ رَاعِيًا لِلرَّفِيقِ مُوَاسِيًا بِنَفْسِهِ (۲).

وَ كُنْ كَمَا أَقُولُ:

تَرَدَّدَ رِذَاءَ الصَّبْرِ عِنْدَ النَّوَابِ (۳)
 وَ كُنْ صَاحِبًا لِلْجِلْمِ عَنْ كُلِّ مَشْهَدٍ
 وَ كُنْ حَافِظًا عَهْدَ الصَّدِيقِ مُرَاعِيًا
 وَ كُنْ شَاكِرًا لِلَّهِ فِي كُلِّ نِعْمَةٍ
 فَمَا الْمَرْءُ فِي الْأَقْدَارِ إِلَّا ابْنُ نَفْسِهِ
 وَ مَا الْمَرْءُ إِلَّا حَيْثُ يَجْعَلُ نَفْسَهُ
 فَكُنْ طَالِبًا لِلرِّزْقِ مِنْ بَابِ حِلِّهِ
 ۷۲۴ وَ كُنْ مُوجِبًا حَقَّ الْجَلِيسِ إِذَا أَتَىٰ
 إِسْنِكُ [ب] صَادِقٍ مِنْكَ وَاجِبٍ
 وَ كُنْ أَسْعَدَ النَّاسِ جَدًّا وَ أَوْفَاهُمْ عَهْدًا وَ أَرْجَحَهُمْ حِلْمًا وَ أَوْسَعَهُمْ عِلْمًا وَ أَرْكَاهُمْ عَقْلًا وَ أَحْمَدَهُمْ فِعْلًا وَ أَوْفَرَهُمْ حِطًّا وَ أَفْصَحَهُمْ لَفْظًا وَ أَبْعَدَهُمْ هِمًّا وَ أَحْلَاهُمْ شَيْمًا وَ أَكْرَمَهُمْ

(۱) در صفحه عنوان پیشین بترتیب کلمات «الفوائد» «الفرايد» و «صناديد» به تقلید از رسم الخط فارسی گذشته.

(۲) بحار الانوار ۶۶/۳۷۸ باب ۳۸.

(۳) النواب.

خَلِيقَةً وَأَرْضَاهُمْ طَرِيقَةً^(١).

مَنْ عَرَفَ اللَّهَ تَعَالَى وَقَامَ بِفَرْضِهِ وَحَافِظَ عَلَى دِينِهِ وَحَظَى بِسَبْرٍ وَالِدِيهِ وَظَفَرَ بِأَدَاءِ الْمُفْتَرَضِ لَهُمَا عَلَيْهِ وَخَفَضَ لَهُمَا جَنَاحَهُ وَبَدَّلَ لَهُمَا سَمَاحَهُ وَصَاحِبَهُمَا مَعْرُوفاً وَكَانَ بِبِرِّهِمَا مَوْصُوفاً فَذَلِكَ الْآخِذُ بِحَظِّهِ وَالْمُؤَقِّقُ لِرُشْدِهِ وَالْمُسَدِّدُ فِي فِعْلِهِ، أَلْتَمَقَدِّمُ لِمَعَادِهِ الطَّالِبُ بِحُسْنِ إِرْشَادِهِ.

وَإِنَّ أَعْجَزَهُمْ رَأياً وَأَسْوَأَهُمْ^(٢) حَالاً وَأَقْسَاهُمْ قَلْباً وَأَدْنَسَهُمْ تَوْباً مَنْ اسْتَبَدَّلَ بِبِرِّهِمَا عُقُوقاً وَيُرْسِدَ فِيهِمَا غِيّاً وَيَهْدَاهُ ضَلَالاً وَيَتَسَدِّدُهُ لَهُمَا نَصَالاً، فَذَلِكَ الَّذِي أَوْزَطَهُ الْغَى فِي سَبِيلِ تَلْفِهِ وَسَلَّكَ بِهِ الْجَهْلُ فِي مَهَاوِي حَتْفِهِ، فَإِنْ جَدَاكَ أَحَدٌ إِلَى مُوَاصَلَتِهِ وَرَغَبَكَ فِي صِدَاقَتِهِ وَمُوَافَقَتِهِ وَمُصَافَاتِهِ فَارْزُدْ مِنْ قُرْبِهِ رِدَاءً وَصُدَّ عَنْ وَصْلِهِ صَدَاءً وَكُنْ كَمَا أَقُولُ:

عَلَيْكَ بِبِرِّ الْوَالِدَيْنِ كِلَاهُمَا وَبِرِّ ذِي الْقُرْبَى وَبِرِّ الْأَبَاعِدِ
وَلَا تَصْحَبَنَّ إِلَّا تَقِيّاً مُهْتَباً عَمِيقاً زَكِيّاً مُنْجِزاً لِلْمَوَاعِدِ^(٣)
* ٧٣٥ قَارِنْ إِذَا قَارَنْتَ حُرّاً مُؤَدِّباً فَنِيٍّ مِنْ بَنِي الْأَخْرَارِ زَيْنِ الْمَشَاهِدِ
وَكَفِّ الْأَذَى وَاحْفَظْ لِسَانَكَ وَارْتَقِبْ فَمَدِّيَّتَكَ فَكَلِيٍّ وَدُ الْخَلِيلِ الْمُسَاعِدِ
وَكَُنْ وَائْتِقاً بِاللَّهِ مِنْ كُلِّ حَادِثٍ يَصْنُكَ مَدَى الْأَيَّامِ مِنْ عَيْنِ حَاسِدٍ
وَ نَافِسٍ يَبْدُلُ الْمَالِ فِي طَلَبِ الْعُلَى بِهَمَّةٍ مَحْمُودِ الْخَلَائِقِ^(٤) مَا جِدِ
وَ غَضٍّ مِنَ الْمَكْرُوهِ طَرْفَكَ وَاجْتَنِبْ أَذَى الْجَارِ وَاسْتَمْسِكْ بِحَبْلِ الْمَحَامِدِ
وَلَا تَبْنِ فِي الدُّنْيَا بِنَاءً مُؤَمَّلٍ خُلُوداً فَمَا حُرٌّ عَلَيْهِ بِخَالِدِ^(٥)

وَعَلَيْكَ بِالْوَرَعِ وَقِلَّةِ الطَّمَعِ وَحُسْنِ الْيَقِينِ وَحِفْظِ الدِّينِ وَالطَّلَبِ لِلْعِلْمِ وَالتَّرْتُّبِ بِالْحِلْمِ وَالنَّزَاهَةِ عَنِ الْأَذَى وَالْفِكَاهَةِ وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّنْهِي عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَرْكِ التَّشْوِيفِ بِالنَّاسِ

(١) مطلب رادر مجاميع روائی نیافتیم.

(٢) اسوؤهم.

(٣) ر.ك ديوان امام على عليه السلام تاليف قطب الدين بيهقي نيشابوري ترجمه دكتور امامي ص ١٨٦.

(٤) الخلايق.

(٥) ر.ك ديوان امام على (ع) منبع ذكر شده ص ١٨٧.

وَالِإِسْتِغْنَا [ء] بِالْيَأْسِ وَ مُدَارَاةِ النَّاسِ وَالصَّفْحِ عَنْ هَفْوَةِ الْجَارِ وَالتَّعَمُّدِ لِلزَّلَّةِ وَالعِثَارِ، وَكُنْ
كَمَا أَقُولُ:

تَنْزَهُ عَنْ مُصَادَقَةِ اللُّثَامِ^(١) وَأَلْسِمُ بِالْكَرَامِ بَنِي الْكَرَامِ
وَلَا تَكُ وَائِثِقَا بِالذَّهْرِ يَوْمًا فَإِنَّ الذَّهْرَ مُنْحَلُّ النُّظَامِ
وَلَا تَحْضُدْ عَلَى الْمَعْرُوفِ قَوْمًا وَكُنْ مِنْهُمْ تَسْنُلُ دَارَ السَّلَامِ
وِثِّقْ بِاللهِ رَبِّكَ ذِي الْمَعَالِي وَذِي [الآ] لَاءِ وَالتَّعَمُّدِ الْجِسَامِ
* ٧٣٦ * وَكُنْ لِلْعِلْمِ ذَا طَلَبٍ وَبَحْثٍ وَنَافِسٍ فِي الْحَلَالِ وَ[فِي] الْحَرَامِ
وَلَا تَسْحِمِلْ عَلَى الْإِخْوَانِ ضِعْفًا وَعِذْ بِالصَّفْحِ تَنْجُ مِنَ الْأَثَامِ^(٢)
وَ كُنْ مُجْتَمِعَ الذَّهْنِ يَقْظَانَ نَبِيَةَ الْأَدَبِ أُنْقَ الشَّكْلِ لَبِقَ الزُّيِّ نَظِيفَ الْمَنْظَرِ حَسَنَ الْمَخْبَرِ
حُلُوَ السَّجِيَّةِ جَزَلَ الْعَطِيَّةِ حُبَّ الْوُسْعَةِ مَحْمُودَ الطَّبِيعَةِ سَمَحَ الْيَدِ طَلِقَ الْوَجْهِ ظَاهِرَ الْبُشْرِ
وَاسِعَ الْخَبْرِ قَلِيلَ الْحَقْدِ بَادِخَ الْمَجْدِ كَرِيمَ الشَّفَقَةِ كَثِيرَ الْأَنْفَةِ رَاجِيًا لِلنَّجَاةِ خَائِفًا^(٤) مِنْ
أَعْمَالِ الطُّغَاةِ مُشْتَغَلًا بِالطَّاعَةِ بِقَدْرِ الْإِسْتِطَاعَةِ حَذِرًا مِنْ غَوَائِلِ^(٥) الدُّنْيَا الَّتِي تُورِي
صَاحِبَهَا إِلَى الْبُلُوْى تَسْلَمُ فِي الْأَوْلَى وَالْعُقْبَى، وَالسَّلَامِ

هذا ما جاء في مَلَحِ النُّظْمِ وَالنَّثْرِ لِلْحَاجِرِيِّ

أَهْلُ لَكَ فِي إِغَاثَةِ مُسْتَهَامِ يُقَادُ إِلَى الْغَرَامِ بِلَا زَمَامِ
تَعَرَّضَ بِالْخِيَامِ عَلَى الزَّرُودِ^(٦) فَرَاخَ وَقَلْبُهُ بِسَيْنِ الْخِيَامِ
غَرِيبُ الْحَيِّ كَيْفَ تُبِيحُ قَتْلِي أَلَيْسَ الْعَرَبُ يُعْرِفُ بِالذَّمَامِ
سَأَلْتُكَ يَا نَسِيمَ الرِّيحِ بَلِّغْ إِلَى سُغْدَى بِكَاطِعَةِ سَلَامِي

(١) الليام.
(٢) ابن لفظ را بجهت رعایت وزن شعر افزودیم.
(٣) رك ديوان امام على عليه السلام منبع ذكر شده ص ٥٢٥ و ٥٢٤.
(٤) خايقا.
(٥) غوايل.
(٦) نام موضعی است رك لسان العرب ج ٣ - ص ١٩٤ دارالفكر بيروت.

رَخِيمُ الدَّلِّ مَسْمُوقُ الْقَوَامِ
فَوَا عَجَباً مِنْ حِلِّ الْحَرَامِ
مُرَامٍ بِاللَّوَا حِظِّ كَالسَّهَامِ
وَشَهْرٌ لَا أَرَاكَ بِأَلْفِ عَامِ
عَلَى مَنْ لَيْسَ يَسْمَعُ بِالسَّلَامِ

تَسْمَلُكَ مُهْجَتِي رَشْأُ غَسْرِيرٍ
٧٣٧ أَزَاقَ دَمِي وَكَانَ دَمِي حَرَاماً
لَطِيفُكُمْ الْمُحَجَّبُ فِي فُؤَادِي
فَيَوْمٌ مِنْ جَفَاكَ بِأَلْفِ شَهْرٍ
سَلَامُ اللَّهِ مَا لَمِعَتْ بُرُوقُ

وَلَهُ

يَا مَنْ تَنْزَعُ عِزَّةً عَنِ نَاطِرِي
يَا سَاكِنَا مِنِّي مَكَانَ سَرَايِرِي
وَلَمَّا صَبَوْتُ إِلَى النَّسِيمِ الْحَاجِرِي
دَخَّ مِنْ سِوَاكَ مُقَاطِعِي وَمُهَاجِرِي
لِللَّوْضِلِ بَارِقَةً تَسْلُوحُ لِنَاطِرِي

حَاشَاكَ تَخْلُو سَاعَةً مِنْ خَاطِرِي
يَا آسِراً قَلْبِي بِمُطَلَقِ حُسْنِيهِ
أَمَتَ الَّذِي لَوْلَاكَ مَا اشْتَقْتُ الْجَمِي
مَادَامَ طَيْفِكَ زَائِرِي^(١) وَمُوَاصِلِي
وَاحْسِرَتَا عُمْرِي يَفُوتُ وَلَا أَرِي

لِغَيْرِهِ

وَالْبَيْنُ أَلْفَ بَيْنِ الْقَلْبِ وَالْحَزَنِ
يَا لَيْتَ مَعْرِفَتِي إِيَّاكَ لَمْ تَكُنِ
عَلِمْتُ كَيْفَ فِرَاقِ الرُّوحِ لِلْبَدَنِ

أَلْبَيْنُ فَرَّقَ بَيْنَ الْجَفْنِ وَالْوَسَنِ
أَوْقَعْتُ بَيْنِي وَبَيْنَ الْهَمِّ مَعْرِفَةً
لَمَّا افْتَرَقْنَا وَصَارَ الْقَوْمُ فِي سَفَرٍ

لأبي نواس

وَالْقَلْبُ بَعْدَكَ لَمْ يَسْكُنْ إِلَى سَكَنِ
حَتَّى إِذَا عُدْتَ لِي عَادَتْ فِي بَدَنِي

٧٣٨ أَلْعَيْنُ بَعْدَكَ لَمْ تَنْظُرْ إِلَى أَحَدٍ
كَانَ رُوحِي إِذَا مَا غِيبَتْ غَايِبَةً

لِمَجْنُونِ الْعَامِرِي

وَزِدْتَ عَلَيَّ مَا لَمْ يَكُنْ بَلَغَ الْهَجْرُ
فَلَمَّا انْقَضَى مَا بَيْنَنَا سَكَنَ الدَّهْرُ
وَيَا سَلْوَةَ الْعُشَاقِ مَوْعِدُكَ الْحَشْرُ

أَيَا هَجْرٍ لَيْلِي قَدْ بَلَغْتَ بِي الْعَدَى
عَجِبْتُ لِسَعِي الدَّهْرِ بَيْنِي وَبَيْنِهَا
فَيَا حُبَّهَا زِدْنِي جَوِي كُلِّ لَيْلَةٍ

فِيَا حَبِّذَا الْأَحْيَاءِ مَا دُمْتَ فِيهِمْ
أُرِيدُ لِأَنْسَى ذِكْرَهَا فَكَأَنَّمَا
فَمَا هُوَ إِلَّا أَنْ أَرَاهَا فَجَاءَتْ
فَلَوْ أَنَّ مَا بِي بِالْحِصْنِ قَلِقَ الْحِصْنِ
وَلَوْ أَنَّ مَا بِي بِالْوَحُوشِ لَمَا رَعَتْ
وَيَا حَبِّذَا الْأَمْوَاتِ إِنْ ضَمَّكَ الْقَبْرُ
يُهَيِّجُ الصَّبَا مِنْ حَيْثُ تَطَلَّعَ الْفَجْرُ
فَأَبْهَتْ لَا عُرْفَ لَدَى وَلَا نُكْرُ
وَبِالصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ لَا تَضْدَعُ الصَّخْرُ
وَلَا سَاغَهَا الْمَاءُ التَّمِيزُ وَلَا الْكَدْرُ

لغيره

قَالَ الْحَبِيبُ وَقَدْ مَصَّصْتُ رُضَابَهُ
أَفْطَرْتُ؟ قُلْتُ: هِلَالٌ وَجْهَكَ قَدْ بَدَا
فِي الصَّوْمِ مِنْ رَمَضَانَ لَمَّا زَارَا
وَهِلَالٌ وَجْهَكَ يُوجِبُ الْإِفْطَارَا

لغيره

* ٧٣٩ * وَمِنْ عَجَبِ إِنِّي أَحْنُ إِلَيْهِمْ
وَيَبْكِي لَهُمْ طَرْفِي وَهُمْ فِي سَوَادِهِ
وَأَسْأَلُ^(١) شَوْقًا عَنْهُمْ وَهُمْ مَعِي
وَيَشْكُو لَهُمْ جِسْمِي^(٢) وَهُمْ بَيْنَ أَضْغَعِي^(٣)

مرآتية كوتيه لغيره

الْخَوْفُ مِنْكَ وَوَحْشَةُ الْإِعْرَاضِ
قَلْبِي يُعَذِّبُ فِي هَوَاكَ وَمُقَلَّتِي
مَنْعَا جُفُونِي لَذَّةَ الْإِعْمَاضِ
مِنْ حُسْنِ وَجْهِكَ فِي نَعِيمِ رِيَاضِ

للإمام أحمد الغزالي رضي الله عنه

تَبَدُّأً مِنَ الْحَمَامِ كَالْبَدْرِ طَالِعاً
فَقُلْتُ تَعَالَوْا مَعَشَرَ النَّاسِ فَاَنْظُرُوا
كَأَنَّ بَقَايَا الْمَاءِ فِي وَجَنَاتِهِ
وَفِي الصُّدُغِ مِنْهُ أَلْفُ عِقْدٍ عَلَى عِقْدٍ
إِلَى حُسْنِ هَذَا الْوَجْهِ وَالْقَدِّ وَالْخَدِّ
بَقِيَّةُ مَاءِ الطَّلِّ رُشٌّ عَلَى الْوَرْدِ

(١) أسبل.

(٢) جمعى.

(٣) اظلمى.

لِلْمَقْتُولِ (۱)

يا لآمني فيك أحيائي (۲) و أعدائي (۳)
 النارُ أبردُ من نلج على كبدى
 اشتعلت في كبدى نارين (۴)، واجدة
 إنسى لأعجب من تركيب صورته
 تركت للناس دنياهم و دينهم
 * ۷۴۰ * كانت لقلبي أهواء مفرقة
 إلا لغفلتهم عن عظم بلوائى (۵)
 والسيف أرفق بي من هجر مولائى (۶)
 بين الضلوع و أخرى بين أحشائى
 قلب من الصخر فى جسم من الماء
 شغلاً بحبك يا دپنى و دنياى (۷)
 فاستجمعت مذراك القلب أهوائى (۸)

لغيره

نسيم الصبا إن جئت أرض أحيائى
 يسقط اللوى حوشيت طرف المهالك
 فضاقت على الغادين نهج المسالك
 وقول و حق الود يا ابنة مالك
 على شاطي الوادي بمنعرج الولى
 أصغت فوادى فاطلبه هنالك

مرکز تحقیقات لغوی و علوم اسلامی

طاف الهوى بعباد الله كلهم
 قد كان لي مشرب تصفوا (۹) برؤيتكم
 حتى إذا مر بي من بينهم وقفا
 فكدرته يد الأيام حين صفا

الله حيث تحمّلوا جار لهم
 والإلف دار والشور نديم

(۱) این کلمه به ظاهر اینگونه خوانده می شود.

(۲) احيائي.

(۳) اعدائي.

(۴) بلوائى.

(۵) مولائى.

(۶) کذا، شاید اشتعلت في كبدى ناران واحده، باشد.

(۷) دنياى.

(۸) أهوائى.

(۹) کذا، ظاهراً: يصفوا.

وَالْعَيْشُ عَضُّ وَالْمَنَاهِلُ عَذْبَةٌ وَالْجَوَّ طَلْقُ وَالرِّيسَاحُ نَسِيمٌ

سَلَامٌ عَلَى الدُّنْيَا فَمَا لِي حَاجَةٌ إِذَا لَمْ يَكُنْ سَمَلِي وَشَمْلُكُمَا مَعَا
وَلَا مَرْحَبًا بِالرَّبِيعِ أَنْتُمْ حُلُولُهُ وَإِنْ كَانَ مُخَضَّرَ الْجَوَانِبِ مُرْعَا

۷۴۱* مَلَلْتُ حَيَاتِي لَوْ مَلَلْتُ هَوَاكَ

وَشِئْتُ^(۱) نَوَاهَا لَوْ أَرَدْتُ نَوَاكَ

وَمَنْ مَلَّ طَيْبَ الْعَيْشِ^(۲) حَتَّى^(۳)

وَهَلْ لِي مُنَى فِي الْكَائِنَاتِ سِوَاكَ

وَلَا كَانَ^(۴) قَلْبِي حَيْثُ لَسْتُ تَجَلُّهُ

وَلَا كَانَ طَرْفِي حَيْثُ لَيْسَ يَرَاكَ



مَعَاهِدُنَا قَدْ طَالَ عَهْدُ مَرَارِكَ فَسُقِيَ الْأَهْلِيهَا وَأَهْلًا بِدَارِكَ
أُولَيْكَ^(۵) سَادَاتِي الَّذِينَ عَهَدْتُهُمْ فَبُعْدًا لِعَيْشٍ طَابَ بَعْدَ أَوْلَيْكَ
صَحْبِنَا بِهَا عَهْدَ الصُّبِيِّ فَاسْتَقْرْنَا فَكَانُوا وَكُنَّا فِي نَعِيمٍ وَلَذَّةٍ
قَضَى اللَّهُ بِالتَّفْرِيقِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَغَايَةُ حَالِ الْعَاشِقِينَ كَذَلِكَ

إِذَا كَانَ مَوْتِي فِي هَوَاكَ يَزِيدُنِي دُنُوءًا فَأَهْلًا بِالْمَمَاتِ وَمَرْحَبًا

(۱) شئت.

(۲) در متن: للعيش.

(۳) در این موضع يك كلمه خوانده نمی شود.

(۴) کاربرد حرف لا قبل از فعل ماضی كان و أيضاً مورد بعد.

(۵) اوليك و هكذا مورد بعد.

وإنَّ عَذَابِي فِي هَوَاكَ لَطِيبٌ إِذَا كُنْتَ تَرْضَى أَنْ أَعِيشَ مُعَذَّبًا
أَيَا عَاذِلِي خَلَّ الْمَلَامَ وَقَلَّلَا لِأَنِّي اتَّخَذْتُ الْحُبَّ فِي الْحُبِّ مَذْهَبًا

فرد

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ مِنْ مُجِبِّ كَأَنَّمَا يَبِيتُ عَلَى جَمْرٍ وَمِنْ فَوْقِهِ جَمْرٌ

فِي النِّكْهَةِ وَالرِّيقِ

٧٤٢*

يَا أَطْيَبَ النَّاسِ رِيْقًا غَيْرَ مُخْتَبِرٍ إِلَّا شَهَادَةَ أَطْرَافِ الْمَسَاوِينِ
يَا رَحْمَةَ اللَّهِ حُلِّي (١) فِي مَنَازِلِنَا حَسْبِي بِرَائِحَةِ الْفِرْدَوْسِ مِنْ فِيكَ

فيه

كَأَنَّ فَاها وَقَدْ طَابَ الرُّقَادُ لَهَا مَاءُ السَّحَابِ بِمَا [و] الشَّهْدِ مَسْرُوجٌ

فيه

لِلْعَبْدِ مَسْأَلَةٌ (٢) لَدَيْكَ جَوَابُهَا إِنْ كُنْتَ تَذْكُرُهُ فَهَذَا وَقْتُه
مَا بَالُ رِيْقِكَ لَيْسَ مِلْحًا طَعْمُهُ وَيَزِيدُ لِي عَطْشًا إِذَا مَا ذُقْتُهُ

مَرْثِيَةٌ فِي الْخَطِّ

وَأَشْرَفَ الْوَرْدُ فِي نَشْرِبِينَ وَجَنَّتِيهِ وَاهْتَزَّ أَعْلَاهُ وَازْتَحَبَ خَفَائِيهِ (٣)
كَلَّمْتُهُ بِجُفُونٍ غَيْرِ نَاطِقَةٍ فَكَانَ مِنْ رَدِّهِ مَا قَالَ حَاجِبُهُ

لَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (٤)

بَعَثْتِكَ مُرْتَادًا فَفُزْتُ بِنَظْرَةٍ وَأَغْفَلْتَنِي حَتَّى أَسَأْتُ بِكَ الظَّنَّ
فَيَا جِئْتَ (٥) مِنْ أَهْوَى وَكُنْتُ مُبَاعِدًا فَيَا لَيْتَ شِعْرِي عَنْ دُنُوكَ مَا أَغْنَا
أَرَى أَتْرَأُ مِنْهُ بِعَيْنِكَ بَيْنًا لَقَدْ أَخَذْتُ عَيْنَاكَ مِنْ عَيْنِي حُسْنًا

(١) حل.

(٢) مسيلة.

(٣) خفائيه.

(٤) ابن كَلَمَه بظاهر امير المؤمنين يا امير المؤمنين خوانده مي شود والله اعلم.

(٥) جيت.

قِيلَ: إِنَّمَا أَخَذَ الْمَأْمُونُ هَذَا الْمَعْنَى مِنَ الْعَبَّاسِ بْنِ الْأَخْنَفِ فَإِنَّهُ اخْتَرَعَ هَذَا الْمَعْنَى فَقَالَ:
 إِنَّ تَشَقُّقَ عَيْنِي بِهَا فَقَدْ سَعِدَتْ

عَيْنُ رُسُولِي وَفُزْتُ بِالْخَبْرِ
 ٧٤٣ وَكُلُّ مَا جَاءَنِي ^(١) الرُّسُولُ لَهَا

رَدَدْتُ عَمْدًا فِي عَيْنِهِ نَظْرِي
 خُذْ مُقْلَتِي يَا رَسُولَ عَارِيَّةً
 فَاَنْظُرْ بِهَا وَاحْتَكِمْ عَلَيَّ بِصَرِي

للقاضي

يَا صَاحِبَ تَجَشُّمٍ لِأَدَاءِ الْفَرَضِ بَلَغَهُ تَجِيَّتِي وَلَمْ أَرْضِ
 ثُمَّ أَرَوِ بِطَوْلِهِ حَدِيثِي وَأَعِدْ لِأَبْدَلِ لِقِصَّةِ الْهَوَى مِنْ عَرْضِ

مُنْذُ عَادَيْتِي الْحَبِيبُ فِي الْأَمْرَاضِ بِالسُّقْمِ كَسَطَرُفِهَا فُوَادِي رَاضٍ
 فِي سُقْمِي صَادَقَتْ شِفَائِي ^(٢) وَأَزَتْ فَبَلَغَتْ مُسْتَهْيِ أَعْرَاضِ

لأبي تمام الطائي

وَكَأَنَّ بَهْجَتَهَا وَبَهْجَةَ كَأْسِهَا نَارٌ وَنُورٌ قَيْدًا بِوِعَاءِ
 أَوْ دُرَّةً بَيْضَاءَ بِكُرٍّ أَطْبَقَتْ حَبْلًا عَلَيَّ يَا قَوْتَةَ حَمْرَاءِ
 يُخْفِي الزُّجَاجَةَ لَوْنُهَا فَكَأَنَّهَا فِي الْكُفِّ قَائِمَةٌ ^(٣) بِغَيْرِ إِنَاءِ

للذريدي

وَخَمْرَاءَ قَبْلَ الْمَرْجِ صَفْرَاءَ بَعْدَهُ
 أَتَتْ بَيْنَ ثَوْبِي نَرْجِسٍ وَشَقَائِقِ

(١) جاني.

(٢) شفائي.

(٣) قائمة.

حَكَتْ وَجَنَّةَ الْمَعْشُوقِ صِرْفًا

(۱)

عَلَيْهَا مِزَاجًا فَسَاكْتَسَتْ ثَوْبَ عَاشِقِ

لمحمد بن يعقوب الفارسی

كَـلَوْنَ الْجُلَّتَارِ إِذَا أُدِيرَتْ وَ إِن مُرْجَتْ فَلَوْنَ الرَّغْفَرَانِ
كَـخَذَ حَبِيبِيَّةَ هَمَّتْ بِأَمْرِ فَفَاجَاهَا الرَّقِيبُ عَلَى الْمَكَانِ
* ۷۴۴ * سَقَتْنِي فِي لَيْلِ شَيْبَةَ بِشَعْرِهَا شَبِيهَةً خَدَيْهَا بِسَغِيرِ رَقِيبِ
فَأَصْبَحْتُ فِي لَيْلَيْنِ بِالشَّعْرِ وَالذُّجَى وَبَدْرَيْنِ مِنْ كَأْسِ وَوَجْهِ حَبِيبِ

مقا جاء في الصبر

إِنِّي رَأَيْتُ وَفِي الْأَيَّامِ تَجْرِبَةً لِالصَّبْرِ عَاقِبَةُ مَحْمُودَةُ الْأَثَرِ
قَلَّ مَنْ جَدَّ فِي أَمْرٍ فَأَفْلَقَهُ (۲) وَاسْتَضْحَبَ الصَّبْرُ إِلَّا فَازَ بِالظَّفْرِ

لأمير المؤمنين علي عليه السلام

إِذَا سَاءَ نِي (۳) دَهْرٌ عَزَمْتُ تَصَبُّرًا فَكُلُّ بَلَاءٍ لَا يَدُومُ يَسِيرُ
وَإِنْ سَرَّنِي لَمْ أَبْتَهِجْ بِشُرُورِهِ فَكُلُّ سُرُورٍ لَا يَدُومُ حَقِيرُ (۴)

لغيره فيه

فَدَيْتَكَ لَمْ أَصْبِرْ وَلِي فِيكَ حِيلَةٌ وَلَكِنْ دَعَانِي النَّاسُ مِنْكَ إِلَى الصَّبْرِ
سَأَصْبِرُ مَخْزُونًا وَإِنِّي لَجَاهِدُ كَمَا صَبَرَ الْعَطْشَانُ فِي بَلَدٍ قَفْرِ

فيه

لَيْنٌ (۵) سَاءَ نِي دَهْرٌ لَقَدْ سَرَّنِي دَهْرٌ وَ إِن مَسَّنِي عُسْرٌ فَقَدْ مَسَّنِي يُسْرٌ
لِكُلِّ مِنَ الْأَيَّامِ عِنْدِي عَادَةٌ فَإِنْ سَاءَ نِي صَبْرٌ وَإِنْ سَرَّنِي شُكْرٌ

(۱) در این موضع يك كلمه خوانده نمی شود.

(۲) این كلمه بظاهر اینگونه خوانده می شود.

(۳) سانی.

(۴) ر. ك: دیوان منسوب به امام علی علیه السلام بیت ۶۴۵ و ۶۴۶ ص ۸۶.

(۵) لین.

* ٧٤٥ * يَا عِزُّ أَقْسِمُ بِالَّذِي أَنَا عَبْدُهُ
لَا أُبْتَغِي بَدَلًا سِوَاكَ خَلِيلٌ
وَلَوْ أَنَّ فَوْقِي تُرْبَةٌ وَدَعْوَتِي
مَهْمَا ذَكَرْتُكَ يَا حَبِيبُ تَقَطَّعَتْ

وَلَمَّةُ الْحَجِيجِ وَمَا حَوَتْ عَرَفَاتُ
فَسَمِعِي بِسِقُولِي وَالْكِسْرَامُ ثِقَاتُ
لَأَجَبْتُ صَوْتَكَ وَالْعِظَامُ رُفَاتُ
كَسْبِي عَلَيْكَ وَزَادَنِي الْحَسْرَاتُ

لِلصَّاحِبِ الْفَاضِلِ زُهَيْرِ الْمِصْرِيِّ

جُعِلَ الرَّقَادُ لِكَيْ يُوَاصِلَ مَوْعِدًا
وَهُوَ الْحَبِيبُ فَكَيْفَ أَصْبَحَ قَاتِلِي
كَمْ رَاحَ نَسْحَى لَائِمٌ^(١) وَغَدَا وَمَا
فِي كُلِّ مُعْتَدِلِ الْقِيَامِ مُهْفَهْفُ
يَخْكِي الْغَزَالَةَ بِهَجَّةٍ وَتَبَاعِدًا
وَكَذَلِكَ قَالُوا لِغَضْنٍ يُشْبِهُ قَدَّهُ
يَا زَايِمِيَا قَلْبِي بِأَسْهُمٍ لَسْخِطِهِ
وَهَوَاكَ لَوْلَا جَوْرُ أَحْكَامِ الْهَوَى
وَإِلَيْكَ عَاذِلٌ عَنِ مَلَامَةٍ مُفْرَمِ
وَقِفِ السَّحَابَ عَلَى الرَّبَا مُتَحَيِّرًا
* ٧٤٦ * وَيُسَوِّقُنِي وَجْهَ النَّهَارِ مَلْثَمًا

مِنْ أَيْنَ لِي فِي حُبِّهِ أَنْ أَرْقُدَا
وَاللَّهِ لَسَوْكَانَ الْعَدُوِّ لَمَّا عَدَا
رَاحَ السَّلَامُ بِسَمْسَمِعِي وَلَا غَدَا^(٢)
حُلُوُ التَّسْنِي وَالشَّنَايَا أَغْيَدَا
وَيَسْقُولُ قَوْمٌ مُقْلَةً وَمُقْلَدَا^(٣)
بِأَقْدَهُ كُلُّ الْغُصُونِ لَكَ الْفَدَا
أَحْبَبْتُ قَلْبِي بِمِثْلِ قَلْبِكَ جَلْمَدَا
مَا بَسَاتَ طَرْفِي فِي هَوَاكَ مُسَهَّدَا
مَا آتَاهُمُ الْعَدَالُ إِلَّا أَنْجَدَا
وَمَشَى النَّسِيمُ عَلَى الرَّيَاضِ مُقَيَّدَا
وَيُسَرُّونِي خَدُّ الْأَصِيلِ مَوْرَدَا

بَعْضُ أَخْبَارِ الرَّشِيدِ

قِيلَ: كَانَ مَعَ الرَّشِيدِ ابْنُ أَبِي مَرْيَمَ الْمَدِينِي، وَكَانَ مِضْحَاكًا فَكَيْهَا هَزَّالًا يَعْرِفُ أَخْبَارَ أَهْلِ
الْحِجَازِ وَالْقَابِ الْأَشْرَافِ وَمَكَائِدَ^(٤) الْمَجَانِ، فَكَانَ الرَّشِيدُ لَا يَضِيرُ عَنْهُ وَأَحَلَّهُ فِي قَصْرِهِ،

(١) لايم.

(٢) كذا، ظاهره آء غدا، صحيحه مي ياشد.

(٣) ابن كلبه برايم مفهوم نيست.

(٤) مكائد.

فَجَاءَ ذَاتَ لَيْلَةٍ وَهُوَ نَائِمٌ^(١)، فَقَامَ الرَّشِيدُ إِلَى صَلَاةِ الْفَجْرِ فَكَشَفَ اللَّحَافَ عَنْهُ وَقَالَ: كَيْفَ أَصْبَحْتَ؟ فَقَالَ: مَا أَصْبَحْتُ بَعْدُ، إِذْ هَبَّ إِلَى عَمَلِكَ. قَالَ: قُمْ إِلَى الصَّلَاةِ، قَالَ: هَذَا وَقْتُ صَلَاةِ أَبِي الْجَارُودِ وَأَنَا مِنْ أَصْحَابِ أَبِي يُوسُفَ. فَمَضَى الرَّشِيدُ يُصَلِّي وَقَامَ ابْنُ أَبِي مَرْيَمَ وَأَتَى الرَّشِيدَ فَرَأَهُ يَقْرَأُ^(٢) فِي الصَّلَاةِ «وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي»^(٣) فَقَالَ: لَا أَدْرِي وَاللَّهِ، فَمَا مَلَكَ الرَّشِيدُ أَنْ ضَحِكَ ثُمَّ قَالَ لَهُ وَهُوَ مُغْضِبٌ فِي الصَّلَاةِ أَيْضًا، قَالَ: مَا صَنَعْتُ؟ قَالَ: قَطَعْتَ عَلَيَّ صَلَاتِي، قَالَ: وَاللَّهِ مَا فَعَلْتُ إِنَّمَا سَمِعْتُ مِنْكَ كَلَامًا غَمَّنِي حِينَ قُلْتَ «وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي»^(٤) فَقُلْتُ لَا أَدْرِي، فَعَادَ الرَّشِيدُ الضَّحْكَ ثُمَّ قَالَ لَهُ: إِيَّاكَ وَالْقُرْآنَ وَالذِّينَ وَلَكَ مَا شِئْتَ^(٥) بَعْدَهُمَا.

وَقِيلَ: حَجَّ الرَّشِيدُ مَرَّةً فَدَخَلَ الْكَعْبَةَ فَرَأَهُ بَعْضُ الْحَجَّابَةِ وَهُوَ واقِفٌ عَلَى أَصَابِعِهِ يَقُولُ:
يَا مَنْ تَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ^(٦) * ٧٤٧ * وَتَعْلَمُ ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ فَإِنْ لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ^(٧) مِنْكَ رَدًّا حَاضِرًا وَجَوَابًا عَتِيدًا وَلِكُلِّ صَامِتٍ مِنْكَ عِلْمٌ مُحِيطٌ نَاطِقٌ بِمَوَاعِيدِكَ الصَّادِقَةِ وَأَيَادِيكَ الْفَاضِلَةِ وَرَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكُفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا، يَا مَنْ لَا يَضُرُّهُ الْعُيُوبُ وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ الْعُيُوبُ وَلَا يَنْقُصُهُ مَغْفِرَةُ الْخَطَايَا، يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ وَاخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ^(٨) صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَضَرَّتِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي، يَا مَنْ خَشَعَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ بِأَنْسَوَاعِ اللَّغَاتِ يَسْأَلُونَهُ الْحَاجَاتِ إِنْ مِنْ حَاجَتِي إِلَيْكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي إِذَا تَوَفَّقْتَنِي وَصَيَّرْتَنِي فِي لَحْدِي وَتَفَرَّقَ عَنِّي أَهْلِي وَوُلْدِي، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يُفَضَّلُ كُلُّ حَمْدٍ كَفَضْلِكَ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ،

(١) نائم.

(٢) يقرأ.

(٣) قرآن كريم، سورة يس (٣٦) آية ٢٢.

(٤) قرآن كريم سورة يس (٣٦) آية ٢٢ مكرر.

(٥) شئت.

(٦) السائلين.

(٧) مسئلة.

(٨) الاسماء.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةً يَكُونُ لَهُ رِضًا وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً يَكُونُ لَهُ ذُخْرًا
وَأَجْرِهِ عَنَا الْجَزَاءِ الْأَوْفَى، اللَّهُمَّ أَحِينَا سَعْدَاءَ وَتَوَفَّنَا شُهَدَاءَ [ء] وَاجْعَلْنَا سَعْدَاءَ مَرزُوقِينَ
وَلَا تَجْعَلْنَا أَشْقِيَاءَ [ء] مَرْدُودِينَ.

وَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ (١) مَنْصُورِ الْبَغْدَادِيِّ: لَمَّا حَبَسَ الرَّشِيدُ أَبَا الْعَتَاهِيَّةَ جَعَلَ عَلَيْهِ عَيْنًا يَأْتِيهِ
بِمَا يَقُولُ فَرَأَاهُ يَوْمًا وَقَدْ كَتَبَ عَلَى الْحَائِطِ (٢):

شعر

أَمَّا وَاللَّهِ إِنَّ الظُّلْمَ شُرُومٌ وَمَا زَالَ الْمُسِيءُ هُوَ الظُّلُومُ
* ٧٤٨ إِلَى الدِّيَّانِ يَوْمَ الدِّينِ نَعْمُضِي وَعِنْدَ اللَّهِ يَجْتَمِعُ الْخُصُومُ
فَأَخْبَرَ بِذَلِكَ الرَّشِيدَ فَبَكَى وَأَحْضَرَهُ فَاسْتَحَلَّهُ وَأَعْطَاهُ أَلْفَ دِينَارٍ.

قَالَ الْهَيْثَمُ بْنُ (٣) عَدِيِّ: لَمَّا حَضَرَتِ الرَّشِيدَ الْوَفَاةَ وَغَشِيَ عَلَيْهِ فَفَتَحَ عَيْنَيْهِ مِنْهَا فَرَأَى
الْفَضْلَ بْنَ الرَّبِيعِ عَلَى رَأْسِهِ فَقَالَ: يَا فَضْلُ!



أَحِينَ دَنَا مَا كُنْتُ أَزْجُو دُيُوتَهُ وَمَشْنِي عَيْنُونَ (٤) النَّاسِ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ
فَأَصْبَحْتُ مَرْحُومًا وَكُنْتُ مُحَسَّدًا فَصَبْرًا عَلَيَّ مَكْرُوهٍ مَرُّ الْعَوَاقِبِ
سَأْبِكِي عَلَى الْوَضْلِ الَّذِي كَانَ بَيْنَنَا وَأَنْدَبُ أَيَّامِ الشُّرُورِ الذَّوَاهِبِ

هذه وصية بعض المحققين في التأويل

إِعْلَمَنَّ أَنَّ مُقْتَضَى الدِّيَانَةِ أَنْ لَا يُأْوَلَ الْمُسْلِمُ شَيْئًا (٥) مِنَ الْقُرْآنِ وَالْحَدِيثِ بِالْمَعَانِي بِحَيْثُ
يَبْطُلُ الْأَعْيَانُ الَّتِي فَسَّرَهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالسَّلْفُ الصَّالِحُ وَمِثْلُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ
وَالصُّرَاطِ وَالْمِيزَانِ وَالْحُورِ وَالْقُصُورِ وَالْأَنْهَارِ وَالْأَشْجَارِ وَالشَّمَارِ وَغَيْرِهَا، وَلَكِنَّهُ يَجِبُ أَنْ

(١) ابن.

(٢) الحايط.

(٣) ابن.

(٤) به علت جوهر ریختگی واضح خوانده نمی شود.

(٥) شیا.

يُثْبِتُ تِلْكَ الْأَعْيَانَ كَمَا جَاءَتْ^(١).

ثُمَّ إِنَّ فِيهِمْ مِنْهَا حَقَائِقَ^(٢) أُخْرَى وَرُمُوزًا وَلَطَائِفَ^(٣) بِحَسَبِ مَا كُوْشِفَ فَلَا بَأْسَ^(٤) فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى مَا خَلَقَ شَيْئًا^(٥) فِي عَالَمِ الصُّورَةِ إِلَّا وَلَهُ نَظِيرٌ فِي عَالَمِ الْمَعْنَى وَمَا خَلَقَ شَيْئًا فِي عَالَمِ الْمَعْنَى وَهُوَ الْآخِرَةُ إِلَّا وَلَهُ حَقِيقَةٌ فِي عَالَمِ الْحَقِّ وَهُوَ * ٧٤٩ * غَيْبُ الْغَيْبِ وَمَا خَلَقَ فِي الْعَالَمِينَ شَيْئًا إِلَّا وَلَهُ أَنْمُودَجٌ فِي عَالَمِ الْإِنْسَانِ.

مِنْ رَّبِيعِ الْأَنْبَرِ

رَوَى سَعِيدُ بْنُ جُبَيْرٍ قَالَ: بَيْنَا نَحْنُ مَعَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا بِفَنَاءِ الْكَعْبَةِ إِذْ جَاءَ قَوْمٌ مِنَ الْأَعْرَابِ بِرَجُلٍ فِي كِسَاءٍ فَقَالُوا: يَا بَنَ عَبَّاسِ! اِسْتَشْفِ لَهٗ، فَقَالَ: وَمَا بِهِ؟ قَالُوا: الْحُبُّ. فَجَعَلَ ابْنُ عَبَّاسٍ يَقْرَأُ^(٦) سُورَةَ يُسَ مَفْلَمًا بَلَغَ إِلَى قَرِيبٍ مِنْ نِصْفِ السُّورَةِ أَفَاقَ الْفَتَى وَأَنْشَأَ^(٧) يَقُولُ:

وَبِي لَوْعَةً لَوْ يَشْتَكِي الصُّمُّ مِثْلَهَا لَفَطَّرَتِ الصُّمَّ الصَّلَادَ فَخَرَّتِ^(٨)
وَلَوْ قَسَمَ اللَّهُ الَّذِي بِي مِنَ الْهَوَى عَلَى كُلِّ نَفْسٍ حَظُّهَا لَأَلَمَّتِ
ثُمَّ قَالَ: قَدْ أَفْسَدَتِ عَلَيَّ دُنْيَايَ، اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي آخِرَتِي فَإِنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
وَخَدَكَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا نَبِيُّكَ الصَّادِقُ وَعَبْدُكَ. فَمَا اسْتَمَّ ابْنُ عَبَّاسٍ السُّورَةَ حَتَّى قَضَى نَحْبَهُ.
قَالَ سَعِيدٌ: فَتَنَظَّرْتُ إِلَى ابْنِ عَبَّاسٍ وَقَدْ تَغَيَّرَ حَالُهُ وَمَا نَظَرَ مِنْ حَالِ الْفَتَى فَمَا كَانَ يَسْأَلُ
اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى شَيْئًا^(٩) كَمَا يَسْأَلُ الْعَافِيَةَ عَنِ الْحُبِّ يَعْنِي حُبَّ الْعَلَائِقِ^(١٠)

(١) جات.

(٢) حقائق.

(٣) لطائف.

(٤) باس.

(٥) شياو هكذا موارد بعد.

(٦) يقرأ.

(٧) انشاء.

(٨) ابن مصرع بظاها راينگونه خوانده می شود.

(٩) شيا.

والخَلَائِقِ (۱۱) دُونَ الْحَقِّ وَالْحَقَائِقِ (۱۲).

عَزَى (۱۳) جَبْرَئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ سَلَامُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَيْهِمْ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، يَا أَهْلَ الْبَيْتِ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةٌ (۱۴) الْمَوْتِ «إِنَّمَا تُوفَّقُونَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (۱۵) إِنَّ فِي اللَّهِ عِزًّا مِنْ مُصِيبَةٍ وَخَلْفًا مِنْ كُلِّ * ۷۵۰ * هَالِكٍ وَذُرْكَاءَ مِنْ كُلِّ مَا فَاتَ، فَبِاللَّهِ فَتَقُوا وَإِيَّاهُ فَارْجُوا، إِنَّمَا الْمَصَابُ مِنْ حُرْمِ الثَّوَابِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ (۱۶).

مِنْ عَوَارِفِ الْمَعَارِفِ

صَبَرْتُ عَلَى بَعْضِ الْأَذَى خَوْفَ كُلِّهِ وَدَافَعْتُ عَنِ نَفْسِي لِنَفْسِي فَعَزَبْتُ
وَجَرَّعْتُهَا الْمَكْرُوهَ حَتَّى تَدْرَبْتُ وَلَوْ لَمْ أَجْرِعْهَا إِذَا لَأَشْمَأَزْتُ
أَلَا رَبُّ ذُلِّ سَاقِ لِنَفْسِ عِزَّةٍ وَيَا رَبِّ نَفْسٍ بِالتَّذَلُّلِ عَزَبْتُ
إِذَا مَا مَدَدْتُ الْكَفَّ الْتَمَسَ الْغِنَى (۱۷) إِلَى غَيْرِ مَنْ قَالَ اسْأَلُونِي فَسَلَّتْ (۱۸)
سَأْضِرُّ جُهْدِي إِنْ فِي الصَّبْرِ عِزَّةٌ وَأَرْضِي بِدُنْيَائِي وَإِنْ هِيَ قَلَّتْ (۱۹)

مِنْ إِمْلَاءِ مَوْلَانَا الْأَعْظَمِ بَرَهَانَ الْمِلَّةِ وَالذِّينِ

الْقَدِيرِي أَقَامَ اللَّهُ مِيَامِنَ مَعَالِيهِ

إِذَا شِئْتَ (۲۰) أَنْ تَسْتَقْرِضَ مَا لَمْ تُثَقِّقْ عَلَى شَهَوَاتِ النَّفْسِ فِي زَمَنِ الْعُسْرِ

(۱۰) الملائق.

(۱۱) الخلائق.

(۱۲) الحقائق.

(۱۳) عزاء.

(۱۴) ذائقة.

(۱۵) قرآن کریم سورہ آل عمران (۳) آیه ۱۸۵.

(۱۶) متن فوق وادریع الابرار ونصوص الاخبار زمخشری، تحقیق سلیم النعمی، بیانیم.

(۱۷) این کلمه به ظاهر الغنی خوانده می شود.

(۱۸) در این موضع دو کلمه مفهوم نیست.

(۱۹) عوارف المعارف سهروردی ص ۱۸۵ تصحیح قاسم انصاری، با نقل ابیات از ابراهیم خواص، ایضاً: مصباح الهدایة

ومفتاح الکفاية عزالدین کاشانی ص ۳۸۳ تصحیح استاد همایی.

(۲۰) شئت.

فَسَلِّ نَفْسَكَ الْإِنْفَاقَ مِنْ كَنْزِ صَبْرِهَا عَالِيكَ وَإِزْفَاقاً إِلَى زَمَنِ الْبِرِّ
 لَسَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ فَاطِمَةَ بِنْتَ النَّبِيِّ

صلوات الله تعالى على أبيها وعلينا

رَأَيْتُ أَبِي وَالْمُرْتَجَى لِلنَّوَابِ (١)
 وَكُنَّا كَقُضْنِ بَاتِيَةٍ وَسَطِ رَوْضَةٍ
 كَذَا الدَّهْرُ لَا يَبْقَى خَلِيلاً لِحُلَّةِ
 ٧٥١ إِذَا اشْتَدَّ شَوْقِي زُرْتُ قَبْرَكَ بَاكِياً
 أَيَا سَاكِنِ الزُّورَاءِ عَلَّمْتَنِي الْبُكَاءَ
 عَلَى النَّعْشِ مَحْمُولاً قَفَاضَتْ سَوَاكِبِي
 فَفَرَّقَنَا رَبُّ السَّمُونِ الْقَوَاضِبِ
 وَمَنْ شَأْنُهُ تَكْدِيرُ صَفْوِ الْمَشَارِبِ
 أَنْسُوحُ وَأَبْكِي لَا أَرَاكَ مُجَاوِبِي
 وَحُزْنُكَ أَنْسَانِي جَمِيعَ الْمَصَائِبِ (٢)
 فَمَا أَنْتَ عَنِ قَلْبِ الْحَزِينِ بِغَائِبِ (٣)

وَحْتَمْتُ كِتَابَهُ هَذِهِ الْكُرَّاسَةَ بِثَلَاثَةِ آيَاتٍ تَشْفِيهِ مِنْ دِيْوَانِ شَمْسِ الْخِلَافِي وَأَعْتَرِفُ عَنْ
 تِيَارِ نَحْوِ السُّلْطَنَةِ وَالْإِمَامَةِ أَغْنِي حَضْرَةَ مَوْلَانَا السُّلْطَانَ الْأَعْظَمِ مَالِكِ رِقَابِ الْأُمَمِ الَّذِي زَانَ
 يَدَهُ (٤) الْخِلَافَةَ وَمَا زَانَتْهُ وَنَوَّرَ وَجْهَ السُّلْطَنَةِ وَمَا نَوَّرَتْهُ خَلَّدَ اللَّهُ تَعَالَى فِي خِلَافَةِ الْأَرْضِ
 سُلْطَانَهُ، وَهِيَ هَذِهِ:

إِنَّ الْمَفَاجِرَ فِي الدُّنْيَا مُشْتَتَةٌ وَمَا جَمَعْنَ مَرُورَ الدَّهْرِ فِي نَفْرِ
 مِنَ الْمُلُوكِ وَأَهْلِ الْعَزْمِ قَاطِبَةٌ كَذَا حَوَتْهَا مُتُونُ السَّفْرِ وَالْأَثْرِ
 لَكِنَّا وَبِحَمْدِ اللَّهِ مُجْتَمِعٌ أَشْتَاتُهَا عِنْدَنَا فِي أَحْسَنِ الصُّورِ
 لِيَكُونَ خِتَامُهُ مِسْكَاً، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَشَفِيعِ الْأُمَّةِ وَعَلَى آلِهِ وَ
 أَصْحَابِهِ خَيْرِ صَحْبٍ وَآلٍ، مَا تَلَأُ (٥) فِي الْبَيْدَاءِ آلِ.

(١) للنوَابِ.

(٢) المصائب.

(٣) بغايب.

(٤) در متن عربی به جای ید دست آورده است !.

(٥) تلاتلاء.



و حَرَّرَ هَذَا تَذْكَرَةً لِصَاحِبِهِ الصَّاحِبِ الْأَعْظَمِ لَا زَالَ تَاجًا لِلدُّوَلَةِ وَالدِّينِ وَعَزَّتْ أَنْصَارُ
دَوْلَتِهِ أَضْعَفُ عِبَادِ اللَّهِ الْمَعْبُودِ الْوَاحِدِ أَبُو الْمَعَالِي مُحَمَّدُ بْنُ صَاعِدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ صَاعِدِ
أَغَاثُهُمُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْفَرَعِ الْأَكْبَرِ بِفَضْلِهِ وَ عَمِيمِ لُطْفِهِ فِي ۱۸ ذِي قَعْدَةِ الْحَرَامِ سَنَةِ ۷۸۲
هَجْرِيًّا^(۱).



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علوم اسلامی

(۱) ممکن است اشعار صفحات ۹۲۱-۹۱۶ نیز از همین نویسنده باشد زیرا شاعر آن ابیات تخلص محمود داشته است و نام نویسنده این متن هم محمود بن صاعد است و از طرفی در مواضعی از رسم الخط نیز مشابهت وجود دارد اما چون در این مورد مطمئن نیستیم لذا اشعار صفحات ۹۲۱-۹۱۶ در همان محل خود آورده شد.

٧٥٢ مما أفاد بثبته المولى الأعظم مُرتضى ممالك الإسلام
 فرغ دَوْحَةِ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَرَفَ الْمَلَّةِ
 وَالَّذِينَ أَعْلَى اللَّهِ شَأْنَهُ فِي الْخَافِقِينَ

عن عبادة بن الصامت قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان
 اول ما خلق الله الفم قال له انك يا ابا عبد الله قال الله وكان
 واما ما كان الى الابد وهو رواية ان اول شيء كتبه الله
 في التورح المحفوظ باسم الله الرحمن الرحيم لى انا الله لا
 اله الا انا لا شريك لى الله من استسلم لقضاي او صبر على
 بلاى ورضى بحكى كتبه صدقا وبتقى مع الصديقين
 يوم القيمة قال الله من كره لى وجهه فقد كره لى
 بالعلم قال اول راية اخراها الله من الدم وكذا العلم
 لولاه اولها الله على حشر رضى على القدم حث لى الله
 المعروف بالقدم او او برك الله على بالقدم والقسم
 اسحاق عقول الانام والفرق من نقص بالتمام وسر
 واخرى من نقص الحروف وجمانه صامت الحروف
 بمكة من نطق شخصية والشام من نطق حرف
 بالاشارة على لاد والى من وروى وعمم بالاولى
 وهدى بالاولى لى حلاله لى الله بعدا لى الله لى الله

منه والله

﴿۷۵۳﴾ (۱) عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : إِنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْقَلَمَ فَقَالَ لَهُ : أَكْتُبُ قَالَ : مَا أَكْتُبُ ؟ قَالَ : الْقَدْرُ مَا كَانَ وَ مَا هُوَ كَاتِبٌ إِلَى الْأَبَدِ (۲) .
 وَ فِي رِوَايَةٍ : إِنَّ أَوَّلَ شَيْءٍ (۳) كَتَبَهُ اللَّهُ فِي اللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا ، لَا شَرِيكَ لِي إِنَّهُ مِنِ اسْتَسْلَمَ إِمضَائِي وَ صَبَرَ عَلَيَّ بِلَاتِي وَ رَضِيَ بِحُكْمِي كَتَبْتُهُ صِدْقًا وَ بَعَثْتُهُ مَعَ الصِّدِّيقِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۴) .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ : قَيَّدُوا الْعِلْمَ بِالْقَلَمِ ، فَالْقَلَمُ أَوَّلُ رَايَةٍ أَخْرَجَهَا اللَّهُ مِنَ الْعَدَمِ (۵) .

وَ ذَكَرَ الْقَلَمَ أَوَّلَ آيَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ عَلَى خَيْرِ مَنْ مَشَى عَلَى الْقَدَمِ حَيْثُ قَالَ اللَّهُ الْمَعْرُوفُ بِالْقَدَمِ : ﴿اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ (۶) وَالْقَلَمُ إِمْتِحَانُ الْإِنَامِ وَ الْفَرْقُ بَيْنَ النَّقْصِ وَ التَّمَامِ .

مرآتیت کتب و شعور رسدی

وَ آخِرُسُ يَنْطِقُ بِالمُحْكَمَاتِ وَ جُشْمَانُهُ صَامِتٌ أَجْوَفُ
 بِمَكَّةَ يَنْطِقُ فِي خُفْيَةٍ وَ بِالسَّامِ مَنْطِقُهُ يُعْرَفُ

به اشارت (۷) قلم گزار دیوان دین و دولت و قدم دار ایوان ملک و ملّت (۸) تاج الملة و الدین خواجه احمد - مَتَعْنَا اللَّهُ بِدَوَامِ أَيَّامِ دَوْلَتِهِ - این اوراق مرقوم می گرداند .

(۱) قبل از این صفحه احتمالاً افتادگی وجود دارد زیرا متن بدون مقدمه و یا توضیحی و حملی ذکر حدیث کرده است .
 (۲) بحار الانوار ۳۶/۵۷ ح ۳۱۳ .
 (۳) شی .
 (۴) مستدرک ۱۷۶/۱۵ باب وجوب بر الوالدین .
 (۵) بحار الانوار ۱۲۴/۵۸ .
 (۶) قرآن مجید سوره علق (۹۶) آیه ۴ .
 (۷) اشارت .
 (۸) ملة .

﴿ ۷۵۴ ﴾ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: «هَلْ يَمْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ، إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (۱).

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْكَلِمَةُ الْحَكِيمَةُ ضَالَّةُ الْحَكِيمِ فَحَيْثُ وَجَدَهَا فَهُوَ أَحَقُّ بِهَا» (۲).

وَقَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ: طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ (۳).
مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِلْمَعَادِ فَازَ بِفَضْلِ مِنَ الرَّشَادِ، فَيَا لِحُسْرَانَ طَالِبِيهِ لِفَضْلِ نَيْلٍ مِنَ الْعِبَادِ (۴).
أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي عَلِيمٌ أَحِبُّ كُلَّ عَالِمٍ.
قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ: «أَعْدُ عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا أَوْ مُسْتَسْمِعًا أَوْ مُحِبًّا، وَلَا تَكُنِ الْخَامِسَ فَتَهْلِكَ» (۵).

فِي الْحَدِيثِ الْمَرْفُوعِ: سَأَلِ (۱) الْعُلَمَاءَ وَجَالِسِ الْكُتُبِ [أ] وَخَالِطِ الْحُكَمَاءَ [ب] (۶).
إِعْلَمَنَّ أَنَّ الْعِلْمَ عَلَى قِسْمَيْنِ: أَحَدُهُمَا شَرْعِيٌّ وَالْآخَرُ عَقْلِيٌّ، وَأَكْثَرُ الْعُلُومِ الْعَقْلِيَّةِ شَرْعِيَّةٌ عِنْدَ عَارِفِيهَا وَأَكْثَرُ الْعُلُومِ الشَّرْعِيَّةِ عَقْلِيَّةٌ عِنْدَ عَالِمِيهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ. وَاعْلَمَنَّ أَنَّ الْعُلُومَ مَرْكُوزَةٌ بِالْقُوَّةِ فِي جَمِيعِ النَّفُوسِ الْإِنْسَانِيَّةِ وَكُلُّهَا قَابِلَةٌ لِجَمِيعِ الْعُلُومِ وَإِنَّمَا يَقْوَتْ نَفْسًا مِنَ النَّفُوسِ حَظُّهَا مِنْهُ بِسَبَبِ طَارٍ وَعَرَضٍ عَارِضٍ يَخْطُرُ عَلَيْهِ مِنْ خَارِجٍ كَمَا قَالَ [النَّبِيُّ] عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ (۸).

ای زبده ألوان بدان و به تحقیق ﴿ ۷۵۵ ﴾ معلوم گردان که: هر حقیقتی که از ممکن غیب بمظهر ﴿صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَنْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ﴾ (۹) بخلوه دامنند و به رقم نفوس صبغه الله ﴿وَمَنْ

(۱) قرآن کریم.

(۲) بحار الانوار ۵۹/۲ ح ۵۸.

(۳) بحار الانوار ۱۷۱/۱ ح ۲۴.

(۴) در تاریخ بغداد ۲۴۲/۳ با اندک تفاوتی آترا از کلمات ابوحنیفه ذکر کرده است.

(۵) عوالمی الثانی ۷۵/۴.

(۶) سایل.

(۷) بحار الانوار ۱۹۸/۱ ح ۵.

(۸) بحار الانوار ۲۸۱/۳ ح ۲۲.

(۹) قرآن کریم، سوره نمل (۲۷) آیه ۸۸.

أحسن من الله صِبْغَةً ﴿١﴾ نگاشتند آن حقیقت را غرضی و غایتی ارزانی داشتند ﴿أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾ ﴿٢﴾ بیت:

هر کسی را جام او با جان او همسان کنند هر کسی را رخت او با بخت او همبر نهند
و غرض و غایت انسان خلافت الهیست كما قال تعالى: ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ ﴿٣﴾ و قال: ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ﴾ ﴿٤﴾ و تحقق خلافت به دو چیز بود یکی علم که مودعست [به تعلیم] و یکی عمل صالح که مودعست ﴿٥﴾ به تکمیل چون داوود ﴿٦﴾ علیه السلام به منقبت خلافت متصدی شد که ﴿إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً﴾ ﴿٧﴾ حلیه او این بود که ﴿وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ﴾ ﴿٨﴾ و سرور انبیا و رسل محمد مصطفی علیه الصلاة والسلام صدر دین صفة رسالت شد فرق اصحاب او را به تاج ﴿وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ﴾ ﴿٩﴾ متوج گردانید.



وَمَا الْحَلَىٰ إِلَّا زِينَةٌ لِتُقَبِّلَ بِهٖ تُتَمِّمُ مِنْ حُسْنٍ إِذَا كَانَ قُصْرًا
فَأَمَّا إِذَا كَانَ الْجَمَالَ مُتَمِّمًا كَمِثْلِكَ لَمْ يَخْتَجِ إِلَىٰ أَنْ يُزَوَّرَا
مشك ختنی به گرد مویت نرسد باغ اِرمی به خاک کویت نرسد
جان و دل من بیش مکن آرایش ۷۵۶ تا زحمت مشاطه به رویت نرسد
و بدان که کمال علم و عمل محصل می‌گردد، الْعِلْمُ بِدُونِ الْعَمَلِ وَبِالْعَمَلِ بِدُونِ الْعِلْمِ ضَلَالٌ، علم بی عمل دیوانگیست و عمل بی علم بیگانگیست

- (۱) قرآن کریم، سوره بقره (۲) آیه ۱۳۸.
- (۲) قرآن کریم، سوره طه (۲۰) آیه ۵۰.
- (۳) قرآن کریم، سوره بقره (۲) آیه ۳۰.
- (۴) قرآن کریم، سوره انعام (۶) آیه ۱۶۵.
- (۵) این کلمه در هر دو موضع بظاهر اینگونه خوانده می‌شود.
- (۶) داود.
- (۷) قرآن کریم، سوره ص (۳۸) آیه ۲۶.
- (۸) قرآن کریم، سوره بقره (۲) آیه ۲۵۱.
- (۹) قرآن کریم، سوره نساء (۴) آیه ۱۱۳.

بیت

عالم آن کس بود که بد نکند نه که (۱) گوید به خلق و خود نکند

وَقُلْ لِمَنْ يَدْعِي فِي الْعِلْمِ فَلِسْفَةً حَفِظْتَ شَيْئاً (۲) وَ غَابَتْ عَنْكَ أَشْيَاءُ (۳)
 و ممکنست که نفسی قدسی به جاذبه ﴿وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْماً﴾ (۴) از مضموره جهل به
 مقصوره علم و فضل ناگاه بی آگاه متصاعد گردد مثل ﴿وَلَا تَخْطُئُ بِسَمِينِكَ إِذَا لَا زُنَابَ
 الْمُبْطِلُونَ﴾ (۵) ﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ﴾ (۶).

بیت

در دهر به نا در این چنین می افتد وین دولت هر سیه گلیمی نبود (۷)
 نه هر چه توان بود توان دید و نه هر چه توان دید توان دانست و نه هر چه توان دانست
 به [ازای] آن عبارتی باشد و نه هر چه آن را عبارتی باشد توان گفت و نه هر چه توان گفت
 بر آن برهانی توان بود اُمسیت (۸) کُرْدِيّاً وَأَصْبَحْتُ عَرَبِيّاً نه هر که دارو خرد دارو خورد،
 رَبِّ حَامِلٍ فَقِهِ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ. مرکز تحقیقات و ترویج علوم اسلامی
 نه هر کو آید از کوهی بود با دعوت موسی
 نه هر کو زاید از زالی بود با سطوت داستان

بَابُ فَضْلِ الْعَقْلِ

* ۷۵۷ * قَالَ [النَّبِيُّ] عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: مَا اِكْتَسَبَ الْمَرْءُ مِثْلَ عَقْلٍ يَهْدِي صَاحِبَهُ إِلَى

(۱) کی.

(۲) شیا.

(۳) شعرا از ابونواس است در مورد نظام معتزلی سروده است.

(۴) قرآن کریم، سوره کهف (۱۸) آیه ۶۵.

(۵) قرآن کریم، سوره عنکبوت (۲۹) آیه ۴۸.

(۶) قرآن کریم، سوره (۲۹) آیه ۴۱.

(۷) در بیاض به همین شکل آمده است.

(۸) می توان اُمسیت نیز خواند و هکذا فعل بعد.

هُدًى أَوْ يَرُدُّهُ عَنْ رَدًى^(١).

وَقَالَ [النَّبِيُّ] عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِكُلِّ شَيْءٍ دَعَامَةٌ وَدَعَامَةُ الْمَرْءِ عَقْلُهُ^(٢)، فَبِقَدْرِ عَقْلِهِ يَكُونُ عِبَادَتُهُ لِرَبِّهِ، أَمَا سَمِعْتُمْ إِخْبَارَ اللَّهِ تَعَالَى عَنْ قَوْلِ الْفَاجِرِ ﴿لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾^(٣).

قَالَ بَعْضُ الْأَدْبَاءِ [ع]: صَدِيقُ كُلِّ امْرِئٍ عَقْلُهُ وَعَدُوُّهُ جَهْلُهُ.
قَالَ عُمَرُ (رَض): أَضَلُّ الرَّجُلِ عَقْلُهُ وَحَسْبُهُ دِينُهُ وَمُرُوَّتُهُ خُلُقُهُ.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ:

إِنَّ السَّمَكَارِمَ أَخْلَاقٌ مُطَهَّرَةٌ فَالْعَقْلُ أَوْلَاهَا وَالذِّبْنَ ثَانِيهَا
وَالْعِلْمُ ثَالِثُهَا وَالْحِلْمُ رَابِعُهَا وَالْجُودُ خَامِسُهَا وَالْعُرْفُ سَادِسُهَا^(٤)
وَالصَّبْرُ سَابِعُهَا وَالصَّبْرُ ثَامِنُهَا وَالشُّكْرُ تَاسِعُهَا وَاللَّيْنُ عَاشِرُهَا^(٥)
وَالنَّفْسُ تَعْلَمُ إِنْسِي لَا أَصْدَقَهَا وَلَسْتُ أَرْشُدُ إِلَّا حَسْبِي أَعْصِيهَا
وَالْعَيْنُ تَعْلَمُ مِنْ عَيْنِي تُحَدِّثُهَا مَنْ كَانَ مِنْ حِزْبِهَا أَوْ مِنْ أَعَادِيهَا

وقيل في منشور الحكم

كُلُّ شَيْءٍ إِذَا كَثُرَ رَخِصَ إِلَّا الْعَقْلُ فَإِنَّهُ إِذَا كَثُرَ غَلَى^(٦).

سُئِلَ^(٧) عَلِيُّ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ: كَمْ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؟ قَالَ [ع]: دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ. قِيلَ:

فَكَمْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ؟ قَالَ [ع]: مَسِيرَةٌ يَوْمٌ * ٧٥٨ * لِلشَّمْسِ^(٨).

حُكِيَ عَنِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ (رَض) أَنَّهُ مَرَّ بِصِيبِيَانَ يَلْعَبُونَ^(٩) وَفِيهِمْ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الزُّبَيْرِ

(١) بحار الانوار ٢٥/٢ ح ٨٨.

(٢) بحار الانوار ٩٦/١ ح ٤٢.

(٣) قرآن كريم، سورة ملك (٦٧)، آية ١٠.

(٤) سادسها.

(٥) عاشيها.

(٦) غلا.

(٧) سيل.

(٨) شرح نهج البلاغه ١٧٢/٢.

(٩) يلعبون.

فَهَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا عَبْدُ اللَّهِ، فَقَالَ لَهُ عُمَرُ: مَا لَكَ لَا تَهْرَبُ مَعَ أَصْحَابِكَ؟ فَقَالَ [عَبْدُ اللَّهِ]: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! لَمْ أَجْنِ فَأَخَافُكَ وَلَمْ يَكُنِ الطَّرِيقُ ضَيْقًا فَأَوْسَعَكَ وَلَا أَنْتَ مِمَّنْ يُعَاقِبُ بِغَيْرِ جُزْمٍ.

قَالَ الْأَضْمَعِيُّ: قُلْتُ لِغُلَامٍ حَدَّثَ مِنْ أَوْلَادِ الْعَرَبِ كَانَ يُحَدِّثُنِي فَأَمْتَعَنِي بِفَصَاحَتِهِ وَ مَلَا حَتِيهِ: أَيَسْرُكَ أَنْ يَكُونَ لَكَ مِائَةٌ (۱) أَلْفٍ دِرْهَمٍ وَإِنَّكَ أَخْمَقُ؟ قَالَ: لَا وَاللَّهِ. قُلْتُ: وَلِمَ؟ قَالَ: أَخَافُ أَنْ يَجْنِي عَلَيَّ حُنْفِي جِنَايَةً تَذْهَبُ بِمَالِي وَيَبْقَى عَلَيَّ حُنْفِي.

قال ابراهيم بن حسان

يَزِينُ الْفَتَى لِلنَّاسِ صِحَّةَ عَقْلِهِ وَإِنْ كَانَ مَحْظُورًا عَلَيْهِ مَكَاسِبُهُ
يَشِينُ الْفَتَى فِي النَّاسِ قِلَّةَ عَقْلِهِ وَإِنْ كَرُمَتْ أَغْرَاقُهُ وَمَنَاسِبُهُ
يَعِيشُ الْفَتَى بِالْعَقْلِ وَالنَّاسُ إِنَّهُ عَلَى الْعَقْلِ يَجْرِي عِلْمُهُ وَتَجَارِبُهُ
وَأَفْضَلُ قِسْمِ اللَّهِ لِلْمَرْءِ عَقْلُهُ فَتَقَدُّ كَمَلَتْ أَخْلَاقُهُ وَمَآرِبُهُ (۲)
فَلَيْسَ مِنَ الْأَشْيَاءِ [ء] شَيْءٌ يُقَارِبُهُ إِذَا كَمَلَ الرَّحْمَنُ لِلْمَرْءِ عَقْلُهُ (۳)

قَالَ [النَّبِيُّ] عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: أَنَا نَبِيُّ جِبْرِئِيلَ عَلَيْهِ [السَّلَامُ] عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ وَ كُنْتُ نَائِمًا (۴) فَرَكَضَنِي بِرِجْلِهِ فَقَالَ: قُمْ يَا مُحَمَّدُ، فَكُمْتُ فَمَسَحَ يَدَهُ عَلَيَّ عَيْنِي لَمَّا * ۷۵۹ *
(۵) رَأَى بِي مِنَ النَّعَاسِ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ رَبِّكَ يَقْرُوكَ (۶) السَّلَامَ وَهُوَ يَقُولُ: طَالِبُ الْجَنَّةِ وَ هَارِبُ النَّارِ لَا يَتَنَاَمُ. عِشْ مَا شِئْتَ (۷) فَإِنَّكَ مَيِّتٌ وَأَحْبِبْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مُفَارِقُهُ وَاعْمَلْ مَا

(۱) مایه.

(۲) این بیت در متن به همین صورت آمده است اما با علامت صحیح تصحیح کرده است و دو مصرع آورده که هر مصرع مربوط به یکی از مصرعهای موجود در متن است و صحیح آن به این شکل است:

أفضل قسم الله للمرء عقله فليس من الأشياء شيء يقاربه
إذا كمل الرحمن للمرء عقله فقد كملت أخلاقه ومآربه

(۳) دو مصرع ذکر شده در حاشیه با علامت صحیح آمده است که ترتیب صحیح آن را در پاوردنی قبل آورده ام.

(۴) نایما.

(۵) در این مکان يك لتاز اید است و تکرار شده است.

(۶) یقریک.

(۷) شیت و هکذا موارد بعد.

سِئْتٌ فَإِنَّكَ مُلَاقِيهِ وَ مُجْزِيٌّ بِهِ .

ثُمَّ قَالَ : يَا مُحَمَّدُ ! إِنَّ اللَّهَ أَرْسَلَ إِلَيْكَ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءٍ [ء] وَ يَقُولُ : اخْتَرْنَا مِنْهَا مَا سِئْتُ فَقَالَ : وَ مَا هِيَ ؟ فَقَالَ : الْعَقْلُ وَ الْحَيَا [ء] وَ الْإِيمَانُ . فَأَخْتَارَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْعَقْلَ ، فَقَالَ الْحَيَا [ء] لِلْإِيمَانِ : مَنْ يَذْهَبُ فَإِنَّهُ قَدْ اخْتَارَ مِنْهَا مَا شَاءَ [ء] . فَقَالَ الْإِيمَانُ لِلْحَيَا [ء] : إِذْهَبْ أَنْتَ فَإِنَّ رَبِّي أَمَرَنِي أَنْ لَا أَفَارِقَكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ ، فَأَجْتَمَعَتْ هَذِهِ الثَّلَاثَةُ فِي قَلْبِ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

شعر

الْعِلْمُ فِي الرَّجُلِ اللَّسِيبِ زِيَادَةٌ وَ نَقِيصَةٌ فِي الْأَخْمَقِ الطَّيَّاشِ
مِثْلُ النَّهَارِ يَزِيدُ أَبْصَارَ السُّورَى نُورًا وَ يَغْمِي أَعْيُنَ الْخُفَّاشِ

بَابُ فِي آدَابِ الدِّينِ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : ﴿ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نَزَلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴾ (۱) قَالَ [النَّبِيُّ] صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ : إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ إِلَى صَلَاتِهِ فَإِنَّمَا * ۷۶۰ * يُنَاجِي رَبَّهُ فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ بِمِ يُنَاجِيهِ (۲) .

وَ كَانَ عَلِيُّ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهِ وَ قَتَّ صَلَاتِهِ اضْفَرَّ مَرَّةً وَ اخْمَرَ أُخْرَى ، فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ ؟ فَقَالَ : أَتَشْنِي الْأَمَانَةَ الَّتِي عُرِضَتْ ﴿ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبِينَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ ﴾ (۳) وَ حَمَلْتُهَا أَنَا وَ لَا أَذْرِي أَسِيءُ فِيهَا أَمْ أَحْسِنُ (۴) ؟

قَالَ [النَّبِيُّ] عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ : يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى : يَا ابْنَ آدَمَ ! مَا أَنْصَفْتَنِي أَتَحَبَّبُ إِلَيْكَ بِالنَّعْمِ وَ تَتَمَقَّتُ إِلَيَّ بِالْمَعَاصِي ، خَيْرِي إِلَيْكَ نَازِلٌ وَ شَرُّكَ إِلَيَّ صَاعِدٌ ، كَمْ مِنْ مَلِكٍ كَرِيمٍ يَضَعُ دُ

(۱) قرآن کریم، سورہ النحل (۱۶) آیه ۴۴ .

(۲) مشابہ آن در کنز العمال ۶۳۹/۷ ح ۱۹۶۷۵ روایت شده . صدر روایت نیز در صحیح بخاری ۱۰۷/۱ مذکور است .

(۳) قرآن کریم، سورہ احزاب (۳۳) آیه ۷۲ .

(۴) ر. ک : جواهر المطالب فی مناقب الامام علی علیه السلام : ۱۵۷/۲ ح ۱۱۸ .

إِلَىٰ مِنْكَ بِعَمَلٍ قَبِيحٍ (۱).

وَقَالَ ابْنُ شَبْرَمَةَ: عَجِبْتُ لِمَنْ يَخْتَمِي مِنَ الطَّيِّبَاتِ مَخَافَةَ الْأَدَاءِ كَيْفَ لَا يَخْتَمِي مِنَ الذُّنُوبِ مَخَافَةَ النَّارِ.

وَقَالَ ابْنُ عَبَّادَةَ: نَظَرْنَا فَوَجَدْنَا الصَّبْرَ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ أَهْوَنَ مِنَ الصَّبْرِ عَلَى عَذَابِ اللَّهِ.

وَقَالَ آخَرُ: إِصْبِرُوا عِبَادَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ لَا غِنَاءَ [بِكُمْ عَنْ تَوَابِهِ وَاصْبِرُوا عَلَى عَمَلٍ لَا صَبْرَ لَكُمْ عَلَى عِقَابِهِ. قِيلَ لِفُضَيْلِ بْنِ عِيَاضٍ: مَا أَعْجَبَ الْأَشْيَاءَ! قَالَ: قَلْبُ عَرَفَ اللَّهُ تَعَالَى ثُمَّ عَصَاهُ.

وَرُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ: كَانَتْ صُحُفُ مُوسَى كُلَّهَا عِبْرًا مِنْهَا: عَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالنَّارِ ثُمَّ هُوَ يَضْحَكُ، وَعَجِبْتُ لِمَنْ * ۷۶۱ * (۲) أَيْقَنَ بِالْمَوْتِ ثُمَّ هُوَ يَفْرَحُ، وَعَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالْقَدَرِ ثُمَّ هُوَ يَنْصِبُ، وَعَجِبْتُ لِمَنْ رَأَى الدُّنْيَا وَتَقَلَّبَهَا بِأَهْلِهَا كَيْفَ يَطْمَئِنُّ (۳) إِلَيْهَا، وَعَجِبْتُ لِمَنْ رَأَى الدُّنْيَا [و] أَيْقَنَ بِالْحِسَابِ غَدًا ثُمَّ لَا يَعْمَلُ (۴).

قَالَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْبِرُّ ثَلَاثَةٌ: الْمَنْطِقُ وَالنَّظَرُ وَالصُّمْتُ، فَمَنْ كَانَ مَنْطِقُهُ فِي غَيْرِ ذِكْرٍ فَقَدْ لَفِيَ (۵) وَمَنْ كَانَ نَظْرُهُ مِنْ غَيْرِ اعْتِبَارٍ فَقَدْ سَهِيَ (۶) وَمَنْ كَانَ صُمْتُهُ فِي غَيْرِ فِكْرٍ فَقَدْ لَهِيَ (۷).

قَالَ [النَّبِيُّ] صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ: سَدُّوْا وَقَارِبُوا وَيَسِّرُوا وَاسْتَعِينُوا بِالْغُدُوَّةِ وَالرُّوْحَةِ وَشَيْءٍ مِنَ الدَّلْجَةِ (۸).

قَالَ [ص] أَيْضًا (۹): عَلَيْكَ بِأَوْسَاطِ الْأُمُورِ فَإِنَّهَا نَجَاةٌ وَلَا تَرْكَبْ ذُلُولًا وَلَا صَعْبًا (۱۰).

(۱) بحار الانوار ۳۵۲/۷۳ ح ۵۰.

(۲) در این مکان لمن زاید و تکراری است.

(۳) یطمین.

(۴) بحار الانوار ۲۹۴/۱۳ ح ۹.

(۵) لفی.

(۶) سهی.

(۷) لهی.

(۸) نهج الفصاحة ۳۷۰/۱ ح ۱۷۳۹.

(۹) این کلمه شبیه اعز نوشته شده است و می توان خواند قال اعز [ص].

[و] قَالَ [النَّبِيُّ] صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ: مَا مِنْ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَمَلًا فَيَقْطَعُهُ عَنْ ذَلِكَ الْعَمَلِ مَرَضٌ إِلَّا وَكَّلَ اللهُ بِهِ مَنْ يَكْتُبُ لَهُ ثَوَابُ عَمَلِهِ (١١).

قِيلَ لِمُحَمَّدِ بْنِ وَاسِعٍ: أَلَا تَبْكِي (١٢)؟ قَالَ: تِلْكَ جِلْسَةُ الْأَمِينِ. قَالَ [النَّبِيُّ] صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ: أَوَّلُ صَلَاحِ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِالْيَقِينِ وَالرُّهْدِ وَفَسَادُهَا بِالْبُخْلِ وَالْأَمَلِ (١٣).

قَالَ بَعْضُ الْحُكَمَا [ء]: [الْجَاهِلُ يَعْتَمِدُ عَلَى أَمَلِهِ وَالْعَاقِلُ يَعْتَمِدُ عَلَى عَمَلِهِ. الْأَمَلُ كَالسَّرَابِ عَزَّ مَنْ رَأَاهُ وَخَابَ مَنْ رَجَاهُ.

قَالَ أَبُو حَازِمٍ: نَحْنُ لَا نُرِيدُ أَنْ نَمُوتَ حَتَّى نَتُوبَ * ٧٦٢ * وَنَحْنُ لَا نَتُوبُ حَتَّى نَمُوتَ. الْإِهْمَالُ زَائِدٌ (١٤) الْإِهْمَالِ.

وَقَالَ بَعْضُ الْبُلْغَا [ء]: مِنْ خَيْرِ الْخَيْرِ صُحْبَةُ الْأَخْيَارِ وَمِنْ شَرِّ الشَّرِّ مَوَدَّةُ الْفُجَّارِ.

شعر

رَأَيْتُ صَاحِبَ الْمَرْءِ يُصْلِحُ أَهْلَهُ وَيَعْدُو بِهِمْ عِنْدَ الْفَسَادِ إِذَا فَسَدَ
يُعْظَمُ فِي الدُّنْيَا بِفَضْلِ صَلَاحِهِ وَيُحْفَظُ بَعْدَ الْمَوْتِ فِي الْأَهْلِ وَالْوَالِدِ

مرکز تحقیقات شعر علوم اسلامی

لَا تُضْحَبِ الْكَسْلَانَ فِي حَالَتِهِ كَمْ صَالِحٍ بِفَسَادٍ آخَرَ يَفْسُدُ
عَدُوِّ الْبَلِيدِ إِلَى الْجَلِيدِ سَرِيعَةً وَالْجَمْرُ يُوضَعُ فِي الرَّمَادِ وَيَخْمَدُ

قِيلَ: النَّاسُ فِي الْخَيْرِ أَرْبَعَةٌ مِنْهُمْ مَنْ يَفْعَلُهُ ابْتِدَاءً [ء] وَمِنْهُمْ مَنْ يَفْعَلُهُ اقْتِدَاءً [ء] وَمِنْهُمْ مَنْ يَتْرُكُهُ اسْتِحْسَانًا وَمِنْهُمْ مَنْ يَتْرُكُهُ جِزْمَانًا، فَمَنْ فَعَلَهُ ابْتِدَاءً [ء] فَهُوَ كَرِيمٌ وَمَنْ فَعَلَهُ اقْتِدَاءً [ء] فَهُوَ حَكِيمٌ وَمَنْ تَرَكَهُ اسْتِحْسَانًا فَهُوَ رَدِيٌّ وَمَنْ تَرَكَهُ جِزْمَانًا فَهُوَ شَقِيٌّ.

(١٠) كشف الخفاء ٣٩١/١، تفسير القرطبي ٢١/٦.

(١١) روایت را بیافتم.

(١٢) ابتدای این عبارت افتادگی دارد و کاتب آنرا نوشته است.

(١٣) مستدرک ٢٧/٧ باب ٥.

(١٤) راید.

لِبَغْضِ الْبُلْغَا [ء]

إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَصْفُو لِشَارِبٍ وَلَا تَفِي لِصَاحِبٍ (وَلَا تَخْلُو مِنْ قَيْنِهِ) (۱).
أَعْرِضْ عَنْهَا قَبْلَ أَنْ تُعْرِضَ عَنْكَ وَاسْتَبْدِلْ بِهَا قَبْلَ أَنْ تَسْتَبْدِلَ بِكَ، فَإِنَّ نَعِيمَهَا يَنْتَقِلُ وَ
أَحْوَالُهَا تَبْتَدِلُ وَلذَاتُهَا تَفْنِي وَتَبْعَاتُهَا تَبْقَى.

قال أمير المؤمنين كرم الله وجهه

۷۶۳ الدُّنْيَا أَوْلَاهَا عَنَا وَآخِرُهَا فَنَا، حَلَالُهَا حِسَابٌ وَحَرَامُهَا عِقَابٌ، مَنْ صَحَّ فِيهَا
أَمِنَ وَمَنْ مَرَضَ فِيهَا نَدِمَ وَمَنْ اسْتَعْنَى فِيهَا فُتِنَ وَمَنْ افْتَقَرَ فِيهَا حَزِنَ وَمَنْ سَاعَاها فَاتَتْهُ وَ
مَنْ قَعَدَ عَنْهَا أَتَتْهُ وَمَنْ نَظَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتْهُ وَمَنْ نَظَرَ بِهَا بَصَّرَتْهُ (۲).

لِبَغْضِ الْبُلْغَا [ء]

إِنَّ الدُّنْيَا تُقْبِلُ إِقْبَالَ الطَّالِبِ وَتُدْبِرُ إِدْبَارَ الْهَارِبِ وَتَصِلُ وَصَالَ الْمُلُوكِ وَتُفَارِقُ فِرَاقَ
الْعَجُولِ، فَخَيْرُهَا يَسِيرٌ وَعَيْشُهَا قَصِيرٌ وَإِقْبَالُهَا خَدِيعَةٌ وَإِدْبَارُهَا فَجِيعَةٌ وَلذَاتُهَا فَانِيَةٌ وَ
تَبْعَاتُهَا بَاقِيَةٌ، فَاعْتَنِمِ نُوْبَةَ الزَّمَانِ وَانْتَهِرْ فُرْصَةَ الْإِمْكَانِ وَجِدْ مِنْ نَفْسِكَ لِنَفْسِكَ وَتَرَوُدْ مِنْ
يَوْمِكَ لِقَدِّكَ.

شعر

أَلَا إِنَّمَا الدُّنْيَا كَأَخْلَامِ نَائِمٍ (۳) وَمَا خَيْرٌ عَيْشٍ لَا يَكُونُ بِدَائِمٍ (۴)
تَأْمَلْ إِذَا مَا نِلْتَ بِالْأَمْسِ لَذَّةً فَأَفْسَيْتَهَا هَلْ أَنْتَ إِلَّا كَحَالِمٍ
فَمِنْ غَافِلٍ عَنْهُ وَلَيْسَ بِغَافِلٍ وَمِنْ نَائِمٍ عَنْهُ وَلَيْسَ بِنَائِمٍ
وَقَالَ [النَّبِيُّ] صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا يَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ ثَلَاثٍ:
شَبَابِهِ فِيهِمْ أَهْلَاءٌ وَعُمْرِهِ فِيهِمْ أَفْنَاءٌ وَمَالِهِ مِنْ أَمَّا كَتَسَبَهُ وَفِيهِمْ أَنْفَقَهُ؟ (۵)

(۱) عبارت داخل پرانتز را می توان اینگونه نیز خواند: وَلَا تَخْلُو مِنْ قَيْنِهِ.

(۲) بحار الانوار ۳۷/۷۵ باب ۱۶.

(۳) نایم و هكذا موارد بعد در این صفحه

(۴) بدایم.

(۵) روضة الواعظین ۴۹۸/۲ به کاربرد اربعة بجای ثلاث.

وَقِيلَ لِعِيسَى: لَوْ دَعَوْتَ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَكَ حِمَارًا؟ فَقَالَ: * ٧٦٤ * أَنَا أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَجْعَلَنِي خَادِمَ حِمَارٍ.

قَالَ سُلَيْمَانُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ لِأَبِي حَازِمٍ: مَا بَالُنَا نَكْرَهُ الْمَوْتَ؟ فَقَالَ: لِأَنَّكُمْ أَخْرَبْتُمْ أَخْرَبْتَكُمْ وَعَمَّرْتُمْ دُنْيَاكُمْ فَكْرِهْتُمْ أَنْ تَنْتَقِلُوا مِنَ الْعُمُرَانِ إِلَى الْخُرَابِ.

لِبَعْضِ الْبُلَغَاءِ [٤]

الرُّهُدُ بِصِحَّةِ الْيَقِينِ وَصِحَّةِ الْيَقِينِ بِنُورِ الدِّينِ، فَمَنْ صَحَّ يَقِينُهُ زَهَدَ فِي الثَّرَى وَمَنْ قَوِيَ دِينُهُ أَيقَنَ بِالْجَزَاءِ [٤]، فَلَا تَغْرَبَنَّكَ (١) صِحَّةُ نَفْسِكَ وَسَلَامَةُ أَمْسِكَ فَمُدَّةُ الْعُمُرِ قَلِيلَةٌ وَصِحَّةُ نَفْسِكَ مُسْتَحِيلَةٌ.

سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ: مَنْ أَكْبَسَ النَّاسَ؟ قَالَ [ص]: أَكْثَرُهُمْ دَارًا لِلْمَوْتِ وَأَشَدَّهُمْ اسْتِعْدَادًا لَهُ، أَوْلِيكَ الْأَكْيَاسُ ذَهَبُوا بِسِرِّ الدُّنْيَا وَكَرَامَةِ الْآخِرَةِ (٢).

وَعَظَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ رَجُلًا فَقَالَ لَهُ: أَقِلَّ مِنَ الدُّنْيَا (٣) يَهْنُ عَلَيْكَ الْمَوْتُ وَانظُرْ حَيْثُ تَضَعُ وَلَدَكَ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ (٤).

قَالَ أَبُو الْعَتَاهِيَةِ

لَا تَأْمَنِ الْمَوْتَ فِي لَحْظٍ وَلَا نَفْسٍ وَإِنْ تَمَنَعْتَ بِالْحُجَابِ وَالْحَرَسِ
وَاعْلَمْ أَنَّ سِهَامَ الْمَوْتِ قَاصِدَةٌ لِكُلِّ مُدْرَعٍ [مِنْهَا] وَمُتَرِّسٍ (٥)

قَالَ ابْنُ الْمُعْتَزِّ

نَسِيرٌ إِلَى الْأَجَالِ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَأَيَّامُنَا تُطَوِي وَهُنَّ مَرَاجِلُ
* ٧٦٥ * وَلَمْ أَرِ مِثْلَ الْمَوْتِ حَقًّا كَانَهُ إِذَا مَا تَخَطَّتْهُ الْأَمَانِي بَاطِلُ
وَمَا أَقْبَعَ التَّفْرِيطُ فِي زَمَنِ الصُّبَى فَكَيْفَ بِهِ وَالشَّيْبُ بِالرَّأْسِ نَازِلُ

(١) يغرّبك.

(٢) مجموعة ورام ٢٦٩/١ بيان ذكر الموت.

(٣) در حاشیه سمت چپ عبارت داخل پرانتز: «تعش حرًا أو أقلل من الذنب» آمده که مربوط به همین موضع می باشد.

(٤) شرح نهج البلاغه ١١٦/١٢.

(٥) ر. ک. دیوان ابوالعتاهیه، دار صادر بیروت ص ٢٣٠ باختلاف.

تَرَحَّلْ مِنَ الدُّنْيَا بِزَادٍ مِنَ التُّقَى فَمَعْنُوكَ أَيَّامٌ تُعَدُّ قَلَائِلُ^(۱)

باب فی آداب الصوفیة

وَصِيَّةُ شَيْخِ جُنَيْدٍ قَدَّسَ اللهُ سِرَّهُ: لَا تَسْتَغْلِ عَنِ اللهِ بِصُحْبَةِ الْأَغْيَارِ.

بایزید شیری را مرکب کردی وافعی را تازیانه کردی ولكن چون در نماز آمدی گفتی:
 الهی! بِسِتْرِكَ عِشْنَا وَلَوْ رَفَعْتَ عَنَّا غِطَاءَ [ء]كَ لَا فَتَضَخْنَا.

رابعه را گفتند: بِمِمْ أَدْرَكْتِ مَا أَدْرَكْتِ؟ قَالَتْ: بِكَثْرَةِ قَوْلِي هَذِهِ: أَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَاغِلٍ
 يَشْغَلُنِي عَنْكَ وَمِنْ كُلِّ مَانِعٍ يَمْنَعُنِي عَنْكَ.

قِيلَ: التَّصَوُّفُ إِرَادَةٌ فِي الْخَلْقِ بِالْخَلْقِ، لَيْسَ مَعَ اللهِ وَحْشَةٌ وَلَا مَعَ النَّفْسِ رَاحَةٌ.

سُئِلَ: كَيْفَ الطَّرِيقُ؟ قِيلَ: الصَّدْقُ وَالرَّفْقُ، أَلْصَّدْقُ مَعَ الْحَقِّ وَالرَّفْقُ مَعَ الْخَلْقِ.

إِتَّفَقَ الْمَشَايخُ أَنَّ الْمَرْوَةَ إِحْتِمَالُ زَلَلِ الْإِخْوَانِ وَلَا يَسْوَدُ الرَّجُلُ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ
 خَصْلَتَانِ: الْيَأْسُ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَالتَّغَافُلُ عَمَّا يَكُونُ مِنْهُمْ.

إِيَّاكَ وَصُحْبَةَ الْأَشْرَارِ وَلَا تَقْطَعْ عَنِ اللهِ بِصُحْبَةِ الْأَخْيَارِ.

با بدان صحبت مدار و به صحبت نیکان * ۷۶۶ * قناعت مکن.

مصراع

تو پای و میان پابر چاه است

فِي الْحَدِيثِ: سَتَفْرُقُ^(۳) أُمَّتِي عَلَى نَيْفٍ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً النَّاجُونَ مِنْهُمْ وَاحِدٌ وَالبَاقُونَ فِي
 النَّارِ^(۴). أَي فِي نَارِ أَنْفُسِهِمْ.

از سخنی که پیران طریقت در ماهیت تصوف گفته اند تمامتر و بهتر این است: التَّصَوُّفُ
 إِسْتِعْمَالُ الْوَقْتِ بِمَا هُوَ أَوْلَى بِهِ. قِيلَ: التَّصَوُّفُ كَانَ أَلْمًا فَصَارَ قَلَمًا.

(۱) قلائل.

(۲) ایبات فوق در دیوان ابن المعتز، دار صادر بیروت وجود ندارد.

(۳) ستفراق.

(۴) الصراط المستقیم ۹۶/۲ فصل ۱۷.

روزی مقربی^(۱) این آیت بر خواند: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا»^(۲)، صوفی گفت:

جز درد دل از نظاره خوبان چیست آن را که دو دست و کیسه از سیم تهیست
مقربی دیگر بر خواند: «فَأُولَئِكَ يَبْدُلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ»^(۳)، صوفی گفت:

ما را به سر چاه بری دست زنی لاجول کنی و دست بر دست زنی
صوفی را پرسیدند که: دولت چیست؟ گفت: الدَّوْلَةُ إِتْفَاقَاتُ حَسَنَةٍ چون پدید آید
آنگاه دولت از بی بود. سَبَقَتِ الْعِنَايَةَ فِي الْبِدَايَةِ فَظَهَرَتِ الْوِلَايَةُ فِي النِّهَايَةِ. همه رنگها را
در دنیا کنند و دلها را رنگ در ازل کردند «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً»^(۴).

شعر

و هَوَاكَ أَوْلُ مَا عَرَفْتُ مِنَ الْهَوَى وَالْقَلْبُ لَا يَنْسَى الْحَبِيبَ الْأَوْلَا
رُبَّ أَشْعَثَ أُغْبَرَ ذِي طَمْرَيْنِ * ۷۶۷ * (۵) لَا يُؤْبَهُ بِهِ لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللَّهِ لِأَبْرَةٍ (۶)
لِلَّهِ تَحْتَ قُبَابِ الْعِزِّ طَائِفَةٌ (۷) أَخْفَاهُمْ فِي لِبَاسِ الْفَقْرِ إِجْلَالًا
هُمُ السَّلَاطِينُ فِي إِظْمَارِ مَشْكَنَةٍ اسْتَعْبَدُوا مِنْ مُلُوكِ الْأَرْضِ أَقْيَالًا
شَمَّ مَعَاظِهِمْ غُبْرٌ مَلَابِسُهُمْ جَرُّوا عَلَى فَلَكَ الْأَفْلَاقِ أَذْيَالًا

بیت

راهی بزن که غم زدگان دیده تر کنند راهی سبک که شیفتگان شور و شر کنند
بنواز زیر تا که خراباتیان عشق در پای او بر فرق فلک پی سپر کنند

(۱) مقربی.

(۲) قرآن کریم سوره کهف (۱۸) آیه ۱۰۸.

(۳) قرآن کریم سوره فرقان (۲۵) آیه ۷۰.

(۴) قرآن کریم سوره بقره (۲) آیه ۱۴۸. در مورد تفسیر «صبغة الله» در حدیث و الاسلام و معرفة امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است. ر. ک: بحار الانوار ۳/ ۲۸۰ - ۲۸۱ باب ۱۱.

(۵) قبل از این صفحه افتادگی دارد.

(۶) بحار الانوار ۹۲/۷۴ باب ۴، الامالی للطوسی ص ۵۳۷.

(۷) طایفه.

مشتی کبود پوش که در گرمی صبح
چون سرو در نماز مدامند روز و شب
أتانی هواها قبل أن أعرف الهوی
ای پرتو جمالت دلها [ی] ما ربوده
عمری دراز هر يك لافی زده زو وصلت
أعد ذکر نَعْمَانَ أَعْدَانُ ذِكْرَهُ
از جوف هفت پرده کحلی گذر کنند
لکن چو گل وضو سحر تا سحر کنند
فَصَادَفَ قَلْبًا خَالِيًا فَتَمَكَّنَا
ای غربت قیامت با عاشقان نموده
نه سایه تو دیده نه بوی تو شنوده
هُوَ الْمِسْكُ مَا كَرَّرْتَهُ يَتَضَوُّعُ

۷۶۸ مرغان او هر آن چه از آن آشیان پرید
شهباز حضرتند^(۱) و دو دیده بدوخته
زان میل دل به هشت دایه جنت^(۲) نمی کنند
ساقی شراب خاص تجلی چو در دهند
زان سوی دام حدثان سر بر آورند
جز مکن جلال نسازند آشیان چون
بس بیخودند جمله و بی بال و بی پرند
تا جز به روی او به دو کونین ننگرند
کز مرغزار عالم وحدت همی چرند
خم خانه وجود به یکدم فرو خورند
وقتی که سر به جیب تحیر فرو برند
زین نشان بشنیرت برون پرند

بیت

ای بی نشان محض نشان از که جویمت
دل در فنا [ی] وجد و جان در بقا [ی] صرف
در جست و جوی تو دلم از پرده اوفتاد
در بحر بی کرانه عشقت چو قطره گم شد
فی الحدیث: مَا مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ بَسَطَ يَدَيْهِ فِي دُبْرِ صَلَاةٍ ثُمَّ قَالَ: إِلَهِي وَإِلَهَ إِبْرَاهِيمَ
وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَإِلَهَ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ! أَسْأَلُكَ أَنْ تُسْتَجِيبَ دَعْوَتِي فَإِنِّي
مُضْطَرٌّ وَتَعْصِمُنِي فِي دَمِي فَإِنِّي مُبْتَلِيٌّ وَتَنَالُنِي رَحْمَتَكَ فَإِنِّي مُذْنِبٌ وَتَنْفِي عَنِّي الْفَقْرَ فَإِنِّي

(۱) حضرت اند.

(۲) جنة.

مُسْكِينٍ، إِلَّا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا تَرُدَّ يَدَيْهِ خَائِبَتَيْنِ (۱).

* ۷۶۹ * فی الحدیث: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى بِعَبْدٍ خَيْرًا اسْتَعْمَلَهُ عَلَى قَضَائِهِ [حَوَائِجِ

النَّاسِ] (۲).

و فيه: إِنَّ اللَّهَ عِبَادًا يَخُصُّهُمْ بِالنِّعَمِ لِمَنَافِعِ الْعِبَادِ، فَمَنْ بَخِلَ بِتِلْكَ الْمَنَافِعِ عَنِ الْعِبَادِ نَقَلَهَا اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ وَخَوَّلَهَا إِلَى غَيْرِهِ (۳).

و فيه: مَنْ عَظُمَتْ نِعْمَةُ اللَّهِ عِنْدَهُ وَ عَظُمَتْ مَوْنُهُ (۴) اللَّهُ عَلَيْهِ فَمَنْ لَمْ يَحْتَمِلْ تِلْكَ الْمَوْنَةَ عَرَّضَ تِلْكَ النِّعْمَةَ لِلزَّوَالِ (۵).

و فيه: إِنَّ اللَّهَ جَوَادٌ يُحِبُّ الْجَوَادَ وَيُحِبُّ مَعَالِيَ الْأُمُورِ وَيُبْغِضُ سَفْسَاهَا (۶).

دعا [ی] فرج از اندوه و غم بحديث صحيح

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ. چنین گویند که: دانیال پیغمبر علیه السلام قوم او، او را به زندان کردند حق تعالی وحی فرستاد که به عزت (۷) و جلال من و ارتفاع مکان من که هیچ بنده مومن ترا بدین دعا یاد نکند که یک ساعت در اجابت وی تأخیر کنم و حق تعالی و تقدس فرشته [ای] را بدان چاه فرستاد تا دانیال پیغمبر را طعام و شراب داد و وی را * ۷۷۰ * از آن چاه بیرون آورد و از میان آن قوم هر که این دعا [بخواند] و دعا این است: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَنْسَى مَنْ ذَكَرَهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُخَيِّبُ مَنْ دَعَاهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُخْلِفُ مَنْ رَجَاهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنْ وَثِقَ بِهِ لَمْ يَكِلْهُ إِلَى غَيْرِهِ

(۱) مستدرک الوسائل ۸۲/۵ باب ۲۲.

(۲) مستدرک الوسائل ۱۹۹/۱۱ باب ۷.

(۳) بحار الانوار ۶۹/۲۸ باب ۹۴.

(۴) مونه و هكذا مورد بعد.

(۵) الكافي ۳۷/۴ باب مؤنة النعم.

(۶) الجعفریات ص ۱۹۶.

(۷) بهزة.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ ثِقَتُنَا وَرَجَاؤُنَا^(۱) حِينَ يَسُوءُ ظَنُّونَنَا بِأَعْمَالِنَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَكْشِفُ كُرْبَتَنَا بَعْدَ غَمِّنَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَجْرِي بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا وَبِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ بِالصَّبْرِ نَجَاةً بِمَنْنِهِ وَفَضْلِهِ وَكَرَمِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. این کار در اول سال می باید کرد در اول ماه محرم بعد از وضو و مسواک دست به جانب آسمان بردارد و سه بار بگوید سبحان الملك القدوس پس دو رکعت نماز بگزارد در هر رکعتی يك بار فاتحه و یازده قل هو الله أحد چون نماز تمام شود سه بار دیگر بگوید سبحان الملك القدوس پس به همان صفت دو رکعت دیگر بگزارد و باز سه بار دیگر بگوید سبحان الملك القدوس و دو رکعت دیگر به همان صفت بگزارد و آنگاه حاجت بخواهد که روا شود این شا [ء] الله.

۷۷۱* صلاة الحاجة در کتاب کنزالخفی

مصطفى صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین فرمود که: دوازده رکعت نماز در شب یا در روز بگزارد به شش سلام در هر رکعتی فاتحه و سوری که داند بخواند و در رکعت بازپسین بعد از تحیات و دعاها بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَ سِرْ بِه سَجْدَه نَهْد وَ دَر سَجُود هَفْت بَار فَاتِحَه وَ هَفْت بَار آيَه الْكُرْسَى بِخَوَانَد وَ دَه بَار بِگُوِيْد: لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اَللّهُمَّ اِنْسِيْ اَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَ مُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَ بِأَسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَجِدِّكَ الْأَعْلَى وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ، پس حاجت بخواهد و سر بردارد و از دست راست و دست چپ سلام بدهد حاجت روا شود این شا [ء] الله.

دفع بلیات را این دعا بخواند

اَللّهُمَّ يَا حَافِظَ نُوحٍ فِي الْمَاءِ [ء] وَ يُوسُفَ فِي الْبَيْتِ^(۲) وَ مُوسَى فِي الْيَمِّ وَ اِبْرَاهِيْمَ فِي النَّارِ وَ يُوْنُسَ فِي بَطْنِ الْحُوْتِ وَ اَيُّوبَ فِي الضَّرِّ وَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْغَارِ يَا اِلَهَ السَّمَاوَاتِ * ۷۷۲* وَ الْأَرْضِ، اَللّهُمَّ احْفَظْنَا فِي جَمِيْعِ الْأَعْدَاءِ [ء] وَ الظَّالِمِ وَ الْحَاسِدِ وَ الْكَافِرِ

(۱) رجاونا.

(۲) البئر.

و الْآفَاتِ كُلِّهَا وَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.

قال النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ: صِنْفٌ يَشْبَهُونَ بِالْمَلَائِكَةِ وَ صِنْفٌ يَشْبَهُونَ بِالْأَنْبِيَاءِ [١] وَ صِنْفٌ يَشْبَهُونَ بِالْبَهَائِمِ، فَأَمَّا الَّذِينَ يَشْبَهُونَ بِالْمَلَائِكَةِ فَهَمَّتُهُمْ بِالتَّسْبِيحِ وَالتَّهْلِيلِ وَ التَّمجِيدِ، وَ أَمَّا الَّذِينَ يَشْبَهُونَ بِالْأَنْبِيَاءِ فَهَمَّتُهُمْ بِالصَّوْمِ وَالصَّلَاةِ (١) وَ الزَّكَاةِ، وَ أَمَّا الَّذِينَ يَشْبَهُونَ بِالْبَهَائِمِ فَهَمَّتُهُمْ بِالأَكْلِ وَ الشَّرْبِ وَالجَمَاعِ (٢).

قال [النبي] صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ لِابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا: إِحْفَظِ اللهُ يَحْفَظُكَ، إِحْفَظِ اللهُ تَجِدْهُ أَمَامَكَ، تَعْرِفِ إِلَى اللهِ فِي الرَّخَا [٣] يَعْرِفُكَ فِي الشَّدَّةِ وَلَوْ أَنَّ الخَلَائِقَ كُلَّهُمْ أَرَادُوا أَنْ يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ (٣) لَمْ يَقْضِهِ اللهُ لَكَ لَنْ يَقْدِرُوا عَلَيْهِ وَلَوْ أَرَادُوا أَنْ يَضُرُّوكَ بِشَيْءٍ لَمْ يَقْضِهِ اللهُ لَكَ لَنْ يَقْدِرُوا عَلَيْهِ، إِذَا سَأَلْتَ فَسَلِ اللهُ وَإِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنِ بِاللهِ (٥).

اورا ششوات مبارك دادند دولت همه بس و مبارك دادند
بر خاک درس چو سر نهی سرداران از خاک در تو تاج و تارك دادند

مرکز تحقیقات و ترویج علوم و معارف

حَرَّرَ هَذَا الْجُزْءَ أَفْقَرُ الخَلْقِ إِلَى اللهِ العَنِيِّ أَبِي إبراهيم (٧) بْنِ مُحَمَّدٍ الحُسَيْنِيِّ (٨)

(١) اولصلوة.

(٢) جامع الاخبار ص ١٠١ فصل ٥٧.

(٣) بشی و هكذا مورد بعد.

(٤) لم يقضيه.

(٥) وسائل الشيعة ٤٢/٧ باب ٩.

(٦) در اصل بیاض اینگونه خوانده می شود.

(٧) این اسم ظاهر آیه این شکل خوانده می شود و آبی باید آید باشد.

(٨) نام نویسنده این متن که در آخر آمده با اسم نویسنده اصلی متن در ص ٧٥٢ نسخه عکسی مرتضی ممالک اسلام تفاوت دارد مگر اینکه کلمات به کار رفته را جزء القاب به حساب آوریم.

* ٧٧٣ * مِنْ بَرَكَاتِ الْكَلَامِ وَ حَرَكَاتِ الْأَقْلَامِ الْعَامِلَةِ فِي
الْأَنَامِلِ الشَّرِيفَةِ لِشَيْخِ الْإِسْلَامِ الْأَعْظَمِ مُرْشِدِ طَوَائِفِ الْأُمَّمِ
صَدْرِ الْمَلَّةِ وَالْدِّينِ يُعْرَفُ بِبِزْعِشٍ يُدِيمُ اللَّهُ بَرَكَاتِهِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَدْوَى عَنِ شَيْخِي وَبِإِذْنِهِ شَيْخِ شَيْخِ الْإِسْلَامِ
مَقْنَدِيِّ بَرَانَامِ ظَهِيرٍ هُوَ الَّذِي عَمِلَ بِكُنْهٍ
اللَّهُ بِحَاجِجِ الْخَطَائِلِ عَنْ شَيْخِ الْإِسْلَامِ
حُجَّةِ اللَّهِ عَلَى الْبَرِّيَّةِ الْأَحْمَدِيِّ شَهَابِ الْوَقْفِ
عَمْرٍ مَجْدِ السُّرُورِ كِيَانِ رِيْدِ عَمَّانِ رَحِمَهُ
سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ تَقْوَى قَوْلِهِ
لَهُ مَقَالِدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ تَعَالَى عَنِ شَيْخِ
عَظِيمٍ مَا سَأَلَنِي غَيْرُكَ مُؤَلَّاهُ الْإِلَهُ وَاللَّهُ الْكَبِيرُ
رُسْحَانُ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالْحَوْلُ وَالْقُوَّةُ لِلَّهِ
عَزَّ وَجَلَّ وَاسْتَعْفَرَ اللَّهُ الْأَوَّلَ وَالْآخِرَ وَالظَّاهِرَ
الْبَاطِنَ لَهُ الْمُلْكُ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ الْخَيْرُ وَهُوَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مِنْ قَالِهَا عَشْرًا جَبِينِ
يَصُغُّ وَجِبِينِ مَسِيٍّ أَعْطَى سِتَّةَ خَصَائِلَ فَارُكٍ
حَصَلَةٌ أَنْ يَحْرُسَ مِنَ الْبَلْبَلِيسِ وَجُنُودِهِ الثَّانِيَةَ

أَزْوِي عَنْ شَيْخِي وَجَدِّي وَإِمَامِي شَيْخِ شَيْوْخِ الْإِسْلَامِ مُقْتَدَى الْأَنَامِ، ظَهِيرِ الْحَقِّ
وَالدَّيْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَسْكَنَهُ اللَّهُ بُخْبُوحَةَ^(۱) الْجَنَانِ إِجَازَةً عَنْ شَيْخِ شَيْوْخِ الدُّنْيَا، حُسْبَةَ اللَّهِ
عَلَى الْبَرَايَا أَجْمَعِينَ شَهَابِ الْحَقِّ وَالْحَقِيقَةِ وَالدَّيْنِ عُمَرَ بْنِ مُحَمَّدِ الشُّهْرَوَزْدِيِّ^(۲) إِجَازَةً
رَوَى أَنَّ عُثْمَانَ (رَضِيَ) سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ تَفْسِيرِ قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿لَهُ
مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^(۳) فَقَالَ [ص]: سَأَلْتَنِي عَنْ شَيْءٍ عَظِيمٍ مَا سَأَلْتَنِي غَيْرُكَ، هُوَ لَا
إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ
الْأَوَّلَ الْآخِرَ الظَّاهِرَ الْبَاطِنَ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، مَنْ
قَالَهَا عَشْرًا حِينَ يُضِيحُ وَحِينَ يُمَسِي أُعْطِيَ سِتًّا خِصَالٍ:

فَأَوَّلُ خِصْلَةٍ: أَنْ يُحْرَسَ مِنْ ابْلِيسَ وَجُنُودِهِ.

الثَّانِيَّةُ: * ۷۷۵ * يُعْطَى قِنطَارًا مِنَ الْأَجْرِ.

الثَّالِثَةُ: يُرْفَعُ لَهُ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ.

الرَّابِعَةُ: تُرَوِّجُهُ اللَّهُ مِنَ الْخُورِ الْعَبِينِ.

الخَامِسَةُ: إِثْنَا عَشَرَ مَلَكًا يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ.

السَّادِسَةُ: يَكُونُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَمَنْ حَجَّ وَاعْتَمَرَ^(۴).

صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

وَهَذِهِ الرَّوَايَةُ مَذْكُورَةٌ فِي كِتَابِ الْعَوَارِفِ.

(۱) يك كلمه خواننده نمی شود، آنچه درج کردیم حدسی است.

(۲) من ذیل در عوارف المعارف سهروردی ص ۱۶۳ باب ۵۰ به اهتمام قاسم انصاری وجود دارد.

(۳) قرآن کریم، سوره زمر (۳۹) آیه ۶۳.

(۴) مصباح الکفعمی ص ۵۲۷ فصل ۴۳.

معنی این حدیث آن است که: سوال کردند از حضرت^(۱) رسالت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از تفسیر این آیت که ﴿لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ یعنی خدای راست مقالید آسمانها و زمین، این مقالید عبارت از چه چیز است و این سؤال کننده امیرالمؤمنین عثمان^(۲) بن عفان بود (رض)، پس رسول خدای صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جوابش فرمود که: بدرستی که سؤال کردی از شیء عظیم یعنی از امری بزرگ که هیچ کس غیر تو سوال از من نکرده است *۷۷۶* و آن مقالید آن است که بگویی: لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ تا به آخر آن که وهو علی کلّ شیءٍ قدير. بعد از آن فرمود که: هر کس که این کلمات را ده بار بگوید هر گاه که بامداد وا کند و هر گاه که شبانگاه درآید شش خصلت او را ارزانی فرمایند: خصلت اول آنکه^(۳) محروس و محفوظ ماند از ابلیس و لشکر وی، خصلت دوم آنکه: او را قنطاری از مزد بدهند و قنطاری موازی کوه أحد باشد و آن کوهی عظیم است در مدینه رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، خصلت سوم آنکه: او را درجه عالی در بهشت باقی رفع کنند، خصلت چهارم آنکه: حضرت^(۴) عزّت^(۵) جلّ جلاله او را به زنی دهد حورالعینی از حوران بهشت و حورالعین عبارت از آن است که مانند لؤلؤ مکتون باشد یعنی مروارید ناسفته که دسه هیچ آفریده بدان نرسیده باشد *۷۷۷*، خصلت پنجم آن است که: دوازده ملك مقرب آمرزش وی از حضرت^(۶) عزّت^(۷) می طلبند، خصلت ششم آن است: در دیوان اعمال وی مزد کسی^(۸) که حجّی و عمره [ای] کرده باشد بنویسند توفیق رفیق باشد ان شاء الله^(۹) تعالی.

(۱) حضرة.

(۲) روی این اسم مرکب ریخته شده است.

(۳) آنک و هکذا موارد بعد.

(۴) حضرة.

(۵) هزة.

(۶) حضرة.

(۷) هزة.

(۸) کشی.

(۹) انشاءالله.

و قال النبی صلی الله علیه وسلم: جاء جبرئیل فقال: یا رسول الله! إن ربی أرسلنی إلیک وأرسل معی بهدیة لم یُعْطِها أحدًا قبلك فأختر منهن ما شئت^(۱). فقال النبی صلی الله علیه و سلم: ما هو یا جبرئیل؟ قال: الصبرُ وأحسن منه. قال [ص]: ما هو؟ قال: القنوعُ وأحسن منه. قال [ص]: وما هو؟ قال: الزهدُ وأحسن منه. قال [ص]: وما هو؟ قال: التیقینُ وأحسن منه. قال [ص]: وما هو؟ هل یكونُ شیءٌ أحسن منه؟ قال: یا مُحَمَّدُ! إنَّ مدرجةَ کُلِّه التَّوَكُّلُ عَلَی اللَّهِ. قال النبی صلی الله علیه وسلم * ۷۷۸ *: وما تفسیرُ التَّوَكُّلِ؟ قال: الإیاسُ مِنَ الخَلْقِ وَتَعَلُّمُ أَنْ المَخْلُوقَ لَا یَضُرُّ^(۲) وَلَا یَنْفَعُ وَلَا یَمْنَعُ وَلَا یُعْطِی وَکُلُّ شَیْءٍ^(۳) کَذَلِکَ، فَإِذَا کَانَ العَبْدُ کَذَلِکَ لَا یَرْجُو أَحَدًا سِوَاهُ وَلَا یَخَافُ أَحَدًا سِوَاهُ وَلَا یَطْمَعُ فِی أَحَدٍ سِوَاهُ، فَهُوَ المَتَّوَكِّلُ.

قال [ص]: وما تفسیرُ المُخْلِصِ؟ قال [جبرئیل]: الذی لَا یَسْأَلُ النَّاسَ شَیْئًا^(۴) حَتَّى یَجِدَ مِنْ غَیْرِ مَسْأَلَةٍ، فَإِذَا وَجَدَ رَضِیَ وَإِذَا اسْتَنْفَى عِنْدَهُ شَیْءٌ أُعْطَاهُ لِلَّهِ یَعْنِی آثَرِ بِهِ فَإِذَا لَمْ یَسْأَلْ شَیْئًا حَتَّى یَجِدَ فَقَدْ عَرَفَ نَفْسَهُ بِالْعُبُودِیَّةِ وَعَرَفَ الرَّبَّ بِالرُّبُوبِیَّةِ وَإِذَا وَجَدَ رَضِیَ فَهُوَ فِی حَدِّ الرِّضَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ رَاضٍ^(۵). الحدیث بجزئیة علی

معنی این حدیث جامع مقامات اولیا [ء] آن است که: حضرت^(۱) رسالت صلی الله علیه و سلم فرمود که: جبرئیل امین بیامد صلوات الرحمن علیه از حضرت رب العالمین * ۷۷۹ * جل جلاله و عظم شأنه پس گفت: ای رسول خدای بدرستی که پروردگار من بفرستاد مرا به تو و بفرستاد با من هدیه [ای] که نداد آن را به هیچ کس پیش از تو پس برگزین از آن هدیه آنچه^(۲) می خواهی پس رسول صلی الله علیه وسلم پرسید که: آن

(۱) شیت.

(۲) بضر.

(۳) شی.

(۴) شیار و هكذا مورد بعد در این صفحه.

(۵) بحار الانوار ۳۷۳/۶۶ باب ۲۸.

(۶) حضرة و هكذا مورد بعد.

(۷) آنچه.

چیست یا جبرئیل؟ گفت: آن صبر است و نیکوتر از آن هست که آن چیست؟ گفت: قناعت کردن و نیکوتر از آن هست گفت آن چیست؟ گفت: زهد و بی رغبتی در دنیا و نیکوتر از آن هست گفت: آن چیست؟ گفت: یقین به حق و استواری بدان و نیکوتر از آن هست گفت: آن چیست گفت: اخلاص و آن خالص گردانیدن عمل است از غیر حق گفت: نیکوتر از آن هست گفت: آن چیست؟ و حال آنکه^(۱) هست چیزی نیکوتر از آن گفت: ای محمد! اصل و مدرجه این مقامات توکل بر خدای تعالی کردن است پس رسول صلی الله علیه و سلم پرسید که: تفسیر توکل چیست؟^(۲) * ۷۸۰ * گفت: ناامید بودن از خلق و آنکه^(۳) بدانی که مخلوق مضرت^(۴) نرسانند^(۵) و منفعت نتوانند رسانند و منع نعمت نکنند و عطا ندهند إلا به ارادت حق سبحانه و تعالی و مجموع افعال و اقوال ایشان هم بدین منوال است چون بنده این چنین گشت و این معنی نزد وی محقق شد امید ندارد به هیچ کس جز به خدای و نترسد^(۶) از هیچ کس جز از حق و طمع نکند به هیچ آفریده جز به خدای تعالی چون چنین گردد پس او از متوکلان گردد بعد از آن از تفسیر اخلاص پرسید و آنکه مخلص کدام است؟ گفت: آنکه از مردم هیچ چیز نطلبد تا آن زمان که بیابد بی خواستی چون بیابد راضی شود و اگر چیزی نزد او فاضل ماند از مایحتاج وی بدهد از برای خدای تعالی یعنی آن را ایثار کند پس چون بخواهد چیزی تا آن زمان که بیابد بدرستی که بشناخته باشد * ۷۸۱ * نفس خود را به بسندگی و بشناخته باشد رب و پروردگار خود را به ربوبیت^(۷) و چون این معنی بیافت راضی شود و چون راضی گشت در حدّ رضا درآمد و خدای تعالی از وی راضی گشت.

(۱) آنک.

(۲) این کلمه در حاشیه سمت چپ عمودی نوشته شده است.

(۳) آنک.

(۴) مضرة.

(۵) نرسانند.

(۶) نترسد.

(۷) ربوبية.

حکایت

وَرَدَ الشَّيْخُ شَهَابُ الدِّينِ عُمَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ السُّهْرَوَرْدِيُّ قَدَسَ اللهُ رُوحَهُ وَنُورَ ضَرِيحِهِ فِي كِتَابِهِ الْعَوَارِفِ وَقَالَ: حَكَى بَعْضُ مَشَايِخِنَا عَنْ شَخْصٍ كَانَ مُصِرًّا عَلَى الْمَعَاصِي ثُمَّ انْتَبَهَ وَتَابَ وَحَسَنَتْ تَوْبَتُهُ وَصَارَ لَهُ حَالٌ مَعَ اللهِ تَعَالَى، قَالَ: عَزَمْتُ عَلَى أَنْ أُحِجَّ مَعَ الْقَافِلَةِ وَنَوَيْتُ أَنْ لَا أَسْأَلَ أَحَدًا شَيْئًا^(۱) وَأَكْتَفِي بِعِلْمِ اللهِ بِحَالِي. قَالَ: بَقِيْتُ أَيَّامًا فِي الطَّرِيقِ يَفْتَحُ اللهُ عَلَيَّ الْمَاءَ وَالزَّادَ فِي وَقْتِ الْحَاجَةِ ثُمَّ وَقَفَ الْأَمْرُ وَلَمْ يَفْتَحِ اللهُ عَلَيَّ شَيْئًا فَجِئْتُ وَعَطَشْتُ حَتَّى لَمْ يَبْقَ لِي طَاقَةٌ فَضَعُفْتُ عَنِ الْمَشْيِ بَقِيْتُ أَتَاخَّرُ عَنِ الْقَافِلَةِ قَلِيلًا قَلِيلًا حَتَّى مَرَّتِ الْقَافِلَةُ فَقُلْتُ * ۷۸۲ * فِي نَفْسِي: هَذَا الْآنَ مِنِّي الْقَاءُ [ء] النَّفْسِ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَقَدْ مَنَعَ اللهُ مِنِّي ذِ[ء]كَ، وَهَذِهِ مَسْأَلَةٌ الْإِضْطِرَّارِ أَسْأَلُ، فَلَمَّا صَمَمْتُ السُّؤَالَ إِنْبَعَثَ مِنِّي بَاطِنِي إِنْكَارًا لِهَذِهِ الْحَالَةِ وَقُلْتُ: عَزِيمَةٌ عَقَدْتُهَا مَعَ اللهِ لَا أَنْقُضُهَا وَهَانَ عَلَيَّ الْمَوْتُ دُونَ نَقْضِ عَزِيمَتِي، فَصَدَّتْ شَجَرَةٌ وَقَعَدْتُ فِي ظِلِّهَا وَطَرَحْتُ رَأْسِي اسْتِطْرَاحًا لِلْمَوْتِ وَذَهَبَتِ الْقَافِلَةُ. فَبَيْنَا أَنَا كَذَلِكَ إِذْ جَاءَ [ء] نِي شَابٌّ مُقَلَّدٌ بِسَيْفٍ وَحَرَكْنِي، فَقُمْتُ وَفِي يَدِهِ أَدَاوَةٌ فِيهَا مَاءٌ، فَقَالَ لِي: إِشْرَبْ، فَشَرِبْتُ ثُمَّ قَدَّمْ لِي طَعَامًا وَقَالَ لِي: كُلْ، فَأَكَلْتُ ثُمَّ قَالَ لِي: تُرِيدُ الْقَافِلَةَ؟ فَقُلْتُ: مَنْ لِي بِالْقَافِلَةِ وَقَدْ عَبَّرْتُ! فَقَالَ لِي: قُمْ، وَأَخَذَ بِيَدِي وَمَشَى مَعِيَ خُطُوبَاتٍ ثُمَّ قَالَ لِي: اجْلِسْ فَالْقَافِلَةُ إِلَيْكَ تَجِيءُ، فَجَلَسْتُ سَاعَةً فَإِذَا أَنَا بِالْقَافِلَةِ وَرَأَيْ مُتَوَجِّهَةً إِلَيَّ. هَذَا شَأْنٌ مَن يُعَامِلُ مَوْلَاهُ بِالصِّدْقِ.

* ۷۸۳ * معنی این حکایت^(۲) آن است که شیخ شهاب‌الدین السهروردی رحمة الله

علیه در کتاب عوارف که بعضی از مشایخ ما حکایت کردند که شخصی بود که در عنفوان شباب و غلوا [ی] جوانی بر معصیت مصر بودی بعد از آن حق سبحانه و تعالی او را بیداری کرامت فرمود و توبه نصوح بکرد و بر آن ثابت بماند تا حالی او را با خدای تعالی

(۱) شیاو هکذا مورد بعد در این صفحه.

(۲) حکایت.

دست داد و از مقرّبان آن حضرت^(۱) گشت. آن جوان گفت: که قصد کردم به حج روم با قافله و نیت کردم که از هیچ کس چیزی نطلبم و بدان راضی شوم و کفایت کنم که حق سبحانه و تعالی عالم است به حال من پس گفت که چند روز چنان بود در راه که خدای تعالی آب و زاد در وقت حاجت به من می‌رسانید بی‌طلب بعد از آن، آن در بسته شد و در وقت حاجت از ماکول و مشروب هیچ چیز بر من نمی‌گشود

۷۸۴ پس گرسنه شدم و تشنگی نیز اثر کرد تا به حدّی که بی‌طاقت شدم و از غایت ضعف از رفتن باز ماندم و اندک اندک از قافله بازپس می‌ماندم تا قافله برفت بعد از آن با نفس خود گفتم: که این صبر کردن و نخواستن [القا]ء نفس است در تهلکه و حق تعالی از آن منع فرموده که ﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾^(۲) و این خواستن اضطرابیست پس بخواهم بعد از آنکه^(۳) قصد خواستن کردم از باطن من انکاری از آن خواستن برخاست و گفتم عزیمتی و عقدی که با خدای تعالی بسته [ای] نقض آن مکن و آسان گشت بر من مردن و چیزی نخواستن و عزیمت را نقض نکردن پس قصد درختی کردم و در سایه آن نشستم و سر بنهادم و مرگ بر خود آسان کردم و قافله روانه گشت در چنان حالتی دیدم که ناگاه جوانی بر من آمد شمشیری حمایل کرده و مرا بجنبانبید

۷۸۵ پس برخاستم دیدم که در دست او ظرفی پر از آب بود مرا گفت: بیاشام من باز خوردم بعد از آن طعامی پیش آورد و مرا گفت بخور چون بخوردم مرا گفت: قافله را می‌خواهی گفتم: من کجا باز قافله پیوندم و حال آنکه^(۴) ایشان گذشتند و بعد مسافتی میان ما بازدید شد مرا گفت: برخیز برخاستم و دست من بگرفت و چند گامی برفت بعد از آن مرا گفت: بنشین که قافله از عقب تو خواهد رسید من ساعتی توقف کردم ناگاه نگاه کردم و قافله از عقب من می‌رسید شیخ شهاب الدّین قدّس الله سرّه فرمود که این نشان و

(۱) حضرة.

(۲) قرآن کریم سوره بقره (۲) آیه ۱۹۵.

(۳) أنك.

(۴) أنك.

حال آن کسی است که معامله‌ی وی با خدای تعالی به صدق و راستی باشد و الله أعلم

حکایت

منقول است از شیخ محمد جریری و او از أجله شیوخ بغداد بود و قائم مقام سید الطایفه شیخ جنید بغدادی بود * ۷۸۶* رحمه الله علیهما فرمود که چون مرا به جای شیخ جنید نصب کردند ناگاه شاه‌بازی دیدم که از در درآمد چهل سالست که طالب دولتی چنانم و نمی‌یابم گفتند: چگونه بود؟ فرمود: که در آن روز که مرا به جای شیخ نشانند شبانه خلیفه دعوتی فرموده بود و استدعا [ی] حضور کرده نماز عصری دیدم که شخصی از در درآمد سرویای برهنه گردآلوده برفت و طهارتی کرد و بیامد و دو گانه [ای] بگزارد و مراقب شد و با کس سخن نگفت من خادم را گفتم: با این درویش بگوی که ما امشب به دعوت (۱) خلیفه می‌رویم اگر او را نیز رغبت باشد موافقت نماید. خادم صورت باز گفت، درویش در جواب گفت: من پروای خلیفه و دعوت وی ندارم اگر از برای من پاره [ای] عصیده بسازی نیکو باشد خادم التفات به سخن وی نمود و گفت این شخص مگر نو * ۷۸۷* در درویشی (۲) آمده است موافقت نمی‌نماید و تعناً نیز می‌نماید باری درویش برهم آن حالت می‌بود تا نماز خفتن با ما بگزارد و همچنان مراقب گشت و ما به دعوت (۳) خلیفه رفتیم چون مراجعت نمودیم هنوز از شب بعضی مانده بود گفتم: استراحت باید کرد تا در وقت نماز بامداد خواب مزاحم نشود چون چشمم در خواب رفت دیدم که صحرائی (۴) بودی عظیم بافسحت و جمعی انبوه در آنجا مجتمع و از روی هر یکی از ایشان نوری می‌درخشید بسان نور ستارگان و در میان ایشان شخصی بود که نور روی وی بسان نور ماه شب چهارده بود. من سؤال کردم که اینان چه طایفه‌اند و این شخص که نور روی وی بر همه فائق (۵) و غالب است چه نام دارد قایلی گفت: که مجتمع صد و بیست و

(۱) دعوة .

(۲) دویشی .

(۳) دعوة .

(۴) صحرائی .

(۵) فائق .

چهار هزار نقطه نبوت است و آن شخص غالب بر همه محمد رسول الله است *۷۸۸*

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ من استجازه کردم از ایشان که مرا راه دهید تا اول زیارت^(۱) حضرت^(۲) رسالت در یابم بعد از آن انبیا [ء] دیگر علیهم السلام ایشان مجال دادند چون مقابل روی مبارکش رسیدم و سلام کردم روی از من بگردانید به طرفی دیگر آمدم و سلام کردم همچنان روی گردان شد تا سه نوبت بعد از آن من در خاک افتادم و گفتم یا رسول چه بی ادبی یا ترک سنت و متابعت از من صادر شده که روی مبارک از من می گردانی از سر غضبی تمام فرمود که دوستی از دوستان ما پاره [ی] عصیده یعنی کاجی^(۳) به خرما از تو بطلبد والتفات به وی نکنی و به دعوت^(۴) خلیفه روی گفتم: یا رسول همین ساعت به تدارک آن مشغول گردم و از غایت هیبت بیدار شدم چون به خانقاه آمدم جای درویش خالی یافتم و آواز *۷۸۹* در خانقاه شنیدم که می گشاد به تعجیل از پی وی برفتم و گفتم از برای رضای حق زمانی توقف نمایند تا آن مطلوب شما حاصل کنم روی باز پس کرد و گفت خلافت جنید چنین خواهی کرد که چون درویشی را احتیاج به چیزی افتد جمله انبیا را به شفیع نزد تو باید آورد تا محصل عرض وی باشد برو که نمی خواهیم والتفات فرمود و به راه خود برفت شیخ محمد جریری گفت این زمان چهل سالست تا طالب دوستی چنانم و نمی یابم این حکایت^(۵) بدان آوردم تا از حال مسکینان غافل نگردند تا از دولت دو جهانی محروم نمانند.

حکایت

از خلفا [ی] بغداد یکی را^(۶) ناصر خلیفه گفتندی و وی مادری داشت عظیم معتقد درویشان بود و این زمان در بغداد مشهد او معروف و مشهور است بدان واسطه *۷۹۰*

(۱) زیارة.

(۲) حضرة.

(۳) کاجی - منظور کاجی همراه با خرماست و کاجی نوعی آتش شامل آرد و روغن است.

(۴) دعوة.

(۵) حکایة و أيضاً مورد بعد.

(۶) از.

نقلست که به سمع خلیفه رسانیدند که مادر تو اموال خطیر صرف درویشان می‌کند او را غیرت آمد و حکم فرمود که من بعد هر درویشی که به نزد مادر من آید او را به قتل آورند چون این سخن به سمع مادرش رسید استغاثت به فرزند کرد که اجازت ده تا یکبار دیگر دعوتی سازم و وداع درویشان بکنم اجازت فرمود و دعوتی پادشاهانه بکرد در وقت بیرون رفتن از درویشان نشانه [ای] طلبید هر یکی چیزی بدادند از مسواک و شانه و غیره آنچه^(۱) داشتند در آخر درویشی بیرون می‌رفت استدعا [ای] نشانه [ای] از وی کرد طایفه [ای] چرکین^(۲) در سر داشت آن را بداد چون خلیفه به خدمت مادر آمد چیزی چند عجب دید از رگوبار [ه]ها^(۳) و تسبیح و شانه و مسواک که نزد مادرش نهاده بود سؤال کرد که این تحفها چیست؟ فرمود که یادگار درویشان است بعد از آن آتشی بطلبید * ۷۹۱ * و در حضور فرزند در آنها زد مجموع بسوخت چون به کلاه رسید و سخ آن می‌سوخت تا نظیف و پاکیزه از میان آتش بیرون آمد بعد از آن با فرزند گفت: که من این طایفه را برای صاحب این کلاه خدمت می‌کنم اگر چه معرفت وی ندارم چون خلیفه این کرامت مشاهده فرمود بعد از آن معتقد درویشان گشت و منع ایشان از صحبت مادر نکرد تا معلوم کنی که هر چند متشبّهان به این طایفه بسیارند^(۴) و مردم بدان واسطه بداعتقاد درشان درویشان گشته‌اند اما اگر نقدی هست هم با ایشانست چنانچه^(۵) شیخ سعدی علیه الرّحمة گفته:

مگو در نفس درویشان هنر نیست که گر مردیست هم زایشان بدر نیست^(۶)

اللّٰهُمَّ لَا تُخَيِّبْنَا مِنْ بَرَكَاتِهِمْ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِمْ، آمِينَ.

(۱) آنج.

(۲) چرکن.

(۳) رگوبارها.

(۴) بسیاراند.

(۵) چنانچ.

(۶) کلیات سعدی نسخه مصحح فروغی ص ۸۰۹.

مِمَّا وَشَحَهُ الصَّاحِبُ الْأَعْظَمُ الْأَكْمَلُ
مُظَفَّرُ الدَّوْلَةِ وَالذِّينِ مَلِكِ السَّلْمَانِي أَعْلَى [اللَّهُ] شَأْنَهُ

من عود من مود نفل من تلك كما في بيتي من مود مود سلم
 فجا وجل وتلك يا رسول الله ارفقت القصد أحب إلى الله
 لو ما يتاركة تطوع تلك من المود المود ومن ريفت
 تنفق في أحب إلى الله من أربع مائة ركة تطوع تلك يا رسول الله
 ذلك لغير من حرام أحب إلى الله في أم الفركم تلك في قوله عز وجل
 أحب إلى الله من ألف ركة تلك يا رسول الله من ركة أحب
 إلى الله من ألف ركة تلك في الفركم أحب إلى الله في
 من عشرة آلاف ركة تلك يا رسول الله تطار جبهه لوجه
 أحب إلى الله في أم عشرة آلاف ركة تلك قضا جوار من
 أحب إلى الله في من عشرون ألف ركة تلك يا رسول الله من
 مع العيال أحب إلى الله في أم الجود من المودة
 الجود من عبد الله أحب إلى الله في من لا يتكاف في جود
 ما منه تلك يا رسول الله المشقة على العمل أحب إلى
 أم الله في عمله تلك ومن تنفق على العمل أحب إلى
 تلك من الفريضة تنفق في سداك تلك يا رسول الله

* ٧٩٣ * عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 فَجَاءَ رَجُلٌ وَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَرَغِيفٌ أَتَصَدَّقُ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ أَوْ مِائَتًا رَكْعَةً تَطَوُّعٌ؟ فَقَالَ
 رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: رَغِيفٌ تَتَصَدَّقُ بِهِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَرْبَعِمِائَةٍ (١) رَكْعَةً تَطَوُّعٌ.
 قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! تَرُكُ لُقْمَةً مِنْ حَرَامٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَمْ أَلْفُ رَكْعَةٍ؟ قَالَ [ص]: تَرُكُ
 لُقْمَةً مِنْ حَرَامٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ أَلْفِ رَكْعَةٍ. قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! تَرُكُ الْغَيْبَةَ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ
 تَعَالَى أَمْ أَلْفَا رَكْعَةٍ؟ قَالَ [ص]: تَرُكُ الْغَيْبَةَ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ عَشْرَةِ آلَافِ رَكْعَةٍ. قَالَ: يَا
 رَسُولَ اللَّهِ! قِضَاءُ حَاجَةٍ أَرْمَلَةٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَمْ عَشْرَةُ آلَافِ رَكْعَةٍ؟ قَالَ [ص]: قِضَاءُ [ء]
 حَاجَةٍ أَرْمَلَةٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ ثَلَاثِينَ أَلْفِ رَكْعَةٍ. قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! جُلُوسٌ سَاعَةٍ مَعَ
 الْعِيَالِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَمْ الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ؟ قَالَ [ص]: الْجُلُوسُ عِنْدَ الْعِيَالِ أَحَبُّ
 إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الْإِعْتِكَافِ فِي مَسْجِدِي هَذَا سَنَةً. قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! التَّنْفِقُ عَلَى الْعِيَالِ
 أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَمْ النَّفَقَةُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؟ قَالَ [ص]: دَرَاهِمٌ تُنْفِقُ عَلَى الْعِيَالِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ
 تَعَالَى مِنْ أَلْفِ دِينَارٍ تُنْفِقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! * ٧٩٤ * بَرُّ الْوَالِدَيْنِ أَحَبُّ إِلَى
 اللَّهِ تَعَالَى أَمْ عِبَادَةُ أَلْفِ سَنَةٍ؟ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ
 الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (٢) بَرُّ الْوَالِدَيْنِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ.
 قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! زِيَارَةُ الْإِخْوَانِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ أَمْ الطَّوَّافُ حَوْلَ الْكَعْبَةِ؟ قَالَ [ص]: زِيَارَةُ
 الْإِخْوَانِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ سَبْعِينَ طَوَّافًا حَوْلَ الْبَيْتِ.
 قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! قِرَاءَةُ (٣) الْقُرْآنِ؟ قَالَ [ص]: عَمَلُ الْمَكْفُوفِينَ.

(١) اربع مائه.

(٢) قرآن كريم، سورة يسرى (١٧) آيه ٨١.

(٣) قراءة.

قال: الصلاة؟ قال [ص]: عمل العجايز.

قال: الصوم؟ قال [ص]: عمل الضعفا [ء].

قال: التسييح والتهليل؟ قال [ص]: ذاك عمل النساء. أفلا أدلكم على عمل الأبطال؟

فقلنا: يا رسول الله! كيف يكون عمل الأبطال؟ قال [ص]: طلب العلم عمل الأبطال

والصدقة عمل الأشيخا [ء] والتفكر عمل المتواضعين وسيدهم العلم، والعلم نور المؤمن

في الدنيا والآخرة (۱).

صدق رسول الله [ص].

آشنایی (۲) خلق در دسریست منقطع باش تا ندانندت

گرد هر در مگرد بهر طمع ورنه چون سگ زدر برانندت

جگرت خون شود اگر چون دل صدر جویی و قلب خوانندت (۳)

ورشوی گوشه گیر چون ابرو بر سر چشمها نشاندت



۷۹۵ إِذَا قَلَّ مَالُ الْمَرْءِ قَلَّ بَهَاوُهُ وَضَاقَ عَلَيْهِ أَرْضُهُ وَسَمَاوُهُ

وَأَضْبَحَ لَا يَذْرِي وَإِنْ كَانَ حَازِمًا أَقْدَامُهُ خَيْرٌ لَهُ أُمَّ وَرَاوُهُ

وَإِنْ غَابَ لَمْ يَشْتَقِ إِلَيْهِ خَلِيلُهُ وَإِنْ عَاشَ لَمْ يَسْرُرْ صَدِيقًا بَقَاوُهُ

فَلَلَمَوْتُ خَيْرٌ لِامْرِئٍ ذِي خِصَاصَةٍ مَشَى فِي ذَلٍّ يَقِلُّ غِنَاوُهُ

لَا تَظْلِمَنَّ إِذَا مَا كُنْتَ مُقْتَدِرًا فَالظُّلْمُ آخِرُهُ يَا تَبَّكَ بِالنَّدَمِ

نَامَتْ عُيُونُكَ وَالْمَظْلُومُ مُنْتَبِهٌ تَدْعُو إِلَيْكَ وَعَيْنُ اللَّهِ لَمْ تَنَمْ (۴)

(۱) بحار الانوار ۳۷۳/۹۰ باب ۲۴ با اختلاف.

(۲) آشنایی.

(۳) سه بیت بالا بصورت مورب نوشته شده است.

(۴) دو بیت فوقی به صورت مورب نوشته شده است.

روزی که دست یابی بر اهل روزگار در عاقبت نگه کن و کوتاه دار دست
دست ستم دراز مکن وین قدر بدان کایزد در اجابت مظلوم در نیست

خَفْ يَا كَرِيمُ عَلَى عَرَضٍ يُدْنِسُهُ مَقَالَ كُلِّ سَفِيهِ لَا يُقَاسُ بِكَ
إِنَّ الزُّجَاغَةَ مَهْمَا كُسِرَتْ سَبُكَتْ وَكَمْ تَكَسَّرَ دُرٌّ ثَمَّ مَا سُبِكَا

چون مال ملامتست درویشی به چون کیش خصومتست بی کیشی به
چون در دسر از خویشتن و خویشانست بی خویشتنی خوشست و بی خویشی به

نظامی فرماید

۷۹۶

چو اندهی آید مشو ناسپاس زاندهی بیشتر می‌هراس
برهنه ز صحرا به صحرا شدن به از غرقه در آب دریا شدن^(۱)
چو بر رشته کاری افتد گره شکیبایی^(۲) از جهد بیهوده به
همه کارها از فرو بستگی گشاید ولیکن به آهستگی
فرو بستن کار در ره بود گشایش در آن نیز ناگه بود^(۳)

خیام راست

در مصطفی وجود دمی آمده‌ایم وز پایه مردمی به زیر آمده‌ایم
چون چرخ نه بر مراد ما می‌گردد ای کاش سرآمدی که سیر آمده‌ام^(۴)^(۵)

اگر نانی دهی سگ را به عمری مقیم آن در و آن خانه گردد

(۱) ر. ک. شرفنامه نظامی به تصحیح دکتر ثروتیان ص ۵۲۳ و ۵۲۴.

(۲) شکیبائی.

(۳) ر. ک. اقبالنامه نظامی گنجوی ص ۱۵۷ و ۱۵۶ به تصحیح وحید دستگردی چاپ از مغان.

(۴) دو بیت بالا بصورت مورب نوشته شده است.

(۵) ر. ک. رباعیات طریخانه بار احمد بن حسین رشیدی، تصحیح جلال الدین همایی ص ۴۵ رباعی ۱۶۰.

عوان را سگ مخوان زنهار زنهار که گر سگ بشنود دیوانه گردد

مولانا شمس الدین [حافظ] فرماید

روضه خلد برین خلوت درویشانست

مایه محتشمی حربه درویشانست

آنچه زر می شود از پرتو او قلب سیاه

کیمیاییست که در صحبت درویشانست^(۱)

دولتی را که نباشد غم از آسیب زوال

بسی تکلف بشنو دولت درویشانست^(۲)

۷۹۷ گنج عزت که طلسمات عجایب ببرد

فتح آن در نظر رحمت درویشانست^(۳)

از کران تا به کران لشکر ظلمت ولی

از ازل تا به ابد فرصت درویشانست^(۴)

روی مقصود که شاهان به دعا می طلبند

مظهرش آینه طلعت درویشانست^(۵)

ای توانگر مفروش این همه نخوت که ترا

سرو زر در کنف همت درویشانست^(۶)

گنج قارون که فرو می رود از قهر هنوز

خوانده باشی که هم از غیرت درویشانست^(۷)

(۱) این بیت در حافظ چاپ قزوینی و غنی بیت ۱۴ است با اختلاف در متن.

(۲) این بیت در حافظ چاپ قزوینی و غنی بیت ۶۶۴ است.

(۳) این بیت در حافظ چاپ قزوینی و غنی بیت ۲۸۲ است با اختلاف در متن.

(۴) این بیت در حافظ چاپ قزوینی و غنی وجود ندارد.

(۵) این بیت در حافظ چاپ قزوینی و غنی بیت ۸۸۸ است.

(۶) این بیت در حافظ چاپ قزوینی و غنی بیت ۹۹۹ است.

(۷) این بیت در حافظ چاپ قزوینی و غنی بیت ۱۰۰۰ است.

حافظ آنجا به ادب باش که سلطانی و ملک

همه از بندگی حضرت درویشانست^(۱)

حُكِي أَنَّهُ رَأَى مُطَرِّفُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الشَّخِيرِ، الْمُهَلَّبَ بْنَ أَبِي صُفْرَةَ وَهُوَ يَتَبَخَّرُ فِي خَزٍّ فَآخِرُ فَقَالَ: مَا هَذِهِ الْمِشْيَةُ الَّتِي يَبْغُضُهَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ؟ قَالَ: أَوْ مَا تَعْرِفُنِي؟ قَالَ: بَلَى أَنْتَ الَّذِي أَوْلَهُ نُطْفَةَ قَدْرَةَ وَآخِرُهُ جَيْفَةُ نَدْرَةَ وَأَنْتَ بَيْنَهُمَا حَمَالَةُ الْعَدْرَةَ.

گلها که من از باغ وصال چیدم دُرها که من از لعل لب دزدیدم
آن گل همه خار گشت در دیده من و آن دُر همه از دیده فرو باریدم

۷۹۸ چون لشکر غم جهان جانم بگرفت از تنگ دلی دل از جهانم بگرفت
گفتم بجهانم از جهان اسب حیات امید وصال تو عنانم بگرفت

مولانا عمادالدین فقیه راست

ای دل گشایشی ز در کسیر یا بخواه اخلاص پیش گیر و خلاص از ریا بخواه
در یوزة [ای] زسینه صاحب‌دلان بکن با همتی ز خاطر اهل صفا بخواه
رنج درون شیفتگان را شفا طلب درد نهان خسته دلان را دوا بخواه
بگشاکف نیاز گر از اهل حاجتی بیگانه گر نمی‌دهد از آشنا بخواه
دل در سبب مبند و مسبب رها مکن برگیر دل ز خلق و مراد از خدا بخواه
آزادی از بلا و اسیری آن سرا از بندگی خواجه هر دو سرا بخواه
منشور ملک صفوت و پروانه رضا از مصطفی طلب کن و از مرتضی بخواه
هسنگام رفتنست غنیمت شمر دعا و آن دم که خون ز دیده روان شد لقا بخواه
وقتی مبارکست توقف مکن عماد درویش وار حاجتی از پادشاه بخواه^(۲)

(۱) این بیت در حافظ چاپ قزوینی و غنی وجود ندارد و این فزل در دیوان حافظ ذکر شده دارای ۱۲ بیت است.

(۲) ابیات فوق با اختلاف در دیوان عماد قبه کرمانی وجود دارد.

تَزَوَّجْتُ لَمْ أَعْلَمْ وَأَخْطَأْتُ لَمْ أُصِْبْ فَيَا لَيْسِنِي قَدِمْتُ قَبْلَ التَّزْوِجِ
 فَوَاللَّهِ لَا أَبْكِي عَلَى سَاكِنِ الثَّرَى وَلَكِنِّي أَبْكِي عَلَى الْمُتَزَوِّجِ
 ۷۹۹ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: يَا ابْنَ آدَمَ! مَا تَتَّصِفُنِي
 أَتَحَبَّبُ إِلَيْكَ بِالنِّعَمِ^(۱) وَتَتَمَقَّتُ إِلَيَّ بِالْمَعَاصِي خَيْرِي إِلَيْكَ مُنْزَلٌ وَشُرْكَاءُ إِلَيَّ صَاعِدٌ وَلَا يَزَالُ
 مَلِكٌ كَرِيمٌ يَا تَبْنِي عَنْكَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ بِعَمَلٍ قَبِيحٍ. يَا ابْنَ آدَمَ! لَوْ سَمِعْتَ وَضَفَكَ مِنْ غَيْرِكَ
 وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ مِنَ الْمُؤْصُوفِ لَسَارَعْتَ إِلَى مَقْتِهِ^(۲).

حاجی محمود کرمانی راست

صاحب دلان که کوی خلوت گرفته‌اند

جسیب مراد و دامن دولت گرفته‌اند

در کوی عشق پای به عزت نهاده‌اند

بر سینه دست شوق به طاعت گرفته‌اند

راهی چنین مخوف به همت بریده‌اند

ملکی چنین بزرگ به خدمت گرفته‌اند

در جست و جوی کعبه مقصود سالکان

هر کس رهی فراخور همت گرفته‌اند

دریاکشان جام ارادت ز دست دوست^(۳)

دردی ازو از سر رغبت گرفته‌اند

گر عارفی به دیده عزت نگاه کن

کأهل ادب طریقه عزت گرفته‌اند

(۱) بالنعمة.

(۲) بحار الانوار ۳۵۲/۷۳ ح ۵۰.

(۳) دست به دست هم خوانده می‌شود.

محمود سر ز صحبت صاحب دلان مکش

مردان نصیب خویش ز صحبت گرفته‌اند

عیب کسان مجو که بزرگان خرده‌دان

این شیوه را خلاف مروّت گرفته‌اند

حکایت (۱)

※۸۰۰※

ذوالنون مصری رحمه الله [علیه] گوید: روزی در بیمارستان رفتم دیوانه [ای] را دیدم غلیّ برگردن و سلسله [ای] در دست و بندی بر پای، مرا گفتند: از وی دور باش که دیوانه [ای] صعب است بناگاه تو را هلاک کند، بایستادم و نظاره او می‌کردم مرا گفت: یا ذَا النَّوْنِ! أَمَا رَضِيَ رَبُّكَ أَنْ أَفْسَدَ قَلْبِي بِحُبِّهِ حَتَّى غَلَّنِي بِغُلِّهِ وَقَيَّدَنِي بِقَيْدِهِ، يَا ذَا [ال]نُونِ أَقُلُّ لِرَبِّكَ وَبِحَبِيبِكَ لَوْ قَطَعْتَنِي إِزْبًا إِزْبًا مَا أَزْدَدْتُ لَكَ إِلَّا حُبًّا حُبًّا. فَقُلْتُ: يَا سَيِّدِي! النَّاسُ يَقُولُونَ: إِنَّكَ مَجْنُونٌ. فَقَالَ: إِنِّي مَجْنُونٌ عَنِ مَعْصِيَتِهِ، غَيْرُ مَجْنُونٍ عَنِ مَحَبَّتِهِ، يَا ذَا [ال]نُونِ، دست بردار که دعایی خواهم کرد و آمینی بگو، فَرَفَعَ يَدَهُ وَقَالَ: يَا إِلَهِي! إِنْ كُنْتُ صَادِقًا فِي مَحَبَّتِكَ فَأَقْبِضْنِي فَإِنَّهُ لَا صَبْرَ لِي عَلَى فِرَاقِكَ، فَقُلْتُ: آمِينَ! فَخَرَّ مَغْشِيًّا عَلَيْهِ فَحَرَكَتُهُ فَإِذَا هُوَ مَيِّتٌ.

حکایت (۲)

شهریاری پیرزنی در جوار خانه داشت نژندی، مستمندی، گدایی، بی‌نوایی به روز سپند بسوختی، شاه را شگفت می‌آمد. دینار زر به خادمی داد که این را پیش زن بر و حال سپند سوختن بپرس، خادم آورد و سوال کرد، گفت: هر چیز که در جهان هست او را چشم زخم در حساب باشد، این سپند از بهر آن می‌سوختم تا گدایی مرا چشم نرسد عاقبت هم چشمش رسید زرم بدادی ※۸۰۱※ و گداییم بستدی.

فارغ از عالم گدایی داندن^(۱) بهتر از حد پادشاهی راندن
از گدایی گر چه جان می سوختم این سپند از بهر آن می سوختم

حکایت (۲)

عامر بن قیس که قطب نه فلک بود روزی تره بی نان بر نمک می زد و می خورد یکی او را گفت: با این حد کمال بر تره بسنده کرده [ای] گفت: در عالم بسیارند^(۳) که بر کمتر از این قناعت کرده اند گفت: کیستند؟ گفت: آنها که به دنیا از آخرت بسنده کرده اند و دنیا بر آخرت اختیار کرده و نسبت دنیا با آخرت هزار بار [از] لذت تره کمتر باشد

زانکه دنیا در بردین ذره ایست صد هزاران ذره در هر تر تریست^(۴)
هر که در راه قناعت مرد شد ملک دنیا بر دل او سرد شد

حکایت (۵)

اصمعی گوید: طواف می کردم خانه را، پیرزنی را دیدم ریسمانی در گردن گوسفندی کرده و می کشید، گفتم: می فروشی گفت: بلی گفتم: به چند؟ گفت: به یک کساه گفتم: احسنی بی گوسفند رها کرد و برفت، گفتم: من مسامحت طلب کردم، گفت: تو گفتی احسان کن والأحسان ترک الکلی. اصمعی را خوش آمد و ذوقی او را دست داد و گفت: پیرزنی که احسان می کند همه می بخشد چه عجب که حق تعالی چون احسان فرد بنده را درگذارد.

۸۰۲ * قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَكْتُوبٌ عَلَيَّ قَبْرِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا ابْنَ آدَمَ! طَلَبْتَ الدُّنْيَا وَلَيْسَ لَهَا بَقَاءٌ وَتَرَكْتَ الآخِرَةَ وَلَيْسَ لَهَا فَنَاءٌ وَغُرِزَتْ بِمَحَبَّةِ

(۱) هكذا در متن اصلی.

(۲) حکایه.

(۳) بسیار اند.

(۴) هكذا در متن اصلی.

(۵) حکایه.

النَّسْوَانِ وَ لَيْسَ لَهُنَّ وِفَاءٌ^(۱).

عن قَيْسِ بْنِ عَاصِمٍ قَالَ: قَدِمْتُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي وَفْدٍ مِنْ بَنِي تَمِيمٍ فَقَالَ لِي: اغْتَسِلْ بِمَاءٍ وَسِدْرٍ، فَفَعَلْتُ ثُمَّ عُدْتُ إِلَيْهِ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! عِظْنَا عِظَةً يُنْتَفَعُ بِهَا. فَقَالَ: يَا قَيْسُ! إِنَّ مَعَ الْعِزِّ ذُلًّا وَإِنَّ مَعَ الْحَيَاةِ مَوْتًا وَإِنَّ مَعَ الدُّنْيَا آخِرَةً وَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا وَإِنَّ لِكُلِّ حَسَنَةٍ ثَوَابًا وَلِكُلِّ سَيِّئَةٍ عِقَابًا وَإِنَّ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابًا. إِنَّهُ لَا يَبْدُ لَكَ - يَا قَيْسُ! - مِنْ قَرِيبٍ يُدْفَنُ مَعَكَ وَهُوَ حَيٌّ وَتُدْفَنُ مَعَهُ وَأَنْتَ مَيِّتٌ، فَإِنْ كَانَ كَرِيمًا أَكْرَمَكَ وَإِنْ كَانَ لَثِيمًا أَسْلَمَكَ ثُمَّ لَا يُخْشَرُ إِلَّا مَعَكَ وَلَا تُبْعَثُ إِلَّا مَعَهُ وَلَا تُسْأَلُ إِلَّا عَنْهُ فَلَا تُجْعَلُهُ إِلَّا صَالِحًا فَإِنَّهُ إِنْ كَانَ صَالِحًا لَا تَأْتِسُ إِلَّا بِهِ وَإِنْ كَانَ فَاحِشًا لَمْ تَسْتَوْحِشْ إِلَّا مِنْهُ وَهُوَ مَعَكَ^(۲).

صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ [ص].

فی الدعاء

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ وَلَذَّةَ الْإِسْلَامِ وَطَعْمَ الْمَغْفِرَةِ وَبِرِّدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ.
 * ۸۰۳ * سُنِّلَ^(۳) عَنِ الشَّافِعِيِّ (رَضِيَ) مَا الصُّوفِيُّ قَالَ: أَكُولُ كَسُولُ كَثِيرِ الْفُضُولِ. ثُمَّ قَالَ: أَكُولُ مِنَ الْحَلَالِ وَكَسُولُ مِنَ الْمَعَاصِي كَثِيرِ الْفُضُولِ فِي أَمْرِ الْمَعْرُوفِ وَنَهْيِ الْمُنْكَرِ. قَالَ شَيْخُ الطَّائِفَةِ جُنَيْدُ الْبَغْدَادِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَقُدَّسَ سِرُّهُ: الصُّوفِيُّ: مَنْ لَبَسَ الصُّوفَ عَلَى الصَّفَاءِ وَعَاشَ النَّاسَ عَلَى الْوَفَاءِ وَرَمَى الدُّنْيَا خَلْفَ الْقَفَا وَسَلَكَ طَرِيقَ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ.

آورده اند که: چون شیخ حسن خرقانی را رحمة الله عليه، دفن کردند یکی از اولیا [ء] الله مترقب حال او بود. چون ملکان سایلان در رسیدند و از او سؤال کردند در جواب گفت: حسنو بیچاره صومعه داری بود چون مسافری بدو می رسید اولاً پا [ی] افزار او

(۱) روایت را در مجامع حدیثی بیافیم.

(۲) بحار الانوار ۲۲۸/۷ ح ۱۴۸.

(۳) سیل.

می کشید و سفره می گشود و بعد از ساعتی سؤال حال او می کرد، این بیچاره همین لحظه در زاویه تنگ [و] تاریک درآمده مع هذا باری تعالی را از این بنده مگر سلام دهید و بگویید^(۱) که تو با وجود چندین هزار بنده مرا یاد کردی حسنو [ی] مسکین که به غیر از تو کسی ندارد تو را چگونه در این حالت فراموش کند.

آن مرد نیم کز عدمم بیم آید آن نیمه مرا خوشتر ازین نیم آید
 جانیت مرا به^(۲) عاریت داده خدا تسلیم کنم چو وقت تسلیم آید
 * ۸۰۴ * عاشقی را یکی فسرده بدید کو همی مرد و خوش همی خندید
 گفتش آخر به وقت جان دادن چیست این خنده و خوش استادن
 گفت: خوبان چو پرده برگیرند عاشقان پیششان چنین میرند

پرسیدن شکسته دلان اهل فضل را نقصان فضل نیست کمال سیادتست
 نفس عیادت ار چه به صورت عیادتست لیکن به نقطه [ای] ز عبادت زیادتست

مرآتیه کبیر سیدی

گل را دیدم قبای سبز اندر بر با جامه اطلس و دهانی پرزر
 گریان کف پای باغبان می بوسید کاینک زر و جامه عمر یک روز دگر
 نقل است که سلطان مسعودالدین اردبیلی شیخ اوحدالدین کرمانی را به سماع دعوت
 کرد و به جهت خاطر شیخ غلبه [ای] از صاحب جمالان حاضر گردانید. شیخ را در سماع
 دستار از سر بیفتاد به اتفاق به موافقت او سرها برهنه کردند شیخ را چون نظر بر آن صاحب
 جمالان افتاد که سرها برهنه می کردند این رباعی بگفت:

۸۰۵ این خوش پسران که در غم می دارند پیوسته دو دیده پر غم می دارند
 دانی که چرا برهنه سر می گردند کشتند مرا و ماتم می دارند

(۱) بگوید.

(۲) به متصل نوشته می شود.

نقلست که: فضیل عیاض رحمة الله [علیه] فرزندی خرد داشت و او را می‌نواخت
 کودک گفت: ای پدر مرا دوست می‌داری؟ گفت: دارم گفت: خدای را دوست داری؟ گفت:
 دارم گفت: چند دل داری؟ گفت: یکی گفت: به یک دل دو دوست می‌توان داشت؟ فضیل
 دانست که سخن از کجاست دست بر سر زد و کودک را بینداخت و به حق مشغول شد و
 می‌گفت: نِعْمَ الْوَاعِظُ أَنْتَ يَا بُنَيَّ!

نقل است که: ابوسلیمان دارانی گفت: آن يك نفس که از دل درویشی برآید به وقت
 آرزویی که از یافت آن عاجز بود فاضل‌تر بود از هزار ساله طاعت و عبادت تو [انگری].
 گفته‌اند: تصوف دو چیز است: یکسو نگرستن و یکسان زیستن.

أَلَا إِنَّمَا الدُّنْيَا كَرَوْضَةٍ أَيْكَةِ إِذَا اخْضَرَّتْ مِنْهَا جَانِبٌ جَفَّ جَانِبٌ
 أَلَا فَكَتَحِلَّ عَيْنُكَ يَوْمًا بِعَبْرَةٍ عَلَى ذَاهِبٍ مِنْهَا فَبِأَنَّكَ ذَاهِبٌ
 * ۸۰۶ * أَلَا إِنَّ دُنْيَاكَ مِثْلُ الْوَدِيعَةِ جَمِيعُ أَمَانِيكَ فِيهَا خَدِيعَةٌ
 فَلَا تَغْتَرِرْ بِأَلَدِي نَلْتُ مِنْهَا فَمَا هِيَ إِلَّا سَرَابٌ بَقِيعَةٌ

فِي الْخَبَرِ: عَنْ أَبِي بَكْرٍ (رَضِيَ) (۱): ضَحِكَ فِي وَجْهِ عَلِيٍّ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ، فَقَالَ: مِمَّ
 ضَحَيْتَ يَا خَلِيفَةَ رَسُولِ اللَّهِ! قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا يَجُوزُ فِي الصَّرَاطِ
 إِلَّا مَنْ كَتَبَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ جَوَازًا لَهُ.

فَضَحِكَ عَلِيُّ فِي وَجْهِ أَبِي بَكْرٍ (رَضِيَ) (۲). قَالَ: مِمَّ ضَحَيْتَ يَا أَبَا الْحَسَنِ؟ قَالَ: قَالَ
 رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَا عَلِيُّ! لَا تَكْتُبِ الْجَوَازَ إِلَّا مَنْ أَحَبَّ أَبَا بَكْرٍ (۳) (رَضِيَ) (۴)!!!

(۱) بالای این اسم نوشته شده است: علیه اللعنة والنيران.

(۲) زیرا این کلمه نوشته شده است: علیه اللعنة.

(۳) ذیل این اسم يك مصرع شعر نوشته شده است که کاملاً خوانده نمی‌شود هزار بخشش باد.

(۴) پایان این حدیث کاتب دیگری نوشته است: هذا الحديث من الاحاديث الموضوعية، لعنة الله على من اعتقد بهذا الحديث.

فی الشمع

پروانه بسوخت شمع بروی موید می گوید و اکنون به چراغش جوید
شب بود و غریب و آب در خانه نبود و آن شمع به آب دیده اش می شوید

زر خواسته [ای] اشک عوض می دهمت

جانا چه کنم چو نقد عینم این است

***۸۰۷* سوزی که قضا بر سر این شمع نگاشت

امید نداشت يك شب از شام به چاشت

با دیده گریان همه شب این می گفت

عمرم چو شبیست زنده می باید داشت



ناگه شب دوش لعبت نورانی در گوش دلم گفت همی پنهانی

چندانکه نشستی ایستادم بر پای اکنون که بخفتی نه مرا بنشانی

شمع ارچه به گریه جان گدازی می کرد گریه زده خنده [ای] مجازی می کرد

آن شوخ سرش همی بریدند و هنوز ایستاده بدو زبان درازی می کرد

فی غنیره

با یار کزو کار تبه داشته ام با دیدن رویش به گنه داشته ام

گفتم: که دلم بازدهی گفتا: چه من کی دل دوستان نگه داشته ام

من حاصل عمر دادم از دست و برفت هم روز شباب رخت بر بست و برفت

جامی زحیات^(۱) بود در دست و لیک پیری برسید و جام بشکست و برفت

چو گرد از خاک برخیزم بگیرم دامنت روزی

ولی ترسم کزین خاکی غباری در میان آید

۸۰۸ می‌کشی خط و می‌کشی عاشق

حاجب السیف والقلم شده [ای]

دهان تنگ تو روزی من کناد خدای اگر چه روزی تنگ از خدا نخواهد کس

عماد شهریاری راست

دریغا دیده ره بین نداری به غفلت عمر شیرین می‌گذاری

بسر بردی به غفلت روزگاری مگر در گور خواهی کرد کاری

لکمال اسماعیل^(۲)

کلکت چو سر به بوالعجبیها بر آورد هر چه آرد از آن دگر خوشتر آورد

پی بر بساط روم نهد نقش حسن کند سر در شب سیاه زند اختر آورد

گر آمدست بر سر انگشت فرخت دریا عجب مدار که نی بر سر آورد

لغیره

ای دل مطلب ز دیگران مرهم خویش

خود باش به هر درد دلی مرهم خویش

با خود بنشین و خود همی خور غم خویش

ور همدمت آرزو کند هم دم خویش

(۱) حیوة.

(۲) اسمهای خاص در عنوانهای این متن گاهی فارسی گاهی عربی نوشته می‌شود.

۸۰۹* آخر ز گل رخت به خاری برسم

وز باد و صلت به خماری برسم

در بحر غمت فکنده ام کشتی صبر

باشد به لبی یا به کناری برسم

نقل است که سمون محبّ روزی در محبت سخن می گفت، مرغکی از هوا درآمد و بر

سر او نشست، پس در کنار او نشست پس بر زمین نشست پس چندان منقار بر زمین زد که

خون از منقار او روان شد پس بیفتاد و بمرد

اگر خود بر درد پیشانی پیل نه مردست آنکه^(۱) در وی مردمی نیست

بسی آدم سرشت از خاک دارد اگر خاکی نباشد آدمی نیست



عیب بزرگ بر کشیدن خود را بپوشیدن از جملگی خلق برگزیدن خود را

از مردمک دیده ببايد آموخت دیدن همه چیز را ندیدن خود را

از کبر مدار هیچ در سر هوسی کز کبر به جایی نرسیدست کسی

چون زلف بتان شکستگی عادت کن تا صید کنی هزار دل هر نفسی

فی التواضع

۸۱۰ گرت هوای بزرگیست خرد باش اوّل

نهال سرو در اوّل کشد قد و بالا

نخست مایه فرمان دهی بود خدمت^(۲)

به^(۳) پایه پایه توانی شدن سوی بالا

(۱) آنکه به همین شکل نوشته شده است بر خلاف قبل که، آنک نوشته می شد.

(۲) خدمت.

از عالم مسکنت گلی گر چینی در عالم جان به سلطنت بنشیننی
خواهی که بود دیده مردم جای چون مردم دیده ترک کن خودبینی

قَالَ الْعُصْفُورُ لِفَخٍّ^(۴): مَنْ أَنْتَ؟ قَالَ: أَنَا عَبْدٌ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ، قَالَ: بِمَ انْحِنَاءُ ظَهْرِكَ؟ قَالَ: مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ تَعَالَى. قَالَ: لِمَ شَدَدْتَ وَسَطَكَ؟ قَالَ: لِجِدَّةِ الْوَعْيِ. قَالَ: وَمَا هَذِهِ الْقَصَبَةُ؟ قَالَ: هَذِهِ عَصَايَ. قَالَ: فَمَا هَذِهِ الْحَبَّةُ؟ قَالَ: أَتَصَدَّقُ بِهَا. قَالَ: يَجُوزُ أَنْ أَكُلَ مِنْهَا؟ قَالَ: إِنْ تَحْتَجَّجُ^(۵) فَكُلْ. قَالَ: أَحْتَاَجُ. فَفَرَمَ عَلَيْهَا فَأَخَذَهُ بِحَلْقِهِ. قَالَ الْعُصْفُورُ: جَبِقُ جَبِقُ^(۶). قَالَ: جَبِقُ أَوْ بَبِقُ لَا أَطْلُقُكَ. قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَخْصٍ ذَاكَ قَوْلُهُ وَهَذَا فِعْلُهُ. قِيلَ: أَرْبَعَةٌ قَلِيلُهَا كَثِيرٌ: الْوَجَعُ وَالنَّارُ وَالذَّيْنُ وَالْعَدَاوَةُ.

***۸۱۱ بد اندر حق مردم نیک و بد مگوی ای جوانمرد صاحب خرد

که بد مرد را خصم خود می‌کنی و گر نیک مردست بد می‌کنی^(۷)



باغبانی بسنفسه می‌بویید^(۸) گفت: کای گوژ^(۹) پشت جامه کبود
این چه رنگست^(۱۰) در زمانه ترا پیر ناگشته در شکستی زود
گفت پیران شکسته دهرند در جوانی شکسته باید بود

(۳) ب.

(۴) لِفَخٍّ.

(۵) در متن: تَحْتَاَجُ.

(۶) منظور جَبِقُ جَبِقُ است.

(۷) این بیت در حاشیه بالای صفحه نوشته شده است.

(۸) عمشید.

(۹) کوژ برای اولین حرف از بصورت ۳ نقطه نوشته شده است.

(۱۰) در حاشیه سمت راست به جای این چه رنگست نوشته شده است: چه رسیده است.

دوش با سرو سہی بلبل بیدل می گفت
 کہ زگل بین کہ ہمی قسمت من خار آید
 در چمن رفت بہ بازار و نمی اندیشید^(۱)
 کز گلابی جگرش خستہ و افکار آید
 سرو بن گفت کہ شک نیست کہ آہش ببرند
 ہر کہ آراستہ و مست بہ بازار آید^(۲)

فی طلب الوظيفة

بہ سمع خواجہ رسان ای ندیم وقت شناس بہ خلوتی کہ در آن اجنبی صبا باشد
 لطیفہ [ای] بہ میان آر و خوش بخندانش بہ نکتہ [ای] کہ دلش را در آن رضا باشد
 پس آنگہ از کرش این قدر بہ لطف پیرس کہ گر وظیفہ تقاضا کنم روا باشد
 امید خلق برآور چنانکہ بتوانی بہ حکم آنکہ ترا ہم امید مغفرتست
 اگر زیبای درآیی بدانی این معنی کہ دستگیری افتادگان چہ مصلحتست^(۳)



حَرَزُهُ أَقْلُ عِبَادِ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَخْوَجُهُمْ إِلَى عَفْوِهِ وَ عُفْرَانِهِ مَلِكُ السَّلْمَانِيِّ عَزَّ صَوْتُهُ^(۴)،
 تَذِكْرَةٌ لِصَاحِبِهِ عَظْمَ قَدْرِهِ وَ مَتَعَ اللَّهُ بِهِ وَ بِأَفْعَالِهِ فِي أَوَاخِرِ رَجَبِ الْمُرَجَّبِ الْمُعْظَمِ لِسَنَةِ
 اثْنَيْنِ وَ ثَمَانِينَ وَ سَبْعِمِائَةِ الْهَلَالِيَّةِ .



(۱) اندیشد .

(۲) سہ بیت فوق مورب در وسط صفحہ نوشته شود .

(۳) این دو بیت مورب در متن پایین صفحہ نوشته شدہ است .

(۴) عَزَّ صَوْتُهُ بظاہر اینگونہ خواندہ می شود .

۸۱۲ [این صفحه و صفحه بعد به علت اغتشاش به محل اصلی خود یعنی بعد از

صفحه ۵۵۹ نسخه عکسی بیاض منتقل گردید.]



۸۱۳ [این صفحه و صفحه قبل به علت اغتشاش به محل اصلی خود یعنی بعد از

صفحه ۵۵۹ و قبل از ۵۶۰ نسخه عکسی بیاض منتقل گردید.]



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علمی

* ٨١٤ * مِمَّا زَيْنَهُ بِأَنَامِلِهِ الشَّرِيفَةِ الْمَوْلَى الْمُرْتَضَى
 الْأَعْظَمُ نِظَامُ الْمِلَّةِ وَالدِّينِ آيَحْسَنَ الْأَمَلَى
 أَعْلَى اللَّهِ تَعَالَى شَأْنَهُ

ذِكْرُ اللَّهِ الْأَعْلَى بِالنَّقْدِ مِرَاوِلَ

ذِي الْبَيْحَةِ وَالْوَعْفَةِ مِنْ مِصْرَ

فَالسَّكَاةِ

لَمَّا نَفَسْنَا بِكَ مِنْ بَرِّ الْبَحْرِ وَأَسْفَرْنَا بِالسُّعَانَ الْعَاوِدِ وَالْعَمِيدِ
 وَاصْبِرْ عَلَى تَسْمِينِ الْأَذْيَانِ مَمْعَا إِنَّ لَكَ ذُرْوَى أَوْشَرِ مِنَ الْكَمْدِ
 هَذَا التَّسْبِيحُ الْمَشْهُورُ بِرِوَايَةِ أَبِي بَكْرٍ الْأَخْبَرِيِّ وَهُوَ
 أَوْشَرُ حَتَّى لَمْ تَرَ أَوْشَرَ أَدَى أَيْبُرُ مِشْرِيقًا فَاسْتَبَدَّ مِنْ حَيْبِ
 لَأَمْتِ هَلْهُمُ الْوَبُ حَسْبُنَا إِنْ يَتَّخِذُ الْوَدُوفُ فِي رَسِيدِ
 بَأْوِثِ الْخَمْرِ قَبْلَ الْوَتِّ مِثْرًا الْمَكَاةُ وَالْخُرُوبُ الْكَلْبُ وَالْعَبْدُ
 رَاعِبٌ عَلَى الْكَيْسِ نَمَا وَكَرِيمٌ وَلَوْ لَمْ أَلْ بِالنَّشْبِ لَكَ مِنْ حَرْدِ
 وَلَا مِ كَرَمِكَ الْكَلْبُ نَمَلٌ وَكَيْفَا وَعَنْ سَلَاةِ سَيْلِ الْعَمِيدِ لَا يَجْدُ
 أَيْبُرُ يَمْرُوكَ نَمَا لَكَ مَقْبُودَا وَاسْتَبَدَّ بِالْقَمِيدِ مَا مَكَلَّتْ بِرَيْدِ
 بِحَيْثُ وَمَارَكَ وَاسْتَعْرَفُوا لَكَ يَا لَعُونِي تَكْفُرًا زَعَا لَكَ وَالْكَفْدُ
 لَا تَكْفُرُ نَمَةً بِعَارِثِ بَدَا حَسْبُ لِي وَإِنِّي لَأَعْلَى حَقًّا الْفَيْرُ لِحَسْبِ
 إِنَّ لَكَ مَشْرِيقًا فَاسْتَبَدَّ مَا تَعْنَتُ وَأَرْضُ الْمَيْسِ لَعُوبُ وَالْكَفْدُ

فِي النَّصِيحَةِ وَالْمَوْعِظَةِ

من قصيدة، قال كاتبه

لَا تَشْكُ مَا بِكَ مِنْ ضُرِّ إِلَى أَحَدٍ وَاشْتَعِنِ بِالسُّتَعَانِ الْقَادِرِ الصَّمَدِ
 وَأَضِيزِ عَلَي مَضِضِ اللَّوَاءِ مُفْتَعِضًا وَإِنْ لَمْ تَكُنْ ذَا رِضَى أَوْ مِتْ مِنَ الْكَمَدِ (٤)
 مَهْمَا اسْتَتَبَ لَكَ الدُّنْيَا اسْتَعِزْ فَرَعًا مِنْ طَارِقٍ فَاعْرِ لِأَيْمِ ذِي نَكْدِ
 أَوْ مَسَّ جِسْمَكَ ضُرٌّ أَوْ لَقِيتَ أَدَى أَبْشِرْ بِبُشْرٍ لِمَا قَاسَيْتَ مِنْ كَبَدِ
 لَا تَأْمَنَنَّ هُجُومَ الْمَوْتِ مُخْتَلِفًا إِنْ بَتَّ فِي حَرَسٍ لَدِّ وَفِي رَصَدِ
 بَادِرْ إِلَى الْخَيْرِ قَبْلَ الْفَوْتِ مُسْتَهْزَأً إِنْ كَانَتْ وَأَخْشَ مِنْهُ الْفَتَّ فِي عَضَدِ
 وَأَغْضِبْ عَلَى النَّفْسِ إِشْفَاقًا وَتَكْرِمَةً وَاتْرُكْ لَهَا كُلَّ مَا اسْتَهْوَاكَ مِنْ حَرَدِ
 وَالزِّمْ طَرِيقَتَكَ الْمُثْلَى تَنْلُ فَرَجًا وَعَنْ سَوَاءٍ سَبِيلِ الْقَضِ لَا تَحَدِ
 أَيْقِنْ بِفَوْزِكَ لَمَّا كُنْتَ مُقْتَصِدًا وَاشْتَبِقْ بِالْقَضِ مَا قَدْ نَلْتَ مِنْ رَشَدِ
 جَلِيبٌ وَقَارِكٌ وَاسْتَعْمِرْ فُؤَادَكَ بِأَ لِتَقْوَى وَكُنْ بَارِعًا ذَا الرَّأْيِ وَالسَّدَدِ
 لَا تَلْتَمِسْ نِعْمَةً حَازَتْ يَدَا رَجُلٍ إِنْ أَلْتَمَسَكَ حَظُّ النَّاسِ لِلْحَسَدِ
 إِنْ لَمْ تَجِدْ مُشْتَهَى فَاقْنَعْ بِأَيْسَرِ مَا تَقَاتُ وَارْضَ بِبُلْبُسِ الصُّوفِ وَاللَّبَدِ
 * ٨١٦ * فَإِنَّ صُوفَكَ أَنْفَى لِلْمَعْرَةِ مِنْ عَصَبٍ وَأَوْقَى لِذِي التَّقْوَى مِنَ الزَّرَدِ

(١) كلمة «أبحسن» در عنوان صفحه پیشین، ظاهراً مخفف آقا حسن است یا اینکه الحسن منظور است

(٢) الاعل.

(٣) اول.

(٤) شاید «بت» من «کمد» صحیح باشد.

يَا نَفْسُ! لَا تَخْضَعِي لِلنَّاسِ طَامِعَةً
إِنِّي تَعَوَّضْتُ عَمَّا كَانَ يُعْجِبُنِي
لِلَّهِ جَارِي وَعَوْنِي وَاللَّيَازُ بِهِ
بَلْ مَا اسْتَطَعْتَ ازْدِيَاداً فِي السُّنُوعِ زِدِي
التَّوْحِيدُ لِلَّهِ رَبِّي الْوَاحِدِ الْأَحَدِ
وَهُوَ الْمُعِدُّ لِمَا أَخْشَى وَمُلْتَحَدِي

وقال من قصيدة

أَبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ مُوَحِّدًا
فَإِنْ كُنْتَ بِاللَّهِ الْمُهَيِّمِ مُؤْمِنًا
فَلَا تَأْتِ مَا تُنْفِي بِهِ عَنْ جَوَارِهِ
وَإِنْ كُنْتَ بِالرُّجْعَى إِلَى اللَّهِ قَائِلًا (١)
وَمَا مِنْهُ يَسْتَخِي وَيُنْكِرُهُ الْفَتَى
وَكُنْ ذَاكِرًا لِلَّهِ مُسْتَغْنِيًا بِهِ
تَوْفَرَ مِنَ الْأَعْمَالِ فَالصَّالِحَاتُ مَا
إِذَا كُنْتَ أَرْضًا قَاتٍ بِالْوَرْدِ نَابِتًا
وَدُمْ ذَا اغْتِنَاءٍ بِاللُّبَابِ مُحَقَّقًا
وَلَا تُهْمِلِ الْأَنْفَاسَ مِنْكَ مَصَاعَةً
لِتَسْعَدَ يَوْمَ الْعَرْضِ وَالْحَشْرِ وَالنَّشْرِ
وَتَرْجُو لِقَاءَ اللَّهِ فِي مَوْقِفِ الْحَشْرِ
مِنَ الظُّلْمِ وَالْكَفْرَانِ وَالْكَذِبِ وَالْعَدْرِ
تَطَهَّرْ نَظِيفَ الْعِرْضِ مِنْ دَنَسِ الْوِزْرِ
تَنْزَهُ كَرِيمَ النَّفْسِ بِالْفِعْلِ وَالْفِكْرِ
عَنِ الدَّهْرِ وَالْإِخْوَانِ فِي السَّرِّ وَالْجَهْرِ
يَسُرُّ بِهَا الْإِنْسَانَ مِنْ نَافِعِ الذُّخْرِ
وَإِنْ كُنْتَ مُزْنِ الْجَوْكُنِ سَاكِبَ الْقَطْرِ
لِيَبْيَأَنَّكَ قَلَّ الْعِنَايَةُ بِالْقَشْرِ
وَزِدْ فِي افْتِنَاءِ الْمَجْدِ وَالْفَضْلِ وَالْبِرِّ

في النسيب

* ٨١٧ * تَكَلَّمَ وَالدُّرُّ النَّظِيمُ مُبَاسِمٌ
فَمَا لِي أَرَاهَا لِلنُّجُومِ مُطَالِعًا
فَلَوْلَا انْتِقَاضُ السَّلَكِ نَشْرًا لِنَظْمِهِ
لَقَبْتُ لَقَيْطَ الدُّرِّ بَعْدَ انْتِقَاضِهِ
تَكَامَلَ بِالْقَوْلِ السَّدِيدِ مَلَا حَةَ
تَبَارَكَ مَنْ أَعْطَاهُ فِي رَوْثِ الصَّبِيِّ
تَلَالًا بَرَقَ مِنْ تَنَايَاهُ مُوَهِنًا
بِنَظْمٍ مِنَ الدُّرِيِّ لِلَّهِ نَاطِمَةٌ
وَعَارَ الْبِتَامَا بِالْبُدُورِ مُلَائِمَةٌ
فَرَادَى وَمَشْنَى قُلْتُ لَاحَتْ مَبَاسِمُهُ
بِهِ كَانَ حُلَى عَاطِلِ الشَّعْرِ نَاطِمَةٌ
فَزَادَ اخْتِيَالًا بِالصَّبَابَةِ هَائِمَةٌ
مِنَ الْفَضْلِ مَا تَأْبَى الدُّرُوسُ مَرَّاسِمُهُ
بِهِ زَالَ صَبْغُ اللَّيْلِ وَابْيَضَّ فَاحِمُهُ

تَطَّلَعُ مَسْلُولاً مِنَ الْعُنْدِ صَارِمَةٌ
شَكِيرٌ عُيُونِ النَّاطِرِينَ غَمَائِمَةٌ
حِسَابِ اخْتِلَاسِ اللَّثْمِ يَرْفَعُ رَاقِمَةٌ
سَرِيّاً حَيَاهُ عَيْمَةٌ الْفَنَمِ قَاسِمَةٌ

وقال

وَإِعْتِنَاكَ مِنْ فَوْزٍ وَمِنْ فَرَجٍ
وَكَانَ مِضْبَاحُ عَيْنِي كُلِّ مُدَلِّجٍ
قَالَ وَأَقْدَيْنَاكَ بِالْأَلْبَابِ وَالْمُهْجِ
إِلَّا بِوَضْلِكَ قَوْلًا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ
عِنْدِي مِنَ الطَّيْفِ لَمْ أَخْتَجِ إِلَى السَّرَجِ
أَهْلُ الشَّوْاطِئِ وَقَلْبِي غَائِضُ اللَّجَجِ
فَلَمَّا كَانَ دَاحِصَةً يَوْمَ اللَّقَا حُجَجِي
حُرْمَتُ بَشْرِكَ يَا ذَا الْمَنْظَرِ الْبُهْجِ
بِكُلِّ حُبِّ أَرَاهُ كُلِّ مُنْتَرِجِ
عَنْ نَفْسِهِ لَيْسَ بِالْمُسْتَهْتَرِ اللَّهْجِ
أَلْقَى بِقَلْبٍ حَزِينٍ كُلِّ مُبْتَهْجِ
فِي قَلْبِهِ غَيْرُ مَحْضِ الْحُبِّ لَمْ يَلْجِ
هَآكِ الْفُقُودِ بِغَيْرِ الْحُبِّ كُلِّ شَجِ
أَوْ بِالْكَمِيِّ غَدَاةَ الرُّفُوعِ لَمْ يَهْجِ

وقال

تَعِيشُ عَيْشَ مَنْ إِذْ رَاعَهُ شَيْئُهُ شَيْئاً
كُنِ الدَّهْرُ سِلْمًا وَانْتَهَضَ لِلْحِجَى حَزْباً
مِنَ الْعُمْرِ وَالْدُّنْيَا إِذَا لَمْ يَكُنْ صَبّاً

كَأَنَّ رَدِيفَ الصُّبْحِ مِنْ لَمَعَانِهَا
عَلَى عَارِضِ ذِي رَوْضَةٍ أَنْفٍ لَهُ
حَسِبْتَ إِذَا خُطَّتْ رُقُومُ أَنْفِ عِذَارِهِ
أَرَانِي إِذَا اسْتَأْتَرْتُ حُسْنَ الْهَوَى لَهُ

كَسَفَى بِسَرِّيَاكَ مِنْ طَيْبٍ وَمِنْ أَرْجٍ
أَنْتَ الَّذِي أَشْرَقَ الدُّنْيَا بِغُرَّتِهِ
٨١٨ أَنْتَ الَّذِي مِنْكَ تَسْتَحْيِي الْمَلَا حُ إِذَا
لَا يَسْتَقِيمُ لِقَلْبِي مَا يُؤَمِّلُهُ
لَيْلِي بِهِمْ لِأَظْلَامِ النَّوَى وَلَمَّا
أَنْسَى لِغَيْرِي وَجَدُ الْعَاشِقِينَ وَهُمْ
لَوْ كُنْتُ هَمْتُ إِلَى غَيْرِ الْهَوَى أَبَدًا
أَوْ قُلْتُ بِالْغَيْرِ أَوْ أَضْمَرْتُ غَيْرَ هَوَى
لَمْ أَرْضَ مَا عِشْتُ مِنْ قَلْبِي الْكَيْبِ وَلَوْ
لِأَنَّ مَنْ لَيْسَ يَفْنَى فِي مَحَبَّتِهِ
مِنْ أَيْنَ لِلْوِدَاعِ الْمَسْرُورِ لَذَّةُ مَا
إِنِّي أَنَا الْعَاشِقُ السَّحْرُ الَّذِي أَبَدًا
مَنْ كَانَ صَبّاً شَجِيحاً فِي مَحَبَّتِهِ
لَوْ أَنَّ مَا بِي بِالنَّيْرَانِ مَا وَهَجَتْ

سَلِّ الْوَضْلَ وَأَرْحِ الْقُرْبَ وَاسْتَكْمَلِ الْحُبَّ
وَدَعْ جَانِباً عَنْكَ السَّلْوَ وَلِلْهَوَى
٨١٩ وَمِنْ عَجَبٍ أَنَّ الْفَتَى مَا يَسْرُوقُهُ

سِوَى الْحُبِّ شَيْءٌ كَيْفَ لَمْ (۱) غَسِنِيَا
بِهَا مِثْلُ رُوحِي بِالنَّسِيمِ إِذَا هَبَّ
أَهْيَمَ بِهَا لَاعِشْتُ إِنْ لَمْ أُمَّتْ كَرَبَا
أَرَى كُلَّ شَيْءٍ غَيْرِهِ هَائِلًا (۲) صَغْبَا
وَإِنْ كَانَ خَطْبًا لَمْ أَزَلْ أَعْشِقُ الْخَطْبَا
وَسِرِّي لَهُ قَبْلَ التَّدَاهِ لَهُ لَبِي
لَكَانَ الَّذِي قَدْ قِيلَ كَانَ اسْمُهُ (۳)
يَطُوفُ بِهَا مَنْ كَانَ أَعْلَى الْوَرَى كَغْبَا
تَحَلَّلْتُ مِنْ أَكْنَافِهِ مَنَزِلًا رَحْبَا
رُجِزْتُ بِأَنِّي فِي الْهَوَى وَاسِعَ سَرْبَا
فَقَالَتْ مَرِيضٌ قُلْتُ بَلْ أَشْتَكِي الْقَلْبَا
وَذَلِكَ لِأَنَّ قَدْ زُرْتَنِي مَرَّةً غَبَا
لِذَلِكَ يَرَانِي عَاذِلِي أَكْرَهُ الطَّبَا
يُرَدُّ إِلَيَّ مُزِينِ الرَّبِيعِ إِذَا انْصَبَا
عَذَابًا عَذَابَ مَرَّةٍ لَمْ يَزَلْ عَذْبَا
هَوَاكَ سُلَيْمِي الرَّاحِ وَالْكَأَسِ وَالشُّرْبَا
سِوَى عَن مَلِيكَ يَخْلِكُ الشَّرْقَ وَالْغَرْبَا

وقال

وَدَهْرًا صَفَّتْ لِلْعَيْشِ فِيهِ الْمَوَارِدُ
وَأُنْسِي بِمَنْ أَهْوَى وَهَمَى وَاحِدُ

وَاعْجَبُ مِنْ ذَا أَنْ مَنْ فِي فُؤَادِهِ
أَرَى الْحُبَّ رُوحًا لِلْحَيَاةِ لِأَنَّهَا
إِذَا أَتَا لَمْ أَنْشَقْ نَسِيمًا مِنَ السَّيِّ
فَمَنْ قَالَ إِنَّ الْحُبَّ صَغْبٌ فَإِنِّي
وَإِنِّي امْرُؤٌ لَا حَظَّ لِي فِي سِوَى الْهَوَى
دَعَانِي الْهَوَى الْيَوْمَ الَّذِي خُلِقَ الْهَوَى
وَأَوَّلُ مَا وَدَعْتُ يَوْمًا عَرْفَتُهُ
هُوَ الْحَرَمُ الْمَقْصُودُ لِأَزَالَ كَغْبَةً
إِذَا ضَاقَ صَدْرِي بِالزَّمَانِ وَأَهْلِيهِ
وَإِنْ سَنَحْتُ لِي سَرَبٌ عَيْنٍ مِنَ الطَّبَا
رَأَيْتَنِي سُلَيْمِي شَاحِبَ اللَّوْنِ نَاحِلًا
حَرِيقَ الْحَشَا مِنْ حَرِّ مَا بِي مِنَ الْجَوَى
بُلَيْتُ بِدَاءٍ فَاسْتَطْبْتُ ضِرَارَهُ
عَذَلْتُ لِأَنَّ أَسْلُو فَكَانَ كَوَابِلُ
* ۸۲۰ * دَعَيْتَنِي أُمَّتٌ حُبًّا فَإِنْ يَكُنْ
سَكَرْتُ بِصَفْوِ الْحُبِّ مِنْكَ فَكَانَ لِي
غَنِيْتُ بِهِ عَن كُلِّ شَيْءٍ حَبِيئَتُهُ

يُجَدِّدُ لِي ذِكْرُ الْحَبِيبِ الْمَعَاهِدِ
إِذَا كَانَ جَمْعُ الشَّمْلِ بَعْضَ مَسْرَتِي

(۱) در این موضع يك كلمه مفهوم نیست.

(۲) هائلا.

(۳) در این موضع يك كلمه مفهوم نیست.

إِذَا كَانَ لِي غَضْنُ الصَّبِيِّ مُتَهَدِّلاً
 إِذَا كَانَ عِنْدِي لِخُلَاعَةِ وَالْهَوَى
 أَنَامُ كَرِيماً مِلءَ عَيْنِي مُنْعَمًا
 وَهَيْفَاءَ مَضْقُولِ الْعَوَارِضِ رَاوَدَتْ
 فَعَانَقْتُهَا وَاللَّيْلُ زَيْنَتْ سُتُورَهَا
 فَلَمَّا اتَّخَذْنَا مَضْجَعًا فِي لِعَابِنَا
 وَعَنْ مِثْلِ مَا قَدْ بَدَدَتْهَا تَبَسَّمَتْ
 تَأْرَجَ وَهِنًا حِينَ مَرَّتْ بِنَا الصَّبَا
 ذَكَتْ نَارُهُ قَلْبِي وَلَمْ يَكْ (٤) هَامِدًا
 ۸۲۱ طَفِقْتُ بِهَا أَنْكِحِي عَلَيَّ الْبَدْرُ مُنْشِدًا
 كَأَنَّ لَمْ يَكُنْ بِالْأَمْسِ فِي الدَّارِ آتِسَتْ
 (٥) الرَّزَايَا كُنَّ عَنِّي قَوَاعِدًا
 فَسَهَا أَنَا إِذَا عِنْدِي مُقِيمٌ وَمُسْتَفْعِدٌ
 بِنَفْسِي يَوْمًا طَوَّقْتَنِي مُعَاصِمًا
 رَشَفَتْ فَاءً كَالشَّهْدِ أَشْهَدُ أَنَّهُ
 أَضَعْتُ فُؤَادِي إِلَى الْهَوَى فَنَشَدْتُهُ
 فَمَنْ كَانَ مَقْتُولَ الْمَحَبَّةِ خَاطِئًا
 أَحِبُّ اللَّوَاتِي لَا تَدُومُ عَلَيَّ الْوَفَا
 وَأَفْنَانُهُ تَهْتَزُّ وَالظُّلُّ بَارِدٌ
 نَدِيمٌ كَرِيمٌ أَوْ حَبِيبٌ مُسَاعِدٌ
 وَحَوْلِي عُيُونُ الْحَاسِدِينَ شَوَاهِدُ (١)
 مُوَاصِلَتِي وَالرَّاقِبَاتُ رَوَاقِدُ
 كَأَنَّ دَرَارِيَّ التَّسْجُومِ فَرَايِدُ (٢)
 تَبَدَّدَ مِنْهَا عِقْدَهَا وَالْقَلَانِدُ (٣)
 فَأَيُّنَ الشَّرِيَا مِنْهُمَا وَالْفَرَاقِدُ
 بِأَطْيَبِ مَا فَاحَتْ عَلَيْهَا الْمَرَاقِدُ
 هَوَى كُلهُ فِي جَمْرَةِ الْقَلْبِ خَامِدُ
 وَيُمْلِي عَلَيَّ الْمُبْكِيَاتُ عَطَارِدُ
 بِسُكَّانِهَا تِلْكَ الظُّبَاءُ الشُّوَارِدُ
 عَلَيَّ الْبُعْدِ مِنِّي وَالنَّوَى مُتَبَاعِدُ
 مِنَ الْغَمِّ إِذْ قَامَتْ عَلَيَّ الْقَوَاعِدُ
 وَمِنِّي ضَمَّتْهَا إِلَى سَوَاعِدُ
 يُعِيدُ حَيَاةَ الْمَيِّتِ وَالذُّوقُ شَاهِدُ
 حَثِينًا إِلَى أَنْ صَحَتْ وَأَضَاعَ نَائِدُ
 فَإِنِّي بِهَا قَتَّالُ نَفْسِي عَامِدُ
 بِحَالٍ وَإِنْ دَامَتْ بِهَا لَا تُعَاوِدُ

(١) سواهد.

(٢) فراید.

(٣) القلانید.

(٤) در اصل: لك.

(٥) در این موضع يك كلمه مفهوم نیست.

وَللغد (۱) لَسَدِيهِنَّ غَامِدُ
 وَهَلْ عِنْدَ إِحْدَاهُنَّ إِلَّا الْمَكَائِدُ (۲)
 وَلَوْلَا الْعُيُونُ السُّودُ مَا ضَلَّ عَابِدُ
 عَزِيزُ الْأَسَى لَوْلَا التَّدِيُّ النَّوَاهِدُ
 وَلَا أَقْتَضَتْ وَرْدُ الْأَسُودِ الْأَوَابِدُ
 تَظَلُّ بِهَا تَسْحِي السُّعْلَى وَمَحَامِدُ

شَهْرَنَ مِنَ الْأَلْحَاطِ بِبَيْضِ صَوَارِمَا
 نَصَبِنَ لِقَلْبٍ رَامَهُنَّ حَبَائِلًا
 فَلَوْلَا الْجَوَارِي الْعَيْنُ مَا جُنَّ عَاقِلُ
 وَعَزُّ وَجُودًا نَاجِلُ مُتَهَدُ
 وَلَا عَبَثَتْ بِاللَّيْثِ فِي خَيْسِهِ (۳)
 كَفْتِكَ هَوَى الْعَيْدِ الْفَوَاسِي مَكَارِمُ

وقال

۸۲۲*

وَإِسْحَاءَ سِرِّ بِالسَّلَامِ كِتَابُ
 وَإِنْ بَسْتِ عَنِّي لَا يَحْوُلُ حِجَابُ
 وَمَخْوِي لِنَفْسِي بِالْفَنَاءِ مَتَابُ
 تُقَابِنَ عُوْدِي لِأَعْدَاكَ ثَوَابُ
 صَفَائِحُ مِنْهَا لِأَعْلِيهِ تُرَابُ
 رَضِي لَكَ إِعْجَابًا بِحُبِّكَ عَابُ
 يَجِلُّ وَلَمْ يَنْعَمْ عَلَيْهِ جَوَابُ
 بِهِ لِسَنَائِكَ الْعَذَابُ عَذَابُ
 لَمَنْ قَاطَعَتْهُ فِي هَوَاكَ (۴)

لِمِثْلِكَ إِضْمَارُ الْكَلَامِ خِطَابُ
 وَذِكْرُكَ لِي بِرُّ جَلِيلُ وَبَسِينَا
 وَجُودِي إِلَّا مِنْكَ بَلْ بِكَ حَوِيْتِي
 أَمُوتُ اكْتِيَابًا أَمْ تَسْعُودِيْنَ مُدْنِيَا
 مَتَى يَشْتَفِي الْمَجْهُودُ لَمَّا تَضَعُهُ
 صُدُودُكَ عَنِّي لَا يُبَالِي بِمَقْوَدِي
 إِيَّامَ سُؤَالِ الْوَصْلِ مِنْي وَإِفْدَا
 أَلَا رَحْمَةً يُشْنِيكَ فَضْلًا عَلَيَّ الَّذِي
 أَلَا صِلَّةٌ يُرْجِي اضْطِحَابِكَ بَعْدَهَا
 أَلَا تُنْجِزِيْنَ الْوَعْدَ بَعْدُ وَعَادَ مَنْ
 حَنَانِيكَ قَلْبِي طَائِرُ قَلْقِ الْحَشَا
 عَلَيَّ بِبَعْضِ الْعَطْفِ جُودِي فَيَأْتِي
 أَحِبُّ رَضِي الْقَاهُ مِنْكَ رَضِي بِهِ

بِهِ طَارَتِ الْعَنْقَا وَشَابَ غُرَابُ
 وَمَا رَاعَهُ بِالْكَسْرِ مِنْكَ عُقَابُ
 عَلَيَّ الْحُبُّ أَخْشَى إِذْ يَطُولُ عِتَابُ
 عَلَيَّ وَجُوهُ الْحَاسِدِيْنَ غِضَابُ

(۱) در این موضع يك كلمه مفهوم نیست.

(۲) المكايد.

(۳) در این موضع يك كلمه مفهوم نیست.

(۴) در این موضع يك كلمه مفهوم نیست.

وَأَعْمُرْ مَا كَانَتْ مَبَانِي مَسْرَتِي إِذَا قِيلَ مَا شَادَ الْوُشَاءُ خَرَابُ

مناجات *۸۲۳*

یا رب از بنده چه آید که سزاوار تو باشد

آن ستایش که سزای تو بود^(۱) کار تو باشد

خرم آن روز که روشن شود از نور جمالت

روشن آن دیده که بروعهده دیدار^(۲) تو باشد^(۳)

هرگز از بیم جدایی نکند میل رهایی

دل شوریده عشقی که گرفتار تو باشد

بخت فرخنده آن بنده که مقبول تو گردد

شادی آن دل آزاده که غمخوار تو باشد

گر قبول تو به مهرش بنوازد به تو نازد

ورنه چون ذره سرگشته هوادار تو باشد

اگرش راه به خلوت ندهد حاجت عزت سوزی

بکشد بار جدایی تو تا یار تو باشد

سود و سرمایه ندارد دل سودایی و دارد

سرباز ارت و خواهد^(۴) که خریدار تو باشد

یاری عاشق بی‌دل دهی و غیرت ملکیت

نپسندد که به غیر از تو کسی یار تو باشد

بی نصیب از ادب خدمت و طاعت به تمنا

بر نیاید، که کسی محرم اسرار تو باشد

(۱) ذ.

(۲) ذ.

(۳) ذ.

(۴) ذ.

چه خلل باشد اگر آینه صورت عفت
 گنه بنده مسکین خطا کار تو باشد
 حسن اندیشه به پایان نبرد راه حقیقت
 نظر همت و عقل تو به مقدار تو باشد

وله

تا من گل وصلت را پر بار نمی بینم
 در دیده غم دیده جز خار نمی بینم
 در دست غمت زارم بیچاره و بیمارم
 غم می خورم و خود را غمخوار نمی بینم
 ۸۲۴ ره سوی تو می جویم دردا که نمی یابم
 در کسوی تو می گردم دیار نمی بینم
 گر تیغ کشی بر من زنهار نمی خواهم
 کاز خنجر خون ریزت آزار نمی بینم
 گویند که مهرویان چون یار تو بسیارند
 من رو به یکی دارم بسیار نمی بینم
 از هرچه خبر دارم جز دوست نمی دانم
 در هر چه نظر دارم جز یار نمی بینم
 در حلقه او باشم در بی ادبی فاشم
 با پیر مغان یارم اغیار نمی بینم
 با دین هواداری در کعبه و بستخانه
 تسبیح نمی یابم ز نثار نمی بینم

در پای تو سربازی بسیار نمی‌دانم^(۱)

بر یاد تو جان دادن دشوار نمی‌بینم

من رند خراباتم، دردی کش بی‌حاصل

مستم نفسی خود را هشیار نمی‌بینم

دورم ز حسن آری در حسن تو حیرانم

سرچشمه خورشیدم أنوار نمی‌بینم

وله

اول قدم که ره به هوای تو یافتم

جان را اسسیر بسند بلای تو یافتم

گفتم کجا توان به جهان یافتن ترا

خود جا نیافتم که نه جای تو یافتم

می‌گفتم از برای خودت یافتم نخست

خود را به عاقبت ز برای تو یافتم

خور و قصور و کوثر و طوبی چه می‌کنم

جنت کجا برم چو لقای تو یافتم

در نقش چهره تو پدیدست هر نشان^(۲)

کز نقش سرو چهره گشای تو یافتم

۸۲۵ ملکی که خسروان به تمنای آن روند

با دولت کمینه گدای تو یافتم

از کوی جان به روی ارادت سپرده‌ام

راهی که در حریم رضای تو یافتم

(۱) در این متن هر کجا س را کشیده نوشته باشد ذیل آن سه نقطه می‌گذارد.

(۲) در این متن گاهی ج و پ با سه نقطه دیده می‌شود.

در سایه جمال تو خورشید و ماه را
 چون سایه زیر بال همای تو یافتم
 خود را نیافتم چو ترا یافتم، بلی
 هستی خویشتن به بقای تو یافتم
 پیمان من کی جز تو به مهرت شکسته‌ام
 زان دم که بوی مهر و وفای تو یافتم
 جان حسن که آینه مهر روی تو تست
 روشن چو روی مهر فزای تو یافتم

وله

تو درین پرده چه رویی که نه پیدانه نهانی
 بر که [ای] فتنه که پنهان به حریفان نگرانی
 طاق نورت اگر دیده بیند، ندارد
 تا نباشد که نمایند به کوه نظرات
 بخود آن را که ز خود بازنگیری نرسانی
 همه رویی به تو پیدا است به وصف تو چه گویم
 چو کسی جز تو نبینم به تو گویم به که مانی
 آن نشانها که ز عشاق تو نادیده شنیدم
 همه دیدم که چنانست و تو با مانه چنانی
 یاد وصل تو بهار دل عشاق تو دیدم
 بوی مهر تو نسیم گل بستان جوانی
 مونس جان هوادار تو غمها [ی] تو اولی
 تا نگویند چرا بسی غم او می گذرانی

نفس اهل محبت اثری دارد و سوزی

که نشاید به تو گفتن مگر آن دم که بدانی

۸۲۶ حسن ای حُسن منت یافته شوریده بی دل

مانده در عالم جانی بروای بنده جانی

وله

در کوی تو به کوری دشمن گدای تو

می‌داشت چشم‌روشنی از خاک پای تو

آوردیش به روزره دیده در فراق

هر آب رو که ریخته بود از برای تو

تا بخت یاری که کند یا کرا شود

شایستگی مرحمت و مرحبای تو

هر گوشه [ای] ز چشم تو در شهر فتنه‌ایست

انگیزه کس که مردم ربای تو

بگشا دهن به خنده که ملک ملاحظت

زیر نگین خاتم گوهر نمای تو

بیگانگی مکن که مرا بی‌وجود من

کردند روز عهد ازل آشنای تو

هر چند امید نیست که عمرم وفا کند

دل کم نمی‌کند ز امید وفای تو

کو جای غم که من ز دل تنگ خویشتن

شادم که جای دوستی تست و جای تو

غیر از سواد زلف تو تاریکی نماند

دل را به دور عارض ظلمت زدای تو

در هر چه نامرادی ما می‌کنی طلب

الاً جدایی از تو صوابست رای تو

تیغ هلاک برکش اگر می‌بری زمن

تا بی تو من نباشم و باشد رضای تو

جان حسن چو می‌شکند پنجه هلاک

بباری به دست ساعد زور آزمای تو

وله

۸۲۷ نهان چگونه کنم سرّ عاشقی با دوست

که جسم و جان من از طینت محبت اوست

چو گل ز شادی مهر عذار روشن او

اگر چه تنگ دلم خنده می‌زنم در پوست

چه جای گردش جامست و ذوق عیش مدام

در آن مقام که مستی ز عشق روی نکوست

به هر که می‌نگرم روی دل درو دارد

که دل چو آینه و روی خوب آینه جوست

اگر چه نیک جمیلست پس وفادارست

وگر چه هست بغایت ظریف پرخوش خوست

به بزم باده صافی حریف خوش منش است

به گاه صحبت خلوت ندیم نادره گوست

چو سرو مایل و رعنا و خوش دلست چو گل

چو غنچه تنگ دهانست و چون سمن خوش بوست

چو نرگس است ولی زر نیایدش در چشم

چو لاله است ولیکن نه همچو او خود روست

درآمد از در من همچو سرو و گفت به ناز

تو غرق موجی و گویی کنار من لب جوست

بیار بساده که تقوی و عاشقی باهم

چو آب و آتش و پولاد و جام و سنگ و سبوست

بسه روز عید وصالش دل حسن بی خود

فتاده درختم چوگان زلف او چون گوست

وله

به چشم رحمت اگر عاقبت نگاه کنی حلال باشد اگر قتل بی گناه کنی

به آب چشمه حیوان امیدوار شوم اگر جهان همه بر چشم من سیاه کنی

۸۲۸ عجب زبخت بد خودنه از تو می دارم که میل صحبت درویش نیکخواه کنی

صلاح حال تو چون حاصلست باکی نیست مگر از آن چه که حال دلم تباه کنی

اگر همیشه نباشم سزای صحبت تو چه باشد از نظر لطف گاه گاه کنی

مسلمست ترا دلبری ولی شاید به دلخوازی اگر بی دلی گواه کنی

حسن تو عارف روشندلی چرا باید که پیش آینه روی دوست آه کنی

وله

چرا تفقد یاران مهربان نکنی نظر به عاشق مهجور ناتوان نکنی

چرا نهان کنی آن روی و موی از بیدل کزو به سنگ دلی دلبری نهان نکنی

چو می بری دل درویش بازده دل ریش درین معامله گر بشنوی زیان نکنی

ز مهر بر سر بیچاره سایه [ای] گستر نه بی گناه مکش دانمت که آن نکنی

چه شوخ دیده، جفا پیشه [ای] که نتوانی که بر حریف سبکروح سرگران نکنی

روان کنی ز دل و دیده خون بیماران ولی به پرسش کس سرو قد روان نکنی

به آب چشم ترختم نگر چو اهل وفا گرم به غمزه خون ریز قصد جان نکنی

چو دست می دهدت جان من به نیکی کوش بسی مضایقه با غربت جوان نکنی

به دوستی که حالات نمی‌کنم دل ریش
 ۸۲۹ نوازش از تو طمع دارم و تواند بود
 کجا کنی چو نکویی درین جهان نکنی
 که بعد ازین نتوانی گر این زمان نکنی
 نگاه دار که سر در سر زبان نکنی

وله

روزی میان شهر بگیرم عنان تو
 می‌رانیم به شوخی و می‌آورم پناه
 گویم ستم کشیده منم در زمان تو
 با تو زبیم جان به امید امان تو
 گر می‌کنی ترحم و گر می‌زنی به تیغ
 جز آنکه^(۱) زنده‌ام سر من و آستان تو
 حاشا که گویمت غم عالم نمی‌خوری
 جان و جهان فدای دل شادمان تو
 تا در کسی رسم که بگوید نشان تو
 در راه جست‌وجوی تو از خود گذشته‌ام
 بر زلف تو به هر سر مو فتنه عالمیست
 ای عالمی به هر سر مو، مهربان تو
 جانم بسوخت مهرت و بختم نداد جای
 روزی به زیر سایه سرو روان تو
 باز آید آر به من گذری عمر رفته‌ام
 پیرانه سر به یاری بخت جوان تو
 بر هیچم از تو چون کمرت بسته دل ولی
 من بر کینار و دست کمر در میان تو
 گر چشم پرستم ز تو باشد غریب نیست
 با آنکه گوهرست سخن در دهان تو
 دارم امید آنکه به گوش حسن رسد
 روزی نیاز وعده وصل از زبان تو

وله

۸۳۰ * سر تسلیم نهادم پس از آن در ره عشق

قدم صدق نهادم من درویش نهاد

داد مسکین بدهای پادشه حسن و جمال

که خداوند جهان ملک ملاحظت به تو داد

زاد راه غم از جور تو خون جگرست
 کار من برد زدست آنکه^(۱) نگاری چو تو زاد
 آفتابی تو و من سایه کجا در تو رسم
 کار افتاده نگه کن که چه دشوار افتاد
 بی‌وصال تو مرا باد بدستت از عمر
 کس چو من بی‌دل و بی‌حاصل و بی‌یار مباد
 تا شکسته دل شوریده درویشت حسن
 آن دمش بود گشادی که دم از دیده گشاد

وله

بتی که گر بود از برگ لاله پیرهنش بنفشه گون شود از نار برگ لاله تنش
 ز شاه گل رخ خوبش خراج می‌خواهد از آن بنفشه گرفتست دامن سمنش
 چو مه ز برقع و مهر از نقاب می‌تابد به زیر سنبل سیراب برگ نسترش
 بسان شاهد گلبرگ صحبتش چون نیست به خنده لب نگشادست غنچه دهندش
 مرا چو نرگس مستش نهد به کف بر جام ز بوسه نقل دهن پسته شکر شکنش
 نسیم صبح غباری بیاور از در او که کیمیا [ی] بقا نام می‌نهد حسنش
 به یمن دولت سلطان کامکار امروز بهار و باغ ندارد طراوت سخنش



كَتَبَهُ الْفَقِيرُ إِلَى اللَّهِ الْحَسَنُ الْحُسَيْنِيُّ الْأَمَلِيُّ تَذْكَرَةً لِّصَاحِبِهِ مَتَّعَهُ اللَّهُ بِالْعُمْرِ
 وَالْفَضْلِ (۲) فِي شَعْبَانَ سَنَةِ اثْنَيْنِ (۳) وَ ثَمَانِينَ وَ سَبْعِمِائَةٍ.

(۱) آنک.

(۲) در این موضع بك کلمه خوانده نمی‌شود.

(۳) النبی.

مِمَّا نَظَّمَهُ فِي سَبَلِكِ التَّحْرِيرِ ، الصَّاحِبِ الْأَعْظَمِ بَقَاؤُهُ
أَعَاطِمُ الْأُمَمِ غِيَاثُ الدَّوْلَةِ وَالذِّينِ أَبُو مُسْلِمٍ عَظَّمَ اللَّهُ قَدْرَهُ

قد مشرت قد لاجود و مسيد الفتود و انساك مسكن لزيد و مقامك
الحمد بالزاد للشاكرين من العبد حشاه من شانه و ام نصانه
و زين مكرم لادينكم و زين كرمه ان هذا كثر يد صدق اما الحميد
تدعيه بغير قولك قال الله سبحانه و تعال و هو صبور و ابراهيم
داري اصنام دار ام صلاه و ام لوليم نادارنا على مسر على جمل
لخارج و جين ايد الوجوده ما انتم كما نرى الجنه فكل ان صبح و يار
لا نظمه انزعاكنا الاميسا قديره كتمت صكران مطرد ارجا الفوق
فادره اشرك الحبس فاناسق فدر شكراته باحق لو كنه قدرته
على الشيشته لك بقو قال الرشيد بعد من اعلم الناس سبيلا
على من اشج بطن صلا ان اشهد فدر تحق صلا الحبيب اني ليرت
دا و صفر امارة بالعبية و ايد بها كعبته بقما سيرة و جسا نسا
دراة صلا جرد و طرا لانا اني نسا سيرة بن صلا را دي و الشجعة
انقر و ابر كترانه صلا البده مسان فصيح حيا نور سليح

و نه من جابرا لا اضعيفه

و نه من جابرا لا اضعيفه

* ۸۲۲ * (۱) قیل: الشُّكْرُ قَيْدٌ لِلْمَوْجُودِ وَ صَيْدٌ لِلْمَفْقُودِ وَالشَّاكِرُ مُشْتَحِقٌّ لِلْمَزِيدِ وَعَدَا
 مِنْ اللَّهِ الْحَمِيدِ بِالزِّيَادَةِ لِلشَّاكِرِينَ مِنَ الْعَبِيدِ حَيْثُ قَالَ عَزَّ شَأْنُهُ وَعَمَّ إِحْسَانُهُ ﴿لَسِنَ﴾ (۲)
 شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ﴿۳﴾ صَدَقَ اللَّهُ الْحَمِيدُ.

هذه لطائف (۴) الأقوال

قال الْمُعْتَصِمُ لِلْفَسِيحِ (۵) بنِ خَاقَانَ وَهُوَ صَبِيٌّ فِي دَارِ أَبِيهِ: دَارِي أَحْسَنُ أَمْ دَارُكُمْ؟
 فقال: مادامَ لاجبَرِ فِي دَارِنَا فَهِيَ أَحْسَنُ.

قال رجلٌ لِحِجَّاجِ بْنِ يُوْسُفَ: رَأَيْتَكَ الْبَارِحَةَ فِي النَّوْمِ كَأَنَّكَ فِي الْجَنَّةِ! فقالَ لَهُ: إِنْ
 صَحَّ رُؤْيَاكَ فَالظُّلْمُ نَمَّ أَكْثَرُ مِمَّا فِي الدُّنْيَا.

قيل: مَرَّ مُحْتَسِبٌ بِسَكْرَانَ مَطْرُوحٍ عَلَى الطَّرِيقِ فقالَ لَهُ: قُمْ إِمْشِ إِلَى الْحَبْسِ يَا
 فَاسِقُ! قال: نَبَّهَكَ اللَّهُ يَا أَحْمَقُ! لَوْ كُنْتُ قَدَرْتُ عَلَى الْمَشْيِ لَمَشَيْتُ إِلَى بَيْتِي.

قال الرَّشِيدُ لِبُهْلُولٍ: مَنْ أَحَبَّ النَّاسَ إِلَيْكَ؟ قال: مَنْ أَشْبَعَ بَطْنِي. فقال: أَنَا أَشْبَعُكَ فَهَلْ
 تُحِبُّنِي؟ فقال: الْحُبُّ بِالنِّسْبَةِ (۶) لَا يَكُونُ.

رَأَى مُسَافِرٌ امْرَأَةً فِي الْكَعْبَةِ وَ أَيْدِيهَا مُخَضَّبَةٌ وَ فِيهَا سَبْحَةٌ وَ عَلَى لِسَانِهَا ذِكْرُ اللَّهِ تَعَالَى
 جَدَهُ (۷). قالَ الْمُسَافِرُ: أَيُّ مَنَاسِبَةٍ بَيْنَ خِضَابِ أَيْدِيكَ وَ السَّبْحَةِ الَّتِي فِي يَدِكَ؟! فَفَرَّأَتْ
 هَذَا الْبَيْتَ بِلسانٍ فَصِيحٍ عَلَى قَوْلٍ مَلِيحٍ:

(۱) ابتدای این متن افتادگی دارد چون بدون مقدمه است و باب شکر نیز کامل توضیح داده نشده است.

(۲) لسن و هكذا مورد بعد.

(۳) قرآن کریم سوره ابراهیم (۱۴) آیه ۷.

(۴) لطایف.

(۵) این اسم بظاهر اینگونه خوانده می شود.

(۶) در اصل: بالنسبة.

(۷) جاء ر.

وَلِلَّهِ مِنِّي جَنَابٌ لَا أُضِيعُهُ وَلِلَّهِ مِنِّي وَالْبَطَالَةَ جَانِبٌ

* ٨٣٣ * سئل (١) علي رضي الله عنه: كيف كان حُبُّكُمْ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ [وآله] وَسَلَّم؟ [قال]: كَانَ أَحَبَّ إِلَيْنَا مِنْ أَمْوَالِنَا وَآبَائِنَا وَأُمَّهَاتِنَا وَأَبْنَائِنَا (٢) وَمِنْ بَرْدِ الشَّرَابِ عَلَى الظَّمَاءِ.

قيل: إِنَّ الْمَجْنُونِ لَمَّا تَرَاقَتْ عَلَيْهِ عِلَّتُهُ إِلَى صُعُوبَةٍ وَعَسَرَ عِلَاجُهُ وَأَعْيَى الْأَطِبَّاءُ دَاءَهُ وَلَمْ يَنْجَحْ فِيهِ الدَّوَاءُ وَصَارَ إِلَى أَسْوَأِ حَالَةٍ مِنْ تَوْحُّشِهِ فِي الصَّحَارِي شَقَّ ذَلِكَ عَلَى لَيْلِي فَدَعَتْ بَغْلَامٍ وَكَتَبَتْ إِلَيْهِ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَاللَّهُ يَا بَنَ عَامِرٍ! إِنَّ الَّذِي بِي أضعافُ مَا يَقْبَلُكَ وَلَكِنِّي وَجَدْتُ السُّتْرَ أَبْقَى لِلْمَوَدَّةِ وَأَبْقَى وَأَحْمَدُ فِي الْعَاقِبَةِ. وَكَتَبَتْ هَذِهِ الْآيَاتِ آخِرَ الْمَكْتُوبِ:

فَلَوْ أَنَّ مَا أَبْقَى وَمَالِي مِنَ الْهَوَى بِسارِعن رُكْنَاهُ صَفَاً وَحَدِيدُ
يُقَطَّعُ مِنْ وَجْدٍ وَذَابَ حَدِيدُهُ وَأَمْسَى تَرَاهُ الْعَيْنَ وَهُوَ عَمِيدُ
ثَلَاثُونَ يَوْمًا كُلَّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٌ أُمُوتُ وَأُحْيَى إِنَّ ذَا لَشَدِيدُ
وَأَمَرَ الْغُلَامَ بِطَلْبِهِ حَيْثُ كَانَ مِنَ الْأَرْضِ وَرَدَّ الْجَوَابَ عَنْهُ. فَغَضِيَ الْغُلَامُ وَلَمْ يَزَلْ
يَطْلُبُهُ فِي الصَّحَارِي حَتَّى أَصَابَهُ فِي يَوْمٍ شَدِيدِ الْقَيْظِ وَالسُّمُومِ قَدْ لَجَأَ إِلَى كَهْفٍ جَبَلٍ
عَظِيمٍ يَنْكُتُ الْأَرْضَ بِأَضْبَعِهِ وَيَقُولُ:

أَحْنُ إِلَى لَيْلِي وَإِنْ شَطَّتِ النَّوَى بِلَيْلِي كَمَا حَنَّ الْيَرَاعُ الْمُثَقَّبُ
يَقُولُونَ لَيْلِي عَذِّبْتُكَ بِحُبِّهَا أَلَا حَبِذَا ذَاكَ الْحَبِيبُ الْمُعَذَّبُ
* ٨٣٤ * فَدَنَا مِنْهُ وَقَالَ: يَا قَيْسُ! هَذَا كِتَابُ لَيْلِي (٣) وَهِيَ تَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ. فَلَمَّا
ذَكَرَهَا رَجَعَ إِلَيْهِ عَقْلُهُ وَاسْتَوَى قَاعِدًا وَقَرَأَ الْكِتَابَ وَيَبْكِي وَيَقُولُ:
إِذَا جَاءَنِي مِنْهُ الْكِتَابُ بِعَيْنِي خَلَوْتُ بَيْنِي حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْأَرْضِ

(١) سئل.

(٢) ابنائنا.

(٣) در اصل: «الكتاب ليلي»، ولي صحيح همان است که درج نمودیم یا «الكتاب ليلي».

فَأَبْكِي لِنَفْسِي رَحْمَةً مِنْ جَفَائِهَا
وَأَتِي لِأَهْوَاهَا مُسِيئًا وَمُحْسِنًا
فَحَتَّى مَتَى رُوحَ الرِّضَا لَا يَنَالُنِي
وَيَبْكِي مِنْ الْهَجْرَانِ بَعْضِي عَلَى بَعْضِي
وَأَقْضِي عَلَى نَفْسِي لَهَا بِالَّذِي تَقْضِي
وَحَتَّى مَتَى أَيَّامُ سُخْطِكَ لَا تَمْضِي
ثُمَّ أَجَابَهَا عَنْ كِتَابِهَا بِهَذِهِ الْأَبْيَاتِ الْحَسَنَةِ الْمُرَقَّةِ اللَّطِيفَةِ:

وَجَدْتُ الْحُبَّ نِيرَانًا يُلْظِي
فَلَوْ كَانَتْ إِذَا اخْتَرَقَتْ تَفَانَتْ
كَأَهْلِ النَّارِ إِذْ نَضَجَتْ جُلُودُ
قُلُوبِ الْعَاشِقِينَ لَهَا وَقُودُ
وَلَكِنْ كَلَّمَا اخْتَرَقَتْ تَعُودُ
أَعِيدَتْ لِلسَّقَاءِ لَهُمْ جُلُودُ

وَضَمَّنَهَا هَذِهِ الْأَبْيَاتِ أَيْضًا

أَمَّا وَالَّذِي أَعْطَاكَ بَطْشًا وَقُوَّةً
لَقَدْ مَحَضَ اللَّهُ الْهَوَى لَكَ خَالِصًا
تَبْرًا مِنْ كُلِّ الْجُسُومِ وَحَلَّ بِي
سَلِ اللَّيْلِ عَنِّي هَلْ أَذُوقُ رُقَادَةَ (۱)
وَصَبْرًا وَأَزْرِي بِي وَنَقَصَ مِنْ بَطْشِي
وَرَكَبَهُ فِي الْقَلْبِ مِنِّي بِلا عَشْ
فَإِنْ مِتُّ يَوْمًا فَاطْلُبُوهُ عَلَى نَفْسِي
وَهَلْ لِيضْلُوعِي مُسْتَقَرُّ عَلَى فَرْشِ

* ۸۳۵ * قَالَ الْوَلِيدُ بْنُ عُثْبَةَ لِأَبِيهِ: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَسْرَ إِلَيَّ حَدِيثًا أَفَلَا أَحَدُّكَ بِهِ؟

قَالَ: لَا يَا بَنِيَّ! إِنْ مِنْ كَتَمَ سِرًّا كَانَ الْخِيَارُ لَهُ فَلَا تَكُنْ مَعْلُوكًا بَعْدَ أَنْ كُنْتَ مَالِكًا.
وَقَالَ الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ: مَنْ تَمَّ إِلَيْكَ تَمَّ عَنْكَ وَمَنْ أَخْبَرَكَ بِخَبْرٍ غَيْرِكَ أَخْبَرَ غَيْرِكَ
بِخَبْرِكَ.

وَقَدْ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُعْتَزِّ فِي هَذَا الْمَعْنَى (۲) بِنَتْنِ فَصِيحَيْنِ

لَا تَفْسِ سِرَّكَ مَا اسْتَطَعْتَ إِلَى امْرِئٍ
فَكَمَا تَسْرَاهُ بِسِرِّ غَيْرِكَ صَانِعًا
يُفْسِي إِلَيْكَ سِرَّيْ بِرَأْسِ اسْتُودِعُ
فَكَذَا بِسِرِّكَ لَامُحَالَةَ يَصْنَعُ

وَقَالَ أَحَدٌ مِنَ الْفُضَلَاءِ بِإِضْفَهَانٍ فِي هَذَا الْمَعْنَى بِالْفَارَسِيَّةِ

پیدا نکنم سر دلبر
گر در سر سر او رود سر

(۱) رقاده.

(۲) هذه المعنى.

در سینه من بماند رازش چون مهره که ماند در مششدر
 هرگز نبرد رهی به سویش مرغ طلب آر بیفکند پر
 نه فکر به نزد اوست ره جوی نه عقل به سوی اوست رهبر
 وین طرفه که در دلست رازش وآگه نه از و، نه دل، نه دلبر

قَالَ شَمْسُ الْمَعَالِي: الْعَفْوُ عَنِ الْمُجْرِمِ مِنْ مَوَاجِبِ الْكَرَمِ وَقَبُولُ الْمَعْدِرَةِ مِنْ مَحَاسِنِ الشُّيْمِ.

وَقِيلَ: أَحْسَنُ الْعَفْوِ مَا كَانَ عِنْدَ الْقُدْرَةِ وَأَحْسَنُ الْجُودِ (۱) مَا كَانَ عِنْدَ الْعُسْرَةِ.



نَمَقَهُ (۲) أَفْقَرُ عِبَادِ اللَّهِ الْغَنِيُّ مُسْلِمُ بْنُ الْحَسَنِ لِلطَّالِبِينَ تَذْكَرَةُ لِصَاحِبِهِ الْحَقَّه (۳) اللَّهُ
 بِالصَّالِحِينَ فِي الرَّابِعِ مِنْ رَمَضَانَ الْمُبَارَكِ سَنَةِ إِثْنِينَ وَثَمَانِينَ وَسَبْعِمِائَةٍ.



مرکز تحقیقات و پژوهش علوم اسلامی

(۱) جود.

(۲) نغمه.

(۳) الحقنا.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

* ٨٣٦ * تَفَضَّلَ بِتَخْرِيرِ ذَلِكَ وَ نَشْرِ الْفَرَائِدِ هُنَالِكَ الْمَوْلَى
 الْأَعْظَمَ خَلِيفَةَ الْعَجْمِ نِظَامَ الْإِسْلَامِ أَبُو الْعَلَاءِ [رَكْنُ
 الشَّرِيعَةِ وَالذِّينِ صَاعِدَ أَعْلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي الْخَافِقِينَ شَأْنَهُ

قال علي السيرجستاني من عبد الملك وليد الكلابي بعد
 قطرات البنت نجد ان صلواتك البحر فيستل في يقد
 فنصب له منبرا وطر عليه بكتفه على الناس ما قد شاع
 احسن رسل الطالبيين رضاه عنهما فطاف بالبنت فلما
 بلغ البحر نحو الفاس حتى استلمه فقال جل من امل الشا
 من هذا الذي قد تآبه الفاس فقال ايضا لا اعرفه فحاده
 رقيب فد امل السام فكان الضردوق حاضر قال
 الشامي من هذا يا ابا فراس فقال الضردوق رحمه الله
 هذا الفرس تعرف البطحى اوطان والبيت صرفة والحلج الحزم
 هذا ابن ضير عباد الله كلام هذا الفرس الش الطائر العسل
 افاراته فرس قال فايها على مكاره منذ شين الكلد
 من شاع زودة العزالى قصر عزنها عرب الاسلام
 يكاد مسكه عزنان واحدة ركن الحكم اذا ما جاء يستلم
 ضرس حيا ويقفه زمامه وامامك الامين تبسم
 من حله وان فضل الانبياء وفضل امته واثب له الام

٨٣٧ قَالَ عَلَمًا [ء] السَّيْرِ : حَجَّ هِشَامُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ وَلَمْ يَكُ الْخِلَافَةَ بَعْدُ فَطَافَ
 بِالْبَيْتِ فَجَهَدَ أَنْ يَصِلَ إِلَى الْحَجَرِ فَيَسْتَلِمَهُ فَلَمْ يَقْدِرْ فَنَصَبَ لَهُ مِنْبَرًا وَجَلَسَ عَلَيْهِ يَنْظُرُ إِلَى
 النَّاسِ فَأَقْبَلَ عَلَيْهِ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنُ الْعَابِدِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا فَطَافَ بِالْبَيْتِ فَلَمَّا بَلَغَ الْحَجَرَ
 تَنَحَّى لَهُ النَّاسُ حَتَّى اسْتَلَمَهُ فَقَالَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ : مَنْ هَذَا الَّذِي قَدْ هَابَهُ النَّاسُ ؟ فَقَالَ
 هِشَامُ : لَا أَعْرِفُهُ مَخَافَةً أَنْ يَرُغَبَ فِيهِ أَهْلُ الشَّامِ . فَكَانَ الْفَرَزْدَقُ حَاضِرًا ، قَالَ الشَّامِيُّ : مَنْ
 هَذَا يَا أَبَا فَرَّاسٍ ؟ فَقَالَ الْفَرَزْدَقُ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ يَمْدَحُهُ :

هَذَا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاءَ وَطَائِفَهُ	وَالْبَيْتُ يَعْرِفُهُ وَالْحِلَّ وَالْحَرَمُ
هَذَا ابْنُ خَيْرِ عِبَادِ اللَّهِ كُلِّهِمْ	هَذَا الثَّقِيُّ النَّقِيُّ الطَّاهِرُ الْعَلَمُ
إِذَا رَأَيْتَهُ قُرَيْشٌ قَالَ قَائِلُهَا (١)	إِلَى مَكَارِمِ هَذَا يَسْتَنْهِي الْكَرَمُ
يُنْمِي إِلَى ذُرْوَةِ الْعِزِّ الَّتِي قَمَرَتْ	عَنْ نَيْلِهَا عَرَبُ الْإِسْلَامِ وَالْعَجَمُ
يَكَادُ يُمْسِكُهُ عِرْفَانُ رَاحَتِهِ	رُكْنُ الْحَطِيمِ إِذَا مَا جَاءَ يَسْتَلِمُ
يُغْضِي حَيَاءً وَيُغْضِي مِنْ مَهَابَتِهِ	وَمَا يُكَلِّمُ إِلَّا حِينَ يَبْتَسِمُ
مِنْ جَدِّهِ دَانَ فَضْلُ الْأَنْبِيَاءِ لَهُ	وَفَضْلُ أُمَّتِهِ دَانَتْ لَهُ الْأُمَمُ
٨٣٨ يَنْشَقُّ نُورَ الْهُدَى عَنْ نُورِ غُرَّتِهِ	كَالشَّمْسِ تَنْجَابُ عَنْ إِشْرَاقِهَا الظُّلَمُ
مُشْتَقَّةٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ نَبْعَتُهُ	طَابَتْ عَنَاصِرُهُ وَالْخَيْمُ وَالشُّيْمُ
هَذَا ابْنُ قَاطِمَةٍ إِنْ كُنْتَ جَاهِلُهُ	بِجَدِّهِ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ قَدْ خَسِمُوا
اللَّهُ شَرَّفَهُ قَدَمًا وَفَضَّلَهُ	جَمْرِي بِذَلِكَ لَهُ فِي لَوْحِهِ الْقَلَمُ
فَلَيْسَ قَوْلُكَ هَذَا بِضَائِرِهِ	الْعَرَبُ تَعْرِفُ مَا أَنْكَرْتَ وَالْعَجَمُ
كَلَّمْنَا يَدَيْهِ غِيَاثُ عَمَّ نَفَعُهُمَا	يَسْتَوْكِفَانِ وَلَا يَعْرِفُهُمَا الْعَدَمُ

(١) قابلهما.

سَهْلُ الْخَلِيقَةِ لِأَتْخَشِي بَسْوَادِرُهُ
 عَمَّ الْبَرِيَّةَ بِالْإِحْسَانِ فَانْقَشَعَتْ
 مِنْ مَعْشَرِ حُبُّهُمْ دِينٌ وَبُغْضُهُمْ
 إِنْ عُدَّ أَهْلُ التُّسْقَى كَانُوا أَيْمَتَهُمْ (٣)
 لَا يَسْتَطِيعُ جَوَادِبُ غَايَتِهِمْ
 هُمْ الْغُيُوثُ إِذَا مَا أَزْمَةٌ أَزِمَتْ
 لَا يَنْقُصُ الْعُسْرُ بَسْطًا مِنْ أَكْفِهِمْ
 سَيُزْفَعُ الشُّوْءُ وَالْبَلْوَى بِحُبِّهِمْ
 مُقَدَّمٌ بَعْدَ ذِكْرِ اللَّهِ ذِكْرُهُمْ
 * ٨٣٩ * يَا بَنِي لَهُمْ أَنْ يَحِلَّ الدَّمُ سَاحَتَهُمْ
 أَيُّ الْخَلَائِقِ لَيْسَتْ فِي رِقَابِهِمْ
 مَنْ يَعْرِفُ اللَّهَ يَعْرِفُ أَوْلِيَّتَهُ
 قَالَ: فَغَضِبَ هِشَامُ وَأَمَرَ بِحَبْسِ الْفَرَزْدَقِ بِعَشْرَةِ بَيْنِ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ، فَبَلَغَ ذَلِكَ عَلِيُّ بْنُ
 الْحُسَيْنِ فَبَعَثَ إِلَى الْفَرَزْدَقِ بِأَتْنِي عَشَرَ أَلْفَ دِرْهَمٍ فَقَالَ [ع]: أَعَذِرُ أَبَا فِرَاسٍ فَلَوْ كَانَ عِنْدَنَا
 أَكْثَرُ مِنْ هَذَا وَصَلْنَاكَ بِهِ، فَرَدَّهَا الْفَرَزْدَقُ وَقَالَ: يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ إِمَّا قُلْتُ الَّذِي قُلْتُ إِلَّا غَضَبًا
 لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَمَا كُنْتُ لِأَزْرَاءِ عَلَيْهِ شَيْئًا (٥). فَقَالَ: شَكَرَ اللَّهُ لَكَ ذَلِكَ! أَلَا إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ إِذَا أَنْفَدْنَا
 شَيْئًا لَمْ نَعُدَّ فِيهِ، فَاقْبَلْهَا وَجَعَلْ يَهْجُو هِشَامًا.



(١) عنه .

(٢) منجاء .

(٣) أئمتهم .

(٤) وزن مصراع اخير صحيح بنظر نيسرسد .

(٥) ثيبا و هكذا مورد بعد .

و کتبتُ^(۱) هذا من کتابِ الْمُنتَظَمِ فی أخبارِ المُلُوکِ والأُمَمِ^(۲) تألیفِ الشَّیخِ الإمامِ أبی الفَرَجِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْجَوْزِيِّ رَحْمَةُ اللَّهِ تَعَالَى [عَلَيْهِ] فی عِشْرِينَ شَهْرَ الأُمَّةِ رَمَضَانَ المُبَارَكِ سَنَةِ إِثْنَيْنِ وَ ثَمَانِينَ وَ سَبْعِمِائَةٍ، تَذْکِرَةٌ لِصَاحِبِهِ الصَّاحِبِ الأَعْظَمِ لا زَالَ نَاجِئًا^(۳) وَ عَزَّتْ أَنْصَارُ دَوْلَتِهِ أَحْمَدُ « حَرَّرَهُ العَبْدُ المُذْنِبُ صَاعِدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ صَاعِدٍ، أَضْلَحَ اللَّهُ حالَهُ »^(۴).



مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

(۱) کتب.

(۲) این روایت در صفحه ۱۲۰ و در صفحه ۳۹۳ نسخه عکسی بیاض هم آمده است.

(۳) کلمه بخوبی خوانده نمی‌شود.

(۴) عبارت داخل پرانتز به شکل مورب در حاشیه پایین صفحه نوشته شده است.

* ٨٤٠ * [مَا كَتَبَ مِنْ كَشْكُولٍ]
 [الشَّيْخِ الْأَعْظَمِ صَاحِبِ الْفُنُونِ الْعَدِيدَةِ]
 [الشَّيْخِ بَهَاءِ الدِّينِ الْعَامِلِيِّ]

روي عن سلمان الفارسي عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم أنه قال
 ان يصوموه فمواذروا وعبدة الله تعالى ان يصوموا ليكسر جهنم ان ما يربح
 قال ابو بصير عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ان من صام ليكسر جهنم
 استغفرت له اذ روي في نسخة قرينها ان لا يارب ان يكسر جهنم ان ما يربح
 ما يربح وكتب في نسخة اخرى ان من صام ليكسر جهنم ان ما يربح
 لا المقصود في ان يضعه في انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح
 عليكم يا اهل البيت السلام عليكم يا محبيهم من المدينا فكم عليه
 فنادى قاتبا السلام عليكم يا مشاهير النعمان اولاد سئلتكم بالعلم العظيم
 وبالهدى الذي هدانا الله به من قبل ان نبعث فيكم رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
 سئلتكم انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح
 الا وميت من انطق رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عليكم
 المشعلون بعرضنا الدنيا يا نحن لكم سئلتكم انما يربح انما يربح انما يربح
 عما بدا لكم برحمتك الله تعالى سلمان ايهما الساطع من بين الزوام من اهل الجنة
 ام من اهل النار انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح
 وجدت الحوت من انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح
 ان فرضنا من انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح
 ظهر في سيفك من انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح
 فادرا انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح
 وكتب لي انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح
 في انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح
 من انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح
 ولما لا انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح
 فربحت انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح
 قال انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح
 فقد انقطع معك جهنم من انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح
 بها احسن خلفا لرسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من انما يربح انما يربح
 فربحت انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح انما يربح

رَوَى أَنَّ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَانَ مَرِيضاً عَلِيلاً فَقَصَدَ إِضْبَعُ بْنُ نُبَاتَةَ أَنْ يَعُودَهُ فَلَمَّا وَرَدَ عَلَيْهِ سَرَّ بِهِ سَلْمَانُ وَقَالَ: يَا إِضْبَعُ إِلَى إِلَيْكَ حَاجَةٌ. قَالَ: وَمَا هِيَ يَا أَخُ؟ قَالَ: يَا أَخِي أَخْبَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ [ص] إِنَّهُ سَيُكَلِّمُكَ مَيِّتٌ إِذَا دَنَتْ وَفَاتَكَ وَقَدْ اشْتَهَيْتُ أَنْ أُدْرِيَ وَفَاتِي أَمْ لَا وَأُرِيدُ أَنْ تَحْمِلَنِي كَهَيْئَةِ الْأَمْوَاتِ عَلَى سَرِيرٍ وَتُحْطَى بَيْنَ الْمَقَابِرِ. فَقَالَ: حُبًّا وَكِرَامَةً. فَاتَى بِسَرِيرٍ وَحَمَلَهُ عَلَى أَكْتافِ أَرْبَعَةِ رِجَالٍ إِلَى الْمَقْبَرَةِ، فَلَمَّا وَضَعُوهُ قَالَ: يَا قَوْمُ! اسْتَقْبِلُوا لَوَجْهِ الْقَبْلَةِ ثُمَّ نَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْعُرْضَةِ لِلْبَلَاءِ! (۲)

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مُحْتَجِبِينَ عَنِ الدُّنْيَا! فَلَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ. فَنَادَى ثَانِيًا: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مُنْتَظَرِينَ لِلنَّفْخَةِ الْأُولَى! سَأَلْتُكُمْ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِالنَّبِيِّ الْكَرِيمِ إِلَّا مَا أَجَابَنِي مُجِيبٌ فَأَنَا سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ وَرَسُولُ اللَّهِ (ص) قَالَ لِي: يَا سَلْمَانُ! سَيُكَلِّمُكَ مَيِّتٌ قَبْلَ وَفَاتِكَ وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أُدْرِيَ دَنَتْ وَفَاتِي أَمْ لَا؟ فَمَا تَمَّ كَلَامُهُ إِلَّا وَمَيِّتٌ قَدْ نَطَقَ يَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، يَا أَهْلَ الْبِنَاءِ وَالْفَنَاءِ! الْمُسْتَعْلُونَ بِعُرْضَةِ (۳) الدُّنْيَا، هَانَحْنُ لِكَلَامِكُمْ مُسْتَمِعُونَ وَبِجَوَابِكُمْ مُسَارِعُونَ فَاسْتَلُّوا عَمَّا بَدَا لَكُمْ يَزَحْمُكُمْ اللَّهُ! فَقَالَ سَلْمَانُ: أَيُّهَا النَّاطِقُ مِنْ بَيْنِ الْمَوْتَى أَمِنْ (۴) أَهْلِ الْجَنَّةِ بِعَفْوِهِ أَمْ مِنْ أَهْلِ النَّارِ؟ قَالَ: يَا سَلْمَانُ! أَنَا مِمَّنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ بِمَنِّهِ وَكَرَمِهِ. فَقَالَ سَلْمَانُ: كَيْفَ وَجَدْتَ الْمَوْتَ وَمَاذَا لَقِيتَ مِنْهُ وَمَاذَا رَأَيْتَ وَعَايَنْتَ؟ قَالَ: آه يَا سَلْمَانُ! مَهْلًا وَاللَّهِ إِنَّ قَرْضًا مِنَ الْمَقَارِيضِ وَنَشْرًا مِنْ

(۱) این متن از کشکول شیخ بهایی نوشته شده و الحاقی و متأخر است. لازم بذکر است ص ۹۲۳ تا ۹۲۵ نیز به خط همین کاتب است و در هیچ یک از دو متن نامی از کاتب نیامده است و هر دو الحاقی است.

(۲) للبلاء.

(۳) در اصل: بعرضه..

(۴) در اصل: أم من.

الْمَنَاشِرِ لَأَهْوَنُ مِنْ غُصَّةٍ مِنْ مُحْصَصِ الْمَوْتِ وَ سَبْعِينَ ضَرْبَةً بِالسَّيْفِ أَهْوَنُ مِنْ نَزْعَةٍ مِنْ نَزَعَاتِ الْمَوْتِ عَلَى الْفِرَاشِ .

فَقَالَ سَلْمَانُ: مَا كَانَ حَالُكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا؟ فَقَالَ: كُنْتُ مَعَنَ اللَّهُ الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهِ وَ كُنْتُ أُوْدِي الْفَرِيضَةَ وَأَتْلُو كِتَابَهُ وَ كُنْتُ حَرِيصاً فِي بَرِّ الْوَالِدَيْنِ وَأَجْتَنِبُ الْحَرَامَ وَأَطْلُبُ الْحَلَالَ خَوْفاً مِنْ وَقَعَةِ السُّؤَالِ فِيمَا أَتَانِي فِي الدُّعَى وَ غَيْبَةِ وَ فَرَحِ وَ سُرُورِ إِذَا وَقَعْتُ مَرِيضاً حَتَّى انْقَطَعَتْ مِنَ الدُّنْيَا مُدَّتِي وَ قَرَبَتْ مَوْتِي، فَأَتَانِي شَخْصٌ عَظِيمُ الْخِلْقَةِ فَظِيغُ الْمَنْظَرِ فَوَقَفَ مُقَابِلَ وَجْهِ لِي إِلَى السَّمَاءِ صَاعِداً وَ لَا إِلَى الْأَرْضِ نَازِلاً فَأَشَارَ إِلَيَّ بِصَرِي فَأَعْمَاهُ وَ إِلَيَّ سَمِعِي فَأَصَمَّنِي وَ إِلَيَّ لِسَانِي فَأَخْرَسَنِي فَصِرْتُ لَا أَبْصُرُ وَ لَا أَسْمَعُ وَ لَا أَنْطِقُ، فَعِنْدَ ذَلِكَ بَكَى أَهْلِي وَ أَعْوَانِي فَظَهَرَ حُزْنِي عَلَى إِخْوَانِي .

ثُمَّ قَالَ لِي: أَنَا مَلِكُ الْمَوْتِ أَتَيْتُكَ لِقَبْضِ رُوحِكَ وَ نَقْلِكَ مِنْ دَارِ الدُّنْيَا إِلَى دَارِ الْآخِرَةِ، فَقَدْ انْقَطَعَتْ مُدَّتُكَ وَ جَاءَتْ مَنِيَّتُكَ، فَبَيْنَمَا هُوَ كَذَلِكَ يُخَاطِبُنِي إِذَا أَتَانِي شَخْصَانِ وَ هُمَا أَحْسَنُ خُلُقاً فَجَلَسَ أَحَدُهُمَا عَن يَمِينِي وَ الْآخَرُ عَن شِمَالِي فَقَالَا: السَّلَامُ عَلَيْكَ فَقَدْ جِئْنَاكَ بِكِتَابِكَ فَخُذْهُ الْآنَ وَ انظُرْ مَا فِيهِ، فَقُلْتُ لَهُمَا: أَيُّ كِتَابٍ لِي حَتَّى أَقْرَأَهُ؟ قَالَا: * ۸۴۱ * نَحْنُ الْمَلَكَانِ اللَّذَانِ كُنَّا مَعَكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَ نَكْتُبُ مَا لَكَ وَ مَا عَلَيْكَ، فَهَذَا كِتَابُ عَمَلِكَ، فَانظُرْ فِي كِتَابِ الْحَسَنَاتِ هُوَ بِيَدِ الرَّقِيبِ فَسَرَّنِي مَا فِيهِ وَ مَا رَأَيْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَ فَرِحْتُ، وَ نَظَرْتُ إِلَى كِتَابِ السَّيِّئَاتِ (۱) وَ هُوَ بِيَدِ الْعَتِيدِ فَسَاءَنِي (۲) مَا رَأَيْتُ وَأَبْكَانِي ثُمَّ دَنَا مِنِّي الشَّخْصُ الْأَوَّلُ فَجَذَبَ الرُّوحَ فَلَيْسَ مِنْ جَذْبَةٍ يَجْذِبُهَا إِلَّا وَهِيَ تَقُومُ مَقَامَ كُلِّ شِدَّةٍ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، فَلَمْ يَزَلْ كَذَلِكَ حَتَّى صَارَتْ الرُّوحُ فِي (۳) صَدْرِي ثُمَّ أَشَارَ بِجُرَّتِهِ لَوْ أَنَّهَا وُضِعَتْ عَلَى الْجِبَالِ لَذَابَتْ فَجَبَّضَ رُوحِي (۴) مِنْ عَرْنِي وَأَنْفِي، فَعَلَى عِنْدَ ذَلِكَ صَرَخَ الْقَوْمُ وَ بَكَوْهُمْ

(۱) السيات.

(۲) فسانى.

(۳) در این موضع کلمه جسدی نوشته شده و خط خورده است و زاید است .

(۴) ابتدا الروح نوشته شده است .

فَالْتَمَتَ إِلَيْهِمْ مَلَكُ الْمَوْتِ بَغِيظًا^(١) وَضَيْقٍ وَقَالَ: يَا مَعْشَرَ الْقَوْمِ! فَمَا بُكَأُوكُمْ؟! فَوَاللَّهِ مَا ظَلَمْنَاهُ فَتَسَلُّوا وَلَا أَعْقَدْنَا عَلَيْهِ فَتَضَجُّوا وَتَبْكُوا وَنَحْنُ وَأَنْتُمْ عِبِيدُ رَبِّ وَاحِدٍ، وَاللَّهُ! مَا أَخَذْنَاهُ حَتَّىٰ فَنِيَ^(٢) وَفَدَّهُ وَانْقَطَعَتْ مَدَّتُهُ وَصَارَ إِلَىٰ رَبِّ كَرِيمٍ حَكِيمٍ مَا يَشَاءُ^(٣) وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، فَإِنْ صَبَرْتُمْ أُجْرْتُمْ وَإِنْ جَزَعْتُمْ أُثِمْتُمْ وَإِنَّ لِي رَجْعَةً أَخَذَ الْبَيْنِينَ وَالْبَنَاتِ وَالْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ.

ثُمَّ انصَرَفَ عَنِّي وَالرُّوحُ مَعَهُ فَتَلَقَّاهُ مَلَكُ آخِرُ فَأَخَذَهَا مِنِّي وَتَرَكَهَا فِي ثَوْبِ حَرِيرٍ وَصَعَدَ بِهَا وَوَضَعَهَا بَيْنَ يَدَيِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَسَأَلَهَا^(٤) عَنِ الصَّغِيرَةِ وَالْكَبِيرَةِ وَالصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ وَحَجِّ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّدَقَاتِ وَالْأَوْقَاتِ وَالْأَيَّامِ وَطَاعَةِ الْوَالِدَيْنِ وَعَنْ فَسْلِ النَّاسِ وَأَكْلِ مَالِ الْيَتِيمِ وَمَظَالِمِ الْعِبَادِ وَالتَّهَجُّدِ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسِ نِيَامًا وَمَا شَاكَلَ ذَلِكَ، ثُمَّ بَعْدَ ذَلِكَ رُدَّتِ الرُّوحُ إِلَى الْأَرْضِ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى، فَعِنْدَ ذَلِكَ أَتَانِي الْغَاسِلُ فَجَرَّدَنِي عَنْ أَثْوَابِي وَأَخَذَ فِي غُسْلِي فَنَادَتْهُ الرُّوحُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ! رَفِقًا بِالْبَدَنِ الضَّعِيفِ! فَوَاللَّهِ مَا خَرَجْتُ مِنْ عَرَقٍ إِلَّا وَقَدْ انْقَطَعَ وَلَا مِنْ عَضْوٍ إِلَّا وَقَدْ انصَدَعَ، فَوَاللَّهِ لَوْ سَمِعَ الْغَاسِلُ ذَلِكَ الْقَوْلَ لَمَا غَسَلَ مَيِّتًا أَبَدًا.

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

ثُمَّ إِنَّهُ أَجْرَى الْمَاءِ عَلَيَّ وَأَغْسَلَنِي ثَلَاثَ غَسَلَاتٍ وَكَفَّنِي فِي ثَلَاثِ أَثْوَابٍ وَحَنَطَنِي بِحُنُوطٍ وَهِيَ الزَّادُ الَّذِي خَرَجْتُ بِهِ إِلَى دَارِ الْآخِرَةِ، ثُمَّ جَذِبَ الْخَاتَمَ مِنْ يَدِي وَدَفَعَهُ إِلَى وُلْدِي فَقَالَ لَهُ: أَحْسَنَ اللَّهُ الْعَزَاءَ!

* ٨٤٢ * ثُمَّ أَدْرَجَنِي فِي كَفْنِي وَأَقْبَلَتْ أَهْلِي وَوُلْدِي وَجِيرَانِي، وَوَدَّعُونِي، ثُمَّ حُمِلْتُ عَلَى سَرِيرٍ مِنَ الْخَشَبِ وَالرُّوحُ عِنْدَ ذَلِكَ بَيْنَ وَجْهِي وَكَفْنِي حَتَّىٰ إِذَا صَلُّوا عَلَيَّ وَحُمِلْتُ إِلَى قَبْرِي وَوَارَيْتُ فِيهِ فَعَايَنْتُ هُوَ الْمَطْلَعُ.

يَا سَلْمَانَ! يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! لَمَّا وَضِعْتُ فِي قَبْرِي خِيَلَنِي أَنِّي سَقَطْتُ مِنَ السَّمَاءِ [إ] إِلَى الْأَرْضِ

(١) بغيط.

(٢) فنا.

(٣) يشاء.

(٤) سألها.

و سُرَّحَ عَلَيَّ اللَّبَنُ وَ حُيِيَ عَلَيَّ التُّرَابُ وَ وَارَوْنِي وَ انصَرَفَ الْقَوْمُ فَرَجَعَتِ الرُّوحُ إِلَيَّ وَ أَخَذْتُ فِي النَّدَمِ، فَقُلْتُ يَا لَيْتَنِي مَعَ الرَّاجِعِينَ لِأَعْمَلَ صَالِحًا، نَادَانِي مِنَ الْقَبْرِ مُنَادٍ: كَلَّا! إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا! فَقُلْتُ: مَنْ أَنْتَ يَا هَذَا؟ فَقَالَ: أَنَا مَنِيَّةٌ مَلَكَ وَ كَلَّنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِجَمِيعِ خَلْقِهِ لِأَتَيْتَهُمْ^(۱) بَعْدَ مَمَاتِي بِهِمْ لِيَكْتُبُوا أَعْمَالَهُمْ عَلَيَّ أَنفُسِهِمْ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ أَجْلَسَنِي وَ قَالَ: أَكْتُبْ عَمَلَكَ لِأَخْصِيهِ، فَقَالَ: أَنَا أُمْلِي عَلَيْكَ، فَقُلْتُ: وَ أَيْنَ الْبَيَاضُ؟ فَقَطَعَ جَانِبًا مِنَ الْكَفِّ وَ إِذَا هُوَ وَرَقٌ وَ قَالَ هَذِهِ صَحِيفَتُكَ، فَقُلْتُ: وَ أَيْنَ الْقَلَمُ؟ قَالَ: سَبَّابَتُكَ، قُلْتُ: وَ أَيْنَ الْمِدَادُ؟ قَالَ: رِيْقُكَ، ثُمَّ أُمْلِي عَلَيَّ جَمِيعَ مَا فَعَلْتَهُ فِي دَارِ الدُّنْيَا، فَلَمْ يَبْقَ مِنْ أَعْمَالِي صَغِيرَةٌ وَ لَا كَبِيرَةٌ إِلَّا أَحْصَاهَا وَ وَجَدْتُ مَا عَمِلْتُ حَاضِرًا وَ لَا يَظْلِمُ رَبِّي أَحَدًا.

فَأَخَذَ الْكِتَابَ وَ خَتَمَهُ وَ طَوَّقَهُ فِي عُنُقِي فَخِيلَ بِي أَنْ جِبَالَ الدُّنْيَا جَمِيعًا طَوَّقَتْ فِي عُنُقِي بَعْدُ، فَقُلْتُ: يَا مَنِيَّةُ! لِمَ فَعَلْتِ بِي هَكَذَا؟ قَالَ: أَوْلَمْ تَسْمَعْ قَوْلَ رَبِّكَ ﴿وَ كُتِبَ لِلْإِنْسَانِ أَنْزَمًا طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَ نَخْرُجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا﴾ [يُلْقَاهُ] مَنْشُورًا^(۲) وَ يَقُولُ لَكَ رَبُّكَ ﴿إِذَا رَأَى كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا﴾^(۳) فَهَذَا تُخَاطَبُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ تُغَطَّى بِكَ وَ كِتَابُكَ بَيْنَ عَيْنَيْكَ مَنْشُورًا تَشْهَدُ بِهِ عَلَيَّ نَفْسِكَ تَمِيمًا وَ تَوْبَةً عَلَيْهِمْ رِسْوَى

ثُمَّ انصَرَفَ عَنِّي.

وَ أَتَانِي مُنْكَرٌ بِأَعْظَمَ مَنْظَرٍ وَ أَوْحَشِ شَخْصٍ وَ بِيَدِهِ عَمُودٌ مِنْ حَدِيدٍ لَوْ اجْتَمَعَتْ عَلَيْهِ الثَّقَلَانِ مَا حَرَّ كَوْهَهُ ثُمَّ أَجْلَسَنِي وَ صَاحَ صَیْحَةً لَوْ سَمِعَهَا أَهْلُ الْأَرْضِ لَمَاتُوا جَمِيعًا ثُمَّ قَالَ: أَخْبِرْنِي عَنْ دِينِكَ وَ مَا دِينُكَ؟ فَانْعَقَدَ مِنْ فِرْعَى لِسَانِي وَ تَحَيَّرْتُ فِي أُمُورِي وَلَمْ أَدْرِ مَا أَقُولُ وَ تَقَطَّعَتْ أَعْضَائِي وَ أَوْصَالِي مِنَ الْخَوْفِ، فَمَا أَقْنَطَنِي رَحْمَةُ رَبِّي وَ انْطَلَقَ لِسَانِي فَقُلْتُ لَهُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ! لِمَ تَفْرَعُنِي وَ أَنَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لِأَشْرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ إِلَى آخِرِهِ فَهَذَا إِعْتِقَادِي وَ عَلَيْهِ أَلْقَى رَبِّي^(۴) مَعَادِي، فَسَعِدَ ذَلِكَ قَالَ لِي: الْآنَ

(۱) كذا، شاید و لإيتهم، باشد..

(۲) قرآن کریم سوره اسراء (۱۷) آیه ۱۳.

(۳) قرآن کریم سوره اسراء (۱۷) آیه ۱۴.

(۴) در این موضع يك كلمه مفهوم نیست.

أُبَشِّرُ يَا عَبْدَ اللَّهِ بِالسَّلَامَةِ قَدْ نَجَوْتَ مِنِّي، وَمَضَى عَنِّي.

ثُمَّ أَتَانِي نَكِيرٌ وَصَاحَ بِي صَیْحَةً هَائِلَةً أَعْظَمَ مِنْ * ۸۴۳ * الصَّیْحَةِ الْأُولَى ثُمَّ قَالَ: هَابِ عَمَلَكَ الْآنَ، فَبَقِيتُ حَائِرًا مُتَفَكِّرًا فِي رَدِّ الْجَوَابِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ ذَهَبَ عَنِّي الرَّوْعُ وَالْفَزَعُ وَالْهَمْنِي اللَّهُ حُجَّتِي فَقُلْتُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ رِفْقًا بِي فَإِنِّي خَرَجْتُ مِنَ الدُّنْيَا وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَالْقَبْرَ حَقٌّ. فَقَالَ: يَا عَبْدَ اللَّهِ! أُبَشِّرُ^(۱) بِالْجَنَّةِ وَالنَّعِيمِ الدَّائِمِ. ثُمَّ أَضْجَعَنِي وَقَالَ: نُمِ نَوْمَةَ الْعُرُوسِ، ثُمَّ فَتَحَ لِي بَابًا إِلَى الْجَنَّةِ عِنْدَ رَأْسِي وَبَابًا عِنْدَ رِجْلِي إِلَى النَّارِ ثُمَّ قَالَ: يَا عَبْدَ اللَّهِ! أَنْظِرْ إِلَى مَا أَنْتَ صَائِرٌ إِلَيْهِ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّعِيمِ وَإِلَى مَا نَجَوْتَ مِنْهُ مِنْ نَارِ الْجَحِيمِ، ثُمَّ سَدَّ بَابَ النَّارِ وَبَقِيَ بَابُ الْجَنَّةِ مَفْتُوحًا عِنْدَ رَأْسِي وَيَدْخُلُ عَلَيَّ مِنْ رُوحِ الْجَنَّةِ وَنَعِيمِهَا، ثُمَّ أَوْسَعَ عَلَيَّ اللَّحْدَ مَدَّ الْبَصَرِ وَمَضَى عَنِّي وَأَنَا يَا سَلْمَانَ! لَمْ أَجِدْ عِنْدَ اللَّهِ أَعْظَمَ شَيْئًا يُحِبُّهُ اللَّهُ غَيْرَ ثَلَاثَةٍ: صَلَاةٍ لَيْلَةٍ شَدِيدِ الْبُرْدِ وَصَوْمِ نَهَارٍ شَدِيدِ الْحَرِّ وَصَدَقَةٍ بِيَمِينِكَ لَا تَعْلَمُ بِهَا شِمَالَكَ.

فَهَذَا حَدِيثِي وَمَا أَخَذْتَنِي وَمَا جَرَى لِي يَا سَلْمَانَ! يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! وَمَا لَاقَيْتَهُ مِنْ شِدَّةِ الْأَهْوَالِ، فَيَا أَبْنَا [ء] ^(۲) الدُّنْيَا رَاعِبُوا [الله] خَوْفًا مِنْ وَقَعَةِ السُّؤَالِ.

ثُمَّ انْقَطَعَ الْكَلَامُ، فَقَالَ سَلْمَانُ لِلْأَضْبَعِ وَمَنْ كَانَ مَعَهُ: هَلُمُّوا إِلَيَّ وَاحْتَمِلُونِي، فَلَمَّا وَصَلَ إِلَيَّ مَنَزِلَهُ قَالَ: حُطُّونِي رَحِمَكُمُ اللَّهُ، ثُمَّ رَمَقَ ^(۳) إِلَى السَّمَاءِ بِطَرْفِهِ وَقَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لِنَبِيِّكَ اتَّبَعْتُ وَبِكِتَابِكَ صَدَّقْتُ وَقَدْ أَتَانِي مَا وَعَدْتَنِي يَا مَنْ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ، إِقْبِضْنِي إِلَى رَحْمَتِكَ وَأَنْزِلْنِي دَارَ كَرَامَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ! فَلَمَّا تَمَّ ذَلِكَ قَضَى نَحْبَهُ وَلَقِيَ رَبَّهُ رِضْوَانُ اللَّهِ [عَلَيْهِ] ^(۴).

نَقَلَ مِنْ كَشْكُولِ شَيْخِ الْمُحَقِّقِينَ وَبَهَا [ء] الْعَالَمِينَ شَيْخَنَا الْبَهَائِي رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ ^(۵).

(۱) در این مکان بالنعم آورده و بر روی آن خط کشیده است و زاید است.

(۲) ابنا.

(۳) ذیل این کلمه معنی آن نظر نوشته شده است.

(۴) بحار الانوار ۳۷۴/۲۲ باب ۱۱ کیفیت اسلام سلمان رضوان الله علیه.

(۵) این متن در کَشْكُولِ شیخ بهایی سه جلدی چاپ بیروت وجود ندارد.

* ٨٤٤ * كِتَابُ غَرَائِبِ الْأَخْبَارِ وَنَوَادِرِ الْأَثَارِ
 نُقِلَ مِنْ خَطِّ الصَّاحِبِ الْأَعْظَمِ مُنْشَى الْمَمَالِكِ
 جَمَالِ الدَّوْلَةِ وَالدِّينِ حَاجِي أَعْلَى اللَّهِ قَدْرَهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نَسْتَعِينُ

المولى السيد العالمين محمد الشافعي في القرن الثامن عشر

محمد باقر أحمد من أفاضل علماء عصره من أئمة الدين المعروفة

في عصره في كتابه ونوادر الأخبار وغيرها من المصنفات ووردت في الأثر

من المصنفات والبركات والقطرات والبركات من العقول والقطرات

والعلم والعلما والفكر والفكر والفكر والفكر والفكر والفكر

ذكرة للفتنة في هذا المتن بفتحها وطلب حيل الفكر وطلب

الأجر والله الرحمن الرحيم

باب الأثر في العقل والعقل في حد العقل

قال السيد العالم المعروف بفتحها من المصنفات وطلب حيل الفكر

في العقول تلك المصنفات بالوساطة والمصنفات بالمشاهدة

وقال السيد العالم العقل هو بسيط وذلك للأسباب المحققة

دفعه واحدة بالمشاهدة من العقل قوة تارة على العقل

ووردت في الأثر

و بِهِ تَسْتَعِين

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ الْخَلْقِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 أَجْمَعِينَ، أَمَّا بَعْدُ فَهَذِهِ الرِّسَالَةُ مُلْتَقَنَةٌ مِنَ الْكُتُبِ الْمُعْتَبَرَةِ فِي غَرَايِبِ الْأَخْبَارِ وَنَوَادِرِ الْأَثَارِ وَ
 غُرَرِ الْمَقَامَاتِ وَدُرَرِ الدَّلَالَاتِ مِنَ الْمَوَاعِظِ وَالنُّكَاتِ وَالْإِشَارَاتِ وَالْحِكَايَاتِ فِي الْعَقْلِ وَ
 الْعُقْلَا [ء] وَالْعِلْمِ وَالْعُلْمَا [ء] وَالْحِكْمَةِ وَالْحُكْمَا [ء] وَالْفَقْرِ وَالْفُقْرَا [ء] وَالْجُودِ وَالْغِنَاءِ تَذْكَرَةٌ
 لِلْمُقْتَبِسِينَ (۱) أَزْهَارٌ (۲) ابْتِغَاءَ طَلَبِ جَمِيلِ الذِّكْرِ وَجَزَائِلِ الْأَجْرِ، وَاللَّهُ الْمُؤَفِّقُ لِلْإِتْمَامِ
 وَمِنَهُ التَّعَطُّفُ وَالْإِنْعَامُ.



الباب (۳) الأول في العقل والعقلاء

فصل في حدّ العقل

قَالَ أَهْلُ الْعِلْمِ: الْعَقْلُ جَوْهَرٌ مُضِيءٌ خَلَقَهُ اللَّهُ فِي الدِّمَاغِ وَجَعَلَ نُورَهُ فِي الْقَلْبِ بِدَرْكِ
 الْغَائِبَاتِ بِالْوَسَائِطِ وَالْمَحْسُوسَاتِ بِالْمُشَاهَدَةِ. وَقَالَ أَهْلُ الْكَلَامِ: الْعَقْلُ جَوْهَرٌ بَسِيطٌ يُدْرِكُ
 لِلْأَشْيَاءِ [ء] بِحَقَائِقِهَا دَفْعَةً وَاحِدَةً بِلا تَوَسُّطِ زَمَانٍ. وَقِيلَ: الْعَقْلُ قُوَّةٌ دَالَّةٌ عَلَى عِلْمِ حَقَائِقِ
 الْأَشْيَاءِ * ۸۴۶ * كُلَّهَا. وَقَالَ أَهْلُ التَّفْسِيرِ: الْعَقْلُ نَوْعٌ عِلْمٍ يُسْتَبَانُ بِهِ الْعَوَاقِبُ وَيُتْرَكُ بِهِ
 الْقَبَائِحُ، وَالْعَقْلُ يَكْمُلُ مَعَ فَقْدِ بَعْضِ الْعِلْمِ وَالْعِلْمُ لَا يَكْمُلُ مَعَ فَقْدِ بَعْضِ الْعَقْلِ. وَقَالَ أَهْلُ
 الْحِكْمَةِ: الْعَقْلُ نُورٌ فِطْرِيٌّ يَزِيدُ بِالسَّمْعِ وَالْكَسْبِ. وَفِي الْحَدِيثِ: الْعَقْلُ نُورٌ فِي الْقَلْبِ يُفَرِّقُ

(۱) در حاشیه سمت راست نوشته شده است: أنوار الطّرف و بصره للمتلمسین که مربوط به همین مکان می باشد.

(۲) در این موضع يك كلمه خوانده نمی شود.

(۳) باب.

بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ (١).

وَقَالَ أَهْلُ الْمَعْرِفَةِ: الْعَقْلُ هُوَ النَّوْرُ الْفِطْرِيُّ يَزِيدُ بِاقْتِبَاسِ أَنْوَارِ الْحِكْمِ، وَلِهَذَا قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعَقْلُ عَقْلَانِ: مَسْمُوعٌ وَمَطْبُوعٌ وَلَا يَنْفَعُ الْمَطْبُوعُ إِذَا لَمْ يَكُنِ الْمَسْمُوعُ كَمَا لَا يَنْفَعُ ضَوْءُ الشَّمْسِ وَنُورُ الْعَيْنِ مَسْمُوعٌ (٢).
وَقِيلَ: الْعَقْلُ مَا تُرِيكَ الْعَوَاقِبَ.

الأخبار والآثار في العقل

عَنِ الْحَسَنِ الْبَصْرِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ: حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ كُلُّهُمْ سَمِعُوا الْحَدِيثَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا خَلَقَ الْعَقْلَ وَقَالَ (٣) لَهُ: أَقْعُدْ فَقَعَدَ ثُمَّ قَالَ لَهُ: قُمْ فَقَامَ ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ ثُمَّ قَالَ لَهُ: تَكَلَّمْ فَتَكَلَّمَ ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَنْصِتْ فَأَنْصَتَ ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَنْظِرْ فَنَظَرَ ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَنْصِرْ فَنَصَرَ ثُمَّ قَالَ لَهُ: إِفْهَمْ فَفَهِمَ ثُمَّ قَالَ لَهُ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي وَعَظْمَتِي وَكِبْرِيَائِي وَسُلْطَانِي وَ*٨٤٧* جَبْرُوتِي وَعُلُوتِي وَارْتِفَاعَ مَكَانِي وَاسْتِوَائِي عَلَى عَرْشِي وَقُدْرَتِي عَلَى خَلْقِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَكْرَمَ عَلَيَّ مِنْكَ وَلَا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْكَ، بِكَ أُعْرِفُ وَبِكَ أُعْبَدُ وَبِكَ أُطَاعُ وَبِكَ أُعْطَى وَإِيَّاكَ أُعَاتِبُ، لَكَ الثَّوَابُ وَعَلَيْكَ الْعِقَابُ (٤).

وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ [قَالَ] لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا تَقَرَّبَ النَّاسُ إِلَى خَالِقِهِمْ بِأَنْوَاعِ الْبِرِّ فَتَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ بِأَنْوَاعِ الْعَقْلِ تَسْبِيقُهُمْ بِالذَّرَجَاتِ وَالرُّؤْفِ عِنْدَ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا وَعِنْدَ اللَّهِ فِي الْآخِرَةِ (٥).

وَعَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: قِيَامُ عَقْلِ الْمَرْءِ عَقْلُهُ وَلَا دِينَ

(١) ارشاد القلوب ١/١٩٨ باب ٥٣.

(٢) بحار الأنوار ٦/٧٥ باب ٩٥.

(٣) كذا، ظاهر: فقال.

(٤) بحار الأنوار ١/٩٧ باب ٢.

(٥) مشكاة الأنوار ص ٢٥١ الفصل الثاني في صفة العقل.

لِمَنْ لاقِوَامَ لَهُ^(١).

وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَا تَزَيَّنَ الْعَبْدُ بِزِينَةٍ أَحْسَنَ مِنَ الْعَقْلِ^(٢).

وَقَالَ [النَّبِيُّ] عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تُحَدِّثُوا أُمَّتِي مِنْ أَحَادِيثِي إِلَّا مَا تَحْتَمِلُ^(٣) عُقُولُهُمْ^(٤).

سُئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ أَحْسَنُ الْعُقَلَاءِ [ء]؟ قَالَ: السَّارِعُ إِلَى مَرْضَاتِ اللَّهِ

الْمُجْتَنِبُ لِمَحَارِمِ اللَّهِ تَعَالَى^(٥).

وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعَقْلُ فِي الْقَلْبِ وَالرَّحْمَةُ فِي الْكَبِدِ وَالرَّاحَةُ فِي

الطَّحَالِ^(٦).

و: يُدْرِكُ الْغَلَامُ لِأَرْبَعِ عَشْرَةَ سَنَةً وَيَنْتَهِي طَوْلُهُ لِأَرْبَعِ وَعِشْرِينَ وَعَقْلُهُ لِثَمَانٍ وَعِشْرِينَ

إِلَّا التَّجَارِبُ فَإِنَّهُ لَا غَايَةَ * ٨٤٨ * لَهَا^(٧).

وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الْعَقْلَ مِنْ نُورٍ مَكْنُونٍ

مَخْزُونٍ فِي سَابِقِ عِلْمِهِ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ فَجَعَلَ الْعِلْمَ نَفْسَهُ وَالْفَهْمَ رُوحَهُ وَالرَّأْفَةَ

قَلْبَهُ وَالرَّحْمَةَ هَمَّهُ وَالزُّهْدَ رَأْسَهُ وَالْحِلْمَ وَجْهَهُ وَالْحَيَا [ء] عَيْنِيهِ وَالْحِكْمَةَ لِسَانَهُ وَالْخَيْرَ^(٨)

سَمْعَهُ وَالْعِبْرَةَ بَصَرَهُ ثُمَّ قَوَاهُ بِعَشْرَةِ أَشْيَاءَ [ء]: الْخَوْفُ وَالرَّجَاءُ [ء] وَالْإِيمَانُ وَالْيَقِينُ وَالصُّدْقُ

وَالسَّكِينَةُ وَالْفُتُوَّةُ وَالرِّضَا وَالتَّسْلِيمُ^(٩).

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعَقْلُ شَجَرَةٌ أَصْلُهَا التَّقَى وَفَرْعُهَا الْحَيَا [ء] وَتَمَرُتُهَا الْوَرَعُ، فَالتَّقَى

يَدْعُو إِلَى خِصَالِ ثَلَاثٍ: إِلَى الْفَقْرِ فِي الدِّينِ وَالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا وَالْإِنْقِطَاعِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى،

(١) بحار الانوار ٩٤/١ ح ١٤٨.

(٢) كنز الفوائد ٢٠٠/١.

(٣) بحتمل، در مصادر مورد رجوع بحمله آمده است.

(٤) كنز العمال ٢٤٢/١٠ ح ٢٩٢٨٤، كشف الغطاء ١٩٦/١.

(٥) روایت را نیافتیم.

(٦) شرح نهج البلاغة ٢٥٦/٢٠ الحكم المنسوبة.

(٧) بحار الانوار ٣٦٠/٥٧ باب ٤١.

(٨) در اصل: الخير.

(٩) الخصال ص ٤٢٧، مشكاة الانوار ص ٢٥٠.

وَالْحَيَاءُ [يَدْعُو] (۱) إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: إِلَى الْيَقِينِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ وَالتَّوَاضُّعِ، وَالْوَرَعُ يَدْعُو (۲) إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: إِلَى صِدْقِ اللُّسَانِ وَالمُنَازَعَةِ إِلَى الْبِرِّ وَتَرْكِ الشُّبُهَاتِ (۳).
وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ (رَضِيَ) أَنَّهُ قَالَ: أَلْجَنَّةُ عَلَى عَشْرَةِ آفِ جُزْءٍ (۴) تِسْعَةٌ آفِ وَ تِسْعُمِائَةٌ وَ تِسْعَةٌ وَ تِسْعُونَ جُزْءًا (۵) لِلَّذِينَ عَقَلُوا عَنِ اللَّهِ وَ هُمْ الَّذِينَ يَعْبُدُونَ اللَّهَ فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ [بِ] اِخْتِلَافٍ وَ يَذُرُونَ النَّاسَ فِي الْأَحْوَالِ كُلِّهَا وَ اسْتَقَامُوا عَلَى * ۸۴۹ * (۶) مِنْهَاجِ الصَّالِحِينَ.

المواعظ والنكات والإشارات والحكايات في العقل

قَالَ بَعْضُهُمْ: خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى الْعَقْلَ مِنْ أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ [بِ]: مِنَ الْعِلْمِ وَ الْقُدْرَةِ وَ الْمَشِيئَةِ وَ النُّورِ ثُمَّ جَعَلَهُ سِتَّةَ أَجْزَاءٍ فَجُزْءٌ مِنْهُ الْفَهْمُ وَ جُزْءٌ مِنْهُ الْحِفْظُ وَ جُزْءٌ مِنْهُ الذَّهْنُ وَ جُزْءٌ مِنْهُ الرَّوِيَّةُ وَ جُزْءٌ مِنْهُ الْفِطْنَةُ وَ جُزْءٌ مِنْهُ التَّثَبُّتُ.

وَعَنْ حَكِيمٍ أَنَّهُ قَالَ: الْعَقْلُ فِي الرَّجُلِ كَالْحَيَاةِ النَّامِيَةِ فِي الشَّجَرَةِ فَمَا كَانَتْ الشَّجَرَةُ رَطْبَةً يَنْتَفِعُ بِوَرَقِهَا ثُمَّ بِنُورِهَا ثُمَّ بِشَمْرِهَا فَإِذَا فَارَقَهَا الرُّطُوبَةُ لَمْ يَسْتَقِمِ إِلَّا لِلْقَطْعِ وَ الْحَرَقِ، كَذَلِكَ الرَّجُلُ مَا دَامَ عَاقِلًا يَنْتَفِعُ بِصُحْبَتِهِ وَ مَجَالِسَتِهِ وَ مَكَالِمَتِهِ، فَإِذَا فَارَقَهُ الْعَقْلُ لَمْ يَسْتَقِمِ إِلَّا لِلْمَوْتِ وَ الْقَتْلِ.

وَقَالَ: مَنْ لَمْ يَكُنْ عَقْلُهُ أَوْفَرَ مَا فِيهِ كَانَ هَلَاكُهُ بِأَوْفَرِ مَا فِيهِ.

وَ حَكِيمٍ أَنْ كَسَرَى قَالَ لِحَكِيمٍ: أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ فِي الرَّجُلِ؟ قَالَ: عَقْلٌ يُؤَلِّدُ مَعَهُ. قَالَ: فَإِنْ أَخْطَأَ؟ قَالَ: أَدَبٌ مَرْزُوقٌ. قَالَ: فَإِنْ أَخْطَأَ؟ قَالَ: فَمَا لِي يَنْتَزَهُ (۷). قَالَ: فَإِنْ أَخْطَأَ (۸)؟ قَالَ:

(۱) يدعوا.

(۲) يدعوا.

(۳) قرر الحكم من ۲۵۶ الفصل الثاني.

(۴) جزوه.

(۵) جزواً.

(۶) كلمه على در اين موضع زايد و تكرارى است.

(۷) ظاهراً: ينتزعه به.

(۸) عبارت داخل پرانتز در حاشيه سمت چپ نوشته شده و مربوط به اينجاي متن مى باشد.

فَصَاعِقَةٌ يُحْرِقُهُ .

وَقَالَ عُمَرُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ: تَمَامُ الرَّجُلِ بِتَمَامِ الْعَقْلِ وَاعْمَلُهُمْ بِطَاعَةِ اللَّهِ أَعْقَلُهُمْ .

وَقَالَ ابْنُ الْعَطَاءِ: الْعَقْلُ آلَةٌ لِلْعُبُودِيَّةِ لَا لِلْإِسْرَافِ عَلَى الرُّبُوبِيَّةِ .

وَقَالَ بَعْضُهُمْ: * ٨٥٠ * الْعَقْلُ يَحُولُ حَوْلَ الْكَوْنِ فَإِذَا نَظَرَ إِلَى الْمُكُونِ ذَابَ .

وَحُكِيَ أَنَّهُ سُئِلَ حَكِيمٌ: أَيُّ شَيْءٍ أَزِينُ؟ قَالَ: الْإِسْلَامُ . قِيلَ: فَمَا زِينُ الْإِسْلَامِ؟ قَالَ:

الْعَقْلُ . قِيلَ: فَمَا زِينُ الْعَقْلِ؟ قَالَ: الْعِلْمُ . قِيلَ: فَمَا زِينُ الْعِلْمِ؟ قَالَ: الْحِلْمُ . قِيلَ: فَمَا زِينُ

الْحِلْمِ؟ قَالَ: الْكُظْمُ . قِيلَ: فَمَا زِينُ الْكُظْمِ؟ قَالَ: الصَّبْرُ .

وَقَالَ يَحْيَى بْنُ مَعَاذٍ: مَنْ كَانَ عَقْلُهُ أَقَلَّ مِنْ عِلْمِهِ لَا يَنْتَفِعُ بِكَثْرَةِ رِوَايَتِهِ .

وَحُكِيَ عَنْ حَبِيبِ النَّجَّارِ أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ ابْنِ الْمُبَارَكِ: مَا خَيْرُ خَصْلَةٍ يُعْطَى^(١) بِهَا الْإِنْسَانُ

عَوْرَتُهُ؟ قَالَ: الْعَقْلُ . قَالَ: فَإِنْ لَمْ يَكُنْ؟ قَالَ: حُسْنُ الْأَدَبِ . قَالَ: فَإِنْ لَمْ يَكُنْ؟ قَالَ:

مُشَاوَرَةُ الْإِخْوَانِ فِي اللَّهِ . قَالَ: فَإِنْ لَمْ يَكُنْ؟ قَالَ: طَوْلُ الصَّمْتِ . قَالَ: فَإِنْ لَمْ يَكُنْ؟ قَالَ:

مَوْتُ عَاجِلٍ .

مرآتية كبرى في شعور سوي

إِذَا كُنْتَ ذَاعِقًا صَاحِبًا فَلا تَكُنْ عَيْرًا^(٢) إِلَّا كُلَّ مَنْ كَانَ ذَا عَقْلٍ

فَذُو الْجَهْلِ إِنْ عَاشَرْتَهُ أَوْ صَحِبْتَهُ بَصْدُكَ عَنْ عَقْلِ يُغْرِيكَ بِالْجَهْلِ

فصل في العقلا [ء]

الْحَدُّ: قَالَ أَهْلُ الْحِكْمَةِ: الْعَاقِلُ إِذَا لَمْ يَفْتَحْ لَهُ الْبَابُ لَمْ يُزَاجِمِ الْبَوَّابَ . وَقَالَ: أَهْلُ الْعِلْمِ

الَّذِي تَرَكَ مَلَامَةً مَنْ لَا يَعْقِلُ . وَقِيلَ: مَنْ اتَّقَى رَبَّهُ حَاسَبَ نَفْسَهُ . وَقِيلَ: * ٨٥١ * الَّذِي

وَهَبَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ . وَقَالَ بَعْضُهُمْ: الْعَاقِلُ مَنْ عَقَلَ عَقْلَهُ عَنِ التَّدْبِيرِ . وَقَالَ أَهْلُ التَّصَوُّفِ:

الْعَاقِلُ مَنْ أَصْبَحَ مِنَ الْأَمَلِ عَلَى وَجَلٍ . وَقِيلَ: الْعَاقِلُ مَنْ إِذَا أَبْغَضَ أَنْصَفَ وَإِذَا أَحَبَّ أَلْطَفَ .

(١) يعطى .

(٢) كذا .

الأخبار والآثار في العقلا [ء]

قال النبي صلى الله عليه وسلم: العاقل صديقي و الأحمق عدوي، ثم قال: لا تضحَبوا الأحمق و لا تقطَعوا عن العاقل، فليس للمسلم شيء (١) خَيْرَ لَهُ مِنَ الْعَقْلِ (٢).
 وقال النبي صلى الله عليه وسلم: من صدق لسانه و طال نعمته و سلم الناس شره فذاك العاقل و إن كان لا يقرأ (٣) كتاب الله تعالى.

و عن سعيد بن المسيب (٤) أن عمرَ و أبي بن كعب و أباهريرة (رض) دخلوا على رسول الله صلى الله عليه وسلم فقالوا: يا رسول الله! من أعلم الناس؟ قال: العاقل. قالوا: فمن أفضل الناس؟ قال: العاقل. قالوا: يا رسول الله! أليس العاقل من تمت مروته و ظهرت فصاحته و حادب كفه (٥) و عظمت منزلته؟ فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: و إن كل ذلك (٦) متاع الحياة الدنيا و الآخرة عند ربك للمتقين (٧).

العاقل هو المتقي و إن كان في الدنيا حسيباً، قصباً دينياً (٨).

و حكى * ٨٥٢ * عن الشعبي أنه قال: سألت عبد الله بن عمر (رض): أي الناس أعظم عند الله منزلة؟ قال: أعقلهم. قلت: في الدنيا؟ قال: في الدنيا و الآخرة، و هل يصل إلى جسيم الثواب و عالي الدرجات إلا العاقلون؟!

و عن أبي الدرداء [ء] (رض) أنه قال: العاقل الذي يتواضع لمن فوقه و لا يحقر لمن دونه و يمسك الفضل من منطيقه و يخالط الناس أخلاقهم.

و عن علي بن أبي طالب عليه السلام أنه قال لابن الحسن: يا بني! ليس للعاقل بد أن

(١) شى.

(٢) روایت را در کتب حدیثی مورد رجوع نیافتیم.

(٣) یقراء.

(٤) المسيب و المسيب - به فتح یاء و کسر آن - هر دو صحیح است.

(٥) کلمه ظاهراً اینچنین خوانده می شود.

(٦) لما در این موضع زاید است و باید حذف گردد..

(٧) نهج السعادة ١٧٥/٨.

(٨) در مخطوطه قصباً دیناً هم خوانده می شود.

يَنْظُرُ فِي شَأْنِهِ بِحِفْظِ لِسَانِهِ وَيَعْرِفُ زَمَانَهُ. أَلَا وَإِنَّ مِنْ أَسَدِّ الْبَلَاءِ الْفَاقَةَ، وَأَسَدُّ مِنَ الْفَاقَةِ مَرَضُ الْبَدَنِ وَأَسَدُّ مِنَ مَرَضِ الْبَدَنِ مَرَضُ الْقَلْبِ يَعْنِي الشُّكَّ وَالْعَفْلَةَ وَهُمَا مِنْ نُقْصَانِ الْعَقْلِ (١).

عَنْ أَبِي حَازِمٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ: لَوْ كَانَ عَمَلُ الْجَاهِلِ أَثْقَلَ مِنْ أَحَدٍ لَكَانَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ مِنْ أَعْمَالِ الْعَاقِلِ أَفْضَلَ مِنْهُ وَأَرْجَحَ فِي مِيزَانِ (٢) يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَمَا آمَنَ مُؤْمِنٌ بِاللَّهِ حَتَّى عَقَلَ وَلَا جَهْلَ جَاهِلٌ حَتَّى عَرَفَ قَدْرَهُ.

المواعظ والنكات والإشارات والحكايات في العقلا [ء]

قَالَ حَكِيمٌ: حَقٌّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ لَا يَكُونَ طَاعِنًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: * ٨٥٣ * تَزُودٍ لِمَعَادٍ أَوْ مَرَمَةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ مَا تَمَّ.

وَحِكْمَى عَنْ حَكِيمٍ أَنَّهُ قَالَ: عَلَامَةُ الْعَاقِلِ أَرْبَعَةٌ أَشْيَاءٌ أَوْلَاهَا يَرَى الرِّزْقَ مِنَ اللَّهِ فَيَسْغَلُ نَفْسَهُ بِالتَّوَكُّلِ وَيَرَى الطَّاعَةَ فَرِيضَةً فَيَسْغَلُ نَفْسَهُ فِي أَدَائِهَا وَيَرَى الْمَوْتَ أَمَامَهُ فَيَسْتَعِدُّ لِحُلُولِهِ وَيَرَى عُقُوبَةَ اللَّهِ لَهُ بِالْخَطِيئَةِ فَيَنْتَكِبُ بِالْمَعْصِيَةِ.

وَقَالَ حَكِيمٌ: الْعَاقِلُ مَنْ أَقْبَلَ عَلَى شَأْنِهِ وَدَارَى أَهْلَ زَمَانِهِ وَعَرَفَ حَقَّ إِخْوَانِهِ وَكَانَ الصَّدْقُ عَلَى لِسَانِهِ.

وَقَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ: كُنْ عَاقِلًا أَحْرَسَ وَلَا تَكُنْ جَاهِلًا أَفْصَحَ، وَاعْلَمْ أَنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ عَلَامَةً وَعَلَامَةُ الْعَاقِلِ طَوْلُ التَّفَكُّرِ وَزُومُ الصُّمْتِ.

وَقَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ بِنِ عَلِيِّ الْهَرَوِيِّ: يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَرْبَعَةٌ أَشْيَاءُ [ء]: أَوْلَاهَا عِلْمٌ يَكُونُ بِعَمَلِهِ حُجَّةً وَالثَّانِي تَوَكُّلٌ يَكُونُ لَهُ فِي الْعِبَادَةِ فَرَاغًا وَمِنَ الْحَقِّ أَيَّاسًا وَالثَّلَاثُ صَبْرٌ يَتِمُّ بِهِ الْعَمَلُ وَالرَّابِعُ: إِخْلَاصٌ يُنَالُ بِهِ الْآخِرَةَ.

وَقَالَ بُرْزُجْمَهْرٌ: إِحْدَرِ الْعَاقِلَ إِذَا أَخْزَيْتَهُ وَالْأَحْمَقَ إِذَا مَارَحْتَهُ وَالْكَرِيمَ إِذَا أَهْنَيْتَهُ وَاللَّئِيمَ إِذَا أَكْرَمْتَهُ.

(١) بحار الانوار ٤٠/٧٥ باب ١٦.

(٢) كذا، ظاهره ميزان، صحيح باشد.

• ٨٥٤ • سُئِلَ (١) عَالِمٌ: بِمِ النَّجَاةِ؟ قَالَ: بِمُتَابَعَةِ الْأُصُولِ وَ مُجَانِبَةِ الْفُضُولِ وَ هُمَا مِنْ خَالِصِ أَفْعَالِ ذَوِي الْعُقُولِ.

وَ حُكِيَ أَنَّ رَجُلًا اسْتَشَارَ رَجُلًا فَقَالَ الْمُسْتَشَارُ: اسْتَشِرْ غَيْرِي فَإِنِّي عَدُوُّكَ. قَالَ الْمُسْتَشِيرُ: إِنِّي عَلِمْتُ أَنَّكَ عَدُوِّي إِلَّا أَنَّكَ عَاقِلٌ وَ عَقْلُكَ لَا يَدْعُكَ أَنْ تَخُونَنِي. قَالَ: فَتَصَحَّه مَعَ عَدَاوَتِهِ.

فَعَدُوٌّ رَفِيعُ الْقَدْرِ مَنْ كَانَ عَاقِلًا وَ إِن لَّمْ يَكُنْ فِي قَوْمِهِ بِحَسِيْبٍ
وَ إِن حَلَّ أَرْضًا عَاشَ فِيهَا بِعَقْلِهِ وَ مَا عَاقِلٌ فِي بَلَدَةٍ بِغَرِيبٍ (٢)

الباب الثاني في العلم والعلماء

فصل في العلم

الْحَدُّ: قَالَ أَهْلُ الْكَلَامِ: الْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ وَ الْاِكْتِسَابِ، فَقَوْلُهُمْ عَالِمٌ وَ مُتَعَلِّمٌ وَ مُعَلِّمٌ وَ الْعَقْلُ بِالْفَرِيزَةِ وَ هُوَ هِبَةُ اللَّهِ تَعَالَى وَ لَا يُقَالُ: عَاقِلٌ وَ مُتَعَقِّلٌ وَ مُعَقَّلٌ. وَ قَالَ أَهْلُ الشَّرْعِ: الْعِلْمُ إِذْرَاكُ الشَّيْءِ (٣) عَلَى مَا هُوَ بِهِ. وَ قَالَ أَهْلُ الْكَلَامِ: الْعِلْمُ وَجْدَانُ الشَّيْءِ [بِحَقَائِقِهَا] وَ قَالَ بَعْضُهُمْ: الْعِلْمُ إِذْرَاكُ حَقَائِقِ الْمَوْجُودَاتِ مِمَّا هُوَ بِمَوْجُودَاتٍ، فَإِذَا زَالَ عَنْهُ الْإِضْطِرَابُ صَارَ الْعِلْمُ مَعْرِفَةً.

• ٨٥٥ • وَ قَالَ أَهْلُ الْحَقَائِقِ: الْعِلْمُ مَا يُوجِبُ الْوُقُوفَ عَلَى حَقِيقَةِ الْمَعْلُومِ.

الأخبار والآثار في العلم

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ: تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ فَإِنَّ تَعَلَّمَ اللَّهُ حَسَنَةً وَ مُدَارَسْتُهُ تَنْسِيحٌ وَ التَّبَحُّثُ عَنْهُ جِهَادٌ وَ طَلْبُهُ عِبَادَةٌ وَ تَعْلِيمُهُ لِمَنْ لَا يَعْلَمُهُ صَدَقَةٌ وَ بَدَلُهُ لِأَهْلِهِ قُرْبَةٌ لِأَنَّهُ مَعْلَمٌ الْعَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ مَنَارٌ سَبِيلِ دَارِ السَّلَامِ (٤).

(١) سئل.

(٢) شاید: بغريه. ظاهر همان است كه ثبت كرديم.

(٣) شئ.

(٤) بحار الانوار ١/ ١٦٦ ح ٧.

وقال [النبي] صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: نَوْمٌ عَلَى عِلْمٍ خَيْرٌ مِنْ صَلَاةٍ عَلَى جَهْلٍ (١).
 وقال [النبي] عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَفْضَلُ الْعِلْمِ الَّذِي يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ (٢).
 وقال [النبي] عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعِلْمُ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ وَالْحِلْمُ وَزِيرُهُ وَالْعَقْلُ دَلِيلُهُ وَالْعَمَلُ قَائِدُهُ (٣) وَالرَّفْقُ وَالِدُهُ وَالْبِرُّ أَخُوهُ وَالصَّبْرُ أَمِيرُ جُنُودِهِ (٤).
 وقال [النبي] عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ بَاباً مِنَ الْعِلْمِ يَتَعَلَّمُهُ الرَّجُلُ وَلَا يَعْمَلُ بِهِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ لَوْ كَانَ أَبُو قُبَيْسٍ ذَهَباً فَأَتَقَفَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (٥).
 وقال عِنْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ عِلِمَ وَعَلِمَ وَعَمِلَ بِهِ فَذَاكَ يُدْعَى عَظِيماً فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ.

وَرَوَى أَنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ! أَخْبِرْنِي
 * ٨٥٦ * بِعَمَلٍ هُوَ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ. قَالَ: عَلَيْكَ بِالْعِلْمِ. قَالَ: إِنَّمَا أَسْأَلُكَ عَنْ أَفْضَلِ الْعَمَلِ!
 قَالَ: عَلَيْكَ بِالْعِلْمِ فَإِنَّ قَلِيلَ (٦) الْعَمَلِ مَعَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ وَإِنْ كَثِيرَ الْعَمَلِ مَعَ الْجَهْلِ قَلِيلٌ (٧).
 وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعِلْمُ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصَى فَخُذُوا مِنْ كُلِّ عِلْمٍ
 أَحْسَنَهُ (٨).

وَإِنَّ هَذِهِ (٩) الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْعِلْمِ (١٠).
 وَقَالَ [عَلِيٌّ] عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ أَحْرَفَ عَيْنُهُ مِنَ الْعَلِيِّينَ وَلَا مُمْهٍ مِنَ اللَّطْفِ وَمِيمُهُ
 مِنَ الْمَلِكِ يَبْلُغُ صَاحِبَهُ إِلَى الدَّرَجَاتِ الزُّلْفَى فِي الدُّنْيَا وَالْعُقْبَى وَإِلَى مُلْكِ الْآخِرَةِ وَ

(١) بحار الأنوار ١/١٨٥ باب ١.

(٢) در مجامع حدیثی چنین روایتی را نیافتیم.

(٣) قائده.

(٤) بحار الأنوار ٦٧/٣٠٦ ح ٣٨، وایضاً ٦٧/٣٦٨ ح ١.

(٥) بحار الأنوار ١/١٨٤ ح ٩٦.

(٦) قلیلی.

(٧) مسند الشهاب ٢/١٢١ ح ١٠١٦.

(٨) بحار الأنوار ١/٢١٩ باب ٦.

(٩) هذا.

(١٠) بحار الأنوار ١/١٨٢ باب ١.

الأولى^(١).

وَقَالَ [عَلِيٌّ] عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعِلْمُ نَهْرٌ وَالْحِكْمَةُ بَحْرٌ وَالْعُلَمَاءُ [ه] حَوْلَ النَّهْرِ يَطْوِفُونَ
وَالْحُكَمَاءُ [ه] فِي وَسْطِ الْبَحْرِ يَغْوِصُونَ وَالْعَارِفُونَ فِي سُفْنِ النَّجَاةِ يَسِيرُونَ^(٢).

(٣) النكات والإشارات والحكايات في العلم

قَالَ بَعْضُهُمْ: الْعِلْمُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَقْسَامٍ: عِلْمُ الْمَعْرِفَةِ وَ عِلْمُ الْحِكْمَةِ وَ عِلْمُ الْحَوَادِثِ؛ فَعِلْمُ
الْمَعْرِفَةِ الْمُرَاقِبَةُ، وَ عِلْمُ الْحِكْمَةِ عِلْمُ الْمَشَاهِدَةِ، وَ عِلْمُ الْحَوَادِثِ عِلْمُ الْمُكَابَدَةِ.

وَقَالَ بَعْضُ * ٨٥٧ * الْحُكَمَاءِ [ه]: خُذْ مِنَ الْعِلْمِ مَا يَبْعَثُكَ عَلَى الْعَمَلِ وَمِنَ الْعَمَلِ مَا
يَذُكُّكَ عَلَى الصَّوَابِ وَمِنَ الْإِخْوَانِ مَا يُعِينُكَ عَلَى الذِّكْرِ وَمِنَ الرَّفَقَاءِ [ه] مَا يَضْحَكُ فِي الْعَبْرِ،
وَاعْلَمْ أَنَّكَ لَنْ تَتَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ طَاعَتِهِ فِيمَا أَمَرَكَ وَلَنْ يَنْتَلِعَ إِلَى الْعِبَادَةِ بِشَيْءٍ
أَفْضَلَ مِنَ الْمَجَانِبَةِ عَمَّا نَهَاكَ^(٤).

وَحِكْمَى عَنْ بَعْضِ أَهْلِ الْمَعْرِفَةِ يَقُولُ: الْعِلْمُ لِصَاحِبِهِ: أَمَا غَرِيبٌ حَيْثُ مِنْ عَلْتَيْنِ فَاصْبِرْ
مَعِيَ أَصْبِرْكَ إِلَى دَارِي وَأَعَزُّكَ عَنْ جَمِيعِ الْخَلَائِقِ.

وَحِكْمَى عَنْ أَبِي حَنِيفَةَ (رِه) أَنَّهُ قَالَ: عَهْدِي بِالْكَوْفَةِ وَبِهَا فِي كُلِّ يَوْمٍ أَرْبَعُونَ مَجْلِسًا وَ
عَهْدِي بِهَا الْآنَ وَبِهَا عَشْرُ مَجَالِسٍ وَسَيَأْتِي زَمَانٌ لَا يَكُونُ فِيهَا مَجْلِسٌ عِلْمٍ فَمَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ
فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ كَانَ غَرِيبًا. فَقِيلَ لَهُ: مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ؟ قَالَ: بَعْدَ الْمِائَتَيْنِ.

وَحِكْمَى أَنَّهُ قِيلَ لِأَنُوشِزْوَانَ: مَا بِالْكُمِّ تَأْتِفُونَ مِنَ التَّعَلُّمِ عَنْ كُلِّ أَحَدٍ؟ قَالَ: ذَلِكَ يُعَلِّمُنَا
أَنَّ الْعِلْمَ نَافِعٌ مِنْ حَيْثُ أُخِذَ.

وَقَالَ حَكِيمٌ: إِنَّ الْعِلْمَ النَّافِعَ وَالْأَدَبَ الصَّالِحَ كَسْبٌ لَا يَغْضِبُهُ غَاصِبٌ * ٨٥٨ * وَ
لَا يَسْلِبُهُ سَالِبٌ وَهُوَ جَمَالُكَ وَزِينَتُكَ وَقَوَامُ دُنْيَاكَ وَآخِرَتِكَ، فَاجْتَهِدْ فِي تَعَلُّمِهَا.

(١) قسني از حديث در اختصاص ص ٢٤٥ آمده است.

(٢) شرح اصول کافی (تأليف ملا صالح مازندراني) ٦١/٢.

(٣) در این موضع حرف ولو زاید است.

(٤) نهنگ.

وَقِيلَ عَنْ أَبِي حَنِيفَةَ (ره) أَنَّهُ قَالَ يَوْمًا لِأَصْحَابِهِ: قَدْ هَيَّأْنَا الْأَدَاةَ^(١) فَحَانَ حِينُ الْعَمَلِ بِهَا
وَلَمْ يَتَمَسَّكَ بِمَوْعِظَتِهِ إِلَّا دَاوُدُ الطَّائِيُّ^(٢) (ره).

شعر

حَيَاةُ الْقَلْبِ عِلْمٌ فَادْخِرْهُ وَمَوْتُ الْقَلْبِ جَهْلٌ فَاجْتَنِبْهُ
وَخَيْرٌ مَزَادِكَ التَّقْوَى فِرْدُهُ كِفَاكَ بِمَا وَعَظَّتْكَ فَاتَّبِعْهُ

فصل في العلماء

وَقَالَ حَكِيمٌ: الْعَالِمُ الَّذِي إِذَا قَالَ قَالَ مِنْ كَسْبِهِ. وَقَالَ: الْعَالِمُ الَّذِي يَخَافُ مِنَ الْحَقِّ وَ
يَسْتَحْيِي مِنَ الْخَلْقِ.

وَقَالَ بَعْضُ أَهْلِ الْكَلَامِ: الْعَالِمُ الَّذِي مُتَخَلِّقٌ بِهَذِهِ الْأَخْلَاقِ: الْحِلْمُ وَالْحَيَاءُ وَالشُّكُّ
وَالرُّشْدُ وَالصِّيَانَةُ وَالرِّزَانَةُ وَالْعِفَافُ وَزُرُومُ الْخَيْرِ وَرَفْضُ الشَّرِّ وَالنُّضْحُ وَالْوِقَارُ وَالصَّدْقُ.
وَقَالَ أَهْلُ الْبَيَانِ: الْعَالِمُ الَّذِي سِرُّهُ وَعَلَانِيَتُهُ سِوَاءٌ وَكَانَ قَوْلُهُ وَعَمَلُهُ مِنَ اللَّهِ وَفِي اللَّهِ
تَعَالَى.

الأختبار و ٨٥٩ الآثار في العلماء [ء]

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ (رض) عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: ثَلَاثَةٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُمْ
السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ: الْعُلَمَاءُ [ء] وَالْمُسْتَعْلَمُونَ
وَالْعَامِلُونَ^(٣).

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى أَشْرَافِ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ
اللَّهِ! قَالَ: هُمْ عُلَمَاءُ [ء] أُمَّتِي، الْكَوَاكِبُ زِينَةُ السَّمَاءِ [وَالْعُلَمَاءُ] زِينَةُ أُمَّتِي وَسَاعَةٌ مِنْ عَالِمٍ
يَبْكِي عَلَى فِرَاشِهِ يَنْظُرُ فِي عِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ الْعَابِدِ سَبْعِينَ سَنَةً^(٤).

(١) الأدوات.

(٢) الطائسي.

(٣) إرشاد القلوب ١٩٦/١ باب ٥٢.

(٤) ر. ك: تاريخ جرجان ص ١٧٢، نهج الفصاحة ج ٢ ح ١٧٢٤.

وَقَالَ [النَّبِيُّ] عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعَالِمُ الْوَاحِدُ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى مِنْ أَلْفِ شَهِيدٍ^(١).

وَقَالَ [النَّبِيُّ] عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْلَا الْعُلَمَاءُ [ء] لَهَلَكَ أَكْثَرُ أُمَّتِي^(٢).

اللَّهُمَّ احْفَظِ الْعُلَمَاءَ [ء] وَاعْفُ عَنِ الْجُهَالِ وَارْحَمِ التَّائِبِينَ.

وَقَالَ [النَّبِيُّ] عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَكْرِمُوا الْعُلَمَاءَ [ء] وَوَقِّرُوهُمْ وَأَحِبُّوا الْمَسَاكِينَ وَ

جَالِسُوهُمْ^(٣).

وَرُوي أَنَّ الْحَسَنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِابْنِهِ: لَا تَسْتَخِفَّنْ بِثَلَاثَةٍ: بِالْعُلَمَاءِ وَالسُّلْطَانِ وَالْإِخْوَانِ، فَمَنْ اسْتَخَفَّ * ٨٦٠ * بِالْعُلَمَاءِ [ء] أَفْسَدَ دِينَهُ وَمَنْ اسْتَخَفَّ بِالسُّلْطَانِ أَفْسَدَ دُنْيَاهُ

وَمَنْ اسْتَخَفَّ بِالْإِخْوَانِ أَفْسَدَ مَرْوَتَهُ.

وَرُوي عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ

السَّلَامُ فَقَالَ: يَا جَابِرُ! بِمِ قِوَامِ الدِّينِ؟ قُلْتُ: لَا أُدرِي فِدَاكَ أَبِي وَأُمِّي [ع] قِوَامُ الدِّينِ

بِأَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ [ء]^(٤): بِعَالِمٍ يَعْمَلُ بِمَا يَعْلَمُ وَبِجَاهِلٍ لَا يَسْتَنْكِفُ مِنَ التَّعَلُّمِ وَبِفَنِيٍّ يُعْطِي حَقَّ اللَّهِ

مِنْ مَالِهِ وَبِفَقِيرٍ لَا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ^(٥).

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: مَكْتُوبٌ فِي الْإِنجِيلِ: لَا يَنْبَغِي لِلْعَالِمِ أَنْ يَكُونَ سَفِيهًا وَمِنْ

عِنْدِهِ يَقْتَبِسُ الْعِلْمَ^(٦)، وَلَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ جَابِرًا وَمِنْ عِنْدِهِ يَقْتَبِسُ الْعَدْلَ^(٧).

النُّكَاتُ وَالْإِشَارَاتُ وَالْحِكَايَاتُ فِي الْعُلَمَاءِ [ء]

حُكِيَ أَنَّ صَالِحًا الْمُرِّيَّ دَخَلَ عَلَى الْخَلِيفَةِ فَأَلْقَى لَهُ الْوِسَادَةَ وَأَجْلَسَهُ بِجَنِّبِهِ وَقَرَّبَهُ.

فَقَالَ صَالِحٌ: صَدَقَ الْحَسَنُ. فَقَالَ الْخَلِيفَةُ: مَاذَا قَالَ الْحَسَنُ؟ قَالَ: إِنَّ الْأَدَبَ وَالْعِلْمَ لَيَزِيدَانِ

الشَّرِيفَ شَرَفًا وَيَرْفَعَانِ الْمَمَالِيكَ مَجَالِسَ الْمُلُوكِ وَإِلَّا فَمَنْ صَالِحَ الْمُرِّيَّ حَيْثُ يَقْعُدُ بِجَنِّبِ

(١) ارشاد القلوب ١/١٦٤ باب ٤٩.

(٢) سنن الدارمي ج ٢٤٣.

(٣) بحار الانوار ١/١٩٨ ج ٥.

(٤) در ابن موهب بك واو زايد است.

(٥) نهج البلاغة كلمات قصار ٣٧٢ ص ٤٢٧.

(٦) العلم.

(٧) مجموعة ورام ٢٤٧/٢ الجزء الثاني.

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَلْقَى * ٨٦١ * الْوِسَادَةَ بَيْنَ يَدَيْهِ.

وَقَالَ ذُو النُّونِ: وَمَنْ نَحْنُ لَوْلَا كَلَامُ الْعُلَمَاءِ [ء].

وَحُكِيَ أَنَّ أَحْمَدَ بْنَ حَرْبٍ كَانَ عَلَى حَدِيثٍ (١) فَقَامَ بَيْنَ الْإِسْلَاءِ وَقَالَ لِأَصْحَابِهِ: أَمَكْتُوْا. فَدَخَلَ بَيْتَهُ ثُمَّ خَرَجَ مِنَ الْغَدِ يُمَلِّئُ عَلَيْهِمْ وَقَالَ: إِنِّي لَمْ أَكُنِ اسْتَعْمَلْتُ هَذَا الْحَدِيثَ فَاسْتَعْمَلْتُ الْبَارِحَةَ وَأَمَلَيْتُ الْيَوْمَ، وَلِهَذَا قِيلَ: زَلَّةُ الْعَالِمِ كَانْكَسَارِ السَّفِينَةِ يَغْرِقُ وَيَفْرُقُ مَعَهَا خَلْقٌ كَثِيرٌ (٢).

وَحُكِيَ عَنِ ذِي النُّونِ أَنَّهُ قَالَ: ثَلَاثَةٌ مِنْ أَعْلَامِ الْخَبْرِ فِي الْعَالِمِ: قَطْعُ الطَّمَعِ عَنِ الْخَلْقِ وَالرَّفْقُ بِالْفَقِيرِ فِي التَّعَلُّمِ وَالْجَوَابُ وَالتَّبَاعُدُ مِنَ السُّلْطَانِ؛ وَثَلَاثَةٌ مِنْ أَعْلَامِ الْخَيْرِ فِي الْمُتَعَلِّمِ: تَعْلِيمُ الْعُلَمَاءِ [ء] بِحُسْنِ التَّوَاضُعِ لَهُمْ وَالْعَمَى عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ بِالنَّظَرِ فِي عَيْبِ نَفْسِهِ وَبَدَلِ الْمَالِ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ إِشَارًا لَهُ عَلَى مَتَاعِ الدُّنْيَا.

مَصَابِيحُ الْأَنْامِ بِكُلِّ أَرْضٍ هُمْ الْعُلَمَاءُ [ء] أَبْنَاءُ [ء] الْكِرَامِ
فَلَوْلَا عِلْمُهُمْ فِي كُلِّ تِيَارٍ تَبْدِيرٌ كَنُورِ السَّبْدِ لِأَحْ بِلَا غَمَامِ
لَكَانَ الدِّينُ يَدْرُسُ كُلَّ حِينٍ كَمَا دَرَسَ الرُّسُومُ مِنَ الْوَهَامِ

الباب الثالث في الحكمة والحكماء

فصل في الحكمة

* ٨٦٢ *

قَالَ أَبُو عَثْمَانَ الْمَغْرِبِيُّ: الْحِكْمَةُ هِيَ النُّورُ الْمُفْرَقُ بَيْنَ الْإِلْهَامِ وَالْوَسْوَسَةِ.

وَقَالَ النَّهْرَجُورِيُّ: (٣) الْحِكْمَةُ عَيْنُ الْإِسْلَامِ وَحَقَائِقُهُ، وَالْعِلْمُ أَحْكَامُ الْإِسْلَامِ وَشَرَائِعُهُ.

وَقَالَ بَعْضُهُمْ: الْحِكْمَةُ مِنَ اللَّهِ إِظْهَارُ الْفَضَائِلِ الْمَجْهُولَةِ وَالْمَحْسُوسَةِ وَمِنَ الْعِبَادِ مَعْرِفَةُ

ذَلِكَ بِقَدْرِ طَاقَةِ الْبَشَرِ.

(١) حديثاً.

(٢) بحار الانوار ٥٨/٢ ح ٣٩ نقل از معصوم.

(٣) جوزي.

الأخبار والآثار في الحكمة

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: كَلِمَةٌ مِنَ الْحِكْمَةِ يَسْمَعُهَا الرَّجُلُ فَيَقُولُ بِهَا أَوْ يَعْمَلُ بِهَا خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ (١).

وَقَالَ [النَّبِيُّ] عَلَيْهِ السَّلَامُ: نِعْمَ الْعَطِيَّةُ وَنِعْمَ الْهَدِيَّةُ كَلِمَةُ حِكْمَةٍ تَسْمَعُهَا فَتَنْطَوِي عَلَيْهَا ثُمَّ تَحْمِلُهَا إِلَى أَخٍ لَكَ مُسْلِمٍ تُعَلِّمُهُ إِيَّاهُ تُعَدِّلُ عِبَادَةَ سَنَةٍ (٢).

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ (رض) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ الْحِكْمَةَ تَزِيدُ الشَّرِيفَ شَرَفًا وَتَرْفَعُ الْعَبْدَ الْمَمْلُوكَ حَتَّى يَجْلِسَهُ مَجَالِسَ الْمُلُوكِ (٣).

وَعَنْ عِيسَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: لَا تَضَعُوا الْحِكْمَةَ غَيْرَ أَهْلِهَا فَتَظْلِمُوهَا وَلَا تَمْنَعُوا أَهْلِهَا فَتَظْلِمُوهُمْ. كُونُوا كَالطَّيِّبِ الرَّفِيقِ يَضَعُ الدَّوَاءَ فِي مَوْضِعِ الدَّاءِ.

وَقَالَ [النَّبِيُّ] صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا * ٨٦٣ * (٤) * حَمَلَ كَلِمَةً مِنَ الْحِكْمَةِ إِلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ كَانَ خَيْرًا لَهُ مِنْ سَبْعِينَ حِجَّةً وَعُمْرَةً وَكَانَ خَيْرًا لَهُ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ وَكَتَبَ اللَّهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ عَلَى جَسَدِهِ مِائَةَ حَسَنَةٍ.

وَعَنْ مُجَاهِدٍ أَنَّهُ قَالَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ﴾ (٥): أَمَا إِنَّهَا لَيْسَتْ بِالنَّبُوءِ وَلَكِنَّهَا الْقُرْآنُ وَالسُّنَّةُ وَالْعِلْمُ وَالْفِقْهُ؛ لِأَنَّ ظَاهِرَ هَذِهِ الْأَرْبَعَةِ إِعْجَازٌ وَفِي بَاطِنِهَا هِدَايَةٌ.

وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ تِسْعَ كَلِمَاتٍ ثَلَاثٌ فِي الْحِكْمَةِ وَثَلَاثٌ فِي الْمُنَاجَاةِ وَثَلَاثٌ فِي الْأَدَبِ: فَأَمَّا الَّتِي فِي الْحِكْمَةِ قَوْلُهُ: قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ (٦) مَا يُحْسِنُهُ، وَمَا هَلَكَ امْرُؤٌ عَرَفَ قَدْرَهُ، وَالْمَرْءُ مَخْبُوءٌ [تَحْتَ لِسَانِهِ].

وَأَمَّا الَّتِي فِي الْمُنَاجَاةِ قَوْلُهُ: كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا، وَكَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي

(١) بحار الانوار ١/١٨٣ ح ٩٣.

(٢) بحار الانوار ١/١٨٣ ح ٩٣.

(٣) نهج الفصاحة ١/٦١٧.

(٤) در ابن موضع كلمه اذا زايد و تكرارى است.

(٥) قرآن كريم سوره بقره (٢) آيه ٢٦٩.

(٦) امر.

رَبًّا، وَأَنْتَ كَمَا أَحَبُّ فَاجْعَلْنِي كَمَا تُحِبُّ.

وَأَمَّا الَّتِي فِي الْأَدَبِ قَوْلُهُ: إِسْتَنْعِنِ عَمَّنْ شِئْتَ (١) فَأَنْتَ نَظِيرُهُ، تَفَضَّلْ عَلَيَّ مَنْ شِئْتَ فَأَنْتَ أَمِيرُهُ، وَسَلْ عَمَّنْ شِئْتَ فَأَنْتَ أَسِيرُهُ (٢).

وَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ (رَضِيَ): خُذِ الْحِكْمَةَ مِمَّنْ تَسْمَعُهَا وَإِنْ لَمْ يَكُنْ حَكِيمًا، قَرَّبْ رَمِيَّةً مِنْ غَيْرِ رَامٍ.

* ٨٦٤ * وَعَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ مَالِكٍ أَنَّهُ قَالَ: الْحِلْمُ زَيْنٌ وَالتَّقْوَى كَرَمٌ وَ الصَّبْرُ خَيْرٌ مَزَكِبٌ، وَمَنْ أُوتِيَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا.

المواعظ والنكات في الحكمة

قَالَ أَهْلُ الْكَلَامِ: مَدَارُ الْحِكْمَةِ عَلَى أَرْبَعَةٍ: مَرْوَةٌ الْمَعْرِفَةِ وَسُرُورُ الْخِدْمَةِ وَأَنْسِ الصُّحْبَةِ وَخَوْفِ الْفِرْقَةِ.

وَسُئِلَ بَعْضُ الْفَلَسَفَةِ: مَا الْحِكْمَةُ؟ قَالَ: كُلُّ عِلْمٍ نَافِعٍ وَكُلُّ عَدْلٍ لَازِمٍ. وَالدَّلِيلُ عَلَى ذَلِكَ «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (٣).

وَقِيلَ: الْحِكْمَةُ الْإِقْتِدَاءُ بِالْخَالِقِ جَلُّ جَلَالُهُ فِي السِّيَاسَةِ بِقَدْرِ طَاقَةِ الْبَشَرِ، وَذَلِكَ أَنْ يَجْتَهِدَ بَأَنٍ يُنَزِّهَ عِلْمَهُ عَنِ الْجَهْلِ وَعَدْلُهُ عَنِ الظُّلْمِ وَجُودُهُ عَنِ الْبُخْلِ وَحِلْمُهُ عَنِ السَّفْهِ.

وَحِكْمَى عَنِ بَعْضِهِمْ أَنَّهُ قَالَ: مَدَارُ الْحِكْمَةِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ [أ]: عَلَى الْعِلْمِ وَالْعَقْلِ وَالْعَدْلِ، فَإِذَا عَلِمَ أَصُولَ الْأَشْيَاءِ [ب] فَهُوَ عَالِمٌ، وَإِذَا أَحْسَنَ تَمْيِيزَ الْأَشْيَاءِ [ج] فَهُوَ عَاقِلٌ، وَإِذَا وَضَعَ الْأَشْيَاءَ [د] مَوَاضِعَهَا فَهُوَ عَادِلٌ، وَإِذَا اجْتَمَعَتِ الثَّلَاثَةُ فَهُوَ حَكِيمٌ.

قَالَ أَهْلُ الْكَلَامِ: الْفَصَاحَةُ عَطِيَّةٌ رَبَّانِيَّةٌ وَلَطِيفَةٌ رُوحَانِيَّةٌ، بِهَا زِينَةُ الرُّجَالِ وَمِنْهَا * ٨٦٥ * سِمَةُ الْكَمَالِ، وَإِنَّ الزَّيْنَةَ زِينَةُ الْفَصَاحَةِ وَالْحِكْمَةِ وَزِينَةُ الْعِبَادَةِ وَالْعِفَّةِ، فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَتَرَنَّ بِزِينَتِهِ لَا يَزُولَ (٤) وَيَتَحَلَّى بِحِلْيَةٍ لَا تُحَوَّلُ فَلْيَبَادِرْ إِلَى الْفَصَاحَةِ وَالْحِكْمَةِ وَتَكْمِيلِ

(١) شئت و هكذا موارد بعد.

(٢) معادن الجواهر ص ٦٧ باب ذكر ما جاء في نسمة.

(٣) قرآن كريم سورة نحل (١٦) آية ١٢٥.

(٤) لا تزول، يهتر است.

الْعِبَادَةِ وَالْعِفَّةِ؛ لِأَنَّ الْإِعْرَازَ بِالْمُلْكِ وَالْمَالِ عَيْبٌ وَ طَلَبُ مَا لَا يَبْقَى رَيْبٌ.

فصل في الحكماء

قَالَ أَهْلُ الْإِشَارَةِ: الْحَكِيمُ الَّذِي يَطْلُبُ مَا يَنْفَعُهُ وَيَتْرُكُ مَا يَضُرُّهُ.

وَقَالَ يَحْيَى بْنُ مَعَاذٍ: الْحَكِيمُ الَّذِي لَا يَغْضِبُ عَلَى مَنْ عَصَاهُ وَلَا يَحْقِدُ عَلَى مَنْ جَفَاهُ.

وَقَالَ ابْنُ مَرْزُوقٍ: الْحَكِيمُ مَنْ إِذَا بَدَتْ حِكْمَتُهُ نَفَعَتْهُ.

وَقَالَ أَهْلُ الْكَلَامِ: لَيْسَ الْحَكِيمُ مَنْ نَطَقَ بِالْحِكْمَةِ، إِنَّمَا الْحَكِيمُ مَنْ عَمِلَ بِهَا.

وَقِيلَ: الْحَكِيمُ (الْمُتَحَمِّلُ الْمُتَوَاضِعُ). وَقِيلَ: الَّذِي يَأْخُذُ الْحِكْمَةَ^(١) مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا وَ

يَبْذُلُهَا لِأَهْلِهَا.

الأخبار والآثار في الحكماء [ء]

عَنْ أَبِي خَلَادٍ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ قَدْ أُعْطِيَ زُهْدًا فِي الدُّنْيَا وَقِلَّةَ مَنْطِقٍ فَاقْتَرِبُوا مِنْهُ فَإِنَّهُ يُلْقِنُ الْحِكْمَةَ^(٢).

وَقَالَ [النَّبِيُّ] عَلَيْهِ السَّلَامُ: جَالِسُوا الْكِبَرَاءَ وَخَالِطُوا الْحُكَمَاءَ^(٣).

وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ)، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: يَا رَبِّ! أَخْبِرْنِي مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ الْمَرْحُومَةِ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ: إِنَّهُمْ أُمَّةٌ مُحَمَّدٌ حَكْمًا وَعِلْمًا كَانَتْهُمْ مِنَ الْحِكْمَةِ وَالْعِلْمِ أَنْبِيَاءُ يَرْضَوْنَ بِالتَّسْيِيرِ مِنَ الْعَطَا [ء] وَيَرْضَى مِنْهُمْ بِالتَّقْلِيلِ مِنَ الْعَمَلِ، أَدْخَلُهُمُ الْجَنَّةَ بِأَنْ يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.

وَقَالَ ابْنُ مَسْعُودٍ: مِنْ عَلَامَاتِ الْحَكِيمِ أَنْ يَكُونَ فِي الزَّلَازِلِ وَقُورًا وَفِي الْمَكَارِهِ صَبُورًا وَفِي الرِّخَا [ء] شَكُورًا وَيَمِيلَ إِلَى مَنْ يُحِبُّ وَيُرَاعِي لِمَنْ يَبْغُضُ، النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ وَنَفْسُهُ مِنْهُ فِي تَعَبٍ.

(١) عبارات داخل پرانتز در حاشیه چپ صفحه آمده و مربوط به این مکان می باشد.

(٢) مستدرک ٥١/١٢ باب ٦٢ استحباب الزهد.

(٣) بحار الانوار ١٩٨/١ ح ٥.

النكات والإشارات في الحكماء

عَنْ بَعْضِ أَهْلِ التَّحْقِيقِ أَنَّهُ قَالَ: الْحُكَمَاءُ لِلْأَخْلَاقِ كَالْأَطِبَّاءِ [١] لِلْأَجْسَادِ.
 وَقَالَ يَحْيَى بْنُ مَعَاذٍ: الْحِكْمَةُ سَهَامٌ لِلَّهِ النَّافِذَةُ وَالسُّنُّ الْحُكَمَاءِ أَنْفُسُ الْمُسْلِمَةِ وَجَنَاتُهُمْ
 الْحِجَابُ الْمَمْلُوءُ وَسَمْعُ السَّامِعِينَ الْأَعْرَاضُ الْوَاسِعَةُ وَقُلُوبُهُمُ الرُّقَاعُ اللَّامِعَةُ، وَهَذَا كَانَ
 اللَّهُ لِيُخْطِئَ إِذْ رَمَى وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى (١).
 وَحُكَيْ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي الْخَوَارِئِ أَنَّهُ قَالَ: قَالَ لِي أَسْتَاذِي أَبُو سُلَيْمَانَ (٢) الدَّارَانِيُّ:
 * ٨٦٧ * لَا تَصْحَبْ إِلَّا أَحَدَ رَجُلَيْنِ: رَجُلٌ تَرْفُقُ بِهِ فِي دُنْيَاكَ أَوْ رَجُلٌ تَزِيدُ مَعَهُ دِينَكَ وَ
 تَنْتَفِعُ بِهِ فِي آخِرَتِكَ، وَالِإِسْتِغَالُ بِغَيْرِ هَذَيْنِ - يَعْنِي صَاحِبَ النُّعْمَةِ أَوْ الْحِكْمَةِ - حُمُقٌ كَثِيرٌ.
 وَقَالَ يَحْيَى بْنُ مَعَاذٍ: كُلُّ حَكِيمٍ لَا يَقُومُ الْغِنَى مِنْ عِنْدِهِ فَقِيرًا وَالْفَقِيرُ غَنِيًّا فَلَيْسَ بِحَكِيمٍ.
 قِيلَ (٣) لِعَالِمٍ: مَنْ الْحَكِيمُ؟ قَالَ: مَنْ تَعَلَّقَ بِثَلَاثَةٍ فِيهَا عِلْمُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. قِيلَ: وَمَا
 هِيَ؟ قَالَ: الْأَمْرُ وَالنَّهْيُ وَالسُّنَّةُ.



وَكَيْفَ تُرِيدُ أَنْ تُدْعَى حَكِيمًا وَأَنْتَ لِكُلِّ مَا تَهْوَى رَكُوبٌ
 لَعَلَّ الْعُمَرَ أَكْثَرُهُ يَقْضَى وَقَدْ قَرُبَ الرَّذَى فَمَتَى تَتُوبُ

الباب الرابع في الفقر والفقراء

فصل في الفقر

قَالَ رُوَيْمٌ: الْفَقْرُ إِزْسَالُ النَّفْسِ فِي أَحْكَامِ اللَّهِ تَعَالَى.
 وَقِيلَ: الْفَقْرُ الْإِعْرَاضُ عَنِ الْغِبْطَةِ وَالسُّرُورِ وَالنُّعْمَةِ وَالْجُنُودِ.
 وَقِيلَ: الْفَقْرُ مُلَازِمَةُ الْقِلَّةِ وَاسْتِحْبَابُ الذَّلَّةِ.
 وَقِيلَ: الْفَقْرُ إِظْهَارُ الْغِنَى مَعَ كَمَالِ الْمَسْكَنَةِ.

(١) قرآن كريم سورة انفال (٨) آية ١٧.

(٢) أبو سليمان، رسم الخط قديمي است.

(٣) قل.

الأخبار والآثار في الفقر

عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ * ٨٦٨ * قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الْفَقْرُ خَزِينَةٌ مِنْ خَزَائِنِ اللَّهِ وَهُوَ أَزِينُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الْعِدَارِ الْجِيدِ عَلَى خَدِّ الْعُرْسِ (١).

وَعَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ [ع] (رض) عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: إِثْنَا عَشْرَةَ (٢) خَصْلَةٌ مِنْ أَعْمَالِ الْأَنْبِيَاءِ صَلَّوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَوْلَاهَا كَانُوا بِمَوْعُودِ اللَّهِ آمِنِينَ وَمِنْ الْخَلْقِ آئِسِينَ وَعَلَيْهِمْ مُتَّفِقِينَ وَإِذَا هُمْ مُتَحَمِّلِينَ وَلِخَيْرِ مُؤْمِنِينَ وَبِالْأُمُورِ مَشْغُولِينَ وَفِي مَوَاضِعِ الْخَلْقِ مُتَوَاضِعِينَ وَفِي مَوَاضِعِ الْعِدَاوَةِ نَاصِحِينَ وَمَعَ الشَّيْطَانِ مُعَادِينَ وَعَلَى الْوُضُوءِ دَائِسِينَ وَفِيمَا قَلَّ أَوْ كَثُرَ مُقْتَصِدِينَ وَكَانَ رَأْسُ مَا لَهُمُ الْفَقْرُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى (٣).

وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: أَزْبَعَةُ أَشْيَاءُ [ع] الْقَلِيلُ مِنْهَا كَثِيرٌ: الْوَجْعُ وَالنَّارُ وَالْعِدَاوَةُ وَالْفَقْرُ (٤).

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعِفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ وَالشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى (٥).

وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ (رض) قَالَ: جَاءَ [ع] رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا الْفَقْرُ؟ قَالَ: خِزَانَةٌ مِنْ خَزَائِنِ اللَّهِ تَعَالَى، ثُمَّ قَالَ: مَا الْفَقْرُ * ٨٦٩ * يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: كَرَامَةٌ مِنْ كَرَامَةِ اللَّهِ تَعَالَى، ثُمَّ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا الْفَقْرُ؟ قَالَ [ص]: شَيْءٌ (٦) لَا يُعْطِيهِ اللَّهُ الْأَنْبِيَاءَ مُرْسَلًا وَمُؤْمِنًا، كَرِيمًا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (٧).

وَقَالَ [النَّبِيُّ] عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْفَقْرُ رَاحَةٌ وَالْغِنَى عُقُوبَةٌ (٨).

(١) بحار الأنوار ٤٧/٧٢ ح ٥٨ و ٢٤.

(٢) اثنتي عشر.

(٣) رواية را نياقتيم.

(٤) بحار الأنوار ٢٠٥/٧٥ باب ٢٣، كشف الغمة ٢٠٢/٢.

(٥) نهج البلاغة كلمات قصار ٣٤٠ ص ٤٢١.

(٦) شىء.

(٧) بحار الأنوار ٤٧/٧٢ ح ٥٨.

(٨) بحار الأنوار ٥٦/٧٢ ح ٨٦.

النكاث والإشارات في الفقر^(١)

قَالَ بَعْضُ أَهْلِ الْإِشَارَةِ: الْفَقْرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ [ء]: فِي الْغُرْبَةِ وَالصُّحْبَةِ وَالْفِطْنَةِ؛ أَمَّا الْغُرْبَةُ فَيَتَكَسَّرُ فِيهَا الشَّهَوَاتُ، وَ أَمَّا الصُّحْبَةُ فَيَحْسُنُ خُلُقُهُ، وَ أَمَّا الْفِطْنَةُ فَيَمَيِّزُ مَا يَكُونُ لَهُ مِمَّا يَكُونُ عَلَيْهِ.

وَعَنِ الْمُزْنِيِّ أَنَّهُ قَالَ: كَانَ^(٢) الطَّرِيقُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَكْثَرَ مِنْ نُجُومِ السَّمَاءِ [ء] فَمَا بَقِيَ مِنْهَا طَرِيقٌ إِلَّا طَرِيقُ الْفَقْرِ وَهُوَ أَوْضَحُ الطَّرِيقِ.

وَ حِكْيَى أَنْ أَعْرَابِيًّا دَخَلَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! جِئْتُكَ^(٣) لِتُنصِفَنِي عَنْ جَابِرٍ لَا يَزِحَمُ صَغِيرًا بِصِغَرِهِ وَ لَا يُوقِرُ كَبِيرًا لِكِبَرِهِ؟^(٤) قَالَ [ع]: وَمَا ذَاكَ؟ قَالَ: الْفَقْرُ. فَأَمَرَ لِلخَازِنِ بِعَشْرَةِ آفِ دِرْهَمٍ فَأَعْطَاهُ وَقَالَ: يَا أَخَا الْعَرَبِ! بِاللهِ وَ بِالرَّسُولِ عَلَيْكَ كُلَّمَا أَتَاكَ خَضَمُكَ مُتَعَرِّضًا فَارْجِعْ إِلَى مُتَعَوِّدًا.

وَ حِكْيَى أَنَّهُ سُئِلَ ابْنُ الْجَلَاءِ [ء] عَنِ الْفَقْرِ فَأَخْرَجَ أَرْبَعَةَ دَرَاهِمٍ كَانَتْ مَعَهُ وَ بَدَّلَ * ٨٧٠ * ثُمَّ أَجَابَ عَنْهُ وَقَالَ: اسْتَحْيَيْتُ أَنْ أَجِيبَ عَنِ الْفَقْرِ وَ عِنْدِي شَيْءٌ^(٥) مِنَ الدُّنْيَا.

مرکز تحقیق و پژوهش
فصل فی الفقراء

قَالَ أَهْلُ اللَّغَةِ: الْفَقْرُ أَخَذَتْ مِنَ الْفِقَارَةِ. وَقِيلَ: مِنَ الْفَاقِرَةِ، وَ هِيَ الدَّاهِيَةُ، فَقَالَ: فَقَرْتُهُ الْفَاقِرَةُ أَيْ كَسَرْتُ فَقَارَ ظَهْرِهِ، وَالْفَقِيرُ عَلَى هَذَا الْمَعْنَى الْمَكْسُورُ، فَقَارَ الظَّهْرُ. وَقَالَ أَهْلُ الْكَلَامِ: الْفَقْرُ فِي الدُّنْيَا مِفْتَاحُ بَابِ غِنَى الْآخِرَةِ.

الأخبار والآثار في الفقراء [ء]

عَنْ ابْنِ عَمَرَ (رض) عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: يَا مَعْشَرَ الْفُقَرَاءِ! أَلَا أَبَشَّرُكُمْ أَنَّ فُقَرَاءَ [ء] الْمُسْلِمِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ قَبْلَ أَغْنِيَائِهِمْ بِنِصْفِ يَوْمٍ وَ هُوَ خَمْسِمِائَةٍ

(١) عبارت داخل پرانتز در حاشیه سمت چپ نوشته شده و مربوط به این مکان می باشد.

(٢) کانت.

(٣) جیتک.

(٤) الکبره.

(٥) شی.

عام^(۱).

وَرَوَى عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: فَضَّلُ الْفُقَرَاءَ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ [ع] كَفَضَلِي عَلَى جَمِيعِ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى^(۲).

وَرَوَى عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لِعِبَادِهِ الْفُقَرَاءَ [ع] يَوْمَ الْقِيَامَةِ: يَا عِبَادِي! أَنْتُمْ عِنْدِي بِمَنْزِلَةِ أَنْبِيَائِي وَلَكُمْ عِنْدِي فَضِيلَةٌ وَلَكُمْ عِنْدِي فِي الْخَلْقِ شَفَاعَةٌ، سَلُونِي مَا سَأَلْتُمْ^(۳) حَتَّى أُعْطِيَكُمْ، فَإِنِّي رَاضٍ عَنْكُمْ وَلَيْسَ لَكُمْ الْيَوْمَ عِنْدِي جَلِيسٌ وَلَا عَذَابٌ^(۴).

* ۸۷۱ * وَعَنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ^(۵) أَنَّهُ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ فَقِيرٌ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَنْ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مِنَ الْفُقَرَاءِ [ع]؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَطْبَخَ لَمْ يَجِدْ قِدْرًا وَمَنْ إِذَا تَوَسَّخَ لَهُ ثَوْبٌ لَمْ يَجِدْ لَهُ بَدَلًا حَتَّى يَغْتَسِلَ ثَوْبَهُ وَمَنْ إِذَا اسْتَسْقَى لَمْ يَجِدْ مَنْ يَسْقِيهِ^(۶).

وَقَالَ [النَّبِيُّ] صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: تَلْمُظُ الْفَقِيرِ عِنْدَ شَهْوَةِ لَا يَقْدِرُ عَلَى إِنْقَادِهَا أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الْغَنِيِّ سَبْعِينَ سَنَةً^(۷).

وَرَوَى أَنَّهُ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى بَعْضِ الْأَنْبِيَاءِ [ع] عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: إِنْ أَرَدْتَ أَنْ تُعْرِفَ رِضَاكَ عَنِّي فَانظُرْ رِضَا الْفُقَرَاءِ [ع] عَنْكَ.

النِّكَاتُ وَالْإِشَارَاتُ فِي الْفُقَرَاءِ

قَالَ سَهْلُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ: آتَى الْفَقِيرَ ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءَ [ع]: حِفْظُ سِرِّهِ وَأَدَاءُ [ع] قَرْضِهِ وَصِيَانَةُ قَدْرِهِ.

(۱) بحار الانوار ۱۲۲/۷ باب ۶.

(۲) ارشاد القلوب ۱۵۵/۱ باب ۴۸.

(۳) شیعہ.

(۴) روایت را بیافتم.

(۵) جملہ دعائی در حاشیہ سمت راست صفحہ نوشتہ شدہ است.

(۶) در کتابهای حدیثی بالغت نشد، ولی مضمون «أول من يدخل الجنة الفقراء» در مسند احمد ۱۶۸/۲ و صحیح ابن حبان

۴۳۹/۱۶ منقول است.

(۷) لسان المیزان ۲۵۷/۱.

و سُئِلَ الْجَنِيْدُ: مَنْ أَعَزُّ النَّاسِ؟ قَالَ: الْفَقِيْرُ الرَّاضِي.

و قَالَ سَهْلُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ: خُمْسَةُ أَشْيَاءٍ [ء] مِنْ جَوْهَرِ النَّفْسِ: فَفَقِيْرٌ يُظْهِرُ الْغِنَى وَ جَائِعٌ (١) يُظْهِرُ الشَّبَعَ وَ مَحْزُونٌ يُظْهِرُ الْفَرَحَ وَ رَجُلٌ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ رَجُلٍ عَدَاوَةٌ فَيُظْهِرُ الْمَحَبَّةَ وَ رَجُلٌ يَصُومُ النَّارَ وَ يَقُومُ اللَّيْلَ * ٨٧٢ * وَ لَا يُظْهِرُ ضَعْفًا.

و قَالَ النَّوْرِيُّ: نَعَتْ الْفَقِيْرُ السُّكُونُ عِنْدَ الْعَدَمِ وَ الْإِثْيَانُ عِنْدَ الْوُجُودِ.

و قَالَ بَعْضُ أَهْلِ الْمَعْرِفَةِ: الْفُقَرَاءُ ثَلَاثَةٌ: فَفَقِيْرُ النَّفْسِ لَا يَسْتَعْنِي بِوُجُودِ الشَّيْءِ (٢)، وَ فَقِيْرُ إِلَى الشَّيْءِ يَسْتَعْنِي بِوُجُودِهِ وَ فَقِيْرُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ هُوَ الَّذِي يَسْتَحِقُّ الْمَدْحَ.

و قَالَ عَلِيُّ بْنُ بُنْدَارٍ: لَيْسَ الْفَقِيْرُ مَنْ يُظْهِرُ فَقْرَهُ، إِنَّمَا الْفَقِيْرُ مَنْ يَكْتُمُ فَقْرَهُ وَ يَأْنَسُ بِهِ وَ يَفْرَحُ.

و قَالَ شَقِيْقٌ: مَنْ خَرَجَ مِنَ النُّعْمَةِ وَ وَقَعَ فِي الْقِلَّةِ وَ لَا يَكُونُ الْقِلَّةُ عِنْدَهُ أَعْظَمَ مِنَ النُّعْمَةِ فَإِنَّهُ (٣) فِي غَمِّينِ: غَمٍّ فِي الدُّنْيَا وَ غَمٍّ فِي الْآخِرَةِ، وَ مَنْ خَرَجَ مِنَ النُّعْمَةِ وَ وَقَعَ فِي الْقِلَّةِ وَ كَانَتْ الْقِلَّةُ أَعْظَمَ عِنْدَهُ مِنَ النُّعْمَةِ الَّتِي خَرَجَ مِنْهَا كَانَ فِي فَرَحَيْنِ: فَرَحٍ فِي الدُّنْيَا وَ فَرَحٍ فِي الْآخِرَةِ.

و عَنْ حَفْصِ بْنِ حَمِيْدٍ الْمَرْوَزِيِّ أَنَّهُ قَالَ: اجْتَمَعَتِ (٤) الْأَغْنِيَاءُ [ء] وَ الْحُكَمَاءُ وَ الْفُقَهَاءُ [ء] عَلَى أَنَّ النُّعِيْمَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِتَرْكِ النُّعِيْمِ.

و حُكِيَ عَنِ فَارِسٍ أَنَّهُ قَالَ: قُلْتُ لِبَعْضِ الْفُقَرَاءِ [ء] حِينَ رَأَيْتُ عَلَيْهِ أَثَرَ الْجُوعِ: لِمَ لَا تَسْأَلُ النَّاسَ؟ قَالَ: أَخَافُ أَنْ أَسْأَلَ عَنْهُمْ فَمَنْعُونِي فَلَا يُفْلِحُونَ.

شعر

* ٨٧٣ * وَ لَسْتُ بِنَظَّارٍ إِلَى جَانِبِ الْغِنَى إِذَا كَانَتْ الْعَلْيَا [ء] فِي جَانِبِ الْفَقْرِ
وَ إِنِّي لَصَبَّارٌ عَلَى مَا يَثُوبُنِي وَ حَسْبُكَ أَنَّ اللَّهَ أَثْنَى عَلَى الصَّبْرِ

(١) جامع.

(٢) الشئ وهكذا مورد بعد.

(٣) فإن.

(٤) هكذا در متن اصلی.

الباب الخامس في الجود والغنى

فصل في الجود

قَالَ أَهْلُ التَّحْقِيقِ: الْجُودُ بَدَلُ الْيَسَارِ عِنْدَ الْمَخْمَصَةِ وَ الْإِغْسَارِ.
وَقِيلَ: الْجُودُ مِنْ أَنْفَعِ خِصَالِ الْإِنْسَانِ وَأَجْمَعِ مِثَالِ الْإِحْسَانِ.
وَقِيلَ: الْجُودُ صَبَاحَةٌ جَمَالِ الرُّجَالِ وَمَلَاحَةٌ مَخِيَا الْإِقْبَالِ.
وَقِيلَ: الْجُودُ بَيَانُ السِّيَادَةِ وَبُرْهَانُ السَّعَادَةِ.

الأخبار والآثار في الجود

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: السَّخَاوَةُ مِنَ الْإِيمَانِ وَ الْإِيمَانُ مِنَ الْجَنَّةِ.
وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْكَافِرِ السَّخِيِّ إِلَى جَهَنَّمَ فَيَقُولُ لِمَالِكٍ -
خَازِنِ جَهَنَّمَ - : عَذِّبْهُ وَ خَفِّفْ عَنْهُ الْعَذَابَ عَلَى قَدْرِ سَخَائِهِ الَّذِي كَانَ فِي دَارِ الدُّنْيَا.
وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْرٌ أَعْنِ اللَّهُ تَعَالَى: إِنِّي أَدْفَعُ عَنِ السَّخِيِّ عَذَابَ الْقَبْرِ وَ
شِدَّةَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ يَصِيحُ، وَ إِنِّي مَغْفُورٌ^(١) لَهُ الذُّنُوبُ وَ أُبْعَثُهُ إِلَى الْجَنَّةِ مَعَ أَوْلِيَ * ٨٧٤ * زُمْرَةَ
مِنَ الْأَنْبِيَاءِ [ء] ^(٣).

وَقَالَ [النَّبِيُّ] صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: سَادَةُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا الْأَشْخِيَاءُ [ء] وَ سَادَةُ النَّاسِ فِي
الْآخِرَةِ الْأَتْقِيَاءُ [ء] ^(٣).

وَقَالَ [النَّبِيُّ] عَلَيْهِ السَّلَامُ: السَّخَا [ء] أَصْلُ الْإِسْلَامِ^(٤).
وَرَوَى أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى جِبْرِئِيلَ فَقَالَ: لَوْ بَعَثْنَاكَ إِلَى الدُّنْيَا وَنَجَعْنَاكَ مِنْ أَهْلِهَا
أَيْشٍ^(٥) تَعْمَلُ^(٦) هُنَاكَ؟ قَالَ: يَا رَبِّ! أَنْتَ تَعْلَمُ وَ لَكِنْ أَعْمَلُ بِثَلَاثَةٍ: أَعِينُ صَاحِبَ الْعِيَالِ

(١) مغفوراً.

(٢) مشابه آن در تذكرة الموضوعات ص ٦٣ منقول است.

(٣) بحار الانوار ٧٨/٥٠ ح ٧٧، ميزان الحكمة ٤/٤١٩.

(٤) بحار الانوار ٩٧/٤٩ باب ٥.

(٥) مخفف أى شىء.

(٦) يعمل.

مِنَ النَّفَقَةِ عَلَى عِيَالِهِ وَكُنْتُ أَشْتَرُ^(۱) عُيُوبَ الْخَلْقِ حَتَّى لَا يَعْلَمُهَا أَحَدٌ مِنْ عِبَادِكَ إِلَّا أَنْتَ وَ
أَسْقَى الْعَطْشَانَ وَأَزْوِيهِ الْمَاءَ.

وَرَوَى أَنَّهُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْ لَا يَقْتُلَ السَّامِرِيُّ فَإِنَّهُ سَخِيءٌ.
وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ (رَضِيَ) قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَبْوَابُ الْجَنَّةِ مَفْتُوحَةٌ عَلَى
الْفُقَرَاءِ [ع] وَالرَّحِمَةُ نَازِلَةٌ عَلَى الرَّحِمَا [ع] وَاللَّهُ رَاضٍ عَنِ الْأَسْحِيَا [ع]^(۲).
وَرَوَى أَنَّ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَهْدَى إِلَيْهِ رَأْسَ شَاةٍ فَقَالَ: أَخُ
فَلَانٍ^(۳) وَبَنَاتُهُ أَحْوَجُ إِلَى هَذَا مِنَّا، فَبَعَثَ هُوَ إِلَيْهِ فَلَمْ يَزَلْ يَبْعَثُ لَهُ وَاحِدًا^(۴) بَعْدَ وَاحِدٍ حَتَّى
يُدَاوِلُهُ سَبْعَ بَيُوتٍ * ۸۷۵ * فَرَجَعَ إِلَى الْأَوَّلِ فَفِي ذَلِكَ نَزَلَ قَوْلُهُ تَعَالَى ﴿وَيُؤْتِرُونَ عَلَى
أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾^(۵).

وَرَوَى أَنَّ رَجُلًا رَفَعَ إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ رُقْعَةً فِي حَاجَةٍ فَقَالَ: حَاجَتُكَ
مَقْضِيَةٌ. فَقِيلَ لَهُ: أَلَا تَنْظُرُ فِي الرُّقْعَةِ؟ فَقَالَ: سَأَلْتَنِي اللَّهُ عَنْ ذُلِّ مَقَامِهِ بَيْنَ يَدَيَّ حِينَ أَقْرَأُ
الرُّقْعَةَ.

مركز اشارات في الجودي

قَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلُّ نَفَقَةٍ يُنْفِقُهَا الْمَرْءُ عَلَى نَفْسِهِ أَوْ أَبْوَيْهِ يُحَاسِبُ عَلَيْهَا إِلَّا
نَفَقَتَهُ عَلَى إِخْوَانِهِ فِي الطَّعَامِ، فَإِنَّ اللَّهَ يَسْتَحْيِي أَنْ يَسْأَلَ عَنْهَا.
وَقَالَ أَبُو جَهْمٍ بْنُ حَذِيفَةَ: انْطَلَقْتُ يَوْمَ تَبُوكٍ [..]^(۶) طَلَبَ^(۷) عَنِّي وَمَعِيَ مَاءٌ أَرَدْتُ أَنْ
أَسْقِيَهُ إِنْ كَانَ بِهِ رَمَقٌ فَرَأَيْتُهُ وَمَسَحْتُ وَجْهَهُ، فَقُلْتُ لَهُ: أَسْقِيكَ الْمَاءَ [ع]؟ فَأَشَارَ بِرَأْسِهِ: نَعَمْ.

(۱) اسطر.

(۲) بحار الانوار ۴۶/۷۲ ح ۵۷.

(۳) شاید: آخ، فلاں.

(۴) واحد.

(۵) قرآن کریم، سوره () آیه.

(۶) در این موضع جمله ناقص است و احتمالاً یک سطر را کاتب فراموش کرده است بیاورد.

(۷) اطلب.

فَإِذَا رَجُلٌ يَقُولُ: آهٍ مِنَ الْعَطَشِ! فَأَوْمَأْ^(١) بِرَأْسِهِ أَنْ اذْهَبْ بِهِ إِلَيْهِ، فَإِذَا هُوَ هِشَامُ بْنُ الْعَاصِ، فَقُلْتُ: أَسْقِيكَ؟ فَقَالَ: بَلَى، فَلَمَّا دَنَوْتُ مِنْهُ سَمِعْتُ صَوْتًا: آهٍ مِنَ الْعَطَشِ! فَأَشَارَ إِلَيَّ أَنْ اذْهَبْ بِهِ إِلَيْهِ، فَذَهَبْتُ^(٢) فَإِذَا هُوَ مَيْتَةٌ، فَإِذَا رَجَعْتُ بِالْمَاءِ [ء] إِلَى هِشَامٍ^(٣) فَإِذَا هُوَ مَيْتٌ *٨٧٦* فَرَجَعْتُ إِلَى عَمِّي فَإِذَا هُوَ مَيْتٌ.

وَحِكْيَى أَنَّهُ اشْتَرَى عُبَيْدُ اللَّهِ بْنَ أَبِي بَكْرَةَ جَارِيَةً بِعَشْرَةِ آلَافٍ دِرْهَمٍ وَطَلَبَ دَابَّتَهُ لِيَحْمِلَهَا فَتَادَاهُ رَجُلٌ: هَذِهِ دَابَّتِي، فَقَالَ عُبَيْدُ اللَّهِ: اِحْمَلُوهَا عَلَيَّ دَابَّتِي وَأَذْهَبُوا بِهَا إِلَى مَنْزِلِي.
وَحِكْيَى أَنَّ وَاحِدًا اشْتَرَى دَارًا بِتِسْعِينَ آلْفٍ دِرْهَمٍ فَلَمَّا كَانَ اللَّيْلُ سَمِعَ بُكَاءَ [ء] أَهْلِ بَائِعِ الدَّارِ، فَقَالَ لِخُدَامِهِ: مَا لَهُؤُلَاءِ [ء]؟ قَالُوا: يَبْكُونَ لِأَجْلِ دَارِهِمْ. فَقَالَ لِغُلَامٍ: أَعْلِمْتُهُمْ أَنَّ الدَّارَ وَالْمَالَ لَهُمْ جَمِيعًا.

وَحِكْيَى أَنَّ ذَا الْقَرْنَيْنِ قَالَ لِأَرَسْطَاطَالِسَ: انْصَحْ لِي، فَقَالَ: مَلَكَتِ السِّبْلَادَ بِالسُّفْرَانِ فَاثْمَلِكِ الْقُلُوبَ بِالْإِحْسَانِ.

وَحِكْيَى أَنَّ بَعْضَ الشُّعْرَاءِ [ء] مَدَحَ أَبَا مَرْزُوقٍ وَهُوَ أَحَدُ الْأَسْخِيَاءِ [ء] فَقَالَ: وَاللَّهِ مَا عِنْدِي شَيْءٌ [ء] أُعْطِيكَ وَلَكِنْ قَدَّمَنِي إِلَى الْقَاضِيِ وَأَدَّعَى عَلَيَّ عَشْرَةَ آلَافٍ دِرْهَمٍ حَتَّى أَقْرَأَ لَكَ بِهَا، ثُمَّ أَحْبَبْتَنِي فَإِنَّ أَهْلِي لَا يَتْرُكُونَنِي مَسْجُونًا، فَفَعَلَ ذَلِكَ فَلَمْ يَمْشِ حَتَّى دَفَعَتْ إِلَيْهِ عَشْرَةَ آلَافٍ دِرْهَمٍ وَأَخْرَجَ أَبُو مَرْزُوقٍ مِنَ السُّجْنِ.

وَقِيلَ لِلْأَخْنَفِ: مَا الْإِنْسَانِيَّةُ؟ قَالَ: التَّوَاضُّعُ عِنْدَ الرَّفْعَةِ وَالْعَفْوُ عِنْدَ الْقُدْرَةِ وَالْعَطَاءُ [ء] بِغَيْرِ مَنَّةٍ.

فصل في الغنى

٨٧٧ قَالَ بَعْضُهُمْ: الْغِنَى تَرْكُ الطَّمَعِ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ.

وَقَالَ أَهْلُ الرِّيَاضَةِ: حَقِيقَةُ الْغِنَى تَرْكُ الشَّهَوَاتِ.

(١) اومى.

(٢) فذهب.

(٣) الهشام.

وَقِيلَ: الْقَنَاعَةُ.

وَقِيلَ: الرِّضَا [ء] بِالْمَوْجُودِ وَالصَّبْرُ عَلَى الْمَقْضُودِ.

الْأَخْبَارُ وَالْآثَارُ فِي الْغِنَى

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: لَيْسَ الْغِنَى عَنْ ظَهْرِ الْمَالِ، إِنَّمَا الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ، فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا جَعَلَ غِنَاهُ فِي نَفْسِهِ وَتُقَاهُ فِي قَلْبِهِ، وَإِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ شَرًّا جَعَلَ فَقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ (۱).

وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَرْبَعُ مَفْسَدَةٍ لِلْقَلْبِ: مُحَادَثَةُ الْأَحْمَقِ وَتَرَاكُمُ الذَّنْبِ وَالخَلْوَةُ بِالنِّسَاءِ [ء] وَمُجَالَسَةُ الْمَوْتَى.

قِيلَ: مَا الْمَوْتَى؟ قَالَ: كُلُّ غَنِيٍّ أَبْطَرَهُ غِنَاهُ (۲).

وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ: سُئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَا الْغِنَى؟ قَالَ: الْيَأْسُ بِمَا (۳) فِي أَيْدِي النَّاسِ (۴).

وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ (رَض) أَنَّهُ قَالَ: مَا أَبَالِي بِالْغِنَى بَلِيثٌ أَمْ بِالْفَقْرِ فَإِنَّ حَقَّ اللَّهِ تَعَالَى فِيهِمَا لَوَاجِبٌ فِي الْغِنَى اللَّيْنُ وَالْعَطْفُ وَفِي الْفَقْرِ الصَّبْرُ وَالْعِفَافُ.

وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: فُرِضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ [ء] أَقْوَاتُ الْفُقَرَاءِ [ء] فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَنَعَ (۵).

* ۸۷۸ * (۶) رَوَى أَنَّ حَكِيمًا مِّنَ الْحُكَمَاءِ سَأَلَ نَبِيًّا مِّنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: إِنَّ الْعَقْلَ أَفْضَلُ أَمْ الْعِلْمُ؟ فَرَجَعَ الْحَضْرَةُ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: إِنَّ الْعَقْلَ مَبْدَأُ (۷) الْعِلْمِ وَالْعِلْمُ مُنْتَهَى الْعَقْلِ.

(۱) بحار الانوار ۸۲/۷۰ ح ۱۲، ميزان الحكمة ۲۹۶/۷.

(۲) بحار الانوار ۲۳۶/۱۰۳ ح ۱۳.

(۳) كذا، مشهور: عما..

(۴) بحار الانوار ۴۴۷/۷۸ ح ۸، ميزان الحكمة ۲۹۴/۷.

(۵) نهج البلاغة كلمات فصار ۳۲۸.

(۶) این صفحه در نسخه عکسی بیاض صفحه ۸۸۰ است و قبل از این صفحه افتادگی دارد زیرا از نویسنده آن تنها یک صفحه باقی مانده است که به نام محمد بن محمود بن محمد شبانکاره ای است.

(۷) مبدا.

فَلِلْعَقْلِ فَضِيلَةُ الْبِدَايَةِ^(۱) وَلِلْعِلْمِ شَرَفُ الْكَمَالِ، وَالْمَبْدَأُ بِلَا كَمَالٍ ضَائِعٌ وَالْكَمَالُ بِدُونِ الْمَبْدَأِ
 مُحَالٌ، فَالْعَقْلُ بَحْرٌ وَالْعِلْمُ سَفِينَةٌ وَالنَّجَاةُ وَسَعَادَةٌ^(۲) الدَّارَيْنِ مَنْوُطَتَانِ لِهَمَّا.
 لِصَاحِبِهِ السَّعَادَةُ وَالسَّلَامَةُ وَ طُولُ الْعُمْرِ مَا نَاحَتْ حَمَامَةٌ



كَتَبَهُ الْعَبْدُ الضَّعِيفُ الْمُحْتَاجُ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ الصَّمَدِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مُحَمَّدٍ مُحَرَّرٌ
 الشَّبِكَانِكَارَهُ حَسَنَ حَالُهُ وَحَسَنَ مَالُهُ بِالنَّبِيِّ وَصَحْبِهِ.

تا هست زمانه پر ز دستان و فریب تا هست ز باد بر رخ لاله نهیب
 در عز و نشاط و شادکامی و مراد بس سال بماناد خداوند کتاب

لمولانا عرفی *۸۷۹* (۳)

عرفی دهر و همان سرا

فرداست که ای دوست نقد مقصود



مرکز تحقیقات و پژوهش علوم اسلامی

(۱) المبدایة.

(۲) سعادت.

(۳) این صفحه در اصل بیاض سفید بوده است و بعدها در بیت ناخوانا از عرفی آورده اند این دو بیت الحاقی و بدون نام نویسنده است.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

مِمَّا وَشَّحَهُ الصَّاحِبُ الْأَعْظَمُ الْأَعْلَمُ الْخَوَاجَهُ
جَلَالَ الْمِلَّةِ وَالَّذِينَ نَعْمَانُ أَعْلَى شَأْنَهُ

صد سبب من واکه که در پیشش بر می آید سنده و در وقت نماز
نویسند و تمام روز که در دنیا با ما اضطرار من و نیست
کنند بر آید هر چه که می بیند که مقادیر طبع و باطن
طفره بود که آنرا فریاد و محاسن در پیشگاه و بان صبح خروج او
میر کرده و من صاحب من زعم من مقدار و در علیان
لازم است که در وقت نماز از دست لغو است و در این حد

در چه همه عبادت تالیس آمینا

و من منشا علیهم السلام
فی طلب النجاة

اینکه که در ولایت این مملکت امر و مشورت که بشود
و بعضی دیگر که از اهل انجلی من لیلان بر آید و من انجلی
و ما در وقت بیرون است و در وقت که صاف و شادمان است
و شادمان و در میان نیمه سانس و من از فراوانی در
یکدیگر می بیند و در بیابان و در بیابان از لطیف لغات
تا کل من کل المرات که در من مع علی انجلی و با کل من انجلی و

﴿ ۸۸۱ ﴾ (۲) صدمه بهمین را که کوه رویین تن بر نمی تابد بنده فریدون کسی [که] از سطوت ضحاک روزگار در بیغوله اضطراب منزویست چگونه بر باید به یمن دولت گیتی پناه مأمول که مقارن طلوع رایات ظفر پرور که (۳) آثار فرکیان و خواص درفش کاویان دارد خروج او میسر گردد و مِنَ اللَّهِ التَّوْفِيقُ زمام حلّ و عقد امور عالمیان الی یوم التّناد در قبضه ارادت أعوان دولت و أعوان حضرت باد و يَرْحَمُ اللَّهُ عَبْدًا قَالَ آمِنًا

وَمِنْ مَنَشَاتِهِ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ فِي طَلَبِ النَّحْلِ

إنها می کند که در ولایت این مملکت امرا و لشکریانی که به منشور ﴿ و أوحى ربك إلی النحل أن إتخذی من الجبال بیوتا و من الشجر و مما یعرشون ﴾ (۴) پیوسته بر شواهد کوهسار و شمار یخ اغصان و أشجار در خزان و بهار خیمه ها [ی] (۵) مسدس و مثنی از خزّ ادکن در یکدیگر می پیوستند و در بیلاق (۶) و قشلاق (۷) از لطایف زهرات هر گلی من کُلّ الثمرات کالطیر یقع علی الشجر و یأکل من الثمر ولا ﴿ ۸۸۲ ﴾ یدری ما الخبر علف خوار می کردند لشکری جرّار که به حکم آفریدگار همه باسنان آبدار و ناوک آتش بار از مادر فطرت در وجود آمده اند، کوبه ایشان چون موبک سلیمان (۸) در میدان هوا جولان کردی

(۱) متن عنوان پیشین در نسخه عکسی بیاض صفحه ۸۷۸ است.

(۲) قبل از این صفحه افتادگی دارد نویسنده این متن جلال الدین نعمان ذکر شده در صفحه ۷۸۷ نسخه عکسی بیاض است که آن صفحه را صفحه ۸۸۱ قرار داده ام تا توالی صفحات صحیح باشد.

(۳) کی و هکذا موارد بعد.

(۴) قرآن کریم سوره نحل (۱۶) آیه ۶۸.

(۵) خیمها.

(۶) بیلاغ.

(۷) قیشلاغ.

(۸) سلیمان.

حشمی نامدار و حشری فرمانبردار تابع امر و نهی و مشرف به الهام و وحی در سکون مسالك ﴿فَأَسْلِكِي^(۱) سُبُلَ رَبِّكَ ذَلَالًا﴾^(۲) هر يك مخصوص به هدایتی و در باب شیرین کاری آیتی، هر فردی از افراد مشتمل بر امور متضاد از نوش و نیش و مرهم و ریش و داء^(۳) و دوا و رنج و شفا، فوہات ایشان زہاب چشمه و آنہار من عَسَلٍ مُّصَفًّى مدتی است تا بواسطہ هجوم یاوگیان آفات سماوی از مفرد خانہ‌ها [ی]^(۴) ارضی جلا کرده ﴿كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ﴾^(۵) در اطراف متفرق گشته‌اند

دَخَلَ الزَّمَانُ عَلَيْهِمْ فَتَبَدَّدُوا وَ تَشَتَّتُوا وَ تَفَرَّقُوا أَيَّدِي سَبَابٍ^(۶)

و مخزن داروخانہ ﴿يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ﴾ [لِلنَّاسِ]^(۷) کہ بہ حقیقت دارالشفای [ی] عموم خلائق بود.

۸۸۳ معطل گذاشته بنا بر فرط اتحاد اعلام رفت اگر نواب نامدار اشارت فرمایند و یک ہزار صندوق مگسها [ی] گزیده کاندرا این ملک جو طاووس^(۸) بکارند مگس از کلات کوه کیلو^(۹) روانہ گردانند سوابق الطاف ملحق و مضاف گردد وَالسَّلَامُ عَلٰی جِنَابَةِ الْعَالِي وَ مِنْ مَّقْطَعَاتِهِ رَحْمَةُ اللَّهِ [عَلَيْهِ]

مدتی اسباب عیش و کامرانی داشتیم
سـاغر لذت بر آب زندگانی داشتیم
همچو بلبل بانوای ارغنونی زیستم
همچو گل بر کف شراب ارغوانی داشتیم

(۱) در بیاض و اسلکی است.

(۲) قرآن کریم سوره نحل (۱۶) آیه ۶۹.

(۳) دا.

(۴) خانہا.

(۵) قرآن کریم سوره نمر (۵۴) آیه ۷.

(۶) دو کلمہ آخر بہ ظاہر اینگونه خواندہ می‌شوند.

(۷) قرآن کریم سوره نحل (۱۶) آیه ۶۹.

(۸) طاووس.

(۹) احتمالاً همان کہ کیلویہ است.

شاهدان ز هر طلعت، دلبران ماهروی
 بسامغانی بساده و چنگ^(۱) و آغانی داشتم
 داشتم بر تسارک از دانش کلاه کسروی
 در بر از حکمت قبا[ی] خسروانی داشتم
 در اقالیم فضایل والی والا^(۲) بدم
 کز سلاطین هنر فرّ کیانی داشتم
 ۸۸۴ نزد شاهان زمین تا آسمانم جاه بود
 وین سعادتها ز فیض آسمانی داشتم
 در جهان دانش و بینش به منشور خرد
 منصب شاهی و راه مرزبانی داشتم
 نوع انسان را نمی‌گویم مملکت را نبود
 آن فراغت کز امور این جهانی داشتم
 گر فلک دشمن شدی من دوستکامی کردمی
 و در جهان پر^(۳) غم بدی من شادمانی داشتم
 کج نشینم راست گویم در خور احوال خویش
 هر چه بایستم همه حسب الأمانی داشتم
 این زمان نیزم همان اسباب و مکننت هست و نیست
 حاصلی کان وقت از اینها در جوانی داشتم
 داشتم نقد جوانی قدر آن نشناختم
 من ندانستم که گنج شایگانی داشتم

(۱) جنگ.

(۲) ولا..

(۳) بر.

گر به نادانی تلف کردم مرا معذور دار
 ۸۸۵ زانک گنج شایگانی رایگانی داشتم
 جز پناه خسرو گیتی که باقی باد نیست
 حاصلی از هر چه در دنیا [ی] فانی داشتم

وَمِنْ مَنَشَأَ [تِه] فِي دَعْوَةِ يَوْمِ الْعِيدِ
 لَقَدْ عَادَ عَيْدٌ وَالْهِلَالُ تَهَلَّلَا وَبَدُرُ الْأَمَانِي قَدْ تَبَلَّجَ وَأَنْجَلَى

روز طرب رخ نمود روزه به پایان رسید رایت سلطان عید بر سر میدان رسید
 امروز که به بخت فرخ و طالع سعید طره مشکین شب قدر از غره غرا [ی] عید برداشته
 آمد و پیکر میمون هلال را از عین عشرت و عیش بر صحیفه چرخ آینه گون نگاشته و
 ساکنان ربع مسکون رایات نشاط و طرب بر طاق انکلیون افراشته هر چند مجلس بزم
 اصحاب و احباب به حضور زمره ارباب کمال که سعود سپهر جلال و کواکب ثواقب بروج
 فضل و افضالند^(۱) رونق و طراوتی دارد که چهار بالش طارم چهارم را به فرّ و زیب سلطان
 خاور و مسدّ مسدّس کاخ ششم کمال * ۸۸۶ * سعد اکبر تواند بود اَمَا:

شعر

یارا خجسته طلعت تو مهر انور است
 ما را جمال روی تو چون ماه در خور است
 از همگی وجود همگنان فریاد و اشوقاه به خرگاه چرخ زرین کلاه می رسد و از
 حضيض ایوان به اوج کیوان می کشد.

شعر

فَتَحْنُ سَمَاءَ وَالنَّدَامِي أَهْلَةً وَأَنْتَ لَنَا بَدْرٌ فَهَلْ أَنْتَ طَالِعٌ

طلوع کویکبه عید بر تو میمون باد که هست طلعت تو برجها نیان میمون
مخالف تو چو بدر از محاق در کم و کاست ولیک دولت تو چون هلال روزافزون
وَمِنْ مُنَشَاتِهِ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ وَالْغُفْرَانِ

تا مدار چرخ دوار محیط هر ثابت و سیار باشد جناب آسمان رفعت، مطرح شعاع علم
و حکمت و مطلع سعود عزّ و حشمت باد، ایام دولت از تبدل اشکال و کواکب سعادت از
حضیض و وبال مصون و مأمون و طالع وقت * ۸۸۷ * میمون به مقارنه سعود مقرون اختر
فرخی زاید نور و در مطالع معالی اَبْدَى الظُّهُور خدمات و عبودیات با طول و عرض ﴿مَلَأَ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾^(۱) از مرکز اخلاص به اوج عرض می‌رساند دل نیازمند به جان
مشتاق، و از استعلاء نوایر اشواق در طریق احتراق است و چون مناظر ضمائر در حدود و
وجوه متحدانه از بنان این معنی، معنی تواند بود والسلام.

وَمِنْ مُنَشَاتِهِ إِلَى بَعْضِ الْحُكَّامِ رَجِمَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى

تا خامه تقدیر رق منشور چرخ ماه را به طغرای هلال مؤشع می‌گرداند منشور دولت و
اقبال به تویع جاه و جلال حضرت اَعْلَى مَزِين و محلی باد.

شعر

کیوان جنیب جاه تو را گشته خاکبوس گردون مثال حکم ترا کرده امثال
رای ممالک آرای و کلک مشکل گشای دستور حلّ و عقد امور و قانون مصالح جمهور
انام مبارک که^(۲) صدر جریده ملک پروری و ذیل دیباچه دادگستریست فهرست روزنامه
مفاخر و معالی * ۸۸۸ * و سر حمله مدت ایام و لَیَالِی.

شعر

ایام ترا باد برون از عدد آحاد تا هر عددی باشد از آحاد مؤلف
بنده دولت خواه که همواره قلم‌وار سر مطاوعت بر خط متابعت داشته و صفحات

(۱) قرآن کریم سوره () آیه .

(۲) کی .

خاطر و ضمیر به رقوم إخلاص نگاشته اعداد شوق و نیازمندی که محاسب کلک باریک روگیم در دیوان تحریر نظر اشراف دارد و از استیفا [ی] آن در نقل و تحویل عاجزند^(۱) رفع می کند و آیت^(۲) إخلاص کَمَا أَنْزَلَ بِرَأْيِ أَعْلَىٰ أَعْلَاهُ اللَّهُ تَعَالَىٰ کشف می کند و واجبات عبودیت^(۳) و دعا بادا می رساند در باب منها و من ذلك حکایت آیام و شکایت اَنام چه گوید و چه نویسد که^(۴) اگر يك بابت از مفردات آن بر صحایف اوراق زوج و فرد لیل و نهار سواد و بیاض کنند هنوز از دفعات آن حرفی در قلم نیاید و از مفضلات آن مجملی ثبت نگردد فَذَلِكَ أَمْرٌ أَنكَه^(۵) در سَرَا و ضَرَا که نسخه جمع و چرخ روزگار است چون خیال کج اندیش هر حساب که در بارز ضمیر راست کرده بود *۸۸۹* با چرخ حشو پرور کج آمد.

شعر

دلم ز گیتی چندان حساب کج برداشت که راه یافت بدو صد هزار گونه کسور
وَعَلَى الْجَمَلَةِ از آوار جان دست انداز روزگاری حساب که مناسب این سیاق است و
از اخوات و قراین آن می نماید نصب و عزل صدور عظام صواحب کرامست که صورت آن
هرگز در دفترخانه ضمیر مصور نبود بیل در جامع الحساب لوح محفوظ که^(۶) أم الكتاب
حوادث یومی است رقم تحریر نیافته استدرک مجموع بر ذمت همت والا واجبست حق
عَزَّ إِسْمُهُ در کلّ حالات واقعی و سایه مبارک بر مفارق مفضول و فاضل باقی باد.

باقی به دوامی که در اعداد سنینش آحاد شمارند ألوف دوران را

وَمِنْ مَنشَاتِهِ فِي شَأْنِ السَّيِّدِ الْمَشْهُورِ بگوینده رِحْمَهُمَا اللَّهُ تَعَالَىٰ

چون سید معظم مدتهاست تا در راه إخلاص بوده است شناخته و به هیچ وجه مخالف

(۱) عاجزانند.

(۲) آیه.

(۳) عبودیت.

(۴) کی و هکذا مورد بعد.

(۵) به همین شکل در متن اصلی.

(۶) کی.

وار شعبه دیگر نگرفته و آوازه * ۸۹۰ * آواز این سید حسنی چون نوا [ی] حسینی به اطراف عراق و سپاهان و نهاوند و خراسان رسیده و چون نوروز در محط حجاز فرود آمده و بزرگ و کوچک شنیده او را که بلبل گلستان عیش و طربست چون گل و بلبل با برگ و نوا داشتی از لوازم نمود والسلام.

وَمِنْ مُنْشَاتِهِ وَهِيَ الرَّسَالَةُ الرَّحِيقِيَّةُ

چیست صافی جوهری همچون خرد روشن روان
آتشی سیال کابی منعقد دارد مکان
گر بگویم کاخترست اختر نتابد بی ظلم
ور بگویم کاتش است آتش نباشد بی دخان
جوهری پاکیزه است چون عقلست لیک از روی طبع
عقل را بر هم زند غوغا^(۱) [ی] قهرش خان و مان
گاه ساقی دارد از وی لاله و گل در کنار

مزرگاه سیب‌آغردارد از وی آب و آتش در میان
تریاکی که طبع سلیم را سازگارانه لعلی که گوهر مردم بنماید * ۸۹۱ * کبریت احمری
که قلب مغشوش را خالص گرداند، جوهری شعاع که از ثقبه غیبی خروج کند و بر طبقه
زجاجی نور دهد مقرّحی یا قوتی که دل را قوت و سرور دهد، نوشدارویی^(۲) که طبع را
مادّة الحیوة است، قوت القلوبی که قانون کلی شفا و نجاتست هاضمه‌ای که ماسکه مدخل
را به دافعه مبدّل گرداند غاذیه [ای] که قوت مولده را محرّک باشد دموی طبیعی که صبغ قارو
ره او دلیل حفظ دماغ و موجب قصد و مستلزم استفراغست ناری طبیعی، مائی المزاج،
مریخ فعلی عطاردی الإمتزاج، خراباتی که خرد آباد دماغ خرابه او و عقل و هوش

(۱) غوغاه.

(۲) نوشداروسی.

همخواه اوست. بنت مفتولی^(۱) که خون آخوین در گردن قرابه اوست، سیاره [ای] که چون به خمسه متحیره پیوندد در مثلثه هوایی که فلك تدویر اوست به افق غربی صعود کند و از آنجا در بروج ماهی هابط گردد جوهری لطیف که چون در اجسام شقیف حلول کند بی لزوم تداخل اجسام اثنینیت میان ایشان نماید

شعر

فَكَأَنَّهُ خَمْرٌ وَلَا قَدْحٌ وَ كَأَنَّهُ قَدْحٌ وَلَا خَمْرٌ

گلگونی که چون در * ۸۹۲ * سرآید عنان از دست مرد بر باید کمیت شموسی که هر^(۲) به او بر نیاید سرخابی که اگر بر سر رستم تازد او را از دست ببرد و از پای در اندازد، متلونی که در يك زمان به صد دست برآید منغلی که در هر دست گردشی بر سر آید شاهی که در مجلس خاص و عام از دست بدست رود و از نیست به هست گراید، حریف سازی که با شاه و گدا همدم.

به آبی چون آذر در ایام عجم مکرم ذوالحجه [ای] در تاریخ عرب مُحَرَّم «عجوزی که مباشرت او مولد آثام است»^(۳) أم الحبائلی که از اخوات أنصاب و آزلامست مردافکنی چون خواب خیال انگیز، آتش دمی چون باد هوا آمیز، پایمالی که بر دست سلاطین نشیند، فرشته صفاتی که اغلب صحبت شیاطین گزیند زرین چشمی که از سینه بط حلق خروس خون ریزد غداری که هر که را دستگیری کند سرانجام از پای درآرد^(۴) سلاله ای که بعد از عصر پدر در دور دولت آید صاحب دولتی که دور او به تسلسل انجامد.

شعر

(۵)

مخزن لعل بدخشان شد دهان می پرست

(۱) مفتولی هم خوانده می شود.

(۲) در این موضع يك کلمه مفهوم نیست.

(۳) جمله داخل پرانتز در حاشیه سمت چپ صفحه نوشته شده و مربوط به اینجای متن می باشد.

(۴) در دارد.

(۵) ادامه این متن ناقص است و افتادگی دارد و در مواضع دیگر بیاض نیز وجود ندارد.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

مِمَّا سَطَّرَهُ الْإِمَامُ الْمُعَظَّمُ جَامِعُ مَحَاسِنِ
الشَّيْمِ شَمْسِ الْمِلَّةِ مُحَمَّدِ الصُّوفِيِّ

وَقَوْمٌ تَخَلَّوْا بِعَوْلَا مَسْمُومٍ
وَالرَّهْمُ بَابُ مَرْضَايَةٍ
مَعْرَسَاتُ الْخَلْقِ أَغْنَاهُمْ
فَأَيُّ فَوْنٍ سَوَى حَسْبِهِ
مَطْلَعُهُ طَوْلٌ مَحْيَاهُمْ
يَسْفُونَ بِالرَّسْلِ أَنْدَامَهُمْ
وَمِنْ أَلِيمِ بَرِيحَاهُمْ
فَلَوْ رَأَيْتُمَا عَلَى حَمْدِهِمْ
بَارَكَ مَنْ هُوَ قَوْمُهُمْ
فَمُ الْمَشُونِ بِنِيَابِهِمْ
أَرَادُوا رِصَاةً فَأَعْطَاهُمْ
وَأَسْكَنَهُمْ فِي فِرَادِيهِ
وَأَعْلَى الْمَنَازِلِ بَرَاهِمُهُمْ
تَأَلَّوْا الْمَلَكُوتَ وَغَارُوا فِيهِ
تَطْرَبُ إِلَيْهِمْ تَمَّ طَوْلُ بَاهِمُهُمْ

(۱)

﴿ ۸۹۴ ﴾ (۳) * جاء حَبِيبُ الْحَارِثِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنِّي أَتُوبُ ثُمَّ أَعُودُ.
قَالَ [ص]: فَكُلَّمَا أَذْنَبْتَ قُتِبْتُ. قَالَ: يَكْثُرُ ذُنُوبِي. قَالَ [ص]: عَفْوُ اللَّهِ أَكْثَرُ مِنْ ذُنُوبِكَ يَا حَبِيبُ! (۳)

فی المناجاة

يَا مَنْ يَرَى مَدَّ الْبَعُوضِ جَنَاحَهَا فِي ظُلْمَةِ اللَّيْلِ الْبَيْهِمِ الْأَلِيلِ
وَيَرَى عُرُوقَ نِيَاطِهَا فِي نَحْرِهَا وَالْمُخَّ فِي تِلْكَ الْعِظَامِ النَّحْلِ
اغْفِرْ لِعَبْدٍ تَابَ مِنْ فَرَطَاتِهِ مَا كَانَ مِنْهُ فِي الزَّمَانِ الْأَوَّلِ

مرکز تحقیقات رباعیة هوسی

هر لحظه تو را در هوسی خواهم دید

هر دم میلِت سوی کسی خواهم دید

گرتو تویی این چنین بسی خواهی کرد

ورمن منم این چنین بسی خواهم دید (۴)

﴿ ۸۹۵ ﴾ (۶) * مَرْوِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُمَا وَهُوَ قَالَ: عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ

(۱) صفحه عنوان پیشین در نسخه عکسی بیاض صفحه ۱۹۲۲ است.

(۲) به نظر می‌رسد از این متن يك صفحه یا بیشتر افتادگی دارد چون بر خلاف نوشته‌های قبلی شروع با بسم الله الرحمن الرحيم و درود بر نبی مکرم اسلام (ص) را ندارد. این صفحه در نسخه عکسی بیاض صفحه ۸۹۷ است.

(۳) مشکاة الانوار ص ۱۲۰ فصل ۴.

(۴) خواهی.

(۵) این رباعی پایین صفحه بصورت مورب نوشته شده است.

(۶) این صفحه در نسخه عکسی بیاض صفحه ۹۱۲ است.

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْمَنَامِ: اَللّٰهُمَّ اَقْذِفْ فِي قَلْبِي رَجَاكَ وَاقْطَعْ رَجَائِي عَمَّنْ سِوَاكَ حَتَّى لَا اُرْجُو (١) اَحَدًا غَيْرَكَ.

قَالَ حَكِيمٌ: عَلَامَاتُ الْهَوَى نُحُولُ الْجِسْمِ وَاصْفِرَاؤُ اللَّوْنِ وَخُسُوعُ النَّظْرِ وَقِلَّةُ النَّوْمِ وَكَثْرَةُ الزَّيْتِيرِ (٢) وَاِعْلَانُ الْاَيْنِيْنِ وَاِسْكَابُ الْعِبْرَاتِ وَتَتَابُعُ الرَّفْرَاتِ.
قِيْلَ: لَمَّا مَاتَ لَيْلَى دَخَلَ الْمَجْنُونُ الْمَقْبَرَةَ وَيَسُمُّ تُرَابَ كُلِّ قَبْرِ حَتَّى وَصَلَ اِلَى قَبْرِهَا وَ قَالَ:

اَرَادُوا لِيَخْفُوا قَبْرَهَا عَنْ مُجِبِّهَا وَ طَيَّبُ تُرَابِ الْقَبْرِ دَلٌّ عَلٰى الْقَبْرِ
قَالَ الْاِمَامُ جَعْفَرُ الصَّادِقُ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: مِنْ اَخْلَاقِ الْجَاهِلِ الْاِجَابَةُ قَبْلَ اَنْ يَسْمَعَ
وَالْمُعَارَضَةُ قَبْلَ اَنْ يَفْهَمَ وَالْحُكْمُ بِمَا لَا يَعْلَمُ.

* ٨٩٦ (٣) * مِنْ الصَّحَّاحِ، عَنْ صُهَيْبٍ قَالَ: قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ اَنْ أَمْرَهُ لَهُ كُلُّهُ خَيْرٌ وَلَيْسَ ذَلِكَ لِأَحَدٍ اِلَّا لِلْمُؤْمِنِ اِنْ أَصَابَتْهُ سَرَاءٌ شَكَرَ وَ اِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَاءٌ صَبَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ (٤).

وَقَالَ [ص]: اَلْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَاَحَبُّ اِلَى اللهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيْفِ (٥).
و: فِي كُلِّ خَيْرٍ اِحْرَاضٌ عَلٰى مَا يَنْفَعُكَ وَاسْتِعْنِ بِاللّٰهِ وَ لَا تَعْجُزْ.
و: اِنْ أَصَابَكَ شَيْءٌ فَلَا تُقْلُ لَوْ اَنِّي فَعَلْتُ كَذَا كَانَ كَذَا وَ كَذَا وَلَكِنْ قُلْ: قَدَّرَ اللهُ وَ مَا شَاءَ
فَعَلَ فَاِنَّ «لَوْ» يَفْتَحُ عَمَلَ الشَّيْطَانِ (٦).

شعر

قَدْ شَهِدَ اللهُ جَلَّ ذِكْرَاهُ بِأَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

(١) ارجوا.

(٢) الزيتير.

(٣) اين صفحه در نسخه عكسي بياض صفحه ٩١١ است.

(٤) بحار الانوار ١٣٩/٨٢ ح ٢٢.

(٥) جامع الاخبار ص ١٨٣ فصل ١٤١.

(٦) صحيح مسلم ٥٦/٨، سنن ابن ماجه ٣١/١ ح ٧٩، شرح نهج البلاغة ٢٢٧/١١ بيان احوال العارفين.

مَا نَطَقَ النَّاطِقُونَ إِذْ نَطَقُوا أَحْسَنَ مِنْ لَأِلهِ إِلَّا هُوَ

دعاء کافی المهمات

* ۸۹۷ (۱) * اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي فِيهَا مَعَادِي وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ.

زبائیه

ای دل به عداوت (۲) و به کین آکنده خود را زشمار مردمی بفکنده
گزر زنده شوی هیچ نیابی مرده ور مرده شوی هیچ نیابی زنده

عشق آفت و نقصان نپذیرد هرگز وین آینه زنگار نگیرد هرگز
هر گه که دل از دوست جفایی بیند بیمار شود ولی نمیرد هرگز (۳)



تَزَوَّجَ أَعْرَابِيٌّ امْرَأَةً فَسُئِلَ (۴) عَنْهَا؟ فَقَالَ: فِيهَا خَصْلَتَانِ مِنْ خِصَالِ الْجَنَّةِ: الْبَرْدُ وَالسَّعَةُ.

مسخره [ای] را پرسیدند از صفت محبوبه او؟ گفت: مطلق به شاخی نرگس می ماند

سرش سپید * ۸۹۸ * (۵) و رویش زرد و ساقهایش سبز (۶).

فیه

آن شنیدی که مردکی می گفت پدر من وزیر خان بودست
گفتمش با توأم مضایقه نیست خود چنان گیر کان چنان بودست

(۱) این صفحه در نسخه عکسی بیاض صفحه ۹۱۱ است.

(۲) عداوة.

(۳) این رباعی بصورت مورب در وسط صفحه نوشته شده است.

(۴) فسئل.

(۵) این صفحه در نسخه عکسی بیاض صفحه ۹۰۲ است.

(۶) به تقلید از رسم الخط عربی نوشته شده است و ساقها سبز.

هیچکس دیده [ای] که گه می خورد کین به عهد قدیم نان بودست
 قَالَ مَكْحُولٌ: مَنْ نَظَّفَ ثَوْبَهُ قَلَّ هَمُّهُ وَمَنْ طَابَ رِيحُهُ زَادَ عَقْلُهُ.

فِي الْحُسْنِ

الْحَلَاوَةُ فِي الْعَيْنِ وَالْجَمَالُ فِي الْأَنْفِ وَالْمَلَاخَةُ فِي الْفَمِ وَالظَّرَافَةُ فِي اللِّسَانِ.

فِي التَّزْوِيجِ

فَرَحُ شَهْرٍ وَغَمُّ دَهْرٍ وَخَوْفُ مَهْرٍ وَدَقُّ ظَهْرٍ.
 اللَّذَاتُ خَمْسَةٌ أَقْسَامٌ: لَذَّةُ سَاعَةٍ وَلَذَّةُ يَوْمٍ وَلَذَّةُ شَهْرٍ وَلَذَّةُ سَنَةٍ وَلَذَّةُ عُمُرٍ؛ فَأَمَّا لَذَّةُ
 السَّاعَةِ فَهِيَ الْمُجَامَعَةُ، وَلَذَّةُ الْيَوْمِ مَجْلِسُ الشَّرَابِ، وَلَذَّةُ الشَّهْرِ لُبْسُ الْجَدِيدِ، وَلَذَّةُ السَّنَةِ
 الْوَلَدُ، وَلَذَّةُ الْعُمُرِ مُحَاوَرَةُ الْأَحْبَابِ.

فِي الْهَزْلِ

به شب چندان خور ای جان باده ناب

۸۹۹ (۱) * که راحت را در و دیوار بینی

نه چندان خور که ناگاهی چو آرزوی خواب

در آیی خایه خود چار بینی

رُبَاعِيَّة

گل گفت به لاله کای غم اندوخته دل خوش باش چرا نباشی افروخته دل

گفتا که تو اندرین سخن معذوری تو سوخته دامنی و من سوخته دل

فَزْد

نه خود می رود هر که جوپای اوست به عنفش کشان می برد لطف دوست (۲)

فَزْد

منزل به کنار سبزه گیر و لب جوی زان پیش که خاک در کنارت گیرد

(۱) این صفحه در نسخه عکسی بیاض صفحه ۹۰۳ است.

(۲) این بیت در وسط صفحه بصورت مورب نوشته شده است.

فَزْد

ما را می‌ناب نیست جز در دیده باری تو که در پیاله داری می‌نوش^(۱)

* ۹۰۰ (۲) *

فَزْد

گفتم هوس ساعد دستت نکنم اکنون چو به گردنم در آمد چه کنم

فَزْد

یادم چو شهادت به زبان می‌ناری حَقْمُ چو نماز هیچ می‌نگزاری

فَزْد

از سرش تا به (۳) يَكُ وَجِبْت زان دماغش همیشه می‌گندد

التَّصَوُّفُ

ذِكْرٌ مَعَ اجْتِمَاعٍ وَوَجْدٌ مَعَ اسْتِمَاعٍ وَعَمَلٌ مَعَ اتِّبَاعٍ .
مِنْ كَلَامِ النُّبُوَّةِ الْأُولَى : تَعَجَّبَ رَبُّكُمْ مِنْ شَابٍ لَيْسَ لَهُ صَبَوَةٌ^(۴) .



مَنْ فَكَّ كَفَّيْهِ وَكَفَّ فَكَّيْهِ فَهُوَ مِنْ أَنْفَعِ النَّاسِ^(۵) .

فَزْد

به پارسایی و رندی و فسق و مستوری

چو اختیار به دست تو نیست معذوری^(۵)

فَزْد

هر چند ترا ریش به خدّ می‌گیرد پیوسته تو او را به زرخ می‌آری

(۱) این بیت در پایین صفحه بصورت مورب نوشته شده است .

(۲) این صفحه در نسخه عکسی بیاض صفحه ۹۰۴ است .

(۳) لفظ قبیحه است به معنی دبر .

(۴) كشف الخفاء ۵۵/۲ ح ۱۷۰۹ با لفظ «عجب ربنا...» و همان مصدر ۳۹۱/۲ ج ۳۲۲۰ با لفظ «بمعجب ربك...» .

(۵) این بیت در وسط صفحه بصورت مورب نوشته شده است .

گفت ار بکنی هیچ تقاضا نکنم
گفتم به فدات جان کنم یا نکنم
گفتا اگر نمی رسد تا نکنم
گفتم که نیز تا کی این ناز کنی

رَبَاعِيَّة

گفتم چو تو در ستم محابا نکنی
واسباب وصال ما مهیا نکنی
من نیز غمت ز سر برون خواهم کرد
گفتا تو همیشه گویی اما نکنی^(۱)

المُطَابِقَة

أَحَقُّ الْوَرَى بِالْحُزْنِ عِنْدِي ثَلَاثَةٌ
فَتَى لَانَ حِينًا فِي الصَّبِيِّ وَأَنْقَضِي لَيْتَهُ
وَزَايِرُ مَعْشُوقٍ وَقَدْ نَامَ (۳) ۱
وَوَاجِدُ بَطْنِيخٍ وَقَدْ ضَلَّ سَكِينَتَهُ

تَرْجُمَتُهُ

دایماً در قبر وحشت دان سه کس
ای که بادا در جهان کامت روا
آمدی کورا بودی شکلی ملیح
* ۹۰۲ * ناگهان ریشش برآید از قضا
وآنک در دستش فستد آرام دل
برنخیزد مرده^(۴) خود زجا
آنک چون بطنیخ شیرین می خوردند
می نیابد کاردی آن بی نوا

حکمت

ثَلَاثٌ لَا يَذْرُكُ بِثَلَاثٍ: الْغِنَى بِالْمُنَى وَالشَّبَابُ بِالْخَضَابِ وَالصُّحَّةُ بِالْأَدْوِيَةِ.

حکمت

الْغِنَا [ء] الْأَكْبَرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ [ء]: نَفْسٍ عَالِمَةٍ تَسْتَعِينُ بِهَا فِي دِينِكَ وَبَدَنٍ صَابِرٍ تَسْتَعِينُ
بِهِ فِي طَاعَةِ رَبِّكَ وَتَتَزَوَّدُ بِهِ لِمَعَادِكَ وَلِيَوْمِ فِقْرِكَ وَقَنَاعَةٍ بِمَا رَزَقَ اللَّهُ بِالْيَأْسِ (۱) عِنْدَ النَّاسِ.

(۱) این صفحه در نسخه عکسی بیاض صفحه ۸۹۸ است.

(۲) این رباعی بصورت مورب در وسط صفحه نوشته شده است.

(۳) لفظ قبیحه است معادل ذکر به عامیانه عربی.

(۴) این صفحه در نسخه عکسی بیاض صفحه ۹۰۰ است.

(۵) لفظ قبیحه است مقلوب مترادف ذکر.

(۶) ظاهراً کلمه ای جا افتاده: بالیأس بما عند الناس.

قَالَ عَطَاءُ الْخُرَّاسَانِيُّ: الْحَوَائِجُ (۱) عِنْدَ الشَّبَّانِ أَسْهَلُ مِنْهَا عِنْدَ الشُّيُوخِ، أَلَمْ تَسْمَعْ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى عَنْ يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ﴿لَا تُثْرِبْ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ﴾ (۲) وَ عَنِ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ﴿سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ﴾ (۳).

حکایت

۳۰۳ (۴) غَضِبَ كَسْرِي عَلَى بَعْضِ خَدَمِهِ فَحَجَبَ عَنْهُ وَأَمَرَ بِأَذْرَارِ أَرْزَاقِهِ عَلَيْهِ فَقَالَ:
 إِنَّ الْمُلُوكَ يُؤَدَّبُ بِالْهَجْرَانِ لَا بِالْحِرْمَانِ.
 وَقَالَ: كُلُّ شَيْءٍ يَخْتَاجُ إِلَى الْعَقْلِ إِلَّا الدَّوْلَةَ.

شعر

شخص مردم هست کوزه جان درو آب حیات (۵)

شب سیاه و ره نشیب و کوزه اندر دست مست
 ناگهانی در سر آمد مست و کوزه اوفتاد
 این برفت و آن فتاد و آن نماند و این شکست

مرکز تحقیقات علوم اسلامی

توکت از دو لبان بوی ول آبی ز تو بیریدم چونست، از دل آبی
 موگم همسایگان سروسهی بی زاهی چون کرم خون مز دل آبی (۶)

رُبَاعِيَّة

کس نیست چو من خسته و زار افتاده وز کرده خود ز چشم یار افتاده
 عشق آمده صبر رفته درد افزوده خرچسته، رسن گسسته، بار افتاده

(۱) الحوائج.

(۲) قرآن کریم، سوره یوسف (۱۲) آیه ۹۲.

(۳) قرآن کریم، سوره یوسف (۱۲) آیه ۹۸.

(۴) این صفحه در نسخه عکسی بیاض صفحه ۸۹۹ است.

(۵) حیوة.

(۶) این شعر به لهجه خاص محلی است و وسط صفحه بصورت مورب نوشته شده است.

من كلام ذي النون المصري * ۹۰۴ * (۱)

الحُبُّ يُقْتَلُنِي وَالشُّوقُ يُحْرِقُنِي وَالخَوْفُ يُغْرِضُنِي وَالرَّبُّ يَشْفِينِي.

شعر

وَ حُبُّكَ فِي الْجَوَارِحِ مُسْتَكِينٌ وَ ذِكْرُكَ لَا يُفَارِقُهُ لِسَانِي

من كلام الزُّلَيْخَا

إِنَّ الصَّبْرَ وَالتَّقَى صَيِّرَا (۲) الْعَبِيدَ مُلُوكًا وَإِنَّ الْحِرْصَ وَالهَوَى صَيِّرَا (۳) الْمُلُوكَ عَبِيدًا.

شعر

وَالصَّبْرُ عَنكَ فَمَذْمُومٌ عَوَاقِبُهُ وَالصَّبْرُ فِي سَائِرِ الْأَشْيَاءِ مَحْمُودٌ
لَا تَظْلِمَنَّ إِذَا مَا كُنْتَ مُقْتَدِرًا فَالظُّلْمُ آخِرُهُ يَا تَيْكَ بِالنَّدَمِ
[قَدْ] (۴) نَامَ عَيْنُكَ وَالْمَظْلُومُ مُنْتَبِهٌ يَدْعُو عَلَيْكَ وَعَيْنُ اللَّهِ لَمْ تَنَمْ

قال سهل بن عبد الله التستري

* ۹۰۵ * (۵) التَّوْحِيدُ رُؤْيَةٌ كُلُّ شَيْءٍ مِنْ اللَّهِ وَالرَّجُوعُ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَى اللَّهِ، وَأَضَلُّ

التَّوْحِيدِ الطَّيْرَانُ فِي مَيْدَانِ التَّجْرِيدِ وَالْإِقَامَةُ عِنْدَ أَحْكَامِهِ بِالتَّفْرِيدِ وَ قَطْعُ الْخَوْفِ وَالرَّجَاءِ
عَنِ الْقَرِيبِ وَالْبَعِيدِ وَ تَسْلِيمِ الْأَمْرِ إِلَى اللَّهِ لِيَحْكُمَ مَا يُرِيدُ.

شعر

در راه نیاز فرد باید بودن پیوسته قرین درد باید بودن
مردی نبود که در وصال آویزی در روز فراق مرد باید بودن
مَنْ عَرَفَ اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَلَهُ فِي أَسْرَارِ عَظَمَتِهِ وَ تَحَيَّرَ فِي بَيْدَاءِ قُرْبَتِهِ، وَ مَنْ تَشَرَّبَ مِنْ
كَأْسِ مَحَبَّتِهِ غَرِقَ فِي بِحَارِ هَيْبَتِهِ وَ تَلَذَّذَ بِمُكَاشَفَاتِ رُؤْيَتِهِ.

(۱) این متن در نسخه عکسی بیاض صفحه ۹۰۵ است.

(۲) صبر.

(۳) صبر.

(۴) این کلمه در متن موجود نیست، ولی بدون آن یا کلمه‌ای شبیه به آن وزن شعر ناقص می‌ماند.

(۵) این متن در نسخه عکسی بیاض صفحه ۹۰۶ است.

شعر

تَشَاغَلَ قَوْمٌ بِدُنْيَاهُمْ (۱) * ۹۰۶ * وَقَوْمٌ تَحَلَّوْا بِمَوْلَاهُمْ
 وَالزَّمَهُمْ بِأَبْ مَرْضَاتِهِ وَعَنْ سَائِرِ (۲) الْخَلْقِ أَغْنَاهُمْ
 فَمَا يَعْرِفُونَ سِوَى حُجَّتِهِ وَطَاعَتِهِ طُولَ مَحْيَاهُمْ
 يَصِفُّونَ بِاللَّيْلِ أَقْدَامَهُمْ وَعَيْنُ الْمُهَيِّمِينَ يَرْعَاهُمْ
 فَطُوراً صَيَّاماً عَلَى جُهْدِهِمْ تَبَارَكَ مَنْ هُوَ قَوَاهُمْ
 هُمْ الْمُخْتَبُونَ بِنِيَّاتِهِمْ أَرَادُوا رِضَاهُ فَأَعْطَاهُمْ
 وَأَسْكَنَهُمْ فِي فِرَادِيْسِهِ وَعَلَى الْمَنَازِلِ بَوَّاهُمْ
 فَنَالُوا الْخُلُودَ وَفَازُوا بِهِ فَطُوبَى لَهُمْ ثُمَّ طُوبَاهُمْ

* ۹۰۷ * (۳) زان پیش که خواستی منت خواسته‌ام

عالم زیبای تو بر آراسته‌ام

در شهر مرا هزار عاشق بیش است

تو شاد ببری که من ترا خواسته‌ام

لِلشَّيْخِ الْعَارِفِ رُوزِيَهَانَ قَدَّسَ سِرُّهُ

هنگام سپیده‌دم خروس سحری دانی که چرا همی کند نوحه‌گری
 یعنی که نمودند از آینه صبح کز عمر شبی گذشت و تویی خبری

فرد

دلبر سر زلف خویش آشفته بدید پنداشت که کار ماست در پای افکند

نصیحت

بیا بگوی که پرویز از زمانه چه خورد برو ببر که کسری از زمانه چه برد

(۱) این متن در نسخه عکسی بیاض صفحه ۱۸۹۳ است.

(۲) سایر.

(۳) این متن در نسخه عکسی بیاض صفحه ۱۸۹۴ است.

گران نهاد خزاین به دیگران بگذاشت و رین گرفت ممالک به دیگران بسپرد
 ۹۰۸ (۱) اگر بخورد کسی آن قدر بخورد که خورد

وگر ببرد کسی آن قدر ببرد (۲) که برد
 نه هر که مال نبودش به عاقبت بنزیست (۳)

نه هر که مال جهان داشت عاقبت بنمرد

رباعیة

در راه خدا تصرف آغاز مکن چشم بد خود به عیب کس باز مکن
 سر دل هر کسی خدا می داند در خود نگر و فضول آغاز مکن

فی السلوک

اول قدم از ره آزمایش باشد پس دم به دم از غیب نمایش باشد
 در بستگی راه قدم پست مکن ز نهار که بعد ازین گشایش باشد

لکاتبه

جمال صورت بی کمال معنی معیوست و معنی در هر صورت که جمال نماید خوبست
 نماز بی نیاز از آرد و نیاز در نماز ترا از همه باز آرد * ۹۰۹ (۴) * هر چه ترا به دوست
 رساند عین طاعت است و هر که ترا از خود برهاند شیخ معرفت هر چیز که ترا از دوست
 باز دارد حجاب تو اوست. هر دل که مستعد جلوۀ محبوب افتاد همه عالم خلوت (۵)
 اوست، خورشید در ذره دیدن و ذره به اوج خور کشیدن کار اهل صفاست شاخ طاعت
 بی آب معرفت نبالد و گل معرفت بی رنگ شریعت بو ندهد

(۱) این متن در نسخه عکسی بیاض صفحه ۸۹۵ است.

(۲) برد.

(۳) به نزیست.

(۴) این متن در نسخه عکسی بیاض ۸۹۶ است.

(۵) خلوة.

تا نخوانی ندانی و تا ندانی نبینی^(۱) و تا نبینی نرسی و تا نرسی نیارامی. بی علم اگر ببینی شناسی و با علم اگر درآیی نبینی ای که در مقام علم الیقینی شناس تا ببینی تا چشمت، گوش و عقل مدهوش نگردد از [۱] این طبق سرپوش بر ندارند. سرسبکان بزم را در [۱] این بزم شراب ندهند و لاغر صفتان بی طاقت را بدین آتش کباب نکنند گوینده از دیدار آگاه نیست و بیننده را به گفتار راه نیست، طاعت بی جان سفره بی نان است هر که کیمیا یافت هر چند سنش بیش زرش بیشتر

این لطیفه در ﴿يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ﴾^(۲) بنگر.

* ۹۱۰ *^(۳) مِّنْ كَلَامِ الشَّيْخِ الْعَارِفِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

محمّد بن الخفیف قدّس الله سرّه

فَلَوْ كَانَ لِي رُوحٌ يَجُودُ بِعَرْشِهِ لَكَانَ مَعَ الصَّافِينَ فِي مَحْضِ الْقُدْسِ
وَلَكِنِّي لِي رُوحٌ تَشَامَخَ بِالْعُلَى وَيَعْلُو بِأَفْرَادِ عُلَى الْعَرْشِ وَالْكَرْسِيِّ
فَيَطْرُقُ أَحْيَانًا زِيَارَةَ قَلْبِنَا فَيَا لَيْتَهَا دَامَتْ عَلَيَّ ذَلِكَ الْأَنْسُ
مَرْثِيَةٌ مِّنْظُومَةٌ

عَرَضُ افْتَادِ رَأْيِ عَالِي رَا	عَرَّ نَصْرُهُ وَظَايِفِ خَدَمْتِ
بَسْبِيلِ تَسْفَرَجِ صَحْرَا	مِي نَمَائِدِ كِهْ جَمْعِي از يَارَانِ
دَرِ رِفَاقَتِ بَسْمِي مَبَالِغِهَا	سَرِ رَسِيدِ خَانِهْ آمِدِهْ اَنْدِ
مِگَرِ زَمِينِ بَارِهْ سِپِهَرِ آسَا	مِي نَمَائِنْدِ اگَرِ زِ رُويِ كَرَمِ
كِهْ بُوْدِ هَمِ عَنَانِ بَادِ صَبَا	خُوشِ رُوشِ نَكِ هِيُونِ پِيكِرِ
گَرْدِ اَلْقِصَّهْ اَمْرُهُ اَعْلَى	بِـ فَرَسْتِ مَسْخَلْدِ دَوْلَتِ
نَتَوَانِ كَرْدِ عِنْدَهُ حَقًّا ^(۴)	بِيشِ ازِينِ اَنْبِساطِ دَرِ حَضْرَتِ

(۱) نه بینی پیشوند نفی فعل اغلب موارد جدا نوشته می‌شود.

(۲) قرآن کریم سوره فرقان (۲۵) آیه ۷۰.

(۳) این متن در نسخه عکسی بیاض صفحه ۹۱۷ است.

(۴) این بیت در حاشیه سمت چپ بصورت عمودی نوشته شده است.

(۱)۹۱۱

فی اللغز

اگر دانا دلی نامی چه نامست حروفش جمله از عجم و نقط دور
 چهارش حرف هست و هر یکی زان نه مرفوع و نه منصوب و نه مجرور
 دقیقت این معانی امتحان را اگر معلوم شد نُورٌ عَلٰی نُور^(۳)

فی الہجاء [ء]

نزدح که گفتمت دل افروخته [ای] نر هجو که کردم جگر سوخته [ای]
 نہ شاد بدانی نہ بدینی غمگین ای قحبه زن آخر زنمد دوخته [ای]

تا چند من خمیر بسرشته خورم وین آرد بخون دل در آغشته خورم
 یکبار چو بایزن کبابم ندهی من آتش شمعم که همه رشته خورم

أيضاً فی الہجاء [ء]

* ۹۱۲^(۳) بر موجبه کلی و کبرات ریم

بر سالبه جزوی و صغرات ریم
 بر شکل و محاسن^(۴) و وضع و حملت شاشم
 بر عکس نقیض و بر قضایات ریم

فی اللغز

از طریق گشاد خواهم گفت لغزی برگشا اگر مردی

(۱) این متن در نسخه عکسی بیاض صفحه ۹۰۸ است .

(۲) يك بیت حاشیه بالای صفحه آمده که کاملاً خوانا نیست و تکرار این بیت در حاشیه بالای صفحه ۹۱۳ مصحح نیز آمده است . معادل ۹۱۰ نسخه عکسی بیاض :

یساریش کنی به پای دست چو شانه شود در طلب سراسر پای

(۳) این متن در نسخه عکسی بیاض صفحه ۹۰۹ است .

(۴) این کلمه بظاهر محاسن خوانده می شود .

سرش از تن جداکن و نیمی در پیش نه که نام او بردی

فی الْمُطَيَّب

آنها که به زخم تیغ خون می‌ریزند از سیف (۱) تو چون می‌بیزند

تو رفته به روستا و خلقی به مراد بیمار همی شوند و بر می‌خیزند

فی الْمُطَايَبَة

از زرار من ترا به چنگ آرم نشنوی نام حقّه و صندوق

می‌فرستم ترا چو شاگردان در پی مطرب و می و معشوق



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

(۱) يك كلمه خوانده نمی‌شود.

✽ ۹۱۳ (۱) ✽ [این سه صفحه به این ترتیب که ابتدا ص ۹۱۵ بعد ص ۹۱۳ و پس از آن ۹۱۴ قرار می‌گیرد قبل از ص ۶۴۰ نسخه عکسی بیاض می‌آیند زیرا از ص ۶۴۰ تا ۶۴۳ نسخه عکسی بیاض دستخط عبدالله بلیانی است و سه صفحه مذکور نیز به خط عبدالله بلیانی می‌باشد].



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

(۱) این سه صفحه به این ترتیب که ابتدا ص ۹۱۵ بعد ص ۹۱۳ و پس از آن ۹۱۴ قرار می‌گیرد قبل از ص ۶۴۰ نسخه عکسی بیاض می‌آیند زیرا از ص ۶۴۰ تا ۶۴۳ نسخه عکسی بیاض دستخط عبدالله بلیانی است و سه صفحه مذکور نیز اینچنین است

* ۹۱۴ * [این سه صفحه به این ترتیب که ابتدا ص ۹۱۵ بعد ص ۹۱۳ و پس از آن ۹۱۴ قرار می‌گیرد قبل از ص ۶۴۰ نسخه عکسی بیاض می‌آیند زیرا از ص ۶۴۰ تا ۶۴۳ نسخه عکسی بیاض دستخط عبدالله بلیانی است و سه صفحه مذکور نیز به خط عبدالله بلیانی می‌باشد].



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

* ۹۱۵ * [این سه صفحه به این ترتیب که ابتدا ص ۹۱۵ بعد ص ۹۱۳ و پس از آن ۹۱۴ قرار می‌گیرد قبل از ص ۶۴۰ می‌آیند زیرا از ص ۶۴۰ تا ۶۴۳ نسخه عکسی بیاض دستخط عبدالله بلیانی است و سه صفحه مذکور نیز به خط عبدالله بلیانی می‌باشد].



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

[مَا كَتَبَهُ صَاحِبُ الْعِلْمِ وَالْقَلَمِ]

[الْمُتَخَلِّصُ بِمَحْمُودِ]



نادیده آمد رویت گشته ایم جان خورشید و صلیب ایم
کرم میکنی بر افلاک و عرف کذب بر سر کوه و خطه ایم
بالهیزه ز سینه آمدن ما جانان من است ز تو بارگاه ایم
گستره خیال و طایفه کس از بیم جیب ما نام گند ایم
گشته جانان استکبارت بر سر کوه و خطه ایم
ای شومار ملک کرم هم لسانم را مگر کوه حیات ایم
سکه صد گشت از کرم زلفم آینه زلفم بر قزاق ایم
طراوت زار سبزه بر من گدازد ز ما جود ز سوزانم ایم

وَلَدًا يَضِيكَا

کدام موی صفاست خضایب و کلام برین احمد از دست انیب
کز کلفت و زلف ز راه کرم صدمه چشمه زار کوه خضایب
مهر و بیخ و زلف و جودش ز کلفت لایحه نثار زلف خضایب
زلف کرم زلفش در کتب جوهره از زلف جویب خضایب
مسند بر کرم زلف کرم کرم زلف کرم زلف کرم زلف کرم

[له]

۹۱۶^(۱) تا دیده امید به رویت گشاده‌ایم

جان عزیز در ره وصلت نهاده‌ایم

گر رحمی می‌کنی بر افتادگان عشق

از برقعت بپرس که چون برفتاده‌ایم

تا باد بوی زلف تو آورد سوی ما

جانرا به بوی زلف تو بر باد داده‌ایم

گفتیم با خیال توکای سروراستی

از چشم چشمه‌ها [ی] دمادم گشاده‌ایم

گفت آریه جای اشک روانت رود بچه ببالک سوی

ماهچو سرو بر لب جوی ایستاده‌ایم

ای شهسوار ملک کرم چشم اهتمام

برما فکن که در ره عشقت پیاده‌ایم

اشکم دوید و گفت چه اندازیم ز چشم

آخر نه ما از مردم چشم تو زاده‌ایم

دل گفت راز سینه من فاش کرده [ای]

زین رو ترا چو راز به صحرا نهاده‌ایم

(۱) نام کاتب صفحات ۹۱۶ الی ۹۲۱ نسخه عکسی بیاض مشخص نیست فقط این اندازه مفهوم است که تخلص محمود دارد. احتمال دارد شاعر ابیات صفحات ذکر شده با نویسنده صفحات ۶۲۱ تا ۶۳۸ نسخه عکسی یکی باشد زیرا هم در نام (محمود) یکی هستند و رسم الخط این دو موضع نیز در بسیاری موارد به هم شبیه است والله أعلم

وَلَهُ أَيْضاً

آنکه^(۱) جان و دل اصحاب ربودست اینست

وآنکه غم برتن احباب فزودست اینست

آن جگر گوشه که از غمزه او در جگرم

دم بدم چشمه خوناب گشودست اینست

صبح رویی که فروغ مه خورشید و شش

رنگ شب از رخ مهتاب زدودست اینست

نوش لعلی که خیالش به سرآب حیات^(۲)

ره به این دیده جویاب نمودست اینست

هندویی کز ستمش کعبه دل گشت خراب

مست در گوشه محراب غنودست اینست

۹۱۷* چون زیان داردت ای جان، دل عشاق به جز

کساندترین عالم اسباب چه سودست اینست

بنده خاص که غیر از در لطف همه عمر

گوش او حلقه هر باب نبودست اینست

أَيْضاً لَهُ

آمد زمان آنکه تو این توبه نصوح

باطل کنی به دورگل و باده صبح

مصباح راح نور دهد در زجاج دل

كَالْبَرْقِ فِي الظُّلَامِ إِذَا هَبَّ يَلُوحُ

(۱) آنک.

(۲) حبه.

از آستان می‌کده می‌خواه فتح باب
 وز آستین پیر خرابات جوفتوح
 گر می‌رود سرت ز صراحی مدار دست
 خونس بریز تا بکف آری غذا [ی] روح
 کشتی عقل و هوش به دریای می‌فکن
 کایمن شوی زانده طوفان دور نوح
 در دور باده دعوی عصمت نکرد گل
 چون دید حکم مدعی خویش در وضوح
 محمود عاقبت شود از اعتقاد پاک

فایز به فیض مرحمت توبه نصوص



تا صبا زلف پریشان تو بر هم می‌زند آتش سودا به جان هر که (۲) عالم می‌زند
 ریزش خون می‌کند مژگان آتش سیل من چون به یاد لعل جان‌افزای تو دم می‌زند
 ۹۱۸ (۳)

تا نیازارد ز رخسار خورشید فلک
 برگل رویت نسیم صبح شب‌نم می‌زند
 نیست از بیگانگی از آشنایی دان‌که دوست
 دم بدم تیر نظر بر جان محرم می‌زند

(۱) در بعضی از مواردی که وله أيضاً یا أيضاً دیده می‌شود از جمله در صفحات ۹۱۶ الی ۹۲۱ نسخه عکسی در اصل بیاض با جوهر قرمز و توسط کاتبی دیگر که ورق معرفی را می‌نوشته فید گردیده است لذا نباید این توهم پیش آید که کاتب با شاعر دو تا هستند و یکی از دلایلی که احتمال داده‌ام صفحات ۹۱۶ تا ۹۲۱ مربوط به صفحات ۶۲۱ تا ۶۳۸ باشد همین دلیل است

(۲) کی.

(۳) این متن در نسخه عکسی بیاض صفحه ۹۱۹ است.

سرفرازی صراحی ہمدمی جام می است
 می برد دست آنکہ در دامان ہمدم می زند
 دل چو یکدم صورت وصلت تعقل می کند
 روزگاری پای شادی بر سر غم می زند
 عاقبت محمودا سر در سر کارت کند
 دولتی یابد کہ پابر ملکیت جم می زند

مَقَطَّعات

ای حضرت^(۱) تو غایت مقصود روزگار وای طلعت تو اختر مسعود روزگار
 تا سر بر آستان جلالت نهاد بخت فرخنده جهان شد و محمود روزگار
 آن را کہ پای بوسی جناب تو داد دست شد سرفراز عالم و محسود روزگار
 و آن کس کہ یافت ردّ و قبول تو جاودان مقبول عالم آمد و مردود روزگار
 در چشم همت تو چه قدر آورد جهان با جمله خزاین موجود روزگار
 معهود عادت تو کہ لطفست و مکرمت منسوخ کرده عادت معهود روزگار
 تا تو عزیز مصر دلی ما نمی کنیم اندیشه دراهم معدود روزگار
 دور سپهر عمر گذشته زیان نکرد چون ذات پاک تست ورا سود روزگار
 * ۹۱۹^(۲) در جمع باد باقی عمر تو آنقدر کز خرج آن ملول شود جود روزگار^(۳)

وَلَهُ أَيْضاً

منعما تا به حشر مامن بخت آسمان علیہ خواهد بود
 مهر رای تو در معالک غیب کاشف هر خفیه خواهد بود
 اقتدا بر مآثرت تا حشر سنتی بس سنّیہ خواهد بود

(۱) حضرت.

(۲) این متن در نسخه عکسی بیاض صفحہ ۹۱۸ است.

(۳) این شعر قطعہ نیست.

بحر و کان چیست نزد همت تو دو جهان يك عطیه خواهد بود
تا جهان هست عدل شامل تو دافع هر بلیه خواهد بود
عفو عامت به يك نظر بخشد هر کرا صد خطیئه خواهد بود
تا که از حادثات دور فلک کی دوام این قضیه خواهد بود
خسته‌ام در عنایتی میکن پرسش‌م از مسنیه خواهد بود
شازی کز دعاء عالم غیب بهر تو بس هدیه خواهد بود

فی الإلتِماس

چندان بقابت باد که کز خرمی جهان بر جویبار بردمد این چرخ صنوبری
از خرمن سعادت^(۱) و از کشته زار عمر چون خوشه تا ابد بسر آیی و بر خوری

۹۲۰ * (۲)

وَلَهُ

ای عزیزی که پای مردی تو در همه حال دستگیر رهیست
صبح با خاطر تو دم نزند و در زند همچو شب زدل سیه‌یست
هر که هر بامداد با تو نشست تا قیامت نشان روز بهیست
چون گیاه در پناهت آمده‌ام که مرا سایه تو سرو سهیست
زود بفرست آنچه کرباس که مرادست تنگ و کیسه تهیست

أَيْضاً لَهُ

ای عزیزی و نیکخواهی تو هست بر ذمت دعاگو فرض
عرصه همت تو مستغنیست چون بسیط فلک ز طول و ز عرض
همه از جام شادیت مستند اهل فوق السماء و تحت الأرض
می‌رود التماس از لطفت دو قرابه شراب لیک به قرض

وَلَهُ أَيْضاً

(۱) سعادت.

(۲) این متن در نسخه عکسی بیاض صفحه ۱۹۲۱ است.

۹۲۱ (۱)

ای جوانبختی که از بخت جوان تا چرخ پیر
 از کمال و فضل تو علم و ادب آموختند
 خوان احسانت چنان شایع شدست اندرجهان
 کأهل دنی زاد عقبی هم از آن اندوختند
 رای شرع آرای تو نورست کأهل آسمان
 شمع جمع انجم و افلاک از آن افروختند
 زینت گیتی در آن دم شد که خیاطان دهر
 جامه [ی] انصاف بر بالا [ی] جاهت دوختند
 کاروان خلق تو بگذشت سوی مرغزار
 تا قیامت مشک آهوی ختن اندوختند
 تا ز چشم بد مصون ماند ترا ذات شریف
 خستوانند الحمد و از بهرت سپندی سوختند

فی الجواب

ای خردمندی که بهر چشم زخم ذات تو
 نه سپهر از جرم و ماه و خورسپندی سوختند
 قطعه نظم لطیف دیده چون دید و دلم
 زان کلام عذب اسرار بیان آموختند
 گر چنین خوروست افروزنده در ملک نظام
 کز فروغ رویشان مصباح عقل افروختند
 دخترانی کز سواد جعد عنبر بیزشان
 حوریان از بهر زینت غالیه اندوختند

چون نقاب از رویشان برداشتم گفتم زحسن
کسوت خوبی یکی بر قد ایشان دوختند
آفرین بادا بر انفاس تو کآرباب هنر
جان و دل بر بندگی طبع تو بفروختند

□□□

هَذَا آخِرُ مَنْشَأَتِهِ بِحَطِّهِ الشَّرِيفِ (۱).



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

* ۹۲۲ *^(۱) [صفحه ۹۲۲ که برگ معرفی کاتبی به نام محمد الصوفی است مربوط است به صفحات ۸۹۳ تا ۹۱۲ که آن را در جای خود قرار داده‌ام]



(۱) صفحه ۹۲۲ که برگ معرفی کاتبی به نام محمد الصوفی است مربوط می‌باشد به صفحات ۸۹۳ تا ۹۱۲ که آن را در جای خود قرار داده‌ام.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

[مَا كَتَبَهُ وَسَطَرَهُ]
[أَحَدَ الْمُتَأَخِّرِينَ]

من يدين به فان من الكلب من اصابع من ارضه من قول الدرود جود انهم يسمون
 ردين جعدا لا صدها حشيان في اعقاب جعدا بما ينزل الاية قال ما سجل
 رجونا بنسج النبي وخلق ابيهم نوبلا صدم الاطرسع للاخر فليكن نورث
 كل واحد منهما ثمانين الف دينار ما ما لا يفسد من صنع ماله الدنيا حق ما
 من اكثر من اربعمائة الف دينار ما لا يفسد من صنع ماله الدنيا حق ما
 واكثر ما يظلمه فرسند في ربيع فليس لها ان يخلق في الاصل وسائر اقدار
 واكثر في بوزنها واشترج فنتا من ماء قال واحد منهما يقول كلما شرب الخمر
 ما زنه حسنة اللهم اني افرح بربها من ربي من ربي من ربي من ربي من ربي
 افرح بربك اليوم ما زنه الاخرة قال من له نيا يصيح ونسبها ما بهم يوفى
 ما جهاد ما منكم شوق اليه في ثم ينظر قدر ما شرب الخمر من الخمر فيسعد
 بها على ما كوني قال في كلاما انما خمره قال اللهم ان اخرا من الدنيا في شرب
 فيه ان كل ما شرب من الخمر من ربي من ربي من ربي من ربي من ربي من ربي
 لا يجر ولا يجوز صاحبها بهم ثم ينظر قدر ما شرب الخمر من الخمر فيسعد
 بهما المسكين فلم ينزل بها ما جنت في ماله وكرهها له في ربي من ربي من ربي
 فقال له انه ذر شرب ما باله لو ايقنت عشرا سئنته شبع يوم واحد من الخمر
 فانما قد ضعفنا وجعلنا قلوبنا في اخذ كسب من مفرقنا في ماله في ماله في ماله
 من القبر حتى لا ناهوا فاذا وجدوا بيتا من بيتا من بيتا من بيتا من بيتا من بيتا
 من وجهه الذي ينظر البسطرس ولم يعرفه لغيره لانه قد نزل جسمه واصغره
 وغيرة له شعرت من ربي من ربي من ربي من ربي من ربي من ربي من ربي
 اخرج من عند ذلك من قرة فلما فرغ الناس اقبلت يديها في ماله في ماله في ماله
 فقام بين يديه فحار نظرس من اناس فحار اناس فحار اناس فحار اناس فحار اناس
 انما وخرجه من صلبه ما قال في ربي من ربي من ربي من ربي من ربي من ربي
 ينظر على ما ليوم واحد لو كان مناصبهم اجمع قال في ربي من ربي من ربي من ربي
 ورتنه معون القدر من ربي من ربي من ربي من ربي من ربي من ربي من ربي

* ۹۲۳ * (۲) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الْكَلْبِيِّ عَنْ أَبِي صَالِحٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَجُلَيْنِ لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَخَفَّفْنَاهُمَا بِتِنَجْلٍ» (۳) الْآيَةَ قَالَ: مَاتَ رَجُلٌ (۴) فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ وَخَلَّفَ ابْنَيْنِ يُقَالُ لِأَحَدِهِمَا فُطْرُسُ وَ لِلْآخَرِ تَمْلِيخَا، فَوَرَّثَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا ثَمَانِينَ أَلْفَ دِينَارٍ فَأَمَّا فُطْرُسُ فَوَضَعَ مَالَهُ فِي الدُّنْيَا حَتَّى صَارَ مِنْ أَكْثَرِ بَنِي إِسْرَائِيلَ مَالًا وَأَعَزَّ نَفْرًا وَإِبْلًا وَغَنَمًا وَأَكْثَرِهِمْ رَفِيقًا وَضِياعًا وَاتَّخَذَ حَايِطًا لَهُ فَرَسَخًا فِي فَرَسَخٍ فَعَرَسَ فِيهَا النَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَسَائِرَ الثَّمَارِ وَاتَّخَذَ فِيهَا زُرْعًا وَاسْتَخْرَجَ قَنَاءَ مِنْ مَاءٍ.

قَالَ: وَاتَّخَذَ تَمْلِيخَا يَقُولُ كُلَّمَا اشْتَرَى أَخُوهُ جَارِيَةً حَسَنَاءَ: اللَّهُمَّ إِنَّ أَخِي اشْتَرَى جَارِيَةً حَسَنَاءَ يَتَمَتَّعُ بِهَا وَهِيَ تَمْرُضُ وَتَمُوتُ وَأَنَا اشْتَرَى مِنْكَ الْيَوْمَ جَارِيَةً فِي الْآخِرَةِ فَإِنَّ حُسْنَ الدُّنْيَا يُفْبِحُ وَشَبَابُهَا يُهْرَمُ وَتَمُوتُ صَاحِبَتُهَا وَمَا عِنْدَكَ يَبْقَى وَلَا يَفْنَى ثُمَّ يَنْظُرُ قَدْرَ مَا اشْتَرَى بِهِ أَخُوهُ الْجَارِيَةَ فَيَتَصَدَّقُ بِهَا عَلَى الْمَسَاكِينِ قَالَ وَكُلَّمَا اتَّخَذَ أَخُوهُ شَيْئًا (۵).

قَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّ أَخِي اتَّخَذَ مَثَلًا حَائِطًا (۶) يَتَنَزَّهُ فِيهِ وَ أَنَّ الْحَائِطَ سَيَخْرِبُ عَنْ قَرِيبٍ وَتَمُوتُ صَاحِبَتُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُ الْيَوْمَ حَائِطًا (۷) لَا يَخْرِبُ وَلَا يَمُوتُ صَاحِبَتُهُ وَلَا يَهْرَمُ ثُمَّ

(۱) صفحات ۹۲۳ و ۹۲۴ و ۹۲۵ از نسخه عکسی بیاض بدون نام کاتب است و الحاقی است زیرا متن به خط کاتب صفحات ۸۴۰ و ۸۴۱ و ۸۴۲ و ۸۴۳ است و صفحات ذکر شده نیز نام کاتب ندارد و الحاقی بودن صفحات ۸۴۰ تا ۸۴۳ به جهت ارجاع به کشکول شیخ بهایی است.

(۲) این متن در نسخه عکسی بیاض صفحه ۹۲۵ است.

(۳) قرآن کریم قسمتی از آیه ۳۲ سوره کهف ۱۸.

(۴) در این موضع يك رجل اضافی نوشته شده و حذف می گردد.

(۵) شبا.

(۶) حایط.

(۷) بعلت جوهر ریختگی در حاشیه نوشته شده حایط بدل.

يَنْظُرُ قَدْرَ مَا أَنْفَقَ أَخُوهُ فِي ذَلِكَ الْحَائِطِ فَيَتَّصِدُّقَ بِهِ عَلَى الْمَسَاكِينِ فَلَمْ يَزَلْ هَذَا دَائِبُهُ حَتَّى يَفْنَى مَالُهُ وَكَثُرَ عِيَالُهُ وَكَبُرَ سِنُهُ وَسَاءَتْ حَالُهُ فَقَالَ لَهُ وَلَدُهُ ذَاتَ يَوْمٍ: يَا أَبَاهُ الْوَأْتَيْتَ عَمَّنَا وَ سَأَلْتَهُ شَبَعَ يَوْمٍ وَاحِدٍ مِنَ الطَّعَامِ فَأَنَا قَدْ ضَعُفْنَا وَجُعْنَا فَقَالَ: نَعَمْ وَأَخَذَ كَيْسًا وَمَضَى يَتَوَكَّأُ عَلَى عَصَائِهِ كَأَنَّهُ خَرَجَ مِنَ الْقَبْرِ حَتَّى أَتَى أَخَاهُ فَبَاذًا وَجُوهُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى بَابِهِ يَسْأَلُونَهُ الْجَوَائِحَ فَلَمْ يَصِلْ إِلَيْهِ.

فَقَعَدَ مُتَوَجِّهًا إِلَيْهِ وَيَنْظُرُ إِلَيْهِ فُطْرُسُ وَلَمْ يَعْرِفْهُ لِتَغْيِيرِ حَالِهِ وَقَدْ نَحَلَ جِسْمُهُ وَأَصْفَرَ وَجْهُهُ وَتَغْيِيرَ لَوْنِهِ وَسَعَتْ رَأْسُهُ مِنْ كَثْرَةِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ وَطُولِ قِيَامِ اللَّيْلِ كَأَنَّمَا أَخْرَجَ سَاعَتَهُ ذَلِكَ مِنْ قَبْرِهِ فَلَمَّا تَفَرَّقَ النَّاسُ أَقْبَلَ تَمْلِيحًا يَتَوَكَّأُ عَلَى عَصَائِهِ.

فَقَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ فَقَالَ فُطْرُسُ: مَنْ أَنْتَ؟ قَالَ: أَنَا أَخُوكَ الَّذِي كُنْتُ مَعَكَ فِي رَحِمِ أُمِّنَا وَ خَرَجْنَا مِنْ صُلْبِ أَبِيْنَا قَالَ فُطْرُسُ: فَمَا الَّذِي جَاءَ بِكَ قَالَ: جِئْتُ أَشْيَاءَ مِنْكَ طَعَامًا لِيَوْمٍ وَاحِدٍ لِعِيَالِي فَإِنَّهُ أَصَابَهُمُ الْجُوعُ قَالَ فُطْرُسُ: فَأَيْنَ الْمَلِكُ الَّذِي وَرِثْتَهُ مَعِيَ؟ قَالَ: قَدِمْتُهُ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ فُطْرُسُ: وَأَيُّ يَوْمٍ ذَلِكَ؟ قَالَ: يَوْمٌ يَشِيبُ فِيهِ * ۹۲۴ * (۱) الصَّغِيرُ وَ تَذْهَلُ الْأُمّهَاتُ أَوْلَادَهَا وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتٍ حَمْلًا حَمْلَهَا وَ تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ يَوْمَ يَخْرُجُ (۲) النَّاسُ مِنْ قُبُورِهِمْ حِفَاءً عِرَاءً.

فَقَالَ لَهُ فُطْرُسُ: هَلَكْتَ وَ أَهْلَكْتَ عِيَالُكَ، وَاللَّهِ! لَيْسَ بَعْدَ الْمَوْتِ مِنْ بَعَثٍ. ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِهِ وَأَدْخَلَهُ حَائِطَهُ وَقَالَ: أَنْظُرْ إِلَى مَا اتَّخَذْتَ بَعْدَكَ. أَنْتَ تَزْعَمُ أَنَّ بَعْدَ الْمَوْتِ بَعَثٌ وَ نُشُورٌ؟ فَقَالَ لَهُ تَمْلِيحًا: أَكْفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا فِي بَطْنِ أُمَّكَ ثُمَّ اسْتَخْرَجَكَ مِنْهَا فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ وَ رَزَقَكَ مِنَ الْعَالِ مَا اتَّخَذْتَ مَا أَرَى، فَهَذَا أَجْرَاؤُهُ مِنْكَ أَمَنْتُ بِرَبِّي وَ أَنَا الْيَوْمَ أَقَلُّ مِنْكَ مَالًا وَ وُلْدًا، فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ بُسْتَانًا فِي الْجَنَّةِ لَا يَبْسُ (۳) شَجَرُهَا وَ لَا يَفْنَى ثَمَارُهَا وَ لَا يَمُوتُ صَاحِبُهَا.

(۱) ابن مثن در نسخه عكسی بیاض صفحه ۹۲۴ است.

(۲) تخرج.

(۳) در اصل: بیس.

ثُمَّ أَخَذَ كَيْسَهُ وَوَلَّى عَنْهُ ذَاهِباً فَنَادَاهُ فُطْرُسُ فَقَالَ: جِئْ إِلَيَّ، فَخُذْ لِعِيَالِكَ طَعَاماً. فَقَالَ تَمْلِيخَا: حَرَامٌ عَلَيَّ بَطُونِ الْمُؤْمِنِينَ طَعَامَ الْكَافِرِينَ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ رَبِّي لَقَادِرٌ عَلَيَّ أَنْ أَرْسَلَ عَلَيَّ حَائِطَكَ حُسْبَاناً مِنَ السَّمَاءِ يَعْنِي بَرْداً فَتَيْسُ (۱) أَشْجَارُهَا وَيَغُورُ مَاؤُهَا وَيَذُرُّهَا قَاعاً صَفْصَفاً لَا تَرَى فِيهَا عِوَجاً وَلا أَمْتاً - يَعْنِي لَا تَرَى فِيهَا مَاءً وَلا زُرْعاً - ثُمَّ وَلَّى عَنْهُ وَآتَى مَنْزِلَهُ فَاسْتَحْيَى أَنْ يَدْخُلَ بِالنَّهَارِ فَأَقَامَ حَتَّى إِذَا جَنَّهُ اللَّيْلُ ثُمَّ مَلَأَ كَيْسَهُ مِنَ الرَّمْلِ وَشَدَّ رَأْسَهُ ثُمَّ أَقْبَلَ فَدَخَلَ عَلَيَّ عِيَالِهِ فَقَالُوا لِأُمِّهِمْ: قَوْمِي وَأَطْعِمِينَا مِمَّا جَاءَ بِهِ أَبُوْنَا مِنْ عِنْدِ عَمَّنَا. فَقَامَتْ وَفَتَحَتْ رَأْسَ الْكَيْسِ فَإِذَا فِيهِ سُويُقٌ مَخْلُوطٌ بِالسَّمْنِ وَالْعَسَلِ وَالسُّكَّرِ وَأَكْثَرُهُ سُكَّرٌ فَجَعَلُوا يَأْكُلُونَ وَيَضْحَكُونَ. ثُمَّ دَخَلَ تَمْلِيخَا عَلَيْهِمْ فَقَالَ: مَا الَّذِي تَأْكُلُونَ؟ فَقَالُوا: مَا جِئْتَ بِهِ مِنْ عِنْدِ عَمَّنَا. قَالَ: وَمَا هُوَ؟ قَالُوا: سُويُقٌ قَدُ لُثِّ بِالسُّكَّرِ وَالسَّمْنِ وَالْعَسَلِ. قَالَ: نَأْوِلُونِي مِنْهُ.

فَوَضَعُوا عَلَيَّ يَدِي مِنْهُ فَقَالَ: اللَّهُمَّ أَنْتَ الَّذِي جَعَلْتَ الرَّمْلَ سُويُقاً وَسُكَّراً وَأَنْتَ الْفَعَّالُ لِمَا تُرِيدُ، ثُمَّ شَهَقَ شَهَقَةً فَفَارَقَتْ رُوحَهُ جَسَدَهُ (۲) وَصَارَ إِلَى الْجَنَّةِ. وَمَكَثَ فُطْرُسُ أَيَّاماً فَبَعَثَ اللَّهُ بَرْداً فَوَقَعَتْ عَلَيَّ حَائِطُهُ فَلَمْ تَذَرْ فِيهِ شَجَرَةً إِلَّا * ۹۲۵ * (۳) كَسَّرَتْهَا وَذَهَبَتْ بِالْعَيْنِ وَالْأَشْجَارِ وَالزَّرْعِ وَالْحَائِطِ، فَبَقِيَ الْحَائِطُ كَأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ فِيهِ زَرْعٌ قَطُّ، فَأَقْبَلَ فُطْرُسُ إِلَى حَائِطِهِ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِ وَرَأَاهُ كَذَلِكَ جَعَلَ يَضْرِبُ يَدَهُ الْيُمْنَى عَلَيَّ يَدِهِ الْيُسْرَى تَلَهُفاً عَلَيَّ مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿فَأَصْبَحَ يَقْلُبُ كَفَّيْهِ مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَيَّ عُرُوشِهَا﴾ (۴) (الآية) ثُمَّ شَهَقَ شَهَقَةً فَفَارَقَ رُوحَهُ جَسَدَهُ، فَصَارَ إِلَى النَّارِ. هَذَا مُفَادُ قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَاضْرِبْ لَهُم مَثَلاً رَجُلَيْنِ﴾ (۵) (الآية).

(۱) در اصل: بییس.

(۲) جسد‌ها.

(۳) ابن‌متن در نسخه عکسی بیاض صفحه ۹۲۳ است.

(۴) قرآن کریم، سوره کهف (۱۸) آیه ۴۲.

(۵) قرآن کریم، سوره کهف (۱۸) آیه ۳۲.

۹۲۶*^(۱) [شانزدهم رمضان المبارک ۱۳۲۶].



(۱) صفحه ۹۲۶ متن بیاض تاج احمد وزیر سفید است و فقط يك تاريخ را در خود جای داده است که الحاقی است، و به جهت تأخر آن اهمیت تاریخی ندارد. [شانزدهم رمضان المبارک ۱۳۲۶].

۹۲۷^(۱) [به تاریخ نهم اسفند ۱۳۱۲ این جنگ ورق شمار شد ۴۷۶ ورق است توضیحاً آنکه يك ورق در ردیف ۲۶۵ بی‌نمره مانده و نیز بعد از ۴۱۳ يك نمره از قلم افتاده و بعد ۴۱۵ نوشته شده است فرمان آراء، محمدعلی مکرم متصدی کتابخانه بلدیه (اصفهان)].



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علوم اسلامی

(۱) صفحه ۹۲۷ نسخه عکسی بیاض نیز سفید است که قسمت بالای صفحه این عبارت نوشته شده است: به تاریخ نهم اسفند ۱۳۱۲ این جنگ ورق شمار شد ۴۷۶ ورق است توضیحاً آنکه يك ورق در ردیف ۲۶۵ بی‌نمره مانده و نیز بعد از ۴۱۳ يك نمره از قلم افتاده و بعد ۴۱۵ نوشته شده است فرمان آراء، محمدعلی مکرم متصدی کتابخانه بلدیه (اصفهان).



فهرستها



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فهرستها

- فهرست آیات ۴۲۱
- فهرست روایات ۴۳۳
- فهرست نام اشخاص ۴۵۵
- فهرست جایها ۴۶۷
- فهرست کتب ۴۶۹
- فهرست اشعار عربی ۴۷۱
- فهرست سروده‌های فارسی ۴۹۷
- فهرست مطالب ۵۲۷



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فهرست آیات

صفحه	سوره	آیه
۱۱۱/۱	نحل: ۱	﴿أَتَىٰ أَمْرَ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾
۳۶۱/۲	نحل: ۱۲۵	﴿أَدْخُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾
۵۵۶/۱	ق: ۱۷	﴿إِذْ يَتَلَفَىٰ الثَّمَلَقَيْنِ﴾
۴۳۷/۱	فجر: ۲۸	﴿إِزْجِي إِلَىٰ رَبِّكَ﴾
۴۷۹/۱	لقمان: ۲۰	﴿أَسْبِغْ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾
۲۷۰/۲	طه: ۵۰	﴿أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ مَّخْلَقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ﴾
۳۴۳/۲	اسرى: ۱۴	﴿إِقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا﴾
۲۶۸/۲	علق: ۴	﴿إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾
۴۸۴/۱	زمر: ۳	﴿أَلَا إِنَّ لِلَّهِ الَّذِينَ الْخَالِصِ﴾
۱۵۷/۲	اعراف: ۵۴	﴿أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾
۴۳۹/۱	یوسف: ۵۳	﴿إِلَّا مَا رَجِمَ رَبِّي﴾
۷۲/۱	آل عمران: ۱۹۱	﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا...﴾
۳۳/۲	انعام: ۱۲۴	﴿اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ﴾
۷۷/۲	آل عمران: ۱۳۴	﴿اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾
۱۵۷/۲	نور: ۴۳	﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ...﴾
۱۰۱/۱	حديد: ۱۶	﴿أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ...﴾
۳۳۶/۱	تكاثر: ۱	﴿الْهَيْكُمُ التَّكَاثُرِ﴾
۲۷۰/۲	ص: ۲۶	﴿إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً﴾
۸۱/۱	احزاب: ۷۲	﴿إِنَّا عَزَّمْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ﴾
۱۳۲/۲، ۱۱۱/۱	انفطار: ۱۴، ۱۳	﴿إِنَّ الْأَمْثَارَ لَفِي نَعِيمٍ وَإِنَّ الْعُجَارَ لَفِي جَجِيمٍ﴾
۴۵۷/۱	اعراف: ۱۲۸	﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مِنْ يَشَاءُ...﴾
۳۳۶/۱	علق: ۶	﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ﴾
۲۸۰/۲	كهف: ۱۰۸	﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...﴾

صفحة	سوره	آيه
١٧٥/١	آل عمران: ٣٣	﴿ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ ﴾
٢٣١/١	لقمان: ١٨	﴿ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴾
٢٣١/١	نحل: ٢٣	﴿ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُشْتَكِبِينَ ﴾
٢٣١/١	نساء: ١٠٧	﴿ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَانًا أَثِيمًا ﴾
١٠/٢	رعد: ١٣	﴿ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ﴾
٤٨١/١	بقره: ١٥٣	﴿ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴾
١٧٥/١	احزاب: ٤٣	﴿ إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ ... ﴾
١١٠/٢، ٢٥٢، ١٣٥/١	نحل: ٩٠	﴿ إِنَّ اللَّهَ بِأَمْرٍ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ ... ﴾
٢٣١/١	بقره: ٢٢٢	﴿ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ ﴾
٢٣١/١	صف: ٤	﴿ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ ضَعْفًا ... ﴾
٢٣١/١	بقره: ١٩٥	﴿ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴾
٣٧٤/١	زمر: ٥٣	﴿ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ ﴾
٣٣٩/١	حجرات: ١٣	﴿ إِنَّ أَكْثَرَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ ﴾
٢٧٠/١	آل عمران: ٦٨	﴿ إِنَّ أَوْلَىٰ النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ ﴾
١٧٠/١	نساء: ١٠٤	﴿ أَنْ تَكُونُوا تَالِمُونَ ﴾
٣٧٣/١	فصلت: ٣٠	﴿ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفْتَمُوا ﴾
١٣٧/١	نمل: ٤٠	﴿ إِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ ﴾
٣٧٤، ١١١/١	اعراف: ٥٦	﴿ إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴾
٣٤١/١	ص: ٧٨	﴿ إِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ ﴾
٥٤١/١	رعد: ٤	﴿ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴾
٤٧٨، ٣٢٩/١	قلم: ٤	﴿ إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقِي عَظِيمٌ ﴾
٥٥٩/١	انفال: ٢	﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَ جِلَّتْ قُلُوبُهُمْ ﴾
٢٢٧/١	يونس: ٢٣	﴿ إِنَّمَا نُنْفِئُكُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ ﴾
٢٧٢/١	نساء: ١٧	﴿ إِنَّمَا الثَّوَابُ عَلَىٰ اللَّهِ ... ﴾
٢٦٤/٢	آل عمران: ١٨٥	﴿ إِنَّمَا تُؤْتُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ﴾
٤٨٢/١	اعراف: ٣٣	﴿ إِنَّمَا حَرَّمَ رُؤْيَ الْفَوَاحِشِ ... ﴾
٦٧/١	كهف: ٤٥، يونس: ٢٤	﴿ إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ ... ﴾

صفحة	سوره	آيه
١١١/١	مائده: ٥٦	﴿ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴾
٣٣٧/١	اسراء: ٢٧	﴿ إِنَّ الْعَبْدِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ ﴾
٢٠/٢	سبأ: ٥٠	﴿ إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ ﴾
٢٠/٢	هود: ٦١	﴿ إِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ ﴾
٥٤٧/١	نحل: ٢٣	﴿ إِنَّهُ لَا يَجِبُ الْمُشْتَكِرِينَ ﴾
١٤/٢	نمل: ٢٩	﴿ إِنِّي أَلْقَىٰ إِلَىٰ كِتَابِ كَرِيمٍ ﴾
٢٧٠/٢	بقره: ٣٠	﴿ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ﴾
٣٧٢، ٣٣٨، ٦٧/١	انعام: ٧٩	﴿ إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلدِّينِ فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ﴾
١٧١/١	قلم: ٦	﴿ بِأَيْكُمْ الْمُفْتُونُ ﴾
٣٧٢/١	انعام: ١٩	﴿ بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ ﴾
٢٧١/٢	عنكبوت: ٤١	﴿ بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ ﴾
٣٤٠/١	مسد: ١	﴿ تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ ﴾
٤٣٨/١	ابراهيم: ٤٨	﴿ تَبَدَّلَ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتِ ﴾
٤٤٧/١	سجده: ١٦	﴿ تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ ﴾
٢٦١/١	سجده: ١٦	﴿ تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ زُرُوعَهُمْ فَأَوْطَعَةً ﴾
٩٢/٢	مائده: ٢	﴿ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ ﴾
٣٣٦/١	حديد: ٢٠	﴿ تَفَاخَرُ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرُ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ ﴾
١٦٩/١	آل عمران: ٤١	﴿ ثَلَاثَةٌ أِيَّامٍ آلَا زَمْرًا ﴾
٢٩٦/٢	اسراء: ٨١	﴿ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴾
٣٧٤/١	سجده: ١٧	﴿ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴾
٦٩/١	بقره: ٢٢	﴿ جَعَلْنَا لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا ﴾
٦٦/١	اعراف: ١٤٣	﴿ جَعَلَهُ ذُكَاً ﴾
٤١٥/١	كهف: ٨٦	﴿ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ... ﴾
٩٣/١	طه: ٢٠	﴿ حَيْثُ تَسْمَعُ ﴾
٧٧/١/١	اعراف: ١٩٩	﴿ خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ... ﴾
٦٧/١	اعراف: ١٤٣	﴿ خَرُّ صَعْبًا ﴾
٢٦٣/١	هود: ٧	﴿ خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْمَخْيُوتَ لِيَتَلَوَّكُمْ بِكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ﴾

صفحة	سوره	آيه
٦٢/١	انفطار: ٨٧	﴿ خَلَقَهُ فَسَوَّاهُ فَقَدَلَهُ... ﴾
٦٢/١	تكوير: ١٦	﴿ الخُسْبِ الْجَوَارِ الْكُنُوسِ ﴾
٢٧٢/١	غافر: ٦٠	﴿ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ ﴾
٣٤/٢	آل عمران: ٣٤	﴿ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴾
٤٣٨/١	بقره: ١٥٢	﴿ اذْكُرُونِي أَذْكَرَكُم ﴾
٦٩/١	توبه: ١٢٠ و ١٢١	﴿ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يَصْبِرُهُمْ ظَعْمًا وَلَا نَصَبًا... ﴾
٩/٢	حديد: ٢١	﴿ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ... ﴾
١٧٨، ١٧١/١	هود: ٧٤	﴿ ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعَ وَ جَاءَتْهُ الْبِشْرَى ﴾
٣٣٩/١	فرقان: ٦٧	﴿ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا... ﴾
٨١/١	نساء: ٦٩	﴿ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ ﴾
٤٤٠/١	يونس: ٢٤	﴿ الَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَى وَزِيَادَةَ ﴾
٤٧٦/١	زمر: ١٨	﴿ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ... ﴾
٥٤٥/١	فرقان: ٤٣	﴿ أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ ﴾
١٧٨/١	طه: ٢٥	﴿ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴾
٦٨/١	يوسف: ١٠١	﴿ رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمَلِكِ ﴾
٤١٧/١	رحمن: ١٧	﴿ رَبِّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبِّ الْمَغْرِبِينَ ﴾
٧٤/١	آل عمران: ٩١	﴿ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا ﴾
٤٤٧، ٣٣٩، ٢٦١/١	نور: ٣٧	﴿ رِجَالٍ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ ﴾
٤٨٦/١	اعراف: ٥٤	﴿ الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى ﴾
١١٩/٢	بینه: ٨	﴿ وَرَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ﴾
٥٥٩/١	انفال: ٢	﴿ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا ﴾
٢٥٤/١	زخرف: ١٣ و ١٤	﴿ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا... ﴾
٦٢/١	زمر: ٧٣	﴿ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِينًا فَاذْخُلُوهَا خَالِدِينَ ﴾
٣٩٠/٢	يوسف: ٩٨	﴿ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ ﴾
٣٣٧/١	فتح: ١١	﴿ سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ... ﴾
٤٨١/١	زمر: ١٠	﴿ الصَّابِرُونَ أَجْرُهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴾
٢٨٠/٢	بقره: ١٣٨	﴿ صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً ﴾

صفحة	سوره	آيه
٢٦٩/٢	نمل: ٨٨	﴿صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَنْتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ﴾
١٧٥/١	غافر: ٦٤	﴿صُورَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ﴾
٩٣/٢	روم: ٤١	﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ﴾
٢٦٠/١	عبس: ٢١	﴿عَبَسَ وَتَوَلَّى أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى﴾
١٥/٢	يوسف: ٨٣	﴿عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا﴾
٣٧٧/١	بقره: ٢١٣	﴿عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ...﴾
٢٧٤/٢	احزاب: ٧٢	﴿عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَتَيْنَ أَنْ يُحْمِلْنَهَا...﴾
١٧٨/٢	طه: ١٢	﴿فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ﴾
٢٦٤/١	مؤمنون: ٩٦	﴿فَادْفِعْ بِالْيَمِينِ هِيَ أَحْسَنُ﴾
٥٠٨، ٣٤١/١	مؤمنون: ١٠١	﴿فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ...﴾
٤١٦/١	زمر: ٦٨	﴿فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ﴾
١٢٠/٢	بقره: ١٥٢	﴿فَإِذْ نُكْرِوْنِي أَذْكَرْتُكُمْ﴾
٥٦/١	بقره: ٤٥ و ١٥٣	﴿فَاسْتَجِيبُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾
٣٧٥/٢	نحل: ٦٩	﴿فَاتَسْلَكِ سُبُلَ رَبِّكَ ذَلَالًا﴾
١٣٩/١	حجر: ٨٥	﴿فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ﴾
٥١٠/١	بقره: ٢٣٥	﴿فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ﴾
٣٧٧/١	نازعات: ٤١	﴿فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى﴾
٥٤٩/١	نساء: ٣	﴿فَاتَّكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ...﴾
٣٣٨/١	شعراء: ٧٧	﴿فَأَنْتُمْ عَلُو لِي إِلَّا رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾
٤٨٠/١	نساء: ٦٩	﴿فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ...﴾
٦٩/١	بقره: ٢٢	﴿فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾
٤١٤/٢	كهف: ٤٢	﴿فَأَصْبَحَ يَنْفَلِبُ كَفْتِهِ مَا أَنْفَقَ فِيهَا...﴾
٢٨٠/٢	فرقان: ٧٠	﴿فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ﴾
٣٧٢/١	بقره: ١١٥	﴿فَأَيُّنَّمَا تَوَلَّوْا فَنَّمَّ وَجْهَ اللَّهِ﴾
٧٧/١	انعام: ٩٠	﴿فِيَهْدَاهُمْ فِتْنَتَهُ﴾
٣٤٠/١	قصص: ٨١	﴿فَحَسَنَّا بِهِ وَبَدَّلْنَاهُ الْأَرْضَ﴾
١٥٧/٢	قمر: ١١	﴿فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَجِرٍ﴾

صفحة	سوره	آيه
١٣٢/٢، ١١١/١	مؤمنون: ١٠١	﴿فَلَا أَنْشَأَ بَيْنَهُمْ بَرًا وَلَا بَرًّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِوا لَأَرْسِلَنَّ سَمًا مِّنْ سُحُبٍ تُخَالِفُ بِهَا السَّمَاوَاتِ لَئِنْ لَمْ يَرْجِعُوا إِلَىٰ رَأْسِهِمْ لَأَنْزِلَنَّ عَلَيْكُمُ الْغُرُورَ﴾
٦٩/١	بقره: ٢٢	﴿فَلَا تَجْعَلُوا إِلَهًا إِلَّا اللَّهُ﴾
٣٣٧/١	لقمان: ٢٣	﴿فَلَا تَعْرُضْ كُمْ بِهَيْبَةِ الدُّنْيَا وَلَا يَغْرِبَ لَكُم بِاللهِ الْغُرُورُ﴾
٤١٧/١	معارج: ٤٠	﴿فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَعَادِرُونَ﴾
١٧٨/٢	غافر: ٨٤	﴿فَلَمَّا زَاوَأْنَا أَمَا تَنْتَهِوا أَنَّا بِاللَّهِ﴾
١١٣/٢	نحل: ٩٧	﴿فَلَمَّا خَبَّيْتُمُ حَيَاءً طَيِّبَةً﴾
٥٥١/١	شعرا: ٩٨	﴿فَمَا لَنَا مِن شَافِعِينَ وَلَا صُلُوبٍ حَمِيمٍ﴾
٤١٥/١	اسرا: ١٢	﴿فَمَحُونًا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً﴾
١٤٠/١	شورى: ٤٠	﴿فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ﴾
٢٥٢، ٨٠/١	زلزال: ٧	﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾
٣٧٢/١	بقره: ١٤٤	﴿قَوْلٍ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾
١٦٩/١	رحمن: ٦٦	﴿فِيهَا عَيْنَانِ نُضَافِحَتَانِ﴾
٢٥٧/١	مؤمنون: ٢١	﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ...﴾
١٧٧/١	مريم: ٢٤	﴿قَدْ جَعَلَ رَبُّكَ تَحْتِكَ سَرِيًّا﴾
٣٨٠/١	انعام: ٥٠	﴿قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبِ﴾
١١٣/٢	نساء: ٧٧	﴿قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ﴾
٤١٩/١	جن: ١	﴿قُلْ أُوْحِي إِلَىٰ نَفَرٍ مِّنَ الْجِنِّ...﴾
٤٨١/١	تحريم: ٦	﴿قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾
١٧٠/١	توبه: ١١٧	﴿كَأَدَّ يَدَايَهُ قُلُوبٌ فَرِيحٍ مِنْهُمْ﴾
٣٧٥/٢	قمر: ٧	﴿كَاتَمَهُمْ جَزَادٌ مَّتَشِيرٌ﴾
١٠٩/٢	قصص: ٨٨	﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾
١٠٩/٢	الرحمن: ٢٦ و ٢٧	﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ...﴾
١٠٧/١	اعراف: ٣١	﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا﴾
٢/١	يونس: ٢٤	﴿كَمَا أَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ فَأَخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ...﴾
٣٣٠، ١١٨/٢، ٢٧٢/١	ابراهيم: ٧	﴿لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾
٣٧١، ٦٧/١	انعام: ٧٦	﴿لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ﴾
٦٩/١	صافات: ٣٥	﴿لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ﴾

صفحة	سوره	آيه
٢٧٦/١	آل عمران: ١٣٠	﴿لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا﴾
٢٩٠/٢	يوسف: ٩٢	﴿لَا تَقْرَبْ عَلَيْكُمْ الرِّبَا﴾
٢٣٩/١	مائدہ: ١٠١	﴿لَا تَسْأَلُوا عَن آسِيَاءِ إِنْ تَبَدَّلَ لَكُمْ تَنسَوُكُمْ﴾
٢٧٦/١	بنی اسرائیل: ١٧	﴿لَا تَقْرَبُوا الرِّبَا﴾
٤٨٥/١	زمر: ٥٣	﴿لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ﴾
٧٤/١	طہ: ٣١	﴿لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ﴾
٢٢٧/١	فاطر: ٤٣	﴿لَا يَحِبُّهُ النَّكْرَ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ﴾
٤٧٧/١	بقرہ: ٢٨٦	﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾
٢٧٦/١	حدید: ٧٩	﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾
١٧٨/١	شعراء: ١٣	﴿لَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي﴾
١٧٧/١	شعراء: ٨٤	﴿لِسَانِ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾
٢٣٩/١	اعراف: ١٧١	﴿أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ﴾
١٧٥/١	بلد: ٤	﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ﴾
١١٨/٢	بقرہ: ٢٧٣	﴿لِلْقَوْمِ الَّذِينَ أَخْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا﴾
٢٦٠/١	بقرہ: ٢٧٣	﴿لِلْقَوْمِ الَّذِينَ أَخْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾
٤١٧/١	حج: ١٨	﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَ...﴾
٤٨٠/١	علق: ١٤	﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَرَى﴾
٩/٢	حدید: ١٦	﴿أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ...﴾
٤٨١/١	نحل: ٩٦	﴿لَتَجْزِيَنَّهُمُ الَّذِينَ صَبَرُوا بِأَحْسَنِّ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾
٦٩/١	زمر: ٤	﴿لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَخْلُقَ وَلَدًا﴾
٢٧٢/٢	ملك: ١٠	﴿لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾
٤١٢/١	مائدہ: ٦٣	﴿لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّائِيُّونَ وَالْأَنْبِيَاءُ﴾
٥٤٨/١	مريم: ٦٢	﴿لَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةٌ وَعِشْيَاءُ﴾
٢٨٦/٢	زمر: ٦٣	﴿لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾
٤٤٦/١	احزاب: ٣٣	﴿لِيَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسُ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾
١٧٨/١	نور: ٥٥	﴿لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ...﴾
٥٤٧/١	عنكبوت: ٦٨	﴿لَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ﴾

صفحة	سوره	آيه
٣٣٦/١	زخرف: ٥١	﴿الْيَسَّى لِي مَلَكٌ مِّصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ﴾
٥١٠/١	نساء: ٧٩	﴿مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ...﴾
٣٣٧/١	نجم: ١٧	﴿مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى﴾
٥٦١/١	ص: ٧٥	﴿مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتَ بِيَدَيْ﴾
١١٩/٢	عنكبوت: ٥	﴿مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنْ أَجَلَ اللَّهُ لَاتِ﴾
٤٥٩/١	صافات: ١٧٢	﴿أَنَّهُمْ لَهُمُ الْمُتَصَوِّرُونَ...﴾
٦٦/١	بقره: ٢٠٧	﴿وَابْتِغَاءَ لِمَرْضَاتِهِ﴾
١١٦/١	مریم: ٥٠	﴿وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾
١٧٨/١	طه: ٢٧	﴿وَأَخْلَلْ عَقْدَةَ مِنْ لِسَانِي﴾
٣٣٦/١	اسرى: ٨٣	﴿وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ...﴾
١٠٨/٢	مائده: ٨٣	﴿وَإِذَا سَمِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَى الرَّسُولِ...﴾
٧٢/١	نساء: ٤٢	﴿وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ﴾
٤٣٨/١	كهف: ٢٤	﴿وَأَذْكَرَ رَبِّكَ إِذْ نَسِيتَ﴾
٦٦/١	بقره: ٢٠٠	﴿وَأذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ...﴾
١١٨/٢	نحل: ١٢٧	﴿وَأَضْرِبُوا مَا صَبَرْنَا إِلَّا بِاللَّهِ﴾
٤١٥/٢	كهف: ٣٢	﴿وَأَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا رَجُلَيْنِ﴾
٤١٢/٢	كهف: ٣٢	﴿وَأَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا رَجُلَيْنِ لِأَخْذِهِمَا جَنَّتَيْنِ...﴾
١٠٠, ٧٧/٢	آل عمران: ١٣٤	﴿وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَاقِبِينَ عَنِ النَّاسِ﴾
٢٣١/١	قصص: ٧٧	﴿وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾
٣٧٩/١	منافقون: ١	﴿وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ﴾
٣٧٩/١	منافقون: ١	﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَنَّكَ لَرَسُولِهِ﴾
١٠٩/٢	بقره: ١٦٣	﴿وَاللَّهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ...﴾
٤١٨/١	صافات: ١٦٦	﴿وَإِنَّا لَنَحْنُ الضَّالُّونَ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسْتَبْحُونَ﴾
١٣٩/١	بقره: ٢٧	﴿وَإِنْ نَعْتُوا أَقْرَبَ لِلتَّغْوَى﴾
٦٩/١	بقره: ٢٢	﴿وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾
٦٩/١	بقره: ٢٢	﴿وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ﴾
٥٤٩/١	نور: ٣٢	﴿وَأَنْبِكُحُوا الْآيَامَ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ...﴾

صفحہ	سورہ	آیہ
۶۶/۲	قلم: ۴	﴿وَأَنَّكَ لَغَلِيٌّ حُلُقِيٌّ عَظِيمٌ﴾
۳۸۰/۱	حجر: ۲۱	﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ...﴾
۱۶۹/۱	معارج: ۱۶	﴿وَأَنَّهَا لَطْفَى نَزَاعَةٌ لِلشُّوَى﴾
۳۷۴/۲	نحل: ۶۸	﴿وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا...﴾
۳۳۹/۱	قصص: ۷۷	﴿وَاتَّبِعْ فِيمَا أَنْيكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ﴾
۳۳۸/۱	بقرہ: ۱۷۲	﴿وَأَشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ عَلَيْهِ تَعْبُدُونَ﴾
۱۱۴/۲	اعراف: ۱۹۹	﴿وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾
۳۷۴/۲	نحل: ۴۴	﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ...﴾
۴۱۸/۱	اعراف: ۱۳۷	﴿وَأَوْزَنَّا الْقُرْآنَ الَّذِينَ كَانُوا يَسْتَضِعُّونَ...﴾
۴۸۲/۱	حج: ۳۷	﴿وَيُبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ﴾
۸۱/۱	یونس: ۲	﴿وَيُبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ﴾
۱۱۶/۱	مائدہ: ۲	﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾
۱۱۷/۲	نور: ۳۱	﴿وَتُؤْتُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾
۴۱۴/۱	نوح: ۱۶	﴿وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا﴾
۶۸/۱	انبیاء: ۳۰	﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ...﴾
۴۳۹/۱	سجدہ: ۲۴	﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً...﴾
۶۴/۱	مریم: ۳۱	﴿وَجَعَلْنِي نَبِيًّا وَجَعَلْنِي...﴾
۴۸۵/۱	آل عمران: ۱۷۵	﴿وَخَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾
۴۴۰/۱	مائدہ: ۵۴	﴿وَذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ﴾
۹۳/۱	اعلیٰ: ۴	﴿وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى﴾
۳۷۶/۱	عنکبوت: ۶۹	﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا﴾
۷۰/۱	عنکبوت: ۶۹	﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾
۶۹/۱	بقرہ: ۲۲	﴿وَالسَّمَاءِ بِنَاءٍ﴾
۴۸۲/۱	فرقان: ۶۳	﴿وَعِبَادَ الرَّحْمَنِ يَمْسُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾
۵۶۱/۱	بقرہ: ۳۱	﴿وَوَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾
۳۷۰/۲	نساء: ۱۱۳	﴿وَوَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ﴾
۳۷۱/۲	کہف: ۱۶۵	﴿وَوَعَلَّمْنَا مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا﴾

صفحه	سوره	آیه
۲۷۰/۲	بقره: ۲۵۱	﴿وَعَلَّمَهُ مَا يَشَاءُ﴾
۱۰۸/۲	ذاریات: ۲۰ و ۲۱	﴿وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُؤْمِنِينَ...﴾
۶۲/۱	ذاریات: ۲۱	﴿وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾
۱۹۹/۲	کهف: ۸۲	﴿وَكَانَ ثُخْتَهُ كَنْزًا لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا﴾
۳۷۴/۱	انسان: ۲۲	﴿وَكَانَ سَعْيِكُمْ مَشْكُورًا﴾
۳۷۱/۱	انعام: ۷۵	﴿وَكَذَلِكَ نُرَىٰ إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾
۳۴۳/۲	اسرى: ۱۷	﴿وَكَوَّلَ إِنْسَانًا الْمَرْمَةَ طَائِرَةً فِي عَصْفِهِ...﴾
۴۱۸/۱	انبیاء: ۳۳	﴿وَكَوَّلَ فِي فَلَكَ يَسْبُحُونَ﴾
۳۳۶/۱	آل عمران: ۱۸۰	﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَتَّخِلُونَ بِمَا أَنبَاهُمُ اللَّهُ...﴾
۲۷۱/۲	عنکبوت: ۴۸	﴿وَلَا تَحْطَبْهُ بِيَمِينِكَ إِذَا لَارَتَابَ السَّجَّادُونَ﴾
۴۸۲/۱	لقمان: ۱۸	﴿وَلَا تَضَعْ حَذَاكَ لِلنَّاسِ﴾
۲۶۰/۱	انعام: ۵۲	﴿وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ﴾
۳۷۶/۱	انعام: ۱۵۲	﴿وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ﴾
۲۹۱/۲	بقره: ۱۹۵	﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾
۳۸۰/۱	بقره: ۲۵۵	﴿وَلَا يَحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ بِمَا شَاءَ﴾
۶۷/۱	بقره: ۸۵	﴿وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا...﴾
۱۷۵/۱	اعراف: ۱۱	﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ﴾
۴۲/۲	منافقون: ۸	﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾
۳۷۶/۱	عنکبوت: ۶۹	﴿وَلَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾
۳۳۶/۱	شوری: ۴۲	﴿وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ﴾
۲۶۴/۱	فصلت: ۳۴	﴿وَلِيٍّ حَمِيمٍ﴾
۱۱۸/۱	سبا: ۳۹	﴿وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ﴾
۷۳/۲	بقره: ۱۱۰	﴿وَمَا تَقْدُمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾
۳۶۳/۲	انفال: ۱۷	﴿وَمَا زَمَيْتُ إِذْ زَمَيْتُ وَلَكِنَّ اللَّهَ زَمَى﴾
۱۰۸/۲	انعام: ۹۱	﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ﴾
۲۷۴/۱	انفال: ۳۳	﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ يُعَذِّبُهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ...﴾
۲۶۱/۲	یس: ۲۲	﴿وَمَا لِي لَا أَعْبُدَ الَّذِي فَطَرَنِي﴾

صفحة	سوره	آيه
٣٧٦/١	آل عمران: ١٤٤	﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ﴾
٩/٢	مدثر: ٣١	﴿وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ﴾
٤٧٨/١	بقره: ١٧٣	﴿وَمِنْ أَضْطَرُّ غَيْرِ يَأْغِ وَلَا عَادٍ فَلَا إِيْمَ عَلَيْهِ﴾
١٢٥/١	مائده: ٩٥	﴿وَمَنْ عَادَ فَلَنُتَبِّعِيَهُ اللهُ﴾
٤٤٠/١	انعام: ١٢٢	﴿أَوْ مَنْ كَانَ مِيْنًا فَأَخِيْنَاهُ...﴾
٢٢٧/١	يونس: ٢٣	﴿وَمِنْ نَكْتٍ فَإِنَّمَا يَنْكُتُ عَلَى نَفْسِي﴾
٢٦٨/١	طلاق: ٢ و ٣	﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللهُ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ...﴾
١١٩, ٦٣/٢, ٤٣٧/١	طلاق: ٣	﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾
٢٧٢/١	نساء: ١١٠	﴿وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللهُ...﴾
٤٥٩/١	قصص: ١٣٥	﴿وَنَجْعَلُ لِكُلِّمَ سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا...﴾
٤١٦/١	زمر: ٦٨	﴿وَتَفِيحُ فِي السُّورِ فَصَيِقُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ﴾
٣٧٧/١	تازعات: ٤٠	﴿وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى﴾
٤١٤/١	يونس: ٥٠	﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا﴾
١٥٧/٢	اعراف: ٥٧	﴿وَهُوَ الَّذِي يُزِيلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ﴾
٣٦٩/٢	حشر: ٩	﴿وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾
٤٨٣/١	حشر: ٩	﴿وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ﴾
٣٧١/١	انعام: ٧٧	﴿هَذَا رَبِّي﴾
٤٧٨/١	انسان: ٢٩	﴿هَذِيهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا﴾
٢٩٦/٢, ٥٤١/١	زمر: ٩	﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾
٢٧٠/٢	انعام: ١٦٥	﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ خَلَائِفَ الْأَرْضِ﴾
٦٩/١	اخلاص: ١ - ٤	﴿هُوَ اللهُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴾
٣٤/٢	فرقان: ٥٤	﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشْرًا...﴾
٦٨/١	بقره: ٢١	﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ...﴾
٢٦٥/١	بقره: ١٧٢	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾
٣٧٩, ٧٤/١	مريم: ٢٣	﴿يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا نَسِيًّا﴾
٤٧٧/١	فرقان: ٢٨	﴿يَا وَيْلَتَا لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فَلَانًا خَلِيلًا﴾
٣٩٤/٢, ٤٣٩, ٧٨/١	فرقان: ٧٠	﴿يُبَدِّلُ اللهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ﴾

صفحة	سوره	آيه
٤٧٧/١	بقره: ١٨٧	﴿ يَنْبِئُكَ لَكَ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ ﴾
١٣٢/٢	مائده: ٢٧	﴿ يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴾
٤٨٣/١	حجرات: ١٢	﴿ أُحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أُخِيهِ مَيْتًا ﴾
٤٥٣/١	بقره: ١٠٥	﴿ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ ﴾
٣٧٥/٢	نحل: ٦٩	﴿ يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ... ﴾
١١٨/٢	سجده: ١٦	﴿ يَذْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا ﴾
١٧٨/١	طه: ٢٦	﴿ يَسْأَلِي أَمْرِي ﴾
٣٧٣/١	احزاب: ٧١	﴿ يُضْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ﴾
٥٤٧/١	مؤمن: ٣٥	﴿ يُطْبِعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارًا ﴾
٧٢/١	بقره: ٧٩	﴿ يُكْتَبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ... ﴾
٣٥/٢	رعد: ٣٩	﴿ يُنْحَوِ اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُنْثِتُ ﴾
٢٥٢/١	زلزال: ٤ و ٥	﴿ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا فَإِنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا ﴾
٧٥/١	حاقة: ١٨	﴿ يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ ﴾
١١٢/١	طه: ١٠٩	﴿ يَوْمَئِذٍ لَانْتَفَعِ الشُّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أِذِنَ... ﴾
١٣٢/٢	طه: ١٠٩	﴿ يَوْمَئِذٍ لَانْتَفَعِ الشُّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أِذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ... ﴾
٧٩/١	طارق: ٩	﴿ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ﴾
٤١٦/١	شورى: ٧	﴿ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ ﴾
٣٢١/١	شعراء: ٨٨	﴿ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴾
٣٦٠/٢	بقره: ٢٦٩	﴿ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ ﴾
١١٧/١	حشر: ٩	﴿ يُؤَيِّرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ ﴾

فهرست روایات

صفحه	معصوم	روایت
۲۷۳/۲	رسول الله ﷺ	أَتَانِي جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ وَكُنْتُ نَائِمًا...
۱۷۷/۲	علي بن موسى الرضا عليه السلام	أَبَى الْعَامُونَ بِنَصْرَانِي قَدْ فَجَرَ بِهَا شَيْبِيَّةٌ...
۳۳۶/۲	امير المؤمنين عليه السلام	أَحِبُّ الصُّومَ فِي الصَّيْفِ وَالصَّرْبَ بِالسَّيْفِ...
۲۵۳/۱	رسول الله ﷺ	أَحَبُّ الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ أَرْبَعٌ...
۳۳۶/۲	رسول الله ﷺ	أَحِبُّ مِنَ الدُّنْيَا ثَلَاثًا...
۹۵/۲	رسول الله ﷺ	أَحِبُّ مِنَ دُنْيَاكُمْ الطَّيِّبَ وَالنَّسَاءَ
۴۱۱/۱	امير المؤمنين عليه السلام	إِخْذَرُوا صَوْلَةَ الْكَرِيمِ إِذَا جَاعَ...
۲۸۴/۲	رسول الله ﷺ	إِخْفِظِ اللَّهَ يَحْفَظْكَ...
۲۲۱/۱	رسول الله ﷺ	أَجَلْتُ لَنَا مِيتَتَانِ وَدَمَانٍ...
۲۱۶/۲	رسول الله ﷺ	الْأَخْلَاقُ مَخْرُوءَةٌ عِنْدَ اللَّهِ...
۶۵/۱	رسول الله ﷺ	الْخَوْفُ مَا أَخَافَ عَلَيَّ أَمْنِي ثَلَاثٌ...
۳۵۴/۱	رسول الله ﷺ	إِذَا أَتَيْتَ مَضْجَعَكَ فَتَرَضَّأْ...
۱۱۹/۲	رسول الله ﷺ	إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَرْضَاهُ بِمَا قَسَمَ لَهُ...
۲۸۲/۲	رسول الله ﷺ	إِذَا أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى بِعَبْدٍ خَيْرًا...
۷۶/۱	رسول الله ﷺ	إِذَا أَصْبَحْتَ فَلَا تُحَدِّثْ نَفْسَكَ بِالْمَسَاءِ...
۲۷۴/۱	امير المؤمنين عليه السلام	إِذَا أَقْبَلْتَ الدُّنْيَا عَلَى قَوْمٍ...
۱۱۷/۲	رسول الله ﷺ	إِذَا تَابَ الْمُؤْمِنُ كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ...
۴۱۰/۱	امير المؤمنين عليه السلام	إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ
۲۶۵/۱	رسول الله ﷺ	إِذَا خَرَجَ الرَّجُلُ حَاجًّا بِتَفْقِهِ طَيِّبٌ...
۲۲۲/۲	رسول الله ﷺ	إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ الْخَلَاءَ أَنْ يَقُولَ: بِسْمِ اللَّهِ
۲۵۹/۱	رسول الله ﷺ	إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الْبَلَاءِ فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ الْعَافِيَةَ
۱۴۹/۱	رسول الله ﷺ	إِذَا رَأَيْتَ النَّاسَ قَدِ اكْتَنَزُوا الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ...
۴۱۰/۱	امير المؤمنين عليه السلام	إِذَا قَدَّرْتَ عَلَيَّ عَدُوًّا فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ سُكْرًا...

صفحه	معصوم	روایت
۶۶/۱	رسول الله ﷺ	أَذْكُرُوا اللَّهَ حَتَّى تَسْمُرُوا مَجَانِينَ
۴۰۸/۱	امیرالمؤمنین علیؑ	أَزْبِعْ خِصَالِي يُعِينُ الْمَرْءَ عَلَى الْعَمَلِ...
۲۵۴/۱	رسول الله ﷺ	أَزْبِعْ كَلِمَاتٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لَوْ وَزِنْتَ بِمَا قُلْتُ...
۲۳۰/۱	رسول الله ﷺ	أَزْبِعُ مِنَ الشُّعَاءِ...
۴۰۸/۱	امیرالمؤمنین علیؑ	أَزْبِعُ مَنْ كُنَّ فِيهِ يَبْدُلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِ حَسَنَاتٍ...
۲۳۱/۱	رسول الله ﷺ	أَزْبَعَةُ أَنَا لَكُمْ شَفِيعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...
۲۲۶/۱	رسول الله ﷺ	إِزْحَمُوا ثَلَاثَةَ عَزِيزٍ قَوْمٍ ذَلِكَ...
۷۱/۱	رسول الله ﷺ	إِسْتَحْيُوا مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ
۷۱/۲	امیرالمؤمنین علیؑ	إِسْتَعِينْ عَنِ مَنْ شِئْتَ...
۲۰۰/۲	رسول الله ﷺ	إِسْتَعِينُوا عَلَيَّ قَضَاءِ الْحَوَائِجِ بِالْكَثْمَانِ...
۴۱۱/۱	امیرالمؤمنین علیؑ	أَشْرَفُ الْغِنَى تَرَكُ الْمُنَى
۹۴/۲	رسول الله ﷺ	أَضَلُّ جَمِيعِ الْخَطَايَا حُبُّ الدُّنْيَا...
۶۵/۱	رسول الله ﷺ	اعْدِي عُذُوكَ نَفْسَكَ الَّتِي بَيْنَ جَنَّتَيْكَ
۳۶۴/۱	رسول الله ﷺ	إِعْرِفْ نَفْسَكَ تَعْرِفْ رَبَّكَ
۲۷۰/۱	امیرالمؤمنین علیؑ	إِعْقَلُوا الْخَيْرَ إِذَا سَمِعْتُمُوهُ عَقْلَ رِعَايَةٍ
۴۰۷/۱	امیرالمؤمنین علیؑ	إِعْلَمُ أَنْ أُغْنَى الْغِنَى الْعَقْلُ...
۳۱۸/۱	رسول الله ﷺ	اعْلَمُ أَنَّ النُّصْرَ مَعَ الْعُسْبِرِ...
۲۶۶/۱	رسول الله ﷺ	الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ
۲۳۵/۲، ۲۳۳/۱	رسول الله ﷺ	إِعْتَنِمِ خَمْسًا قَبْلَ خَمْسٍ...
۲۶۹/۲	امیرالمؤمنین علیؑ	أَعْدُ عَالِمًا أَوْ مَتَعَلِّمًا أَوْ مُسْتَمِعًا أَوْ مُجِبًّا...
۱۱۵/۲	امیرالمؤمنین علیؑ	أَعْنَى الْغِنَى الْعَقْلُ
۴۱۱/۱	امیرالمؤمنین علیؑ	أَفْضَلُ الرَّهْدِ إِخْفَاءُ الرَّهْدِ
۲۵۳/۱	رسول الله ﷺ	أَفْضَلُ الْكَلَامِ أَرْبَعٌ...
۱۲۰/۲	رسول الله ﷺ	أَفْضَلُ الْكَلَامِ أَرْبَعَةٌ...
۱۱۵/۲	امیرالمؤمنین علیؑ	أَفْقَرُ الْفَقْرِ الْحَمَقُ
۴۵/۲	امیرالمؤمنین علیؑ	أَفْقَرُ الْفَقْرِ الْحَمَقُ وَأَعْنَى الْغِنَى الْعَقْلُ
۴۰۵/۱	رسول الله ﷺ	أَقْبِلُوا عَلَيَّ مَا كَلَفْتُمُوهُ مِنْ إِصْلَاحِ أَعْرَابِكُمْ...

صفحة	معصوم	روایت
٢٥٣/١	رسول الله ﷺ	أَقْرَأَ الْقُرْآنَ فِي كُلِّ شَهْرٍ...
١٣٤/١	رسول الله ﷺ	أَقِيلُوا ذَوِي الْهَنَاتِ عَثْرَاتِهِمْ
٣٢٠/١	رسول الله ﷺ	أَكْتَبُوا ذِكْرَ اللَّهِ لَيْلًا وَنَهَارًا حَتَّى تَقَالَ مَجْتُونَ...
٢١٦/٢	رسول الله ﷺ	أَلَا لَأُنَبِّئَنَّكُمْ بِخَيْرِ أَعْمَالِكُمْ وَأَزْكَاهَا عِنْدَ مَلِيكِكُمْ...
٧٧/١	رسول الله ﷺ	الْإِيمَانُ بِضْعٌ وَارْتِعُونَ بَابًا...
٧٧/١	رسول الله ﷺ	الْإِيمَانُ بِضْعٌ وَسِتُّعُونَ شُعْبَةً...
٢٢٦/١	رسول الله ﷺ	الْإِيمَانُ ثَلَاثَةٌ عَقَدٌ بِالْقَلْبِ...
٤٠٦/١	امير المؤمنين عليه السلام	الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ...
٣١٩/١	رسول الله ﷺ	اللَّهُ تَعَالَى فِي عَوْنِ الْعَبِيدِ...
٢٩٣/١	امير المؤمنين عليه السلام	أَمَا بَعْدُ فَإِنَّكَ مِمَّنْ اسْتَظَهَرَ بِهِ...
٢١٦/٢	رسول الله ﷺ	أَمَا وَاللَّهِ إِنِّي لَأُخَشَاكُمْ لِلَّهِ وَأَنْفَاكُمْ لَهُ...
٢٨٤/٢	رسول الله ﷺ	أُمْنِي عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ...
٢٥٢/١	رسول الله ﷺ	أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى الْأَرْضَ بِالْكَلامِ...
٤٨١/١	رسول الله ﷺ	إِنَّ اللَّهَ أَدْبَنِي فَأَحْسَنَ أَدْبِي
١٢١/٢	رسول الله ﷺ	إِنَّ اللَّهَ نَعَالِي أَمْرَنِي أَنْ أُؤَدِّبَكُمْ...
٦٤/١	رسول الله ﷺ	إِنَّ اللَّهَ نَعَالِي يُحِبُّ إِعَانَةَ اللَّهْفَانِ
٢٨٢/٢	رسول الله ﷺ	إِنَّ اللَّهَ جَوَادٌ يُحِبُّ الْجَوَادِ...
١٧٧/٢	محمد باقر عليه السلام	إِنَّ اللَّهَ خَبَأَ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ...
٤١٤/١	رسول الله ﷺ	إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمَّا خَلَقَ الْجَنَّةَ صَبَّرَ عَرْشَهَا سُبْحَانَ اللَّهِ
٢٣٧/١	رسول الله ﷺ	إِنَّ اللَّهَ يَرْضَى لَكُمْ ثَلَاثًا وَيَكْرَهُ لَكُمْ ثَلَاثًا...
٣١٨/١	رسول الله ﷺ	إِنَّ امْرَأَةً ذَهَبَتْ سَاعَةً مِنْ عَمْرِهِ فِي غَيْرِ مَا خُلِقَ لَهُ...
٥٨/١	رسول الله ﷺ	إِنَّ أَيْخُ عَلَى صَخْرَةٍ اسْتَنَاحَ
٢٦٨/٢	رسول الله ﷺ	إِنَّ أَوَّلَ شَيْءٍ كَتَبَهُ اللَّهُ فِي اللَّوحِ الْمَحْفُوظِ...
٢٦٨/٢	رسول الله ﷺ	إِنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْقَلَمَ فَقَالَ لَهُ...
٢٧٠/١	امير المؤمنين عليه السلام	إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِالْأَنْبِيَاءِ أَعْلَمُهُمْ بِمَا جَاءُوا بِهِ
١١٨/٢	رسول الله ﷺ	إِنْظَارُ الْفَرَجِ مَعَ الْكَرْبِ عِبَادَةٌ...
٣١٩/١	رسول الله ﷺ	أَنْ تَمُوتَ وَلِسَانُكَ رَطْبٌ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى

صفحة	معصوم	روایت
١٣٩/١	رسول الله ﷺ	إِنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ زِمَامٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ...
١٧٦/٢	حسين عليهما السلام	إِنَّ خَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ...
١٣٢/١	رسول الله ﷺ	إِنَّ الْحَيَاءَ مِنَ الْإِيمَانِ
٢٧١/١	امير المؤمنين عليهما السلام	إِنَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عَدْوَانِ مُتَعَاوَتَانِ...
٤٢/٢	رسول الله ﷺ	إِنَّ رَأْسَ التَّوَّاصِعِ أَنْ تَبْدَأَ بِالسَّلَامِ...
٢٥٧/١	رسول الله ﷺ	أَنْزَلَ عَلَيَّ عَشْرَ آيَاتٍ مَنْ أَقَامَهُنَّ دَخَلَ الْجَنَّةَ...
٤٢/٢، ١٣٩/١	رسول الله ﷺ	أَنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا رَفْعَةً...
٤٤/٢	رسول الله ﷺ	إِنَّ الْعَقْلَ لَا غَايَةَ لَهُ
٧٩/١	رسول الله ﷺ	إِنَّ فِي جَسَدِ ابْنِ آدَمَ لِمُضْغَةً...
٤١٣/١	رسول الله ﷺ	إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَشَجْرَةً يَسِيرُ رَاكِبُهَا فِي ظِلِّهَا...
٢٣٤/٢	رسول الله ﷺ	إِنَّ قُلُوبَ بَنِي آدَمَ كُلُّهَا بَيْنَ إِصْبَعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِ الرَّحْمَنِ...
٢٧٠/١	امير المؤمنين عليهما السلام	إِنَّ قَوْلَنَا إِنَّا اللَّهُ إِفْرَازٌ أَنْعَسْنَا بِالْمَلِكِ...
٢١٦/٢	رسول الله ﷺ	إِنَّكُمْ لَا تَسْعُونَ النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ...
٢١٦/٢	رسول الله ﷺ	إِنَّكُمْ لَتُدْعَوْنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَسْمَائِكُمْ...
٤٧٨/١	رسول الله ﷺ	إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ...
٤٠٣/١	رسول الله ﷺ	إِنَّ لَكُمْ مَعَالِمَ فَأَنْتَهُوَ إِلَى مَعَالِمِكُمْ...
٤٩٠/١	رسول الله ﷺ	إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى عِبَادًا خَلَقَهُمْ لِيَتَّصِلَ النَّاسُ...
١١٠/٢	محمد تقي عليهما السلام	إِنَّ لِلَّهِ شَرَابًا لِأَوْلِيَائِهِ إِذَا شَرِبُوا سَكَرُوا...
٢٨٢/٢	رسول الله ﷺ	إِنَّ اللَّهَ عِبَادًا يُحْصِيهِمْ بِالنِّعَمِ لِمَنَافِعِ...
٧١/١	رسول الله ﷺ	إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ
٧١/١	رسول الله ﷺ	إِنَّمَا لِأَمْرِي مَأْتَى
٢٦٦/١	رسول الله ﷺ	إِنَّمَا يُشَاءُ لِأَنْ غَرَّ عَقُولُهُمَا...
٣٠٤/٢	رسول الله ﷺ	أَنْ مَعَ الْعِرْزِ ذُلٌّ وَإِنْ مَعَ الْحَيَاةِ مَوْتَانِ...
١٣٠/١	رسول الله ﷺ	أَنَّ الْمُقْسِطِينَ عِنْدَ اللَّهِ عَلَى مَنْبَرٍ مِنْ نُورٍ...
٤٠٦/١	رسول الله ﷺ	إِنَّ مِنْ ضَعْفِ الْيَقِينِ أَنْ يُرْضَى النَّاسُ بِسَخَطِ اللَّهِ...
٢١٦/٢	رسول الله ﷺ	إِنَّ مِنْكُمْ مُنْفِرِينَ فَأَيُّكُمْ صَلَّى بِالنَّاسِ فَلْيَتَجَوَّزْ...
١٣٨/١	رسول الله ﷺ	إِنَّ الْعَوْمَانَ لَيَذُرُّكَ بِحُسْنِ خُلُقِهِ...

صفحة	معصوم	روایت
٢٦٣/١	رسول الله ﷺ	إنها يوم القيمة حسرة وتدامة...
١٣٨/١	رسول الله ﷺ	إن هذبه الأخلاق منحة...
٢٧٥/١	امير المؤمنين عليه السلام	إن هذبه القلوب تمل كما تمل الأبدان...
٨٢/١	رسول الله ﷺ	إن أهل الجنة ليرؤن أهل العليين...
١١٠/٢	رسول الله ﷺ	أوصيك بتقوى الله وصدق الحديث...
٢٩٢/١	امير المؤمنين عليه السلام	أوصيكم بتقوى الله وإن لا تبغينا الدنيا...
٨/٢	امير المؤمنين عليه السلام	أوصيكم بتقوى الله في السر والعلانية...
٢٧٥/١	امير المؤمنين عليه السلام	أوضح العلم ما وقف على اللسان...
١١٥/٢	رسول الله ﷺ	أول ما خلق الله تعالى العقل...
٤٤/٢	رسول الله ﷺ	أول ما خلق الله تعالى العقل...
١٤٤/١	رسول الله ﷺ	اياكم والظلم فإن الظلم ظلمات يوم القيامة...
٢٧١/١	امير المؤمنين عليه السلام	أيها الذائم المعتز بغرورها...
٢٦٥/١	رسول الله ﷺ	أيها الناس إن الله تبارك وتعالى طيب...
٢٣٤/٢	رسول الله ﷺ	آية المنافق ثلاث وإن صام وصلن وزعم أنه مسلم...
٢١٧/٢	رسول الله ﷺ	باب من العلم يتعلمه الرجل خير له من الدنيا...
٤٨٤/١	امير المؤمنين عليه السلام	البخل جامع مساوي الأخلاق...
٤١٠/١	امير المؤمنين عليه السلام	البخل عار والجبن منقصة...
٥٤٧/١	رسول الله ﷺ	البخل والكبر لا يجتمعان في مؤمن...
٩٢/٢	رسول الله ﷺ	البر حسن الخلق...
٢١٧/٢	رسول الله ﷺ	بروا آباءكم يبركم آباؤكم...
٢٩٦/٢	رسول الله ﷺ	بر الوالدين أحب إلى الله تعالى من عبادة ألف سنة...
٢١٧/٢	رسول الله ﷺ	بشر المشائين في ظلم الليل إلى المساجد...
٢٧٠/١	رسول الله ﷺ	بكى آدم أربعين عاماً وسجد أربعين عاماً...
٤٨٤/١	رسول الله ﷺ	بين الإسلام على خمس...
٢١٧/٢	رسول الله ﷺ	بين العالم والعابد مائة درجة...
٣٨٤/١	امير المؤمنين عليه السلام	تبارك الله من لا عقل يدركه ولا تصورته الأوهام والفكر...
٢١٧/٢	رسول الله ﷺ	تجافوا عن ذنب الشجر...

صفحه	معصوم	روایت
۲۱۷/۲	رسول الله ﷺ	تَحَبَّرُوا بِطُغْيَانِكُمْ فَإِنَّ الْعِزَّ نَزَّاعٌ
۲۹۶/۲	رسول الله ﷺ	تَزَكُّ الْعَيْبَةِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ عَشْرَةِ آلَافٍ رُكْعَةٍ
۲۹۶/۲	رسول الله ﷺ	تَزَكُّ لَقَمَةٍ مِنْ حَرَامٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ أَلْفَيْنِ رُكْعَةٍ
۳۶۴/۱	رسول الله ﷺ	تَعَسَّ عَبْدُ الدَّيْنَارِ...
۲۵۵/۱	رسول الله ﷺ	تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ جَهَنَّمَ الْبَلَاءِ وَذَلِكَ الشَّقَاءُ...
۲۱۷/۲	رسول الله ﷺ	تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ حُبِّ الْحَزَنِ...
۲۱۷/۲	رسول الله ﷺ	تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ خُسُوعِ التَّفَاقِي...
۱۷۶/۲	حسن مجتبی علیہ السلام	التَّفَكُّرُ حَيَاءٌ قَلْبِ الْبَصِيرِ...
۴۲/۲	رسول الله ﷺ	تَوَاضَعُ لِلْمُحْسِنِ وَإِنْ كَانَ عَبْدًا حَبِشِيًّا...
۲۷۶/۱	امیرالمؤمنین علیہ السلام	التَّوَدُّدُ يَضْفُ الْعَقْلُ
۴۱۱، ۲۷۳/۱	امیرالمؤمنین علیہ السلام	تَوَقُّوا الْبُرْدَ فِي أَوَّلِهِ وَتَلَقُّوهُ فِي آخِرِهِ...
۲۱۷/۲	رسول الله ﷺ	ثَلَاثٌ دَعَوَاتٌ مُسْتَجَابَاتٌ لَأَسْأَلُ فِيهِنَّ...
۲۲۷/۱	رسول الله ﷺ	ثَلَاثٌ لَا يَسْلَمُ مِنْهُنَّ...
۲۱۸/۲	رسول الله ﷺ	ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ: عَشِيَّةُ اللَّهِ فِي السَّرِّ...
۲۲۶/۱	رسول الله ﷺ	ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ وَثَلَاثٌ مُهْلِكَاتٌ...
۲۱۸/۲	رسول الله ﷺ	ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ آوَاهُ اللَّهُ فِي كَتِفِهِ...
۲۱۸/۲	رسول الله ﷺ	ثَلَاثٌ مُهْلِكَاتٌ: شَحَّ مَطَاعٌ...
۲۲۶/۱	رسول الله ﷺ	ثَلَاثَةٌ أَوْقَاتٌ يُسْتَجَابُ فِيهَا الدُّعَاءُ...
۲۱۸/۲	رسول الله ﷺ	ثَلَاثٌ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ...
۲۶۲/۱	رسول الله ﷺ	جَالِسِ الْعُلَمَاءَ وَصَاحِبِ الْحِكْمَاءَ وَخَالِطِ الْكِبْرَاءَ
۴۸۴/۱	رسول الله ﷺ	الْجَاهِلُ السُّخِيُّ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْعَابِدِ الْبَخِيلِ
۲۵۸/۱	رسول الله ﷺ	جَبِيلٌ وَلِيُّ اللَّهِ عَلَى الشَّعَاءِ وَحَسَنُ الْخَلْقِ...
۳۶۴/۱	رسول الله ﷺ	جُلُوسٌ سَاعَةٍ عِنْدَ عَالِمٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ...
۲۹۶/۲	رسول الله ﷺ	الْجُلُوسُ عِنْدَ الْعِيَالِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الْإِعْتِكَافِ...
۲۱۸/۲	رسول الله ﷺ	الْجَنَّةُ أَقْرَبُ إِلَى أَحَدِكُمْ مِنْ شِرَاكِ نَعْلِهِ وَالنَّارُ مِثْلُ ذَلِكَ
۲۱۸/۲	رسول الله ﷺ	الْجَنَّةُ دَارُ الْأَسْحِيَاءِ
۲۱۸/۲	رسول الله ﷺ	الْجَوَادُ مَنْ جَادَ بِحَقُوقِ اللَّهِ فِي مَالِهِ...

صفحة	معصوم	روایت
٥٩/١	رسول الله ﷺ	الجواد من أصاب المال من جلوه...
٦٥/١	رسول الله ﷺ	جوؤ عوا أنفسكم وأطموها وأغزوها
٢١٩/٢	رسول الله ﷺ	حُبُّ الجاهِ والمالِ يُنبِتَانِ النِّفاقَ...
١١٣/٢	رسول الله ﷺ	حُبُّ الدنيا رأس كل خطيئة
٢٢٧/١	امير المؤمنين عليه السلام	حَبِّبْ إِلَى مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثَ...
٢٥٩/١	رسول الله ﷺ	حُبُّكَ لِلنَّاسِ بِبُعْثِي وَيُعْبَهُ
٤٨٣/١	رسول الله ﷺ	الحَسَدُ يَأْكُلُ الحَسَنَاتِ كَمَا يَأْكُلُ النَّارُ الحَطَبَ...
٢١٩/٢	رسول الله ﷺ	حُسْنُ الظَّنِّ مِنْ حُسْنِ العِبَادَةِ
١٣٨/١	رسول الله ﷺ	حُسْنُ الخُلُقِ البَذْلُ والعَفْوُ...
١٣٨/١	رسول الله ﷺ	حُسْنُ خُلُقِ الرَّجُلِ أَنْ يُحَدِّثَ صَاحِبَهُ...
١٣٨/١	رسول الله ﷺ	حُسْنُ الخُلُقِ كَفُّ الأذى...
١١٠/٢	رسول الله ﷺ	حُسْنُ الخُلُقِ يَذِيبُ الذُّنُوبَ...
٢٣٣/١	رسول الله ﷺ	حُقُوقُ المُؤْمِنِ خَمْسَةٌ...
٢١٩/٢	رسول الله ﷺ	حَقُّ الوَالِدِ عَلَى الوَالِدِ أَنْ يُحْسِنَ اسْمَهُ...
٢٧٤، ٥١/١	امير المؤمنين عليه السلام	الحِكْمَةُ ضَالَّةُ المُؤْمِنِ...
٢٦٦/١	رسول الله ﷺ	الحَلَالُ شِئٌ الحَرَامُ شِئٌ وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ أُمُورٌ مُشْتَبِهَاتٌ
٤٠٥/١	رسول الله ﷺ	خَلُّوا أَنفُسَكُمْ بِالطَّاعَةِ...
٥٨/١	رسول الله ﷺ	الخَلِيمُ سَلِيمٌ وَ السَّعِيَّةُ كَلِيمٌ
٢١٩/٢	رسول الله ﷺ	الخَمَى حَطُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مِنَ النَّارِ
١٣٣/١	رسول الله ﷺ	الخِيَاءُ خَيْرٌ كُلَّهُ
٤٨٠/١	رسول الله ﷺ	الخِيَاءُ شُعْبَةٌ مِنَ الإِيمَانِ...
١٣٣/١	رسول الله ﷺ	الخِيَاءُ لِأَبَائِي إِلا بِخَيْرٍ
٢١٨/٢	رسول الله ﷺ	الخِيَاءُ مِنَ الإِيمَانِ وَ الإِيمَانُ فِي الجَنَّةِ...
٢٢١/١	رسول الله ﷺ	(حين بشر بقدم جعفر) مَا أَدْرِي بِأَيِّهِمَا أُسْرُ بِفَتْحِ خَيْرٍ أَمْ بِقَدُومِ جَعْفَرٍ
٢٩٧/٢	رسول الله ﷺ	(حين سئل رسول الله عن التسيب والتلهيل) ذاك عمل النساء
٢٩٧/٢	رسول الله ﷺ	(حين سئل رسول الله عن الصلاة) عمل العجايز

صفحة	معصوم	روايت
٢٩٧/٢	رسول الله ﷺ	(حين سنل رسول الله عن الصوم) عمل الضعفاء
٢٩٦/٢	رسول الله ﷺ	(حين سنل رسول الله عن قراءة القرآن) عمل المكفوفين
٢٧٨/٢	رسول الله ﷺ	(حين سنل رسول الله من أكيس الناس) أَكْثَرُهُمْ دَارًا لِلْمَوْتِ
٤٠٥/١	رسول الله ﷺ	(حين سنل عن اولياء الله) الَّذِينَ نَظَرُوا إِلَى بَاطِنِ الدُّنْيَا
٢٥٢/١	رسول الله ﷺ	(حين سنل عن زكاة الحمر) مَا أَنْزَلَ عَلَيَّ فِيهَا شَيْءٌ... (حين سنل عن «فاخلع نعليك») مَنْ قَالَ ذَلِكَ
١٧٨/٢	امير المؤمنين علي عليه السلام	فَقَدْ افْتَرَى عَلَى مُوسَى...
٢٧٤/١	امير المؤمنين علي عليه السلام	حُذِ الْحِكْمَةُ أَيُّ كَانَتْ...
٥٢/١	امير المؤمنين علي عليه السلام	حُذِ الْحِكْمَةُ أَيُّ كَانَتْ...
١٣٥/٢	رسول الله ﷺ	حُذِّ مِنْ الدُّنْيَا مَا صَغَا وَمِنْ العَيْشِ مَا كَفَا...
٢٦٨/١	رسول الله ﷺ	حُسْبِيَةُ اللَّهِ رَأْسُ كُلِّ حِكْمَةٍ...
٩٢/٢	رسول الله ﷺ	حُضَلَّتَانِ لِأَشْيَاءٍ أَفْضَلُ مِنْهُمَا...
٢٢٠/١	رسول الله ﷺ	حُضَلَّتَانِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي مُزْمِنِ الْبُخْلِ وَسُوءِ الْخُلُقِ
٧٦/١	رسول الله ﷺ	خَيْرٌ أُمَّتِي فِي كُلِّ قَرْيَةٍ خَمْسِمَائَةٍ...
٢١٩/٢	رسول الله ﷺ	خَيْرُ الذَّكَرِ الْخَصِيُّ وَخَيْرُ الرِّزْقِ مَا يَكْفِي
٢١٩/٢	رسول الله ﷺ	خَيْرُ الصَّدَقَةِ مَا كَانَ عَنْ ظَهْرِ غِنَى
٢١٩/٢	رسول الله ﷺ	خَيْرُ الطَّعَامِ مَا كَثُرَتْ بِهِ الْأَيْدِي
٢١٩/٢	رسول الله ﷺ	خَيْرُ بَيْوتِكُمْ تَبَتْ فِيهِ يَتِيمٌ مُكْرَمٌ
٢١٩/٢	رسول الله ﷺ	خَيْرُ سُبَابِكُمْ مَنْ تَشَبَّهَ بِكُھُولِكُمْ...
٢١٩/٢	رسول الله ﷺ	خَيْرُ الْمَجَالِسِ أَوْسَعُهَا
٢٩٦/٢	رسول الله ﷺ	دَرَّهَمٌ تُنْفِقُهُ عَلَى الْعِيَالِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى...
٢٢٠/٢	رسول الله ﷺ	الدُّعَاءُ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ لَا تَرُدُّ
٢٢٠/٢	رسول الله ﷺ	دَعْوَةُ الْعَزِيمِ الْمُسْلِمِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ مُسْتَجَابَةٌ...
٢٢٠/٢	رسول الله ﷺ	دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ مُسْتَجَابَةٌ وَإِنْ كَانَ فَاجِرًا...
١٣٥/٢	امير المؤمنين علي عليه السلام	الدُّنْيَا بِالْأَمْوَالِ وَالْآخِرَةُ بِالْأَعْمَالِ
٦٩/٢	امير المؤمنين علي عليه السلام	الدُّنْيَا جَيْفَةٌ...
٢٧٢/١	امير المؤمنين علي عليه السلام	الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ إِلَى دَارٍ مَقَرٍّ...

صفحة	معصوم	روايت
١١٤/٢	امير المؤمنين <small>عليه السلام</small>	الدنيا دار ممر لا دار مقر
٥٥٧/١	امير المؤمنين <small>عليه السلام</small>	الدنيا عجب وحقلة الناس اعجب...
٢٥٩/١	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	الدنيا ملعونة ملعون ما فيها الا ذكر الله تعالى
٤٠٩/١	امير المؤمنين <small>عليه السلام</small>	الدهر يومان يوم لك ويوم عليك...
٢١٩/٢	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	دينار انفقته في سبيل الله ودينار تصدقت به على مسكين...
٢١٩/٢	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	دين المرء عقله ومن لا عقل له لا دين له
٢٢٠/٢	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	ذاق طعم الايمان من رضى بالله رباً...
٢٢٠/٢	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	ذاكر الله في العافلين كالشجرة الخضراء في وسط الهشيم
٢٢٠/٢	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	ذروني ما تروكم فاما هلك من كان قبلكم بكثر وسؤالهم...
١٤٦/١	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	اذنب عبدي ذنباً عظيم ان له رباً يفر الذنب...
٢٢٦/٢	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	الذي يقرأ القرآن ويتعتق فيه...
٢٢٠/٢	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	راحة المؤمن في الدنيا ثلاث...
٢٢١/٢	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	رايت اكثر اهل النار النساء...
١٧٩/٢	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	رايت في المنام جدي عليه الصلاة والسلام يقول الدعاء... حسن مجتبي <small>عليه السلام</small>
١٣٨/١	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	ازيعة ينال بها الدرجات عند الله...
٢٢٠/٢	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	رحم الله رجلاً قام من الليل فصلى...
٥٤٥/١	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	رحم الله من أمسك الفضل من قوله...
٤١٠/١	امير المؤمنين <small>عليه السلام</small>	رسولك ترجمان عقلك وكتابك ابلغ ما ينطق عنك
٢٢١/٢	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	رضى الله في رضى الوالدين...
٤٠٩/١	امير المؤمنين <small>عليه السلام</small>	الرجبة مفتاح النصب والحسد مطيئة التعب
٢٩٦/٢	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	رغب تنصدق به احب الى الله من اربعمائة ركعة تطوع
١٤٤/٢	جعفر الصادق <small>عليه السلام</small>	رقت حاجتي وقصتي الى الله...
٧٢/١	من دعاء رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	رق جلدي ودف عظمي...
٢٢١/٢	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	رعتان يزكهما العبد في جنوب الليل الاخير...
١١٧/٢	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	الزاهدون في الدنيا الراغبون في الآخرة...
٢٢٠/٢	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	زكاة الجبين زكاة أمه
٢٢١/٢	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	الزهادة في الدنيا ليست بشعر يم الحلال...

صفحه	معصوم	روایت
۲۲۱/۲	رسول الله ﷺ	الرُّهْدُ فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ الْقَلْبَ وَالتَّبَدُّنَ ...
۲۲۱/۲	رسول الله ﷺ	الرُّهْدُ وَالزُّرْعُ يَجُولَانِ فِي الْقُلُوبِ كُلِّ لُبَّةٍ ...
۲۹۶/۲	رسول الله ﷺ	زِيَارَةُ الْإِخْوَانِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى ...
۴۲/۲	امير المؤمنين عليه السلام	زِيَارَةُ الصُّعَمَاءِ [ب] مِنَ التَّوَّاعِعِ ...
۶۵/۱	رسول الله ﷺ	زَيَّنُوا دِينَكُمْ بِالسُّخَاءِ وَحَسَّنِ الْخُلُقِ ...
۷۵/۱	رسول الله ﷺ	(سئل أي عرى الإيمان وثق) العوالة في الله والمحبة في الله ...
۲۲۹/۲	رسول الله ﷺ	(سئل حذيفه عن علم الباطن) قال ...
۶۶/۲	رسول الله ﷺ	(سئل أي الاعمال أفضل) حسن الخلق
۴۷۸/۱	رسول الله ﷺ	(سئل أي المؤمنین افضل) أحسنهم خلقاً
۵۳۸/۱	رسول الله ﷺ	(سئل عن الأيام) يوم السبت يوم مكر وخذيفه
۱۳۴/۱		(سئل على عليه السلام ابنه الحسن عليه السلام عن المروءة) الإغفاف وإصلاح المال
۷۰/۱	رسول الله ﷺ	(سئل عن افضل الاعمال) الحال المرتحل ...
۱۳۸/۱	رسول الله ﷺ	(سئل عن البر والائتم) البر حسن الخلق ...
۱۳۹/۱	امير المؤمنين عليه السلام	(سئل عن قوله تعالى «فاصفح الصفح الجميل») الرضا بغير عتاب ...
۱۳۸/۱	رسول الله ﷺ	(سئل ما خير ما اعطى الانسان) الخلق الحسن
۲۲۲/۲	رسول الله ﷺ	سَتْرُ مَا بَيْنَ أُغْيُنِ الْجِنَّ وَ عَوْرَاتِ بَنِي آدَمَ
۴۸۳/۱	رسول الله ﷺ	السَّخِيُّ قَرِيبٌ مِنَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ النَّاسِ ...
۲۷۵/۲	رسول الله ﷺ	سَدُّوا وَقَارِبُوا وَيَسْرُوا وَاسْتَعِينُوا ...
۲۲۲/۲	رسول الله ﷺ	سَلُّوا اللَّهَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَى فَإِنَّمَا تَسْأَلُونَ كَرِيماً
۲۲۲/۲	رسول الله ﷺ	سَلُّوا اللَّهَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ ...
۲۲۲/۲	رسول الله ﷺ	سَلُّوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنَّ اللَّهَ يَجِبُ أَنْ يُسَأَلَ
۲۷۶/۱	امير المؤمنين عليه السلام	سُوسُوا إِيمَانَكُمْ بِالصَّدَقَةِ ...
۱۱۱/۲	امير المؤمنين عليه السلام	سُوءُ الْخُلُقِيِّ يُفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الصَّبْرُ الْعَسَلَ
۲۲۲/۲	رسول الله ﷺ	سَيِّرُوا سَبَقَ الْمُفْرَدُونَ ...
۷۷/۱	رسول الله ﷺ	سَيِّرُوا سَبْرَ أَصْعَقِكُمْ
۲۲۲/۲	رسول الله ﷺ	السَّبْعُ مِنَ الْخَلَالِ يُطْفِئُ نُورَ الْيَقِينِ

صفحة	معصوم	روایت
٢٢٢/٢	رسول الله ﷺ	شِرَارُ أُمَّتِي الَّذِينَ عَدُوا بِالْبُغِيمِ...
٢٢٢/٢	رسول الله ﷺ	شِرَارُ عِبَادِ اللَّهِ الْعَشَاوُونَ بِالتَّوْبَةِ...
٢٢٢/٢	رسول الله ﷺ	شِرَارُ الْعُلَمَاءِ الَّذِينَ يَأْتُونَ الْأَمْرَاءَ...
٢٢٢/٢	رسول الله ﷺ	شَرُّ الشُّرَارِ شِرَارُ الْعُلَمَاءِ وَخَيْرُ الْخِيَارِ خِيَارُ الْعُلَمَاءِ
٢٢٢/٢	رسول الله ﷺ	شَرُّ الْعَمَى عَمَى الْقَلْبِ
٥٤٠/١	امير المؤمنين عليا	الشَّرْفُ بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ لَا بِالْأَصْلِ وَالنَّسَبِ
٤٠٨/١	امير المؤمنين عليا	شُقُوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسُفْنِ النُّجَاةِ...
٢٢١/١	رسول الله ﷺ	شَيْنَانٍ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي تَيْبٍ: الْغِنَى وَالرِّثَا
٢٢٠/١	رسول الله ﷺ	شَيْنَانٍ لَا يَعْرِفُ قَدْرَهُمَا إِلَّا بَعْدَ ذَهَابِهِمَا: الصُّحَّةُ وَالشُّبَابُ
٢٢٠/١	رسول الله ﷺ	السُّنَّحُ شَابٌ فِي شَيْنَيْنِ: حُبُّ الْمَالِ وَحُبُّ الْحَيَاةِ
٢٢٦/١	رسول الله ﷺ	السُّوْمُ فِي ثَلَاثَةٍ: فِي الدَّارِ وَالذَّائِبَةِ وَالْمَرْأَةِ...
٤١١/١	امير المؤمنين عليا	الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عَلَى مَا تَكْرَهُ وَصَبْرٌ عَلَى مَا تَحِبُّ
٤٨١/١	امير المؤمنين عليا	الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرُّؤْسِ مِنَ الْجَسَدِ
٢٢٣/٢	رسول الله ﷺ	صَدَقَةَ السَّرِّ تَغْفِي غَضَبَ الرَّبِّ
٢٢٣/٢	رسول الله ﷺ	صَلَاةُ الْقَاعِدِ عَلَى النُّصْبِ مِنْ صَلَاةِ الْقَائِمِ
٢٢٣/٢	رسول الله ﷺ	صَلَاةُ الْعَنَافِيقِينَ أَنْ يَجْلِسَ أَحَدُهُمْ حَتَّى إِذَا أَضْفَرَتِ السُّمُسُ...
٢٢٣/٢	رسول الله ﷺ	صَلَاةٌ عَلَى إِبْرِ صَلَاةٍ لَا تَقْوُ بَيْنَهُمَا كِتَابٌ فِي الْعَلِيِّينَ
٢٢٣/٢	رسول الله ﷺ	صَوْمٌ يَوْمٌ مِنْ شَهْرِ حَرَامٍ أَفْضَلُ مِنْ صَوْمِ ثَلَاثِينَ مِنْ غَيْرِهِ
٢٢٣/٢	رسول الله ﷺ	الصُّبُّ لَسْتُ أَكُلُّهُ وَلَا أَحْرَمُهُ
٢٢٣/٢	رسول الله ﷺ	صِرَاسُ الْكَافِرِ مِثْلُ أَحَدٍ...
٢٢٣/٢	رسول الله ﷺ	الصُّمَّةُ فِي الْقَبْرِ كَفَارَةٌ لِلْمُؤْمِنِ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ...
٢٢٣/٢	رسول الله ﷺ	الصُّبَاةُ عَلَى أَهْلِ الزُّبْرِ وَتَيْسَتْ عَلَى أَهْلِ الْمَدْرِ
٢٢٣/٢	رسول الله ﷺ	طَعَامُ الْجَوَادِ دَوَاءٌ وَطَعَامُ النَّجِيلِ دَاءٌ
٢٩٧/٢	رسول الله ﷺ	طَلَبُ الْعِلْمِ عَمَلُ الْأَبْطَالِ وَالصَّدَقَةُ عَمَلُ الْأَسْحِيَاءِ [ء]...
٢٦٩/٢	رسول الله ﷺ	طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ
٧٨/١	رسول الله ﷺ	طُوبَى لِلْمُنَاطِقِ فِي قَوْمٍ بِسَمْعُونِ كَلَامِهِ...
٢٢٣/٢	رسول الله ﷺ	طُوبَى لِمَنْ أَنْفَقَ مِنْ مَالِهِ أَكْتَسَبَهُ مِنْ غَيْرِ مَعْصِيَةٍ...

صفحة	معصوم	روایت
۵۴۶/۱	رسول الله ﷺ	طوبى لمن تواضع لله من غير منقصة...
۳۱۸/۱	رسول الله ﷺ	طوبى لمن تواضع من غير منقصة...
۲۲۳/۲	رسول الله ﷺ	طوبى لمن ذلت نفسه و حشمت خليفته...
۲۲۳/۲	رسول الله ﷺ	طوبى لمن هدى إلى الإسلام...
۲۲۴/۲	رسول الله ﷺ	طيب الرجال ما ظهر ريحُه و خفي لونه...
۵۴۱/۱	رسول الله ﷺ	عابد بلا علم كالجمار الطاخونة يدور ولا يترخ
۷۱/۱	رسول الله ﷺ	عادوا أنفسكم و احفظوا أوقاتكم
۱۷۶/۲	امير المؤمنين عليه السلام	الغافية عشرة أجزاء...
۲۷۳/۱	امير المؤمنين عليه السلام	عجبت للبحيل : يستعمل الفقر...
۲۷۴/۱	امير المؤمنين عليه السلام	عجبت لمن يعنط و معه الاستغفار
۴۱۰/۱	امير المؤمنين عليه السلام	العجز أفة و الصبر شجاعة...
۱۱۳/۲	امير المؤمنين عليه السلام	عش قنعا تكن ملكاً
۲۷۳/۱	امير المؤمنين عليه السلام	عظم الخالق عندك يصغر المخلوق في عينك
۴۰۹/۱	امير المؤمنين عليه السلام	العفاف زينة الفقر و الشكر زينة الغنى
۱۱۵/۲	رسول الله ﷺ	العقل نور يفرق بين الحق و الباطل
۲۲۴/۲	رسول الله ﷺ	علامة إغراض الله تعالى عن العبد اشتغاله بما لا يعنيه
۳۱۷/۱	رسول الله ﷺ	علامة إغراض الله تعالى عن العبد...
۲۲۶/۱	رسول الله ﷺ	علامة المناقب ثلاثة...
۱۳۸/۱	رسول الله ﷺ	علامة حسن الخلق الإنصاف ثم الفضل
۵۴۰/۱	امير المؤمنين عليه السلام	العلم خليل المؤمن
۲۲۴/۲	رسول الله ﷺ	العلم علمان : علم اللسان فذلك حجة الله على ابن آدم...
۲۲۴/۲	رسول الله ﷺ	علم لا يتفق ككفر لا يتفق منه
۵۴۰/۱	رسول الله ﷺ	العلم مصابيح القلوب و نور الأبصار...
۴۰۹/۱	امير المؤمنين عليه السلام	العلوم أربعة ، البغية للأديان...
۲۷۵/۲	رسول الله ﷺ	عليك بأوساط الأمور فإنها نجاة...
۵۵۱/۱	امير المؤمنين عليه السلام	عليكم بإقتناء الإخوان ، فهم عدة في الدين و الدنيا...
۲۲۴/۲	رسول الله ﷺ	عليكم بالدلجة فإن الأرض تطوى بالليل

صفحة	معصوم	روایت
٢٢٤/٢	رسول الله ﷺ	عَلَيْكُمْ بِقِيَامِ اللَّيْلِ فَإِنَّهُ دَأْبُ الصَّالِحِينَ قَبْلَكُمْ...
٩٢/٢	رسول الله ﷺ	عَلَيْكُمْ بِمَجَالِسَةِ الْعُلَمَاءِ...
٢٢٤/٢	رسول الله ﷺ	عَلَيْكُمْ مِنَ الْأَعْمَالِ مَا تُطِيقُونَ...
٢٢٤/٢	رسول الله ﷺ	عَمَلٌ قَلِيلٌ فِي سُنَّةٍ خَيْرٌ مِنْ عَمَلٍ كَثِيرٍ فِي بَدْعَةٍ
٢٢٤/٢	رسول الله ﷺ	الغَضَبُ بِمَسِدِ الْإِيمَانِ كَمَا بِمَسِدِ الصَّبْرِ الْعَسَلُ
٢٢٤/٢	رسول الله ﷺ	عَطُوا الْإِنَاءَ وَأَوْكُوا السَّقَاءَ...
٢٢٥/٢	رسول الله ﷺ	عَفِيرٌ لِامْرَأَةٍ مَرَّتْ بِكَلْبٍ عَلَى رَأْسِ رَكِيٍّ...
٤١١/١	امير المؤمنين عليه السلام	الغنى في الغزبية وطن والفقر في الوطن غزبة
٢٢٤/٢	رسول الله ﷺ	الغنى: اليأس عما في أيدي الناس
٢٢٠/٢	رسول الله ﷺ	فَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِشَيْءٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ...
٣٢٩/١	رسول الله ﷺ	فاضلترين اعمال چيست ؟ فرمود: خلق نيكو
٤١١/١	امير المؤمنين عليه السلام	فَاعِلُ الْخَيْرِ خَيْرٌ مِنْهُ وَفَاعِلُ الشَّرِّ شَرٌّ مِنْهُ
١٤٧/١	رسول الله ﷺ	فَإِنْ حَقَّ اللَّهُ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يَعْبُدُوهُ...
٦٩/٢	امير المؤمنين عليه السلام	الْفِتْوَةُ تَرُكُ كُلِّ شَيْءٍ فِيهِ لِلنَّفْسِ حَظٌّ...
٦٩/٢	امير المؤمنين عليه السلام	الْفِتْوَةُ تَوَاضَعُ عِنْدَ الدُّوَلَةِ...
١١٨/٢	رسول الله ﷺ	فَضَّلُ الْقُرَاءِ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ...
٧١/١	رسول الله ﷺ	أَفْضَلُ الْجِهَادِ أَنْ تُجَاهِدَ نَفْسَكَ...
٤١٠/١	امير المؤمنين عليه السلام	الْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفِعْطَانَ عَنِ حُجَّتِهِ...
٢٧٥/١	امير المؤمنين عليه السلام	الْفَقِيهَ كُلَّ الْفَقِيهِ مَنْ لَمْ يَقْبِضِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةٍ...
٥١٠/١	امير المؤمنين عليه السلام	الْفَقِيهَ الْوَاعِظُ هُوَ الَّذِي لَا يَقْبِضُ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ...
١٤٦/١	رسول الله ﷺ	فَلْيَفْعَلْ مَا شَاءَ أَيْ مَا دَامَ يَفْعَلُ...
٤١٣/١	رسول الله ﷺ	قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: أَعَدَدْتُ لِعِبَادِي الصَّالِحِينَ...
٢٢٥/٢	رسول الله ﷺ	قَدْ أَفْلَحَ مَنْ أَسْلَمَ وَرُزِقَ كَفَافًا وَقَنَّعَهُ اللَّهُ بِمَا آتَاهُ...
٤١٠/١	امير المؤمنين عليه السلام	قَدَّرَ الرَّجُلُ عَلَى قَدْرِ هَيْبَتِهِ
٢٢٥/٢	رسول الله ﷺ	الْقُرْآنُ غِنَى لَا فَقْرَ بَعْدَهُ وَلَا غِنَى كُونَهُ
٤١٠/١	امير المؤمنين عليه السلام	قُرْنَتِ الْهَيْبَةُ بِالْحَيِيَّةِ، وَالْحَيَاءُ بِالْجِزْمَانِ
٢٢٨/١	امير المؤمنين عليه السلام	فَصِرْ تَوْبِكَ فَإِنَّهُ أَنْفَى وَأَنْفَى وَأَنْفَى

صفحه	معصوم	روایت
٤٠٨/١	امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	الْقَضَاءُ أَرْبَعَةٌ ثَلَاثَةٌ فِي النَّارِ وَوَاحِدَةٌ فِي الْجَنَّةِ...
٢٩٦/٢	رسول الله <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	قَضَاءُ حَاجَةٍ أَرْبَعَةٌ أَحَبُّ إِلَيَّ إِلَهِي مِنْ ثَلَاثِينَ الْفَيْرِ كَعَبَةٍ
٤١١/١	امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	قُلُوبُ الرِّجَالِ وَخَشِيئَةٌ فَمَنْ نَالَهَا أَقْبَلَتْ إِلَيْهِ
١٣٤/٢	امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	الْقُلُوبُ ثَلَاثَةٌ أَنْوَاعٍ...
٢٧٦/١	امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	قِلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ
٢٢٥/٢	رسول الله <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	قَلِيلٌ مِنَ التَّوْفِيقِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ مِنَ الْعِلْمِ...
١١٣/٢	امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْقَدُ
٢٢٥/٢	رسول الله <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	قُولُوا خَيْرًا تَغْنَمُوا وَاسْكُتُوا عَنِ شَرِّ تَسْلَمُوا
٢٦٨/٢	امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	قَبِّدُوا الْعِلْمَ بِالْقَلَمِ...
٢٧٥/٢	رسول الله <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	كَانَتْ صُحُفٌ مَوْسَى كُلُّهَا عَيْبًا مِنْهَا...
٢٧٤/١	امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	كَانَ فِي الْأَرْضِ أَمَانًا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ...
٧٣/١	رسول الله <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	كَانَ يَخْتِي بِنَ زَكَرِيَّا <small>عليه السلام</small> أَطِيبَ النَّاسِ طَعَامًا...
٢٧٤/٢	امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	(كَانَ يَقُولُ حِينَ دَخَلَ الصَّلَاةَ) اتَّعَنِي الْأَمَانَةُ الَّتِي عَرَضْتَنِي...
١٧٧/٢	جعفر الصادق <small>عليه السلام</small>	كُتِبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ...
٢٣٤/٢	رسول الله <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	كُتِبَ اللَّهُ مَقَادِيرَ الْخَلَائِقِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ...
٢٢٢/١	جعفر الصادق <small>عليه السلام</small>	الْكِبْذُ مَذْمُومٌ إِلَّا فِي أَمْرَيْنِ...
١٣٦/١	رسول الله <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	أَكْرَمُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ
٢٢٦/٢	رسول الله <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	كَفَّارَةٌ مَنْ اغْتَبَيْتَهُ أَنْ تَسْتَغْفِرَ لَهُ
٣٢٠/١	امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	كَفَّارَةٌ هَمًّا عِلْمُكَ بِالْمَوْتِ
٩٤/٢	رسول الله <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	كَفْرَانُ التَّعْمَةِ لَوْ مِمْ وَصَحْبَةُ الْأَحْمَقِ شُومٌ
٢٢٥/٢	رسول الله <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	كَفَى بِالْمَرْءِ كِذْبًا أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا سَمِعَ...
٢٣٤/٢	رسول الله <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	كُلُّ شَيْءٍ يَقْدَرُ حَتَّى الْعَجْزِ وَالْكَئِيبِ
٥٤٦/١	رسول الله <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	كُلُّ كِذْبٍ مَكْتُوبٌ إِلَّا كِذْبَ الرَّجُلِ فِي الْحَرْبِ...
١٢٠/٢	رسول الله <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	كَلِمَتَانِ حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ...
٢٢٥/٢، ٢٥٣/١	رسول الله <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	كَلِمَتَانِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ...
٢٦٩/٢	رسول الله <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ
٢٦٩/٢	رسول الله <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	الْكَلِمَةُ الْحَكِيمَةُ ضَالَّةُ الْحَكِيمِ...

صفحة	معصوم	روايت
٢٢٥/٢	رسول الله ﷺ	كَلِمَةٌ مِنَ الْخَيْرِ يَسْمَعُهَا الْمُؤْمِنُ فَيَعْمَلُ بِهَا...
٢٣١/١	امير المؤمنين عليه السلام	كَمَالَ الْعِلْمِ فِي الْجِلْمِ وَجَمَالَ الْمَرْءِ فِي الْجِلْمِ
٢٧٧/١	امير المؤمنين عليه السلام	كَمْ مِنْ صَائِمٍ لَيْسَ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الظُّمَأُ...
٥٨/١	رسول الله ﷺ	كَمْ مِنْ عَزِيزٍ أَذَلَّهُ خُرْقُهُ وَذَلِيلٍ اعَزَّهُ خُلُقُهُ
٤٥١/١	امير المؤمنين عليه السلام	كُنْ حَافِظَ الْحَقِّوَقِ دَائِمَ الْفِكْرِ...
٢٦٨/١	رسول الله ﷺ	كُنْ وَرِعًا تَكُنْ أَعْبَدَ النَّاسِ...
٤٥١/١	امير المؤمنين عليه السلام	كَيْفَ تَمَنَعُ بِالْعِبَادَةِ مَنْ لَا يَصُومُ...
١٧٨/٢	تقى الجواد عليه السلام	كَيْفَ يَصْبِغُ مِنَ اللَّهِ كَافِلُهُ...
٤١٠/١	امير المؤمنين عليه السلام	لَا تَبْجَازَةَ كَالْعَمَلِ الصَّالِحِ...
٤٠٤/١	رسول الله ﷺ	لَا تَعْطُوا الْحِكْمَةَ غَيْرَ أَهْلِهَا...
٢٢٨/٢	رسول الله ﷺ	لَا حَقَّ لِابْنِ آدَمَ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ...
٢٥٤، ٢٥٣/١	رسول الله ﷺ	لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ كَثُرَ مِنْ كَثُورِ الْجَنَّةِ
٢٢٨/٢	رسول الله ﷺ	لَا رَاحَةَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ...
٩٣/٢	رسول الله ﷺ	لَا صَغِيرَةَ مَعَ الْإِضْرَارِ وَلَا كَبِيرَةَ مَعَ الْإِسْتِغْفَارِ
٢٦٨/١	رسول الله ﷺ	لَا عَرَفَ آيَةَ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَوْ أَخَذَ النَّاسُ كُلُّهُمْ...
٢٧٥/١	امير المؤمنين عليه السلام	لَا مَالَ أَعْوَدَ مِنَ الْعَقْلِ...
١١٥/٢	امير المؤمنين عليه السلام	لَا مَرَضَ أَضْنَى مِنْ قَلْبِ الْعَقْلِ
٢٧٣/١	امير المؤمنين عليه السلام	لَا تُسَبِّحَنَّ الْإِسْلَامَ نِسْبَةً لَمْ يَنْسِبْهَا أَحَدٌ قَبْلِي...
٢٢٦/٢	رسول الله ﷺ	لَآنَ يَتَصَدَّقُ الْمَرْءُ فِي حَبَابِهِ بِدِرْهَمٍ...
٤٨٢/١	رسول الله ﷺ	لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنَ الْكِبْرِ
٤٧٩/١	رسول الله ﷺ	لَا يَزَالُ اللَّهُ فِي حَاجَةِ الْعَبْدِ...
٧٨/١	رسول الله ﷺ	لَا يَزَالُ اللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ...
٢٢٨/٢	رسول الله ﷺ	لَا يَزُولُ قَدَمَا ابْنِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ خُمْسٍ...
٢٧٧/٢	رسول الله ﷺ	لَا يَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ ثَلَاثٍ...
٢٧١/١	امير المؤمنين عليه السلام	لَا يَسْتَقِيمُ الْحَوَانِجُ إِلَّا بِثَلَاثٍ...
٢٧٥/١	امير المؤمنين عليه السلام	لَا يَقِيلُ عَمَلٌ مَعَ تَقْوَى...
٤٠٣/١	رسول الله ﷺ	لَا يَكْتُبُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ حَتَّى يَسَلَّمَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ...

صفحة	معصوم	روایت
٤٠٢/١	رسول الله ﷺ	لَا يَكْمَلُ لِلْعَبْدِ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ خَمْسٌ خِصَالٍ... رسول الله ﷺ
٤١١، ٢٧٢/١	امير المؤمنين عليا	لَا يَكُونُ الصُّدِيقُ صَدِيقًا حَتَّى يَحْفَظَ أَخَاهُ فِي ثَلَاثٍ... امير المؤمنين عليا
٢٦٦/١	رسول الله ﷺ	لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا إِلَّا يَرْضَى لِأَخِيهِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ رسول الله ﷺ
٢٢٨/٢	رسول الله ﷺ	لَا يَنْظُرُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَى ثَلَاثٍ... رسول الله ﷺ
٣٨٥/١	رسول الله ﷺ	لَا يُوْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ رسول الله ﷺ
٤٥/٢	امير المؤمنين عليا	إِسَانُ الْعَاقِلِ فِي قَلْبِهِ امير المؤمنين عليا
٤٢/٢	حسين عليا	لَسْتُ بِعَظِيمٍ وَلَكِنِّي عَزِيزٌ حسين عليا
٢٧٢/٢	رسول الله ﷺ	لِكُلِّ شَيْءٍ دَعَامَةٌ وَدَعَامَةُ الْمَرْءِ عَقْلُهُ... رسول الله ﷺ
٥٠٤/١	رسول الله ﷺ	لِكُلِّ شَيْءٍ مِفْتَاحٌ وَمِفْتَاحُ الْجَنَّةِ حُبُّ الْمَسَاكِينِ... رسول الله ﷺ
١٧٨/٢	حسن عسكري عليا	لِلشَّحَاءِ مِقْدَارٌ، فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ سَرْفٌ... حسن عسكري عليا
٤٤/٢	رسول الله ﷺ	لَمَوْتُ أَلْفِ عَابِدٍ أَيْسَرُ عِنْدَ اللَّهِ... رسول الله ﷺ
٧١/١	رسول الله ﷺ	لَمْ يَكُنْ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِالْمُنْحَرِفِينَ... رسول الله ﷺ
٥٠٥/١	رسول الله ﷺ	لَنْ يَنْجِيَ أَحَدًا مِنْكُمْ عَمَلُهُ... رسول الله ﷺ
١١٧/٢	رسول الله ﷺ	لَوْ صَلَّيْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْحَتَّانِيَا... رسول الله ﷺ
٣١٩/١	رسول الله ﷺ	لَوْ كَانَ لِرَجُلٍ ذِي حَاجَةٍ... رسول الله ﷺ
٢٥٥/١	رسول الله ﷺ	اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي... رسول الله ﷺ
٧٢/١	رسول الله ﷺ	اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَأَجْعَلْنِي بِالرُّفِيقِ الْأَعْلَى رسول الله ﷺ
٢٧٠/١	امير المؤمنين عليا	اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْلَمُ بِي مِنْ نَفْسِي... امير المؤمنين عليا
٢٩١/١	امير المؤمنين عليا	اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْسَ الْأَنْسِينَ بِأَوْلِيَانِكَ... امير المؤمنين عليا
٢٥٦/١	رسول الله ﷺ	اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ... رسول الله ﷺ
٢٥٦/١	رسول الله ﷺ	اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْهَرَمِ... رسول الله ﷺ
٢٥٦/١	رسول الله ﷺ	اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ... رسول الله ﷺ
٢٥٥/١	رسول الله ﷺ	اللَّهُمَّ بِكَ أَسْلَمْتُ وَبِكَ أَمِنْتُ... رسول الله ﷺ
٢٨٦/١	امير المؤمنين عليا	اللَّهُمَّ ذَا جِي الْمَذْحُوتِ وَذَا عِمِّ الْمَسْمُوكَاتِ... امير المؤمنين عليا
٢٥٦/١	رسول الله ﷺ	اللَّهُمَّ زِدْنَا وَلَا تَقْصُصْنَا وَأَكْرِمْنَا وَلَا تَهِنْنَا... رسول الله ﷺ
١٣٥/٢	زين العابدين عليا	لِي حَاجَةٌ فَعَرَّضْتُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى... زين العابدين عليا
٧٩/١	رسول الله ﷺ	لَيْسَ الْإِيمَانُ بِالثَّمَنِ وَلَا بِالْتَحْلِ... رسول الله ﷺ

صفحة	معصوم	روایت
١٨٥/٢	رسول الله ﷺ	لَيْسَ الصَّبْرُ لِمَنْ آتَاهُ...
٣١٩/١	رسول الله ﷺ	لَيْسَ يَتَحَسَّرُ أَهْلُ الْجَنَّةِ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا...
٢٦٩/١	رسول الله ﷺ	لَيْلَةٌ عَرَّجَ بِهَا إِلَى السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ...
٣٣١/١	امير المؤمنين عليه السلام	لَيْتَ قَوْلِكَ تُحِبُّكَ
٤٠٩/١	امير المؤمنين عليه السلام	مَا أَحْسَنَ تَوَاضَعِ الْأَعْيَانِ بِالْمَقْرَأِ...
٤١١/١	امير المؤمنين عليه السلام	مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَطَاتِ لِسَانِهِ...
٥٤٤/١	رسول الله ﷺ	مَا اكْتَسَبَ أَحَدٌ أَفْضَلَ مِنْ عَقْلِ يَهْدِيهِ إِلَى هُدًى...
٢٧١/٢	رسول الله ﷺ	مَا اكْتَسَبَ الْمَرْءُ مِثْلَ عَقْلِ يَهْدِيهِ صَاحِبَهُ...
٤٠٧/١	امير المؤمنين عليه السلام	مَا أَحَقُّ بِاللُّبِّبِ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَرْبَعُ سَاعَاتٍ...
٧٨/١	رسول الله ﷺ	مَا تَصَدَّقَ رَجُلٌ بِصَدَقَةٍ أَكْبَرَ مِنْ أَجْرٍ عِنْدَ اللَّهِ...
١٣٨/١	رسول الله ﷺ	مَا حَسَنَ اللَّهُ خَلْقَ عَبْدٍ وَخَلْقَهُ...
٩٢/٢	رسول الله ﷺ	(ما خير ما أعطى الناس) حسن الخلق
١١٣/٢	رسول الله ﷺ	مَا ذُتِّبَانِ جَانِعَانِ أُرْمِلَا فِي عَنَمٍ فَأَنْسَدُوهُمَا...
٣١٨/١	رسول الله ﷺ	مَا زَرِقَ الْعَبْدُ رِزْقًا أَوْسَعَ عَلَيْهِ مِنَ الصَّبْرِ
٢٧٦/٢	رسول الله ﷺ	مَا مِنْ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَمَلًا فَيَقْطَعُهُ عَنْ ذَلِكَ الْعَمَلِ مَرَّضٌ...
٢٢٦/٢	رسول الله ﷺ	مَثَلُ أُمَّتِي كَالْمَطَرِ لَا يَذْرَى أَوْلُهُ خَيْرٌ أَمْ آخِرُهُ
٢٢٦/٢	رسول الله ﷺ	مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَ فِيهَا نَجَا...
٢٢٦/٢	رسول الله ﷺ	مَثَلِي وَمَثَلُ الْأَنْبِيَاءِ كَمَثَلِ قَصْرِ أَخِيْسَ بَنِيانَةَ...
٦٩/٢	امير المؤمنين عليه السلام	مُجَالَسَةُ الْعَالِمِ حَيْثَمَةٌ...
٢٢٦/٢	رسول الله ﷺ	الْمُجَاهِدُونَ أَرْبَعَةٌ : طَالِبُ الْعِلْمِ وَالْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ...
٩٦/٢	رسول الله ﷺ	الْمُحِبَّةُ أَسَاسُ الْمَعْرِفَةِ...
٢٢٧/٢	رسول الله ﷺ	مَزَزْتُ عَلَى مُوسَى لَيْلَةً أُسْرِي بِهَا عِنْدَ الْكَيْبِ الْأَخْمَرِ...
٦٩/٢	امير المؤمنين عليه السلام	الْمَرْوَةُ أَوْلَى طَلَاقَةَ الْوَجْهِ...
٧٢/١	رسول الله ﷺ	الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ...
٢٢١/١	رسول الله ﷺ	الْمُسْلِمُونَ سُزُكَاةٌ فِي شَيْئَيْنِ : الْمَاءِ وَالْكَلَاءِ
٧٠/٢	رسول الله ﷺ	الْمَعْرِفَةُ رَأْسُ مَالِي وَالْعَقْلُ أَصْلُ دِينِي...
٩٤/٢	رسول الله ﷺ	الْمُعْرِضُ بِالتَّعْصِيرِ أَبَدًا مَحْمُودٌ...

صفحة	معصوم	روایت
٣٠٣/٢	رسول الله ﷺ	مَكْتُوبٌ عَلَى قَبْرِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ...
٢٢١/١	رسول الله ﷺ	مَلَكَ الدُّنْيَا مُؤْمِنًا وَكَافِرًا...
٤٧٨/١	رسول الله ﷺ	مَنْ أَتَاهُ اللَّهُ زُهْدًا وَتَوَاضَعًا...
٢٣٨/١	رسول الله ﷺ	مَنْ أَخَذَتْ فِي أَمْرِنَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ
٤٠٤/١	رسول الله ﷺ	مَنْ أَحْسَنَ سِرِّيَّتَهُ أَصْلَحَ اللَّهُ عِلَاقَتَهُ...
٤٠٤/١	رسول الله ﷺ	مَنْ أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ...
١٨٤/٢	رسول الله ﷺ	مَنْ أَحْبَبَ أَرْضًا مِثْلَةَ فَيْهِ لَهْ
٣١٨/١	رسول الله ﷺ	مَنْ أَذْنَبَ ذَنْبًا فَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَفَى عَنْهُ...
٣١٨/١	رسول الله ﷺ	مَنْ أَذْنَبَ فِي الدُّنْيَا ذَنْبًا فَعُوقِبَ بِهِ...
١٧٦/٢	رسول الله ﷺ	مَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا فَلْيَتَّجِرْ...
٤٠٤/١	رسول الله ﷺ	مَنْ أَرْضَى النَّاسَ بِسَخَطِ اللَّهِ...
٤٩٠/١	رسول الله ﷺ	مَنْ أَسْرَّ أَحْسَنَ الْمُسْلِمِ أَسْرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
٤٩٠/١	رسول الله ﷺ	مَنْ أَصْبَحَ آمِنًا فِي سِرِّيهِ...
٩٤/٢	رسول الله ﷺ	مَنْ أَصْبَحَ وَهُوَ لِأُمُورِ الدُّنْيَا حَزِينًا...
٩٤/٢	رسول الله ﷺ	مَنْ أَصْبَحَ وَهُوَ يَشْكُو عَنْ ضَيْقِ الْمَعَاشِ...
٢٧٤/١	امير المؤمنين عليه السلام	مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ...
٢٧٢/١	امير المؤمنين عليه السلام	مَنْ أُعْطِيَ أَرْبَعٌ لَمْ يُحْرَمِ أَرْبَعٌ...
٤٠٣/١	رسول الله ﷺ	مَنْ انْقَطَعَ إِلَى اللَّهِ كِفَاهَهُ اللَّهُ كُلُّ مَوْتَةٍ...
٤٠٩/١	امير المؤمنين عليه السلام	مَنْ بَالَغَ فِي الْحُصُومَةِ أَيْمٌ وَمَنْ قَصُرَ فِيهِ ظَلَمَ
٤٨٢/١	رسول الله ﷺ	مَنْ تَعَطَّمَ فِي نَفْسِهِ وَاحْتَالَ فِي مَشِيئِهِ...
٩٤/٢	رسول الله ﷺ	مَنْ تَوَاضَعَ عَيْنًا لِعِنَاةِ ذَهَبَ اللَّهُ بِثَلَاثِ دِينِيهِ
١٤٣/١	رسول الله ﷺ	مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ
٣١٨/١	رسول الله ﷺ	مَنْ جَاوَزَ الْأَرْبَعِينَ وَلَمْ يَغْلِبْ خَيْرُهُ شَرُّهُ...
٢٥٤/١	رسول الله ﷺ	مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا فَكَثُرَ فِيهِ لَعْنَةٌ...
٤٠٣/١	رسول الله ﷺ	مَنْ حَاوَلَ أَمْرًا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ...
٨٠/١	رسول الله ﷺ	مَنْ أَخَذَتْ فِي دِينِهَا مَا لَيْسَ فِيهِ فَهُوَ رَدٌّ
٣٨٥، ٢٦٦/١	رسول الله ﷺ	مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْعَزْرَةِ تَرْكُهُ مَا لَا يَنْبَغِيهِ

صفحة	معصوم	روایت
١١١/٢	امير المؤمنين <small>عليه السلام</small>	مَنْ حَسَنَ تَعَلُّقَهُ بِسْتِرَاحٍ وَرَاحٍ
٣١٨/١	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	مَنْ حَفِظَ مَا بَيْنَ لَيْحَتَيْهِ وَرَجْلَيْهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ
١١٩/٢	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	مَنْ خَافَ اللَّهَ خَوْفَ اللَّهِ مِنْهُ كُلَّ شَيْءٍ...
٥٠٨/١		(من دعاء مزين العابدين <small>عليه السلام</small>) اللهم اغزرت النجوم ونامت العيون...
٥١/١	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	مَنْ رَجَعَ بِالنِّسْبِ وَالصُّحْبَةِ إِلَيْهِ...
٧٣/١	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	مَنْ رَغِبَ عَنِ سُئِي فَلَيْسَ مِنِّي
٣١٩/١	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	مَنْ سَتَرَ عَلَيَّ أَحِبَّهُ سَتَرَهُ اللَّهُ...
٧٦/١	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	مَنْ سَرَتْهُ حَسَنَةٌ وَسَاءَتْهُ سَيِّئَةٌ فَهُوَ مُؤْمِنٌ
١٤١/١	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَطْلُبُ فِيهِ عِلْمًا...
٣١٨/١	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	مَنْ صَدَّقَ اللَّهَ نَجَا وَمَنْ عَرَفَهُ انْقَمَى...
٤٠٣/١	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	مَنْ طَلَبَ مَخَايِدَ النَّاسِ بِمَعَاصِي اللَّهِ...
٣٣٢/١	امير المؤمنين <small>عليه السلام</small>	مَنْ عَذَّبَ لِسَانَهُ كَثُرَ إِخْوَانُهُ
٢٨٢/٢	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	مَنْ عَظُمَتْ نِعْمَةُ اللَّهِ عِنْدَهُ وَعَظُمَتْ مُرَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِ...
٤٠٩/١	امير المؤمنين <small>عليه السلام</small>	مَنْ عَظُمَ صِغَارُ الْمَصَائِبِ ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِكِبَارِهَا
٤٠٤/١	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	مَنْ عَمِلَ لِآخِرَتِهِ كَفَاهُ اللَّهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ...
٢٥٣/١	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ وَحِينَ يُمَسِي...
٢٥٤/١	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَدَّهُ لِأَشْرِيكَ لَهُ...
١٣٢/١	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	مَنْ قَالَ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ بَعْنَى حِينَ أَحْسَنَ إِلَيْهِ...
٣١٩/١	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	مَنْ كَانَ فِي حَاجَةٍ أَحِبَّهُ...
٩٣/٢	امير المؤمنين <small>عليه السلام</small>	مَنْ كَانَ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ كَانَتْ الْجَنَّةُ فِي طَلَبِهِ...
٣٨٥, ٧١/١	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيصمت...
٤٠٩/١	امير المؤمنين <small>عليه السلام</small>	مَنْ كَثُرَتْ نِعْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَثُرَتْ خَوَائِجُ النَّاسِ إِلَيْهِ...
١٤٠/١	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	مَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى أَنْ يُنْفِذَهُ...
٧٠/١	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	مِنْ كُتُوبِ الْبِرِّ كِتْمَانُ الْمَصَائِبِ
٣٣٢/١	امير المؤمنين <small>عليه السلام</small>	مَنْ لَانَتْ كَلِمَتُهُ وَجَبَتْ مَحَبَّتُهُ
٦٤/١	رسول الله <small>صلى الله عليه وسلم</small>	مَنْ لَمْ يَأْمَنْ جَارَهُ بِوَالِدِهِ فَلَيْسَ مِنَّا

صفحة	معصوم	روایت
٢٦٨/١	رسول الله ﷺ	مَنْ لَمْ يُبَالِ مِنْ أَيْنَ مَطْعَمُهُ وَمَشْرَبُهُ...
٢٥٥/١	رسول الله ﷺ	مَنْ نَزَلَ مِنْزِلًا لَمْ يَقَالَ...
٣١٩/١	رسول الله ﷺ	مَنْ نَصَرَ أَخَاهُ يَظْهَرِ الْغَيْبُ...
٢٢٠/١	رسول الله ﷺ	مَنْهُمَا نِ لَأَيْتِبَعَانِ طَالِبُ الْعِلْمِ وَطَالِبُ الْمَالِ
٣٣٢/١	امير المؤمنين عليه السلام	مَهْلِكَةُ الْمَرْءِ حَيْدَةُ طَبِيبِهِ
٢٦٢/١	رسول الله ﷺ	الْمُؤْمِنُ إِذَا مَاتَ وَتَرَكَ وَرَقَةً وَاحِدَةً عَلَيْهَا عِلْمٌ...
٤٠٩/١	امير المؤمنين عليه السلام	الْمُؤْمِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَحُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ
٤٩٠/١	رسول الله ﷺ	الْمُؤْمِنُ الَّذِي يَخَالِطُ النَّاسَ وَيَصْبِرُ عَلَى أَذَاهُمْ...
٦٤/١	رسول الله ﷺ	الْمُؤْمِنُ مَنْ آمَنَهُ النَّاسُ...
٥٨/١	رسول الله ﷺ	الْمُؤْمِنُونَ هَيِّنُونَ
١٧٨/٢	علي النقي عليه السلام	النَّاسُ فِي الدُّنْيَا بِالْأَمْوَالِ وَفِي الْآخِرَةِ بِالْأَعْمَالِ
٢٢٧/٢	رسول الله ﷺ	نَحْنُ الْآخِرُونَ مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْأَوَّلُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...
٢٦٢/١	رسول الله ﷺ	نَظَرُ الْعَالِمِ فِي الْعِلْمِ مُتَكَبِّرًا عَلَى فِرَاشِهِ...
٣٦٥/١	رسول الله ﷺ	النَّظَرُ إِلَى الْعُلَمَاءِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ...
٢٢٧/٢	رسول الله ﷺ	يَنْعَمُ الشَّيْخُ الْقُرْآنَ لِيَصَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
٤١٠/١	امير المؤمنين عليه السلام	يَنْعَمُ الْقَرِيبُ الرِّضَا وَالْعِلْمُ
٢٢٠/١	رسول الله ﷺ	يَنْعَمَانِ مَغْبُوطٍ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ الصُّحَّةُ وَالْفِرَاعُ
٢٢٧/٢	رسول الله ﷺ	نَفْسُ الْمُؤْمِنِ مَعْلُوقَةٌ بِدِينِهِ حَتَّى يَنْقُضَ عَنْهُ
٢٢٧/٢	رسول الله ﷺ	تَوَرُّ الْجِحْمَةِ الْجُوعُ وَالتَّبَاعُدُ مِنَ اللَّهِ الشُّبْحُ...
٥٤١/١	رسول الله ﷺ	تَوْمُ الْعَالِمِ خَيْرٌ مِنْ طَاعَةِ الْجَاهِلِ
٢٢٧/٢	رسول الله ﷺ	تَوْمُ الْعَالِمِ عِبَادَةٌ وَنَفْسُهُ تَسْبِيحٌ
٢٣٨/١	رسول الله ﷺ	وَإِضَاعَةُ الْمَالِ وَكَثْرَةُ السُّؤَالِ هُوَ...
٤١١/١	امير المؤمنين عليه السلام	وَالْقِرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السُّحَابِ فَأَنْتَهَرُوا فَرَصَ الْخَيْرِ
٢٢٧/٢	رسول الله ﷺ	وَاللَّيْنِيُّ لَا يَسْتَعْفِرُ اللَّهَ وَاتُّوبُ إِلَيْهِ...
٢٢٧/٢	رسول الله ﷺ	وَاللَّهُ لَا أَذْرِي وَآتَا رَسُولُ اللَّهِ مَا يَفْعَلُ بِهِ وَلَا يَكْفُرُ
٤٠٨/١	امير المؤمنين عليه السلام	وَإِنَّمَا سُمِّيَتْ الشُّبْهَةُ شُّبْهَةً...
١٧٧/٢	موسى كاظم عليه السلام	وَجَدْتُ عِلْمَ النَّاسِ فِي أَرْبَعٍ...

صفحة	معصوم	روایت
٣٣١/١	امير المؤمنين عليه السلام	وَرَأْسُ الْعِلْمِ الرَّفِيقُ
٢٢٧/٢	رسول الله ﷺ	الرُّسُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ يَنْبِئُ النَّفْسَ...
٢٢٧/٢	رسول الله ﷺ	وَعَدَنِي رَبِّي أَنْ يُدْخِلَ الْجَنَّةَ مِنْ أُمَّتِي سَبْعِينَ أَلْفًا...
٢٧٨/٢	رسول الله ﷺ	(وعظ النبي رجل) أقلل من الدنيا يهين عليك الموت...
٧٣/١	رسول الله ﷺ	وَلَا أَنَا إِلَّا أَنْ يَتَّعَمِدَنِي اللَّهُ...
٢٢٧/٢	رسول الله ﷺ	الْوَلَدُ مَجْبُوتٌ مَبْخَلَةٌ مَحْزَنَةٌ
٢٢٨/٢	رسول الله ﷺ	هَدِيَّةُ اللَّهِ إِلَى الْمُؤْمِنِ: السَّائِلُ عَلَى بَابِهِ
٢٢٨/٢، ٢٧٧/١	رسول الله ﷺ	الْهَمُّ نِصْفُ الْهَرَمِ
٢٧٣/١	امير المؤمنين عليه السلام	يَا أَهْلَ الدِّيَارِ الْمُوحِشَةِ وَالْمَحَلِّ الْمُقْفِرَةِ...
٤١١/١	امير المؤمنين عليه السلام	يَابْنَ آدَمَ إِذَا رَأَيْتَ رَبِّكَ سُبْحَانَهُ تَتَابَعِ عَلَيْكَ بَعْمَهُ...
٤٠٤/١	رسول الله ﷺ	يَابْنَ آدَمَ تَوْبِي كُلِّ يَوْمٍ بِرِزْقِكَ...
٥٥٧/١	رسول الله ﷺ	يَا زَيْدُ! تَزَوَّجْ فَإِنَّ فِي التَّزْوِيجِ بَرَكَةً...
١٤٣/١	رسول الله ﷺ	يَا عِبَادِي! إِنِّي حَرَمْتُ الظُّلْمَ...
٤٤/٢	رسول الله ﷺ	يَا عَلِيُّ! إِذَا تَقَرَّبَ النَّاسُ عَلَيَّ بِأَنْوَاعِ التَّجَرُّ...
٤١٢/١	امير المؤمنين عليه السلام	يَا كَمِيلَ بْنَ زَيْدٍ! إِنْ هَدِيَهُ الْقُلُوبُ أَوْجِيئَهُ...
١١٠/١	رسول الله ﷺ	يَا مَعَاذَ أَوْصِيكَ بِقَوْلِي اللَّهِ...
٢٧١/١	امير المؤمنين عليه السلام	يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَقْرَبُ فِيهِ إِلَّا الْمَاجِلُ...
٢٧١/١	امير المؤمنين عليه السلام	يَخْشَعُ لَهُ الْقَلْبُ وَتَذِلُّ بِهِ النَّفْسُ...
٤٨٣/١	رسول الله ﷺ	يَذْعَلُ الْعُلَمَاءُ جَهَنَّمَ لِلْحَسَدِ
٣١٩/١	رسول الله ﷺ	يَطْبِيعُ الْمُؤْمِنُ عَلَى كُلِّ خَلْقٍ...
١٣٥/٢	رسول الله ﷺ	يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى...
٢٧٤/٢	رسول الله ﷺ	يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: يَا ابْنَ آدَمَ! مَا أَنْصَفْتَنِي...
٣٠١/٢	رسول الله ﷺ	يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: يَا ابْنَ آدَمَ! مَا تَنْصِفُنِي...
٥٤١/١	رسول الله ﷺ	يُكْتَبُ خَطَابَاتُهُ فِي مَدَّةِ عَمْرِهِ
٢٧٧/١	امير المؤمنين عليه السلام	يُنزَلُ الصَّبْرُ عَلَى قَدْرِ الْمُصِيبَةِ...
١٧٧/٢	جعفر الصادق عليه السلام	يَهْلِكُ اللَّهُ سَيِّئًا بِسَيِّئٍ...



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فهرست نام اشخاص

ابن مسعود ۱۳۸/۱، ۲۵۲، ۱۱۴/۲، ۳۶۱، ۳۶۸	ابن ابی ملیکه ۵۵۹/۱	(۱)
ابن معاویه ۲۷۸/۱	ابن اسحاق ۱۳۲/۲	آدم <small>عليه السلام</small> ۱۷۵/۱، ۳۷۵، ۵۱۰
ابن معتر ۲۷۸/۲، ۲۲۳/۱	ابن اعرابی ۲۲۴/۱	۱۳۴، ۱۳۱/۲
ابن مقفع ۵۴۷/۱	ابن جلاء ۳۶۴/۲	آمنه ۳۵۷/۱
ابن ملجم ۲۹۲/۱	ابن الجوزی ۱۳۲/۲	(۱)
ابن هبیره ۱۳۷/۱	ابن حمدون ۲۲۴/۱	اباحفص ۲۱۶/۲
ابن یمن ۳۱۵، ۳۱۴، ۳۰۴/۱	ابن الحواری ۲۲۳/۱	اباعبید ۲۳۸/۱
ابو اسحاق فیروزآبادی ۲۴۲/۱	ابن الخیر ۲۲۳/۱	ابالغناهیة ۲۶۲/۱
ابو اسحاق نظام ۲۲۴/۱	ابن رومی ۱۳۱/۲، ۲۲۳/۱	اباقراس ۱۵۶/۱
ابوبکر ۱۶۵، ۱۳۱، ۸۲، ۷۰/۱	ابن السمک ۱۴۳/۲	ابالغوارس شاه شجاع ۲۴۶/۱
۲۲۷، ۲۵۸، ۳۲۰، ۳۸۰، ۳۸۵	ابن سینا ۳۶۱/۱	اباهریر ۳۵۱/۲
۲۱۶، ۱۵۲، ۹۵، ۹۳، ۳۴/۲، ۵۴۵	ابن شبرمه ۲۷۵/۲	ابایوسف ۱۴۲/۱
۳۰۶، ۲۳۶	ابن شمعون ۲۲۲/۱	ابراهیم <small>عليه السلام</small> ۱۱۶/۱، ۱۴۹، ۲۷۰
ابوبکر بن عفان ۵۱۱/۱	ابن عائشة ۲۲۹/۱	۳۷۱، ۴۴۳، ۷۲/۲، ۹۶، ۱۳۲
ابوبکر خوارزمی ۲۳۰/۱	ابن عباده ۲۷۵/۲	۱۳۳، ۲۳۲، ۲۶۹، ۲۸۱، ۲۸۳
ابوبکر رضی ۱۶۵/۱	ابن عباس = عبدالله بن عباس	ابراهیم بن احمد بن محمد بن
ابوجعفر منصور ۵۱۲/۱	ابن العطاء ۳۵۰/۲	ابن رجاء ۵۰۴/۱
ابوجهل بن هشام ۵۰۹/۱	ابن عمر ۵۰۴، ۴۰۲، ۳۶۴/۱	ابراهیم بن ادھم ۴۵۰/۱
ابوجهم بن حذیفه ۳۸۸/۲	ابن عمران ۹۳، ۷/۱	ابراهیم بن عبدالله قاضی ۱۰۶/۲
ابوحازم ۲۷۶/۲	ابن عمرو ۱۸۴/۲، ۷۵/۱	ابراهیم مهدی ۱۲۴/۱
ابوالحسن قوشچی ۲۲۹/۲	ابن فارض ۳۴۶، ۳۴۵/۱	ابن ابی الحدید ۱۰۵/۱
ابوحسن منجم ۲۲۴/۱	ابن مبارک ۳۳۰/۱	ابن ابی ذئیب ۳۶۲/۱
ابوالحسین نوری ۱۱۷/۲	ابن مرتبه ۲۴۹/۱	ابن ابی مریم مدینی ۲۶۰/۱
	ابن مرزوق ۳۶۱/۲	

ابو حفص ۴۸۱/۱	ابو مرحوم عطار ۱۴۸/۱	ابی طالب مکی ۵۵۸/۱
ابو حنیفه ۳۵۶، ۳۵۵، ۶۲/۲، ۱۴۲/۱	ابو مسلم ۳۲۹/۲	ابی عبدالله حقیف ۱۲۰/۱
ابو حیان ۱۰۵/۱	ابو موسی مدینی ۳۴/۲	ابی العلاء ۲۴۰/۱
ابو الدرداء ۲۳۳/۱	ابو نصر ۲۶۰/۱	ابی العیناء ۱۸۴/۲
ابو زرجمهر = بزرجمهر	ابو یزید بسطامی ۱۴۴، ۱۰۸/۲	ابی الفتح بستنی ۱۵۹/۱
ابو سعید ابو الخیر ۱۰۳، ۵۰/۲	ابو یوسف ۳۵۵/۱	ابی الفوارس ۲۴۹/۱
ابو سعید بهادر خان ۱۰۲/۲	ابی ابراهیم بن محمد حسینی ۲۸۴/۲	ابی موسی اشعری ۱۴۸/۱
ابو سعید نهرگوشی ۱۱۹، ۱۱۸/۱	ابی اسحاق ۲۴۸/۱	ابی نواس ۵۵۰، ۲۵۳، ۱۴۰/۱
ابو سفیان بن حرب ۵۱۱، ۵۰۹/۱	ابی اسحق فیروز آبادی ۴۴۷/۱	ابسی هریر ۲۵۲، ۳۶۲، ۱۳۶/۱
ابو سلیمان دارانی ۱۳۳/۱	ابی ایوب انصاری ۴۰۵، ۱۴۶/۱	۲۵۴، ۲۵۵، ۲۶۵، ۲۶۸، ۴۰۳
ابو سهل نیلی ۱۶۴/۲	ابی بکر زاهد = عصام الدین	۴۰۴، ۵۰۵، ۵۵۹، ۳۵۶/۲، ۳۷۰
ابو عبدالله بخاری ۳۶۲/۱	ابوالصفا عبدالجلیل	اتسبز خوارزمشاه ۳۶۵/۱
ابو عبدالله نیاخی ۳۵۴/۱	ابی بن کعب ۳۵۱/۲	اثیر ۴۳۲/۱
ابو عبدالرحمن سلمی ۵۰۴/۱	ابی تمام طائی ۲۵۸، ۲۴۱/۱	اثیر الدین ابهری ۳۴۸/۱
ابو العتاهیه ۲۷۸/۲	ابی جهل ۳۱۹/۱	اثیر الدین اومانی ۴۹۹/۱
ابو عثمان مغربی ۳۵۸/۲	ابی الحارث ۲۲۴/۱	احمد بغدادی ۲۶۱/۱
ابو علی دقاق ۱۲۰/۲	ابی حازم ۳۵۲/۲	احمد بن ابی الحواری ۳۶۲/۲
ابو علی رودباری ۳۵۵/۱	ابی حسن نوری ۲۵۹/۱	احمد بن حرب ۳۵۸/۲
ابو علی سینا ۱۴۴، ۱۰۹/۲	ابی خلاد ۳۶۱/۲	احمد بن حمویه ۳۶۰/۱
ابو عمر دمشقی ۱۱۹/۲	ابسی الدرداء ۱۲۱/۲، ۲۲۱/۱	احمد بن حنبل ۱۱۸/۲
ابو عمرو بن علا ۵۰۹/۱	۳۶۳، ۳۵۱	احمد بن خلف، ابو بکر ۵۰۴/۱
ابوالفرج بیضاوی ۲۹۶/۱	ابی ذر ۳۴۲/۱	احمد بن علی بن اشرف حسنی
ابوقیس ۱۷۷/۱	ابسی سعید خدری ۴۰۲، ۳۲۰/۱	۳۰۱، ۲۸۵/۱
ابولهب ۳۴۰/۱	۳۴۹/۲، ۴۰۵	احمد بن عمرو قوی، ابوجناب
ابوالمحامد محمدشاه ۴۵۲/۱	ابی سلمه ۴۰۴، ۲۵۳/۱	نجم الدین ۵۰۴/۱
ابومحجن ثقفی ۲۹۴/۱	ابی صالح ۴۱۲/۲	احمد بن غسان فالی سیرانی ۱۵۱/۱
ابو محمد بن علی هروی ۳۵۲/۲	ابی ضحی ۴۰۴/۱	احمد بن محمد بن زیاد ۳۲۴/۱
ابو محمد رودباری ۹۸/۲	ابی طالب ۱۱۲/۱	احمد تاج‌الدین (مؤلف کتاب) ۲۲/۲

ایمن بن تابل ۳۲۴/۱	اشرف بن فخر الملک ۱۵۰/۱	احمد غزالی ۴۵۲، ۲۵۴/۱
ایوب علیہ السلام ۲۸۳/۲	اصمعی ۱۳۵/۱، ۵۰۸، ۱۸۰/۲	احمد = محمد علیہ السلام
(ب)	۳۰۳، ۲۷۳	احنف ۳۶۹/۲
باخرزی = سیف الدین ابی المعین	اصیل = نعمان بن محمد	احوص بن محمد انصاری ۲۹۴/۱
باقر ۱۷۷/۲	اعمش ۴۰۴/۱	اخشید = اسماعیل بن ابی الفضل سراج
بایزید بسطامی ۲۷۹، ۲۰۱/۲	افراسیاب ۲۰۷/۲	اخطل ۲۹۴/۱
بحتری ۳۵۰، ۲۳۷/۱	افریدون ۲۰۷/۲	اردشیر ۶۷/۲، ۲۳۱/۱
بدرالدین دامغانی ۴۹۶/۱	افضل الدین کاشی ۱۶۵/۲	اردشیر بن بابک ۲۱۰/۲
بدیع الزمان ۲۴۸/۱	افضل الدین کرمانی ۲۴۷/۲	اردشیر بن بهرام ۲۱۰/۲
بدیع طوسی ۲۵/۲	افلاطون ۱۱۱/۱، ۲۰۹/۲	اردوان اصغر ۲۱۰/۲
بزرجمهر ۱۳۶/۱، ۱۴۳، ۲۲۹	اکمانی = یحیی بن عبدالحمید	اردوان اکبر ۲۱۰/۲
۲۳۶، ۳۳۲، ۵۴۷، ۴۳/۲، ۳۵۲	امام الحرمین ۲۴۰/۱	ارسطاطاليس ۳۶۹، ۲۰۹/۲
بزغش ۲۸۵/۲	امرء القیس ۱۷۷/۱	ارسطو ۲۳۷/۱
بشار بن برد ۲۹۵/۱	ام سلمة ۱۱۰/۱، ۳۰/۲، ۳۱	ازاعی (اوزاعی) ۲۳۸/۱
بشر بن الحارث ۳۶۶/۱	ام کلثوم ۱۲۲/۱	اسامق بن شریک ۱۳۸/۱
بطلمیوس ۲۰۹/۲	امیر صفادار ۴۹۵/۱	اسحاق ۹۶/۲، ۱۳۳، ۲۸۱
بکر بن بطاح ۲۵، ۲۳/۲	امیر عضد مطهر ۴۲۵/۱	اسحاق سجان ۱۴۴/۱
بکر بن عبدالعزیز ۲۲۳/۱	امیر المؤمنین = علی بن ابی طالب	اسرافیل علیہ السلام ۳۶۷/۲، ۲۸۱
بلقیس ۱۵۸/۲	امین بن محمد بن علی	اسفندیار ۲۰۸/۲
بلیانی = سراج الدین عبدالله	گوزگانی ۳۸۱/۱	اسکندر ۵۷/۱، ۱۲۴، ۱۳۱، ۱۴۱
بوران بنت الحسن بن سهل ۱۱۱/۱	امین الدین نیریزی ۵۰۱/۱	۲۰۹، ۷۴/۲، ۱۴۹
بوقی = احمد بن عمر	انس بن مالک ۵۹/۱، ۱۳۹، ۲۵۶	اسماعیل ۳۶۲/۱
بهائی، شیخ ۳۳۹/۲، ۳۴۴	۴۰۶، ۴۷۸، ۵۳۸، ۴۰۵، ۳۵۹/۲	اسماعیل علیہ السلام ۱۴۹/۱، ۲۳۲/۲
بهادر خان = علاء الدین ابوسعید	انوری ۴۲۹/۱، ۴۳۰، ۵۱۵	اسماعیل بن ابی الفضل بن احمد
بهاء الدین عاملی = بهائی، شیخ	۲۴۳، ۱۳۷/۲	بن اخشید سراج ۵۰۴/۱
بهرام ۱۲۰/۱	اتوشروان عادل ۲۲۲/۱، ۳۳۲	اسماعیل بن محمد بن فضل
بهرام بن بهرام ۲۱۰/۲	۳۵۵، ۲۱۰/۲	اصبهانی، ابوالقاسم ۳۲۴/۱
	اوزاعی ۱۱۸، ۱۱۷/۱	اسماعیل فالی ۳۸۸/۱

٣٣٠، ١٨١، ١٣١/٢	جلال اناری ٥٣٦، ٥٢٣/١	بهرام شوبین ٢١٠/٢
حذیفه ٢٢٩/٢، ١٤٠/١	جلال‌الدین خوافی ١٦٤/١	بهلول ٣٣٠، ١٣١/٢، ٢٣٨، ١١١/١
حرب بن محمد بن ابی الفتح	جلال‌الدین، سید ٢٤٦/١	بهم بن اسفندیار ٢٠٨/٢
مقری ٥٠٤/١	جلال منشی ٢٣٠، ٢١٣/٢	بی‌هی ٩٢/٢
حازن بن ثابت ٥٤٥، ٢٩٤، ١٤٩/١	جمال‌الدین ابی الفرج = عبد	(ت)
حسن املی = حسن حسینی املی	الرحمن بن علی بن جوزی	تاج‌الدین احمد = احمد
حسن باخرزی ٥١٢/١	سلمان ساوجی، جمال‌الدین ٥٠٠/١	ترمذی = محمد بن علی حکیم
حسن بصری ١٤٨/١، ٢٢٢، ٢٢٨	جمال‌الدین ترمذی = یوسف بن محمد	ترمذی = یوسف بن محمد بن مسعود
٣٤٧/٢، ٤٤٥، ٣٥٥، ٢٦٥، ٢٥٣، ٢٣٣	جمال‌الملک بن عبد‌الملک	(ث)
حسن بن ابی‌الحسن ٦٦/٢	عمید‌الملک ١٢٩/٢	ثابت بن قره ٢٢٤/١
حسن بن سدید ٥٤٩/١	جمشید‌الملک ٢٠٧/٢	(ج)
حسن بن عباد ١٣٥/١	جند = جنید بغدادی	جابر بن عبدالله (انصاری) ٥٩/١
حسن (بن علی ابی‌محمد) <small>رضی الله عنه</small>	جند ٨٠، ٧٩، ٧٤، ٦٩، ٦١/١	٣٥٧، ٣٤٧/٢
١٣٤/١، ٢٩٢، ٤٠٧، ٥٤٩، ٥٥٠	٤٨٠، ٤٧٩، ٤٦١، ٤٦٠، ٢٥٩	جاحظ ١٨٣/٢، ٢٣٠، ٢٢٥/١
٧٥/٢، ١٠٤، ١١٢، ١٣١، ١٧٦	٤٨١، ٤٨٦، ١١٩/٢، ١٣٥، ٢٩٧	جارالله مخشری ٣٦٠/١
٣٨٤، ٣٦٨، ٣٥٧، ٢٥٠	٣٦٦، ٣٠٤	جالینوس ١٣٣/٢
حسن بن علی مروزی ٢٢٣/١	جواد تقی ١٧٨/٢	جبرئیل <small>رضی الله عنه</small> ١٠٥/١، ٢٤٩، ٢٦٩
حسن بن محمد زعفرانی ٣٢٤/١	جویریہ ٢٥٣/١	٣٦/٢، ٥٥٩، ٤١٩، ٤١٥، ٣٢٤
حسن حسینی املی ٣٢٨، ٣١٣/٢	(ح)	٢٨٨، ٢٨١، ٢٦٤، ٢٣٥، ٩٥، ٣٧
حسن شاه ایچی ١٢٧، ١٠٧/٢	حاتم ٣١٥/١	جعفر بن ابی طالب ١٧٨/١، ٢٢١
حسن عسکری <small>رضی الله عنه</small> ١٧٨/٢	حاجری ١٨٢/٢	٥١٠، ٥٠٩
حسن غزنوی، سید ٢٤٨/٢	حارث ٤٢٠/١	جعفر بن سلیمان ٥١١/١
حسین (بن علی) <small>رضی الله عنه</small> ٢٩٢/١	حافظ = محمد حافظ، شمس‌الدین	جعفر بن یحیی ٢٣٢/١
٤٥٠، ٥١٠، ٤٢/٢، ١١٢، ١٧٦	حبیب بن اوس، ابوتمام ٢٩٦/١	جعفر خالدی ٢٦٠/١
١٧٩، ١٨٠، ٣٦٥	حبیب حارث ٣٨٤/٢	جعفر صادق <small>رضی الله عنه</small> (بن محمد)
حسین بن منصور علاج ٣٨٧/١	حبیب نجار ٣٥٠/٢	١٣٥/١، ٢٢٢، ١١٠/٢، ١٤٤، ١٤٥
حسین قاننی خراسانی ١٥٤، ١٥٣/٢	حجاج (بن یوسف) ١٢٤/١، ٥١١	
حفص بن حمید ٣٦٦/٢		

رکن الدین ابهری ۱۴۶۲، ۳۴۹/۱	(د)	حمادی = ابی المحامد محمد بن
رکن الدین عمید الملک ۵۱۶/۱	داراب اصغر ۲۰۸/۲	ابی بکر
روح الامین ۳۱۵/۱	داراب کبر ۲۰۸/۲	
روزبهان ۳۹۲/۲	دانیال ۲۸۲/۲	(خ)
رویم ۳۶۲/۲	داود <small>عليه السلام</small> ۳۰۳/۲، ۴۸۰، ۷۸/۱	حسام النسیب = محمد بن
	داود بن خالد عطار ۵۰۴/۱	عبدالله <small>عليه السلام</small> <small>عليه السلام</small>
(ز)	دریدی ۲۵۸/۱	خاقان ملک الخزر ۲۰۹/۲
زبیر ۱۸۴/۲	دستان سام ۲۰۸/۲	خاقانی ۲۴۶، ۲۴۳/۲
زلیخا ۳۹۱/۲	دعیل ۳۳۲/۱	خالد بن عبدالله قسری ۱۴۱/۱
زهرا = فاطمه <small>عليها السلام</small>		خالد کاتب ۲۵/۲
زهری ۲۳۸، ۲۲۸/۱	(ذ)	خدیجہ <small>عليها السلام</small> (بنت خویلد)
زهیر ۱۸۱/۲	ذوالقرنین ۳۶۹/۲	۱۱۲/۱
زهیر مصری ۲۶۰/۲	ذوالنون مصری ۴۴۷، ۲۶۱، ۲۶۰/۱	خسرو ۵۰۱/۱
زید بن ارقم ۵۵۶، ۲۵۶/۱	۳۹۱، ۳۵۸، ۳۰۴، ۱۲۰، ۴۲/۲، ۴۸۱	خضر <small>عليه السلام</small> ۱۱۶/۱، ۳۷۱، ۴۹۴
زین العابدین = علی بن الحسین		۷۴/۲
بن علی <small>عليه السلام</small>		خلیفه بن علی خلیفی ۴۹، ۵۱/۲
(س)	رازی ۳۴۶، ۲۶۲/۱	خلیل بن احمد بصری ۳۳۶/۱
ساریه بن زینم ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۱/۱	ربیع ۱۱۱/۱	۳۳۲/۲
سالم افطس ۱۴۱/۱	ربیع بن خثیم ۲۵۳/۱	خنجی اصفهانی = فضل الله
ساوجی، خواجه جمال الدین	رجاء بن حیوة ۲۲۸/۱	بن روزبهان
۲۳۱/۲	رستم (دستان) ۱۱۹/۱، ۱۲۰	خواجه جوی کرمانی ۴۹۷، ۴۲۴/۱
سروستانی = محمد بن ابراهیم	۲۰۸/۲، ۳۱۵	خواجه جلال الدین نعمان ۳۷۳/۲
سروی ۴۳۵/۱	رستمی ۱۰۲/۱	خواجه جمال الدین ساوجی ۲۳۱/۲
سری ۱۲۱/۲	رسول الله = محمد بن	خواجه عماد الدین فقیه کرمانی ۴۹۴/۱
سری موصلی ۵۱۳/۱	عبدالله <small>عليه السلام</small> <small>عليه السلام</small>	خواجه مولانا = فضل الله بن روزبهان
سعد بن عبدالله قمی ۱۷۸/۲	رشید = هارون الرشید	خواجه نصیر = محدطوسی
سعد الدین حموی ۳۸۷/۱	رضا = علی بن موسی الرضا <small>عليه السلام</small>	خیام ۲۹۸/۲
سعدی ۲۴۸، ۲۴۲/۲، ۴۲۸/۱	رضی موسوی ۵۱۳/۱	

طفرانی ۲۴۱/۱	عبدالله بن مبارك (عبدالله مبارك)	عبدالمكلم سمرقندی ۵۰۳/۱
طلحه ۴۰۵/۱	۹۶، ۶۹/۲، ۴۲۰، ۲۶۹/۱	عبد الواحد بن سليمان بن
طوسی ۲۳/۲	عبدالله بن محمد بن محمد	عبدالمكلم ۲۲۳/۱
	قبا، ابی بكر ۵۰۴/۱	عبدالله بن ابی بكر ۳۶۹/۲
	عبدالله بن مسعود ۴۰۴، ۱۳۱/۱	عیبده ۲۳۰/۱
ظهیر ۴۳۱/۱	۳۷۰، ۳۶۰، ۲۹۶، ۶۳/۲	عتبة بن ربیعہ ۵۰۹/۱
ظهیرالدین فارابی ۲۴۱/۲، ۴۲۴/۱	عبدالله بن معتز ۳۳۲/۲	عتبی ۲۲۹/۱
	عبدالله بن مقفع ۲۲۹/۱	عثمان بن ابی طالب ۵۱۱/۱
	عبد الجلیل بن عماد الدین	عثمان (بن عفان) ۲۲۷/۱، ۳۴/۲
عائشہ ۲۵۶، ۱۲۴/۱	ابی بكر زاهد بكری، عصام الدین	۲۸۷، ۲۸۶، ۲۳۶، ۱۵۲، ۹۴، ۹۳
عامر بن قیس ۳۰۳/۲	ابو الصفا ۵۰۴/۱	عدنان ۲۴۹، ۲۱۶/۱
عبادہ بن صامت ۳۶۸/۲	عبد الرحمن بن احمد بن عبد	عدی بن رقاع ۲۹۴/۱
عباس بن عبدالمطلب ۲۲۸/۱	الغفار ۱۵۲، ۱۵۱/۲	عدی بن نوید ۲۹۳/۱
۱۵۷/۲	عبد الرحمن (بن حسان بن	عرفی ۳۷۱/۲
عباس بن محمد ۲۲۲/۱	ثابت) ۲۹۴/۱	عضدالدوله ۱۲۰/۱
عبدالله بلیانی، سراج الدین ۱۴۷/۲	عبد الرحمن بن سمره ۲۳۰/۱	عضدالدین ایچی ۳۸۹/۱
عبدالله بلیانی، شیخ ۱۴۵/۲	عبد الرحمن بن عبدالله بن دینار	عطار = داود بن خالد
عبدالله بن احمد بغدادی ۵۰۴/۱	۳۵۴/۱	عطار، شیخ ۲۴۳/۱، ۵۵/۲
عبدالله بن احمد بن حنبل ۲۶۷، ۲۶۶/۱	عبد الرحمن بن علی بن جوزی،	عطاء بن یسار ۱۵۰/۲
عبدالله بن زبیر ۲۷۳، ۲۷۲/۲	ابوالفرج جمال الدین ۳۳۸/۲، ۴۴۵/۱	عطاء خراسانی ۳۹۰/۲
عبدالله بن سلام ۲۸۲/۱	عبد الرحمن بن مهدی ۱۳۶/۱	عفر ۴۲۰/۱
عبدالله بن طاهر ۲۲۹، ۲۲۳/۱	عبد الرحمن نوفل ۱۱۷/۱	عصیف بن سعید بن مسعود
عبدالله بن عباس ۱۴۲/۱، ۲۲۱،	عبد الصمد بن عثمان بن محمد	کازرونی ۱۴۴/۱
۴۰۳، ۲۶۵، ۲۵۵، ۴۱۵، ۲۲۸،	بن اثیر خراسانی ۴۶۳/۱، ۴۶۵	عکرمه ۱۸۴/۲، ۴۰۳/۱
۴۱۹، ۵۶۰، ۱۸۴/۲، ۲۶۳، ۳۵۲،	عبد الصمد بن معد ۲۹۶/۱	علاء الدین ابوسعید بهادر خان، ۴۵۲/۱
۴۱۲، ۳۶۷، ۳۶۳، ۳۶۱	عبدالمعز بجرجانی ۲۴۷/۱	علاء قزوینی = علی بن حسین بن علی
عبدالله بن عمر ۲۵۳، ۲۲۸/۱	عبدالمكلم بن مروان ۲۳۲/۱	علی بن ابی طالب <small>عليه السلام</small>
۳۵۱، ۱۵۰/۲	۱۱۵، ۴۵/۲	امیر المؤمنین، ۹/۱، ۵۱، ۹۴

عمرو الحوزی ۱۸۴/۲	علی بن موسی الرضا <small>علیه السلام</small>	۱۳۹، ۱۲۴، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۴۱
عمیدالدین ۲۶/۲	۱۷۸، ۱۷۷/۲	۲۲۷، ۲۵۴، ۲۶۴، ۲۷۰، ۲۸۶
عمیدالفی ۲۳۹/۱	علی = علی ابن ابی طالب	۲۸۹، ۳۲۰، ۳۳۱، ۳۸۴، ۳۸۵
عیسی (بن مریم) <small>علیه السلام</small> ۱۷۴/۱	عماد بن شرف اصفهانی ۲۰۴/۲	۴۰۶، ۴۵۱، ۴۷۸، ۴۸۱
۱۰۵، ۱۳۱، ۱۴۳، ۲۴۹، ۲۶۴	عماد بن عصام بن ابی بکر بن	۴۸۴، ۵۰۸، ۵۱۰، ۵۳۹، ۵۴۰
۳۲۱، ۳۲۲، ۴۴۲، ۴۴۳، ۳۵۵	محمد بن عبد الرحیم بن بکر بن	۵۵۱، ۵۵۶، ۵۵۷، ۸/۲، ۳۰، ۳۱
۱۱۳/۲، ۱۳۳، ۱۵۷، ۱۹۸، ۲۰۰	علی، ابی احمد ۵۰۶/۱	۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۴۲
۲۷۵، ۲۷۸، ۳۵۴، ۳۵۹، ۳۶۱	عمادالدین ۳۰۰/۲، ۲۷۸، ۲۷۷/۱	۴۴، ۴۵، ۶۲، ۶۳، ۶۹، ۷۰، ۷۱
(غ)	عمادالدین شهریار ۳۰۸، ۲۴۱/۲	۷۳، ۹۳، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۵
غزالی = محمد بن محمد، ابو حامد	عمادالدین لنکرانی ۴۹۶/۱	۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۵۲، ۱۵۴
	عمادی ۲۴۸/۱	۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۹۹
	عمار بن یاسر ۳۴۲/۱	۲۰۳، ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۵۰، ۲۵۷
(ف)	عمار بن عقیل ۲۹۸/۱	۲۵۹، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۴، ۲۷۷
فاطمه <small>علیها السلام</small> (زهره، صدیقه، شهیده)	عمر بن ابیه ۵۰۴/۱	۳۰۶، ۳۳۱، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۱
۱۵۴/۱، ۲۶۵، ۵۰۸، ۳۰/۲، ۳۲	عمر بن الخطاب ۱۲۱، ۸۲/۱	۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۷، ۳۵۹، ۳۶۳
۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۱۵۴	۱۲۳، ۱۳۰، ۱۴۱، ۱۴۸، ۲۲۷	۳۶۴، ۳۷۰
فالی سیراقی = احمد بن غسان	۲۲۸، ۲۵۶، ۵۳۹، ۵۴۶، ۳۴/۲	علی بن اکنم ۲۴۷/۱
فالی سیراقی = محمود بن ابی الخیر	۷۲، ۷۴، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۱۵۲، ۲۳۳	علی بن بندار ۳۶۶/۲
فالی، کمال الدین شیخ ابو علی ۱۴۷/۲	۲۳۶، ۲۳۷، ۲۷۲، ۲۷۳، ۳۵۱، ۳۶۳	علی بن حسین بن علی جار الله هلالی
فخرالدین رازی ۳۸۸/۱	عمر بن سهروردی، شهاب‌الدین	معروف به علاء قزوینی ۴۱۳، ۴۰۱/۱
فرج‌الله نیریزی، جلال‌الدین ۳۶۳/۱	۲۵۷/۱، ۴۶۴، ۵۰۴، ۲۸۶/۲، ۲۹۰	علی بن الحسین بن علی <small>علیه السلام</small>
فردوسی ۱۳۸/۲، ۱۲۰، ۱۱۹/۱	عمر بن عبدالله بن ابی ربیع ۲۹۵/۱	زین العابدین ۱۵۶، ۱۵۲، ۵۹/۱
فرزدق ۱۵۳/۱، ۱۵۶، ۴۴۴، ۴۴۵	عمر بن عبدالعزیز ۳۵۰/۲، ۱۴۰/۱	۴۲۲، ۴۴۳، ۵۰۸، ۲۴/۲، ۱۳۵
۳۳۷، ۳۳۶/۲	عمر شبانکاره ۱۸۱/۱	۱۳۶، ۳۳۷
فرعون ۱۳۷/۲، ۲۴۹/۱	عمر عبدالعزیز ۷۴/۲	علی بن عیسی ۲۲۴/۱
فرقدسیخی ۲۲۲/۱	عمر نسفی، ابو حفص ۲۱۴/۲	علی بن فضل الله حسنی ۲۷۸/۱
فرهاد ۵۰۱/۱	عمر بن عبید ۱۳۵/۱	علی بن محمد حسنی ۴۳۳/۱
فریدالدین احوال ۲۴۲/۲، ۲۴۷	عمر بن لیث ۲۲۳/۱	علی بن محمد قیاص ۲۲۴/۱

	قطب الدين جام ۱۳/۲	فريدون بن عكاشه ۵۱۳/۱
(گ)	قطب الدين شيرازى ۳۹۰/۱	فريدون بن عكاشه، جلال الدين ۱۵۶/۲
گوزگوزانى = امين بن محمد بن على	قيرى = زاهد بن على	فسيح بن خاقان ۳۳۰/۲
	قيس بن عاصم ۳۰۴/۲، ۵۰۹/۱	فضل ۵۴۸/۱
(ج)		فضل الله بن روزبهان بن فضل الله
لطف الله بن احمد بن الحسن بن	(ک)	خنجى اصفهانى معروف به خواجه
الرحيم ابرقونى مشهور به منشى	کبود جامه ۳۶۶/۱	مولانا ۴۷، ۴۵/۱
۱۷۹، ۱۶۱/۱	کتانى ۳۳۱/۱	فضل الله بن نظام ۱۵۵، ۱۶۹/۲
لقمان ۲۲۴/۱، ۴۵/۲، ۷۰، ۷۱	کثير بن عبدالرحمن ۲۹۵/۱	فصل بن ربيع ۳۲۴/۱، ۱۸۳/۲
۳۵۲، ۱۸۳	کرموى ۱۶۸/۱	۱۸۴، ۲۶۲
لهراسف ۲۰۸/۲	کسرى ۳۹۰، ۳۴۹/۲، ۲۳۶/۱	فضيل ۴۷۹/۱
	کسرى پرويز ۲۱۰/۲	فضيل بن عباس ۱۲۰/۲
(م)	کشاجم ۲۹۶/۱	فضيل بن عياض ۱۳۴/۱، ۳۳۰
مالک بن انس ۱۸۴/۲، ۵۰۴، ۲۲۲/۱	کشتاسف ۲۰۸/۲	فغفور چين ۲۰۹/۲
مالک بن دينار ۱۰۰/۱	کعب الاخبار ۱۴۷، ۱۲۳/۱	فقيه کرمانى، خواجه عماد الدين ۴۹۴/۱
مأمون ۱۱۱/۱، ۱۲۴، ۲۲۹، ۳۳۲	کلينى ۴۱۲/۲	
۱۷۸، ۶۸/۲، ۵۴۸، ۵۴۷، ۵۱۱، ۵۱۰	کمال الدين اسماعيل ۵۳/۱، ۵۴	(ق)
مأمون بن خوارزم شاه ۲۲۳/۱	۵۵، ۲۵۷، ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۹۹	فيروز آبادى، شيخ ابو اسحاق
متنبى ۵۴۴، ۲۴۱/۱	۳۰۸، ۲۴۵، ۱۰۱، ۸۱/۲	۲۴۲/۱
مجاهد ۳۵۹/۲	کمال الدين بن عديم ۲۹۷/۱	قارون ۳۴۰/۱، ۲۹۹/۲
مجدالدين قائم ۲۱/۲	کمال الدين خواجه جوى کرمانى ۴۲۴/۱	قاضى اصفهانى ۲۳/۲، ۲۰۴
مجدالدين همگر ۱۶۹/۲	کمال الدين شيخ ابو على = فالى	قاضى سعيد ابى فتح سيرافى
مجنون بن عامر ۱۶۷/۲	کمال الدين عبدالرزاق ۴۴۸/۱	۱۰۰/۱
مجنون عامرى ۲۵۳، ۵۴/۲	کمال الدين کاشى ۴۹۵/۱	قباذ = عبدالله بن محمد
محمد بن ابراهيم بن عبدالله بن	کميل بن زياد نخعى ۴۱۲/۱	قدامه بن عبدالله ۳۲۴/۱
ابى بکر بن محمد	کيخسرو ۲۰۸/۲	قديرى ۲۶۴/۲
سروستانى ۴۸، ۴۱/۲	کيفياد ۲۰۷/۲	قزوینى ۲۵۱/۱
محمد بن ابى بکر بن ابى عيسى	کيکاووس ۲۰۷/۲	قسرى = خالد بن عبدالله

۳۲۴، ۳۱۹، ۳۱۸، ۲۸۲، ۲۷۴	محمد بن عبد المحسن بن ابی	مدینی ابو موسی ۳۰/۲
۳۴۲، ۳۳۷، ۳۳۱، ۳۳۰، ۳۲۹	بکر بن احمد بن ابی غسان فالی	محمد بن ابی بکر حمادی، ابی
۳۵۵، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۷۰، ۳۷۸	سیرانی، ابوالکرم ۱۵۹/۱	المحامد ۵۰۴/۱
۳۸۴، ۳۸۵، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴	محمد بن علی حکیم ترمذی ۵۶۰/۱	محمد بن ابی سهل بابی عبدالله ۵۰۴/۱
۴۰۵، ۴۰۶، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۹	محمد بن محمد غزالی، ابو حامد	محمد بن احمد بن عبد الرحیم
۴۲۰، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۷	۴۴۶، ۳۷۵/۱	کاتب ابی طاهر ۵۰۴/۱
۴۵۰، ۴۶۵، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۷۹	محمد بن محمود بن ابی الخیر ۱۲۷/۱	محمد بن احمد بن محمد طیب
۴۸۰، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۹۰	محمد بن محمود بن محمد ۳۷۱/۲	۵۵۴، ۵۴۳/۱
۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۲۹، ۵۳۸	محمد بن مروان ۴۱۲/۲	محمد بن احمد بن محمد طیب
۵۴۰، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷	محمد بن مسعود فالی سیرانی ۱۵۱/۱	۵۵۴/۱
۵۴۹، ۵۵۶، ۵۵۹، ۱۹/۲، ۳۰، ۳۱	محمد بن منصور بغدادی ۲۶۲/۲	محمد بن اسحاق، ابو عبدالله ۳۲۴/۱
۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۴۲	محمد بن واسع ۲۷۷/۲، ۵۹/۱	محمد بن جعفر علوی ۵۵۰/۱
۴۴، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۷۰، ۷۳، ۷۴، ۹۲	محمد بن یحیی ۲۲۴/۱	محمد بن حسین بن علی ۲۸۳/۱
۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۱۰، ۱۱۳	محمد بن یزید نحوی ۲۹۸/۱	محمد بن حنفیه ۲۲۸/۱
۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰	محمد بن یعقوب فارسی ۲۵۹/۲	محمد بن خفیف ۳۹۴، ۹۹/۲
۱۲۱، ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۵۰، ۱۵۲	محمد جریری ۲۹۲/۲، ۲۹۳	محمد بن زکریا ۲۳۲/۱
۱۵۴، ۱۵۶، ۱۷۶، ۱۸۴، ۱۹۸	محمد حافظ، شمس الدین ۲۹۹/۲، ۳۹۸/۱	محمد بن زیاد ۲۴۷/۱
۱۹۹، ۲۰۰، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۱۶	محمد دامغانی ۱۵۶/۲	محمد بن سعید ابی بکر بن کمال
۲۱۷، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۳۳	محمد رسول الله ﷺ ۵۰/۱	شبانکاره ۳۲۳/۱
۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۴۳، ۲۶۱	۵۱، ۵۲، ۵۸، ۵۹، ۶۲، ۷۰، ۷۲	محمد بن سلیمان بن
۲۶۲، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۲	۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۰	عبد الرحمن ۱۰۸/۱
۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷	۱۰۵، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۴	محمد بن عبدالله بن جعفر ۵۴۸/۱
۲۷۸، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۶	۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۹	محمد بن عبدالله بن
۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۳، ۲۹۶، ۳۰۱	۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶	عبد المطلب ۱۱۲/۱
۳۰۳، ۳۰۶، ۳۴۳، ۳۴۶، ۳۴۷	۲۱۶، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۸	محمد بن عبدالله عراقی، جمال
۳۴۸، ۳۵۱، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۶	۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶	الدین ۲۴۳/۱
۳۵۷، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۵	۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۳	محمد بن عبد المجید نیلی شیرازی
۳۶۷، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۸۵، ۳۸۴	۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۸، ۳۷۰	۴۸۹/۱، ۴۹۰

ملك الشعراء امامي هروي ٩٨/٢	مرتضى ٧٢/٢	محمد سماك ٧٤/٢
منشى = لطف الله ابرقونى (ابرقوهى)	مرتضى سيد صحيحى ١٤٩/٢	محمد شاه غور ٥١٤/١
منصور ٢٢٢/١	مرشد، شيخ ١٤٦، ٩٧/٢	محمد، صدر الدين ١٣/٢
منصور بن محمد هروي ابو احمد ١٦٤/٢	مروان بن ابى حفصة ٢٤١/١	محمد صوفى ٢٨٣/٢
منصور بن يحيى بن منصور ٥٦٣/١	مريم <small>عليها السلام</small> ٣٧٩/١	محمد طمسوسى، خواجه
منصور حسبنى = غياث الدين	مسعود بن محمد ٤٧٣، ٤٦٧/١	نصير الدين ٤٦/١، ٣١٣٧/٢
منصور مهدي	مسعود شاه، جلال الدين ١٥٦/٢	محمد غزالى ٢٠٤/٢
منصور فقيه ٢٤١/١٣٣٠/١	مسعود كازرونى ١٢٩/١	محمد فالى ١٤٥، ٨٩/١
منصور مهدي، غياث الدين ٢١٥/١	مسلم ١٤٦/١	محمد منشى ١٦٦، ١٦٢/١
منصور هروي ٥١٣/١	مسلم بن حسن ٣٣٣/٢	محمود ٤٠١/٢
منوچهر ٢٠٧/٢	مسلم بن عبد الملك ١١١/١	محمود ابن يمين بيهقى ٢٣٥/٢
موسى الكاظم <small>عليه السلام</small> ٥١/١، ٥٧	مسيح = عيسى بن مريم <small>عليه السلام</small>	محمود بن ابى الخير بن ابى نصر
١٠٥، ٢٤٩، ٢٥٨، ٢٦٣، ٤٤٢	مصطفى = محمد بن عبدالله <small>عليه السلام</small>	بن احمد فالى سيراغى ١١٣/١، ١٢٧
٤٤٣، ٥١٠، ٥٦٠، ١٣٧/٢، ١٧٧	مطرف بن عبدالله بن شخير ٣٠٠/٢	محمود بن صاعد ايسر
١٧٨، ٢٨٣، ٣٦٨	مطهر بن عبدالله بن على حنى ١٩٤/٢	المعالى ٢٦٦، ٢٤٩/٢
موسى بن عمران <small>عليه السلام</small> ١٩٨/٢	مظفر الدين شبلى ٣٩٣/١	محمود بن عمر زمخشرى
مهدي ١٧٨/٢	معاذ بن جبل ١١٠/١، ١٤٦، ٢٢١	ابو القاسم ٥٥٦/١
مهتتى ٤٩٩، ٣٤٦/١	١١٠/٢، ٣١٩	محمود بن عميد الملك
مهلّب بن ابى صفره ٣٠٠/٢	معاوية ١٣٠/١، ٢٢٢	سمانى ١٩٧/٢
ميكانيل <small>عليه السلام</small> ٢٤٩/١، ٥٥٩	معتمد ٣٣٠/٢	محمود بن مسعود مذهب،
٢٨١، ٣٦/٢	معرى ٢٤٣/١	نجم الدين ١١٢، ١٠٩/١
ميكالى ٢٤٢، ٢٤١، ٢٤٠/١	معلّى بن ايوب ٢٢٩/١	محمود، سلطان ١٢٣/١، ٧٩/٢
مؤمل جصاص ٢٣٠/٢	معين الدين خراسانى ١٩/٢	محمود صاين قاضى ١٤١/٢
(ن)	مغيره بن شعبه ٥٥٠، ٢٤٠/١	محمود كرماني ٣٠١/٢
ناصر الدين منشى ٤٩٧/١	مقداد ٤٠٢/١	محمود دوراق ٢٤٣/١، ٥١١، ٥٤٥
نافع ١٨٤/٢، ٥٠٤/١	مقرى = حرين محمد بن ابى الفتح	محمى الدين اعرابى ١٨١/٢
نبي = محمد رسول الله <small>عليه السلام</small>	مكحول شامى ٢٢٨/١	محمى الدين بن ريبلاق موصلى ٢٩٩/١
	ملك سلماني ٣١١، ٢٩٥/٢	مخنت ١٨٤/٢

٥٠٤/١	نیلی = محمد بن عبدالمجد	نجم‌الدین احمد = احمد بن عمر
یحیی بن ماسویه ٣٣٢/١		نجم‌الدین دایه، شیخ ٢٤٧/٢
یحیی بن معاذ ٣٣١/١	(و)	نجم‌الدین رازی ٩٧/٢
یسسحیی بن معاذ ٣٣٧/١، ٧٢/٢	ولید بن عتبه ٣٣٢/٢	نجم‌الدین کبری ٤٤٠/١
١٠٨، ١٢١، ٣٥٠، ٣٦١، ٣٦٢	وهب بن منبه ١٣٢/١	نجم‌الدین محمود مذهب =
یحیی بن معین ٣٠٣/١		محمود بن مسعود مذهب
یحیی بن هبة‌الله بن یحیی ٤٠٠/١	(ه)	نجیب جرفادقانی ٥٧/٢
یزدجرد ٢١٠/٢	هارون الرشید ١١١/١، ١١٢	نزاری ٥١٥/١
یزید بن صوید ١٥٨/١	١٤٢، ١٤٤، ٢٢٢، ٣٢٤، ٤٥٠	نسانی ٢٧٦/١
یسعقوب ^ع ١٤٩/١، ٩٦/٢	٥٤٨، ٥٥٠، ١٣١/٢، ١٨٤، ٢٦٠	نصیرالدین طوسی = محمد طوسی
٢٨١، ١٣٢	٢٦١، ٢٦٢، ٣٣٠	نظام‌الدین اصفهانی ٢٤/٢
یوسف ^ع ١٤٩/١، ١٥٠، ٥٠٦	هارون = هارون الرشید	نظام‌الدین مرزوقی ١٣٨/٢
٩٤/٢، ٩٦، ١٣٢، ١٣٣، ٢٨٣	هشام بن عاصی ٣٦٩/٢	نظامی ٤٩٩/١، ٥١٦، ٢٤٤/٢، ٢٩٨
یوسف بن حسین رازی ٦٩/١	هشام بن عبدالملک بن مروان	نعمان بن محمد بن اصیل ٥٠٧/١، ٥٢٢
یوسف بن محمد بن مسعود	١٥٢/١، ١٥٦، ٢٢٨، ٤٤٣، ٤٤٥	نعمان بن منذر ٢١١/٢
ترمذی، جمال‌الدین ٤٤٣/١	٣٣٧، ٣٣٧/٢	نعمان، خواجه جلال‌الدین ٣٧٣/٢
یونس ^ع ٢٨٢/٢	هشام = هشام بن عبدالملک بن مروان	نقطویه ٢٣/٢، ٢٥
	همام‌الدین ٥٦/٢	نقی (امام علی‌الهادی) ^ع ١٧٨/٢
	هند بن جون ٤٤٩/١	نمرود ٢٢١/١، ٣٣٤
	هشیم بن عدی ٢٦٢/٢	نواس بن سمان ١٣٧/١
	هشیم بن مالک ٣٦٠/٢	نسوح ^ع ٤٦/١، ١١٥، ١٧٥
		٤٤٣، ٢٨٣/٢
	(ی)	نوری ٣٦٦/٢
	یحیی بن خالد برمکی ١٤٤/١، ٢٢٣	نوری = ابوالحسین نوری
	یحیی بن زکریا ^ع ٧٣/١	نووی ١٤٦/١
	یحیی بن سعید ٢٣٨/١	نهرجوری ٣٥٨/٢
	یحیی بن صاعد ٧١/٢	نیریزی صفرج‌الله
	یحیی بن عبد الحمید اکمانی	نیریزی = فرج بن رضوان

فهرست جایها

شیراز ۱۰۸/۱، ۲۵۰، ۵۰۳، ۱۵/۲، ۸۷	آذربایجان ۸۹/۲
صین ۵۱/۱	اسفرائین ۲۴۸/۱
طوس ۴۷۲، ۳۷۷/۱	اصفهان ۳۳۲، ۹/۲
صفان ۳۳۷/۲	ایوان کسری ۱۰۲/۱
فارس ۶۷/۲، ۱۲۱/۱	بصره ۱۱۸/۱
کوفه ۵۱۱، ۳۲۴/۱	بطحاء ۱۵۳/۱
مدینه ۳۳۷/۲، ۱۲۲، ۱۲۱/۱	بغداد ۲۹۸، ۲۹۳، ۲۹۲، ۱۸۳/۲
مدینه = مدینه رسول	بلاد فرسان ۱۳۱/۱
مسجد قبا ۸۰/۱	حائر ۹۰/۱
مصر ۱۳۲، ۹۶/۲، ۵۰۶، ۳۳۶، ۳۳۵، ۳۰۶/۱	حجاز ۲۶۰/۲
مکه ۳۳۷/۲، ۴۲۱، ۱۲۴/۱	خوارزم ۳۶۰/۱
هرات ۴۶/۱	دارابجرد ۱۲۱/۱
هندوستان ۱۰۱/۲، ۴۵۲/۱	سمرقند ۵۰۳/۱
	شام ۳۳۶، ۲۶۹/۱



مرکز تحقیقات کتب و آثار اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فهرست کتب

قرآن کریم ۱/۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵،
 ۷۶، ۷۷، ۸۰، ۱۰۱، ۱۷۸، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۸،
 ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۳، ۲۳۸، ۲۴۲، ۲۵۹،
 ۳۷۶، ۴۰۲، ۴۱۹، ۴۲۸، ۴۳۶، ۴۴۲، ۴۵۱، ۴۶۴،
 ۴۸۳، ۵۱۱، ۵۶۴، ۵۵۹، ۲/۶۷، ۷۲، ۹۵، ۱۱۱، ۱۵۰،
 ۱۶۳، ۲۱۴، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۹۶

کنز الخفی ۲/۲۸۳

لیلی و مجنون ۱/۵۱۸، ۲/۲۴۴

مخزن الاسرار ۱/۵۱۶، ۲/۲۴۷

هفت پیکر ۱/۵۱۹

اسکندرنامه ۲/۲۳۸

التعزف ۱/۳۵۴

توراة ۲/۶۳

جلویندان خرد ۱/۲۲۹

حدیقة الحقیقة ۲/۲۴۴

خسرو شیرین ۱/۵۱۸، ۲/۳۳۶، ۲۴۰

ربیع الأبرار ۱/۴۴۹، ۲/۲۶۳

شاهنامه ۲/۲۴۲، ۲۴۵

شرفنامه ۱/۵۲۰

صحیح بخاری ۱/۳۵۴، ۲/۳۶۲، ۱۵۰

عوارف المعارف ۲/۲۶۴، ۲۸۶، ۲۹۰



مرکز تحقیقات و پژوهش علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فهرست اشعار عربی

صفحه	سراینده	قافیه	مصرع اول
۲۱۵/۱	بختری	اعجاب	أَبَا جَعْفَرٍ لَيْسَ فَضْلُ الْفَتَى
۱۶۴/۱		طابع	أَبْشِرْ كَمَا تَهْوِي فَجَدُّكَ طَالِعٌ
۴۸۶/۱		قال	أَبْكِي إِلَى الشُّرْقِ إِنْ كَانَتْ مَنَارُ لَكُمْ
۱۰۲/۱		مهدها	أَتَانِي حَيَالٌ بَعْدَ حَوْلٍ تَقْدَمَا
۱۰۸/۱		بزور	أَتَانِي زَائِرًا مَنْ كَانَ تَبْدِي
۵۵۳/۱	ابوشیص	فتمکنا	أَتَانِي هَوَاهَا قَبْلَ أَنْ أُخْرِفَ الْهَوَى
۵۳۴/۱	اصبهانی	يفوح	أَتْرِخْ قَدَحَ الْمُدَامِ قَالَتْ جَزْ يَلُوحُ
۵۳۱/۱	اصبهانی	نشریبی	أَخْتَابِي لَا اخْتِمَالٌ لِلثَّائِبِ
۵۳۱/۱	اصبهانی	طوبی	أَخِيبْ بِسَنَا عُرِّيهِ الْمَطْلُونَا
۲۰۲/۲		حبیبه	أَجْبَلِكْ لَا اخْتَارَ غَيْرَكَ مَنِيَّةٌ
۱۱۶/۱		امکان	أَحْسِنْ إِذَا كَانَ إِسْكَانٌ وَمَقْدَرَةٌ
۲۹۸/۱		توسی	أَحْسِنُ الْفِعْلُ لَا تَمُتْ بِأَضَلِ
۲۶۲/۲		جانب	أَحْبِبْ دَنَا مَا كُنْتُ أَرْجُو دَنُوهُ
۵۵۱/۱		سلاح	أَحَاكْ أَحَاكْ إِنْ مَنْ لَا أَحَالَه
۶۲/۲	ابوحنیفه	انحرب	أَحْرَبْ دِينِي كُلَّ يَوْمٍ وَأَرْجِي
۱۰۴/۱		صبرا	أَحْمَرًا زُشْفَنَا مِنْ ثَنَائِكَ أَمْ جَحْمَرًا
۱۳۱/۱		مسکین	إِذَا أَرَدْتَ شَرِيفَ النَّاسِ كُلِّهِمْ
۲۱۵/۱	امام الحرمین	کثیره	إِذَا اعْتَدَرَ الصُّدُوقُ إِلَيْكَ عُذْرًا
۳۶۲/۱		نمردا	إِذَا أَنْتَ أَكْرَمْتَ الْكَرِيمَ مَلَكَتَهُ
۱۶۵/۲		مطمع	إِذَا أَنْتَ لَا تَرْجِي لِذَفْعِ مَلْعَةٍ
۵۵۲/۱		جلمدا	إِذَا أَنْتَ لَمْ تَشْفِقْ وَلَمْ تَنْدِرْ مَا الْهَوَى
۱۳۷/۱		عذرا	إِذَا بَدَثَ مِنْ صَاحِبِ لَكَ زَلَّةٌ

صفحة	سراينده	قافيه	مصرع اول
٣٩٣/١	كمال الدين اسمعيل	طل	إِذَا تَعَرَّقَ بِالرَّاحِ غَزَّةُ النَّجْلِ
١٦٧/٢		تتقلب	إِذَا جَادَتِ الدُّنْيَا عَلَيْكَ فَجَذِّبْهَا
٢١٥/١	بستی	ملبس	إِذَا خَدَمْتَ الْمَلُوكَ فَالْبَسْ
٥٥٣/١	ابو شيعص	اضالع	إِذَا رُمْتَ مِنْ لَيْلَى عَلَى الْبُعْدِ نَظْرَةٌ
١٣٩/١		مذاهبه	إِذَا سَاءَ خُلُقُ الْمَرْءِ لَمْ يَصْفُ عَيْشُهُ
٢٥٩/٢	امير المؤمنين علي عليه السلام	يسير	إِذَا سَاءَ نِي دَهْرٌ عَزَمْتَ تَصَبُّرًا
٣٨٨/١	اسماعيل فالى	تخب	إِذَا سَنَعَبَ الْأَمْرُ لَا تَضْطَرِّبْ
٢١٥/١		حرا	إِذَا شِئْتَ أَنْ تُدْعَى كَرِيمًا مُكْرَمًا
٢٦٤/٢	قديرى	عسر	إِذَا شِئْتَ أَنْ تَسْتَقْرِضَ مَا لَا مُنْفِقًا
٢٩٧/١		هذا	إِذَا ضَاقَ بِكَ الْأَمْرُ فَكُنْ بِالصَّبْرِ لَوْ إِذَا
٢١٥/١		بيان	إِذَا عَايَنْتَ مِنْ خَطِيئَةٍ قُتُورًا
٢١٥/١		معرى	إِذَا عَرَفَ الْإِنْسَانُ صُورَةَ جَسْمِهِ عَجَاب
٣٥٠/١		حب	إِذَا قَلَّتْ أَهْدَى الْهَجْرَ لِي حُلَّلَ الْبِلَاءُ
٢٩٧/٢		سماؤه	إِذَا قَلَّ مَالُ الْمَرْءِ قَلَّ بَهَاؤُهُ
٢١٥/١	منصور فقيه	حزن	إِذَا الْقُرُوتُ تَهَيَّأَتْ لَكَ وَالصَّحَّةُ وَالْأَمْنُ
١٣٧/١		كريم	إِذَا كَانَ الْقَتْنَى حَسَنًا كَرِيمًا
٣٤٢/١		اديب	إِذَا كَانَ الطَّبَّاعُ طِبَّاعٌ سُودٌ
٢٥٦/٢		مرحبا	إِذَا كَانَ مَوْتِي فِي هَوَاكَ يَزِيدُنِي
٤٣/٢		ترفعا	إِذَا كَرَّمَ الْإِنْسَانَ زَادَ تَوَاضَعًا
٥١٢/١	ابو جعفر منصور	ترردا	إِذَا كُنْتُ ذَا رَأْيٍ فَكُنْ ذَا عَزِيمَةٍ
١٦٤/٢		جواب	إِذَا كُنْتُ ذَا عِلْمٍ وَ مَارَاكَ جَاهِلٌ
٦٠/١		رفيق	إِذَا كُنْتُ رَافِقَتْ الرِّجَالَ فَكُنْ فَتَى
٢٩٥/١	بشارين برد	تعاتبه	إِذَا كُنْتُ فِي كُلِّ الْأُمُورِ مُعَاتِبًا
١٣٤/١		تشاء	إِذَا لَمْ نُخَشِ عَاقِبَةَ الدُّنْيَا إِلَى
٤٧/٢		انفع	إِذَا لَمْ يُطِيقْ صَبْرًا بِكُشْمَانَ سَبْرُهُ
١٦٥/٢		موثل	إِذَا لَمْ يَكُنْ لِي مِنْكَ عِزٌّ وَلَا غِنَى
٣٤٢/١		جانب	إِذَا مَا أَرَادَ اللَّهُ بِإِصْلَاحِ عَبْدِهِ

صفحہ	سرایندہ	قافیہ	مصرع اول
۳۵۸/۱		نجوم	إِذَا مَا كُنْتُ فِي أَمْرِ نِهِمُ
۲۵/۲	نقطویہ	ظباء	إِذَا مَا بِيَتْ فَاطْلُبُوا بِتَّارِي
۳۵۱/۱		هذا	إِذَا مَا نَابَكَ الْأَمْرُ فَكُنْ بِالصَّبْرِ لَوْ إِذَا
۴۷۱/۱		خلفہ	إِذَا مَشَى جَادِبُهُ رِدْقَهُ
۲۱۵/۱		نتی	إِذَا نَحْنُ أَتَيْنَا عَلَيْنِكَ بِصَالِحِ
۵۹/۱		رحلا	إِذَا وَصَعُوا فَوْقَ الصَّرْحِ جَنَادِلَا
۱۳۲/۱		سكون	إِذَا هَبَّتْ رِيَا حُكَّ فَاغْتَبِنَهَا
۳۵۳/۱		=	=
۲۱۵/۱	بختری	یسود	إِذَا يَبْدَأُ الْعَجْزُ الْفَتَى دُونَ هِمَّةِ
۳۹۱/۱	کمال الدین اسماعیل	سلام	أَرْضُ الْجَنَى زُكْنُ الصَّفَا وَمَقَامُ
۷۱/۲	یحییٰ بن صاعد	فضولها	أَرَى حَاجَةَ الْإِنْسَانِ نَوْمًا وَمَلْبَسًا
۱۷۲/۱	کرسوی	أرأنتك	أَزَلَقْتِ الْجَنَّةَ لِلْمُتَّقِينَ
۵۵/۱		الحرام	أَسَائِلُهَا الْخَلَالَ وَتَدْعُ قَلْبِي
۲۱۵/۱		قال	أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ عَمْرٍ أَصَعْتُ بِهِ
۲۱۵/۱		مساعی	إِسْعَ تَذْرِكُ بِقَدْرِ سَعْيِكَ مَجْدًا
۲۰۴/۲	قاضی اصفہانی	جافی	إِشْرِبْ قَدْ حَا مِنْ الْعَقَارِ الصَّافِي
۱۳۲/۱		ناسا	أَشْكُرُ النَّاسَ مَا ذَمَّتْ مُسْتَعْلَا
۱۸۰/۲	امیر المؤمنین علیؑ	تدبیر	إِصْبِرْ قَلِيلًا بَعْدَ الْعُسْرِ تَيْبِيرُ
۲۰۳/۲	=	=	=
۵۴/۲		نظری	أَطْلَعْتَ يَا قَمْرِي عَلَى بَصْرِي
۲۶/۲	عمید الدین	اسلو	أَطْوَفُ بِأَطْوَفِ الْجِسَانِ لَعَلَّنِي
۱۰۹/۲	ابو علی سینا	صفتک	إِحْتِصَامُ الْوَرَى بِمَعْرِفَتِكَ
۹۰/۱		=	=
۲۱۵/۱	ابوبکر خوارزمی	جنود	أَعَدُّ الْوَرَى لِلتَّبَرِدِ جُنْدًا مِنَ الصَّلَا
۴۷۷/۱		کتاب	أَعْرَ مَكَانٍ فِي الدَّنَا سُرُجُ سَابِحِ
۲۱۵/۱		=	=
۴۸۶/۱		انسان	أَقْبِلْ عَلَى النَّعْسِ وَاسْتَكْمِلْ فَصَائِلَهَا

صفحه	سراینده	قافیه	مصرع اول
۱۸۳/۲		یکرم	أَكْرَمَ نَفْسِي كُنِّي بِكْرَمِهَا الْوَرَى
۳۸۶/۱	شافعی	سیجرح	أَلَا أَضْحَبَ خِيَارَ النَّاسِ تُنْجِي مُسْلِمًا
۹۳/۱		لسمی	أَلَا إِنَّ إِخْوَانِي الَّذِينَ عَاهَدْتَهُمْ
۲۷۷/۲		بدائم	أَلَا إِنَّمَا الدُّنْيَا كَأَخْلَامِ نَائِمٍ
۳۰۶/۲		جانب	أَلَا إِنَّمَا الدُّنْيَا كَرَوْضَةٍ أُيْكَةِ
۱۰۷/۱		غریق	أَلَا سَفَى وَاللَّيْلُ قَدْ غَابَ نُورُهُ
۲۱۵/۱	منصور قفیه	ادب	أَلَا قُلْ لِمَنْ كَانَ لِي حَاسِدًا
۱۰۴/۲		نواها	الآن اخلاص لنا ستر صباح
۲۱۵/۱		سما	أَلَا يَا أَمَانَ الْإِزْهِصِ دُمْتَ مَعْظَمًا
۷۵/۲		شکایتی	أَلَا يَا أَيُّهَا الْمَأْمُورُ فِي كُلِّ حَاجَتِي
۴۴۶/۱	حسن بصری	شکایتی	أَلَا يَا أَيُّهَا الْمَأْمُورُ فِي كُلِّ حَاجَةٍ
۵۴/۲	مجنون عامری	حزین	الْبَانُ فِي حَجَلِي مِنْ قَدْكَ الزَّائِي
۲۵۳/۲		تحلیل	الْبَيْنُ فَرْقٌ بَيْنَ الْجَفْنِ وَالْوَسْنِ
۵۴/۲		دیما	الْحَبُّ حَرَمٌ تَوَمَّى وَاسْتَحْلَلَ دَمِي
۱۷۶/۲		اغماض	الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَجْلِبُ التُّعْمَا
۲۵۴/۲		عوده	الْعَوْفُ مِنْكَ وَوَحْشَةُ الْإِعْرَاضِ
۱۱۲/۲		ثانی	الذُّهْرُ يَضْحَكُ عَنِ بَشَاشَةٍ وَجْهِهِ
۵۵/۱	متنبی	یرضینا	الرَّأْيُ قَبْلَ شَجَاعَةِ الشُّجْعَانِ
۹۴/۱		شین	أَلِ الرُّسُولِ وَجَدْنَا حُبُّكُمْ سَبَبًا
۵۴۱/۱		طیاش	الْعَقْلُ زَيْنٌ وَفِي الدَّارَيْنِ مَكْرَمَةٌ
۲۷۴/۲		جوهر	الْعِلْمُ فِي الرَّجُلِ اللَّيْبِ زِيَادَةٌ
۵۴۰/۱	امیرالمؤمنین علی علیه السلام	سکن	الْعِلْمُ فِيهِ مَهَابَةٌ وَجَلَالَةٌ
۲۵۳/۲	ابی نواس	ندیم	الْعَيْنُ بَعْدَكَ لَمْ تَنْظُرْ إِلَى أَحَدٍ
۲۵۵/۲		تشیه	اللَّهُ حَيْثُ تَحَمَّلُوا جَارَ لَهُمْ
۵۵/۲		بانحلاله	اللَّيْلُ مِنْ عَطْفِهِ جَلَّتْ مَعَابِيهِ
۱۰۳/۱		ارواح	أَلَمْ يَجْنَحِ اللَّيْلُ حَيْلَ خِيَالِهِ
۵۳۳/۱	اصبهانی		أَلَوْتْ بِعَسَاكِرِ الْأَسَى أَفْرَاحِي

صفحة	سراينده	قافيه	مصرع اول
١٨٣/٢		ذنوب	إلهى لا تُؤاخذنى قبانى
٩٠/١		عمرى	أليس من الحُسران أن لئالياً
١٧٩/٢		رغباتى	إليك يارب قد وجهت حاجاتى
٩٢/١		بمقياس	أما ترى العيّم يا من قلبه قاس
٢١/٢		اسهادا	أما للطرف قد مل الرقاد
٢٦٢/٢		ظلم	أما والله إن الظلم سُومٌ
١٤٤/١		ظلم	أما والله إن الظلم لُومٌ
٩٥/١		الأراك	أما والرأىضات بذات عزيق
٢٧/٢	شريف	ولد	أنسى وأضحى من نذكاركم قلقاً
٣٩٢/١	كمال الدين اسمعيل	سعد	أنتقلع صنح الله ذلك أم خد
٢١٥/١		بلايا	أموت بدياً لا يصاب دوائنا
١٨١/٢		هاشمها	أنا ابن من ذلت الرقاب له
٥٥٠/١		راغب	أنا العاجز اللوطى دينى لو اجد
٢٩٦/١	ابو تمام حبيب بن اوس	تمامه	إن ابتداء العزف مجد سامق
٥٣٣/١	اصبهانى	نانا	إن أبطأ فى زيارتى أو زانا
٧٨/٢		اثار	إن آثارنا تدل علينا
١٠٦/١		بالواد	أنا الشجاع الذى أروى عطشاً
٤٧٢/١		فيه	إن أعتف بيبك ذمراً قليلاً
١٥٨/١		قتلانا	إن العيون التى فى طرفها مرص
٢٧/٢		احد	أن المجيبين قوم بين أعينهم
٢٦٥/٢		نفر	إن المقاحز لى الدنيا مشنتة
٢٧٢/٢		ثانيها	إن المكارم أخلاق مطهرة
١١١/٢	امير المؤمنين على عليه السلام	ثانيها	إن المكارم أخلاق مطهرة
٥٥/١		ثنتين	إن المكارم كلها لو حصلت
١٥/٢		اول	إن الوقوف على الأطلال ذكرنى
٥٥٢/١		هوانا	إن الهوان هو الهوى حريم اسمه
٢٩٤/١	سعيد بن عبد الرحمن	حسود	إن إمراً عادى أناساً على الغنى

صفحه	سراینده	قافیه	مصرع اول
۵۳۵/۱	اصبهانی	استنساخ	إِن أَمَلِي فَوَائِدِي عَلَى الشُّسَاخِ
۳۴۳/۱		عیون	إِن تَذَكَّرْتَهُ قَلُوبٌ
۲۵۸/۲		خیر	إِن نَشِقْ عَيْنِي بِهَا فَقَدْ سَعَدْتُ
۱۴۰/۱		المنن	إِن تَعَفَّ عَن عَيْدِكَ الْمَسِيءِ
۵۳۵/۱	اصبهانی	کمدی	إِن جَادَبَ غَيْرَ خَلِيلٍ صَدَّ عَيْنِكَ يَدِي
۵۳۵/۱	اصبهانی	اولاد	إِن جُدْتُ وَإِن بَحَلْتُ بِالْأَزْفَادِ
۵۳۵/۱	اصبهانی	ناد	إِن جُرْتُ بِأَجْرِعِ الْجَمِي يَأْخَاذِ
۲۰۱/۲		اساود	إِن جَسِيمَاتِ الْأُمُورِ مَوْدَعَةٌ
۲۱۵/۱		مخلد	إِن الْجَمِيلَ مِنَ الثَّنَاءِ مُخَلَّدٌ
۱۵۷/۱		موفق	إِن الْإِدَى رَزَقَ الْبَسَازَ فَلَمْ يَصِيبْ
۱۵۰/۱	أشرف بن فخر	فینا	إِن الْإِدَى قَسَمَ الْوِرَاثَةَ بَيْنَنَا
۵۷/۱		مر نحل	إِن السَّعَادَةَ فِيمَا أَنْتَ فَاعِلَةٌ
۱۹۹/۲		بوادیها	إِن السَّلَامَةَ مِنْ سَلَمِي وَجَارَتِهَا
۹۳/۱		و جمل	أَنْظُرُ إِلَى بَيْتَيْنِ الصَّفْحِ عَن زَلْمِي
۲۵/۲		ساجی	أَنْظُرُ إِلَى السَّحْرِ تَجْرِي فِي لَوْاجِظِهِ
۷۶/۲		مصجونا	إِن فَرِيدُونَ لَمْ يَكُنْ مَلَكًا
۱۷۱/۱	کرسوی	بصیرا	إِن كَانَ مَذَى زَوْفَعَهُ الدُّهْرُ بَشِيرًا
۵۵۰/۱		سلام	إِنَّمَا الدُّنْيَا طَعَامٌ وَمَدَامٌ وَعَلَامٌ
۷۶/۲		ارنحل	إِنَّمَا الدُّنْيَا كَطَلٍ زَابِلٌ
۲۱۵/۱		بسمع	إِنَّمَا النَّاسُ حَدِيثٌ كُلُّهُمْ
۳۸۸/۱	فخرالدین رازی	ماکول	إِن النِّسَاءَ كَأَشْجَارٍ تَبْشُرُ لَنَا
۵۱۱/۱		معولا	إِنِّي زَأَيْتُ الصَّبْرَ غَيْرَ مَعُولٍ
۲۵۹/۲		اثر	إِنِّي زَأَيْتُ وَفِي الْأَيَّامِ تَجْرِبَةٌ
۲۱۵/۱	میکالی	معه	أَوْ صَاكَ وَبِكَ بِالنَّصِي
۱۶۴/۲		مطیعا	أَوْ صَبَّكَ فِي نَظْمِ الْكَلَامِ بِخَمْسَةِ
۲۹۶/۱	ابو فرج بیضا	لرافه	أَوْ لَيْسَ مِنْ إِخْدَى الْعَجَائِبِ إِنِّي
۹۱/۱		تیاه	أَهْلًا بِشَمْسٍ مَدَامٍ مِنْ يَدِي قَصْرٌ

صفحہ	سراينده	قافيه	مصرع اول
۲۵۲/۲	حاجرى	زمام	أَقْلَ لَكَ فِي إِغَاثَةِ مُسْتَهَامِ
۱۰۶/۱		قيلتاه	أَهْ وَلَا يَتَّبِعُ ابْنُ قُلْتِ أَهْ
۲۴۵/۱	ابن فارض	لبنا	أَفْوَى رَشَأُ كُلِّ الْأَسَى لِي بَعْنَا
۳۴۶/۱	ابن فارض	اذى	أَفْوَى رَشَأُ هَوَاهِ لِلرُّوحِ عَذَا
۳۹۰/۱	قطب الدين شيرازى	يعشقوا	أَيَا رَبِّ تَخَلَّقْ مَا تَخَلَّقْ
۱۰۳/۱		غرو	أَيَا ظَنِيَّةَ مِنْ ذَابِكِ النَّذْوِ الرَّهْوِ
۲۱۵/۱	طباطبا	يحسنونه	أَيَا عَادِلِي دَعْنِي أَهْلِي بِقِيَمِي
۴۷/۲		يصع	أَيَا مَعَشَرَ الْمُحْجَّاجِ بِاللَّهِ خَبِّرُوا
۱۸۱/۲		يصنع	أَيَا مَعَشَرَ الْمُعْشَاقِ بِاللَّهِ خَبِّرُوا
۲۵۳/۲	مجنون عامرى	مجر	أَيَا هَجَرَ لَيْلِي قَدْ تَلَقَّتْ بَيْنَ الْعَدَى
۱۶۹/۱	كرسوى	وقعا	أَيَّتَهَا النَّفْسُ إِخْوِيلِي جَزَعَا
۱۱۴/۲		قوا	أَيِّنَ الْأَكَابِرَةِ الْجَبَابِرَةِ الْأُولَى
۱۶۷/۲		احد	أَيِّنَ الْكِبْرَامِ ذُووِ الْإِفْضَالِ، أَيِّنَ هُمْ
۹۸/۱		القفار	أَيُّهَا الْعَاقِبُونَ الْمُتَيْمِّمِ فِينَا
۵۳۲/۱	اصبهانى	علات	بِالزَّوْجِ صَفَّتْ مَشَارِعَ اللَّذَاتِ
۱۱۶/۲		خطر	بِالزُّفَى تَتَلَعَّ مَا تَهَوَّاهُ مِنْ أَرْبِ
۳۹۲/۱	كمال الدين اسمعيل	ضرب	بِالضَّرْبِ أَوْ عَدْنِي فَوْهًا لَدَى الْعُضْبِ
۲۳۴/۲		محسود	بِالْمَقْصَلِ بِنْفِطْنِي قَوْمِي وَيَخْسُدْنِي
۲۰۴/۲	قاضي اصفهاني	خفر	بِاللَّهِ عَلَيْكَ يَا نَسِيمَ الشَّخْرِ
۱۴۰/۱		ازكاكا	بِأَبِي وَ أُمِّي أَنْتَ مَا أَبَدِي يَدَا
۱۵۸/۱		شفا	بِحَقِّ الْهَوَى لَا تَتْرُكُوا شَيْئَمَةَ الْوَفَا
۲۱۵/۱	دعبل	كرم	بِذَاتِ بِإِحْسَانٍ وَ تَنْبِيَتْ بِالْعَلَى
۲۱۵/۱	ميكالى	يدان	بِالْبِرِّ أَكْرَمُ مَا رَعَنَتْ هَيْبَتُهُ
۲۵۷/۲	امير المؤمنين على عليه السلام	ظنا	بِعَتِّكَ مَرْنَادًا فَفَرَّتْ بِنَظْرَتِهِ
۲۹۹/۱	معي الدين ابن ريبلاق موصلى	معنى	بِعَثَّتْ لَنَا فِي سَحْرِ فَقَلْبِكَ الْوَسْنَى
۱۶۷/۱		المطلب	بِقِيَّتِ بَقَاءِ الدُّهْرِ فِي الْعِزِّ وَالْعُلَى
۴۸۶/۱		شامل	بِقِيَّتِ بَقَاءِ الدُّهْرِ يَا كَهْفَ أَصْلِهِ

صفحه	سراینده	قافیه	مصرع اول
۲۱۵/۱		صوت	بَلَانَانٍ إِذَا عُدَا فَحَيَّرَ بَيْنَهُمَا الْمَوْتُ
۲۰۴/۲	قاضی اصفهانی	اوراق	الْبَيْتُ لُ بَنَلُو صُحُفَ الْعُشَاقِ
۲۱۵/۱		عتابه	بُلِبَتْ بِهَذَا الْهَمِّ حَتَّى الْفَتْنَةُ
۱۷۳/۱	کرسوی	الرقیب	بِنَصْرِ اللَّهِ وَالْفَتْحِ الْقَرِيبِ
۴۷۱/۱		منقط	بِنَفْسِي خَالَ فَوْقَ خَلْدِ كَأَنَّهُ
۱۵۱/۱		الفتخار	بَنُو الْأَخْرَارِ مُخْتَلِفُوا الْعِبَارِ
۲۵/۲	بکرین بطاح	اسحم	بَيْضَاءُ تُسْحَبُ عَنْ قِيَامِ فَرَعِهَا
۱۰۵/۱		عربد	قَاةِ الْأَنَامِ يَسْكُرِهِمْ
۲۱۵/۱		هضما	تَبَارَكَ مَنْ أَجْرَى الْأُمُورِ بِحُكْمِهِ
۱۸/۲		تباعد	تَبَاعَدَ مَاتَيْنِ الدُّبَارِ تَقَارَبَ
۲۵۴/۲	احمد غزالی	عقد	تَبْدَأُ مِنَ الْحَمَامِ كَالْبَدْرِ طَالِعاً
۱۰۵/۱			تَبْدَى مِنَ الْحَمَامِ كَالْبَدْرِ طَالِعاً
۱۰۰/۱			تَبَسَّمَ إِذْ تَبَسَّمَ عَنْ أَفَاحِ
۵۶۲/۱		اختیار	تَجَمَّلَ بِالنِّيَابِ تَكُنْ عَزِيزاً
۵۵۲/۱		ظالم	تَحْمَلُ عَظِيمَ الذَّنْبِ بِعَمْرِ نَجِيَّةُ
۲۵۰/۲		عواقب	تَرْدُ رِذَاءِ الصَّبْرِ عِنْدَ التَّوَابِ
۲۹۶/۱	ابو تمام حبیب بن اوس	عوامل	تَرْفَعُ عَنِ الشُّكُورِ وَإِنْ حَرَبَ الْمَدَى
۲۰۱/۲		نحل	تُرِيدِينَ لَعْنَانَ الْمَعَالِي رَجِيصَةً
۹۷/۱		خواف	تُضَاعِدُ أَنْفَاسِي إِلَيْكَ جَنَابَ
۳۸۹/۱	عضدالدین ابیحی	حافظها	تُضَاعَفَتْ إِذَا نَطَقَتْ ظَبِيَّةُ
۱۵۱/۱		سنة	تَطَاوَلَ الدَّهْرُ قَدْ شَطَّ الْعَمَزَارُ بِكُمْ
۵۷/۱		لطرفه	تَعَسَّفْتُكُمْ بِالْوَضْعِ قَبْلَ اتِّصَالِنَا
۲۲۹/۲		تکلم	تَعَلَّمْ فَإِنَّ الْعِلْمَ أَرْبَى لِلنَّفْسِ
۵۵۱/۱		بلیه	تَغْيِيرُ حُسْنِ صُورَتِهِ الْبُهِيَّةُ
۲۱۵/۱	علی بن اکثم	فیها	تَفَاحَةٌ جَرِحَتْ بِالثُّغْرِ مَنْ فِيهَا
۲۱۵/۱	میکالی	نغمه	تَغَيَّرَ عَنِ الْجِزْرِ تَغَيَّرَ بِهِ
۳۶۰/۱		مطامع	تَقُولُ نِسَاءُ الْحَيِّ تَطْمَعُ أَنْ تَرَى

صفحة	سراينده	قافيه	مصرع اول
٣٦٠/١		بها	تَقُولُ وَيَسِي قَوْلِهَا حِشْمَةٌ
٢٩٦/١	عبدالصمد بن معدل	تكرما	تَكَلَّفَنِي أَذْلاَلٌ نَفْسِي لِعِزِّهَا
١٦٤/٢		جماد	تَكَلَّمْ وَ سُدِّدْ مَا اسْتَطَعْتَ فَإِنَّمَا
١٥٩/١		آثارهم	تَلْوُحٌ عَلَى الطَّرِيسِ أَخْبَارُهُمْ
٨٣/٢	كمال الدين اسماعيل	جود	تَمَّ الْأَوْزَاقُ وَ رُبُّنَا مَحْمُودٌ
٢٠٣/٢		قلابل	تَمْتَعُ بِسَاعَاتِ الْوِصَالِ وَ لَا تَكُنْ
٣٩٠/١	قطب الدين شيرازي	احمر	تَمْتَعُ مِنَ الْخَضْرَاءِ فَالْعَيْشُ أَحْضَرُ
١٥٢/١		بلابل	تَمَيَّيْتُ أَنْ تَحْيِيَ حَيَاةَ هَيْبَةٍ
٢٥٢/٢		كرام	تَنْزَةٌ عَنِ مُصَادَقَةِ اللَّئَامِ
٤٣/٢		يتوضع	تَوَاضَعُ إِذَا مَا بَلَّتْ فِي النَّاسِ رَفْعَةٌ
٥٣٣/١	اصبهاني	راح	تَوَجَّهْتُ بِنَائِي بِكُوُوسِ الرِّاحِ
٥٣٢/١	اصبهاني	مهياتا	تَوَدِّعُكَ ضَمًّا [. .] أَشْتَاتَا
٣٢٥/١		الله	تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَ مَا أَرْجُو سِوَى اللَّهِ
٥٠٥/١	عماد بن عصام	قبلا	تَوَهَّمْتُ يَوْمًا أَنِّي فِيهِ حَامِدًا
٢١٥/١		ذلة	ثَلَاثُ هُنَّ فِي الْبَطِيخِ فَضْلٌ
٢١٥/١		واش	ثَلَاثُ هُنَّ مِنْ خَيْرِ الْمَعَاشِ
٢١٥/١		ذهاب	ثِنْتَانِ لَوْ بَكَتِ الدَّمَاءُ عَلَيْهِمَا
٩٤/١		وصى	جَحَدْتُ وَ لَاءَ مَوْلَانَا عَلِيٌّ
٣٩٧/١	كمال الدين اسمعيل	جمرة	جَعَزَتْ قَطْرَةٌ مِنْ جَمْرَةٍ ذَاتِ حُمْرَةٍ
٣٦٠/٢	زهير مصري	ارقدا	جَعَلَ الرِّقَادُ لِكُنَى يُوَاصِلُ مَوَاعِدًا
١١٤/١		الكواسل	جَمَالَ اللَّفَى عِلْمٌ وَ جِلْمٌ وَ حِكْمَةٌ
٤٣/٢		ممالك	جَمَعْتُ أَمْرَيْنِ ضَاعَ الْحَزْمُ بَيْنَهُمَا
٢٥٣/٢	حاجري	ناظري	حَاشَاكَ تَخْلُو سَاعَةً مِنْ سَاطِرِي
٢١٥/١		ارزاق	حَاوِلْ جَسِيمَاتِ الْأُمُورِ وَ لَا تَقُلْ
٥١٢/١		ورد	حُبُّكُمْ وَرْدٌ وَ حُبِّي لَكُمْ
٩٧/١		نصيب	حَبِيبٌ لَيْسَ يَشْبَهُهُ حَبِيبٌ
٢٨٠/١	علي بن فضل الله حسني	مراد	حَتَانِيكَ هَلْ عَهْدُ الْوِصَالِ مُعَادٌ

صفحة	سراينده	قافيه	مصرع اول
٣٨٩/١	عبدالدين ايجى	جاهلين	تَحَدِّ الْعَفْوُ وَأُمُرٌ بِعُرفِ كَمَا
٣٨٧/١	شافعى	عمد	عُدُّوا بِذِمِّي ذَاكَ الْغُرَالِ فَإِنَّهُ
٥٣٣/١	اصبهانى	ناج	خُصَّ فِي الْعَمْرَاتِ غَارِبَ الْأَمْوَاجِ
٢٩٨/٢		بكا	خَفَّ يَا كَرِيمُ عَلَى عِزْضِ بُدْنُئِهِ
٥٤٥/١		اخرس	خَلِقَ اللِّسَانَ لِنَطْقِهِ وَبِنَابِهِ
٩/١		لواجد	خَلِيلِي اِنِّي لِلْمُرِّيَا لِحَايِدُ
٢١٥/١	عمادالدين	منازل	خَلِيلِي عَوْجًا مِنْ صُدُورِ الرَّوَاجِلِ
٩٨/١		نجوى	خَلِيلِي لِأَوَالِهِ فَاسْمِعِ الشُّكُوفِي
٣٦٠/١	جارالله	هاويه	خَوَازِرُمُ بِمَثَلِ الزُّمَّهْرِيِّ وَهِيَ إِنْ
٣٤٣/١		اعطبكا	الْخَيْرِ مَصْنُوعٍ بِصَاحِبِهِ فَمَتَى صَنَعْتَ الْخَيْرَ أَغَقَبَكَ
٩٩/١		معناها	دَارَ عَلَى الْعِزِّ وَالتَّائِيدِ مَبْنَاهَا
٣٤٤/١		تحت بنفصل	دَرَّتْ أَنفَاهُ شَمْسُ الضُّحَى فَتَجَنَّتْ
١١/٢			دَعِ الثُّوَاءَ بِمَا قَالُوا وَ مَا فَعَلُوا
٤٦٩/١		صعبا	دَعِ الْحُبَّ وَاتَّبِعْ مَا نَشَاءُ وَ لَا عِتَابَا
٢١٥/١		قريب	دَعُوفِي وَتَلْقَاءَ الرِّيحِ فَغَمَّهَا
١٥٩/١	ابى الفتح بستى	ديدنو	دَجِينِي وَ نَفْسِي فِي عِفَافِي اِنِّي
٤٧٠/١		دعا	دِقَّةَ عِزَامِي بِمَنْ مَهْمَا تَبَصَّرَ
٣٤٣/١		جلاس	الرِّيحَ طَيِّبَةً وَ لَيْسَ تَمَامُهَا
٤٧٣/١		لديه	رَأَيْتُ أَبَا الْمَكَارِمِ كَانَ نُحْلُوا
٢٦٥/٢	فاطمه بنت	سواكى	رَأَيْتُ أَبِي وَ الْمُرْتَجِي لِلنُّوَابِ
٢٧٦/٢		فسد	رَأَيْتُ صِلَاحَ الْمَرْءِ يُضْلِحُ أَهْلَهُ
١٨١/٢	محمى الدين اعرابى	قربا	رَأَيْتُ وَ لَا يِي آلَ طَهٍ فَرِيضَةً
٤٤٧/١		فن	رُبُّ وَ زَقَايِهِ هَتُوفِ فِي الضُّحَى
١٨١/٢	زهير	اعذبا	رَسُولَ الرُّضَا أَهْلًا وَ سَهْلًا وَ مَرَحِبًا
١٠٣/١		بستانى	رَضَابِكَ رَاحِي أَسِ خَطَلِ رِيحَانِ
٥٤٠/١	امير المؤمنين على عليه السلام	مال	رَضِينَا فِئْسَمَةَ الْجَبَّارِ فِينَا
٤٨٦/١		مناص	رَمَيْتُكَ عَنْ حُكْمِ الْقَضَاءِ بِنَظَرَةٍ

صفحة	سراينده	قافيه	مصرع اول
٣٥٠/١		تؤذيني	رَوْحِي بِرُوحِكَ مَمْرُوجٌ وَمَمْتَصِلٌ
٥٣٤/١	اصبهاني	يرتاح	الرُّؤُصُ وَنَشْوَةُ الصَّبَا وَالرَّاحِ
٢٠١/٢		تنجلي	رَعَمَ الْعَوَاذِلُ أَنِّي فِي عَمْرَةٍ
٣٥٦/١		ورق	رَهَى الرُّبَيْعُ وَعَنَى الرُّوزِقُ فِي الرُّوزِقِ
٣٥٦/١		بوس	سَأَلْتُهُ بِوَصَالِهِ فَأَجَابَنِي
٥٣٦/١	اصبهاني	حاذ	سَاعِدْنِي يَا نَسِيمَ بِالْإِعْدَادِ
٩٦/١		سييل	سَأَلْتُ النَّاسَ عَنِ خَيْلٍ وَفِيَّ
١٠٢/٢		خالد	سَأَلْتُ التَّدَايِلَ أَنْتَ حُرٌّ فَقَالَ : لَا
٥٠٥/١	عماد بن عصام	خلد	سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعَالَمِ الصَّمِدِ
٣٥٠/١		مسبوق	سَبَقُوكَ تَارِيحًا وَأَنْتَ سَبَقَهُمْ
٢١٥/١		ثناؤه	سَرُورٌ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ وَأَتْسِيمِهِمْ
٢٨٢/١	علي بن فضل الله حسني	تشرق	سَرَى بَارِقٌ وَاللَّيْلُ مُلْتَمِي حِرَانَةٌ
٢٨١/١	علي بن فضل الله حسني	متيحا	سَرَى طَيْفٌ لَيْلَى بِالْحِمَى سَعَى الْحِمَى
٢٧٩/١	علي بن فضل الله حسني	يلدري	سَرَى طَيْفَهَا مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ لَا يَسْرَى
٤٦/١	مالك فياض	دفيئة	سَقِينَةٌ جَوْهَرٍ فِي بَحْرِ عِلْمٍ
١١٤/٢		دواء	سَقَامُ الْحَرِصِ لَيْسَ لَهُ شِفَاءٌ
٥٥/٢		يكون	سَلَا صُدْعُهُ الْمَسْكِيُّ كَيْفَ قَرَاةٌ
١١٢/٢		ماشم	سَلَامٌ عَلَيَّ بِفَلَكَ الْخَلَائِقِ كُلِّهَا
٢٣٣/٢		محمد	سَلَامٌ عَلَيَّ خَيْرِ الْأَنَامِ وَرَسِيدِ
٢٥٦/٢		معا	سَلَامٌ عَلَيَّ الدُّنْيَا فَمَا لِي حَاجَةٌ
٢٥٧/٢		جمر	سَلَامٌ عَلَيْكُمْ مِنْ مُجِيبٍ كَأَنَّمَا
٥٣٨/١		محمد	سَلَامٌ عَلَيَّ مَوْلَى الْأَنَامِ وَرَسِيدِ
٥٣٤/١	اصبهاني	استوضحه	سَلِّ دُرُجَ عَقِيبِهِ مِنْ اسْتَفْتَحَهُ
٥٣٤/١	اصبهاني	يصطرخ	سَلِّ عَنِّي هَلْ مَعَاقِدِي تَنْفِخُ
٩٧/١		محيا	سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْمُحْيَا
٢٦/٢	عميد الدين	بيننا	سَمِعْتُ بِأَنَّ الْخَطَّ قَدْ يُنْبِتُ الْقَنَا
٤٠٠/١		رميم	سَيِّفِي خَطُّوطِي فِي الدَّفَائِرِ بُرْهَةً

صفحه	سراینده	قافیه	مصرع اول
۳۴۶/۱	عمر	قمر	شادنِ بقولِ لی ما المبتدأ والخیر
۱۸۲/۲	حاجزی	قصیده	شرح الشباب بعنکم أفینة
۲۱۵/۱	ابو اسحاق فیروزآبادی	جهل	شفاء العمی طول السؤال فإنا
۱۶۴/۲		بذهاب	شینان لو بکت الدما [] علیهما
۲۱۵/۱		ارب	شینان والله ما أعلمها
۱۶۴/۲		صبيان	شینان یعجز ذو الریاضة عنهما
۲۱۵/۱		کمد	شینان لو ان لیتنا یتنلی بهما
۲۱۵/۱		صبيان	شینان یعجز ذو الریاضة عنهما
۲۶۴/۲	عوارف المعارف	فحزت	صبرت علی بغض الأذى خوف کله
۲۱۵/۱		کریم	صلی الإله علی ابن امینة الی
۳۵۷/۱		کریم	صلی الله علی ابن امینه الیدی
۲۱۵/۱	میکالی	اصون جمیل	صن العیض وأبدل کل مال حویته
۱۵۶/۱	امام شافعی	باری	صن النفس وأخملها علی ما یرینها
۳۴۹/۱		بیضاء	صیناته النفس أغلاما فأزخصها
۵۳۰/۱	اصبهانی	وقفا	صمت قطع الغیم ید الأنواء
۲۵۵/۲		اللاثام	طاف الهوی بعباد الله کلهم
۹/۱		میقانه	ظللتنا علی شم وزد الحدود
۵۳۲/۱	اصبهانی	=	عابوه ففألوا سیحت آیاته
۲۰۵/۲	=	=	=
۳۸۷/۱	سعدالدین حموی	نشوانا	عاد الخیب الی وصلی کما کانا
۱۵۶/۱		ینجلی	عنت علی دنیا فقلت الی منی
۱۵۷/۱		عذرا	عنت علی دنیا لتقدیم جاهل
۹۸/۱		الرماع	عدتني عن زیارتها عواد
۵۳۰/۱	اصبهانی	باب	عرج فهناک منزل الأختاب
۳۳۴/۲		طرفه	عشقکم سمعا ولم أر شخصکم
۴۷۰/۱		عاشقا	عشقوه أمر فالنجی وعشقته
۴۷۱/۱		راسها	علقت بها کالهارن الشمع

صفحہ	سراينده	قافيه	مصرع اول
١٨٢/٢		توسلى	عَلَى اللَّهِ فِي كُلِّ الْأُمُورِ تَوَكَّلِي
٣٥١/١		وعيد	عَلَيْكَ بِالصُّدْقِ وَلَوْ أَنَّهُ
٢٥١/٢		اباعد	عَلَيْكَ بِبَنِي الْأَوْلَادِينَ كِلَاهُمَا
٥١١/١		دهر	عَلَى كُلِّ حَالٍ فَاجْعَلِ الْحَزْمَ سُنَّةً
٤٧١/١		زبرجد	عَلَى وَرْدٍ خُدَيْهِ يَنْفَسُجُ صُدْغِهِ
٤٧٠/١		جوبا	عَلَيْهَا بَدَا الظُّلْمَاءُ مَدَّتْ ذَوَاهَا
٥٣٢/١	اصبهانى	غيب	عَنْ جَنَحِ دُجَى فَرَجِكَ مَالِي مَهْرَبِ
٥٣٣/١	اصبهانى	منهاجى	عَنْ قَيْدِ مَوَاكٍ غَيْرِ قَلْبِي نَاجِ
٢٩٨/١		مرقد	عَدَّتْ نَشْتَجِيرِ الدَّمْعِ خَوْفَ تَوَى عَدِ
٣٩٣/١	كمال الدين اسمعيل	فاورقا	عَزَّشْتُ بِأَرْضِ الصُّدْقِ أَصْلَ وَدَادِكُمْ
٣٠٠/١	صفى الدين حلى	تمسك	غَيْرِي بِخَيْلِ مِيَوَاكِمِ يَتَمَسَّكُ
٥٣٠/١	اصبهانى	اعقاب	فَأَحْزَرْتُ بِوَدُكُمِ مَذَى الْأَخْقَابِ
٤٧٢/١		شعيع	فَإِذَا الْخَبِيبُ أَتَى بِذَنْبٍ وَاحِدِ
٢١٥/١		جبل	فَارْقَتْ أَرْوَنْدَ لَأَطَابَتْ مَرَابِعُهَا
٢١٥/١		خدم	فَاعْغُرُوا الْجَزَائِمِ عَنَّا يَا ذَوِي الْكَرَمِ
١٦٠/٢		افكار	فَأَقْبِلْ هَدِيَّةَ خَادِمٍ لَمْ يَسْتَطِيعْ
١٥/١		علامها	فَأَقْنَعْ بِمَا فَسَمَ الْمَلِيكَ فَإِنَّمَا
١٨٠/٢		انبل	فَإِنْ كَانَتْ الدُّنْيَا تُعَدُّ نَفِيْسَةً
٤٧/٢		زناد	فَدَعِ الْمَلَامَةَ يَا عَدُوْلُ عَلَى الْهَوَى
٢٨٠/١	على بن فضل الله حسنى	جفان	فَدَيْتُكَ فَارْحَمِ أَغْنَيْنَا طَالَمَا زَنْتَ
٢٥٩/٢		صبر	فَدَيْتُكَ لَمْ أَصْبِرْ وَلِي فِيكَ حِبْلَةٌ
٢٧٩/١	على بن فضل الله حسنى	وسواس	فَدَيْتُكَ مَا أَرَقَ لِي قَلْبُكَ الْقَاسِي
١٦٢/١		ماحل	فَعُدْتُ إِلَى الْعَلْيَاءِ وَالْعُوْدُ أَحْمَدُ
٥٤/٢		غرام	فَقُلْتُ لِبَجْفَيْنِهَا لَمَّا جَفْنِي
٥٥٨/١		يسر	فَكَيْفَ أَخَافُ الْقَمْرَ وَاللهَ رَازِقِي
٢٠٠/٢		يقندى	فَلَا تُخْتَفِرْ نَفْسًا وَأَنْتَ حَبِيبِيهَا
٢٠١/٢		دهر	فَلَمَّا أَصَا [ء] الصُّبْحِ فُرُقَ بَيْتِنَا

صفحه	سراینده	قافیه	مصرع اول
۵۵/۲		یلمع	فَلَمَّا التَّفَيْنَا بِالرَّجَاجِ كَانَهُ
۳۸۸/۱	فخرالدین رازی	طرف	فَلَمَّا التَّفَيْنَا وَالْوَشَاءَ بِمَجْلِسِ
۲۱۵/۱	ابن معاویه	اختیاره	فَلَمَّا رَأَى وَرَدًا يَخْدِيهِ يَخْتَبِي
۵۵۸/۱		سلما	فَلَمَّا قَسَا قَلْبِي وَضَاقَتْ مَذَاهِبِي
۳۸۹/۱	عبدالالدین ایچی	سبوق	فَلَمَّا نَهَانِي وَالِدِي عَنْ خِلَاتِي
۱۷۳/۱	کرسوی	مطاف	فَلَوْلَا زَمَانٌ قَدَبْنَا صُرُوفَهُ
۵۵۳/۱	ابوشیص	یطیب	فَوَاللَّهِ لَوْلَا أَنْ ذَكَرَكَ مُوسِي
۱۵/۲		خلاق	فَوَحَقُّ أَيَّامِ الْوِصَالِ وَطَيْبُهَا
۵۶/۱		الظلم	فُوهُ مَاءِ الْحَيَاةِ شَارِبُهُ
۱۴۰/۱		فضل	فَهَيْسَى مُسِينًا كَالَّذِي قُلْتُ ظَالِمًا
۱۷۰/۱	کرسوی	قلوب	فَهَمَّ سِرُّ أَهْلِ الْأَرْضِ ثُمَّ بِكَ أَسَى
۲۱۵/۱	کافی عمانی	تائب اورثه	فَهَوَى التَّصَرُّفَ وَالتَّصَرُّفَ فِي الْهَوَى
۵۳۳/۱	اصبهانی		فِي خَدِّكَ جَمْرٌ نَفْسِي أَرْثُهُ
۵۳۵/۱	اصبهانی	نسخا	فِي الطَّيِّبِ أَرَى فَرَعَكَ أَضْلًا رَسَخَا
۵۳۴/۱	اصبهانی	افراح	فِي ظِلْمَةِ هَمِّي الطَّلَا بِضَبَاحِ
۲۵۴/۲		زارا	قَالَ الْخَبِيبُ وَقَدْ مَضَّتْ رُضَابُهُ
۵۳۰/۱	اصبهانی	ظمای	قَالَتْ أَنَا دِيكَ وَعَنَى تَنَائِي
۲۹۵/۱	عمر بن عبدالله	تم	قَالَتْ تَرَقَّبَ عَيُونَِ الْخَمِيِّ إِنْ لَهْمِ
۵۵۷/۱		من	قَالَتْ لِتَرْبٍ مَعَهَا مَنكُورَةٌ
۵۳۱/۱	اصبهانی	مغلوب	قَالَتْ وَقَوَادُ صَبَّهَا مَسْلُوبٌ
۵۳۵/۱	اصبهانی	اوساخا	قَالُوا أَتَرَى جَمْرَ صَبَاءَ بِأَخَا
۴۷۳/۱		لثما	قَبِضْتُ عَلَيْهِ خَالِيًا وَأَعْتَقْتُهُ
۱۷۶/۱		عفانا	قَدْ قَالَ قَائِلُهُمْ يَوْمًا لِمُنْمَانَا
۳۴۶/۱	عمر	عمر	قَدْ مَرَّ بِي مَفْرُطٌ نَحَالَهُ يَخْكِي الْقَمَرِ
۵۳۱/۱	اصبهانی	تربا	قَدْ مَسَّ فُرُوعَكَ الْخَوَالِي التُّرْبَا
۵۱۳/۱	فریدون بن عکاشه	وناقی	قَسَمًا بِسِحْرِ الْبَيْتِ الْإِحْدَاقِ
۲۰۱/۲		احشانی	قَلْبِي يَزَاكُمُ عَلَيَّ بُعْدٌ وَإِقْصَاءُ

صفحہ	سرایندہ	قافیہ	مصرع اول
۳۴۹/۱		ساری	مَلْتُ لِمَخْبُوبِي وَقَدْ مَرَّ بِي
۲۵/۲	بدیع طوسی	حیاء	قُلْتُ يَا بَدْرُ قَدْ أَحَاطَ ظِلَامٌ
۲۱۵/۱	نسائی	فتان	قَمَرٌ بَدَا مِنْ فَوْقِ غُصْنِ الْبَابِ
۹۹/۱		مستعار	قَمَرٌ دُونَ حُسْنِهِ الْأَقْمَارُ
۲۰۵/۲	قاضی اصفہانی	اوطار	قَمُ فَأَسْفَى عَلَي تَرْتُمِ الْأَوْتَارِ
۱۰۷/۱		طرب	قَمُ فَأَنْتَصِفُ مِنْ صُرُوفِ الدَّهْرِ وَالتُّوبِ
۲۱۵/۱		احد	قَوْمٌ هُمُومُهُمْ بِاللَّهِ قَدْ عَلِقَتْ
۴۴۷/۱		=	=
۳۹۱/۱	کمال الدین اسمعیل	ذیلا	كَالتُّوبِ إِلَيْكَ الصَّبِيحِي لَيْلًا
۱۷۹/۱		بہاؤہ	كَالدَّرِّ يَخْسُرُ وَجْهَهُ وَبِهَازِهِ
۵۳۰/۱	اصبہانی	حرباء	كَالسَّمْسِ تَبْرُجَتْ لِغَيْبِ الزَّائِي
۹۳/۱		دمعا	كَأَنَّ عَيْنِي حِينَ خَاوَلْتُ يَسْطَهَا
۱۱۷/۱		ورق	كَأَنَّهَا شَجَرٌ أَنْزَحَ طَابَ مَعَا
۱۳۳/۱		شمالہا	كَأَنَّهُمْ مَرْضَى حَيَاةٍ وَعَقْفَةٍ
۲۵۷/۲		ممزوج	كَأَنَّ فَا مَا وَقَدْ طَابَ الرِّقَادُ لَهَا
۴۶۹/۱		اوالا	كَأَنَّ مَخْطُوهُ صَدَّعَ الْغَوَائِي
۴۷۷/۱		مسامر	كِتَابٌ يُنَامُ الْفَهْمِ مِنْ حُسْنِهِ يُجْنِي
۱۴/۱		ینسب	كَلِمَى شَرَفًا بِالْعِلْمِ دَعْوَاهُ جَاهِلٌ
۱۵۴/۲	شافعی	اللہ	كَلِمَى لِي فَضْلِي مَوْلَانَا عَلِيٌّ
۲۹۳/۱	عدی بن نوید	تغندی	كَلِمَى وَاعْظًا لِلْمَرْءِ أَيَّامَ دَهْرِهِ
۴۷۹/۱		باق	كُلُّ الْأُمُورِ تَزُولُ عَنْكَ وَتَنْقُصِي
۱۳۹/۱		باقی	كُلُّ الْأُمُورِ يَزُولُ عَنْكَ وَبِنِي
۵۲/۱		ضاع	كُلُّ سِرٍّ جَاوَزَ الْأَثْنَيْنِ شَاعٍ
۱۵۸/۲		غناء	كُلُّ مَعَ الْإِلْفِ فِي زُخْرَائِي سَائِيَةٍ
۳۴۷/۱		لمن	كُلُّ مَنْ لَأَقِيْتُ يَشْكُو دَهْرَهُ
۲۵۹/۲	محمد فارسی	زعفران	كَلُونِ الْجُلْتَارِ إِذَا أُورِيَتْ
۵۳۲/۱	اصبہانی	استغث	كَمْ سَائِيَنِ الْحَبْسِ فَلَمْ أَكْتَرِبْ

صفحه	سراینده	قافیه	مصرع اول
۵۳۶/۱	اصبهانی	شدی	كَمْ قُلْتُ وَمِنْ صُدُغِكَ فَاسْتَبْتُ أَدَى
۱۸۲/۲	حجاج	نسب	كُنْ ابْنَ مَنْ شِئْتَ وَانْكَسِبْ أَدْبَا
۳۸۶/۱	سعدی	باس	كُنْ كَيْفَ شِئْتَ فَإِنَّ اللَّهَ دُو كَرَمٍ
۴۷۲/۱		جمال	كَيْفَ قُلْتُ لِأَتَعْجَبُوا
۲۵۹/۲		یسر	لَيْنَ سَاءَ نَبِي دَهْرٍ لَقَدْ سَرَنِي دَهْرُ
۵۱۶/۱		جزعا	لَا الْيَسْرُ يُعْطِرُنَا يَوْمًا فَيُنْطِرُنَا
۲۷۸/۲	ابوالعتاهیه	حرس	لَا تَأْمَنِ الْمَوْتَ فِي لَحْظٍ وَلَا تَقِيسَ
۵۵۸/۱		مقدار	لَا تُتَعَبُوا فِي الرِّزْقِ أَبْدَانَكُمْ
۵۷/۱		ناقص	لَا تَخْفِرَنَّ الرَّأْيَ فَهُوَ مُوَافِقٌ
۲۹۹/۱		نملا	لَا تَخَافِي إِنْ غَيْبَ أَنْ تَنْتَاسِكَ
۵۳۵/۱	اصبهانی	ترد	لَا تَزُجْ تَغْلَبَ الْوَجِيدَ الْقُرْدُ
۲۹۴/۱	ابو محجن تقفی	خلفی	لَا تَسْأَلِي الْقَوْمَ عَن مَالِي وَكَثْرَتِهِ
۲۷۶/۲		یفسند	لَا تَضْحَبِ الْكَسْلَانَ فِي خَالَاتِهِ
۲۹۷/۲		ندم	لَا تَظْلِمَنَّ إِذَا مَا كُنْتَ مُقْتَدِرًا
۵۳۶/۱	اصبهانی	عمر	لَا تَتَّخِذِي عَنِّ بِإِمْتِدَادِ الْعُمُرِ
۲۴/۲	نظام‌الدین اصفهانی	عمر	لَا تَتَّخِذِي عَنِّ بِإِمْتِدَادِ الْعُمُرِ
۲۱۵/۱		نفا	لَا تُنْكِرِينَ إِذَا أُهْدِيَتْ نَحْوُكَ مِنْ
۹۵/۱		فلك	لَا تَبْأَسَنَّ إِذَا مَا كُنْتَ ذَا أَدَبٍ
۵۵/۱		احیانا	لَا خَيْرَ لِمَنْ لَا يَر_اقِبُ رِيءَهُ
۱۶۰/۲		حال	لَا خَيْلَ عِنْدِي أَهْدِيهَا وَلَا مَالَ
۵۲۹/۱	اصبهانی	اشیاء	لَا ذَرَّةَ لِلنَّارِ وَلَا لِلْمَاءِ
۹۹/۱		ساحلا	لَا غَرْوَ أَنْ يَتَّخِذِي اللَّيْثُ فِي الشُّوَى
۲۹۷/۱		ترضی	لَإِنْ رَضِيَتْ سَلَمَى يَقْتُلِي فِي الْهَوَى
۱۰۰/۱	قاضی سعید	ید	لَا يَسْتَجِيقُ رُكُوبَ الْخَيْلِ كُلُّ فِتْنَى
۵۴۶/۱		ورع	لَا يَكْذِبُ الْعَزَّةُ إِلَّا مِنْ مَهَانَتِهِ
۵۳/۱	منشی	الجمالا	لَيْسَ الْوَأْسَى لَا مَتَّحِمَلَاتٍ
۳۹۳/۱	کمال‌الدین اسمعیل	سفن	لَدَى الْغُرَقِ تَدْعُو إِلَاهَ الرُّؤُوفِ

صفحہ	سرایندہ	قافیہ	مصرع اول
۲۱۵/۱	عمید القی	سباتها	لَعْمَرُكَ إِنِّي مُدَّ دَفَعْتُ إِلَى النَّزْرِ
۱۴۳/۱	تمیمی	صابع	لَعْمَرُكَ مَا الْأَشْرَافُ فِي كُلِّ بَلَدَةٍ
۵۴/۱	متنبی	بقي	لِعَيْنَيْكَ مَا يَلْقَى الْقَوَاذِ وَمَا لَقَى
۹۰/۱		المعالم	لَقَدْ بَلَّغْتُ فِي تِلْكَ الْمَعَاهِدِ كُلِّهَا
۱۳/۲		رمی	لَقَدْ جَلَى كِتَابِكَ كُلُّ بَيْتٍ
۳۴۸/۱		مجرد	لَقَدْ خَلَقَ الْوَرَى جَسَدًا وَرُوحًا
۲۰۱/۲		قلب	لَقَدْ زَعَمَ الْوَأَشُونَ أَنِّي تَرَكْتُهَا
۵۱۳/۱	منصور ہروی	جواد	لَقَدْ طَالَتْ حُطَاةُ إِلَى الْمَعَالِي
۳۴۳/۱		خبالها	لَقَدْ كُنْتُ لِأَرْضِي بِوَضْعِ مُقَطِّعٍ
۴۹۰/۱		مدار	لَكَ الْعِزُّ مَثْوَى وَالسُّعَادَةُ جَارٍ
۳۸۴/۱		سعید	لَكَ الدُّهُرُ طَرًّا وَالْأَنَامُ عَبِيدُ
۹۵/۱		عبيد	لِلْحُسْنِ فِي وَجْهِهِ شُهْرَةٌ
۵۳۴/۱	اصبہانی	مشروحاً	لِلسُّخْرِ إِلَى لِحْفِكَ وَحَتَّى يُؤْحَى
۲۹۷/۱	ابو فرج بیغا	وقته	لِلْعَبْدِ مَسْئَلَةٌ لَدَيْكَ جَوَابُهَا
۲۵۷/۲		وقته	لِلْعَبْدِ مَسْأَلَةٌ لَدَيْكَ جَوَابُهَا
۴۵۱/۱		اس	لِلنُّحْرِ وَقْتُ وَهَذَا الْوَقْتُ لِلنَّكْأَسِ
۲۱۵/۱		اجلالا	لَهُ نَحْتُ قَبَابِ الْعِزِّ طَائِفَةٌ
۲۸۰/۲		=	=
۲۴/۲		ظلم	لَنَا نَسَاقَطُ عَنْهَا الْعِزُّ ط مِنْ دَهْسِ
۵۱۴/۱	رضی موسوی	ضاری	لَنَا رَأَيْتُ جُنُودَ الْبَغْيِ غَالِبَةٌ
۳۵۶/۱		فواس	لَنَا رَأَيْتُ سَوَادَ قَلْبِ قَائِسِ
۲۱۵/۱	ابن رومی	سیف	لَمْ أَرِ شَيْئًا صَادِقًا تَفَعُّهُ
۳۹۱/۱	کمال الدین اسمعیل	نظام	لِمَاءِ الْقَنْدِ فِي فِيهِ بَحُورٌ
۵۲/۱		مشهدا	لَنَا جُلَسَاءُ لَا نَمِلُ خَدِي يَتَهَمُ
۹۶/۲		نقد	لَوْ سَجَعُوا فِي مِضْرٍ أَوْ صَافٍ خُدُّهُ
۱۰۶/۱		الباقي	لَوْ كَانَ فِي جَنَّةِ الْبِرِّ دَرَسٌ لِي وَطَنٌ
۳۸۷/۱	حسین بن منصور حلاج	بنا	لَوْ كُنْتُ تَرْجُو أَنْ تَفُوزَ بِوَضْلِنَا

صفحه	سراینده	قافیه	مصرع اول
۴۵۱/۱		کاس	لَوْ كُنْتُ نَعْلَمَ مَا فِي السُّخْرِ مِنْ أَدَبٍ
۴۵/۲		احسان	لَوْلَا الْعُقُولُ لَكَانَ أَدْنَىٰ صَبِيغٍ
۵۴۴/۱		=	=
۳۴۲/۱		زاد	لَهَا أَخَادِيثٌ مِنْ ذِكْرِكَ تَشغَلُهَا
۳۵۶/۱		نزر	لَهَا بِشْرٌ مِثْلَ الْخَرْبِرِ وَمَنْطِقٌ
۴۷۱/۱		خمر	لَهَا رَبِغَةٌ اسْتَشْفَعَتْ لِلَّهِ إِنَّهَا
۱۶۸/۲	شبللی	ترید	لَهَا فِي طَرْفِهَا لَحَظَاتٌ سِخْرِ
۴۷۳/۱		انافی	لَهُ جَبِينٌ ذُو اجْدَةِ الْعُنَائِي
۵۱۲/۱		غلاما	لِي إِلَى الرِّيحِ حَاجَةٌ إِنْ قَضَيْتَهَا
۵۴۰/۱	امیر المؤمنین علی	ادب	لَيْسَ الْجَمَالَ بِأَتَوَابٍ تُرِثُنَا
۶۴/۲		احسان	لَيْسَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَأَوَانٍ
۱۳۲/۱		الاحسان بیضاء	لَيْسَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَزَمَانٍ
۵۲۹/۱	اصبهانی	مضرب	مَا أَحْسَنَ صُنْعَ مُبْدِعِ الْأَشْيَاءِ
۵۳۱/۱	اصبهانی	عشاقه	مَا أَحْسَنَ قَوْلَهَا عِدَاةَ الْجَذِبِ
۴۸/۲		ودائع	مَا اخْتَرْتُ وَخَدِي عِشْقَهُ وَغَرَامَهُ
۱۱۴/۲		حث	مَا أَمَّالٌ وَالْأَهْلُونَ إِلَّا وَدَائِعِ
۵۳۲/۱	اصبهانی	کرمی	مَا خَيْرُهُ كَامِلٍ طَوِيلِ الْبَثِّ
۲۱۵/۱	تهانی	تقصیر	مَا شَابَ عَزْمِي وَلَا عَزْمِي وَلَا خَلْقِي
۲۱۵/۱	مروان بن ابی حفصه	وطابا	مَا ضَرُونِي حَسَدُ اللَّيَامِ وَلَمْ يَزَلْ
۹۱/۱		عذراء	مَا عُدْرُنَا فِي خَبْسِنَا الْأَكْوَابِ
۵۳۰/۱	اصبهانی	مبسمه	مَا عَزْرَةٌ هَاجَهُ هَوَىٰ عَفْرَاءِ
۴۷۱/۱		صدیق	مَا قَضَيْتُ مِثْلَ شِعْرِي فِيكُمْ دَرَرًا
۲۱۵/۱	ابی علاء	شانی	مَا الْفَقْرُ إِلَّا لِمَنْ لَهُ صَاحِبٌ
۲۹۴/۱	احوص بن محمد انصاری	يقعد	مَا يَغْتَرِبُنِي مِنْ حُطُوبٍ مِلْمَةٍ
۵۲/۱		وطنه	مَتَّبِعْتُ الْعَرَمَاتِ مَدَّ نَهَضَتْ بِهِ
۷۷/۲		حتفی	مَنْلُ التَّرِكِ كَمِثْلِ الدُّرَّةِ لَا
۲۵/۲	خالد کاتب		مَخَابِسُهُ زَقَتْ فَجَلَّتْ عَنِ الوَصْفِ

صفحة	سراينده	قافيه	مصرع اول
٢١٥/١	شافعى	احياد	مِخَنَ الزَّمَانِ كَثِيرَةً لِاتْتَفِيسِ
٥٣٠/١	اصبهانى	سماأ	مُدَّ شَارَفَ صُنْحِ خَدِّكَ الْإِسْمَاءَ
٢٥٨/٢	قاضى	راض	مُدَّ عَادَ بَيْنَ الْحَبِيبِ بِي الْأَمْوَاضِ
٥٣٦/١	اصبهانى	اقدى	مُدَّ غَالِ حَبِيبَتِي قَضَاءَ نَدَى
١٦٨/٢	شبلى	مفناكم	مُرَادِي مِنَ الْعُمَرِ مَرَاكِمَ
٤٧٢/١		عجيب	مُرَبَّنَا فِي كَفِّهِ بَاشَقَ
٣٤٢/١	ابى بكر	عليه	مُرِصَ الْحَبِيبِ فَرَزْتَهُ
٣٥١/١		خالص	مُرَجَّتْ دُمُوعِي بِالدَّمَاءِ صَبَابَةَ
٢١٥/١	كافى عمانى	مكدر	مُضَّتِ السُّنْبَةُ وَأَتَمَّحَى أَثَرُ الْهَوَى
٢٥٦/٢		بندارك	مُعَاهِدُنَا قَدْ طَالَ عَهْدُ مَزَارِكِ
١٥٢/١		نواكا	مَلَلْتُ حَبَانِي لَوْ مَلَلْتُ هَوَاكَ
٢٥٦/٢			-
٢٤/٢	زين العابدين	قاهر	مَلِيكَ عَزِيزٍ مَا يَرِدُ قَضَاءَهُ
٩٤/١		ثورى	مَنَازِلُ السُّوقِ وَرَبِيعُ الْهَوَى
٢١٥/١	طفرانى	دما	مَنْ أَغْفَلَ الْحَزْمَ أَذْمَى كَفَّهُ نَدْمًا
٢٤/٢	نظام الدين اصفهانى	اضواء	مِنْ خَدِّكَ وَالشُّمُوعِ وَالصُّهْبَاءِ
٥٣٢/١	اصبهانى	نجاة	مَنْ رِيَقِكَ نَفْسِي اِزْتَشَفَتْ مَاءَ حَيَاةٍ
٣٨٧/١	شافعى	اقبالا	مَنْ شَاءَ عَيْشًا رَجِيئًا يَسْتَعْبِدْ بِهِ
١٧٧/٢		رشاد	مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِلْمَعَادِ
٥١٢/١		نصيه	مَنْ كُنْتَ أَنْتَ حَبِيبَهُ
٢٦/٢	عميد الدين	فارس	مَنْ لِلْمَجْبُوبِ يَزَاجِلِ أَوْ فَارِسِ
٥٣١/١	اصبهانى	صاب	مَنْ يُطْلِعُ صَاحِبِي عَلَى أَوْصَابِي
٥٣٤/١	اصبهانى	اقداح	مَهْمَا اغْتَضَبَ الْهَمُّ حَسَى الْأَفْرَاحِ
٥٣٣/١	اصبهانى	استدراجا	نَاجَا نَفْسَ الصُّبْحِ وَرَدَّ هَاجَا
٣٥٧/١		مياسما	نَحْنُ أَنْاسُ نَعْتَشِقُ الْمَكَارِمَا
٤٢١/١		راده	نَحْنُ عَلَى الْخَوْضِ وَدَوَادُهُ
٢٠٠/٢		قرقف	نَزَلْنَا عَلَى رَوْضِ الرَّبِيعِ الْمُقُوفِ

صفحه	سراینده	قافیه	مصرع اول
۲۷۸/۲	ابن‌المعتز	مراحل	نَسِيرٌ إِلَى الْأَجَالِ فِي كُلِّ سَاعَةٍ
۲۵۵/۲		مهالك	نَسِيمِ الصُّبَا إِنْ جُنْتُ أَرْضَ أُجُنِّي
۵۰۵/۱	عماد بن عصام	عهد	نَسِيمٌ يُوَفِّي مِنْ جَبَالِ زُرُودِ
۲۹۷/۱		صقيل	نَظَرْتُ عُيُوبِي فِي مَحَابِنِ وَجْهِهَا
۱۵۲/۱		خيارها	يَهَابَةُ سُؤْلِ الْمَرْءِ قَالُوا فَلَائِهَ
۵۱۳/۱	موصلي	قدر	يَبْلُ الْمَطَالِبِ بِالْهِنْدِيَّةِ الْبَثْرِ
۱۷۲/۱	كرسوي	خيام	وَأَبْرَحَ مَا يَكُونُ الشُّوقُ يَوْمًا
۲۶۸/۲		اجوف	وَأَحْرَسَ يَنْطِقُ بِالْمُخَكَّمَاتِ
۴۸۲/۱		عاطل	وَأَحْوِ التَّوَاصِعِ مَنْ نَحَلْنِي بِالْعُلَى
۲۱۵/۱	شاجم	مصدق	وَإِذَا إِنْتَسَبْتَ بِأَعْظَمِ مَقْتُورَةٍ
۵۵۳/۱	ابوشيبص	منهم	وَأَشْبَهْتُ أَعْدَائِي فَصِرْتُ أَجْبَهُمْ
۲۵۷/۲		خفائمه	وَأَشْرَفَ الْوَرْدُ فِي نَسْرِينَ وَجَنَّتِي
۲۹۷/۱	كمال‌الدین ابن‌عديم	محرما	وَأَعْجَبْتُ شَيْءَ أَنْ رِبْقَكَ طَاهِرٌ
۴۷۰/۱		مسالا	وَأَعِيدُ رِقِّ مَاءِ الْوَجْهِ مِتَهُ
۱۸۰/۲		فناء	وَأَفْنِيهِ [...] الْمَلُوكُ مُحَجَّبَاتِ
۵۳۶/۱	اصبهانی	فانقادا	وَأَفِي فَجَدَّبْتُ عُقْدَةَ الْمَيَّادَا
۱۶۴/۲		مانه	وَأَلْبَحْرُ يَسْقِيهِ السُّحَابُ وَ مَالَهُ
۱۲/۲		مكانه	وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى إِحْسَانِهِ
۱۴۰/۱		حسن	وَإِنْ أَتَيْتَ بِمَا اسْتَحَقَّ مِنْ خَطَا
۲۹۴/۱	حسان بن ثابت	سعید	وَإِنْ أَمْرًا يَنْشِي يَصْبِيحُ سَالِمًا
۲۹۴/۱	عبدالرحمن بن حسان	زهيد	وَإِنْ أَمْرًا نَالَ الْغِنَى ثُمَّ لَمْ يَبْلُ
۱۹۹/۲		حزن	وَإِنْ أَوْلَى الْبَرَائِيَا مَنْ تَوَاسَبِهِ
۵۵۸/۱		رجائي	وَأَنْطَقْنِي الرُّجَاءُ فَقُلْتُ رَبِّي
۲۶۳/۲		فخرت	وَإِي لَوْعَةٍ لَوْ يَشْتَكِي الصَّمُّ بِمِثْلِهَا
۲۴۰/۲		يقاد	وَ تَكُونُ عَلَيْكَ فَإِنَّ الْأُمُورَ
۱۴۲/۱	منصور فقيه	لثام	وَ جَدَّتْ الْعِلْمَ صَاحِبُهُ شَرِيفٌ
۲۱۵/۱		زمن	وَ جَدَّتْ اللَّيْلُ ذَابَتْ فِي أَرْبَعِ

صفحة	سراينده	قافيه	مصرع اول
۲۹۵/۱		سارق	وَ حَقَّقَكُمْ مَا رَزَقْتُكُمْ فِي
۲۵۸/۲	دریدی	شقائق	وَ حَمْرَاءَ قَبْلَ الْمَرْجِ صَفْرَاءَ بَعْدَهُ
۲۰۰/۲		طبيب	وَ ذَاةَ الْحُمُقِ لَيْسَ لَهُ دَوَاءُ
۴۷۲/۱		قلمه	وَ ذَدْتُ أَبِي بِكَفِّهِ قَلَمٌ
۹۶/۱		تقوى	وَ ذُنْبِيهِ بِالْتَّقْوَى تَعَوَّزًا فَخَيْرٌ مَا
۵۱۲/۱	باخرزی	فستقا	وَ ذَاتُ فَمٍ صَيِّفًا كَشَفَةِ فُسْتَقِي
۴۷۲/۱		برضابه	وَ زَائِيَتُهُ فِي الطُّورِ يَكْتُبُ مَرَّةً
۲۹۹/۱		رجوعك	وَ زَحَلْتُ عَنْهُ وَ مَا لَهُ فِي جَيْلَةٍ
۱۷۰/۱	كرسوى	منا	وَ زَدَ الْبِشْرُ بِمَا أَقْرَأَ الْأَعْيُنَا
۱۹/۲		نور	وَ زَدَ الْكِتَابُ مُبْتَرًا نَفْسِي بِأَنْوَاعِ السُّرُورِ
۳۵۶/۱		تفق	وَ الزُّوْضُ مُبْتَسِمٌ وَ الْعَيْشُ مُعْتَنَمٌ
۲۵/۲		عجينا	وَ سَائِلَةٌ تَسَائِلُ عَنْهُ قَلْنَا
۱۵۸/۲		اثوابها	وَ السُّرُورُ تَحْسِبُهُ الْعَيْوُنُ غَوَائِيَا
۵۴۵/۱	محمودوراق	به	وَ سَمِعَكَ صَنْعٌ عَنْ سَمَاعِ الْقَبِيحِ
۹۸/۱		انسجما	وَ شَادِنٌ قَالَ لِي لَمَّا رَأَى سَقْمِي
۲۹۸/۱		تجدد	وَ طَوَّلَ مَقَامَ الْمَرْءِ فِي الْحَيِّ مَخْلُوقِ
۲۱۵/۱		مساويا	وَ عَيْنُ الرِّضَا عَنْ كُلِّ غَيْبٍ كَلِيلَةٌ
۲۰۰/۲		لكثير	وَ غَيْرُ كَثِيرٍ أَلْفٌ جِلُّ لَوْ أَحَدِ
۳۶۶/۱		على التقى	وَ فَوْقَ لَهُ فِي الْخَدِّ خَالَ
۱۷۴/۱	كرسوى	واحد	وَ فِي كُلِّ شَيْءٍ لَهُ آيَةٌ
۴۷۳/۱		اثارا	وَ فِيهِ بَحْرُ الْمَكَارِمِ قَدْ صَفَتْ
۱۵۸/۱	زيد بن صويد	منهجي	وَ قَائِلَةٌ لِي حِينَ شَبَّهْتُ وَجْهَهَا
۱۰۷/۱		صدقا	وَ قَالُوا يَعْصِرُ الشُّعْرُ فِي الْمَاءِ حَيَّةً
۴۷۱/۱		ساربه	وَ قَدْ رَأَيْتِي يَا قَوْتَتِي شَفَّيْتِي لِي
۲۷۱/۲		اشياء	وَ قُلْ لِمَنْ يَدْعِي فِي الْعِلْمِ فَلَسْفَةٌ
۲۵۸/۲	ابى تمام طانى	وعاه	وَ كَانَ يَهْجَتُهَا وَ يَهْجَتُهَا كَأَسْبَا
۲۹۴/۱	عدى بن رفاع	جاسم	وَ كَانَتْهَا ابْنُ النُّسَاءِ أَحَا زَهَا

صفحه	سراینده	قافیه	مصرع اول
۴۴۰/۱		اتلقا	وَ كَلْتُ إِلَى الْمُخْتَوِبِ أَمْرِي كُلَّهُ
۴۸۶/۱		قاصر	وَ كُلُّ قَمِيصٍ خَيْطٌ مِنْ نَسِجِ نِسْجَةٍ
۱۳۷/۱		أفضلا	وَ كُلُّ كَرِيمٍ لِلْكَرِيمِ مُفْضَلٌ
۵۵۰/۱	محمد علوی	ذکور	وَ كَمْ نَادَمْتُ مِنْ ذِكْرِ وَأَنْثَى
۴۷/۲		بتقطع	وَ كَيْفَ يُدَارِي وَالْهَوَى قَاتِلَ الْفَتَى
۲۹۵/۱		ذل	وَ لَا أَقْبِلُ الدُّنْيَا جَمِيعًا بِمِثَّةِ
۲۹۳/۱	شافعی	منامی	وَ لَا بُدَّ أَنْ أَسْعَى لِأَشْرَفِ رُتَبَةٍ
۱۴۳/۱		ارقع	وَ لَا تَشِثُ فَوْقَ الْأَرْضِ إِلَّا تَوَاصِعًا
۳۸۷/۱	شبلی	امواج	وَ لَقَدْ ذَكَرْتُكَ فِي السُّفِينَةِ وَالرُّيِّ
۲۹۸/۱		مبدد	وَ لِكَيْتَنِي لَمْ أَحِذْ وَ لَقَدْ أَمَجَّمْنَا
۳۵۰/۱	بختری	سارا	وَ لَمَّا اسْتَدَارَتْ أَعْيُنُ النَّاسِ حَوْلَهُ
۴۷۳/۱		مجال	وَ لَمَّا أَنْ تَوَاصَلْنَا سَحْمَنَا
۲۱۵/۱	قاضی عبدالعزیز جرجانی	اخندما	وَ لَمْ أَتَبَدَّلْ فِي خِدْمَةِ الْعِلْمِ مُهْجَتِي
۱۱/۲		تقاطع	وَ لَمْ أَرِ أَبْقَى مِنْ وَصَالِ مُرَاجِعِ
۲۱۵/۱	محمود وراقی	فقر	وَ لَمْ أَرِ بَعْدَ الدُّبَيْنِ خَيْرًا مِنَ الْعَنَى
۲۱۵/۱	متنبی	تمام	وَ لَمْ أَرِ مِنْ عُيُوبِ النَّاسِ شَيْئًا
۱۶۴/۲		حمده	وَ لَوْ أَنَّ فِي كُلِّ مُنْتَبِتِ شَعْرَةٌ
۱۴۲/۱		منور	وَ لَوْ لَا رِجَالُ الْعِلْمِ مَا دَارَ مَرَّةٌ
۹۷/۱		خراب	وَ لَيْتَ الَّذِي بَيْنِي وَ بَيْنَكَ عَامِرٌ
۲۱۵/۱	محمد بن زیاد	مشهدا	وَ لِي جُلُوسَةٌ مَا أَمَلُ خَدَيْتَهُمْ
۷۱/۲	یحیی بن صاعد	مطهر	وَ مَا أَخَذَ عَنِ السِّنِّ النَّاسِ سَالِمًا
۹۰/۱		خلاق	وَ مَا الْحُسْنُ فِي وَجْهِ الْفَتَى شَرَفًا لَهُ
۲۷۰/۲		قصر	وَ مَا الْحَلَى إِلَّا زِينَةٌ لِنَقِصَةٍ
۲۹۷/۱		مکسب	وَ مَا الْحَسَبُ الْمُؤَزَّوْتُ لِأَذْرٍ ذَرَّةٌ
۱۶۶/۱	محمد منشی	بعد	وَ مَا فَاحَ ذَهْرًا عَرَفَ زَهْرٍ مِنَ الْعُمَرِ
۲۷/۲		مذاق	وَ مَا فِي الْأَرْضِ أَشَقَى مِنْ مُجِبِّ
۲۱/۲		معاند	وَ مَا لِي ذَنْبٌ غَيْرَ أَنْ فَضَائِلِي

صفحہ	سرایندہ	قافیہ	مصرع اول
٤٧١/١		صفائر	وَمِنْ حَسَنِ ذَاكَ الْمَسِيِّ جَاءَتْ فَقَبِلَتْ
١٠٥/١		ذکور	وَمِنْ عَجَبِ أَنْ الصُّوَارِمَ فِي التُّوَعَا
٢٥٤/٢		معی	وَمِنْ عَجَبِ إِنِّي أَخْرَجْتُ إِلَيْهِمْ
٢٩٥/١	کثیر بن عبدالرحمن	غائب	وَمَنْ لَمْ يَغْمُضْ عَيْنَهُ عَنْ صَدِيقِهِ
٢٩٤/١	اخطل	خبال	وَالنَّاسُ مِنْهُمْ الْحَيَاءُ وَلَا أَرَى
٤٩٠/١		امور	وَهَبِكَ حَوَيْتَ مَلِكَ الْأَرْضِ قَهْرًا
٢٨٠/٢		اولا	وَهُوَ الْأَوَّلُ مَا عَرَفْتُ مِنَ الْهَوَى
٩٦/١		تذکرا	هَاتِ أَحَادِيثَ عَقِيقِ الْحَمَى
٩٤/١		شقیق	هَاتِ الْمُدَامَةَ يَا شَقِيقِي
٣٢٥/١		ماذا	هَبْ أَنْتَ قَدْ مَلَكَتِ الْأَرْضَ طَرًّا
١٦٩/٢	همگر	قدر	هَبْ اللَّيَالِي يُتَمَلَّنِي إِلَى أَمَدٍ
١٧٩/١	مرساها	مرساها	هَدَى السَّفِينَةَ بِسْمِ اللَّهِ مُنْجِيهَا
١٥٣/١	فرزدق	حرم	هَذَا الَّذِي تُعْرِفُ الْبَطْحَاءَ وَطَائِفَةَ
٤٤٤/١			=
٤٦٧/٢		بيت	هَدَّبَ النَّفْسَ بِالْعُلُومِ لِتَرْقَى
٤٦٧/١	مالك فياض	عوائد	هَذِهِ سَفِينَةُ الْوَاخِهَا زُرَّ الْفَرَاوِيدِ
٣٤٣/١		متاعب	هَزَبْتُ مِنَ الْأَمْطَارِ كَيْ لَا تَبْلُنِي
٤٧١/١		ذرايا	هَزَزْنَ الْقُدُودَ لَهَا دِمَاهَا
٢٩٤/١		عتق	هَلْ أَطْعَمَ الطُّغْتَةَ النَّجْلَاءَ عَنْ عِزِّهِ
١٦٧/٢	معجون بن عامر	تعود	هَلِ الدَّهْرُ يَوْمًا يَلْتَمِي بِجُودِ
٥٨/١		استحلت	هَبِينَا مَرِيئًا خَيْرَ دَاءٍ مُخَامِرِ
٩٢/١		ظلام	هَوَ الْقَجْرُ قَابِلَنَا بِاتِّسَامِ
٦٢/٢		صفا	هَوَايَ لَهُ فَرَضٌ نَعْطِفُ أَوْ جَفَا
٢١٥/١		جليل	هَوَ الْحُبُّ حَتَّى قَبِلَ أَنْتَ عَلِيْلَ
١٠٩/٢	امير المؤمنين علي عليه السلام	نسم	هَوَ الَّذِي أَنْشَأَ الْأَشْيَاءَ مُبْتَدِعًا
٢٠٤/٢	عماد اصفهانی	قدمی	الْهَوَى ، الْهَوَى أَرَاقَ دَمِي
١٠٢/١	رستمی	قواللا	هِيَ الدَّارُ أَبْنَاءَ النَّدَى مِنْ حَاجِجِهَا

صفحه	سراینده	قافیه	مصراع اول
۲۵۷/۲		مساویک	یا أَطَيَّبَ النَّاسَ رِيْقًا عَتِيْرَ مُخْتَبِرِ
۴۸۶/۱		ناس	يَا أَكْثَرَ النَّاسِ إِحْسَانًا إِلَى النَّاسِ
۱۱۴/۲		وری	يَا أَيُّهَا الْمَعْرُورُ بِالْدُّنْيَا، اِعْتَبِرْ
۵۵/۲		فیه	يَا جَمِيعَ الْحُسْنِ بَعْضُ صِفَاتِهِ
۹۳/۱		عقاربت	يَا حَسَنًا نَحْنُ فِي لَهْوٍ وَلَيْلَتُنَا
۵۳۱/۱	اصبهانی	صاحبها	يَا حَسَنَ شِفَاةٍ مَنَعَتْ جَارِيَتَهَا
۹۴/۱		والده	يَا ذَا الَّذِي أَصْبَحَ لَا وَالِدًا
۱۵۹/۱	ابی الفتح یسنی	فسادا	يَا ذَا الَّذِي رَكِبَ الْفَسَادَ وَعِنْدَهُ
۹۴/۱		روم	يَا ذَا الَّذِي فِي خَدِّهِ
۳۴۵/۱		زمانه	يَا زَمَانًا أَلَيْسَ الْأَخْرَارُ ذُلًّا وَمَهَانَةً
۹۲/۱		اعتدالا	يَا شَبِيهَةَ الْبَدْرِ حُسْنًا وَضِيَاءً وَمِثَالًا
۲۵۸/۲	قاضی	ارض	يَا صَاحِبَ تَجَسُّمٍ لِأَدَامِ الْقَرِضِ
۲۶۰/۲		عزافات	يَا عِزُّ أَقْسَمٍ بِالَّذِي أَنَا عَبْدُهُ
۹۶/۱		فاضل	يَا غَرِيبًا أَحَبُّ مِنِّي التُّغَاضِي
۳۹۱/۱	کمال‌الدین اسمعیل	افتتاک	يَا قَاتِلِي بِطَرْفِكَ الشُّفَاكِ
۹۲/۱		غزال	يَا قَضِيًّا تَمَشِي نَحْتِ هِلَالِ
۱۵۱/۱		کاشفا	يَا قَلْبُ إِنْ رُمْتَ الْبُلُوغَ إِلَى مَدَى
۱۵۱/۱		زوروا	يَا قَوْمُ إِنِّي ضَعِيفٌ عَنْ زِيَارَتِكُمْ
۲۹۶/۱	شاجم	حادث	يَا كَامِلَ الْأَذَابِ مُنْفَرِدَ الْعُلَى
۲۵۵/۲	مقتول	بلوانی	يَا لَأَمَنِي فِيكَ أَجْبَانِي وَأَعْدَانِي
۵۱۲/۱		مروات	يَا لَهْفَ نَفْسِي عَلَى مَالِ أَفْرَقَهُ
۹۸/۱		فیها	يَا لَيْلَةً لَسْتُ أَنْسِي طَبِيْبَهَا أَبَدًا
۱۵۹/۱	ابی الفتح یسنی	منشورا	يَا مَنْ أَعَادَ زَمِيمَ الْمَلِكِ مَشُورًا
۵۰۸/۱	نعمان‌اصیل	سقم	يَا مَنْ يُجِيبُ دُعَاةَ الْعَبْدِ فِي الظُّلَمِ
۱۳۱/۲	ابن‌الرومی	ندم	يَا مَنْ يَرَى خِدْمَةَ السُّلْطَانِ فَائْتِدُهُ
۹۲/۱		جنس	يَا نَدِيمِي أَطْرَقَ الْعَجْزُ
۲۰۴/۲	محمد غزالی	عقد	يَيْدِي مِنَ الْحَمَامِ كَالْبَدْرِ طَالِعًا

صفحہ	سرایندہ	قافیہ	مصرع اول
۴۷/۲		بخضع	يُدَارِي هَوَاهُ ثُمَّ يَكْتُمُ سِرَّهُ
۱۸۱/۲	=	=	=
۳۴۹/۱		دینار	يَدُ بِخُمْسِمَانَةٍ مِنْ عَشْجِدٍ قَدِيثٍ
۳۶۲/۱		سسم	يَرَى النَّاسَ دُهْنًا فِي الْقَوَارِيرِ صَافِيًا
۳۷۳/۲	ابراہیم بن حسان	مکاسبہ	يَزِبُّنُ الْفَتَى لِلنَّاسِ صِحَّةَ عَقْلِهِ
۲۹۶/۱		اقوام	يَشْفَى رِجَالَ وَيَشْفِي آخِرُونَ بِهِمْ
۴۷۲/۱		ذنوب	يَعْدُ عَلَى الْوَأْيِيَاتِ ذُنُوبَهُ
۵۵۱/۱		جواہرہ	يَقْلِبُ أَخْوَالَ الْفَتَى فِي أُمُورِهِ
۲۱۴/۲	عمرالنسفی	لالی	يَقُولُ الْعَبْدُ فِي بَدْوِ الْأَمَالِي
۷۵/۲	شافعی	خیارها	يَقُولُونَ أَسْبَابَ الْفَرَاغِ ثَلَاثَةٌ
۵۵۲/۱		معدب	يَقُولُونَ لَيْلِي عَذَابُكَ بِحَبِّهَا
۹۷/۱		بصیب	يَلْدُ عَذَابِي مِنْكُمْ وَيَطِيبُ



مرکز تحقیقات و پژوهش علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فهرست سروده‌های فارسی

صفحه	سراینده	مصرع اول
۴۳۲/۱	جمال	آب دارد طبع آتش راست گویی در نمود
۱۳۹/۲		آتش چو پریر در دل لاله فتاد
۱۳۹/۲		آتش رویی پریر در ما پیوست
۴۹۹/۱	کمال‌الدین اسماعیل	آخر رقمی ز مشک بر ماه زدند
۳۰۹/۲		آخر ز گل رخت به خاری برسم
۱۸۲/۱		آدمی انسان عین عالمست
۱۰۱/۲	کمال‌الدین اسماعیل	ارباب شوق در طلبت پیدل اند و هوش
۱۸۳/۱		از آب و گل بدیعست این صورت آفرینی
۱۵۸/۲		از خاک برانگیخته شد لعل و زیرجد
۵۱۴/۱	محمدشاه غور	از خدا امید می‌داریم کاندر عهد ما
۳۶۶/۱	کبودجامه	از دل من گر نه هر دم آتشی برخاستی
۱۵۸/۲		از دم فاخته و زمزمه بلبل مست
۱۰۴/۲		از زمزمه بلبل و از فتهه گل
۱۸۳/۱		از سر صدق و صفا چون صبح خواهم زد نفس
۶۰/۲		از شب وصل دمی می‌دهیم هر نفسی
۱۶۲/۱		از ظهور رایت بزمست فردا ملک را
۳۱۰/۲		از عالم مسکنت گلی گر چینی
۵۹/۲		از غایت لطف نام یارم
۴۴/۲		از کبر مدار هیچ در سر هوسی
۶۳/۲	=	=
۳۴۸/۱	ابیرالدین ابهری	از گل گل تر چون رخ زیبات نرمست
۵۴/۱		از لببت می‌خرم بجان بوسی
۳۷۰/۱		از ما نشانه‌ای طلبیدی ولی نماند

صفحه	سراینده	مصرع اول
۳۱۵/۱	ابن‌یمین	از من که می‌برد سوی دستور خالفین
۱۸۳/۱		از موی فرقت تا میان فرقی نباشد در میان
۱۰۴/۲		از نسیم صبا و فصل بهار
۱۸۳/۱		از هواداری بجان جویم نسیم صبح را
۱۸۳/۱		از هیچ طرف راه ندارم که ز زلفت
۱۴۷/۲		آشنایی خلق تقلید است
۲۹۷/۲		آشنایی خلق درد سر است
۱۳۸/۲	فردوسی	اگر به دانش اندر زمانه لقمان وار
۲۰۶/۲		اگر خرده‌دانی بدان تا چه چیزی
۳۰۹/۲		اگر خود بر درد پیشانی پیل
۴۳/۲		اگر خود بر درد پیشانی شیر
۱۰۵/۲	=	=
۳۴۹/۱		اگر روزی به عقل استی و دانش
۱۰۴/۲		اگر ز قاف قناعت بگسترانم پر
۵۶۲/۱		اگر شاه مسلمان دادگر نیست
۳۵۹/۱		اگر ضرب المثل علمت محیط نه فلك گردد
۱۹۳/۲		اگرم دولت وصل تو میسر می‌شد
۲۹۸/۲	خیام	اگر نانی دهی سگ را به عمری
۳۴۹/۱	رکن‌الدین ابهری	آمد نگار ترك من از رخ تقاب انداخته
۱۶۶/۲		امن و شباب و صحت نفس و توانگری
۳۱۱/۲		امید خلق برآور چنانکه بتوانی
۵۰۱/۱	سنایی	آنچه من دیدم ز دل هرگز نیارم یاد ازو
۳۳۱/۱		آنچه واجب کند نوازش حق
۳۴۶/۱	مهنسی	آن حسن و دلالت بین و آن مکر و فنش
۱۷۴/۱		آن دل که به غمی ز تو شاد شود
۵۰/۲	ابوسعید ابو‌الخیر	آن دم که حلیت عاشقی بشنودم
۵۳/۱		آنرا که برکشید قبول تو همچو تیغ

صفحه	سراینده	مصرع اول
۱۸۴/۱		آن روز که مه شلی نمی دانستی
۲۴۲/۲	سعدی	آن صانع لطیف که بز فرش کائنات
۲۴۲/۲	سوزنی	آن صانعی که هست ز تأثیر صنع او
۲۴۳/۲		آنک بر شاشه چنان عطسه کرد
۱۶۴/۱		آنک نابینای مادرزاد اگر حاضر شود
۲۴۳/۲	انوری	آنکه از ایمای انگشتش دو گیسو بند زد
۴۹۴/۱		آنکه خورشید خواند روی ترا
۱۹۴/۲		آن که درد غم او مایه درمان منست
۶۸/۲		آنکه در راحت و تنعم زیست
۲۰۶/۲		انگشت نمای این و آنم کردی
۱۱۶/۱		آن ماهی مشک خوار در باش
۳۴۶/۱	امام رازی	آن مرد نیم کز عدم بیم آید
۳۰۵/۲	=	=
۵۶/۱		آن نه من باشم که روز جنگ بینی پشت من
۱۶۹/۱		آن وادی زنده رود خون بایستی
۵۱۵/۱	انوری	انوری بهر قبول عامه چند از نیک شعر
۱۸۴/۱		آن یار که هر صومعه جستی و ندیدی
۲۸۴/۲		او را شونات مبارک دادند
۷۴/۲		اول دل مردمانت خوش باید داشت
۱۱۰/۲		اول قدم آنست که او را طلبی
۳۲۰/۱		آه از آن دم که رخت برداریم
۱۳۹/۲		آهخت پر بر لاله ز آتش خنجر
۸۲/۲	کمال الدین اسماعیل	ای آتش طبیعت حسد باد شمال
۱۸۴/۱		آیا چه خوش بود نگه صبح در چمن
۲۴۳/۲	جمال الدین عراقی	ای از بر سدره شاهراحت
۳۴۸/۱	انیر الدین ابهری	ای از پی صورتت که محض جانی
۳۴۴/۱		ایام را به ماهی یک شب هلال باشد

صفحه	سراینده	مصرع اول
۴۹۹/۱	کمال‌الدین اسماعیل	ای آنکه به غیرتست حور از رویت
۱۳۹/۲		ای باد بیا و بوی گلزار بیار
۲۰۴/۲	قاضی اصفهانی	ای باد تویی هم نفس مهجوران
۳۶۰/۱		ای بس که نباشیم و جهان خواهد بود
۲۸۱/۲		ای بی‌نشان محض نشان از که جویمت
۲۸۱/۲		ای پرتو جمالت دل‌های ما ربوده
۱۶۷/۲		ای تا به ابد شب تمنّات
۸۲/۱		ای جهان پرتو اسرار تو سبحان الله
۲۴۴/۲	نظامی	ای خالک تو توتیای بینش
۲۴۴/۲		ای خدایت مقتدایی خلق
۳۴۷/۱		ای خواجه که عمر تو فزون از شصت است
۱۳۷/۲	انوری	ای خواجه مکن تا بتوانی طلب علم
۵۲۰/۱		ای دل از جور سپهر نابسامان غم مخور
۲۳۵/۲	محمودیهنی	ای دل آگه نیستی کز پیکرت باد فنا
۳۴۱/۱		ای دل آر باز کنی دیده معنی بعیان
۳۱۶/۱	ابن‌یمین	ای دل آرگوش سوی من داری
۲۴۷/۲	نجم‌الدین دابه	ای دل تو اگر مست نه هشیاری
۱۹۳/۲		ای دل غمدیده از جان یاد باد
۳۰۰/۲	عمادالدین فقیه	ای دل گشایشی ز در کبریا بخواه
۳۰۸/۲		ای دل مطلب ز دیگران مرهم خویش
۳۶۵/۱	اتسیر خوارزمشاه	ای دل همه ساله دردمندت بینم
۱۹۲/۲		ای رخ جان فروز تو داده فروغ دیده را
۱۲۰/۱		ای روزگار از تو چنین بی‌مکارمند
۷۲/۲		ای ساقی از آن باده که ما را باید
۳۰۵/۱	ابن‌یمین	ای سپهر بی‌حفاظ دون نواز
۱۲۶/۱	اسعدی	ای صاحب با علو همت
۵۰۱/۱	امین‌الدین نیریزی	ای طلعت خورشید ز رخسار، تومانی



مرکز تحقیقات و ترویج علوم و فناوری

صفحہ	سرایندہ	مصرع اول
۵۱/۲		ای عارض خوب تو دل آرای همه
۳۱۰/۱	ابن یحییٰ	ای فلک با من اگر بدکنی از نیک رواست
۱۶۹/۲	همگر	ای قدّ خوش تو سرو شاداب حیات
۶۴/۲		ای که امروز دسترس داری
۲۴۷/۲	فریدالدین احوّل	ایمان رفیق و توشه یقین کن که این طریق
۳۴۱/۱		ای مدعی زاهد غره به طاعت خود
۵۶/۲	همام الدین	ایمن مرو که مرکب مردان مرد را
۳۰۵/۲		این خوش پسران که در غم می دارند
۴۲۴/۱	کمال الدین خواجوی	این شاه ابطحی که سلیمان گدای اوست
۴۹۹/۱	اثیرالدین اومانی	این غزل یک دو نوبت از سر سوز
۳۶۴/۱	فرج الله نیریزی	ای وصف تو بسته، حدّ گویایی ما
۴۲۴/۱		ای همه هستی ز تو پیدا شده
۳۵۰/۱		با این در سه خر که آنچنان می دانند
۱۷۲/۱	کرموی	با بادیه هجر تو ای دوست برانیم
۶۴/۲		با بطن می گفت ماهی اندر تک و تاب
۱۱۲/۲		با خلق به لطف و خلق و دلداری به
۱۸۴/۱		باد بر بوی نسیم زلف در سنبل ختن
۴۳۱/۱	ظہیر	با درختان آسمان را دوستی بود از قدیم
۴۰۰/۱	کمال الدین اسماعیل	باز آ که جهانم به نظر تاریکست
۴۹۷/۱	ناصر الدین منشی	با سرو گفت آب که ای غمگسار ما
۳۳۶/۱		باش شیرین زبان و خوش گفتار
۳۰۹/۱	ابن یحییٰ	با عقل کار دیده بخلوت شکایتی
۳۱۰/۲		باغبانی بنفشه می بوید
۳۴۹/۱		بالای بلند تو بلای دل ماست
۶۹/۲		با مردم سهل گوی و دشوار مگوی
۷۸/۲		با هیبت شیر باش و با کبر پلنگ
۳۰۷/۲		با یار کزو کار تبه داشتنام



مرکز تحقیقات کتاب و اسناد ملی

صفحه	سراینده	مصرع اول
۱۷۸/۱		بحلقه که سر زلف یار بگشاید
۱۸۵/۱		بخت باز آید از آن در که یکی چون تو در آید
۱۸۴/۱		بخون مردم چشمم شماتت کم کن ای دشمن
۳۱۰/۲		بد اندر حق مردم نیک و بد
۳۵۸/۱		بدان شرطی فرو شد دل به کویت
۱۶۰/۲		بده ساقیا باده ارغوانی
۲۴۶/۲	سنایی	بدین زور و زردنیا چو بی عقلان مشو غزه
۱۶۶/۲		بر بنده در طرب گشایی چه شود
۱۶۶/۲	عراقی	بر تر ز چند و چون جبروت و جلال او
۱۸۳/۲		بر تو چون مشته شوند دو کار
۸۲/۲	کمال‌الدین اسماعیل	بر تو خوانم زدقتر اخلاق
۲۳۵/۲		بر دعوی آنکه چون تویی نیست
۳۶۵/۱	فرج‌الله تبریزی	بر رهگذر باد چراغی که تراست
۲۴۷/۲	فضل‌الدین کرمانی	بر ساحل غرور مزن خیمه هوسا
۵۰۰/۱		بر گذرگاه تو می‌خواهم که بر خاکم نهند
۵۶/۲	همام	بر گذرگاه تو می‌خواهم که در خاکم نهند
۱۰۳/۲	ابوسعید ابوالخیر	برون ز گوشه بهشت برین سقر باشد
۲۳۸/۲		بزرگی بایدت دل در سخا بند
۲۰۲/۲		بس آه جگر سوز که بر چرخ کشیدیم
۳۴۳/۱		بسا دولت که باشد بر گذرگاه
۴۵۲/۱	احمد غزالی	بسترد نیست آنچه بنگاشته‌ایم
۹۷/۲	نجم‌الدین رازی	بس در این منزل چگونه باب هجر آرند باز
۱۸۵/۱		بسر باید سپرد این ره تو این صنعت کجا دانی
۱۵۰/۱		بسمی کوش که ناگه فراغت نبود
۸۹/۲	وفادار	بسی سرگشته گشتم در ممالک
۳۴۴/۱		بضاعتیست نکویی که آن بضاعت را
۴۲۸/۱	سعدی	بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران

صفحہ	سرایندہ	مصرع اول
۴۹۴/۱	عمادالدین فقہ کرمانی	بگذشت یار و درمن مسکین نظر نکرد
۱۶/۲		بلبل بستان دین کز وجد مجلسهای او
۵۱/۲		بلبل نشود ز ناله خویش خجبل
۱۸۴/۱		بندھام گر تو به هیچم شماری شمار
۴۳/۲		به چشم عجب و تکبر، نگه به خلق مکن
۱۷۱/۱	کرسوی	به خدمت آمدن مارا کجا یارای آن باشد
۲۴۸/۲	سعدی	به در خدای قریب طلب ای ضعیف همت
۱۰۵/۲		به روزگار ملک شه عرابی حج
۳۱۱/۲		به سمع خواجه رسان ای ندیم وقت شناس
۱۸۵/۱		به فدای تن و اندام چو گلبرگ تو باد
۱۷۱/۱	کرسوی	به من که اهل جهانی بدین خبر شادند
۲۰۶/۲		به میخانه ها یافتم روشنایی
۱۴۰/۲		به نزدیک خواجه شدم چند روز
۶۰/۲		به هر چه خوبتر اندر جهان نظر کردم
۱۸۴/۱		به هر طرف که تابد خورشید و من عنانرا
۱۸۴/۱		به همه خلق نمودم خم ابرو که تو داری
۵۱۴/۱		بیا بگو که پرویز از زمانه چه خورد
۱۲/۲		بیا که نوبت صلحست و دوستی رعایت
۴۰۰/۱	کمال الدین اسماعیل	بی تو لب خشک و دیده تر دارم
۱۶۵/۱		بی تو هلال وار تن زرد لاغرم
۲۴۷/۲	نجم الدین دایه	بیدار شو دلا که درین روزگار دون
۴۹۷/۱	خواجوی کرمانی	بینم به سوز دل که برآید به صبح گاه
۵۶۲/۱		پادشاهی نه سراقرازی و گنج و سپه است
۵۶۲/۱		پایه عفو پایه ایست رفیع
۳۹۹/۱	کمال الدین اسماعیل	پرتو روی تو چون آینه را آیین داد
۳۰۵/۲		پرسیدن شکسته دلان اهل فضل را
۳۰۷/۲		پروانه بسوخت شمع بروی موبد

صفحه	سراینده	مصرع اول
۱۷۶/۱		پیوسته چرخ و اختر و تخت تو نوجوان
۱۹۱/۲		تا بر افتاد ز خورشید جمال تو نقاب
۱۸۵/۱		تا بر نخیزی از سر دنیا و هر چه هست
۷۸/۲		تا به سنگ اندرون بود گوهر
۱۸۵/۱		تا چه خواهد کرد با من دور گیتی زین دو کار
۱۸۶/۱		تا خال ترا من و زلف ترا صید
۱۸۶/۱		تا خم ابروی شوخ او به پیشانیست طاق
۷۱/۲		تا دست وصال تو نگیرم در دست
۵۱۶/۱	نظامی	تا سخن آوازه دل در نداد
۲۳۲/۲		تا شود عرصه مراد فراخ
۱۸۵/۱		تا غبار سر کویت نشوم نشینم
۵۳/۱	کمال‌الدین اسماعیلی	تا فتنه شد رخ تو نهان گشت عاقبت
۱۶۳/۱		ترا بملک زمین تهنیت نیارم گفت
۵۱۴/۱		ترا نگفتم ای روزگار بی حاصل
۵۱۶/۱	عمیدالملک	ترسا بچه‌ای که هر که در شهر
۳۴۴/۱		ترکم چو به آماجگه آمد سرمست
۲۴۵/۲		تکیه بر جاه جهان از تو نه بر جای خودست
۳۴۰/۱		توانگری نه بمال است پیش اهل کمال
۲۴۶/۲	سنایی	تو جهد کن که نهی پای عقل بر نفس
۱۸۶/۱		تو دستار افکنی صوفی و ماسریر سر کوش
۱۷۸/۱		تو فرض کن که چو سوسن همه زبان گردم
۱۸۶/۱		تو می‌روی و مرا روی دل بجانب نست
۱۸۵/۱		تیر خدنگ غمزوات از جان ما گذشت
۱۸۶/۱		ثابت صفتم کوه صفت گرز نیم تیغ
۱۸۷/۱		ثابت قدم آن باشد کاوشمع صفت هر شب
۱۸۷/۱		ثانی که تو آن جویی ای دوست کجا باشد
۱۸۷/۱		ثبات بر سر آتش مرا رسد که دمام

صفحہ	سرایندہ	مصرع اول
۱۸۶/۱		نریاوار بارم اشک ای ماہ
۱۸۶/۱		ثنای حسن تو در عقل من نمی گنجد
۱۸۶/۱		ثوابی کن به لطف دستگیرم
۱۸۷/۱		ثوابی کن زکات حسن گہ گاہ
۱۶۳/۱		جا باد آمد با صد دولت روزافزون
۱۶۸/۲	شبلی	جانا به سفر مرو مرنجان جانم
۱۸۷/۱		جان از آن بر قد و زلف تو فشانم کہ مرا
۱۸۷/۱		جان بدادم تا بدستم طرہ جانان فتاد
۷۹/۲		جانش مرنجان به یکبارگی
۲۱۵/۱	سید جلال الدین	جان فرست کہ در سنگ اگر جمع شود
۱۸۸/۱		جانها به بوی زلف تو بر باد داده ایم
۲۸۰/۲		جز درد دل از نظارہ خوبان چیست
۱۸۷/۱		جز دیدہ صاحب نظران جای نسازد
۱۸۸/۱		جز سرشک لالہ رنگم در نمی آید بہ چشم
۹۸/۲		جز سلسلہ نیاز در گوش مکن
۶۳/۲		جز نکویی بہ جای دشمن و دوست
۱۸۸/۱		جگرم خون شد و از دیدہ برون رفت و نرفت
۱۸۷/۱		جملہ ذرات وجودم غرق بحر حیرتست
۳۲۵/۱		جواری سر کوی دوست ...
۳۴۵/۱		جوانان دانای دانش پذیر
۵۷/۲	سنایی	جهان تیزست و رہ مشکل جنیبت را عیان درکش
۱۰۰/۲	محمد بن خفیف	جهانداری و دینداری ترا زبید خداوندا
۶۸/۲		جهد رزق ار کنی و گر نکنی
۶۰/۲		چاکر چو نیارست وداع جان کرد
۲۴۴/۲	نظامی	چراغ الفروز چشم اهل بینش
۷۳/۲		چشم فلک از ظلم تو بگریست، مکن
۸۷/۲	وفادار	چشم مخمور تو مست بہ خواب آلودہ

صفحه	سراینده	مصرع اول
۱۸۸/۱		چشم و رویم می دهند از حلقه و گوشش خیر
۵۰/۲	ابو سعید ابو الخیر	چشمی دارم پر از دیدن دوست
۱۹۴/۲		چشمی که همیشه اشک می بارم ازو
۲۴۵/۲	شاهنامه	چنان زی که گر برسدت کردگار
۴۳۲/۱	جمال	چنان شدست ز گرما که موی خویش از پوست
۳۵۸/۱		چند از این فضل و عبارت راه باید رفت راه
۲۴۶/۲	سنایی	چند ازین راهما
۶۷/۲		چند برسی که بندگی چه بود
۲۹۸/۲	نظامی	چو اندهی آید مشو ناسپاس
۷۷/۲		چو بینی خصم را افتاده در آب
۲۰۴/۲		چو پیدا شد مه از حقام دیدم
۲۱۵/۱	ابن معاویه	چو چشمت در جهان نگذاشت جانی
۳۳۵/۱		چو حسن خلق محبوب قلوبست
۲۴۱/۲	ظهیرالدین فاریابی	چو دست حکمت او طی کند سجل وجود
۳۹۸/۱	کمال‌الدین اسمعیل	چو ذره‌ام ز هوا غیر از اضطراب نبود
۴۲۹/۱	انوری	چو شام شد به شبستان شتاب باید کرد
۲۳۵/۲		چو صافی بود مرد مقصود خواه
۲۰۱/۲		چو صبحدم بدمید از کنار من بر مید
۲۰۳/۲		چو علم آموختی از حرص آنکه ترس کاندر شب
۴۳۰/۱	انوری	چو غنچه وقت سحر حله پوش می آید
۳۰۸/۲		چو گرد از خاک بر نخیزم بگیرم دامنت روزی
۴۳۰/۱	کمال‌الدین اصفهانی	چو گل می شکفتم به هنگام دی
۱۴۷/۲	ابوعلی فالی	چو مجنون شد به خلوت خانه خاک
۴۹۹/۱	نظامی	چو مجنون شد به خلوت خانه خاک
۴۳۰/۱	اوحدی	چو مشکي جعد شب را شانه کردند
۱۳۸/۲		چون نیر قضا زند سپرها هیچست
۴۳۲/۱	کمال‌اسماعیل	چون دید نگار داغ یارم بر دست

صفحہ	سرایندہ	مصرع اول
۳۴۸/۱		چون لاله به خون جگر آلوده کفن
۳۰۰/۲		چون لشکر غم جهان جانم بگرفت
۲۹۸/۲		چون مال ملامتست درویشی به
۴۳۱/۱		چو هاتف صبح سر بر آورد ظہیر
۱۶۲/۱		چه پرتو است که اقبال در جهان افکند
۱۵۰/۱		چه روزها به شب آورده‌ای به راحت نفس
۲۱۵/۱		چه شد جاننا بدین گرمی که سوزم در نمی‌گیرد
۳۰۷/۱	ابن یمن	چه طالبست ترا یا رب ای دل فلاش
۳۴۰/۱		چه نازی بزلف و خال برون کن ز سر خیال
۵۹/۲		چیز است بزرگ و مرد دانش بفهم
۳۵۸/۱		چیست ای مرد حکیم اندر میان آب دان
۱۶۰/۲		چیست کان نیست تو را تا بر تو آن آرند
۱۸۹/۱		حاجی دگر نبرد قطعاً ره منازل
۵۱۶/۱	نزاری	حاشا من و فربہی و ذلت
۱۸۸/۱		حاصل شود از لعل تو صد جان به دمی لبک
۳۴۴/۱		حال درویش چنانست که خال تو سیاه
۱۰۳/۲	ابو سعید ابو الخیر	حال عالم سر بسر پرسیدم از فرزانه‌ای
۱۸۸/۱		حتذا حالت پروانه که در کوی حبیب
۱۸۹/۱		حدیث زلف تو در مینہ شب فرو آمد
۱۸۹/۱		حدیث زلف و دہان تو جز کہ با تو نگویم
۱۸۵/۲		حذر کن ای دل از آسیب روزگار حذر
۱۸۸/۱		حقیقت دہنت در نیافت کسی
۱۸۹/۱		حکایتی ز دہنش بگوش ہوش می آمد
۱۰۱/۲		حکیم ہند سوی شہر چین شد
۱۸۹/۱		حلاوتیست لب لعل آبدارش را
۱۸۹/۱		حلقہ عنبر و بازار گل آشفته کنی
۱۷۱/۱		حیران شدہ یا پیش کدامش میرم



مرکز تحقیقات و ترویج علوم و فنون

صفحه	سراینده	مصرع اول
۱۹۰/۱		خاتم لعل ترا در دست زلفت دید دل
۲۴۳/۲	خاقانی	خاتم مهدی غلام، امی صادق کلام
۵۱۵/۱	انوری	خاطری چون آتشم نیست وزیانی همچو آب
۸۸/۲	وفادار	خاقانی آنکه مذهب نظمش درست نیست
۱۸۳/۲		خاک سیاه در دهن از کن که به
۱۹۰/۱		خال عنبر وش تو غالیه بویست مدام
۵۵۷/۱	نظامی	خانه پر از دزد جواهر بیوش
۱۷۲/۲		خدارای صبا بر خیز و از داعی پیام بر
۴۹۸/۱	شمس‌الدین محمد حافظ	خدا که صورت ابروی دلگشای تو بست
۲۴۲/۲	شاهنامه	خداوند پیروزی و دستگاه
۲۳۶/۲	خسرو شیرین	خداوندی که خلاق و جودست کتاب
۴۶۰/۱		خدایا دشمنت جایی بمیرد
۲۳۷/۲		خدایی ناید از مشنی پرستار
۲۰/۲		خرد چو معنی بار بک و لفظ خویش دید
۱۱۶/۲		خرد در پیش دولت رفت و گفتا
۴۶/۲		خرد رهنمای و خرد دلگشای
۱۱۶/۲		=
۳۳۲/۱		خرد مندا دلی آسوده خواهی
۱۱۶/۲		خرد مند اگر با غم و بی کس است
۴۲۹/۱	سعدی	خفته خیر ندارد سر بر کنار جانان
۱۲۷/۱		خلقى دیدم درین سفینه شور آورده
۱۹۰/۱		خنک آن دم که بیوی سر زلف تو مرا
۱۱۸/۱		خنک جانی کزو جانی بر آسود
۶۸/۲		خواجه آفتاب جست و نیافت
۱۹۰/۱		خواهم چو کمان، باز جفای تو کشیدن
۳۵۸/۱		خواهی که ترا دوست بود در هر کوی
۲۴۳/۲	عطار	خورشید خلد خواجه دنیا و آخرت



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسناد ملی

صفحہ	سرایندہ	مصرع اول
۱۱۲/۲		خوش است عالم آزادگی و خوش خوبی
۱۹۰/۱		خون دل پیالہ در گردن صراحیست
۳۶۵/۱	فرح اللہ نیریزی	خونی کہ بریخت تیغت از حلق عدو
۱۶۸/۲	شبلی	خوی خوش تو چشم و چراغ تو بس است
۱۹۰/۱		خیالت آرکند از ما کنارہ معذورست
۱۹۰/۱		خیال زلف و راحت روز و شب برابر است
۱۸۹/۱		خیال سرو بلندت در آب می جویم
۱۹۰/۱		خیال عارضت آبست از آن در دیده می گردد
۴۹۰/۱		خیری کن ای عزیز و غنیمت شمار عمر
۴۲۹/۱	انوری	خیز و در ده شراب گلگون را
۵۰۵/۱	عمادین عصام	دارد صفای کعبہ مقام خلیل ما
۱۳۷/۲		داشت لقمان یکی کرچہ تنگ
۱۹۱/۱		دامن از من مکش ای سرو کہ چون آب
۱۹۱/۱		دامن دولت جاوید و گریبان امید
۱۹۲/۱		دامن مکش از دست من ای دوست بیندیش
۵۶۲/۱		دانی کہ پادشاہ کدام است آنکہ او
۴۹۹/۱	مہستی	دایم گل رخسار تو پر بار نماند
۳۹۷/۱	کمال الدین اسمعیل	در آتش بستہ قطرہ آب کہ دید
۱۷۹/۱		در باغ رخس بہر تماشاگہ دل
۱۴۴/۲	ابو علی سینا	در پردہ سخن نیست کہ معلوم نشد
۳۴۶/۱	مہستی	در درج عقیقہ در منظومش بین
۱۶۹/۱	کرسوی	درد سر عاشقان سلامی باشد
۳۷۱/۲		در دہر بہ نا در این چنین می افتند
۵۰/۲		در دہ صنما ز ساغر وصل شراب
۱۴۵/۲	بلیانی	در راہ طلب اگر تو نیکو باشی
۱۴۵/۲	بلیانی	در راہ طلب رسیدہ ای می باید
۳۵۸/۱		در سر ہوس صحبت ناچسب مکار

صفحه	سراینده	مصرع اول
۲۴۸/۲	غزنوی	در عالم فتایی دل بر بقا منه
۵۸/۲	سنایی	در فراقم جز غم غم خواره نیست
۱۹۱/۱		در فراقم می نویسم نامه‌ای واز دست من
۱۴۰/۲		در فصل خزان چو باد بر می خیزد
۲۱۵/۱	نسائی	در کوی فراقم بوفا بنشستند برادر
۵۷/۱		در ماتم تو چرخ درآمد بخروش
۱۳۹/۲		در مرو پرپر لاله آتش انگیخت
۹۷/۲		در مصر اگر جمال او دیدندی
۲۹۸/۲	خیام	در مصطفی و جود دمی آمده‌ایم
۱۰۹/۲	ابوعلی سینا	در معرفتت چو نیک فکری کردم
۱۹۱/۱		در نامه چو من شرح فراق تو نویسم
۱۹۱/۱		در هر شکن ز زلفت آویختست صد دل
۱۷۷/۱		در هر صفت که چون کمرت بر تو بسته‌ایم
۳۰۸/۲	عمادشهریاری	درینا دیده ره بین نداری
۸۱/۲	کمال‌الدین اسماعیل	درین سفینه نگه کن به چشم معنی بین
۲۴۵/۲	کمال‌الدین اسماعیل	دست از طلب مدار اگر ت ترک این رهست
۲۰۲/۲		دست من و حلقه درت تا دم مرگ
۱۹۱/۱		دست هجرانت مرا در سینه خار غم نشاند
۶۰/۲		دشمن آتش مزاج باد پیما را بگو
۳۰۶/۱	ابن‌یمین	دلا بار جهان بر گردن جان
۱۹۱/۱		دل پریشانست در زلفت نمی دامن کنون
۴۳۲/۱	کمال‌اسماعیل	دل دوش به کوی مهر خوئی افتاد
۷۳/۲		دلسوختگان همی سگالند مکن
۱۶۶/۲		دل گفت گرش یار سپاهبست مترس
۲۰۶/۲		دلم با شکستن چنان انس دارد
۱۶۸/۲	سیف‌الدین باخرزی	دنیا که به هر پایه زدستی دگرست
۳۶۵/۱	خوارزمشاه	دو چیز ز احوال جهانم عجب آمدتسیر



مرکز تحقیقات و ترویج علوم و فنون

صفحہ	سرآیندہ	مصرع اول
۵۰۰/۱	جلال الدین سلمان ساوجی	دورم از جانان و مسکین آنکہ شد مہجور از او
۳۱۱/۲		دوش با سرو سہی بلبل بیدل می گفت
۳۶۲/۱		دوش دیدم کان ستمگر خون ہمی ریزد مرا
۲۰۲/۲		دوشینہ شب از ہجر من و شمع نخفتیم
۵۲۰/۱	نظامی	دو لشکر بہ ہم برکشیدند کوس
۶۴/۲		دہان پیش لبش بردم ابرو گفت با چشم
۹۸/۲	امامی	دہان ترک من گویی وجودست و عدم با ہم
۳۰۸/۲		دہان تنگ تو روزی من کناد خدای
۱۶۸/۲	شبلی	دی بر سر کو، چو دلستانم می رفت
۲۰۵/۲	قاضی اصفہانی	دی بلبلیکی بر سر شاخی با جفت
۳۱۳/۱	ابن یمن	دی مرا دوستی کہ مایل بود
۱۴۰/۲		دی مرا گفت دوستی کہ مرا
۱۹۲/۱		ذرات کون رقص کنانند ای صبا
۱۹۲/۱		ذرمای در دل تو مهر و وفا نیست چرا
۱۹۲/۱		ذرمای در ہمہ اجزای من مسکین نیست
۱۹۲/۱		ذکرت از یاد محمد نرود تا مردن
۱۹۳/۱		ذکر لب تو حکایتی شیرینست
۱۹۲/۱		ذلیل باد کہ ما را ز بار دور افکند
۱۹۲/۱		ذوق سرمستی زمستان پرس کایشان سالہا
۱۹۲/۱		ذوقی چنان ندارد بی دوست زندگانی
۱۹۳/۱		راز با خامہ و با نامہ نمی یارم گفت
۱۹۳/۱		راز پنہان دہان تنگت ای جان بر دلم
۲۸۰/۲		راہی بزن کہ غم زدگان دیدہ تر کنند
۴۲۵/۱	امیر عضد	رای و روی آرچو عقل و جان باشد
۱۹۳/۱		رخت آیینہ حسنست و حسنت صورت معنی
۱۹۳/۱		رخت تاب نظر نارد چرا برقع نمی بندی
۴۹۶/۱	بدرالدین دامغانی	رخش بر بود ناگاہی ز ما دل



مرکز تحقیقات کتاب و اسناد ملی

صفحه	سراینده	مصرع اول
۱۹۳/۱		رفتی و بر رخت نگرانند مرد و زن
۱۹۳/۱		رندم و صوفیم می‌خوانند خلق
۲۹۸/۲		روزی که دست یابی بر اهل روزگار
۱۷۸/۱		روزی نگر که طوطی طبعم بر لب
۲۹۹/۲	حافظ	روضه خلد برین خلوت درویشانست
۱۹۳/۱		روی خود بیند در اشکم زان نشیند بر دو چشم
۱۹۴/۱		ز آب دیده می‌گیریم ز آه سینه می‌نالیم
۱۸۲/۱		ز ازدواج مرد و چندین مرد و زن
۲۴۸/۲	غزنوی	زان پیش که از جام امل مست شوی
۱۹۴/۱		زان فرح کاندلر دل‌تنگم فرو آمد غمت
۳۰۳/۲		زانکه دنیا در بردین ذره‌ایست
۱۹۴/۱		زاهد دهم توبه ز روی تو زهی روی
۳۶۱/۱		زاهد دهم توبه ز روی تو زهی روی
۱۹۴/۱		زاهد نشسته بر در مسجد به گفت و گوی
۱۹۴/۱		ز دست گریه کتابت نمی‌توانم کرد
۱۳۹/۲		زد لاله پریر در نشابور آذر
۳۰۷/۲		زر خواسته‌ای اشک عوض می‌دهمت
۲۰۲/۲		ز ضعف طاقت آهم نماند و ترسم خلق
۱۹۴/۱		ز کفر زلف تو دل مانده بود در ظلمت
۴۹۶/۱	عمادالدین لنکرانی	ز کویی کان چنان ماهی برآید
۱۹۴/۱		زلف دراز دست تو سرها دهد به باد
۴۳۲/۱	کمال اسماعیل	زلف سیهت که بر رخت می‌پوید
۱۹۴/۱		ز میان یار کاری مگشاد جز کمر را
۳۶۲/۱		زمین شوره سنبل بر نیارد
۳۱۷/۱	ابن یمن	زندگانی به کنج عافیتی
۵۷/۲	نجیب جرفادقانی	زهی به وقت سحر زلفت از پریشانی
۳۹۷/۱	کمال‌الدین اسمعیل	زهی تیغ به آب فتح شسته



مرکز تحقیقات کتابخانه‌شناسی

صفحه	سراینده	مصرع اول
۳۲۱/۱		زینهار ای فطانه بترآ
۵۱۶/۱	عمیدالملک	ساروان را دوش گفتم ماه بی مهرم کجاست
۲۰۵/۲		ساعتی بود پس به عزم شدن
۱۹۵/۱		ساعده یاری بگیر و زلف دلداری بکش
۴۹۵/۱	امیر صفادار	ساقی بده آن باده گلرنگ دمام
۱۹۵/۱		ساقی همان به که امشب در گردش آری جام را
۲۴۱/۲	عمادالدین شهر یاری	سبحان خالقی که بیاراست از دو حرف
۴۳۱/۱	طیبی	سپیده دم شهنشاه لاجورد سریر شمس
۴۶۰/۱		سجاده فتاده در بن خم
۱۵۷/۲		سحاب از هوا باز گوهر فشان شد
۱۷۷/۱		سحر با معجزه چون دست در آغوش کند
۲۴۸/۲	عمادی	سخت می آید مرا بر دل که چون هر ست رأی
۲۰/۲		سخن کر جان برون آید
۱۷۶/۱		سخن هر چه بد گفتنی گفته اند
۱۹۶/۱		سر جمالت بعقل در نتوان یافتی
۵۵/۱	کمال الدین اسماعیلی	سر زلفت شبست و عارضت روز
۱۹۶/۱		سر سودایش مرا پیوسته در قلب دلست
۸۹/۲	وفادار	سرشک اشک خون بالای چشمم
۱۹۵/۱		سرشک حال دل از دیده می کند نقریر
۴۶۱/۱		سرکه ز سودا تهیست لایق سنگست
۳۰۶/۱	ابن یحیی	سرگشته بهر دانه چه کردم چو آسیا
۱۹۵/۱		سرم برفت به سودای وصل و می دانم
۱۹۵/۱		سرم نماند و در وی خیال دوست بماند
۱۹۵/۱		سرور را روزی ببالای تو نسبت کرده ام
۳۲۱/۱		سروری بی معرفت در هر که باشد هیچ نیست
۸۸/۲	وفادار	سروی شبانه آمد آن مایه روح
۱۹۵/۱		سری که از تو پیچد بریده باد چو زلف

صفحه	سراینده	مصرع اول
۱۱۵/۱		سفینه را به همه حال لنگری باید
۱۰۴/۱		سماع و باده و روی نگار نگذارد
۳۰۷/۲		سوزی که قضا بر سر این شمع نگاشت
۴۲۴/۱	ملک‌الشعرا ظهیر	شاه‌ها اساس ملک به تو استوار باد
۵۶۲/۱		شاه‌ها به عفو کوش که عفو آیت رضاست
۱۶۳/۱		شاهان که بهر تاج و نگین قصد کین کنند
۳۲۵/۱		شاه‌ها همگی اوج تو خواهیم
۱۹۶/۱		شاهد آن نیست که دارد خط سبز و لب لعل
۵۰۰/۱	جلال‌الدین سلمان ساوجی	شب دوشین بت نوشین لب من
۱۹۶/۱		شب وصال نخواهم که تن بود با من
۱۹۶/۱		شبی احوال بیماران پرس از شمع
۸۸/۲	وفادار	شبی به دلیر فتان خویش می‌گفتم
۵۰۱/۱		شبی خسرو به شیرین گفت فرهاد
۱۹۷/۱		شراب در تو اثر کرد و شمع جمله بسوخت
۳۵۸/۱		شرطت هزار کار مشکل کردن
۱۱۶/۱		شرف نفس بچود است و کرامت بسجود
۳۱۱/۱	ابن‌یمین	شکرها می‌کنم درین ایام
۳۰۴/۱	ابن‌یمین	شکرها واجب که نفس سرکش بد خوی را
۱۹۷/۱		شکسته بسته‌ی زلف توأم، روا داری
۳۰۷/۲		شمع آرچه به گریه جان‌گذاری می‌کرد
۱۹۶/۱		شمع افلاک نیفروخته بودند هنوز
۱۹۶/۱		شنید او ناله‌ام گفتا هنوز ز این هست؟ غم گفتش
۱۹۶/۱		شوق ماهی به آب چون باشد
۳۹۵/۱		شیر نر لیشی فتح شاه ابوالحارث
۳۰۸/۱	ابن‌یمین	صاحب‌بنده را بخدمت تو
۳۰۱/۲	محمود کرمانی	صاحب دلان که کوی خلوت گرفته‌اند
۲۴۴/۲		صاحب طرف ولایت جود حدیقه‌المحقیقه

صفحہ	سرایندہ	مصرع اول
۱۹۸/۱		صبا به بوی تو چندان دویدہ بود کہ دوش
۱۹۷/۱		صبا کہ غالبہ سایی گرفت در گلزار
۱۷۰/۱	کرسوی	صبح سعادت از الفی غیب بردمید
۴۳۱/۱	ظہیر	صبح صادق چو در جهان بدمید
۱۹۷/۱		صبری کنم تا ستم او چہ می کند
۱۹۷/۱		صد دلق بسوزد چو میم شعلہ بر آرد
۱۹۷/۱		صدر رہ از دست غمت جان بہ عدم خواست شدن
۱۹۸/۱		صفت صورت روی تو تحسین می کردم
۲۰۲/۲		صورت جان نتوان دید چو عکس اندازد
۱۹۷/۱		صورت نمی بندد کہ من باز آیم از غم خواری
۱۹۷/۱		صید او گشتم و گفتم کہ بہ زلفم کن بند
۱۹۸/۱		ضایع نشد آب مزہام عاقبہ الامر
۱۹۸/۱		ضبط در کار دل شیفته کی یابد راہ
۱۹۸/۱		ضدند آب و آتش لیکن رخ و لب را
۱۹۸/۱		ضدند جان و تن قدح بادہ در دہید
۱۹۹/۱		ضرورتست چو نی نالہ کردنم شب و روز
۱۹۸/۱		ضعیف گشتم از درد دوری تو چنان
۱۹۸/۱		ضعیفی من بی تاب بین کہ یک سر موی
۱۹۸/۱		ضیافت می کند ہر دم بہ شیرینی لب جانرا
۳۷۰/۱		طاعت آن نیست کہ بر خاک نہی پیشانی
۱۹۹/۱		طاقت سر بریدنم باشد
۱۹۹/۱		طاقت ندارد آن میان از وی چہ آمیزی کمر
۱۹۱/۲		طبع دریا مثال من چو بہ شعر
۱۰۶/۱		طیبی در یکی نکتہ نہفتہ
۱۹۹/۱		طرف نقاب از عذار بازگشا یک نظر
۲۰۰/۱		طرفہ می دادند باران صبر من بر داغ و درد
۱۹۹/۱		طرہ شب بر شکست بر فکن از رخ نقاب



مرکز تحقیقات و ترویج علوم و فنون

صفحه	سراینده	مصرع اول
۱۹۹/۱		طریق عشق می‌پویی خرد را الوداعی گو
۱۹۹/۱		طلعتش آینه حسنت و در آینه‌اش
۱۹۹/۱		طوطی نگوید از تو دلاویزتر سخن
۲۰۱/۱		ظاهر آمد حسن کان مجموع خوبان داشتند
۲۰۱/۱		ظاهر آنست که ما در سر کار تو رویم
۲۰۰/۱		ظاهر نمی‌شود اثیر صبح گوئیا
۲۰۰/۱		ظل زلف تو است در شب و روز
۲۰۰/۱		ظلمت خط تو شد مانع سرچشمه نوش
۲۰۰/۱		ظلمت و آب حیات آر هست زلف و لعل تست
۲۰۰/۱		ظلمی که رفت بر دلم از ترک چشم تو
۲۰۰/۱		ظن می‌برم که چشم تو دلجویم کند
۳۷۵/۱		عارفان طفل خویش را بیوست
۲۰۱/۱		عاشق ندید در حرم دل جمال یار
۲۷۱/۲		عالم آن کس بود که بد نکند
۲۰۱/۱		عذار و زلف تو درشان حسن و زیبایی
۳۱۷/۱	ابن‌یمین	عزت خلق اگر نگه داری
۵۷/۲	همام	عزم آن دارم که سر در پای آن دلیر کشم
۲۰۶/۲		عشاق تو نوبی جوانی گریند
۵۸/۲	سنایی	عشق تو بتا با دل مسکین حزین
۲۰۱/۱		عشق رخ تو شیوه هر پاکباز است
۲۰۱/۱		عشق ورزیدم و عقلم به ملامت برخاست
۵۱۸/۱	نظامی	عشقی که نه عشق جاودانیت
۲۰۱/۱		عکس آینه، خیالست که ماند به رخت
۲۴۷/۲	مخزن الاسرار	عمر به بازیچه به سر می‌بری
۵۷/۱		عمرت دراز باد که جبار ذو‌المنن
۲۰۱/۱		عمر منست زلفش مبخوامش همیشه
۲۰۵/۲		عمر نبود آنچه غافل از تو نشستیم



مرکز تحقیقات کتابخانه‌شناسی

صفحہ	سرایندہ	مصرع اول
۵۱۵/۱		عنان از خلد بر تابم ز غیرت
۴۳۳/۱	کمال اسماعیل	عواطف تو گریبان حسن من دارد
۳۰۹/۲		عیب بزرگ بر کشیدن خود را
۲۰۲/۱		عیب جوینام حکایت پیش جانان گفته‌اند
۲۰۲/۱		عید، مبارک ای صنم چون به مبارکی رسید
۲۰۲/۱		غایت آنست که ما در سرکار تو شویم
۳۳۴/۱		غبار راه درویشان حقیقت تاج شاهانست
۲۰۳/۱		گرامت باد آن بی درد را در عشق ورزیدن
۲۰۲/۱		غزال ار به کمند او فتد عجب نبود
۲۰۳/۱		غمزهات ار چه کند دعوی مردم داری
۲۰۲/۱		غمزه سرمست ساقی بی شراب
۲۰۳/۱		غم عشقت که نهان خانه دل کرد مقام
۲۰۲/۲		غمی باد آنکه او شادت نخواهد
۲۰۲/۱		غیرت غیر در جهان نگذاشت
۲۰۲/۱		غیرت عشقت از آن بر بود خواب از چشم من
۳۰۳/۲		فارغ از عالم گدایی دانند
۲۰۳/۱		فتادگان سرکوی دوست بسیارند
۲۰۳/۱		فتاده‌ایم به بند میان تو چو کمر
۲۰۴/۱		فراغت‌بست شب وصل را ز چراغ
۲۰۳/۱		فرخ کسی که دارد در سر هوای یاری
۳۴۸/۱		فردا که مقدسان خاک می مسکن
۲۰۳/۱		فرو گرفت غمت را دلم چنانک کز او
۱۱۶/۲		فریاد از این جهان که خردمند را از او
۲۰۳/۱		فریاد اگر در روی تو روی آورد هر آینه
۱۰۶/۲		فریاد که گر جور فراق تو نویسم
۵۱۸/۱	نظامی	فلک جز عشق محرابی ندارد
۲۰۵/۱		قبیله‌ها مختلف افتاد بر افکن برده



مرکز تحقیقات و پتویر علوم اسلامی

صفحه	سراینده	مصرع اول
۲۰۴/۱		قبلة روحانیان خاک سر کوی نست
۲۰۴/۱		قبول خاک کف پایت ارفند سر من
۲۰۴/۱		قدت بر جویبار حسن سرویست
۲۰۵/۱		قدح چون دور من باشد به هشیاران مجلس ده
۲۰۴/۱		قدمی نه بعنایت به سر خسته عشق
۲۰۴/۱		قسم بجان تو گفتن طریق عزت نیست
۲۰۴/۱		قصه زلف تو می‌گفتم رخت از تاب برفت
۱۷۳/۱	کرسوی	کار تو باید که باشد بر مراد
۲۴۲/۲	فریدالدین احوال	کردگار جان و تن پروردگار مرد و زن
۲۰۶/۱		کردم ز باده توبه ولی عهد توبه‌ام
۷۶/۲		کرم به که ماند زما یادگار
۱۰۹/۲	ابوعلی سینا	کس را به کمال و کنه ذاتت ره نیست
۲۰۵/۲	قاضی اصفهانی	کس نیست که گوید خط مشکین ترا
۲۰۵/۱		کسی چو گل به هوای تو تازه دارد جان
۴۵۲/۱		کسی کار دارد درین کارخانه
۳۰۸/۲	کمال اسماعیل	کلکت چو سر به بوالعجیبا برآورد
۲۰۵/۱		کنج خرابیات اگر مسکن ما شد چه شود
۱۴۴/۲	بسطامی	کنه خردم در خور اثبات تو نیست
۱۶۶/۲		کو دل که بداند نفسی اسرارش
۱۴۴/۲	ابوعلی سینا	کو دل که بداند نفسی اسرارش
۱۶۶/۱		کو صبر و چه دل کانچه دلش خواهد
۲۰۵/۱		کیست که حلقه می‌زند گر غم اوست مرحبا
۳۴۵/۱	ابن فارض	گر ابن مقله دگر باره باجهان آید
۱۴۶/۲	رکن‌الدین ابهری	گر بهره مر ز دهر نیست گو مباش
۳۴۸/۱		گر به صورت ملکی یا به لطافت حوری
۳۸۸/۱	ناصر خطیب	گر ترا آرزوی صحبت ما می‌باشد
۶۰/۲		گر ترك وداع کرده‌ام معذورم

صفحہ	سرایندہ	مصرع اول
۳۴۴/۱		گرت صد گنج هست آن يك درم نیست
۸۰/۲		گر تو از دوستان شکیبایی
۳۰۹/۲		گرت هوای بزرگیست خرد باش اول
۱۹۴/۲		گر چون سرزلف خویش سرکش باشی
۱۸۱/۱	کمال الدین اسماعیل	گر چه امید وصل تو درست از خرد
۴۹۵/۱		گرچه یادم نکنی هیچ فراموش نئی
۲۰۵/۲		گردی که سم سمندت آفشانند
۱۲۷/۱		گر رفت زنتی ز سر لطف درگذر
۲۴۰/۲		گرفتار سگان گشتن به نخجیر
۳۰۹/۱	ابن یحیی	گر کسی از روزگار اکنون شکایت می کند
۷۱/۲		گر معترلی بزست قوی نیکی
۲۰۵/۱		گرو کنید به می خرقه هزاران بیش
۳۱۱/۱	ابن یحیی	گرومی جوانان نوخاسته
۳۱۴/۱	ابن یحیی	گشتست طبیعت گرومی
۴۲۴/۱		گفت با من دوستی دوش ای پسر
۱۹۱/۲		گفتم مگر خیال تو از دل برون شود
۱۶۵/۲	الفضل الدین کاشی	گفتم همه ملک حسن سرمایه تست
۳۴۷/۱	سلمان	گفتی به غم بنشین یا از سر جان برخیز
۳۰۵/۲		گل را دیدم قبای سبز اندر بر
۱۳۸/۲		گل ساخت ز شکل غنچه پیکانی چند
۱۱۲/۲		گل صد برگ چگونه دمد از خاک سیاه
۳۰۰/۲		گلها که من از باغ وصال چیدم
۲۰۶/۱		گو تیر بلا بار که من سهم ندارم
۵۲۰/۱	نظامی	گوزن جوان را بیکفند شیر
۵۰۲/۱		گویا باد بهار از دور می آید که سرور
۵۵/۱	کمال الدین اسماعیلی	گه شانه زبان در خم گیسوت کشد
۱۶۹/۲	مجدالدین همگر	گیرم که به عمر اجل دهد تأخیرم



مرکز تحقیقات کتاب و اسناد ملی

صفحه	سراینده	مصرع اول
۵۱۸/۱	نظامی	گیرم که خروس پیرزن مرد
۲۰۵/۱		گیسوی تست شب قدر و در او منزل روح
۲۱۲/۱		لاأبالی چه کند دفتر دانایی را
۲۱۱/۱		لاأبالی وار دستی بر جهان خواهم فشاند
۲۱۲/۱		لاله رخا، سمن برا، سرو روان کیستی
۲۱۱/۱		لاله رخا لاله را کی بود این آب و رنگ
۲۱۲/۱		لاله همچون من دلی در اندرون دارد سیه
۲۱۱/۱		لاله‌ی سرمست را داغ صبحی می‌کشند
۲۱۲/۱		لایق پای تو نبود سر سودایی من
۲۱۲/۱		لایق گوهر گفتار نبود گوشم
۴۳۶/۱		لبالبت ز خون جگر پیاله ما
۲۰۶/۱		لبت ز معنی باریک نکته‌ای می‌گفت
۲۰۷/۱		لب و دهان تو را بسا حقوق نمک
۲۰۶/۱		لبیک زنان بر عرفات سر کویت
۲۰۷/۱		لرزه بر سرو فتد خشک بماند بر جا
۲۰۷/۱		لطف تو در شمایل جان آن اثر کند
۲۰۶/۱		لطیفه ایست دهان تو تا که دریابد
۲۰۷/۱		لعنت نهاد اول آیین می‌پرستی
۲۰۶/۱		لعل حیات نخست صد باره ریخت خونم
۲۳۷/۲		لعنت به عمر که ظلم و ناحق فن اوست
۱۷۵/۱	کرسوی	مادر غم منم که غم زاد زمن
۲۸۰/۲		ما را به سر چاه بری دست زنی
۹۸/۲		ما رخت نه از حوا و آدم داریم
۲۰۷/۲		مازار دلی را که تو جاننش باشی
۵۵/۲	عطار	ما ز خرابات عشق مست ألسنت آمدیم
۳۵۰/۱		ما عاشق کس به خوب رویی نشویم
۲۰۷/۱		مامست از آن می‌ایم که مستست چشم یار



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسناد ملی

صفحہ	سرایندہ	مصرع اول
۹۸/۲	رودباری	مایم قلندر و قلندر مایم
۱۶۳/۱		مجال از نفسش کی بود چون نیست
۸۶/۲		مجلس مستان و هوای چمن وفادار
۱۱۴/۱		محمد باب احمد نام احمد خوی احمد جد
۱۲۱/۱		مرا از آنچه کہ پیشت قبول یا نہ قبول
۵۶/۱		مرا اگر تو ندانی عطاردم داند
۳۰۷/۱	ابن یمن	مرا بدرگہ دولت پناہ سرور عہد
۱۱۵/۱		مرا چون از دو گانہ سفرہ خالیست
۲۰۸/۱		مراد خسرو از شیرین کناری بود و آغوشی
۲۰۷/۱		مرا سربلندی ز سودای اوست
۲۰۳/۲		مرا لقمہ نان کہ در خور بود
۲۰۸/۱		مرا وصال تو همچون کمان کشید در خود
۲۰۸/۱		مرا ہر زخم شمشیرت نشان دولتی باشد
۳۰۵/۱	ابن یمن	مردمان با یکدگر دائم نزاعی می کنند
۳۴۴/۱		مردم دیدہ بہ دامن گہر از چشم یافت
۴۶۰/۱		مردم شہرم بہ می خوردن ملامت می کنند
۲۸۱/۲		مرغان او ہر آن چہ از آن آشیان پرید
۱۵۴/۲	سنایی	مر مرا باور نمی آید ز روی اعتقاد
۱۰۵/۲		مر مرا داد خواجہ دستاری
۱۱۴/۲		مسکین حریص در ہمہ عالم ہمی دود
۳۵۷/۱		مشک از سر زلف تو گرفتم بی شک
۲۷۰/۲		مشک ختنی بہ گرد مویت نرسد
۳۲۰/۱		مشو سرگذشت عیاری
۳۳۱/۱		مصطفی و اہل بیت پاک او بی هیچ شک
۱۸/۲		معرفت قدیم را بعد حجاب کی شود
۱۰۹/۲	ابوعلی سینا	معشوق جمال می نماید شب و روز
۵۹/۲		مقلوب مرادف خضم گو



مرکز تحقیقات کتاب و اسناد ملی

صفحه	سراینده	مصرع اول
۲۰۸/۱		مگذار هوای دل و آب دیده‌ام را
۲۹۴/۲		مگو در نفس درویشان هنر نیست
۲۴۷/۲	مخزن‌الاسرار	ملك سليمان مطلب كان كجاست
۲۰۸/۱		من بیمار می‌میرم ز درد آنکه يك ساعت
۱۶۷/۱		منت خدای را که هرآنچه آن مراد بود
۳۰۷/۲		من حاصل عمر دادم از دست و برفت
۲۰۷/۱		من سزاوارم بخون دیده و دل لاجرم
۱۳۷/۲	مقبل	منم آن مفلسی که همت من
۲۰۴/۲	قاضی اصفهانی	مهتاب و شراب ناب و معشوقه خراب
۴۹۵/۱		میان شهر جمالست و صد هزار ملامت
۵۲۴/۱	جلال‌اناری	می بین رخ جانغزای ساقی
۱۱۰/۲		می صرف وحدت کسی نوش کرد
۳۰۸/۲		می کشی خط و می کشی عاشق
۵۷/۲	همام	می کوش که تا ز عشق دردی بکشی
۵۱۹/۱	نظامی	می و نقل و شراب و یاری چند
۲۰۹/۱		ناتوان چشم توأم گر چه بزهار آورد
۲۳۴/۲		ناخوانده نزد کس مرو آر مرد عاقلی
۴۳۰/۱	انوری	نافه آهر شدست ناف زمین از صبا
۳۰۷/۲		ناگه شب دوش لعبت نورانی
۵۹/۲		نام آن شه کاسمان سلطان حسنش نام کرد
۲۰۹/۱		نام من در ورق هیچ کسان گو بنویس
۲۰۹/۱		نامه عشق شد ز دست تو طی
۸۶/۲	وفادار	ناید آن شام که فرداش بود ماه صیام
۲۳۸/۲	اسکندرنامه	نباید که باشد ترا این خیال
۲۳۸/۲		نبود از تیغها بر لب شاه
۱۳۷/۲	نصیرالدین طوسی	نبود مهتری چو دست رسد
۳۱۳/۱	ابن یعین	ندانم از چه به کینم میان بیست سپهر

صفحہ	سرایندہ	مصرع اول
۳۱۲/۱	ابن یمن	نسیم باد صبا جز تو کیست کز بر من
۱۱۲/۲		نسیم گل چو بہ خلق ما نسبتی دارد
۲۰۸/۱		نشان طاق ابروی ترا پیوستہ می پرسم
۱۰۲/۲	ابو سعید بہادر خان	نشست عشق تو بر تخت دل بہ سلطانی
۳۶۱/۱		نشکست کس بہ پستی ز ریشہ حرص را
۲۰۹/۱		نظر من ہمہ بر تست و اگر گہ گاہی
۲۰۸/۱		نظری بر صف مستان فکن از گوشہ چشم
۲۰۹/۱		نماز خفتن بیگاہ مست لایعقل
۳۶۴/۱	فرج اللہ نیریزی	نوشتہ ام ز سر سوز نامہ می من مست
۳۵۷/۱		نوگ قلم کمینہ شاگردانت
۴۳۱/۱		نہاد از حوصلہ زاغ سیہ پراوحدی
۲۰۹/۱		نہ جای آنکہ در کوی وصال یار بنشینم
۲۷۱/۲		نہ ہر کو آید از کوی بود با دعوت موسی
۴۴/۲		نہ ہر کہ زاد جامش پر نوش کند
۱۴/۲		نہ ہر وقتم بہ یاد خاطر آبی
۲۱۱/۱		و نفاق تست درونم نمی دہد دل بار
۲۱۱/۱		و جہی کہ بدان وجہ توان زیست ندارم
۲۰۴/۱		وز آن قد و قامت قیامتست قیامت
۲۱۱/۱		وصل با فردا فکندی عمر را ہم عہدہ کن
۲۱۰/۱		وصلت بہ جان خریدن سہلست اگر بر آید
۲۱۱/۱		وعدہ دادی کہ کام دل دہمت
۱۴۰/۲		وعدہ و قول صاحب آفاق
۳۶۵/۱	فرج اللہ نیریزی	وقت سحرست خیز ای مایہ ناز
۲۱۱/۱		وقتی اختر بودی از چشمم روان
۱۶۷/۱		وقتی ز ما یاد آمدی ہر ہفتہ آمان را
۲۱۰/۱		وقتی کہ پریشی کنی اصحاب درد را
۳۹۰/۱	قطب الدین شیرازی	ویرانی این مدرسہ می اسباب



مرکز تحقیقات کتاب و اسناد ملی

صفحه	سراینده	مصرع اول
۵۶/۲	همام	هر آن نوا در لطفی که واقعست زدهر
۴۳۳/۱	کمال اسماعیل	هر چشمداشت کز فلک سزاداشتیم
۲۱/۲		هر چند چرخ تیر جفا می‌زند مرا
۲۱۰/۱		هر چند نداری نگه این دل سوخته را
۳۲۳/۱		هر چه آواز و نقش آوازه‌ست
۳۸۹/۱	اسماعیل فالی	هر چه بر من می‌رود از جور و ظلم
۱۹۲/۲		هر دل که میل آن سر زلف دو تا کند
۳۴۶/۱	امام‌رازی	هر دم دل خود را چو سر میم کنی
۱۷۵/۱	کرسوی	هر صباحش غمی از دور فلک پیش آید
۳۴۰/۱		هر فسادی که در جهان آید
۷۸/۲		هر کجا داغ بایدت فرمود
۲۱۰/۱		هر کجا مرغ دلی بال گشاید فی الحال
۲۷۰/۲		هر کسی را جام او با جان او همسان کنند
۳۰۸/۱	ابن‌یمین	هر کو درین زمانه طلب‌کار منصبیست
۹۷/۲	نجم‌الدین‌رازی	هر که را این عشق بازی در آزل آموختند
۳۲۱/۱		هر که روزی آن لب و دندان بدید
۲۰۹/۱		هرگز نگار دست من و دست من نگار
۳۶۰/۱		هر وزیر و عالم و شاعر که او طوسی بود
۵۳/۱	کمال‌الدین اسماعیل	هست روشن دل و تو پرتو بر صورت چشم
۲۱۰/۱		همان بهتر که سر عشق جانان
۲۱۰/۱		همچو خاکم بر سر راه صبوری معتکف
۵۶/۱		همراه طلب کن که طلب کردن همراه
۲۱۰/۱		همه در طره گیسوی تو نتوان پیچید
۱۶۶/۲		همه شبهای تو چون روز جوانی خرم
۱۳۸/۲	مرزوقی	همه ملک دنیا به نانی نیرزد
۱۷۰/۱		همی خواست صبرم که بر خیرد از جای
۲۱۰/۱		هنگام وداعت سخن این بود که من زود

صفحہ	سرایندہ	مصرع اول
۲۴۶/۲	خاقانی	ہوارا راہ دہ لیکن نہ آن راہی کہ دل خواهد
۴۳۲/۱	انیر	ہوازان سان خنک شد کز جنان حورا ہمی گویند
۲۰۹/۱		ہوای عشق تو در جان من نہ اکنون خاست
۱۶۴/۱		ہیجت غم ہیچکس نداری
۱۶۵/۲	سنایی	ہیچ دل را بہ کنہ او رہ نیست
۲۱۲/۱		یا تو گنجی در این میان یا دوست
۳۸۹/۱		یاد دارم کہ پدر پند ہمی داد مرا
۲۱۲/۱		یارا بہشت ، صحبت یاران ہمدم است
۵۱۶/۱		یاران کجاوہ ، غم ندارند
۳۱۳/۱	ابن یمن	یا رب چہ موجبست کہ روزی نگفت شاہ
۵۰/۲		یارب دل عاشقان عالم چونست
۶۳/۲		یارم رہ و رسم عشق نیکو داند
۲۱۲/۱		بار من چون ماہ گہ پنهان و گہ پیدا بود
۲۱۳/۱		یاری آنست کہ زہر از قبلش نوش کنی
۲۱۳/۱		یاری اکنون کن کہ یارانت ز کار افتادہ اند
۳۵۶/۱		یا قوت لبش کہ حقہ پر سیماست
۲۱۳/۱		یعلم اللہ کہ خیالی ز تنم بیش نماند
۲۱۳/۱		یک امشبم کہ خم ابروی تو محرابست
۳۹۰/۱	قطب الدین شیرازی	یک چند بہ یا قوت تر آلودہ شدیم
۱۶۹/۲	ہمگر	یک دل چہ کند ہزار جان بازی کرد
۱۴۵/۲	بلیانی	یک ذرہ فقر اگر بہ صحرا بودی
۳۹۰/۱	کمال الدین اسمعیل	یک شب بہ برم تنگ چو پیراہن گیر
۳۶۱/۱		یکی خرسند در کنجی ز جابلقا خورد روزی



مرکز تحقیقات و ترویج علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فهرست مطالب

۷ مکتوب منشی الممالک
۹ فتح نامه اصفهان
۱۳ جواب صدر الدین محمد فرزند شیخ جام
۱۹ جواب معین الدین خراسانی
۲۳ مکتوبی در اشعار مختلف
۲۴ اشعار قاضی نظام الدین اصفهانی
۲۵ اشعار ابن بطاح و نبطویه
۲۵ اشعار بدیع طوسی و خالد کاتب
۲۶ اشعار شهید عمیدالدین
۲۷ اشعار شریف
۲۹ مکتوب سلیمان بن محمد بن سلیمان
۳۰ احادیث تزویج علی و فاطمه <small>علیها السلام</small>
۳۴ خطبه نکاح امیرالمؤمنین و فاطمه <small>علیها السلام</small> و کیفیت آن
۳۹ مکتوبی در سال ۹۱۴
۴۱ مکتوب محمد بن ابراهیم سروستانی
۴۴ عقل و تعذب و حمق
۴۶ محبت و عشق
۴۹ مکتوب خلیفه بن علی
۵۰ اشعار ابو سعید ابوالخیر
۵۳ مکتوب قاضی در اشعار و معنیات
۵۴ اشعار مجنون عامری
۵۵ عجمیات شیه عطار
۵۷ اشعار نجیب جرفادقانی و سنایی
۵۹ معنیات



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۶۱ مکتوبی در اخلاقیات و آثار و اشعار
۶۵ مکتوب مولی احمد
۷۲ مواعظ و ادعیه
۷۶ لطایف کلام اکابر ملکوک
۷۹ حکایت درویش و سلطان محمود
۸۰ حکایت روستایی به حج رفته
۸۱ اشعار کمال‌الدین اسماعیل
۸۵ مکتوب ابواسحاق فخر و قادار
۹۱ مکتوب قطب‌الدین باغ‌نوی
۹۶ مدح سید المرسلین <small>صلی الله علیه و آله</small>
۹۷ اشعار نجم رازی و شیخ مرشد
۹۸ اشعار رودباری و زاهد کبیر
۹۸ اشعار ملک الشعراء امامی
۹۹ اشعار محمد بن خفیف
۱۰۱ اشعار کمال‌الدین اسماعیل
۱۰۲ اشعار بهادر خان
۱۰۳ اشعار ابو سعید ابو‌الخیر
۱۰۴ قانون الحکمة
۱۰۴ اشعار سلطان وقت
۱۰۵ لطیفه
۱۰۷ مکتوب حسن شاه ایچی
۱۰۸ معرفة الله
۱۰۹ توحید
۱۱۰ مکارم و تساوی اخلاق
۱۱۳ قناعت، طمع و ترک دنیا
۱۱۴ عقل و جهل و حقیق و کیاست
۱۱۷ مقامات
۱۲۰ مقالات



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

- ۱۲۱ آداب شریفہ و اخلاق مبارکہ مصطفوی
- ۱۲۹ مکتوب علاء الدین ابن خواجه عمید الملک
- ۱۳۵ حکایت زین العابدین علیہ السلام و دخترک گریان
- ۱۳۶ حکایت کودکان در نزد پیران
- ۱۳۶ حکایت نو عہدی با امیر مؤمنان علیہ السلام
- ۱۳۷ حکایت مسترشد خلیفہ
- ۱۳۷ اشعار
- ۱۴۲ مکتوب شرف الدین بلیانی
- ۱۴۹ مکتوب سید صحیحی
- ۱۵۱ مکتوب عبدالرحمن بن احمد
- ۱۵۳ مکتوب حسینی قاضی خراسانی
- ۱۵۵ مکتوب شرف الدین فضل اللہ
- ۱۵۶ منشآت فریدون بن عکاشہ
- ۱۷۱ مکتوبی در اشعار فارسی
- ۱۷۵ مکتوب عزالدین مطہر
- ۱۸۲ ملح الکلام
- ۱۸۵ اشعار کاتب
- ۱۹۷ مکتوب محمود بن عبدالملک سمنانی
- ۲۰۷ کلام الملوک
- ۲۱۳ مکتوب جلال الدین منشی
- ۲۳۱ مکتوب جمال الدین ساوجی
- ۲۳۳ نعت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم
- ۲۳۶ مجلس توحید از خسرو و شیرین
- ۲۳۸ اشعاری از اسکندر نامہ
- ۲۴۰ اشعاری از خسرو و شیرین
- ۲۴۱ توحیدیات
- ۲۴۲ نعت خاتم النبیین صلی اللہ علیہ وسلم
- ۲۴۵ مواعظ و نصایح و تنبیہات



مرکز تحقیقات کتابت و اسناد ملی

۲۴۹	مکتوب نظام‌الدین محمود صاعد
۲۶۰	برخی از اخبار رشید
۲۶۲	وصیت بعضی از محققین
۲۶۳	مطلبی از ربیع الأبرار
۲۶۴	اشعاری از عوارف المعارف
۲۶۴	املاء برهن‌الدین قدیری
۲۶۴	املاء برهان‌الدین قدیری
۲۶۴	اشعار منسوب به فاطمة زهرا <small>عليها السلام</small>
۲۶۷	مکتوب شرف‌الدین (حسینی)
۲۷۱	فضل العقل
۲۷۲	متنور الحکم
۲۷۴	ادب‌الدین
۲۷۹	آداب الصوفیة
۲۸۲	دعای فرج از اندوه و غم
۲۸۳	نماز حاجت
۲۸۳	دعای دفع بلیات
۲۸۵	مکتوب صدرالدین بزهدش
۲۹۰	حکایتی از سهروردی
۲۹۲	حکایتی از جریری جانشین جنید
۲۹۳	حکایت ناصر خلیفة بغداد
۲۹۵	مکتوب ملک سلمانی
۳۰۲	حکایت ذوالنون مصری
۳۰۲	حکایت پیرزن و مستمند
۳۰۳	حکایت عامر بن قیس
۳۰۳	حکایت برخوردار اصمعی یا پیرزن در طواف
۳۰۴	دعا
۳۱۳	مکتوب نظام‌الدین هاملی
۳۱۴	نصیحت و موعظه



مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۳۱۵	اشعاری در نسیب
۳۲۰	مناجات
۳۲۹	مکتوب ریاض الدین ابو مسلم
۳۳۰	لطائف الأقوال
۳۳۵	مکتوب رکن الدین صاعد
۳۳۶	اشعار فرزدق و قضیه هشام
۳۳۹	مکتوبی از کشکول شیخ بهائی
۳۴۰	تکلم سلمان فارسی با اموات
۳۴۵	مکتوب جمال الدین حاجی (غرائب الأخبار و نوادر الآثار)
۳۴۶	باب اول: در عقل و عقلا
۳۵۳	باب دوم: در علم علما
۳۵۸	باب سوم: در حکمت و حکما
۳۶۲	باب چهارم: در فقر و فقرا
۳۶۷	باب پنجم: در جود و غنا
۳۷۳	مکتوب جمال الدین نعمان
۳۷۴	از منشآت جلال الدین در باره زنیور
۳۷۵	مقطعاتی از وی
۳۷۷	دعوت روز عید
۳۷۸	دیگر منشآت
۳۸۰	الرسالة الرحیقیه
۳۸۳	مکتوب شمس الملة محمد صوفی
۳۹۰	حکایت غضب کسری در بعضی خدمه
۳۹۴	رقعه‌ای منظوم
۳۹۵	لغز، هجاء و هزل
۳۹۶	مطایبه
۴۰۱	مکتوب محمود
۴۱۱	مکتوب یکی از متأخرین



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۴۲۱	فهرست آیات
۴۳۳	فهرست روایات
۴۵۵	فهرست نام اشخاص
۴۶۷	فهرست جایها
۴۶۹	فهرست کتب
۴۷۱	فهرست اشعار عربی
۴۹۷	فهرست سروده‌های فارسی
۵۲۷	فهرست مطالب



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

